Columbia University
in the City of New York

THE LIBRARIES

صورت اغلاط کتاب حاکیه بشده در هنگام جمع و سنگ اتفاق افتاده

صفحه	سطر	چنین است	چنین باید باشد
۱	۴	حاشیه بحر المذاق	
۲	۱۵	بخلو	بخلو
۴	۹	حطوة	حطوة
۴	۲۲	وافت	وافت
۶	۱۴	الغالیه	الغالیه
۷	۱۶	منتها	منتها
۸	۱۱	خربوذ	خربوذ
۹	۲۱	یقوی	یقوی
۱۰	۹	رواه	رواه
۱۵	۱۴	البیهقی	البیهقی
۱۲	۱۰	خصیصا	خصیصا
۱۴	۱	حمزة	حمزة
۱۶	۵	اخی	اخی
۱۷	۱۷	بالفرعاء	بالفرعاء
۱۸	۳	الاحوص	الاحوص
۲۵	۱۲	غلو	غلو
۲۶	۱۱	والنغبة وکتاب	والنغبة وکتاب
۲۶	۱۳	مشوفیا	مشوفیا
۲۹	۱۹	الحنیه	الحنیه
۳۰	۱۰	لان ابن	لان ابن
۳۲	۳	صدیقالی	صدیقالی
۳۵	۱۴	وهو صبغه	وهو صبغه
۳۶	۳	المذاری	المذاری
۳۶	۱۲	خیر	خیر
۳۶	۱۶	فنحه ذبیان	فنحه ذبیان
۳۸	۱۸	اسامه	اسامه
۳۹	۵	روایه	روایه
۴۰	۱	فطن	فطن
۴۰	۴	والنوی عرج صلب	والنوی عرج صلب
۴۱	۲۱	مولی	مولی
۴۴	۶	خلاد	خلاد
۴۵	۷	حفیسه	حفیسه
۴۷	۶	وولدیها	وولدیها
۴۸	۲	اخی	اخی
۴۸	۱۵	فص	فص
۵۰	۲	خیر من	خیر من
۵۳	۲۱	عواء الهائم	عواء الهائم
۵۳	۲۲	فنعرض	فنعرض
۵۵	۵	اوجههم	اوجههم
۵۷	۵	طرخان	طرخان
۵۸	۱۱	حرث	حرث
۵۸	۱۴	الضبعی	الضبعی
۵۹	۷	عبد الله الحقق الله	عبد الله الحقق الله
۵۹	۱۷	فی قابله	فی قابله
۶۱	۱۱	طبیان	طبیان
۶۴	۳	حبیش	حبیش
۶۵	۱	ثوبرا اشقوق ... مدا	
۶۸	۱۵	بفعته	بفعته
۶۸	۱۹	والحاء المهملة	والحاء المهملة
۷۵	۲۵	وبجد	وبجد
۷۲	۲۵	والبر	والبر
۷۷	۷	الاعظم	الاعظم
۷۹	۴	جارود	جارود
۸۲	۷	کذبا	کذبا
۸۳	۱۷	رواته	رواته
۸۳	۲۱	الف عندی	الف عندی
۸۹	۵	حسن کثیر	حسن کثیر
۸۹	۱۲	الخریج	الخریج
۹۰	۷	ثقة عین	ثقة عین
۹۱	۱۳	الطیب بن	الطیب بن
۹۱	۲۲	الرعشی	الرعشی
۹۲	۲۵	بتحاده	بتحاده
۹۳	۵	عنبسه	عنبسه
۹۴	۱۹	الغبرات	الغبرات
۹۸	۸	الانتقاد	الانتقاد
۱۰۸	۱۸	جش	جش
۱۰۹	۱۸	زاد الفراریه	زاد الفراریه
۱۱۰	۶	واقفی	واقفی
۱۱۰	۱۵	المختار	المختار
۱۱۱	۲	عنه احمد	عنه احمد
۱۱۴	۸	عنبسه ابو	عنبسه ابو
۱۱۵	۱۴	ان قوله	ان قوله
۱۱۶	۱	ابا المستهل	ابا المستهل
۱۲۳	۱۸	وضعه	وضعه
۱۲۶	۲۲	قال علی	قال علی
۱۲۷	۳۲	ابی هند	ابی هند
۱۲۹	۱۴	العری	العری
۱۲۹	۱۷	واتونه	واتونه
۱۳۱	۱۵	احدا	احدا
۱۳۱	۱۷	والقدر امم الحسن	والقدر امم الحسن
۱۳۱	۲۵	وفیات ۱۰ دیاناوکا	وفیات ۱۰ دیاناوکا
۱۳۲	۱۴	عند ترجمه	عند ترجمه
۱۳۳	۱۲	مسلبه	مسلبه
۱۳۴	۱۳	جش	جش
۵		الرای	الرای
۱۳۵	۲	المعلی	المعلی
۱۳۵	۲۱	عروسین	عروسین
۱۳۶	۳	للذکره	للذکره
۱۳۶	۱۹	مادسنه	مادسنه
۱۳۸	۱۵	فلست اصل	فلست اصل
۱۴۲	۱	کش ع	کش ع
۱۴۲	۱۹	بن للبیع	بن للبیع
۱۴۲	۳۱	جهم الحلالی لتتم	جهم الحلالی لتتم
۱۴۳	۹	خفیف	خفیف
۱۴۳	۱۰	بن شنبه	بن شنبه
۱۴۴	۱	حدثنا اسحق بن	حدثنا اسحق بن
۱۴۴	۲	اسمعیل بن عبد الله بن قسطنطین	اسمعیل بن عبد الله بن قسطنطین
۶۵		امنا انا	امنا انا
	۷	انتهی	انتهی
	۱۸	فلم یمکنی	فلم یمکنی
	۱۸	الکمت	الکمت
۱۴۵	۸	الطا بفتح ثقلها کثیر	الطا بفتح ثقلها کثیر
۱۴۵	۱۰	وقسطنطینه	وقسطنطینه
	۱۳	ابو جندب	ابو جندب
	۱۹	بن عطیه	بن عطیه
	۲۱	وکذا به وکفر	وکذا به وکفر
۱۴۶	۱۱	لانکنی	لانکنی
۱۴۶	۲۰	الشایع	الشایع
۱۴۸	۱۸	سعد الاسکاف	سعد الاسکاف
۱۴۹	۷	لغاته	لغاته
۱۴۹	۱۰	وصنف	وصنف
۱۵۰	۱۴	عذاقر	عذاقر
۱۵۱	۶	لتنح	لتنح
۱۵۲	۱	موتیه	موتیه
۱۵۲	۶	الاسد	الاسد
	۱۴	ابن عقده وابن	ابن عقده وابن
	۲۲	السمان	السمان
۱۵۴	۹	یاکل ولا یشبع	یاکل ولا یشبع
۱۵۶	۷	ا- سلار	ا- سلار
	۱۲	وعلی	وعلی
۱۵۷	۵	حرزاد	حرزاد
۱۵۸	۷	انبرون	انبرون
۱۵۹	۱۹	وجه الحکم	وجه الحکم
۱۶۲	۱۷	مستنبهین	مستنبهین
۱۶۳	۱۸	لهم منا الحسنی	لهم منا الحسنی
۱۶۵	۱۶	عمر معتمد	عمر معتمد
۱۶۷	۱۲	یاخذ الرایه	یاخذ الرایه
۱۷۰	۲۲	بن الحندی	بن الحندی
۱۷۱	۸	اخیه غاد	اخیه غاد
۱۷۳	۱	احب بقائهم	احب بقائهم
۱۷۶	۱۱	ضبته وقتل	ضبته وقتل
۱۷۸	۴	عام احد	عام احد
۱۸۳	۱	وکثیر النوی ایضا	وکثیر النوی ایضا
	۱۹	خلق غض	خلق غض
۱۸۴	۱۲	دحمان	دحمان
۱۸۷	۴	سعد بن سلم	سعد بن سلم
	۲۰	وفاه	وفاه
	۱۹	الفتاح فی	الفتاح فی
۱۹۱	۱۸	تدعه	تدعه
	۲۲	وثقوه حافظته	وثقوه حافظته
۱۹۲	۲	کما ذکره ابن	کما ذکره ابن
	۱۷	صدوق	صدوق
	۱۲	عند بیع	عند بیع
	۱۹	بن ابی اوفی	بن ابی اوفی
۱۹۳	۱۹	الجنه	الجنه
۱۹۴	۱	ابو هفان	ابو هفان
	۳	بالبصره	بالبصره
۱۹۵	۱۷	بن الحرکان الحر	بن الحرکان الحر
	۲۲	فاسدا	فاسدا
۱۹۶	۷	غیر ظاهر	غیر ظاهر
۱۹۸	۱۳	محلاه والبغره	محلاه والبغره
	۱۵	ذی قط ولا شریب	ذی قط ولا شریب
۱۹۹	۱۹	بن سبا	بن سبا
۲۰۲	۱۶	عزیه	عزیه
۲۰۳	۸	الموجوده	الموجوده
	۱۳	محل وفی منزلی	محل وفی منزلی
۲۰۴	۳	فانا معکم	فانا معکم
۲۰۵	۸	کیف تجدکم	کیف تجدکم
	۱۵	تما سخی	تما سخی
	۱۲	نعم فقلت له	نعم فقلت له
۲۰۷	۱۴	وجعت	وجعت
۲۰۸	۱۸	وکنت واقط	وکنت واقط
۲۰۹	۷	رسالته	رسالته
	۱۱	النحاس	النحاس
	حاشیه	حقا الله	حقا الله
۲۱۰	۳	صفته شاه وبسته	صفته شاه وبسته
	۱۲	الحران	الحران
۲۱۱	۲	مستنبهین	مستنبهین
۲۱۲	۱۱	للاتنک	للاتنک
۲۱۳	۲۲	المادرانی	المادرانی
۲۱۴	۸	لتنبه	لتنبه
	۲۱	فتنفرد	فتنفرد
۲۱۵	۳	یمکنی اصحابنا	یمکنی اصحابنا
۲۱۶	۲۲	لنحته بروبها	لنحته بروبها
	۱۸	کنا	کنا
	۱۰	ذکر الفضل	ذکر الفضل
۲۱۷	۵	العربان	العربان
۲۱۹	۳	العرس	العرس
۲۲۴	۵	وذهادهم	وذهادهم
۲۲۵	۱۵	هذه الکتب	هذه الکتب
۲۲۷	۹	کتاب الامامه	کتاب الامامه
۲۲۹	۷	فاخذ	فاخذ

صفحه	سطر	چنین اصلاح شود
۲۲۹	۸	بن الحسان
۲۳۰	۲۰	وقلما
۲۳۱	۴	شاه وزان
۲۳۲	۴	مروج
۲۳۶	۷	مسنونة
۲۳۸	۲۵	تقال الثانی
۲۴۳	۱۴	الغزالی
۲۵۱	۲	الازدی
۲۵۳	۵	عبد الرحمن
حاشیه	۱۵	وتوفی عند
	۱۵	وفیها فیه
۲۵۳ حاشیه	۱	الفهرست
۲۵۶	۳۲	الهرا
۲۵۷	۵	جبا ومن الجبابرة
۲۶۳	۴	القراء
۲۶۳	۸	بروج
۲۶۴	۲	الحصری
۲۶۴	۲	ماهویه
	۶	ابوداود المستری
۲۶۷	۱۲	الصائغ
	۱۸	الاثنی عشریة
۲۷۵	۱	العنوی
۲۷۲	۳	ووفا
۲۷۵	۲	وافضلهم
۲۷۷	۲۱	حماد
۲۷۹	۱۶	الغنزی
۲۸۰	۱۸	الذی یظهر من کلامها
	۲۱	عنایة
	۲۲	الحضرمی
۲۸۲	۶	ان تعضه
۲۸۵	۲	الجنابی
۲۹۴	۱	بد الومنی
۲۹۳	۵	ان الفضل
	۱۲	وکان ثقة
۲۹۶	۱۴	جلبل
۲۹۷	۱	بلهوی
۲۹۸	۴	فی الثامنین
	۱۸	الزینبی
۳۰۲	۱۵	نفقه
	۱۳	بن سعد
	۱۴	زهل ابو
	۱۵	الیاشر
	۲۱	سفرجلة
۳۰۴	رقم	ابن جعفر بن محمد حبش
	۱۱	حدیث یونس
۳۰۷	۱	وقار الزاهی
	۵	صنعهما

صفحه	سطر	چنین اصلاح شود
۳۱۱	۷	وقال الشهید
۳۲۰	۵	الامر بشالة مسائل
۳۲۷	۷	ومشافهة
۳۳۱	۱	عنی
	۲	فوطئها
	۱۳	لمصنفات
	۱۶	وغیرذلك
	۱۷	الحادی
۳۳۲	۸	کلها ست
۳۳۷	۱۴	الحضری
۳۳۸	۲۱	بهزه
۳۳۹	۹	المغیشی
۳۴۱	۸	فتلتا
۳۴۱	۱۰	ثنائی
	۱۸	العزیز الکونی
۳۴۲	۲	عصته
۳۴۲	۳	زدیق
	۶	مهلهل
	۲۲	هناك
۳۴۴	۱۶	ماسك
۳۴۵	۱۹	خوراست
۳۴۶	۱۳	النوبختی
۳۴۶	۲۰	الکتب نسخه
	۱	حسین بن معاذ
۳۴۷	۲۱	الائمة
۳۴۷	۱۴	الجوهری
۳۴۸	۱۹	احمد بن نهیك
۳۴۸	۳	خبرهم
۳۴۹	۶	اذاع سر
۳۵۱	۱۶	الحنفی
۳۵۲	۱۵	الکیس الذی
۳۵۳	۶	بتتبع
۳۵۳	۲۲	ولکنه امن
۳۵۶	۱۶	النمری
۳۵۸	۱۳	العز الکونی
۳۵۹	۵	بحمد النهار
۳۵۹	۱۱	اری
۳۵۹	۱۳	وابرع
	۱۶	حدثنا اشیخ
۳۶۰	۴	نبیسة
	۱۴	بن فضال
۳۶۰	۲۰	لناجیة
۳۶۱	۲۳	نصلة
۳۶۲	۳	وزیاد القیسی
۳۶۲	۲۵	نصلبن دوه
۳۶۲	۲۱	احمد الکونی
	۲۲	وبن شعبة

صفحه	سطر	چنین اصلاح شود
۳۶۳	۷	فسددت
	۱۲	وائل
۳۶۴ حاشیه	۱	احواله
	۱۳	الغساق
۳۶۵	۸	بعید هذا
	۱۶	الصنعانی
۳۶۵	۱۸	الکشی
۳۶۸	۱۳	وکوهنه ابو یعقب
	۱۷	سفیان
۳۶۸	۲۰	کان یروی
۳۶۹	۷	اغسالك ... لیلة
۳۶۹	۸	نعثانی
۳۶۹	۱۱	من سبی
	۱۳	ان الله
۳۷۰	۳	قال لبکیت فسکت
	۱۱	کلاهما
۳۷۲	۳	الفتیه
	۸	واخوه
۳۷۲	۱۰	یسلونه حتی ینتهوه
	۱۲	فان لم تستدفئه
	حاشیه ۲	بما
۳۷۳	۳	انکم ..... باعینکم
۳۷۳	۴	القرآن کونی
۳۷۵	۱۳	الی بصیر
۳۷۶	۱۵/۱۸	نصلة
۳۷۶	۱۹	محمد بن معد
۳۷۷	۲۱	نوادره
۳۷۸	۱۳	افبل نسخه اقبلا
۳۷۸	۱۴	اشتق نسخه استوجب
۳۷۹	۵	کان المنصور
۳۷۹	۱۷	لابن الحسن
	۲۵	فیغسل
	۲۵	وغیره عند
۳۸۱	۸	من جله
۳۸۱	۲۵	اخذ
	۱۱	لاتخلیه ..... حمه
	۱۴	مراد
۳۸۲	۱۴	فطحیین
۳۸۳	۲۱	ابو نجیم
۳۸۴	۸	ابی عوف
	۲۵	ابی داهر
۳۸۶	۱۸	دارم
۳۸۸	۳	خوبس
۳۸۹	۱	بن عبیدالله
۳۹۰	۵	لحفوا
۱	۱	الفزاری
۹	۲۵	الضعفاء

صفحه	سطر	چنین اصلاح شود
۳۹۱	۳	من جمله
۳۹۴	۱۳	والزیات
۳۹۵	۷	اسمه اذان
۳۹۶	۱۷	والمسنین بن یزید
۳۹۷	۱۶	ولیث بن
۳۹۸	۳	بن حنیف
۴۰۰	۱	تراث ..... فالفلانیة
۱	۱۳	حضیره
۴۰۲	۱۵	الاحمسی
۴۰۳	۸	صحمه
۴۰۳	۲۰	الشحام
۴۰۴	۹	یوسف
۴۰۴	۱۹	عنیسة
	۱۳	ابن طبال
۴۰۵	۹	ابن الفادسی
۴۰۵	۱۷	نهیك اسمه
۴۰۷	۲۰	خورا
۴۰۹	۲	توجیه
۴۰۹	۱۵	العباح
	۲۱	محمد بن جریر بن رستم
	۲۲	شعر
۴۱۴	۸	رویناه جمیعا
۴۱۵	۱۵/۱۹	بغداد
۴۱۶	حاشیه	ازینه
۴۱۷	۱۳	یجمع
۴۱۸	۳	والی حمید
۴۱۸	۱۶	مهزیار
	۱۸	عبیدالله
۴۱۹	۱۶	للحنوف
۴۱۹	۲۱	الیمانی
۴۲۰	۱۱	السقا
۴۲۰	۱۵	الی الحارث
	۲۰	خالد بن عاد
۴۲۳	۴	حنظله
۴۲۴	۳	جیفر
۴۲۴	۸	وکما شاؤه ما
۴۲۵	۱	کان حسنا
۴۲۵	۱۴	العرد سبنك
	۱۴	حسن
	۱۷	ابی ثمامه
۴۲۶	۱۱	نجاذره
۴۲۶	۱۶	ومقلدی
	۱۵	منابزة
	۱۴	فی کتب
	۱۲/۱۳	لاتبنی
	۱۶	کتاب المضحیت
	۸	ودیه

کتابخانه سعید نفیسی

۷۱۸

نقد الرجال

تالیف

السید العالم العلامه

افاميرمصطفى التفرشى

تاريخ تاليف ۱۰۵۱ سنه

طهران

۱۳۱۸

سنه

حقوق طبع محفوظ

نمی نماند که چون رجال مرحوم میرمصطفی کابی است منقح و مختصر و معتبر و مطبوع خواطر ارباب علم و سدید بزرگوار خیلی رغبت در تالیف آن کشیده و هنوز بجلیهٔ طبع نیامده حقیر عبد الغفار محض خدمت شریعت مطهره و تسهیل امر طلاب اقدام در طبع این کتاب مستطاب نموده نسخه باسلوبی پسندیده و خطی خوش و واضح ترتیب داده و هنگام مقابله و تصحیح بعضی اشکالات روی داد که اسباب تعطل و تردید شد پس در صدد نسخه صحیحی برآمد و بمضمون من طلب شیئا وجد و جد از حسن اتفاق نسخه صحیح اصلی بخط شریف خود سید جلیل مؤلف سراغ نموده برخمات ذیاد و مبلغ گزافی خریداری نمود و نسخه را از آن رو تصحیح و مقابله کرد و مرحوم سید جلیل در آخر کتاب که بخط اعجاب است عبارت ذیل را مرقوم نموده و بخاتم شریف مهر نموده

لقد بذلت جهدی و صرفت سعیی و استعملت طاقتی فی تالیف هذا الکتاب بقدر ما وصلت الیه فطنتی الفاصره فی هذا الزمان مع تراکم صروف الدهر المکدره للنفوس والافکار وفرغت من تالیفه فی الشهر الثلث هو شهد الشهود من شهور سنه ۱۰۵۱ وانا احوج خلق الله تعالی الی کرمه مصطفی بن الحسین الحسینی التفرشی وانا ارجو ان یتقبل الله سبحانه ذلک منه وکرمه انه کریم رحیم

امین وینبغی کل ما قد کتبته فنا لیف من یقرء کابی دعا لنا

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله خالق الليل والنهار العالم بجهتا
الضمائر والاسرار والصلوة والسلام على نبيه
محمد سيد الابرار ونور الانوار وخليفته
امير المومنين الذى قال فى شانه الكرار غير
الفرار وذرية الاطهار الى يوم القرار

اما بعد فيقول الفقير المحتاج الى
رحمة الله الغنى مصطفى بن الحسين الحسينى التفرشى انه لا
شك ولا ارتياب فى ان علم الحديث والاثار من
اشرف العلوم الاسلامية قدرا واحسنها وا
اعظم العلوم الدينية اجرا وانفعها والحكم بصحة
الاحاديث وضعفها موقوف على العلم باحوال
الرجال ولما تطرق فى كتب الرجال فمقرب بعضها
لم يرتب ترتيبا يسهل منه فهم المراد مع هذا

لا يخلو من تكرار وسهو وبعضها وان كان حسن الترتيب
(هو كتاب ابن داود)
الا ان فيه اغلاطا كثيرة مع ان كل واحد منها
لا يشتمل على جميع اسماء الرجال اردت ان اكتب كتابا
يشتمل على جميع اسماء الرجال من الممدوحين و
المذمومين والمهملين يخلو من تكرار وغلط
ينطوى على حسن الترتيب يحتوى على جميع اقوال
القوم قدس الله ارواحهم من المدح والذم الا شا
شديد الشذوذ وهذا وان كان بعيدا من
من مثلى لكن الواهب غير متناهى القوة ورتبته على
ترتيب الحروف فى الاسماء فى الاوايل والتوالى وكذا
الاباء وضممته رموزا يغنى عن التطويل والتكثير
كما جعل بعض المصنفين (ره) لكل من اعلمت عليه بر
صلوا الرحمن عليه واله والائمة عليهم السلام فهو

54853 G

من رجالهم فالرسول صلى الله عليه وآله ل
وعلى عليه السلام ى
والحسن عليه السلام ن
والحسين عليه السلام سين
وعلى بن الحسين عليه السلام ين
والباقر عليه السلام قر
والصادق عليه السلام ق
والكاظم عليه السلام م
والرضا عليه السلام ضا
والجواد عليه السلام د
والهادى عليه السلام دى
والعسكرى عليه السلام كر
والذى لم يرو عن الائمة عليهم السلام لم
وبنيت فيه رموزا للكتب التى اخذت منها
فالكشى كش
والنجاشى جش
وكتاب الرجال للشيخ رح
والفهرست له ست
وابن الغضايرى غض
وابن شهر اشوب ب
والخلاصة صه
وايضاح الاشتباه ح

وابن داود د
فكل ما انتقل منهم فهو عبارتهم بعينها الا مالا
تفاوت فى معناه ولا تغاير فى مؤداه مثل ان النجاشى
رحمه الله ذكر فى شان رجل ان له كتاب كذا وكذا
كذا وكتاب كذا فانا انتقل منه انه قال له كتب
الخلاص عن التطويل ومثل ان الشيخ قدس سره ذكر
جماعة فى رجاله فى باب اصحاب الصادق عليه السلام
ولم يذكر فى شان كل واحد منهم انه من اصحاب الصادق
عليه السلام بل اكتفى بما قاله اولا فانا انتقل منه انه
قال هذا من اصحاب الصادق عليه السلام وهكذا
بنقد الرجال اللهم وفقنى الاتمام واجعله لى
ذريعة الى المرام بحق محمد وآله العظام

باب الهمزه

أدم بن اسحق بن آدم بن عبد الله بن سعد
الاشعرى فى ثقة كتاب يروى عنه محمد بن عبد الحميد
واحمد بن محمد بن خالد الجوش فى الثقة كتاب ست

أدم[٢] بن الحسين النحاس كوفى ثقة له اصل يروى
عنه اسمعيل بن مهران جش

أدم[٣] ابو الحسين النحاس الكوفى ثق ع

أدم[٤] بن صبيح الكوفى ثق ع

أدم[٥] بن عبد الله الغنوى ثق ع

أدم بن عبيد بن ابى عمران الهلالى الكوفى

نوح النهرسى بالهاء المهملة المشددة
والسين المهملة وفى صه النجاشى
وكان وفى صه محمول على
الاشتباه وكذا
فى حلب
ابن داود ومنه يؤخذ

893.796
T125

ن ح

٦ **ادم** بن المتوكل ابو الحسن بياع اللؤلؤ كوفي ثقة ن ذكره اصحاب الرجال الاصل روى عنه عباس جش نقل قول دعاد وبا عن النجاشي انه كوفي مهمل نظر يظهر من الفهرست ان ادم بياع اللؤلؤ غير ادم بن المتوكل لانه ذكرهما

٧ **ادم** بن محمد القلانسي من اهل بلخ نزل انه كان يقول بالتفويض لم ح

ابان بن ابي عمران الفزاري الكوفي ن ح

٢ **ابان** بن ابي عياش فيروز ابو اسمعيل البجلي مولاهم الكوفي ن فر ن ح تابعي روى عن انس بن مالك ضعيف لا يلتفت اليه ونسب وضع كتاب سليم بن قيس اليه غض

٣ **ابان** بن ابي مسافر الكوفي ن ح

٤ **ابان** بن ارزم الطائي التغلبي الكوفي ابو الارزم ن ح

٥ **ابان** بن ارزم العنزي القبيلي الكوفي ن ح

٦ **ابان** بن تغلب بن رباح ابو سعيد البكري الجريري عظيم المنزلة في اصحابنا الفي بن فر ن وروى عنهم وكانت له عندهم منزلة وقد قال له الباقر ع اجلس في مسجد المدينة وافت للناس فاني احب ان يرى في شيعتي مثلك وقال الصادق لما اتاه نعيه أما والله لقد اوجع قلبي موتا بان وكان فاره من وجوه القراء فقيها لغويا سمع من العرب وحكى عنهم له كتب روى الحسين بن سعيد عن ابي الجهم عن ابيه عنه وروى محمد بن موسى بن المتوكل عن عبد الله بن جعفر الحميري عن ابن ابي عمير وصفوان بن يحيى وسيف بن عميرة عنه مات في حدود الصادق ع سنة احدى واربعين ومائة جش ثقة جليل القدر عظيم المنزلة في اصحابنا الفي بن فر ن وقد روى عنهم وكانت له عندهم خطوة وقدم له كتب ست

٧ **ابان** بن اسد اللبثي ن ح

٨ **ابان** بن سعيد بن العاص بن ابيه بن عبد الشمس الاموي واخوه خالد وعبيد وعمرو والعاص بن سعيد قتله علي ع ببدر ل ح

٩ **ابان** بن صمة الكوفي ن ح

١٠ **ابان** بن عبد الرحمن ابو عبد الله البصري ن ح

١١ **ابان** بن عبد الملك الثقفي شيخ من اصحابنا روى عن الصادق عليه السلام كتاب الحج جش

١٢ **ابان** بن عبد الملك الحناط الكوفي اسند عنه ن ح ويحتمل ان يكون هذا هو المذكور قبل هذا

١٣ **ابان** بن عبده الصبرمي الكوفي ن ح

١٤ **ابان** بن عثمان الاحمر البجلي مولاهم اصله

المفوضة قالوا ان الله خلق محمدا صلى الله عليه وآله وفوض اليه خلق الدنيا فهو الخالق لما فيها وقبل قوله ذلك الا على عليه السلام شرح المواقف منه ره

54853G

54853 G OCT 31 1951 RU

الكوفه كان يسكنها تارة والبصره ق م له كتاب
روى عنه احمد بن محمد بن ابي نصر خش ق م له
كتب روى عنه احمد بن محمد بن ابي نصر ومحمد
بن سعيد بن ابي نصر وجعفر بن بشر ومحسن بن
احمد ست فعلى ما نقلنا منهما من انه ق م
في قول د حيث قال لم نظر ورد عنه كثيرا
الحسن بن علي الوشا كما يظهر من الكافي في باب
الرجل يموت وعليه من صيام شهر رمضان
من كتاب الصوم وغيره وقال المحقق في المعتبر في
اوصاف المستحقين من الزكوة ان في ابان بن عثمان
ضعفا وروى الكشي عن محمد بن مسعود عن علي
بن الحسن ان ابان بن عثمان كان من الناووسية
وكان مولى لبجيلة وكان يسكن الكوفه ثم روى
ان العصابة اجمعت على تصحيح ما يصح عن ابان
والاقرار له بالفقه وقال العلامة قدس سره
في صه والاقرب عندي قبول روايته وان
كان المذهب للاجماع المذكور ونقل عن بعض
المحققين انه قال سالت والدي رحمه الله عنه
فقال الاقرب عدم قبول روايته لقوله تعالى
ان جاءكم فاسق بنبإ فتبينوا ولا شك ان اعظم
عدم الايمان تشهي وربما يقال ان الفسق
خروج عن طاعة الله مع اعتقاده انه خروج

ولا شبهة ان من يحيل مثل هذه مذهبا انما
يعد من اعظم الطاعات وبالجملة الاقوى ما
نقلناه من صه

١٥ ابان بن عمرو بن ابي عبد الله البجلي الكوفي
ق ح

١٦ ابان بن عمر الاسكف خش ابن اخي ثابت بن يحيى الحناط
شيخ من اصحابنا ثقه روى عبيس بن هشام عنه
كتاب خش ق ح فعلى قول د انه لم نظر

١٧ ابان بن كثير العامري الغنوي ق ح

١٨ ابان بن المحارب روى حديثا واحدا على
قول البعول ح

١٩ ابان بن محمد البجلي وهو المعروف بسندك الزاز
خش سندك بن محمد له كتاب روى عنه الصفار
واحمد بن ابي عبد الله ست سندي بن
محمد اخوعلي ذي ح ثم قال سندك بن محمد
روى عنه الصفار لم وقال النجاشي في باب السين
سندك بن محمد واسمه ابان يكنى ابا بشر صليبي من
جهينة ويقال من بجيلة وهو الاشهر وهو ابن
اخت صفوان بن يحيى كان ثقة وجها في اصحابنا
الكوفيين له كتاب نوادر رواه عنه محمد بن علي
بن محبوب

٢٠ ابان بن مصعب الواسطي ق ح

١٧ روى عنه علي بن الحكم كما يظهر من باب تحليل الميراث من التهذيب ويروي عنه فضالة

١٨ الثوب كما يظهر من باب حكم الجنابة من مسه

١٩ الناووسية اتباع رجل يقال له ناوس وقيل شمعون الاقرية بالكوفة قال ان الصادق عليه السلام حي بعد وان موته حتى يظهر فيملأ الارض عدلا كما ملئت جورا وانه هو القائم المهدي وهكذا اولاده الى زمننا هذا وانه زعموا ان علي عليه السلام مات وسيشق الارض ويخرج قبل يوم القيمة فيملأ العالم عدلا كما ملئ جورا والله اعلم

١ **ابرهيم** ابو رافع عتيق رسول الله صلى الله عليه واله ثقة شهد معه ولزم امير المؤمنين بعده وكان من خيار الشيعة عد في اصحابه ص ابو رافع مولى رسول الله صلى الله عليه واله واسمه اسلم كان للعباس بن عبد المطلب فوهبه للنبي صلى الله عليه واله فلما بشر النبي صلى الله عليه واله باسلام العباس اعتقه اخبرنا محمد بن جعفر الاديب قال اخبرنا احمد بن محمد بن سعيد في تاريخه انه يقال ان اسلم ابا رافع ابرهيم واسلم ابو رافع قديما بمكة وهاجر الى المدينة وشهد مع رسول الله صلى الله عليه واله مشاهده ولزم امير المؤمنين بعده وكان من خيار الشيعة وشهد معه حروبه وكان صاحب بيت ماله بالكوفة ولابي رافع كتاب السنن والاحكام في القضايا جش

٢ **ابرهيم** ابو السفائج يكنى ابا اسحق وقيل انه يكنى ابا يعقوب ومن قال هذا قال اسمه اسحق بن عبد العزيز ق حج وسيجئ بعنوان اسحق ايضا

٣ **ابرهيم** يكنى ابا محمد ذى حج

٤ **ابرهيم** بن ابي بكر ثقة هو واخوه اسمعيل ابنا ابي السمال روياعن الكاظم ع وكانا من الواقفة وذكر الكشي عنهما في كتاب الرجال حديثا كذا

روى الشيخ قدس سره في التهذيب كثيرا في كتاب الحج عن موسى بن القاسم عن ابراهيم بن ابي السمال عن معوية بن عمار ووصفه في بعض الاخبار بالخفي حيث قال موسى بن القاسم عن ابراهيم الخفي عن معوية بن عمار منه

ورفعا عن القول بالوقف ولكتاب نوادر روى عنه محمد بن حسان الجشي ابرهيم بن ابي بكر بن ابي السمال له كتاب روى عنه الحسن بن علي بن فضال ست ابرهيم واسمعيل ابنا ابي السمال واقفيان روياعن الكاظم ع ح ابرهيم بن ابي السمال واقفي لا اعتمد على روايته وقال النجاشي انه ثقة صه وينبغي ان يذكر تمة كلام النجاشي

٥ **ابرهيم** بن ابي البلاد واسم ابي البلاد يحيى بن سليم وقيل ابن سليمان مولى بني عبد الله بن غطفان يكنى ابا يحيى كان ثقة قاريا اديبا فقيها ضابطا وكان للرضا عليه السلام اليه رسالة واثنى عليه له كتاب روى عنه محمد بن سهل بن اليسع جش وم ضا كوفي ثقة ح

٦ **ابرهيم** بن ابي حفص ابو اسحق الكاتب شيخ من اصحاب العسكري ع ثقة وجه له كتاب الرد على الغلاة ولابي الخطاب جش ومحوه في سب

٧ **ابرهيم** بن ابي حفصة مولى بني عجل بن ح

٨ **ابرهيم** بن ابي زياد الكرخي روى عنه الحسن بن محبوب في بظهر ذلك من باب اداب احداث الموجبة للطهارة من التهذيب في قال الشيخ في الرجال ان ابرهيم الكرخي في والظاهر انهما واحد

٩ **ابرهيم** بن ابي سمال ذكرناه بعنوان ابرهيم بن ابي بكر

١٠ **ابرهيم** بن ابي فاطمة ق ح

١١ ابرهيم بن ابي الكرام الجعفري كان خيّرا صالحا له كتاب روى عنه ابو عمران موسى بن زنجويه الارمني جش ويحتمل ان يكون هذا هو الذي سيجيء بعنوان ابرهيم بن علي بن عبد الله

١٢ ابرهيم بن ابي المشى عبد الاعلى كوفي ق ح

١٣ ابرهيم بن ابي محمود الخراساني ثقة صالح كتاب يرويه احمد بن محمد بن عيسى عنه ثق ضا ح

١٤ ابرهيم بن ابي موسى عبد الله بن يونس الاشعري ل ح

١٥ ابرهيم الاحمري الكوفي ق ح والظاهر انه هو الذي سيجيء بعنوان ابرهيم بن عبد الله الاحمري

١٦ ابرهيم بن ادريس د ي ح

١٧ ابرهيم بن الازرق الكوفي بياع الطعام فر ق ح

١٨ ابرهيم بن اسحق ابو اسحق الاحمري النهاوندي كان ضعيفا في حديثه جش كان ضعيفا في حديثه منهما في دينه وصنف كتابا جماعة فهرست من السداد روى عنه ابو المفضل ظفر بن حمدون بن سداد البادرائي وابو سليمان احمد بن نصر بن سعيد المعروف بابن ابي هراسة ومحمد بن الحسن الصفاسنة له كتب وهو ضعيف لم ح في حديثه ضعف في مذهبه ارتفاع غض كان ضعيفا في حديثه منهما في دينه في مذهبه ارتفاع وقد ضعفه الشيخ في الفهرست وقال في كتاب الرجال في اصحاب الهادي عليه السلام ابرهيم بن اسحق ثقة فان يكن هو هذا فلا تعويل على روايته صه والظاهر انهما رجلان الا ان الشيخ في الرجال ذكر احدهما في اصحاب الهادي موثقا والاخر في لم ضعيفا

ابرهيم بن اسحق ثقة دي ح ١٩

ابرهيم بن اسحق الحارثي ق ح ٢٠

ابرهيم بن اسرائيل ضا ح ٢١

ابرهيم بن اسمعيل بن ابرهيم بن الحسن بن الحسين بن علي بن ابي طالب ق ح ٢٢

ابرهيم الاعجمي سيجيء بعنوان ابرهيم العجمي ٢٣

ابرهيم بن بشر له مسائل الى الرضا روى عنه محمد بن عبد الحميد جش ٢٤

ابرهيم بن بشير الانصاري المدني ق ح ٢٥

ابرهيم بن جعفر بن محمود الانصاري المدني ق ح ٢٦

ابرهيم بن جميل اخو طرّاد الكوفي فر ق روى عنه علي بن شجرة وابرهيم بن اسحق ح ٢٧

ابرهيم الجبوبي من غلمان العباسي لم ح ٢٨

ابرهيم بن جيب الفرشي ق ح ٢٩

ابرهيم بن الحسين بن علي بن الحسين ابو علي مدني نزل الكوفة ق ح ٣٠

٣١ ابرهيم بن الحكم بن ظهير الفزاري ابو اسحق بن كذا صاحب التفسير عن السدي له كتب روى عنه يحيى بن زكريا بن شيبان جش ست

٣٢ ابرهيم بن خمار له كتاب روى عنه احمد بن هشم جش له كتاب روى عنه ابو القاسم بن اسمعيل ست

٣٣ ابرهيم بن حنان الاسكاف الكوفي نزل واسط فر ق ح

٣٤ ابرهيم بن خالد العطار العبدي يعرف بابن ابي مليفة ق ذكره اصحابنا في الرجال له كتاب جش له كتاب روى عنه ابن بهلك ست

٣٥ ابرهيم بن حزبوز المكي ق ح

٣٦ ابرهيم بن خضيب الانباري كر ح

٣٧ ابرهيم بن داود البغوي دد ى ح

٣٨ ابرهيم بن الدهقان دى ح

٣٩ ابرهيم بن رجاء المجدلي من بني قيس بن ثعلبة رجل ثقة من اصحابنا البصريين له كتب روى عنه ابرهيم بن هاشم جش ثقة له كتب روى عنه ابرهيم بن هاشم ست ابرهيم بن رجاء المجدلي روى عنه ابرهيم بن هاشم لم ح ثم ح ابرهيم بن رجاء المجدلي من بني قيس بن ثعلبة له كتب ذكرها في الفهرست لم انته هي والظاهر انهما واحد لاتحاد نسبهما وروايته ابرهيم بن هاشم عنهما الا بقال انه لم يذكر في الاخير انه روى عنه لانا نقول قال له كتب ذكرها في الفهرست وما ذكر في الفهرست ذكر في ترجمته انه روى عنه ابرهيم بن هاشم

٤٠ ابرهيم بن رجاء الشيباني ابو اسحق المعروف بابن ابي هراسة كذا وهو اسم امه عاقي راوي عن جعفر عليه السلام نسخة روى عنه هرون بن مسلم جش ابرهيم بن هراسة له كتاب روى عنه ابو عبد الله محمد بن ابي القاسم ست ابرهيم بن رجا ابو اسحق المعروف بابن هراسة الشيباني الكوفي ق ح ثم ح ابرهيم بن هراسة لم انته هي والظاهر انهما واحد راجع لفظ ابي في كلام النجاشي وقع غلط كما يفهم من قوله وامه هراسة

٤١ ابرهيم بن الزبرقان النيلي الكوفي ق ح

٤٢ ابرهيم بن زياد ابو ايوب الخراز يسمى بغوان ابرهيم بن عيسى

٤٣ ابرهيم بن زياد الخارفي الكوفي ق ح

٤٤ ابرهيم بن سعيد بن ابرهيم بن عبد الرحمن بن عوف الزهري المدني ق ح

٤٥ ابرهيم بن سعيد الثقفي اسند عنه ق ح

٤٦ ابرهيم بن سلابة ابو اسحق ابو وكيل ضا ح نبتا بوكيل من اصحابنا الكاظم لم يقبل الشيخ فيه غير ذلك والاقوى عندي قبول روايته ضه فلذا عده الشيخ في الفهرست وذكره في الرجال عند ذكر اصحاب الرضا ولم يذكره عند اصحاب الكاظم ففي قوله قدس سره راد باعلى الشيخ انه من اصحاب الكاظم نظر وذكر سلامة

باالهاء وفى الكتب بغيرها ء

٤٧ ابرهيم بن سلمة الكاغذى ق ح

٤٨ ابرهيم بن سليمان بن ابى داحة المزنى مولى
آل طلحة بن عبيد الله ابو اسحق وكان وجها من اصحابنا
البصريين فى الفقه والكلام والادب والشعر والحاظ
يحكى عنه فقال الجاحظ ابن داحة عن محمد بن عبد الملك
ذكرها بعض اصحابنا فى الفهرست ولم ار منها شيئا

جش ابرهيم بن سليمان بن داحة المزنى مولى آل طلحة بن
اسحق ذكره ق وكان وجها من اصحابنا بالبصرة فقيها
وكلاما وادبا وشعرا والجاحظ يحكى عنه كثيرا وذكر
انه صنف كتبا ولم نر منها شيئا ست

٤٩ ابرهيم بن سليمان بن عبيد الله بن خالد النهشلى
بطن من همدان الخراز كوفى ابو اسحق كان ثقة فى الحديث
ساكن فى الكوفة فى بنى نهشل له كتب ذكره عنه حميد بن
زياد جش ابرهيم بن سليمان بن عبد الله بن حيان
النهشلى بطن من همدان الخراز الكوفى ابو اسحق ثقة فى
الحديث ساكن الكوفة فى بنى نهشل فرتما قيل الشيبى ثم ذكر
فى بنى هلال فرتما قيل الهلالى وبنو نهشل بطن من بنى هلال
ذكره عنه حميد بن زياد ابو طالب الانبارى ست
وضعفه ابن الغضائرى فقال انه يروى عن الضعفاء وفى مدحه
ضعف والنجاشى وثقه ايضا كالشيخ وحينئذ يقوى
عندى العمل بما يرويه صه وذكر الشيخ فى الرجال

بعد ذكر ابرهيم بن سليمان بن حيان ابو اسحق الخراز روى عنه
حميد بن زياد لو ان ابرهيم بن سليمان النهشلى لكنت ذكرته
فى الفهرست ثم ذكر ابرهيم بن سليمان النهشلى الكاغذى

٢ روى عنه حميد بن زياد لو انتفى والظاهر انهما واحد
٥٠ لان الشيخ فى الفهرست

ابرهيم بن سماعة الكوفى ق ح

٥١ ابرهيم بن السندى الكوفى ق ح

٥٣ ابرهيم بن شعيب الزرقى الكوفى ق ح

٥٢ ابرهيم بن شعيب بن هشيم الاسدى الكوفى ق ح

٥٤ ابرهيم بن شعيب الكوفى واقفى ق م ح

وبمكن ان يكون هذا والذى ذكرناه من قبل هو المراد
فتأمل

٥٥ ابرهيم بن شيبة الاصبهانى مولى بنى اسد اصله
من فاسا ن دد ى ح

٥٦ ابرهيم بن صالح الانماطى يكنى ابا اسحق ثقة
لا باس به قال ابو العباس احمد بن على بن نوح انفرضت
كتبه فلم اعرف منها الا كتاب الغيبة روى عنه عبيد الله
بن احمد بن نهيك جش ثم جش ابرهيم بن صالح
الانماطى الاسدى ثقة صحيح وقف له كتاب روى عنه
عبيد الله بن احمد وقال الشيخ فى الفهرست ابرهيم
بن صالح الانماطى كوفى يكنى ابا اسحق ثقة ذكر اصحابنا
ان كتبه انقرضت والذى عرف من كتبه كتاب الغيبة
روى عنه عبيد الله بن احمد بن نهيك ثم قال فى
الفهرست ابرهيم بن صالح له كتاب روى عنه ابن نهيك و

قال في الرجال ابرهيم بن صالح الانماطي فقد ثم قال
ابرهيم بن صالح الانماطي روى عن احمد هنيك
ذكرناه في الفهرست لكن قال ابن شهر اشوب
ابرهيم بن صالح الانماطي الكوفي ثقة له الغيبة ثم
قال ابرهيم بن صالح له كتاب انتهى ويفهم من كلامهم
رضي الله عنهم ان ابرهيم بن صالح الانماطي
رجلان لان كل واحد منهم ذكر وا رجلين مع
صفات متمايزة سيما الشيخ فانه ذكر
احدهما من جملة رواة الباقر والاخر من جملة
من لم يرو عن الائمة عليهم السلام فعلى قول العلامة
قدس سره ان الظاهر انهما واحد ذوله فعندي
توقف فيما يرويه وذكره في باب الضعفا نظر و
في هذا النظر تامل

٥٧ ابرهيم بن الصباح الازدي الكوفي ق خ

٥٨ ابرهيم بن ضمرة الغفاري مدني وهو ابن ابي عمرة
ق خ

٥٩ ابرهيم الطايفي ل خ

٦٠ ابرهيم بن عبد الرحمن الكوفي ق خ

٦١ ابرهيم بن عبادة الكوفي الازدي ق خ

٦٢ ابرهيم بن عبد الله الاحمري الكوفي ق
روى عنه سيف بن عميرة خ

٦٣ ابرهيم بن عبد الله بن الحسن بن الحسن بن علي
بن ابي طالب الهاشمي ق خ

٦٤ ابرهيم بن عبد الله الفارسي من اصحاب القائم ع خ
امير المؤمنين عليه السلام صه

٦٥ ابرهيم بن عبد الله بن سعيد بن العباس بن عبد
المطلب المكي بن خ

٦٦ ابرهيم بن عبد النيشابوري كوفي ع خ
بعض الثقات ان ابا محمد ع كتب الى ابرهيم بن عبده و
كتابه الذي ورد على ابرهيم بن عبده بتوكلي اياه
بفصل خطوبي من موالينا هناك نعم هو كتابي يخطر اليه
اعني ابرهيم بن عبده لهم ببلدهم حفاظا باطل
فليتقوا الله خوفا نه وليخرجوا من خطوبي وليدفعوها
اليه فقد جوزت له ما يعمل فيها وفقه الله ومن
عليه بالسلامة من التقصير برحمته ومن كتابه الى
عبد الله بن حمدويه البيهقي وبعد فقد بلغني كتابكم
ابرهيم بن عبده ليدفع النواحي واهل ناحيتك
خطوبي الواجبة عليكم اليه وجعلته ثقتي وامينه عند
موالينا هناك فليتقوا الله جل جلاله وليراقبوا
وليودوا الخوف فليس لهم عذر في ترك ذلك ولا
ناجزة ولا يلقيهم الله بعضنا اولياءه ورحمهم الله
واياكم فعهم برحمته فان الله واسع كريم كش و
نقل بن داود هذا الاسم من النجاشي ولم اجد فيه
ولا يخفى ان بن داود ذكر في كتابه كثيرا في موضع كل

زكرنا مرويه النقال
ان الراوي فيه واحد

واحد من لفظ كش وجش وح وست وعض غيرها الا
ستما كر في موضع جش كما يظهر من ذيل تتبع والتنبيه
عليه في كل موضع موجب لتطويل الكلام فلم نتعرض
لهذا النوع من الخلل الا على سبيل الندره

٦٧ ابرهيم بن عبيد ابو عزه الانصاري قرق ح

٦٨ ابرهيم بن عبد الله بن العلا المذحجي لا تعرف الا
بما ينسب اليه عبد الله بن محمد البلوي ويذيل الى ابيه
عبد الله بن العلا عماره بن زيد وما ينسد اليه
الا الفاسد المتهافت واظنه ساموضوعا على عمر
واحد عض

٦٩ ابرهيم بن عبد الحميد الاسدي مولاهم كوفي ثقه
وهو اخو محمد بن عبد الله بن زراره لامته في له كتاب
نوادر روى عنه محمد بن ابي عمير جش ثقه الاصل روى عنه
ابن ابي عمير وصفوان في كتاب نوادر روى عنه علوان بن الحسين
البزاز ست ثقه م الا انه واقفي اصل وكتاب نوادر
ابرهيم بن عبد الحميد الاسدي مولاهم البزاز الكوفي في
ح ثم قال في باب اصحاب الكاظم ابرهيم بن عبد الحميد كتاب
ثم ذكر في هذا الباب ان ابرهيم بن عبد الحميد واقفي ثم
ذكر في باب اصحاب الرضا عليه السلام ان ابرهيم بن عبد
الحميد من اصحاب الصادق وادرك الرضا ولم يسمع منه
على قول سعد بن عبد الله واقفي وقال ابن داود وعندي
ان الثقه من رجال الصادق والواقفي من رجال الكاظم
انتهى وهذا التباس منهم على تقدير تعدده الظاهر الشيخ
قدس سره ذكر ان الواقفي من رجال الصادق والناقل عنه
وذكر في باب رجال الكاظم كليهما والذي يخطر بالبال ان ابرهيم
بن عبد الحميد واحد وهو ثقه واقفي لان الجارد ب
الرجال ما يدل على تعدده الا ذكر الشيخ اياه في باب
رجال الكاظم مرتين وهذا ايضا لا يدل على تعدده
لان مثل هذا في كلامه قدس سره كثير مع عدم التعدد
يقينا كما يظهر من ذيل تتبع

٧٠ ابرهيم بن عبد الرحمن بن امية بن محمد بن عبد الله
بن ربيعه الخزاعي ابو محمد المذكر ح

٧١ ابرهيم بن عثمان شجي يعنوان ابرهيم بن عيسى

٧٢ ابرهيم العجمي من اهل نهاوند له كتاب يروي عنه
احمد بن ابي عبد الله البرقي سلم ح وفي بعض النسخ
من الفهرست ابرهيم الاعجمي ويحتمل ان يكون ابرهيم هذا
هو ابرهيم بن اسحق النهاوندي

٧٣ ابرهيم بن الغزي الاسدي مولاهم كوفي في ح

٧٤ ابرهيم بن عطيه الواسطي في ح

٧٥ ابرهيم بن عقبه دي ح

٧٦ ابرهيم بن علي بن الحسن بن علي بن ابي رافع المدني ح

٧٧ ابرهيم بن علي بن عبد الله بن جعفر بن ابي طالب
الجعفري ام علي بن عبد الله زينب بنت علي ع وامها فاطمه بنت
رسول الله صلعم صح

٧٨ ابرهيم بن علي الكوفي راوي مصنف هذا العالم له ن ح

٧٩ ابرهيم بن عمر اليماني الصنعاني شيخ من اصحابنا ثقة قرن ذكر ذلك ابو العباس وغيره له كتاب يرويه عن حماد بن عيسى وغيره جش الاصل روى عنه ابن بهلول والقاسم بن اسمعيل ست قرن الاصول ح يكنى ابا اسحق ضعيف جدا قرن له كتاب غض وقال العلامة في الخلاصة بعد ذكر كلام النجاشي وابن الغضائري والاوجه عندي قبول روايته وان حصل بعض الشك بالطعن فيه

٨٠ ابرهيم بن عيسى ابو ايوب الخزاز وقيل ابن عثمان ن ثم ذكر ذلك ابو العباس في كتابه ثقة كبير المنزلة له كتاب نوادر روى عنه الحسن بن محبوب جش ابرهيم بن عثمان الكوفي ثقة له اصل روى عنه محمد بن ابي عمير وصفوان بن يحيى ست ابرهيم بن زياد ابو ايوب الخزاز الكوفي ن ح والظاهر ابرهيم بن عيسى ابن عثمان وابن زياد واحد كما يظهر من كلام ابن داود والعجب ان ابن داود ذكر في ترجمة ابرهيم بن زياد انه قيل ابن عيسى وقيل ابن عثمان ثم ذكره في اخرى بعنوان ابرهيم بن عثمان وذكر اولا انه ن ثم وذكر ثانيا انه لم

٨١ ابرهيم بن غريب الكوفي ن ح

٨٢ ابرهيم بن الفضل الهاشمي المدني ن ح

٨٣ ابرهيم بن قتيبة له كتاب يروي عنه احمد بن محمد بن خالد البرقي في جش من اهل اصفهان روى عنه البزنطي في فهرسه ح

٨٤ ابرهيم الكرخي ذكره ابن ابرهيم بن ابي زياد الكرخي

٨٥ ابرهيم بن المبارك له كتاب جش

٨٦ ابرهيم بن المتوكل الكوفي ن ح

٨٧ ابرهيم بن المثنى ن ح

٨٨ ابرهيم بن المجاهد وهو ابن ابي ثواب المؤدب لم ح

٨٩ ابرهيم بن محرز الجعفي ن ح

٩٠ ابرهيم بن محمد بن ابي بحر ابو اسحق مولى مسلم بن ابي ومن وكان خصيصا والعامة تضعفه ذكر بعض اصحابنا ان له كتابا مبوبا في الحلال والحرام عن الصادق روى عنه الحسين بن محمد الاشعري جش قرن وكان خاصا مجيدا والعامة تضعفه لذلك

٩١ ابرهيم بن محمد الاشعري في نقم صا والنجاشي الفضل وكتابهما شكر روى الحسين بن علي بن فضال جش لم ح

٩٢ ابرهيم بن محمد بن بسام المصري يكنى ابا اسحق روى عنه الثلاثة كش لم ح

٩٣ ابرهيم بن محمد الجعفي مد ح

٩٤ ابرهيم بن محمد بن جعفر بن الحسن بن علي بن ابي طالب الكوفي م روى عنه الثلاثة كش لم ح

٩٥ ابرهيم بن محمد بن سعيد بن هلال بن عاصم بن سعد بن مسعود الثقفي اصله كوفي وسعد مسعود

٩٧

اخو ابي عبيد مسعود عم المحدث وولاه على المدائن وهو الذي
لجاء اليه الحسن يوم ساباط واستقل ابو اسحق هذا الى
اصفهان واقام بها وكان زيديا اولا ثم انتقل الينا
ويقال ان جماعة من الفهميين كاحمد بن محمد بن خالد
وفدوا اليه وسالوا الانتقال اليهم فابى وكان شيخ
من الكوفة انتحل كتاب المعرفة وفيه المثالب المشهورة يسنده
الكوفيون الى اسماء اليه بان يتركه ولا يخرجه فقال اني
البلاد بعد من الشيعة فقالوا اصفهان مخلف لا ارى
هذا الكتاب الا بها فانتقل اليها ورواه بها ثقة منه
بضبطه ما رواه فيه وله مصنفات كثيرة روى عنه العباس بن
السري ومحمد بن زيد الرطاب واحمد بن علوية الاصفهاني
المعروف بابن الاسود وعبد الرحمن بن ابرهيم المستملي مات
في سنة ثلث وثمانين ومائتين جش كان زيديا اولا
ثم انتقل الى القول بالامامة ويقال انهما عن الفهميين
كاحمد بن محمد بن خالد وغيره وفدوا اليه الى
اصفهان وسالوا الانتقال اليهم فابى وله مصنفات كثيرة
روى عنه عبد الرحمن بن ابرهيم المستملي واحمد بن علوية
الاصفهاني المعروف بابن الاسود والحسن بن علي بن
عبد الكريم الزعفراني ست لم ح

٩٦ ابرهيم بن محمد بن بنما اخو جعفر والحسين ح
مع جعفر

٩٧ ابرهيم بن محمد بن العباس الخلدي روى عن سعيد بن

عبد الله وغيره من الفهميين روى عن علي الحسن بن رشاد وكا
رجلا صالحا لم ح

٩٨ ابرهيم بن محمد بن عبد الله الجعفري ق ح

٩٩ ابرهيم بن محمد بن علي بن ابي طالب ابن الحقيقة
المذنب ح

١٠٠ ابرهيم بن محمد بن علي الكوفي ق ح

١٠١ ابرهيم بن محمد بن فارس ذي كر ح فقي فول
ابن داود انه لم ينظر وقال الكشي سالت ابا النضر محمد بن
مسعود عن ابرهيم بن محمد بن فارس فقال الا بارد
لكن بعض من يروي عنه

١٠٢ ابرهيم بن محمد الكوفي مولى ابي موسى الاشعري ق ح

١٠٣ ابرهيم بن محمد بن معروف ابو اسحق المذاري
شيخ من اصحابنا ثقة له كتاب المزار روى عنه الحسين بن عبيد الله
جش روى عنه ابن حاشر لم ح

١٠٤ ابرهيم بن محمد مولى خراسان ح

١٠٥ ابرهيم بن محمد مولى قريش روى عنه التلعكبري لم ح

١٠٦ ابرهيم بن محمد الهمداني اصاد ذي ح وكذا روى
عنه ابرهيم بن هاشم جش عند ذكر محمد بن علي بن ابرهيم
وقال الكشي حدثني محمد بن مسعود قال حدثني علي بن
محمد قال حدثني محمد بن احمد عن محمد بن عيسى عن ابي محمد الرازي
قال كنا واحمد بن ابي عبد الله الوزير بالعسكر
فورد علينا رسول من الرجل فقال لنا الغالب العلم

ثقة وابو يعقوب بن نوح وابو ابراهيم محمد الهمذاني واحمد همزه
واحمد بن اسحق ثقات جميعا ونقل الثقات في الحلال
هذه الرواة من كتب الا انه سقط من القلم في كثير من النسخ
لفظ احمد حيث قال ابو ابراهيم بن محمد الهمذاني بن حمزه واحمد بن
اسحق ثقات جميعا وذكر الكشي ما يدل على
وكان له في الجواد وجلالة قدره وعظم شانه

١٠٧ ابو ابراهيم بن محمد بن يحيى الخزاز اسند عنه ق خ
ويمكن ان يكون هذا والذي ذكرناه بعنوان ابو ابراهيم
بن محمد بن ابي يحيى واحدا

١٠٨ ابو ابراهيم الخازن روى الكشي انه وصف عبدا لابي
عبد الله فقال رحمك الله واوصاه بالورع وفي بعض
النسخ الخازن فيحتمل ان يكون هذا هو المتقدم بعنوان
ابو ابراهيم بن ابي زياد الخازن وابو ابراهيم بن هرون الخازن الاتي

١٠٩ ابو ابراهيم بن مرثد الازدي اخو ابي صالح الكوفي ق خ

١١٠ ابو ابراهيم بن مسلم بن هلال الضرير كوفي ثقة ذكره
شيوخنا في اصحاب الاصول جش

١١١ ابو ابراهيم بن معاذ روى عنه في قوله ان الذين
ارتدوا على ادبارهم حديث المعاند بين القوم ق خ

١١٢ ابو ابراهيم بن معرض الكوفي ق روى عنه منصور
بن حازم وحصين بن مخارق خ

١١٣ ابو ابراهيم بن معقل بن قيس اخو اسحق ق خ

١١٤ ابو ابراهيم بن المفضل بن قيس بن رمانة الاشعري
مولاهم ق خ

١١٥ ابو ابراهيم بن منير الكوفي ق خ

١١٦ ابو ابراهيم بن موسى الانصاري روى عنه محمد بن همام
كتاب النوادر جش

١١٧ ابو ابراهيم بن موسى بن جعفر بن محمد بن علي بن ابي
طالب كان شجاعا كريما وتقلد الامرة على اليمن في ايام
المامون من قبل محمد بن زيد بن علي بن الحسين بن علي
بن ابي طالب الذي يقال له ابن طباطبا الكوفة ومضى اليها
وفتحها واقام بها مدة الى ان كان من امره ما كان
واخذه الامان من المامون كذا في فارسنامه المفيد قدره

١١٨ ابو ابراهيم بن المهاجر الازدي الكوفي اسند عنه ق خ

١١٩ ابو ابراهيم بن مهرويه من اهل جبرايل ق خ

١٢٠ ابو ابراهيم بن مهزم الاسدي من بني نصر يعرف بابن ابي
بردة ثقة ق م وعمر عمرا طويلا له كتاب روى عنه محمد
بن سالم بن عبد الرحمن جش له اصل روى عنه الحسن بن
محبوب ست

١٢١ ابو ابراهيم بن مهزيار ابو اسحق الاهوازي له كتاب
البشارات روى عنه محمد بن عبد الجبار جش حدثنا احمد
بن علي بن كلثوم السرخسي وكان من القوم وكان مامونا
على الحديث قال حدثنا اسحق بن محمد البصري قال حدثني
محمد بن ابراهيم بن مهزيار قال ان ابي لما حضرته الوفاة
دفع الي ما لاواعطاني علانية ولم يعلم بذلك

العلا الا الله عز وجل وقال من انا لي بهذه العلامة
فادفع اليه المال فخرج الى بغداد وترك في خانا
فلما كان في اليوم الثاني اذ جاء الشيخ وقد اغلق الباب
فقلت للغلام انظر من هذا فقال شيخ بالباب فقلت
ادخل فدخل وجلس فقال انا الذي هات المال الذي
عندك وهو كذا وكذا ومعه العلامة فدفعت
اليه المال كله وقال العلامة قدس سره طريق
الصدوق الى محمد بن القاسم صحيح وفيه ابو هيثم بن مهران
وقال ابن طاوس رحمه الله في ربيع الشيعة انه من
سفراء الصاحب والابواب المعروفين المذكورين
لا يختلف الاثنا عشرية فيهم وقال الشيخ في
الرجال قد روى ففي قول ابن داود انه لم نظر

١٢٢ ابو هيثم بن ميمون بياع الهروي ق ح

١٢٣ ابو هيثم بن ميمون الكوفي ق ح

١٢٤ ابو هيثم بن نصر بن القعقاع الجعفي كوفي ق م
ثقة صحيح الحديث قال ابن سماعة بجلي وقال ابن
عقده فرادي له كتاب روى عنه جعفر بن بشير وغيره

١٢٥ ابو هيثم بن نصير الكشي ثقة مامون كثير الرواية
ح له كتاب روى عنه القاسم بن اسمعيل ست

١٢٦ ابو هيثم بن نعيم الضحاك الكوفي ق ح

١٢٧ ابو هيثم بن نعيم العبدي ابو الصباح الكناني نزل
فيهم فنسب اليهم يميز الميزان الثقة ذكره ابو العباس

في الرجال راى اباجعفر عليه السلام وروى عن ابي عبد الله عليه السلام
له كتاب روى عنه صفوان جش قال الصادق عليه السلام
انت ميزان لا عين فيه فروق ح وفي الميزان اذا لم يكن
مسنوبا كذا في الصحاح وروى عنه محمد بن الفضيل
كثيرا ويحتمل ان يكون محمد بن الفضيل هذا هو محمد
بن القاسم بن الفضيل الثقة عن محمد بن الفضيل
عن ابي الصباح الكناني ثم قال في مشيخته ما كان فيه
عن محمد بن القاسم بن الفضيل البصري صاحب الرضا عليه السلام
فقد رويته عن فلان عن فلان الى اخره ولم
يذكر في المشيخة طريقه الى محمد بن الفضيل اصلا
الا ان يقال ان الشيخ لم يذكر
في المشيخة طريقه الى محمد بن الفضيل كما لم يذكر طريقه
الى ابي الصباح الكناني وغيره مع ان روايته في
الفقيه عنه كثيرة والله اعلم وقال العلامة قدس
سره راى اباجعفر الجواد عليه السلام ولعله سهو كما يظهر من
الرجال وغيره

١٢٨ ابو هيثم بن هرون الخازن الكوفي ق ح

١٢٩ ابو هيثم بن هاشم العباسي ضعيف ح ولم يذكره
كتب الرجال والاخبار ويحتمل ان يكون هذا ابو
في النجاشي وابن داود بعنوان هاشم بن ابرهيم
العباسي الذي من اصحاب الرضا عليه السلام

١٣٠ ابو هيثم بن هاشم ابو اسحاق الفي اصله كوفي

لان الشيخ الصدوق محمد بن
علي بن بابويه روى
كثيرا في الفقيه

انقل

انتقل الى ثم قال ابو عمر الكشي ليعقوب بن عبد
الرحمن من اصحاب الرضا عليه السلام وبه نظر و
اصحابنا يقولون اول من نشر حديث الكوفيين
بقم هو له كتب روى عنه علي بن ابرهيم بن هاشم جش
ابرهيم بن هاشم القمي ليعقوب بن عبد الرحمن
ضا ح وله انف لاحد من اصحابنا على قوله في
القدح فيه ولا على تعديله بالتخصيص والرواية
عنه كثيرة والاوجه قبول تحويله صه

١٣١ ابرهيم بن هراسه ذكرناه بعنوان ابرهيم بن هاشم

١٣٢ ابرهيم بن هلال بن جاپان الكوفي ح

١٣٣ ابرهيم بن يحيى ذكرناه بعنوان ابرهيم بن ابي البلاد

١٣٤ ابرهيم بن يحيى لم اصل روى عنه ابرهيم بن سليمان
ست والظاهر انه غير ابرهيم بن يحيى ابي البلاد لانه ذكر

١٣٥ ابرهيم بن يزيد واخوه احمد بن يزيد كر ح

١٣٦ ابرهيم بن يزيد المكفوف ضعيف يقال ان
في مذهبه ارتفاعا له كتاب جش

١٣٧ ابرهيم بن يزيد النخعي بن ح

١٣٨ ابرهيم بن يوسف بن ابرهيم الكندي الطحان ثقة
له كتاب نوادر روى عنه احمد بن هشيم جش

١ ابيض بن حمال المأربي من ناحية اليمن ل ح

١ ابي بن ثابت بن المنذر بن حرام اخو حسان
شهد بدرا واحدا ل ح

٢ ابي بن عمارة الانصاري صلى مع النبي صلى الله عليه
وآله القبلتين ل ح

٣ ابي بن قيس قتل يوم الصفين ى ح

٤ ابي بن كعب بن قيس بن عبيد يكنى ابا المنذر شهد العقبة
مع السبعين وكان يكتب الوحي اخا رسول الله صلى الله عليه وآله
بينه وبين سعيد بن زيد بن عمرو بن نفيل شهد
بدرا والعقبة الثانية وبايع لرسول الله ل ح

٥ ابي بن مالك النجوشي وقيل العامري ل ح

٦ ابي بن معاذ بن انس بن قيس اخو انس بن معاذ وهما
لام ل ح

١ احزم ابو عبد الله بن احزم ل ح

١ احكم بن ثبات عال الاشي كذا صه ود وذكر العلامة ابن
داود في باب الحاء ايضا ان حكم بن ثبات عال الاشي وانه
انما ذا حدا لم اظفر في كتب الرجال على حكم بن ثبات
وقال الشيخ في الرجال احكم بن ثبات المروزي د

١ احمد بن ابرهيم ابو حامد المراغي حدثني علي بن
محمد بن قتيبة قال حدثني ابو حامد احمد بن ابرهيم المراغي
قال كتب ابو جعفر محمد بن احمد بن جعفر القمي العطار و
ليس له ثالث في الارض في القرب من الاصل صيفنا
لصاحب الناجية فخرج وقفت على ما وصفته يا ابا
حامد اعزه الله بطاعته وفهمت ما هو عليه انعم الله
ذلك باحسنه والاخلاء من تفضله عليه وكان

الله وليه وعليه اكثر السلام واخصه كش كر ح

٢ احمد بن ابرهيم بن ابي رافع بن عبيد بن عازب الحارثي البدا
بن عازب الانصاري اصله كوفي سكن بغداد كان ثقة
في الحديث صحيح الاعتقاد له كتب روى عنه الحسين بن عبيد الله
جش الصمد يكنى ابا عبد الله اصله الكوفة وسكن بغداد
ثقة في الحديث صحيح العقيدة صنف كتبا روى عنه الشيخ
ابو عبد الله والحسين بن عبيد الله واتحد عبد
وغيرهم ست لم ح

٣ احمد بن ابرهيم بن اسمعيل بن داود بن حمدون
الكاتب النديم شيخ اهل اللغة ووجههم واستاذ
ابي العباس ثعلب قرء عليه قبل ابن الاعرابي وكان مخصوصا
بابي محمد الحسن بن علي عليهما السلام وابي الحسن قبله
كتب جش ست دني كر ح

٤ احمد بن ابرهيم المعروف بعلان الكليني خير فاضل
من اهل الري لم ح

٥ احمد بن ابرهيم بن معلى بن اسد العرني بالولاء العم
وهو مرة بن مالك يكنى ابا البشر بصري وكان ثقة وجده
حسن التصنيف واكثر الرواية عن العامة والاخبار بن له
كتب روى عنه محمد بن وهبان الديلمي جش كان ثقة في
حديثه حسن التصنيف واكثر الرواية عن العامة والاخبار بن
له تصانيف روى عنه ابو طالب الانباري ست احمد بن
ابرهيم بن احمد بن المعلى ثقة لم ح وكذا ذكره ابن داود

وبالجملة الى الجد في كتب الرجال حتى قال العلامة في الايضاح ان القوم رضي
الله عنهم ذكروه بعنوان احمد بن محمد بن ابرهيم بن احمد
بن اسيد الآتي في الخلاصة

٦ احمد بن ابي بشر السراج كوفي مولى يكنى ابا جعفر ثقة
في الحديث واقف له كتاب نوادر روى عنه ابن سيما
جش ثقة في الحديث واقفي المذهب له كتاب النوادر ست

٧ احمد بن ابي زاهر واسم ابي زاهر موسى ابو جعفر الاشعري
القمي مولى كان وجها بهم وحديثه ليس بذاك النقي وكان
محمد بن يحيى العطار اخص اصحابه وصنف كتابا روى عنه
محمد بن يحيى العطار جش ست لم ح وذكره ذ في البابين

٨ احمد بن ابي عبد الله سيجيء بعنوان احمد محمد بن خالد

٩ احمد بن ابي عوف يكنى ابا عوف من اهل بخارا الا
باس به لم ح

١٠ احمد بن ادريس بن احمد ابو علي الاشعري القمي
كان ثقة فقيها في اصحابنا كثير الحديث صحيح الرواية
لكتاب نوادر روى عنه احمد بن جعفر بن سفيان
مات بالقرعاء في طريق مكة سنة سنة وثلثمائة جش كان
ثقة في اصحابنا فقيها كثير الحديث صحيح الكتب والكتاب النوادر
روى عنه احمد بن جعفر بن سفيان البزوفري ست لم
ح وروى عنه محمد بن يعقوب الكليني كثيرا

١١ احمد بن اسحق الرازي ثقة دني ح وذكره الكشي
ما يدل على اختصاصه بالجهة المقدسة وفي

الشيعة ان كان من وكلاء القائم عليه السلام

١٢ احمد بن اسحق بن عبد الله بن سعد بن مالك ابو علي الاحوص الاشعري ابو علي القمي كان وافد القميين دري وكان خاصة ابي محمد له كتب روى عنه سعد حبش كان من خاصة ابي محمد ودراى صاحب الزمان وهو شيخ القميين ووافدهم له كتب روى عنه سعد بن عبد الله ست ثقة ذكر ح

١٣ احمد بن اسمعيل بن عبد الله ابو علي يلقب عريبا من اهل قم يلقب بمكة كان من اهل الفضل والادب والعلم ويقال انه قرا على ابي الفضل محمد بن الحسين بن العميد وله عنه كتب لم يصنف مثلها وكان اسمعيل بن عبد الله من غلمان احمد بن ابي عبد الله البرقي وممن تادب عليه له كتب روى عنه جعفر بن محمد حبش ست الا ان فيه احمد بن اسمعيل بن سمكة بن عبد الله وليس فيه يلقب بمكة وقال الشيخ في الرجال له وقال العلامة قد تسرع في صه بعد ذكر كلام النجاشي والشيخ هذا خلاصة ما وصل الينا في معناه ولم ينص عليه عليا بتعديل ولم يرد فيه جرح فالاقوى قبول روايته السالمة عن المعارض انتهى وفيه نظر وذكر ابن داود مرة واحدا عن ست بعنوان احمد بن سمكة بن عبد الله ولم اجد فيه الا كما نقلناه

١٤ احمد بن اسمعيل الفقيه صاحب كتاب الامامة له ح

١٥ احمد بن اسمعيل بن بقطين دري ح

١٦ احمد بن اصفهبد ابو العباس القمي الضرير المقرى يعرف له الاكتاب يعبر الرويا وقال قوم انه لابي جعفر الكليني وليس هو له اخبرناه اجازة محمد بن محمد عن ابي القاسم جعفر بن محمد عنه حبش له ح

١٧ احمد بن بشر بن غالب الصيرفي ق ح

١٨ احمد بن بشير ابو بكر العمري الكوفي ق ح

١٩ احمد بن بشير البرقي ابن اخت النجاشي على ضعفه عند جميع محمد بن احمد بن يحيى الاشعري وقال الشيخ في الرجال احمد بن الحسين بن سعيد واحمد بن بشير البرقي روى عنهما احمد بن محمد بن يحيى وهما ضعيفان ذكر ذلك ابن بابويه له

٢٠ احمد بن بكر بن حناح يكنى ابا الحسن روى عن عبد الله بن بكير رواية ابن فضال له ح

٢١ احمد بن ثابت الحنفي الكوفي ويقال الهمداني ق ح

٢٢ احمد بن جابر الكوفي لخوزيد الفنان ق ح

٢٣ احمد بن جعفر بن سفيان البزوفري يكنى ابا علي روى عنه التلعكبري وكان برز وعن ابي علي الاشعري اخبرنا عنه محمد بن محمد بن النعمان والحسين بن عبيد الله له ح

٢٤ احمد بن جعفر بن محمد بن ابراهيم بن محمد بن ابراهيم بن

كذا نقلناه ثم اصلحناه ٢ اصله الورد وما عرفناه

موسى بن جعفر العلوي يكنى ابا جعفر روى عنه الباقر الكبرى
كان يروى عن حميد لم ح

٢٥ **احمد** بن حاتم بن ماهويه روى الكشي عن جبريل
بن احمد عن موسى بن جعفر بن وهب عن ابي الحسن احمد بن
حاتم بن ماهويه عن ابي الحسن الثالث ما يدل على مدح

٢٦ **احمد** بن الحرث الانماطي ح قال احمد وقال
الحسن بن موسى ان احمد بن الحرث الانماطي كان
واقفيا كش ولا يبعد ان يكون هذا والذي
سيجيء بعيد هذا واحدا وان كان الشيخ ذكرهما
في باب اصحاب الكاظم عليه السلام

٢٧ **احمد** بن الحرث كوفي عمر اصحابنا فيه وكان من
اصحاب المفضل بن عمر ابوه روى عن الصادق ع
له كتاب روى عنه الحسن بن محمد بن سماعة جش
احمد بن الحرث روى عنه المفضل بن عمر ح
وقال عند ذكر اصحاب الكاظم احمد بن الحرث واقفي

٢٨ **احمد** بن الحرث الزاهد ضاع امره ذو فضله عن
الرجال ولم اجد فيه وفي غيره اصلا

٢٩ **احمد** بن الحسن بن اسبط ابو زرعة كتاب الصلوة

٣٠ **احمد** بن الحسن بن اسحق روى عنه ابن نوح لم ح

٣١ **احمد** بن الحسن بن اسحق بن سعد دي ح ويحتمل
ان يكون هذا هو الذي ذكرناه مثل هذا

٣٢ **احمد** بن الحسن الاسفرايني ابو العباس المفسر الضرير له

كتاب المصابيح في ذكر ما نزل من القرآن في اهل البيت وهو كتاب
حسن كثير الفوائد روى عنه ابو طالب محمد بن احمد بن
اسحق بن النهاوندي جش ست لم ح وقال ابن داود وعندي
ان احمد بن اصفهبد الذي قبله والظاهر انه غيره لان النجاشي
والشيخ في الفهرست والرجال ذكرا رجلين مع ان
صفة كل منهما مغايرة لصفة الآخر

٣٣ **احمد** بن الحسن بن اسمعيل بن شعيب بن مسلم الثقفي
مولى بني سعد قال ابو عمرو الكشي كان واقفيا وذكر
هذا عن حمدويه عن الحسين بن موسى الخشاب قال احمد بن
الحسن واقف وقد روى عن الرضا ع وهو على كل حال ثقة
صحيح الحديث معتمد عليه له كتاب روى عنه يعقوب
بن يزيد وعبيد الله ابن احمد بن نهيك والحسن بن محمد بن
سماعة جش صحيح الحديث سليم ضاله كتاب روى عنه محمد
بن الحسن بن زياد ست احمد بن الحسن الميثمي واقفي
ح وقال ابن بابويه رحمه الله في عيون اخبار الرضا
في باب نص ابي الحسن موسى على ابنه الرضا ان احمد
بن الحسن الميثمي كان واقفيا وذكره ابن داود في البابين

٣٤ **احمد** بن الحسن بن الحسين اللؤلؤي له كتاب يعرف
باللؤلؤة وليس هو الحسن بن الحسين اللؤلؤي
جش ثقة وليس بابن المعروف بالحسين بن الحسين
اللؤلؤي كوفي له كتاب اللؤلؤة روى عنه الحسن
بن الحسين اللؤلؤي ست لم ح

٣٥ **احمد** بن الحسن الخزاز يكنى ابا عبد الله له كتاب التفسير

٣٦ **احمد** بن الحسين الرازى يكنى ابا على خاصى روى عن ابى الحسين الاسدى روى عنه التلعكبرى لم ر ح

٣٧ **احمد** بن الحسن بن سعيد القرشى يعرف بعبوا احمد بن الحسين بن سعيد القرشى

٣٨ **احمد** بن الحسين بن على بن فضال ابو الحسين قيل ابو عبد الله بقال انه كان فطحيا وكان ثقة فى الحديث روى عنه اخوه على بن الحسين وغيره من الكوفيين يعرف من كتبه كتاب الصلوة وكتاب الوضوء جش

احمد بن الحسن بن على بن محمد بن على بن فضال ابو عبد الله وقيل ابو الحسين وكان فطحيا غير انه ثقة فى الحديث يروى عنه اخوه على بن الحسن وغيره من الكوفيين والقميين ولكتبه روى عنه الصفار وغيره كر ح تحمل ذا انه لم نظر

احمد بن الحسن الفراز البصرى له كتاب الصفوة فى مذهب الواقفة روى عنه حميد بن زياد خ ر احمد بن الحسين كذا البصرى الفراز روى عنه حميد كتاب عاصم بن حميد وغيره لم ر ح وفى ذا احمد بن الحسين

٤٠ **احمد** بن الحسين بن حفص الخثعمى له القضايا

٤١ **احمد** بن الحسين بن سعيد بن حماد بن سعيد مهران مولى على بن الحسين ابو جعفر الاهوازى المقلب دندان روى عن جميع شيوخ ابيه الاحمدين على بنما زعم اصحابنا القميون وضعفوه وقالوا هو غال وحديثه يعرف وينكر له كتب روى عنه محمد بن الحسن بن الوليد مثله ست احمد بن الحسين بن سعيد واحمد بن بشير البرقى روى عنهما احمد بن محمد بن يحيى وهما ضعيفان ذكر ذلك ابن بابويه لم ر ح قال القميون كان غاليا وحديثه بمادا به سالم والله اعلم غض

٤٢ **احمد** بن الحسين بن سعيد بن عثمان القرشى ابو عبد الله له كتاب النوادر روى عنه احمد بن محمد بن سعيد ست لم ر ح وذكر النجاشى بعنوان احمد بن الحسن بن سعيد بن عثمان

٤٣ **احمد** بن الحسين بن عبد الملك ابو جعفر الازدى كوفى ثقة مرجوع اليه ما يعرف له مصنف غير انه جمع كتاب المشيخة بعد ان كان منثورا فجعله على اسماء الرجال ولم يعرف له شئ بتلك الصيغة روى عنه على بن محمد بن الزبير ست احمد بن الحسين بن عبد الملك الازدى لم ر ح ووصفه فى التهذيب ايضا بالازدى كما وصفه ابن داود واما فى مشيخة التهذيب الاودى كما فى النجاشى والخلاصة

٤٤ **احمد** بن الحسين بن عبد الله بن ابرهيم القضايا ابو الحسين مصنف كتاب الرجال المفصول على ذكر الضعفا والظاهر ان ابن القضايرى الذى نقل

ويقع على اسماء القبوح خش الازدى الكوفى ثقة مرجوع اليه مر بوب كتاب المشيخة

العلامة قدس سره عنه في عدة كثيرا هو هذا كما صرح
باسمه في ذكر اسمعيل بن مهران وابي شداخ و
سيجيء بعض احواله عند ذكر ابنه الحسين ولم اجد في
كتب الرجال في شأنه شيئا من جرح ولا تعديل

٤٥ **احمد** بن الحسين بن عمر بن يزيد الصيقل ابو جعفر
كوفي ثقة من اصحابنا جده عمر بن يزيد بياع السابري
قد مر كتب لا يعرف منها الا النوادر روى عنه
محمد بن احمد بن يحيى وقال احمد بن الحسين رحمه الله
له كتاب في الامامة روى عنه احمد بن ابي زاهر عنه

٤٦ **احمد** بن الحسين بن مفلس الصيقل النخاس روى
عنه جده كتاب زكريا بن محمد المؤمن وغير ذلك من
الاصول لو صح

٤٧ **احمد** بن حماد المروزي روى الكشي عند ترجمة
ابي علي محمد بن احمد بن حماد المروزي المحمودي عن
ابن مسعود انه قال حدثني ابو علي المحمودي قال كتب ابو
جعفر الي بعد وفات ابي قد مضى ابوك رضي
الله عنه وعنك وهو عندنا على حال محمود
ولن نبعد من تلك الحال وذكر الكشي هذا الرواية
عند ترجمة احمد بن حماد ابيه حيث قال محمد بن مسعود
قال حدثني ابو علي المحمودي محمد بن احمد بن حماد المروزي
قد كتب الي الماضي عليه السلام بعد وفات ابي
قد مضى ابوك رضي الله عنه وعنك الى اخره

يظهر من كلام العلامة قدس سره في الخلاصة انه كتب الامام
هذا المكتوب الى احمد بن حماد المروزي حيث قال احمد بن
حماد المروزي روى الكشي ان الماضي كتب اليه يقول له
قد مضى ابوك رضي الله عنه وعنك الخ وهو الصواب
قدس سره وذكر هذه الرواية عند ترجمة محمد ابن احمد بن
حماد ايضا كما ذكر الكشي ولم ينبه بان هذا المكتوب
لم يكتب الامام الى احمد بن حماد ثم قال العلامة
وروى الكشي عند اشباه ردية تدل على ترك العمل
برواياته فالاولى عندي التوقف في روايته

٤٨ **احمد** بن حمدان القرويني روى عن عبد بن نوح و
كان يروي عن محمد بن جعفر الاسدي ابي الحسين ثم قح

٤٩ **احمد** بن حمزة بن بزيع قال احمد وبه عن ابن شاذان
ان محمد بن اسمعيل واحمد بن حمزة بن بزيع كانا في
عداد الوزراء وهو واخوه اسمعيل انتهى ويظهر
بادي النظر اشتباه عليه لاني لم اجد في كتب الرجال و
الاخبار خصوصا في الكشي من هذا الاسم اثرا
ويظهر من الكشي وغيره ان اسمعيل بن بزيع عم
لاحمد بن حمزة بن بزيع لا اخوه

٥٠ **احمد** بن حمزة بن اليسع بن عبد الله القمي روى
ابوه عن الرضا عليه السلام ثقة ثقة له كتاب نوادر جش
ثقة روى قح

٥١ **احمد** بن حمويه بن قح

كتب قدس سره ابدا بعد ما نقل عن الكشي في غاضري صفحة الاباء ما نصه ذكر ابو عمرو احمد بن محمد بن نوح حدثني ابو الحسين احمد بن جعفر بن نوح قال حدثني ابو علي محمد بن احمد بن حماد المروزي قال حدثني ابو جعفر محمد بن مسعود قال حدثني ابو علي المحمودي محمد بن احمد بن حماد المروزي قال كتب الي الماضي عليه السلام بعد وفات ابي قد مضى ابوك رضي الله عنه وعنك الى اخره

٥٢ احمد بن الخضيب دى ح

٥٣ احمد بن داود بن سعيد الفزارى يكنى ابا يحيى الجرجانى وكان من جلة اصحاب الحديث من العامة ورزق الله هذا الامر وله بضيقة كثيرة فى فنون الاجتماعات على النجالغين ست ابو يحيى الجرجانى دى ح ثم قال احمد بن داود بن سعيد الفزارى ابو يحيى الجرجانى كان عاميا متقدما فى علم الحديث ثم استبصر له كتب

٥٤ احمد بن داود بن على القبلى اخو شيخنا الفقيه القمى ثقة ثقة كثير الحديث صحب اباالحسن على بن الحسين بن بابويه له كتاب نوادر حبش ابو الحسين القمى كان ثقة كثير الحديث وله كتاب قليل كثير الفوائد اخبرنا ابو الحسين بن عبيد الله عن ابى الحسن محمد بن احمد بن داود عن ابيه ست

٥٥ احمد بن رباح بن ابى نصر الكوفى روى عن الرجال له كتاب روى عنه على بن الحسن الطاطرى حبش له كتاب روى عنه عبيد الله بن احمد بن نهيك ست

٥٦ احمد بن رزق الله الشيخ الجليل ثقة له كتاب يروى عنه العباس بن عامر حبش ن ح

٥٧ احمد بن رشيد بن خيثم العامرى الهلالى زيدى يدخل حديثه فى اصحابنا ضعيف فاسد المذهب

٥٨ احمد بن دهيم المروزى له اثبات الوصية الامامية وكتاب ذكر القائم ب

٥٩ احمد بن ذكريا بن باباباذى ح

٦٠ احمد بن زياد بن جعفر الهمذانى بالذال المعجمة كان رجلا ثقة دينا فاضلا رضى الله عنه لم يقدح

٦١ احمد بن زياد الحراز واقفى ح

٦٢ احمد بن سابور دى الكشى ان الرضا عنه فى طريقها نصر بن الصباح وهو غال وكذلك اسحق بن محمد البصرى وغيره فقول العلامة قدس سره دى الكشى بطريق غير معلوم الصحة الى الرضا عنه شئ

٦٣ احمد بن السرى واقفى ح

٦٤ احمد بن سليم الطعنى الكوفى ن ح

٦٥ احمد بن سليمان الجمال له كتاب روى احمد بن ابى عبد الله عن ابيه عنه حبش سنه ح

٦٦ احمد بن شعيب يكنى ابا عبد الرحمن كتاب العشرة ست

٦٧ احمد بن صبيح ابو عبد الله الاسكونى ثقة والزيدية ندعه ولبن صبيح له كتب روى عنه الحسن بن على بن بزيع حبش ثقة والزيدية ندعه ولبن منهم من كتبه كتاب النفير روى

عن جعفر بن محمد الحسني وله كتاب النوادر ست

٦٨ احمد الصفار من علمان العباشي لم يخ

٦٩ احمد بن عامر بن سليمان بن صالح بن وهب
عامر وهو الذي قتل مع الحسين بن علي عليهما السلام
بكربلا ويكنى احمد بن عامر ابا الجعد روى نسخة
عن الرضا عليه السلام حسنة روى عنه عبد الله بن
احمد بن عامر جش

٧٥ احمد بن غالب بن حبيب الاحمسي البجلي مولاهم ثقة
كان صحابا خديجا سالم بن مكرم واخذ عنه
وعرف به وكان خلالا له كتاب روى عنه علي بن
الحسين بن عمر والخزاز جش قال محمد بن مسعود
سالت ابا الحسن علي بن الحسن بن فضال عن احمد
بن غالب كيف هو قال صالح كان يسكن بغداد
وقال ابو الحسن انا لم نعرفه جش ق يخ

٧١ احمد بن العباس النجاشي البصري المعروف بابن
الطيالسي يكنى ابا يعقوب سمع منه الناعكبري لم يخ

٧٢ احمد بن عبد العزيز الجوهري له كتاب الصفة
سمع الكوفي ابو سبل ق يخ

٧٣ احمد بن عبد الله بن احمد بن جليل الدوري
ابو بكر الوراق كان من اصحابنا ثقة في حديثه مستقيم
الى دوابه لا نعرف له الا كتابا واحدا في طرق من روى
رد الشمس وما يتعلق بامرنا مع اخلاط بالعامة و

رواياته عنهم وروايتهم عنه جش كان من اصحابنا ثقة
في حديثه مستقيما الى روايته له كتاب في طرق من روى
رد الشمس روى عن الحسين بن عبد الله سنة
ثقة لم يخ

٧٤ احمد بن عبد الله الاصفهاني الحافظ ابو نعيم عامي

٧٥ احمد بن عبيد بن احمد الوفا اخو نامان قبر
السن رحمه الله وله كتاب الجمعة جش وفي رواية
عن النجاشي احمد بن عبد الله بن احمد

٧٦ احمد بن عبد الله بن جعفر الحميري له مكاتبة
جش عند ذكر اخيه محمد بن عبد الله بن جعفر

٧٧ احمد بن عبد الله بن عيسى بن مصقلة بن سعد
العنزي الاشعري ثقة له نسخة عن ابي جعفر الثاني عليه السلام
روى محمد بن عبد الرحمن بن سلام عنه عن الجواد
عليه السلام جش فيه قول ذاته لم نظر

٧٨ احمد بن عبد الله الكوفي صاحب ابراهيم بن
اسحاق الاحمر يروي عنه كتب ابراهيم كلها روى
عنه التلعكبري اجازة لم يخ

٧٩ احمد بن عبد الله بن محمد بن عمر بن ابي الجاموس
الهاشمي المدني ق يخ

٨٠ احمد بن عبد الله بن مروان الانباري كوفي يخ

٨١ احمد بن عبد الله الكوفي ق يخ

٨٢ احمد بن عبد الله بن مهران المعروف بابن

خاتمة ابو جعفر كان من اصحابنا الثقات ولا يعرف
له الا كتاب الناديب وهو كتاب يوم وليلة حسن
صحيح جش كان من اصحابنا الثقات وما ظهر له
رواية وصنف كتاب الناديب وهو كتاب يوم وليلة
ست ثقة لم ح في احمد بن عبد الله الكرخي قال
علي بن محمد القتيبي قال حدثنا ابو طاهر محمد بن علي
بن بلال وسالته عن احمد بن عبد الله الكرخي
اذ رايته بر وكتبا كثيرة عنه فقال كان كاتبا لاسحق
بن ابرهيم فتاب وانبل على تصنيف الكتب وكان
احد غلمان يونس بن عبد الرحمن رحمه الله يعرف
ويعرف بابن خانبة كش ذكره تمره زاد ياعن حسن ست
موثقا كما نقلناه وتمره زاد ياعن كش مهملا واللفظ
انهما واحد كما يظهر من كلام الكشي وكذا يظهر من
جش عند ترجمة محمد بن احمد بن عبد الله بن مهران
بن خانبة الكرخي الاخرة وكان من ثم ذكره العلامة
قدس سره في صه واحدا ونقل في شا ما ذكره
النجاشي والكشي

٨٣ احمد بن عبد الملك المؤذن ابو صالح عما
له كتاب الاربعين في فضائل الزهراء ع ب

٨٤ احمد بن عبد الواحد بن احمد البزاز ابو عبد الله
شيخنا المعروف بابن عبدون له كتب جش احمد
بن عبدون المعروف بابن الحاشر يكنى ابا عبد الله ع

كثير السماع والرواية سمعنا منه واجاز لنا جميع ما
رواه لم ح وحكم العلامة قدس سره بصحة طريق الشيخ
الى ابي طالب الانباري وغيره وفيه احمد بن عبدون
وذكره تمره بعنوان احمد بن عبد الواحد وتمره
اخرى راوٍ باعن ست بعنوان احمد بن عبدون
مع انه ليس موجودا في ست نعم ذكره الشيخ في الرجال
فالصواب لفظة ح موضع ست

٨٥ احمد بن عبدوس الجليحي ابو عبد الله له كتاب
النوادر روى عنه الحسن بن متويه بن الشيخ جش
ست لم ح

احمد بن عبدون قد مضى بعنوان احمد بن عبد
الواحد

٨٦ احمد بن عبد الازدي الكوفي مولى ق ح

٨٧ احمد بن عبد من اهل بغداد له كتاب روى عنه احمد
بن ابي عبد الله ست

٨٨ احمد بن عبد الله بن يحيى بن خاقان ذكره
اصحابنا في المصنفين وان له كتابا يصف فيه سيدنا
ابا محمد ع له از هذا الكتاب جش له مجلس يصف فيه
ابا محمد الحسن بن علي ع روى عنه عبد الله بن جعفر
الحميري ست لم ح وقال المفيد رحمه الله في ارشاده
انه كان على الخراج بقم وكان شديد النصب
والانحراف عن اهل البيت عليهم السلام

حيث قال احمد بن احمد بن عبد الله ٨٣

٨٩ احمد بن علوية الاصفهاني له كتاب الاعتقاد في الاد عبد روى عنه محمد بن احمد بن محمد بن جش المعروف بابن الاسود الكاتب روى عن ابرهيم بن محمد الثقفي كتبه كلها روى عنه الحسين بن محمد بن عامر له ح

عبد الله مصنف غير ابن غضائري بن ابي العباس احمد بن العباس النجاشي الاسكوي مصنف هذا الكتاب له كتب هكذا عبر احمد بن علي النجاشي عن نفسه في كتاب رجاله المعروف الذي ننقل نحن عنه كثيرا ونوقع بعض الفضلاء ان احمد بن العباس النجاشي غير احمد بن علي بن احمد بن العباس النجاشي المصنف لكتاب الرجال بل هو وجده ولبعض له كتاب الرجال وهذا ليس كذلك المصنف بل هو ملخص وكان في النسخة التي كانت عنده من النجاشي احمد بن العباس النجاشي كان بالحمرة فوضع ما وضع وقال العلامة قدس سره في ص كان احمد يكنى ابا العباس رحمه الله ثقة معتمد عليه عندنا له كتاب الرجال قلنا منه في كتابنا هذا وفي غيره اشياء كثيرة وله كتب اخر ذكرناها في الكتاب الكبير وتوفي ابو العباس احمد رحمه الله بمطيرايا في جمادى الاولى سنة خمسين واربعمائة وكان مولده في صفر سنة اثنين وستين وثلثمائة وقال ره في شان كش معظم وفيه نظر لان الكشي متقدم عليه كثيرا فكيف قال هذا في شان النجاشي المتاخر عنه كثيرا

٩٠ احمد بن علي بن ابرهيم روى عنه ابو جعفر بن بابويه لم ح

٩١ احمد بن علي بن ابرهيم بن محمد بن الحسن بن عبد الله بن الحسين بن علي بن الحسين بن علي بن ابي طالب عليهم السلام يكنى ابا العباس الكوفي الجواني روى عنه التلعكبري اخاديث يسيرة لم ح

٩٢ احمد بن علي ابو العباس الرازي الجنبلاني الاباذي قال اصحابنا لم يكن بذاك وقيل فيه علو ونزول له كتب روى عنه محمد بن احمد بن داود وجش ابو العباس وقيل ابو علي لم يكن بذاك الثقة في الحديث وتهم بالغلو له كتب روى عنه هرون بن موسى التلعكبري سنة منهم بالغلو لم ح كان ضعيفا وحدثني ابي رحمه الله انه كان في مذهبه ارتفاع وحديثه يعرف وينكر اخرى بعض

٩٣ احمد بن علي بن احمد بن العباس بن محمد بن عبد الله بن ابرهيم بن محمد بن عبد الله بن النجاشي الذهبي وله الاهواز وكتب الي ابي عبد الله عم بسائر كتبه البه رسالة عبد الله النجاشي المعروف وله ولابيه

٩٤ احمد بن علي الرجل اللبني الصالح الجاز التلعكبري لم ح

٩٥ احمد بن علي بن الحسن بن شاذان ابو العباس الفاضل القمي شيخنا الفقيه حسن المعرفة صنف كتابين لم يصنف غيرهما اخبرنا بهما ابنه ابو الحسن رحمهما الله

خش الفاضي بالفاء والضاد المعجمة ذكره في خ
كما في خش بالفاء والميم

٩٦ احمد بن علي الجهني الصيدلاني روى عن حنبل
زياد لم يح

٩٧ احمد بن علي بن العباس بن نوح السيرافي
نزيل البصرة كان ثقة في حديثه متقنا ماهرا في
فقهها بصيرا بالحديث والرواية وهو استاذنا
وشيخنا ومن استفدنا منه لركب كثيرة اعرف
منه كتاب المصابيح في ذكر من روى عن الائمة
لكل امام كتاب القاضي بين احمد بن الحسين المخالف كتاب
التعقيب والتعقب كتاب الزيادات على ابي العباس بن
سريج في رجال الصادق مسندوا اخبار الوكلا
الاربعة خش احمد بن محمد بن نوح يكنى ابا العباس
السيرافي سكن البصرة واسع الرواية ثقة في روايته
غير انه حكي عنه مذاهب فاسدة في الاصول
مثل القول بالرؤية وغيرها له تصانيف منها
كتاب الرجال الذين رووا عن الصادق وذكر
على ما ذكره ابن عقدة كثيرا وله كتب في الفقه على
ترتيب الاصول وذكر الاختلاف فيها وله كتاب
اخبار الابواب غير ان هذه الكتب في المسودة
ولم يوخذ منها شئ واخبرنا عنه جماعة من اصحابنا
بجميع رواياته ومات عن قريب الا انه كان بالبصرة

ولم يتفق لقائي اياه سنة ثقة لم يح والظاهر انهما
واحد وان كان العلامة وابن داود ذكرا رجلين

٩٨ احمد بن علي العابد ابو عمر الفزويني شيخ ثقة
من اصحابنا وجه له كتاب كبير نوادر روى عنه علي
بن حاتم الفزويني خش ومثله سنة ثقة لم يح

٩٩ احمد بن علي الفضلي المعروف بشفران المقيم كان
بكش وكان اشل ذو اداب لم يح

١٠٠ احمد بن علي بن كلثوم من اهل سرخس منهم بالغلو
لم يح احمد بن علي بن كلثوم من اهل سرخس منهم
بالغلو ذو الكشي انه كان من القوم وكان يماموا
على الحديث والوجه عندي رد روايته ضد
ذكر على قرة اخرى سهو كما نبه عليه ابن داود

١٠١ احمد بن علي ابو الحسين الذي ذكره ابن داود
سيجئ بعنوان احمد بن محمد بن علي الكوفي

١٠٢ احمد بن علي بن محمد بن جعفر بن عبد الله بن
الحسن بن علي بن الحسين بن علي بن ابي طالب العلوي
العقيقي كان مقيما بمكة وسمع اصحابنا الكوفيين
واكثرهم وصنف كتابا خش مقيما بمكة وسمع
اصحابنا الكوفيين واكثرهم وصنف كتبا كثيرة
روى ابو الحسن علي بن احمد العقيقي عنه سنة ثلوح

١٠٣ احمد بن علي بن مهدي بن صدقة بن هشام بن عباس
بن محمد بن علي الرضا الانصاري يكنى ابا علي سمع

منه الثلعكبرى بصر لم ح

١٠٤ احمد بن عمر بن المنهال لا اعرف غير هذا له كتاب نوادر روى عنه احمد بن هشم بن ابى خيثمة

١٠٥ احمد بن عمر بن ابى شعبة الحلبى ثقة ضابط عن ابيه من قبل وهو ابن عم عبيد الله وعبد الاعلى وعمران ومحمد الحلبيين روى ابوهم عن الصادق وكانوا ثقات لاحمد كتاب روى عنه الحسن بن على بن فضال الجش

١٠٦ احمد بن عمر الحلال بيع الحل يعنى الشيرج فما له مسائل روى عنه عبد الله بن محمد الجش له كتاب روى عنه محمد بن على الكوفى ست كان يبيع الحل كوفى انما طى تفرد الاصل صاح ثم قال احمد بن عمر الحلال روى عنه محمد بن عيسى البطائنى والظاهر انهما واحد وقال ابن الحلال بالمعجمة صاح والذى بالمهملة لم وفيه نظر لان النجاشى ذكر ان احمد بن عمر الحلال بيع الحل يعنى الشيرج حصا كما قال العلامة فى صه ح ان الحلال بالمهملة كان يبيع الحل يعنى الشيرج وذكر الشيخ قدس سره اياه مرة فى باب اصحاب الرضا وحده فى باب من لم لابد اعلى تعدده لان مثل هذا فى كلامه كثير كما يجئ عند ذكر القاسم بن محمد الجوهرى وقال العلامة قدس سره فى صه ثقة قاله الشيخ الطوسى وقال انه روى

الاصل نعم يتوقف فى قبول روايته لقوله هذا ومنه نظر لانه لا منافاة بين روايته اصله وقبول قوله

١٠٧ احمد بن عمران الحلبى فر ح

١٠٨ احمد بن عمرة الذى ذكره ذكرناه عند حمزة

١٠٩ احمد بن عيسى بن جعفر العلوى العمرى ثقة روى صحيحا الثابت لم ح

١١٠ احمد بن غزال المرتى الكوفى فى ح

١١١ احمد بن فارس بن زكريا الكتب ست

١١٢ احمد بن الفضل الخزاعى له كتاب النوادر جش

احمد بن الفضل الخزاعى واقفى ح ففى قول انه لم نظر وذكره ذمرة فى الباب الاول ومرتين فى الباب الثانى ذكر مرة راويا عن جش ان له كتاب نوادر ومرة راويا عن ح ان احمد بن الفضل الخزاعى واقفى ومرة راويا عن كش ان احمد بن الفضل واقفى واسقط لفظ الخزاعى مع انه موجود فى كش

١١٣ احمد بن مفرض صاح

١١٤ احمد بن القاسم رجل من اصحابنا رأيتا بخطه الجحاف بن عبد الله كتابا لابان ابى طالب جش

١١٥ احمد بن القاسم بن ابى بشر يكنى ابا جعفر روى عنه الثلعكبرى لم ح

١١٦ احمد بن القاسم بن طرخان قال ابن الغضائرى

انه ضعيف جدا ويمكن ان يكون هذا والذي ذكرناه قبل هذا واحدا

١١٧ احمد بن المبارك له نوادر روى عنه احمد بن هيثم بن ابي نعيم جش

١١٨ احمد بن مبشر الطائي الكوفي ق خ

١١٩ احمد بن محمد بن ابرهيم الغنوي الذي ذكره العلامة في ص ذكرناه بعنوان احمد بن ابرهيم بن معلى

١٢٠ احمد بن محمد ابو بشر السراج اخبرنا ابن شاذان عن العطار عن ابيه عن محمد بن الحسين بن ابي الخطاب عنه جش

١٢١ احمد بن محمد ابو عبد الله الاملي الطبري ضعيف جدا لا يلتفت اليه له كتاب الوصول الى معرفة الاصول وكتاب الكشف روى عنه محمد بن محمد بن هرون الطحان الكندي جش احمد بن محمد الطبري ابو عبد الله الجليلي كذاب وضاع للحديث فاسد لا يلتفت اليه عض

١٢٢ احمد بن محمد بن ابي الغريب الصفي يكنى ابا الحسن نزيل بغداد روى عنه التلعكبري لم ح

١٢٣ احمد بن محمد بن ابي نصر زيد مولى السكوني ابو جعفر وقيل ابو علي المعروف بالبزنطي كوفي لقي الرضا والجواد عليهما السلام وكان عظيم المنزلة عنده له كتب روى عنه محمد بن الحسين بن ابي الخطاب واحمد بن محمد بن عيسى ومحمد بن عبد الجبار العطار ومحمد بن زكريا بن شيبان مات سنة احدى وعشرين ومائتين

١٢٤ احمد بن محمد بن احمد ابو علي الجرجاني نزيل مصر كان ثقة في الحديث واقعا لا يطعن عليه سمع الحديث واكثر من اصحابنا واقام بمصر ذكر اصحابنا انه وقع الهم من كتبه كتاب كبير ذكر من روى في طرق اصحاب الحديث ان المهدي من ولد الحسين وفي اخبار القائم ع جش

١٢٥ احمد بن محمد بن احمد بن طرخان الكندي ابو الحسن الجرجاني الكاتب ثقة صحيح السماع وكان صديقا لنا فلما انسان يعرف بابن ابي

جامع الرواة ج ١ ص ٣٠ باختلاف يسير

العباس بن نوح انه عامي لانه انكر عليه نكره رحمه الله له
كتاب ايمان ابي طالب جش وفيه صد الجزاني
وفيه خ كما في جش

١٢٦ احمد بن محمد الاردبيلي رحمه الله امره في الجلالة
والثقة والامانة اشهر من ان يذكر وفوق ما يجري
حوله العبارة كان متكلما فقيها عظيم الشان جليل
القدر رفيع المنزلة اورع اهل زمانه واعبدهم
واتقاهم له مصنفات منها كتاب اثبات الاحكام جيد
حسن توفي رحمه الله في شهر صفر سنة ثلاث وتسعين
وتسعمائة في المشهد المقدس الغروي على ساكنه
من الصلوات اشرفها ومن التحيات اكملها

١٢٧ احمد بن محمد بن احمد بن طلحة ابو عبد الله وهو
ابن اخي ابي الحسن علي بن عاصم المحدث يقال له
العاصمي كان ثقة في الحديث سالما في اخر اصله كوفي
وسكن بغداد روى عن شيوخ الكوفيين ليكتب
منها كتاب النجوم روى عنه الحسين بن علي بن سفيان
جش احمد بن محمد بن عاصم ابو عبد الله هو ابن اخي
علي بن عاصم المحدث يقال له العاصمي ثقة في الحديث
سالما في اخر اصله الكوفة وسكن بغداد روى عن
شيوخ الكوفيين له كتب منها كتاب النجوم روى عنه
محمد بن احمد بن جنيد ابو علي الكاتب روى عنه ابن
الجنيد وابن داود لم خ وذكره ذمرة كما ذكره
النجاشي وغيره كما ذكر الشيخ والطائفتان واحد

١٢٨ احمد بن محمد بن سنان مولى الربيع الاقرع ذم خ

١٢٩ احمد بن محمد بن جعفر ابو علي الصولي بصري صحب
الجلودي عن قدم بغداد سنة ثلث وخمسين و
ثلثمائة وسمع الناس منه وكان ثقة في حديثه مسكونا
الى روايته غير انه يروي عن الضعفاء (٢ قبل القدم) له كتاب اخبار فاطمة
كان يرويه عنه ابو الفرج محمد بن موسى الفرويني
جش كان ثقة في حديثه مسكونا الى روايته وله
كتب منها كتاب اخبار فاطمة روى عنه الشيخ ابو عبد الله
محمد بن محمد بن النعمان سنه لم خ وذكره ابن داود
في الباءين

١٣٠ احمد بن محمد بن الحسن بن الوليد رحمه الله الشيخ
قدس سره في التهذيب وغيره عن الشيخ المفيد رحمه
الله عنه كثيرا ولم اجده في كتب الرجال وقال الشهيد
الثاني في روايته انه من الثقات ولا اعرف ما حاله
فان نظر الى حكم العلامة رضي الله عنه مثلا بصحة
الروايات المشتملة عليه ومثله فهو لا يدل على وثاقته
وذلك لان الحكم بالتوثيق من باب الشهادة بخلاف
الحكم بصحة الروايات فانه من باب الاجتهاد لانه مبني
على تميز المشتركات وربما كان الحكم بصحة الروايات
مبنيا على صحة في كتاب الرجال من التوثيق المجتهد فيه
من دون قطع فيه بالتوثيق وشهادته عليه بذلك

وربما يحدث انه انما يذكر في الاستاذ مجرد اتصال السند
ولكونه من مشايخ الاجازة بالنسبة الى الكتب المشهورة
على ما يرشد اليه بعض كلمات المذهب مع قطع النظر
عن شواهد الحال فلا يضر جهالته

روى عنه الصدوق

١٣١ **احمد** بن محمد بن الحسين الازدي غلام العباس ثق

محمد بن يعقوب الكليني عده في باب جماعة

١٣٢ **احمد** بن محمد بن الحسين بن الحسن بن دؤل الفقيه
له مائة كتاب روى عنه ابو علي احمد بن علي وجاء
وفاته سنة خمسين وثلثمائة رجش

في الاصل عشرة نسخ قال وجدت شيخي رحمه الله يروي عن محمد بن الحسن الصفار عن احمد بن ابي عبد الله عن ابيه عن الاشعث قال محمد بن

١٣٣ **احمد** بن محمد بن الحسين بن سعيد القرشي ابو عبد الله
روى عنه ابن عقده لم ح

يحيى نقلت محمد بن الحسن يا جعفر وردان هذا القبر جاور سنة

١٣٤ **احمد** بن محمد الحضيني نزل الاهواز كر ح

غيره احمد بن ابي عبد الله قال فقال

١٣٥ **احمد** بن محمد بن خالد بن عبد الرحمن بن محمد
بن علي البرقي ابو جعفر اصله كوفي وكان جده محمد
بن علي حبسه يوسف بن عمر بعد قتل زيد ثم قتله
وكان خالد صغير السن فهرب مع ابيه عبد الرحمن
الى بروذ وكان ثقة في نفسه يروي عن الضعفا
واعتمد المراسيل وصنف كتبا روى عنه علي بن
الحسين السعدآبادي ابو الحسن القمي رجش كان ثقة
في نفسه غير انه اكثر الرواية عن الضعفاء واعتمد
المراسيل وصنف كتبا كثيرة روى عنه احمد بن
عبد الله بن بنت البرقي ومحمد بن جعفر بن بطة
سعد بن عبد الله ست د ح طعن عليه القميون

عده شيخنا

ولبس الطعن فيه بما الطعن فيمن يروي عنه فانه كان
لا يبالي عمن اخذ على طريقة اهل الاخبار وكان احمد
بن محمد بن عيسى بعده من قم ثم اعاد اليها واعتذر
اليه فقبل وقال العلامة في حقه بعد نقل ما ذكره
ابن الغضايري انه قال وجدت كتابا بخطه وسماعه احمد
بن محمد بن عيسى واحمد بن محمد بن خالد الى ما نوه في حق
احمد بن محمد بن عيسى في جنازته حاضا حاله الى ربه
نفسه عما قد ينسب عنه ان رواياته مقبولة وقال
اقول قد ذكرنا في الضعفاء الطعن ابن الغضايري ثم انه مع ما فيه
نظر لان الغضائري لم يطعن فيه بل رد الطعن عنه كما تقدم

١٣٦ **احمد** بن محمد بن داود يكنى ابا الحسن روى عن
ابيه لم ح

١٣٧ **احمد** بن محمد الدينوري يكنى ابا العباس يلقب
باسنونه لم ح

١٣٨ **احمد** بن محمد بن الربيع الافرع الكندي له
كتاب نوادر روى عنه علي بن الحسين قال ابو الحسين
محمد بن هرون بن موسى رحمه الله قال ابي قال
ابو علي بن همام حدثنا عبد الله بن العلا قال كان
احمد بن محمد بن الربيع عالما بالرجال خبرا

١٣٩ **احمد** بن محمد بن رستم المروزي النحوي بالبصرة
روى عنه ابن نوح لم ح

١٤٠ **احمد** بن محمد بن زيد الخزاعي يكنى ابا جعفر لقي

عنه جملا صولا كثيرة ومات سنة اثنتين وتسعين
ومائتين وصلى عليه الحسن بن محمد بن يمان العصري
لم ح

١٤١ احمد بن محمد المعروف بالزيدي ضاح

١٤٢ احمد بن محمد بن البرقي المعروف بابن ابي ذاد
يكنى ابا بكر كوفي روى عنه التلعكبري لم ح

١٤٣ احمد بن محمد بن سعيد بن عبد الرحمن بن زياد
مولى عبد الرحمن بن سعيد بن قيس الهمداني
هذا الرجل جليل في اصحاب الحديث مشهور
بالحفظ وكان زيدا ياجاروديا وعلى ذلك ما
وذكره اصحابنا لاختلاطه بهم ومداخلته اياهم
وعظم محله وثقته واما تنه لكتب ومات ابو العباس
بالكوفة سنة ثلث وثلثين وثلثمائة حشر المعروف
بابن عقدة الحافظ واحد في الثقة والجلالة وعظم
الحفظ اشهر من ان يذكر وكان زيديا جاروديا
وعلى ذلك مات وانما ذكرناه في جملة اصحابنا
لكثرة رواياته عنهم وخلطته بهم وتصنيفهم
لكتب روى عنه ابو الحسن احمد بن محمد بن موسى
الاهوازي ست سمع جماعة يحكون انه
قال لحفظ مائة وعشرين الف حديث باسنادها
واذاكر بثلثمائة الف حديث وروى عنه
التلعكبري من شيوخنا مولده سنة تسع وابعين

ومائتين ومات سنة اثنتين وثلثين وثلثمائة لم ح وقد
ذكره العلامة قدس سره في صه من غير توثيق ولعل
الاولى ان يوثقه بل ان يذكره في الباب الاول كما
ذكر فيه من هو ادنى منه كثيرا مثل محمد بن عبد الله
بن ابي ليلى القاضي ومحمد بن عبد الرحمن التيمي ومحمد بن
عبد العزيز الزهري وغيرهم مع ان المدح الذي
نقل في شان محمد بن عبد الرحمن القاضي ومحمد بن
عبد الرحمن التيمي نقل عن ابن عقدة وما نقل في
شان محمد بن عبد العزيز الزهري يدل على ذمه
وكذا نقل ابن داود انه

١٤٤ احمد بن محمد بن سلمة سيجيء بعنوان احمد بن
محمد بن سلمة

١٤٥ احمد بن محمد بن سليمان بن الحسن بن الجهم بن
بكير بن اعين بن سنسن ابو الغالب الزراري وهم
البكيريون وبذلك كان يعرف الى ان خرج توقيع
من ابي محمد عليه السلام فيه ذكر ابي طاهر الزراري واما الزراري
رعاه الله فذكروا انفسهم بذلك وكان شيخ اصحابنا في
عصره واستاذهم وفقيههم وصنف كتبا اخبرني
بكتبه وروايته الشيخ ابو عبد الله محمد بن محمد بن
النعمان وابو عبد الله الحسين بن عبيد الله وابو
بن عبدون وغيرهم عن احمد بن محمد بن محمد
بن سليمان ابو غالب الزراري شيخ العصابة في زمنه

بقيتهم

ووجهم جش في هذا المقام ووثقه عند ترجمة
جعفر بن محمد بن مالك وقال الشيخ في الرجال
جليل القدر كثير الرواية ثقة له وذكره العلامة في
سترة في ضه كما ذكر الشيخ في ست من غير نوشوه ح
الا انه ذكر في موضع الزراري الرازي وفي موضع
البكربون البكربون وكانه لم يطلع على نوشوه
النجاشي والشيخ اياه وقال ح الزراري وهو
منسوب الى زرارة بن اعين

١٤٦ احمد بن محمد بن سيار ابو عبد الله الكاتب البصير
كان من كتاب آل طاهر في زمن ابي محمد ع ويعرف
بالسياري ضعيف الحديث فاسد المذهب ذكر
ذلك الحسين بن عبيد الله مجموا الرواية كثير
المراسيل لكتب روى عنه محمد بن يحيى جش ست
وفيه روى عنه علي بن محمد الخباز وقال الشيخ في
الرجال دتي كر في قول ذا نه لم نظر

١٤٧ احمد بن محمد بن عاصم قد ذكرنا بعنوان احمد
محمد بن احمد بن طلحه

١٤٨ احمد بن محمد بن عبد الغفار الاشعري ق ح
ويحتمل ان يكون هذا هو الذي سيجئ بعنوان
احمد بن محمد بن عبد الله الاشعري ٢

١٤٩ احمد بن محمد بن عبد الله بن الحسن بن عياش
بن ابرهيم بن ايوب الجوهري ابو عبد الله كان

سمع الحديث واكثر واضطرب في اخر عمره وكان جده و
ابوه من وجوه اهل بغداد ايام آل حماد والقاساني
لابي عمر لم كتب رايت هذا الشيخ وكان صديقا
ولوالدتي وسمعت منه شيئا كثيرا ورايته شيوخا
يضعفونه فلم اروعنه شيئا وبخته وكان من
اهل العلم والادب القوي وطيب الشعر وحسن
الخط رحمه الله وسالمحمد مات سنة احدى واربعين
جش سمع الحديث واكثر واختل في اخر عمره وصنف
كتبا روى عنه جماعة من اصحابنا ست احمد بن
محمد بن عياش يكنى ابا عبد الله كثير الرواية الا
انه اختل في اخر عمره لم ر ح وذكر ابن داود عبد
الله بدون الباء المثناة تحت والحسين بالياء والظ
ان باء الخبر لعبد الله فاخذ عنه واعطى الحسن
كما يظهر من جش ست ضه وغيرها

١٥١ احمد بن محمد بن علي بن عمر بن رباح القلاء
السواق ابو الحسن مولى آل سعد بن ابي وقاص وهم
ثلثة اخوه ابو الحسن هذا وهو الاكبر وابو الحسين محمد
وهو الاوسط ولم يكن من العلم في شئ وابو القاسم
علي وهو الاصغر وهو اكثرهم حديثا وجدهم عمر بن
رباح القلاء قم روى وكل ولده واضر اخر
من بقي منهم ابو عبد الله محمد بن علي بن محمد بن
علي بن عمر بن رباح كان شديد العناد في المذهب

١٤٩ احمد بن محمد بن عبد الله الاشعري الغفاري شيخ من اصحابنا ثقة روى له كتاب نوادر روى عنه ابنه عبد الله بن احمد جش ق ح ٢

وكان ابو الحسن احمد بن محمد ثقة في الحديث وصنف كتبا
روى عنه عبد الله بن احمد بن ابي ذبد الانباري
ابو طالب جش ست ثقة لم ح

١٥٢ احمد بن محمد بن علي الكوفي يكنى ابا الحسين بن بكر
عن الكليني اخبرنا به عنه علي بن الحسين الموسوي
المرتضى لم ح وذكره بعنوان احمد بن علي الكوفي
الى اخره وقال الشيخ في الفهرست في طريقه الى
الكليني رحمه الله واخبرنا الاجل المرتضى عن ابي
الحسين احمد بن علي بن سعيد الكوفي عن محمد
بن يعقوب

١٥٣ احمد بن محمد بن عمار ابو علي الكوفي ثقة جليل
من اصحابنا له كتب روى عنه ابو الحسن محمد
بن احمد بن داود جش شيخ من اصحابنا ثقة
جليل القدر كثير الحديث والاصول وصنف
كتبا روى عنه التلعكبري ست ثقة لم ح وقال
العلامة قدس سره في صه روى عنه ابن حاتم
القزويني انتهى ولم اجد في كتب الرجال والاجازة
رواية ابن حاتم عنه بل ذكر النجاشي والشيخ في فهرسته
ان علي بن حاتم القزويني روى عن احمد بن
علي العابد الذي ذكره العلامة بعده بلا فصل
كما ذكره الشيخ في الرجال بلا فصل وكان هذا
سبب الاشتباه

١٥٤ احمد بن محمد بن عمرو بن ابي نصر قد ذكرنا بعنوان
احمد بن محمد بن ابي نصر

١٥٥ احمد بن محمد بن عمران بن موسى ابو الحسن
المعروف بابن الجندي اسناد نا رحمه الله الخثعمي
بالشيوخ في زمانه له كتب منها كتاب الانواع و
كتاب عقلاء المجانين جش احمد بن محمد بن عمر بن
موسى بن الجراح ابو الحسن المعروف بابن الجندي
صنف كتبا منها كتاب الانواع وكتاب عقلاء المجانين
روى عنه ابو طالب بن غرور ست لم ح

١٥٦ احمد بن محمد بن عياش قد ذكرنا بعنوان احمد
بن محمد بن عبد الله

١٥٧ احمد بن محمد بن عيسى بن عبد الله بن سعد
بن مالك بن الاحوص بن السايب بن مالك بن
عامر الاشعري يكنى ابا جعفر واول من سكن قم من
اباءه سعد بن مالك الاحوص وكان السايب بن
مالك وفد الى النبي صلى الله عليه وآله وسلم وهاجر الى الكوفة
واقام بها وابو جعفر رحمه الله شيخ القميين ووجههم
وفقيههم غير مدافع وكان ابنا لوثيق الذي
يلقى السلطان ولقي الرضا والجواد والهادي
عليهم السلام له كتب روى عنه سعد بن عبد الله
وعلي بن ابراهيم ومحمد بن يحيى وعلي بن موسى بن
جعفر واحمد بن ادريس وداود بن كورة جش ابو جعفر

هذا شيخ ثم ووجهها وفقيهها غير هذا فهم وكان
ابيض الرئيس الذي يلقى السلطان بها ولقي الرضا
وصنف كتبا روى عنه محمد بن الحسن الصفار و
الحسن بن محمد بن اسمعيل ست ثقة رضا دعجي قال
نصر بن الصباح احمد بن محمد بن عيسى لا يروى عن
ابن محبوب من اجل ان اصحابنا يتهمون ابن محبوب في
روايته عن ابن ابي حمزة ثم تاب احمد بن محمد فرجع
ما مات وما روى احمد بن فطس ابن المغيرة لا
عن الحسن بن خرزاد فطحي وما نقله النجاشي
عن الكشي عن نصر بن الصباح ان احمد بن محمد بن
عيسى لا يروى عن ابن محبوب من اجل ان اصحابنا
يتهمون ابن محبوب في روايته عن ابي حمزة الثمالي
اخره محمول على السهو ولعل ما ذكره الكشي هو على
ابن ابي حمزة البطائني الضعيف كما لا يخفى ورايتها في
كتب الاخبار وابنا احمد بن محمد بن عيسى عن ابن المغيرة
كما في مبحث صلوة الجمعة من التهذيب وغيره

١٥٨ احمد بن محمد بن عيسى بن العرادبا العين المعجمة ح

١٥٩ احمد بن محمد بن عيسى الفسري يكنى ابا الحسن روى
عن ابي جعفر محمد بن العلا البشراز وكان ادبيا فاضلا
بالموقع الذي خرج في سنة احدى وثمانين
وما تين في الصلوة على النبي محمد صلى الله
عليه واله لم ح وفي ضعف في موضع لقنري

التنوء بالنون والسين غير المعجمة وفي ذكا في فحلقه والصواب

١٦٠ احمد بن محمد الكوفي اخو كامل بن محمد م ح

١٦١ احمد بن محمد بن مسلم الرماني البغدادي
ابو علي له كتاب النوادر يروى عن زياد بن مروان
روى عنه حميد حش احمد بن مسلم الرضا البغدادي
روى عنه حميد اصولا كثيرة منها كتاب زياد بن
مروان القندي لم ح والظاهر انهما واحد

١٦٢ احمد بن محمد المقري صاحب احمد بن بدر
روى عنه النلعكبري لم ح

١٦٣ احمد بن محمد بن موسى المعروف بابن ابي
الصلت الاهوازي من مشايخ الشيخ الطوسي
قدس سره روى عنه في ست عند ذكر ابرهيم
بن محمد بن ابي يحيى وغيره روى عن احمد بن محمد بن
سعيد المشهور بابن عقده

١٦٤ احمد بن محمد بن موسى بن الحرث بن عون بن
عبد الله بن الحرث بن نوفل بن الحرث بن عبد المطلب
بن هاشم له كتاب كبير حش

١٦٥ احمد بن محمد بن نوح قد ذكرناه بعنوان احمد بن
علي بن العباس بن نوح

١٦٦ احمد بن محمد بن الهيثم العجلي وثقه النجاشي عند
ذكر ابنه الحسين

١٦٧ احمد بن محمد بن يحيى العطار القمي روى عنه

النّعلبكرى واخبرنا عنه الحسين بن عبد الله وابو
الحسين بن ابى جيد الغرى نح وحكم العلامة فى
سره مثلا بصحة الرواية المشتملة عليه لا بدّ
على توثيقه لما ذكرنا عند ترجمة احمد بن محمد بن
الحسن بن الوليد

١٦٨ احمد بن محمد بن يحيى روى عنه ابو جعفر بن بابويه
نح وكان هذا هو المذكور قبيل هذا

١٦٩ احمد بن محمد بن يحيى الفادى يكنى ابا على روى
عنه النّعلبكرى نح

١٧٠ احمد بن مخلد النخاس مخ

١٧١ احمد بن مزيد بن باكر الاسدى الكاهلى
مولاهم كوفى ق نح

١٧٢ احمد بن معاذ الجعفى الكوفى ق نح

١٧٣ احمد بن معلّى ذكره دراياً عن رجال الشيخ
انه ثقة ولم اجده فى نح اصلا

١٧٤ احمد بن معروف فى له كتاب نوادر روى عنه
محمد بن على بن محبوب حش له كتاب روى احمد
بن محمد بن يحيى عن ابيه عنه ست

١٧٥ احمد بن منصور بن نضر الخزاعى هو محمد بن
منصور ويقال احمد ضاح

١٧٦ احمد بن موسى بن جعفر بن محمد بن احمد بن
محمد بن احمد بن محمد بن طاوس العلوى الحسنى سيّد
الطاهر الامام المعظم فقيه اهل البيت عليهم السلام
جمال الدين ابو الفضائل مات سنة ثلث و
سبعين وستمائة مصنف مجتهد كان اوحد
فضلاء اهل زمانه قرأت عليه اكثر الكتب والملاذ
وغير ذلك من تصانيفه واجاز لجميع تصانيفه
ورواياته وكان شاعرا مصقعا بليغا منشيا
مجيدا احقوق الرجال والرواية والتفسير تحقيقا لا
مزيد عليه ربانى وعلمى واحسانى واكثر فوائد
هذا الكتاب وكثير من اشاراته وتحقيقاته جزاه
الله تعالى عنى افضل جزاء المحسنين ذ

١٧٧ احمد بن موسى بن جعفر بن محمد بن على بن
الحسين بن على بن ابى طالب كان كريما جليلا
ورعا وكان ابو الحسن موسى يحبه ويقدمه
وذهب له ضيعة المعروفة بالبصيرة كذا قال
المفيد فى ارشاده

١٧٨ احمد بن موسى ذكرناه بعنوان احمد بن
ابى زاهر

١٧٩ احمد بن مهران روى عنه الكلينى فى كتاب
الكافى ضعيف عض

١٨٠ احمد بن ميثم بن ابى نعيم الفضل بن عمرو الفيد
دكين بن حماد مولى ال طلحة بن عبيد الله ابو
الحسين كان من ثقات اصحابنا الكوفيين و

من ضعفائهم وله كتب لم ار منها شيئا جش وقوله
لقبه دكين اى لقب عمر ولان الفضل بن دكين
رجل معروف كما يظهر من ترجمته قال احمد بن
هشيم بن ابى نعيم الفضل بن دكين لم ير وقال في
موضع احمد بن هشيم بن ابى نعيم الفضل بن عمرو
لقبه دكين بن حماد مولى ال طلحة بن عبيد الله
ابو الحسين كان من ثقات اصحابنا الكوفيين و
فقهائهم وله مصنفات روى عنه حميد بن
زنجويه وذكره في موضع الفضل المفضل وكانه
اشتبه عليه

١٨١ احمد بن نصر بن سعيد الباهلي المعروف
بابن ابي هراسة يلقب ابو هوذة سمع منه المتعكبر
لم ترجمة

١٨٢ احمد بن نضر الخزاز ابو الحسن الجعفي مولاهم الكوفي
ثقة له كتاب روى عنه محمد بن يحيى الحارثي جش له
كتاب روى عنه محمد بن وهيب بن حفص الاسدي
الجريري له كتاب نوادر روى عنه حميد بن زنجويه
جش لم ترجمة

١٨٤ احمد بن هرون الفامي روى عنه ابو جعفر بن
بابويه لم ترجمة

١٨٥ احمد بن هلال ابو جعفر العبرتائي صالح الرواية
يعرف منها وينكر وقد روى عنه ذموم من

سيدنا ابي محمد العسكري ولا لعرفنا الا كثاب
يوم وليلة وكتاب نوادر روى عنه عبد الله بن
جعفر وعبد الله بن العلا المذاري جش عبر تارة
بناجية اسكاف وكان غالبا منتهما في دينه
بغدادي غال ذكره نجف نوفلي ابن الغضائري
في حديث الابنماء بروية عن الحسن بن محبوب
من كتاب المشيخة ومحمد بن ابي عمير من نوادره
قد سمع هذين الكتابين جل اصحاب الحديث
واعتمدوه منها وعندان روايته غير مقبولة لم

١٨٦ احمد بن يحيى يكنى ابا نصر من غلمان الشيباني له
ترجمة وقال في باب الكنى ان ابا نصر بن يحيى الفقيه من
اهل سمرقند ثقة خير فاضل كان يقول العالم
بفنهم والخشوية بفنهم والشيعة بفنهم
والظاهر ان يكون هو هذا

١٨٧ احمد بن يحيى بن الحكيم الاودي الكوفي ابو
جعفر بن اخي زيان ثقة له كتاب لابل النبي صم
روى عنه جعفر بن محمد بن مالك الفزاري جش و
اود بالضم موضع بالبادية وبالفتح اسم رجل
كذا في الصحاح

١٨٨ احمد بن يزيد م ترجمة

١٨٩ احمد بن يزيد اخو ابراهيم كر ترجمة

١٩٠ احمد بن يعقوب النسائي يكنى ابا نصر ابن نصر

٢ غالبا للفرق بينه وبين محمد بن سالم السمك والنضر بالنون والضاد المعجمة صدد

١٨٣ احمد بن

من غلمان القباشي له مع

١٩١ احمد بن يوسف مولى بني هاشم كوفي كان نزل بالبصرة ومات ببغداد ثقة ضا خ

١٩٢ احمد بن يوسف بن احمد العرضي العلوي الحسيني ذكره في طرق العلامة قدس سره الى الشيخ رحمه الله وغيره وقد حكم بصحته في الخلاصة وكذا عنه يوسف بن مطهر الحلي رحمه الله

١ احمر بن جري السدوسي كنيته ابو سعيد مكن البصري سمع منه الحسن البصري خ

٢ احمر بن معوية خ

١ احنف بن قيس التميمي ابو بحر مكن البصرة اسمه الضحاك ذكره ن خ وقال الكشي قيل انه كان يرى رأي العلوية

١ ادرع الاسلمي المدني خ

١ ادريس بن زياد الكفرتوثي ابو الفضل ثقة ادرك اصحاب ابي عبد الله وروى عنهم ولكتابه نوادر روى عنه عمران بن طاوس والحسين الجنيني خش له روايات روى عنه احمد بن مثنى سنجودي الام يروي عن الضعفاء غض

١٨ ٢ ادريس بن عبد الله الازدي الكوفي ن خ

١٨ ٣ ادريس بن عبد الله الاصفهاني ن خ

١٩٠ ٤ ادريس بن عبد الله البكري خ

٥ ادريس بن عبد الله بن الحسن بن الحسن بن علي بن ابي طالب الهاشمي المدني خ

٦ ادريس بن عبد الله بن سعد الاشعري ثقة له كتاب وابو جرير الفقيه هو زكريا بن ادريس هذا وكتابه وجماعة الكتاب روى عنه محمد بن الحسن بن ابي خالد المعروف بشنبوله خش

٧ ادريس بن عبد الله الهمداني المرهبي ن خ

٨ ادريس بن عيسى الاشعري الفقيه ضاحد ثنا واحدا ثقة خ

٩ ادريس بن الفضل بن سليمان الخولاني ابو الفضل كوفي واقف ثقة له كتب جش

١٠ ادريس بن يزيد بن عبد الرحمن ابو عبد الله الكوفي ن خ

١١ ادريس بن يقطين ضا خ

١ ادهم بن محرز الباهلي ن خ

١ ادهم بن الحر الجعفي مولاهم كوفي ثقة له اصل آخر الكوفي الخثعمي ن خ قال نصر بن الصباح ابو الحر اسمه ادهم بن الحر وهو خداء صاحب ابي عبد الله روى نيفا واربعين حديثا عن ابي عبد الله كر

١ اذينة بن مسلم العجلي خ

١ ارطاة بن الاشعث البصري خ

٢ ارطاة بن حبيب الاسكوفي ثقة ذكره

ابو العباس له كتاب روى عنه محمد بن الحسين بن ابي الخطاب
الزيات خش

١ ارقم بن ابي الارقم المخزومي شهد بدرا كنيته
ابو عبد الله واسم ابيه عبد مناف ل ح ٢

ازيد بن حمير ابو محشي وقيل ابو محسن وقيل ابو
سويد وقال الحرون هما اثنان ازيد بن حمير شهد
بدرا الاثل فيه وسويد بن محشي شهد احدا ولم
يشهد بدرا ل ح

ازداد مولى النبي ابو عيسى ل ح

ازهر بن عبد عوف ابو عبد الرحمن بن ازهر ح

ازهر بن نبيس ل ح

اسامة بن اخدري ل ح

٢ اسامة بن حفص كان نبيها للكاظم م ح كش

٣ اسامة بن زيد بن شراحيل الكلبي مولى رسول
الله ص امه ام ايمن اسمها بركة مولاه رسول الله ص
كنيته ابو محمد ويقال ابو زيد ل ق ح وروى
الكشي بطريق ضعيف عن ابي جعفر ع قال الحسن
كفن اسامة بن زيد في برد احمر جبرة ثم روى
بطريق ضعيف عن ابي جعفر ع قال الا اخبركم
باهل الوفوف قالوا بلى قال اسامة بن زيد
قد رجع فلا تقولوا الا خيرا ومحمد بن مسلم
ابن عمر مات منكوبا وسيجئ بعض احواله عند

ترجمة سعد بن ابي وقاص وقال العلامة في ص الاولى
عندي الوقف في روايته

٤ اساسة بن شريك التغلبي نزل الكوفة ل ح

٥ اساسة بن عبيد الهلالي الهذلي ابو ابي المليح زيد
بن اساسة ل ح

اسباط بن سالم بياع الزطي ابو علي مولى بني عبد
من كنده ق م له كتاب روى عنه ذبيان بن حكيم ١

ابو عمرو الازدي خش له كتاب روى عن ابي ابي
عبيدة والقاسم بن اسمعيل القرشي ست

اسباط بن عروة البصري ن ح ٢

اسباط بن محمد بن عمرو القرشي مولاهم الكوفي ٣
ن ح

اسحق بن آدم بن عبد الله بن سعد الاشعري ١
الفقيه عن الرضا ع كتاب روى عنه محمد بن ابي
الصهبان اجش وفي ذ في موضع عبد الله عبد ربه
وكانه اشتباه

اسحق بن ابرهيم الازدي الكوفي العطار ن ح ٢

اسحق بن ابرهيم الحضيني ضا ح قال العلامة ٣
في ص جرت الخدمة على يده للرضا ع وكان الجنيد
بن سعيد الذي اوصل اسحق بن ابرهيم الى الرضا ع
حتى جرت الخدمة على يده وعلي بن مهزيار بعد
اسحق بن ابرهيم وكان سبب معرفتهم لهذا الامر

٢ ارقم بن شرحبيل ابو عبد الله ذكره الشهيد الثاني في قد ره ٢

فسه سمعوا الحديث وبه يعرفون وكذلك فعل عبد الله
بن محمد الحضيني هذا جملة ما وصل الينا في صفة
هذا الرجل والاقرب قبول روايته وذكر عند
ترجمة الحسن بن سعيد ان الحسن بن سعيد الذي
اوصل علي بن مهزيار واسحق بن ابرهيم الى الرضا
كان ما وقع في هذا المقام سهوا لانه لا يوافق الكشي
والرجال

٤ اسحق بن ابي جعفر الفراء الكوفي ق ح

٥ اسحق بن اسمعيل بن نوبخت د ق ح

٦ اسحق بن اسمعيل النيشابوري ثقة كر ح وقال
الكشي حكى بعض الثقات بنيشابور انه خرج لاسحق بن
اسمعيل هذا ابي محمد ع توقيع وذكر توقيعا في طول ر ضمنه
العتب عليه وتقدم سهو نسبته وان كان يشتمل على مدحه
الدعاء له مرة بعد مرة

٧ اسحق بن يزيد بن اسمعيل الطائي ابو يعقوب يعرف
كوفي ثقة ق له كتاب روى عنه محمد بن علي ابو سمينة الصيرفي
جش فرق ح ويزيد بالباء المفردة كما في ذلان الشيخ
في الرجال ذكره في باب الباء المفردة وفي صه بالباء
المثناة تحت والزاء

٨ اسحق بن بشر ابو حذيفة الكاهلي الخراساني ثقة ق
من العامة ذكروه في رجال الصادق ع له كتاب روى عنه
احمد بن سعيد جش

٩ اسحق بن بشير البناء ق ح

١٠ اسحق بن جرير بن يزيد بن جرير بن عبد الله البجلي ابو
يعقوب ثقة ق ذكر ذلك ابو العباس في كتابه روى
عنه محمد بن ابي عمير جش ق م وافقني ح الا قوى
عندي التوقف في روايته بنفرده بها ص

١١ اسحق بن جعفر بن علي ق ح

١٢ اسحق بن جعفر بن محمد بن علي بن الحسين بن علي
بن ابي طالب المدني ق ح وكان اسحق بن جعفر من افضل
الفضل والصلاح والورع والاجتهاد روى عنه
الناس الحديث والاثار وكان ابن كاسب واحمد
عنه بقبول حديث الثقة الرضا اسحق بن جعفر وكان اسحق
رضي الله عنه يقول بامامة اخيه موسى وروى عن
ابيه النص الامامة على اخيه موسى قال المفيد رحمه الله
في ارشاده

١٣ اسحق بن جندب ابو اسمعيل الفزاري ثقة ثقة
ق ذكره اصحابنا في الرجال له كتاب رواه عنه عبيس
وفي ح الفزاري بالفاء والضاد المعجمة

١٤ اسحق بن الحسن بن بكران ابو الحسين العقرائي النمائي
كثير السماع ضعيف في مذهبه رايته بالكوفة وهو مجاور
وكان يروي كتاب الكليني عنه وكان في هذا الوقت غلوا
فلم اسمع منه شيئا له كتاب الرد على الغلاة وكتاب نهج
النهي عن البدع وكتاب عدد الائمة جش

١٥ اسحق بن خلد البكر الكوفي ق خ

١٦ اسحق بن شعيب بن مثيم الاسدي مولاهم الكوفي ابو
ق خ

١٧ اسحق بن عبد الله ابو السفايخ الكوفي ق خ

١٨ اسحق بن عبد الله بن ابي طلحة المكي بن فرخ

١٩ اسحق بن عبد الله بن الحارث بن نوفل بن الحارث
بن عبد المطلب المدني بن خ

٢٠ اسحق بن عبد الله بن سعد بن مالك الاشعري
في ثقة ق م وابنه احمد بن اسحق مشهور روى عنه علي بن
بزوج جش

٢١ اسحق بن عبد الله بن علي بن الحسن المدني ق خ

٢٢ اسحق بن عبد العزيز البزاز كوفي يكنى ابا يعقوب ويلقب ابا
السفايخ ق يعرف حديثه تارة وينكر اخرى ويجوز
ان يخرج شاهدا عض وقد تقدم انه ابو ابراهيم

٢٣ اسحق العفرقوفي ق خ

٢٤ اسحق بن عمار بن حيان مولى بني ثعلب ابو يعقوب
الصيرفي شيخ من اصحابنا ثقة واخوه يوسف
ونبس واسمعيل وهو في بيت كبير من الشيعة وابنا آخر
علي بن اسمعيل كانا من وجوه من روى الحديث روى
اسحق عن الصادق والكاظم ذكر ذلك احمد بن محمد
بن سعيد في رجاله له كتاب نوادر روى عنه عباد
بن كاسب البجلي جش اسحق بن عمار الشاباطي له اصل

وشبيل بن اسمعيل ٢ ١٢ ط

وكان فطحيا الا انه ثقة واصله معتمد عليه روى عنه
ابن ابي عمير ست ثقة له كتاب ق م خ وذكره في
البابين وسيجئ بعض احواله عند ترجمة اخيه اسمعيل ٢

٢٥ اسحق بن غالب الاسدي والبي عربي الاصل ثقة و
اخوه عبد الله كذلك وكانا شاعرين روى ما عن
الصادق له كتاب روى عنه صفوان جش

٢٦ اسحق بن مزروخ مولى ال طلحة ق خ

٢٧ اسحق بن الفضل بن عبد الرحمن الهاشمي المدني ق خ

٢٨ اسحق بن الفضل بن يعقوب بن الفضل بن عبد الله
بن الحرث بن عبد المطلب فر ق خ

٢٩ اسحق بن محمد بن احمد بن ابان بن مرار بن عبد الله
يعرف عبد الله عقبه وعقاب بن الحرث النخعي اخو الاشتر
وهو معدن التخليط له كتب في التخليط وله كتاب اخبار
السيد وكتاب مجالس هشام روى عنه الحريز جش
يكنى ابا يعقوب الاحمر كان فاسد المذهب كذابا في
الروايه وضاعا للحديث لا يلتفت الى ما رواه ولا
يرتفع بحديثه غض

٣٠ اسحق بن محمد البصري يكنى ابا يعقوب يرمى بالغلو كر خ
وفي كشاة من اهل الارتفاع ويحتمل ان يكون
هذا هو المذكور قبل هذا

٣١ اسحق بن محمد ثقة م خ

٣٢ اسحق بن محمد بن علي بن خالد المقبري لم خ

٣٣ اسحق المرادي روى عنه ابن ميكان ق خ
٣٤ اسحق بن منصور العرزمي الكوفي ق خ
٣٥ اسحق بن موسى بن جعفر ضا خ
٣٦ اسحق بن نوح الشامي فر خ
٣٧ اسحق بن واصل الضبي فر خ
٣٨ اسحق بن الهيثم كوفي ق خ
٣٩ اسحق بن يحيى الكاهلي الكوفي ق خ
٤٥ اسحق بن ابي اسحاق مولى فهم بن مخرمة بن فر خ
١ اسد بن ابي العلاء روى المناكير كش وفي خ اسعد بن ابي العلاء
٢ اسد بن اسمعيل ق خ
٣ اسد بن سعد النخعي الكوفي ق خ
٤ اسد بن عطا الكوفي ق خ
٥ اسد بن عفر من شيوخ اصحاب الحديث الثقات صدوق جش عند ترجمة اسعد بن داود وفي بعض النسخ اسعد بن اعفر
٦ اسد بن كرز القسري ل خ ولما ذكر بعد هذا الرجل الاغر المزني ويقال الجهني ثم الاغر الغفاري وتوهم ابن داود انهما من صفات الاسد فقال اسد بن كرز القسري ويقال الجهني الغفاري
٧ اسد بن معلى بن اسد العقيلي البصري رجل من اصحابنا اخباري له كتاب اخبار صاحب الزنج جش

٨ اسد بن يحيى البصري ق خ
١ اسرائيل بن اسباط الرؤاسي الكوفي ق خ
٢ اسرائيل بن عابد المكي المخزومي ق خ
٣ اسرائيل بن عباد المكي ابو معاذ ق خ
٤ اسرائيل بن غياث المكي فر خ
٥ اسرائيل بن يونس بن ابي اسحاق الكوفي ق خ
١ اسعد بن خطلة الشامي سجن خ
٢ اسعد بن زرارة ابو امامة الخزرجي وهو من نقباء الثلثة ليلة العقبة وله اخوان عثمان وسعد ابنا زرارة ل خ
٣ اسعد بن سهل بن حنيف ابو امامة ل خ
٤ اسعد بن عمرو الاسلمي ق خ
٥ اسعد بن يزيد الفاكه ل خ
١ الاسقع الكندي الكوفي ق خ
١ اسلم ابو رافع ذكرناه بعنوان ابرهيم
٢ اسلم بن ابرهيم النخعي المنقري الكوفي ق خ
٣ اسلم بن عابد المدني ق خ
٤ اسلم المكي مولى محمد بن الحنفية شيخ حمدويه قال حدثني ايوب بن نوح قال حدثنا صفوان بن يحيى عن عاصم بن حميد عن سلام بن سعيد الجعفي قال اسلم مولى محمد بن الحنفية قال كنت مع ابي جعفر مسندا ظهره الى زمزم فمر علينا محمد بن عبد الله بن الحسن

يطوف بالبيت فقال ابو جعفر يا اسلم اتعرف هذا
الشاب قلت نعم هذا محمد بن عبد الله بن الحسن قال
اما انه سيظهر ويقتل في حال ضيعة ثم قال يا اسلم
لا تحدث بهذا الحديث احدا فانه عندك اما انه قال
فحدثت به معروف بن خربوذ فاخذت مثل ما اخذ
على وكان عند ابي جعفر عدة وعشية اربعة من اهل
مكة فساله معروف عن هذا الحديث الذي حدثته
قال فقلت اخاف ان اسمعه منك فان التفت الى اسلم
فقال له جعلت فداك اني اخذت عليه مثل الذي
اخذته علي قال فقال ابو جعفر لو كان الناس لنا
شيعة لكان ثلثة ارباعهم شكاكا والربع الاخر
احمق وذكر العلامة قدس سره في ص هذه
الرواية عن الكشي وذكره في موضع سلام بن سعيد
سلام بن سعيد والظاهر ان هذا سلام لا سلام
كما يظهر من الكشي في هذا المقام وغيره وسلام بن
سعيد في رجال الباقر موجود وليس فيهم سلام
بن سعيد بل ليس في كتب الرجال اصلا وذكر في ض
ثلثة ارباعهم شكاكا والربع الاخر احمق ثلثهم شكاكا
والربع الاخر احمق وقال الشيخ في الرجال المكي
القواس فرق

١ اسماء بن حارثة الاسلمي سكن المدينة ق خ
١ اسمعيل بن ادم بن عبد الله بن سعد الاز

الاشعري وجه من القميين ثقة له كتاب روى عنه محمد بن
ابي الصهبان جش

٢ اسمعيل بن ابان له كتاب روى عنه احمد بن محمد
البرقي جش له كتاب روى عنه اسمعيل بن سليمان ست
ق خ

٣ اسمعيل الفضير بن ابرهيم بن بزكوني ثقة روى
عنه علي بن الحسن جش له كتاب روى عنه محمد بن زياد
ست اسمعيل بن ابرهيم بزة الفضير كوني ق خ وفي
خ ابن بزة بالهاء والزاء المعجمة وفي ذ بالراء المهملة
وذكره في البابين ولم اجد وجها صالحا لذكره
في باب الضعفاء

٤ اسمعيل بن ابي خالد محمد بن مهاجر بن عبيد
الازدي روى ابوه عن الباقر وروى هو عن
الصادق وهما ثقتان من اصحابنا الكوفيين ذكر
بعض اصحابنا انه وقع له كتاب القضايا بالاسمعيل
مبوب جش روى ابوه عن الباقر وروى هو عن الصادق
وهما ثقتان من اهل الكوفة من اصحابنا له كتاب القضايا
مبوب روى عنه محمد بن علي الازدي ست

٥ اسمعيل بن ابي زياد يعرف بالسكوني الشعيري
له كتاب روى عنه النوفلي جش اسمعيل بن ابي زياد
مسلم له كتاب كبير وله كتاب نوادر روى عنه الحجال
بن يزيد النوفلي ست ق خ كان عاميا صه

ذكره ذ في الباب بن

٤ اسمعيل بن ابي زياد السلمي كوفي ثقه ذكره اصحابنا
الرجال جش وفي ح اسمعيل بن زياد السلمي كا باب

٧ اسمعيل بن ابي الحمال قال النجاشي ابرهيم بن ابي
بكر ثقه هو واخوه اسمعيل بن ابي الحمال روينا عن
الكاظم وكانا من الواقفه وذكر الكشي عنهما في كتاب
الرجال حديثا شكا ووهنا عن القول بالوقف وقال
الشيخ في الرجال واقفيان روينا عن الكاظم وروى
العلامه في صه عن النجاشي انه ثقه واقفي وفي اخذ
التوثيق من كلام النجاشي نظر ومن ثم ذكره ده ولم يوثقه
وفي صه اسمعيل بن سماك بالكاف وقبل باللام
وقبل بن ابي سماك وهو اخو ابرهيم

٨ اسمعيل بن ابي عبد الله سيجيء عند ترجمه اسمعيل
بن علي

٩ اسمعيل بن ابي بحر الهاشمي مولاهم الكوفي ق ح

١٠ اسمعيل بن امية بن ح

١١ اسمعيل بن بزيع الذي ذكره د ج قال اسمعيل
بن بزيع ضا ذكش ثقه لم اجد توثيقه في كتب الرجال

١٢ اسمعيل بن بشار البصري ق ح

١٣ اسمعيل بن بكر كوفي ثقه له كتاب روى عنه
ابرهيم بن سليمان جش وفي ست د اسمعيل بن
بكر وفي صه كا في جش

١٤ اسمعيل بن جابر الجعفي قن وهو الذي روى حديث
الاذان له كتاب ذكره محمد بن الحسن بن الوليد في
فهرسته روى عنه صفوان بن يحيى جش له كتاب روى
عنه القاسم بن اسمعيل القرشي ست ثقه ممدوح الاصول
قن ح محمد بن مسعود عن جبرئيل بن احمد عن محمد بن
عيسى عن يونس عن ابي الصباح قال سمعنا ابا عبد الله
يقول هلك المتراسون في ادبارهم منهم زراره وبريد
ومحمد بن مسلم واسمعيل الجعفي وذكر اخرا احفظ كم
وروى عنه محمد بن سنان كما يظهر من اول كتاب الروضه
من الكافي وروى عنه عبد الله بن سنان كما يظهر
من باب ما يجب به العقد بر والحد من الفقيه وما ذكره
الكشي مع انه ضعيف السند محمول على التقيه كما مر
بد الصادق في حق زراره بن اعين وان شئت التفصيل
فلاحظ حاشيتي عند ذكر زراره بن اعين

١٥ اسمعيل بن جعفر بن ابي كثير المدني ق ح

١٦ اسمعيل بن جعفر بن محمد بن علي بن الحسين بن علي
بن ابي طالب الهاشمي المدني ق ح

١٧ اسمعيل جنبه سيجيء بعنوان اسمعيل بن عبد الرحمن

١٨ اسمعيل بن حازم الجعفي الكوفي مولاهم ق ح

١٩ اسمعيل بن حازم التيملي الكوفي ق ح

٢٠ اسمعيل بن الحسن م ح

٢١ اسمعيل بن خنيه سيجيء بعنوان اسمعيل بن عبد الرحمن

٢٢ اسمعيل بن الحكم الواقفي من ولد ابي رافع كوفي ثقة له كتاب روى عنه اسمعيل بن محمد بن عبد الله بن جعفر

٢٣ اسمعيل بن حماد الازدي تم مذكور في كتاب الاجارة

٢٤ اسمعيل بن الخطاب حدثني محمد بن فولويه عن سعد عن ايوب بن نوح عن جعفر بن محمد بن اسمعيل قال اخبرني معتب بن حلاد قال ربعت ما اخرج من غلة اسمعيل بن الخطاب مائة واحد وعشرين الى صفوان بن يحيى فقال رحم الله اسمعيل بن الخطاب ورحم الله صفوان فانهما من حزب ابائي عليهم السلام ومن كان من حزب ابائي ادخله الله الجنة كش ونقل ذ عن الكشي انه ثقة لم ولم اجد في الكشي الا هذه الرواية وفي طريقها جعفر بن محمد بن اسمعيل وهو مجهول وفي قوله لم اراضه نظر لانه من اصحاب الصادق كما في ج

٢٥ اسمعيل بن دينار كوفي ثقة له كتاب روى عنه ابرهيم بن سليمان ن جش

٢٦ اسمعيل بن رافع المكي بن ج

٢٧ اسمعيل بن رياح الكوفي ق ج

٢٨ اسمعيل بن زياد البزاز الكوفي الاسكاف ابو اسحاق ق ج

٢٩ اسمعيل بن زياد السلمي ذكرناه بعنوان اسمعيل بن ابي زياد السلمي

٣٠ اسمعيل بن زياد الطحان كوفي ثقة روى عن محمد بن مروان ومعوية بن عمار ويعقوب بن شعيب عن الصادق روى عنه عيسى بن هشام جش

٣١ اسمعيل بن سعد الاحوص الاشعري الشيخ الصالح

٣٢ اسمعيل بن سلمان الازرق يكنى ابا خالد الراجح

٣٣ اسمعيل بن سهل الدهقان ضعفه اصحابنا له كتاب روى عنه محمد بن خالد جش وذكره ذ في البابين

٣٤ اسمعيل بن شعيب العريشي له كتاب في الطب روى عنه عبد الله بن جعفر جش قليل الحديث الا انه ثقة سالم فما يرويه له كتب منها كتاب الطب ست قليل الحديث ثقة لو ج

٣٥ اسمعيل بن شعيب بن ميثم الاسكاف الكوفي ق ج

٣٦ اسمعيل بن صدقة الكوفي ق ج

٣٧ اسمعيل بن عباد الفهري من ولد ابن هبيرة صالح ج

٣٨ اسمعيل بن عبد الحميد الكوفي ق ج

٣٩ اسمعيل بن عبد الخالق بن عبد ربه وجه من وجوه اصحابنا وفقيه من فقهائنا وهو من بيت الشيعة عدة منه شهاب وعبد الرحيم ووهب وابوه عبد الخالق كلهم ثقات فرق واسمعيل نفسه ق م له كتاب روى عنه محمد بن خالد جش له كتاب روى عنه محمد بن الوليد الفاسم بن اسمعيل القرشي ست

٤٠ اسمعيل بن عبد الرحمن الجرمي الكوفي ق ج

٤١ اسمعيل بن عبد الرحمن الجعفي الكوفي تابعي سمع ابا الطفيل عامر بن واثلة فرق ج نقل ابن عقدة

ان الصادق عليه السلام ترحم عليه وحكى عن ابو بصير
انه قال ثقة وبالجملة فحديثه اعتمد عليه صه وروى
عنه جميل بن دراج كثيرا وسيجئ بعض اخوالهم عند ذكر
بطام بن الحصين

٤١ اسمعيل بن عبد الرحمن جعفي الكوفي ق خ ثم فيه
اسمعيل بن عبد الله جعفي وقال الكشي اسمعيل جعفي
وقيل جعفي قال محمد بن مسعود سالت علي بن الحسن
بن علي بن فضال عن اسمعيل جعفي قال صالح وهو
قليل الرواية

٤٢ اسمعيل بن عبد الرحمن السدي ابو محمد القرشي
المفسر الكوفي بن فروخ خ

٤٣ اسمعيل بن عبد العزيز ابو اسرائيل الملائي الكوفي
ق خ

٤٤ اسمعيل بن عبد العزيز الاموي الكوفي ق خ

٤٥ اسمعيل بن عبد الله الاعشى الكوفي روى عنه
ابن ابي عمير ق خ

٤٦ اسمعيل بن عبد الله بن جعفر بن ابي طالب تابعي
فرق خ

٤٧ اسمعيل بن عبد الله الحارثي الكوفي ق خ

٤٨ اسمعيل بن عبد الله جعفي فذكرنا بعنوان
اسمعيل بن عبد الرحمن جعفي

٤٩ اسمعيل بن عبد الله الرماح الكوفي روى عنه
ابان بن عثمان ق خ

٥٠ اسمعيل بن عبد الله بن محمد بن علي بن الحسين بن
علي بن ابي طالب ق خ

٥١ اسمعيل بن عثمان بن ابان له اصل روى عنه
احمد بن هشم ست لم خ

٥٢ اسمعيل بن علي واسمعيل بن ابي عبد الله ذكر
اصحابنا ان لهما كتاب خطب روى عنهما محمد بن علي بن خشيش

٥٣ اسمعيل بن علي بن اسحق بن ابي سهل بن نوبخت
كان شيخ المتكلمين من اصحابنا وغيرهم له جلالة في
الدنيا والدين يجري مجرى الوزراء في جلالة الكتاب
صنف كتبا كثيرة جش كان شيخ المتكلمين من اصحابنا
ببغداد ووجههم ومتقدم نوبختيين في زمانه وصنف
كتبا كثيرة ست

٥٤ اسمعيل بن علي بن علي بن رزين الخزاعي ابو القاسم
بن اخي دعبل كان مخلطا يعرف منه وينكر له كتاب
تاريخ الائمة وكتاب النكاح جش كان مختلط الامر
في الحديث يعرف منه وينكر له كتاب تاريخ الائمة
روى عنه ابو محمد المحدي وهلال الحفار ست
كان كذابا وضاعا للحديث لا يلتفت الى ما رواه عض

٥٥ اسمعيل بن علي العمي ابو علي البصري احد اشياخنا
البصريين ثقة له كتاب جش احد شيوخنا البصريين
ثقة له كتب روى عنه عبد العزيز بن يحيى بن احمد ست

لم ٥٦ اسمعيل بن علي السلمي ابو عبد الرحمن اسند عنه في ٥٧ اسمعيل بن علي الهمداني ٢ ع بن عمار اخو سحن روى ٢ ٥٨ اسمعيل الكشي بطريق ضعيف ان الصادق اذا اراها قال وقد جمعهما لانوام يعني الدنيا والاخرة وفي الكافي في باب البر بالوالدين في الصحيح عن عمار بن حيان قال جئت يا عبد الله بيرا اسمعيل ابني بي فقال لقد كنت احبه وقد ازددت له حبا

٥٩ اسمعيل بن عمر بن ابان الكلبي واقف روى ابوه عن في م وروى هو عن ابيه وعن خالد بن نجيح وعبد الرحمن بن الحجاج وروى عنه احمد بن هشم بن ابي نعيم

٦٠ اسمعيل بن الفضل بن يعقوب بن الفضل بن عبد الله بن الحرث بن عبد المطلب ثقة من اهل البصرة قرن ع حدثني محمد بن مسعود قال حدثني علي بن الحسن بن علي بن فضال ان اسمعيل بن الفضل الهاشمي كان من ولد نوفل بن الحرث بن عبد المطلب كان ثقة وكان من البصرة كش

٦١ اسمعيل بن قتيبة مجهول ضا ح ولم يذكر اصحاب الجواد وقال بن داود اسمعيل بن قتيبة مجهول ق ح ولم يذكره ح في رجال ضا انتهى وكانه اراد من هذه العبارة الطعن على العلامة قدس سره فقال من اصحاب الرضا وعلى ما نقلنا انعكس الطعن

٦٢ اسمعيل بن قدامة بن حماطة الضبي الكوفي ق ح

٦٣ اسمعيل الفصير قد ذكرناه انه بن ابرهيم

٦٤ اسمعيل بن كثير السلمي الكوفي ابو الوليد اسند عنه ق ح

٦٥ اسمعيل بن كثير العجلي الكوفي ابو معمر ق ح

٦٦ اسمعيل بن محمد بن اسحق بن جعفر بن محمد بن علي بن الحسين عليه السلام ثقة روى عن جده وعن عم ابيه علي بن جعفر صاحب المسائل لكتاب روى اسحق بن العباس عن ابيه عنه جش

٦٨ اسمعيل بن محمد ابي خالد ذكرناه بعنوان اسمعيل بن ابي خالد

٦٧ اسمعيل بن محمد الاسكاف البندقاني الشالوسي ح

٦٩ اسمعيل بن محمد بن اسمعيل بن هلال العجلي ابو محمد احد اصحابنا ثقة فيما يرويه قدم العراق وسمع اصحابنا منه مثل ايوب بن نوح والحسين بن معويه ومحمد بن الحسين وعلي بن الحسين بن فضال له كتب روى عنه علي بن احمد العقيقي قال ابن نوح كان اسمعيل بن محمد يلقب قتيرة جش ابو محمد وجه اصحابنا المكيين كان ثقة فيما يرويه وقدم العراق وسمع اصحابنا منه منهم ايوب بن نوح والحسن بن معويه ومحمد بن الحسين وعلي بن الحسن بن فضال واحمد بن محمد وعاد الى مكة واقام بها وقلت الرواية عنه بسبب ذلك وله كتب ست عنه ايوب بن نوح ونظر انه لم

ح ولعل ما ذكره في الرجال انسب مما في جش ست من
رواياتهم عنه كما لا يخفى

٧٠ اسمعيل بن محمد من اهل قم يقال قبره له كتب منها
كتاب المعرفة ست يظهر من كلام ان قبره هو اسمعيل
محمد هذا ويظهر من كلام النجاشي الذي نقلناه فيما
ان قبره هو اسمعيل بن محمد بن اسمعيل بن هلال الثقة
اللهم الا ان يقال ان قبره رجلان وهو بعيد
وقع في كلام ست تكرار فعل هذا الا بصر ذكره مهملا
لتوثيق النجاشي والشيخ اياه

٧١ اسمعيل بن محمد الحميري يكنى ابا غانم ق ح وقال
السيد الشاعر الكيشي السيد بن محمد الحميري الشاعر
مادح اهل البيت وروى انه استتيب وجهه عند الموت
فقال اهكذا يفعل بالوليائكم يا امير المؤمنين فابيض
وجهه كانه القمر ليلة البدر وكان كيسانيا
فرجع وقال بابي جعفر وقال العلامة في ضه اسمعيل بن
محمد الحميري ثقة جليل القدر عظيم الشان والمنزلة
رحمه الله وقال الشيخ في ست السيد بن محمد اخبرنا
تالف الصلح وذكره د تره بعنوان اسمعيل بن محمد
وتره بعنوان السيد بن محمد

٧٢ اسمعيل بن محمد المنقري م ح

٧٣ اسمعيل بن محمد المهري الكوفي ق ح

٧٤ اسمعيل بن مراد روى عن يونس بن عبد الرحمن

روى عنه ابرهيم بن الهاشم لم ح

٧٥ اسمعيل بن مسلم السكوني ذكرناه بعنوان اسمعيل
بن ابي زياد السكوني

٧٦ اسمعيل بن مسلم المكي ق ح

٧٧ اسمعيل بن موسى بن جعفر بن محمد بن علي بن الحسين
سكن مصر وولده بها وله كتب يرويها عن ابيه عن اباءه
روى عنه موسى بن اسمعيل بن موسى بن جعفر جش ست

٧٨ اسمعيل بن مهران بن ابي نصر السكوني واسم ابي
نصر زيد مولى كوفي يكنى ابا يعقوب ثقة معتمد عليه
روى عن جماعة من اصحابنا عن الصادق ذكره ابو عمرو
في اجتماع الرضاء صنف كتبا روى عنه ابو جعفر احمد بن
الحسن وسلمة بن الخطاب وابو سمينة وعلي بن الحسن بن
فضال جش اسمعيل بن مهران بن محمد بن ابي نصر السكوني
ثقة معتمد عليه روى عنه محمد بن الحسين ست حدثني
محمد بن مسعود قال سالت علي بن الحسن عن اسمعيل بن
مهران قال روى بالغلو قال محمد بن مسعود بكذبون
عليه كان ثقة ثقة خيرا فاضلا كثير يكنى ابا محمد البصري
حليته بالتقى يضطرب ناره ويصلح اخرى ويروي
عن الضعفاء كثيرا ويجوز ان يخرج شاهدا غضا والاولى
عندي الاعتماد على رواياته لشهادة الشيخ ابي جعفر و
النجاشي له بالثقة فضه وذكره د في الباب ين

٧٩ اسمعيل بن همام بن عبد الرحمن بن ابي عبد الله

مهمون البصري مولى كنده واسمعيل يكنى ابا هاشم روى عن الرضا ع ثقه هو وابوه وجده له كتاب روى عنه احمد بن محمد بن عيسى حش ضا خ

۸۰ اسمعيل بن يحيى بن عمار البكري الكوفي ق خ

۸۱ اسمعيل بن يسار ق خ

۸۲ اسمعيل بن ابان الهاشمي مولى اسمعيل بن علي بن عبد الله بن العباس ذكره اصحابنا بالضعف له كتاب روى عنه محمد بن الحسين بن ابي الخطاب جش

۱ اسمر بن مضرس ل خ

۱ اسود بن ابي الاسود الدئلي مولاهم الكوفي القاضي ع خ

۲ اسود بن اصرم قال النجاري المحاربي ل خ

۳ اسود بن رزين ابو عبد الله البزني ق ذكره اصحاب الرجال له كتاب العقوق جش

۴ اسود بن سريع السعدي ابو عبد الله كان من الخاصة شاعرا وفد في الاسلام فاصاب وهو اول من نصر في المسجد ل خ

۵ اسود بن عاصم الهمداني ق خ

۶ اسود بن عبد يغوث الزهري ل خ

۷ اسود بن عزرة الكندي شامي هرب من معاوية والحق امير المؤمنين ق خ

۸ اسود بن يزيد النخعي خ

۱ اسيد بن ابي العلاء تقدم بعنوان اسيد بن ابي العلاء

۲ اسيد بن حبيب الجهني ق خ

۳ اسيد بن حضير بن سماك سكن المدينة ويقال له حضير الكتائب قتل يوم بغاث خادم رسول الله بينه وبين زيد بن حارثة ل خ ويوم بغاث وقعة بين الاوس والخزرج كذا في التاج

۴ اسيد بن شبرمة الكوفي ق خ

۵ اسيد بن عبد الرحمن ابو احمد الكوفي القلانسي ق خ

۶ اسيد بن عباص الكوفي ق خ

۷ اسيد بن القاسم الكناني الكوفي فر ق خ

۱ اسير بن عمرو ابو سلمة البكري ل خ وفي نسخة اسيد

۱ الاشجع السلمي من شعراء اهل البيت في اخر كتابه

۱ الاشرف بن جبلة اخو حكيم بن جبلة ق خ

۱ اشعث بن سعيد ابو الربيع البصري السمان ق خ

۲ اشعث بن سوار ق خ ثم قال الاشعث بن سوار الثقفي الكوفي ق

۳ اشعث بن سويد النهدي الكوفي ق خ

۴ اشعث بن قيس الكندي ابو محمد سكن الكوفة وابنه بعده النبي ص في وفده اصله يماني وفد وجه ابو بكر لخلافته فرده وكانت عوراء فولدت له محمدا ثم صارت خا - رجيا ل ق خ

۱ الاشاعثة روى الكشي طريقا مرسلا ان جابرا من ولد الاشعث استأذنا على ابي عبد الله فلم يأذن لهما فقيل ان لهما مبلا ومودة لكم فقال

ان البتة لعن الله واما فجرى اللعن فيهم وفى اعقابهم

١ اشعر بن الحسن الجعفى الكوفى ق ح

١ اشيم بن عبد الله ابو صالح الخراسانى ق ح

١ اصبغ بن نباتة المجاشعى كان من خاصة امير المؤمنين روى عنه سعد بن ظريف وابو الجارود خ ش ت ى ن ح

١ اصرم بن حوشب البجلى عامى ثقة روى عن الشامى نسخة رواها عنه محمد بن خالد البرقى خ ش وذكره فى البابين

٢ اصرم بن مطر ضا ح

١ اعشى بن ماذن ل ح

١ اعلم الازدى ح ثقة ولم اجد فى غيره وقد على الاسود وغيره مع انه لبس من دابه

١ اعين الرازى يكنى ابا معاذ ح

٢ اعين بن ضبيعة ى ح

١ الاغر الغفارى ل ح

٢ الاغر المزنى ويقال الجهنى ل ح

١ افلح بن ابى تغلب ل ح

٢ افلح بن حميد الرواسى الكلابى الكوفى بن ح

٣ افلح مولى رسول الله صلم ح

٤ افلح بن يزيد مجهول ضا ح

١ الاقرع بن حابس التميمى ابو بحر وهو المنادى من وراء

الحجرات ل ح

١ اقرم الخزاعى ل ح

١ اكثم بن ابى الجون واسمه عبد العزى ل ح

الباس بن عمرو البجلى شيخ من اصحاب الصادق متحقق بهذا الامر وهو جد الحسن بن على بن بنت الباس له كتاب روى عنه الحسن بن على الاشعرى خ ش وقال العلامة قدس سره فى صدر الباس بن عمرو البجلى جد الحسن بن على بن بنت الباس ثم ذكر بعده ان الباس الصيرفى خير من اصحاب الرضا عم والذى يفهم من كلامه قدس سره عند ترجمة الحسن بن على ابو ان جده الباس الصيرفى وكذا ذكره النجاشى الا انه لا منافاة بين كلامى النجاشى لانه لم يفهم من كلامه ان الباس الصيرفى لبس جد الحسن بن على بخلاف كلامه قدس سره لانه يفهم منه هذا الذكره بعد الباس بن عمرو البجلى الذى هو جد الحسن بن على بنت الباس والذى يخطر ببالى ان الباس الصيرفى لبس الا الباس بن عمرو البجلى الذى ذكر من اصحاب الصادق ع وما ذكره العلامة من ان الباس الصيرفى خير من اصحاب الرضا عم لبس فى كتب الرجال الحاضرة وكان منشأ ان النجاشى لما قال فى ذكر الحسن بن على الوشا ان الحسين بن على الوشا بجلى كوفى قال ابو عمرو يكنى ابا محمد الوشا وهو ابن بنت الباس الصيرفى خير من اصحاب الرضا عم وفى النسخة التى كانت عند العلامة

الاشتر عبد بن بنت الباس بن عمرو

من النجاشي في الحزاز وصح حجر ان كاذكره فاستخرج منه ان
الباس الصبر بحجر من اصحاب الرضاء والله اعلم بحقيقته
الامر وذكر ذا الباس بعد امية وانس وغيرهما وينبغي
ان يذكره مقدما كما هو من دابه

١ امرؤ القيس بن عابس ل ح

١ امية بن خالد ل ح

٢ امية بن علي العبسي الشامي ضعفه اصحابنا وقالوا
روى عن ابي جعفر الثاني عليه السلام كتاب روى عنه احمد
بن هلال جش يكنى ابا محمد في عداد الغيبتين ضعيف
الرواية في مذهبه ارتفاع غض

٣ امية بن عمرو الشعبي كوفي اكثر كتابه عن ابي بصير المكفوف
روى احمد بن محمد بن خالد عن ابيه عنه جش وانتحى ح

٤ امية بن مخشي الخزاعي ابو عبد الله ساكن البصرة ل ح

١ انس بن ابي القاسم الحضرمي الكوفي اسند عنه ق ح

٢ انس بن ابي مرثد كلثوم بن حصين العنوي حليف حمزة
بن عبد المطلب وقيل انيس وهو اصح ل ح

٣ انس بن الاسود الكلبي الكوفي ق ح

٤ انس بن الحرث قتل مع الحسين بكربلا ابن ح

٥ انس بن خالد ل ح

٦ انس بن رافع ابو الجهيش ل ح

٧ انس بن ظهير الانصاري ل ح

٨ انس بن عمرو الازدي الكوفي فر ق ح

٩ انس بن عباض ابو ضمرة الليثي عربي من بني ليث بن بكر
مدني ثقة صحيح الحديث له كتاب روى عنه يونس بن عبد
الاعلى حش ثقة صحيح الحديث له كتاب روى عنه ابراهيم بن
هاشم ست ق ح

١٠ انس بن مالك ابو حمزة خادم رسول الله ص
الانصاري ل ح وذكر الكشي ان امير المؤمنين ع
دعا عليه وبرص فدماه لكتمان حديث خم غدير
فحلف انس بن مالك ان لا يكتم منقبة لعلي ع ولا
فضلا ابدا

١١ انس بن مالك القشيري وقيل العجلاني وهو
الكعبي ابو امية ل ح

١٢ انس بن معاذ بن انس بن قيس الانصاري شهد
بدرا واحدا ل ح وذكر بعد ذكر هذا الرجل
راويا عن ح ايضا ان انس بن معاذ بن قيس بن
قتل معه ولم اجد في ح

١ انسر مولى النبي ص شهد بدرا وقيل قتل بها وقيل
بقي الى احد ل ح

١ انيس بن جناده اخو ابي ذر ل ح

٢ انيس بن قتاده وقيل انه قتل يوم احد ل ح

١ اوس بن اوس الثقفي ل ح

٢ اوس بن ثابت شهد بدرا والعقبة مع السبعين
واخا رسول الله بينه وبين عثمان بن عفان ل ح

٣ اوس بن حذيفة والد شداد بن اوس الثقفي ل خ
٤ اوس بن الصامت اخو عبادة ابن الصامت خ
٥ اوس بن معمر ابو محمد وهو الجمحي ل خ
١ اوفى بن مولة العنبري ل خ
١ اويس التميمي خ
٢ اويس القرني روى الكشي عن علي بن محمد بن قتيبة
قال سئل ابو محمد الفضل بن شاذان عن الزهاد
الثمانية فقال الربيع بن خثيم وهرم بن حيان واويس
القرني وعامر بن عبد قيس فكانوا مع امير المؤمنين من
اصحابه وكانوا زهادا نقيا واما ابو مسلم فانه كان
فاجر امرأتيا وكان صاحب معوية وهو الذي بحث
الناس على قتال امير المؤمنين وقال لعلي ادفع الينا
الانصار والمهاجرين حتى نقتلهم بعثمان فابى
امير المؤمنين ذلك فقال ابو مسلم الان طاب
الضراب اما كان وضع فخاره ومصيدة واما سروق
فانه كان عشار المعوية ومات في عمله ذلك بموضع
اسفل من واسط على رجله فقال له الوضاءة وبيره
هنالك والحسن كان بلقى كل اهل قرن بما يهوون
ويضع للرياسة وكان رئيس القدرية واويس
القرني مفضلا عليهم كلهم انتهى والمذكور من الزهاد
الثمانية سبعة وما ذكر الثامن سمعنا من بعض
الفضلاء ان الثامن هو جرير بن عبد الله البجلي رضي الله

اعلم ثم روى الكشي وادريس من خيار السابقين فقال رسول
الله دخل يوم لاصحابه ابشروا برجل من امتي يقال له
اويس القرني فانه يشفع لمثل ربيعة ومضر
١ اهبان بن اوس ابو عقبة ل خ
٢ اهبان بن سيف ابو مسلم سبي الراي على ل خ
والظاهر ان يكون هذا هو المذكور عند نرجد اويس القرني
بعنوان ابو مسلم
١ اياس شهد بدرا واحدا ومثل هو والد ابي بن اياس
بئر معونة ل خ ومعونة بالنون مثل بعد سبب انتهاء
٢ اياس بن ابي البكير اخا رسول الله ص بينه وبين الحارث
بن حرمة شهد بدرا واحدا والخندق والمشاهد كلها
ل خ
٣ اياس بن عبد الله بن ابي ذباب الدوسي ل خ
٤ اياس بن عبد الله المزني نزل الكوفة ل خ
٥ اياس بن قتادة العنزي ل خ
٦ اياس بن معاذ الاشهلي الانصاري ل خ
١ ايمن بن ام ايمن قتل يوم احد وهو من الثمانية الصالحين
ل خ
٢ ايمن بن خزيم بن فاتك الاسدي ل خ
٣ ايمن بن محرز م خ
٤ ايمن بن يعلى الثقفي ابو ثابت روى ابوه عن النبي ص
له رواية وليس له صحبة ل خ

١ ايوب بن ابى بهمه مولى عمار بن ياسر وكان عمار مولى فهو مولى مولى فر ٤

٢ ايوب بن اعين مولى لبنى طريف ق م ٤

٣ ايوب بن بكر بن ابى عاتق الموصلى فر ٤

٤ ايوب بن الحر الجعفى مولى ثقه ذكره اصحابنا فى الرجال يعرف باخوة ابيهم له اصل روى احمد بن محمد بن خالد ابيه عنه جش ثقه له كتاب روى عنه عبد الرحمن بن ابى عبد الله ست ق م ٤

٥ ايوب بن الحسن بن على بن ابى رافع مولى رسول الله ص بن ٤

٦ ايوب بن راشد البزاز الكوفى ق ٤

٧ ايوب بن زياد النهدى مولاهم كوفى ق ٤

٨ ايوب بن سعيد الخفاف ق ٤

٩ ايوب بن شعيب القزاز الكوفى ق ٤

١٠ ايوب بن شهاب بن زيد البارزى الكوفى ق ٤

١١ ايوب بن عابذ الطائى البجلى الكوفى بن ٤

١٢ ايوب بن عبد بدرى ق ٤

١٣ ايوب بن عثمان الكوفى ق ٤

١٤ ايوب بن عطية الاعرج الكوفى ق ٤

١٥ ايوب بن عطية ابو عبد الرحمن الحذاء ثقه ق له كتاب روى عنه صفوان بن يحيى جش ق ٤

١٦ ايوب بن علاق الطائى ابو معاذ الكوفى ق ٤

١٧ ايوب بن مهاجر الجعفى الكوفى ق ٤

١٨ ايوب بن مهلب الكوفى ق ٤

١٩ ايوب بن نوح بن دراج النخعى ابو الحسن كان وكيلا لابى الحسن وابى محمد عليهما السلام عظيم المنزلة عندهما مامونا وكان شديد الورع كثير العبادة ثقة فى روايته وابوه نوح بن دراج كان قاضيا بالكوفة وكان صحيح الاعتقاد واخو جميل بن دراج روى ايوب عن جماعة من اصحاب الصادق ع ولم يرو عن ابيه وعن عدة شيئا له كتاب نوادر روى عنه احمد بن محمد بن خالد جش ثقة له كتاب وروايات ومسائل عن الهادى عليه السلام روى عنه سعد بن عبد الله والحميرى ست وذكر الكشى روايته تدل على توثيقه ذكرناها عند ترجمة ابرهيم بن محمد الهمدانى

٢٠ ايوب بن وافد البصرى ق ٤

٢١ ايوب بن وشيكة فر ٤

٢٢ ايوب بن هلال الشامى اسند عنه ق ٤

باب الباء

١ بائس مولى حمزة بن اليسع الاشعرى ثقة ضا ٤

١ بجاث بن ثعلبة ل ٤

١ بحر بن زياد البصرى ق ٤

٢ بحر بن على ابو بحر الكوفى الوابشى ق ٤

٣ بحر بن كثير السقا البصرى ق ٤

قوله ايوب بن عطية الاعرج الخ يحتمل ان يكون لها واحدة كما يظهر من الفهرست فى باب الكنى حيث قال ابو عبد الرحمن الاعرج له كتاب ست

روى عنه موسى بن القاسم البجلى كثيرا كما يظهر من كتاب الحج من التهذيب

وروى عنه على بن الحسن بن فضال كما يظهر من باب استعمال فضل وضوء الرجل الخ من التهذيب

١ بحر بن ابي بحر الجهني ل ح
١ بدا بن راشد الكندي الكوفي ق ح
١ بدر بن الخليل الاسدي الكوفي ابو الخليل فر ق ح
٢ بدر بن رشيد البكري مولاهم كوفي ق ح
٣ بدر بن عمرو العجلي كوفي ق ح
٤ بدر بن مصعب الخراعي الكوفي ق ح
٥ بدر بن الوليد الكوفي ق ح
١ بدل بن سليمان ق ح
١ بديل بن ورقاء الخزاعي ابو عبد الله ل ج
١ البراء بن عازب الانصاري ل خ وقال الكشي
جماعة من اصحابنا منهم ابو بكر الحضرمي وابان بن تغلب
والحسين بن ابي العلاء وصباح المزني عن ابي جعفر وابي
عبد الله عليهما السلام ان امير المؤمنين عليه السلام
قال للبراء بن عازب كيف وجدت هذا الدين قال
كانما نزلنا اليهود قبل ان نتبعك نخف علينا العبا
فلما اتبعناك ووضع حقا بنو الاتهان في قلوبنا واحد
العبادة قد شنا قلت فاجبتنا قال امير المؤمنين
عليه السلام ثم تحشر الناس يوم القيمة في صور الجمر و
تحشرون فرادى فرادى يوخذ بكم الجنة ثم قال
ابو عبد الله ع ما بد لكم ما من احد يوم القيمة الا
هو يعوى عوى البهائم ان شهدوا لنا واستغفروا
لنا فعرض عنهم فناهم بعدها بفلجين قال ابو عمرو
الكشي هذا بعد ان صاب به دعوة امير المؤمنين عليه
السلام فيما روى من جهة العامة روى عبد الله بن
ابرهيم قال حدثنا ابو مريم الانصاري عن المنهال
بن عمرو عن زر بن حبيش قال خرج علي بن ابي طالب
من الفضر فاستقبله ركبان منفلدون بالسيوف
عليهم العمايم فقالوا السلام عليك يا امير المؤمنين
(عليه السلام) ورحمة الله وبركاته السلام عليك يا
مولانا فقال علي من معهنا من اصحاب رسول الله
فقام خالد بن زيد ابو ايوب وخزيمة بن ثابت ذو الشهادتين
وقيس بن سعد بن عباده وعبد الله بن بديل بن
ورقاء فشهدوا جميعا انهم سمعوا رسول الله يقول
يوم غدير خم من كنت مولاه (من فعلي مولاه) فقال علي لانس بن مالك
والبراء بن عازب ما منعكما ان تقوما فتشهدا فقد
سمعتما كما سمع القوم ثم قال اللهم ان كانا كاتما ها
معاندة فاسلبهما فعمي البراء بن عازب وبرص قدما انس
بن مالك (فحلف انه نسيها) لا يكتم منقبة لعلي عليه السلام ولا فضلا
ابدا واما البراء بن عازب فكان يسال عن شيء
فيقال هو في موضع كذا وكذا فيقول كبر شد من اصابته
الدعوة
٢ البراء بن مالك الانصاري اخو انس بن مالك
شهد احدا والخندق وقتل يوم تستر ل خ وروى
الكشي عن الفضل بن شاذان انه من الثابتين الذين

رجعوا الى امير المؤمنين عليه السلام

٣ البراء بن محمد كوفي ثقة له كتاب رواه ابوه ايوب بن نوح

٤ البراء بن معرور الانصاري الخزرجي نوفي على عهد رسول الله صلى الله عليه وآله وهو من النقباء ليلة العقبة ع

٢ بُرد الاسكاف مولى مكانب له كتاب روى عنه ابن ابي عمير جش بن فرق ح له كتاب روى عنه ابن هند والحسن بن محمد بن سماعة ست

١ بُرد بن ابي زياد ابو عمر مولى بني هاشم ق ح

٣ برد بن زائدة الجعفي مولاهم الكوفي ق ح

١ بردة بن رجا الكوفي ق ح

١ بريد الاسلمي يجيء بعنوان بريدة

٢ بريد بن اسمعيل الطائي ابو عامر كوفي ق ح

٣ بريد بن عامر الاسلمي مولاهم المدني استشهد ح

٤ بريد بن معوية ابو القاسم العجلي عربي فرق ومات في حبوة الصادق ق وجه من وجوه اصحابنا وفقيه ايضا له محل عند الائمة قال احمد بن الحسين انه راى لكابا بريد عنه على بن عقبة بن خالد الاسدي جش فرق ح حدثني حمدويه بن نصير قال حدثنا يعقوب بن يزيد عن ابن ابي عمير عن جميل بن دراج قال سمعت ابا عبد الله عليه السلام يقول لبشر المخبتين بشر بريد بن معوية العجلي وابو بصير ليث المرادي ومحمد بن مسلم وزراره اربعة نجباء امناء الله على حلاله وحرامه لولا هؤلاء انقطعت آثار النبوة واندرست كش ثم كش انه ممن اجمعت العصابة على تصديقهم وانقادوا لهم بالفقه انتهى وما ورد فيه من الذموم محمول على التقية ودفع الضرر عنه كما سيجيء في الحاشية عند ترجمة زراره بن اعين

١ بريدة بن الخصيب الاسلمي الجزاعي مدني عربي ح ح ورد وى الكشي عن الفضل بن شاذان انه من السابقين الذين رجعوا الى امير المؤمنين عليه السلام وهم من كلام الشهيد الثاني في الدراية توثيقه وفي ضه بريدة الاسلمي وفي ذكا في كش ح ولعله الصواب

١ بريرة العبادي روى عنه عمار بن مروان كابن جش له كتاب روى عنه القاسم بن اسمعيل القرشي وعبد الله بن احمد النهيكي ست بريرة العبادي الجبري اسلم على يدي ابي عبد الله عليه السلام يقال روى عنه ابن ابي عمير ق ح وقال ابن داود اقول في قول النجاشي نظر لان الذي اسلم على يده ع بريدة النصري وهو غير العبادي وقد ذكرهما الشيخ في الفهرست انتهى وفيه نظر لاني لم اجد في النجاشي ان بريرا العبادي اسلم على يد ابي عبد الله ع نعم ذكر الشيخ في الرجال كما نقلناه

٣ بريرة النصري له كتاب روى عنه عبيس بن هشام والظاهر ان بريرة النصري وبريرة العبادي واحد كما

لا يخفى وان كان الشيخ ذكرها في الفهرست

١ بزيع روى الكشي بطريق صحيح ان الصادق عليه السلام

٢ بزيع مولى عمرو بن خالد كوفي ق ح

١ بسباس بن عمرو بن ثعلبة حليف بني ساعدة ل ح

١ بسام بن عبد الله الصيرفي ابو عبد الله الاسدي مولاهم ق ح وروى الكشي عن محمد بن مسعود عن محمد بن نصير عن محمد بن عيسى عن الحسين بن سعيد عن علي بن حديد عن عنبسة بن مصعب العابد قال كنت مع جعفر بن محمد عليهما السلام بباب الخليفة ابي جعفر المنصور حتى اذن لابي بسام واسمعيل بن جعفر بن محمد فادخلا على جعفر فاخرج بسام مفولا واخرج اسمعيل بن جعفر بن محمد قال فرفع جعفر راسه اليه قال افعلتها يا فاسق ثم بالنار

١ بسر بن ابي عبلان الكوفي ق ح

٢ بسر بن ارطاة وقيل انه ابن ابي ارطاة القرشي العامري اسمه عبد الله هو الذي قتل ابني عبيد الله بن العباس ل ح وفي د في موضع عبد الله عبد الله وفي ص كما في ح ولعله الصواب

٣ بسر السلمي ابو رافع بن بشر ل ح

١ بسطام بن يزيد الجعفي كوفي ق ح وفي بعض النسخ بسطام بن يزيد بالياء المفوطة تحتها نقطتين كما سيجيء

٢ بسطام بياع اللؤلؤ كوفي روى عنه علي بن شجرة

ق ح

٣ بسطام الحذاء كوفي ق ح

٤ بسطام بن الحصين بن عبد الرحمن الجعفي ابن اخي خيثمة واسمعيل كان وجها في اصحابنا وابوه وعمومته وكان ادرجهم اسمعيل وهم بيت بالكوفة من جعفي يقال لهم بنو ابي سبرة منهم خيثمة بن عبد الرحمن صاحب عبد الله بن مسعود له كتاب روى عنه محمد بن عمرو بن النعمان الجعفي جش ق ح

٥ بسطام بن سابور له كتاب روى عنه محمد بن ابي حمزة والنهيكي جش ست

٦ بسطام بن سابور الزيات ابو الحسين الواسطي مولى ثقة واخوه ذكريا وزياد وحفص ثقات كلهم رووا عن الصادق والكاظم عليهما السلام ذكرهم ابو العباس وغيره في الرجال له كتاب روى عنه صفوان جش بسطام بن الزيات ابو الحسين الواسطي له كتاب روى عنه صفوان ست ويمكن ان يكون بسطام بن سابور وهذا الذي ذكرناه قبل هذا واحدا

٧ بسطام بن علي ابو علي وكل من اصل هذان جش عند ذكر محمد بن علي بن ابرهيم

٨ بسطام بن مرة له كتاب روى عنه معلى بن محمد البصري جش

٩ بسطام بن يزيد الجعفي كوفي ق ح

١ بشار بن الاسود الكندي مولى ق ح

لما ترك علي عليه السلام حرب معوية بعث معوية سبرا بن ارطاة الى اليمن فقتل من بها من شيعة علي عليه السلام وكان سبر قبل علي عليه السلام عبيد الله بن العباس فهرب منه فوجد ابنيه صغيرين وهما اللذان ذكرهما المصنف

٢ بشار الاشعري روى الكشي بطريق فيه محمد بن خالد الطيالسي ان الصادق عنه والظاهر ان هذا هو الذي يجيء بعنوان بشار الشعيري

٣ بشار بن بشار الضبعي يجيء بعنوان بشار بن بشار

٤ بشار بن زيد النعمان مجهول فرج وفي صلاته من اصحاب امير المؤمنين عليه السلام وكانه سهو

٥ بشار بن سوار الاحمري كوفي ق خ

٦ بشار الشعيري روى الكشي فيه ذموما كثيرة

٧ بشار بن عبد مولى عبد الصمد الكوفي ق خ

٨ بشار بن مزاحم المنقري مولاهم ق خ

٩ بشار بن مفرغ العجلي الكوفي ق خ

١٠ بشار بن يسار الضبعي اخو سعيد مولى بني ضبيعة عجلي ثقة روى هو واخوه عن الصادق والكاظم عليهما السلام ذكرهما اصحاب الرجال لكن روى عنه محمد بن ابي عمير حيث حدثني محمد بن مسعود قال سالت علي بن الحسين عن بشار بن يسار الذي يروي عنه ابان بن عثمان قال هو خير من ابان ولبس به باس كذا في بعض النسخ من حيث كتب بشار بن يسار بالباء المنقطة تحتها نقطة والسين المعجمة وفي صدد بالياء المنقطة تحتها نقطتين والسين المهملة

١ بشر بن ابي عفيفة المدائني فرق خ

٢ بشر بن ابي غيلان الكوفي ق خ وفي نسخة بشر بالسين المهملة كما نقلناه من قبل

٣ بشر بن اسمعيل الكوفي ق خ

٤ بشر بن البراء بن معرور شهد بدرا واحدا والخندق والحديبية وخيبر واكل مع النبي صلى الله عليه واله يوم خيبر من الشاة المسمومة وقيل انه مات منذ ذاك خ

٥ بشر بن بشار النيشابوري وهو عم ابي عبد الله الشاذاني روى خ

٦ بشر بن جعفر الجعفي ابو الوليد روى عنه احمد بن الحرث الاغماطي فرج خ

٧ بشر بن حسان الذهلي الكوفي ق خ

٨ بشر بن خثعم فرج خ

٩ بشر بن الربيع بتري صدوقا في الكشي خ فبشر بن الربيع بتري كما استفيد عنهما فكان في النسخة الزكات عند العلامة قدس سره من كش وخ كان بشر بن الربيع نقل هكذا وتبعه ابن داود حيث لم يتعرض الماخذ كما هو من دابه

١٠ بشر بن زاذان الجزري اسند عنه ق خ

١١ بشر بن زيد ق خ وفي بعض النسخ بشير كما يجيء

١٢ بشر بن سجيم يجيء بعنوان بشير بن سجيم

١٣ بشر بن سلام رايت بخط ابي العباس احمد بن علي بن نوح فيما وصى الي من كتبه اخبرنا احمد بن محمد الزاري قال حدثنا محمد بن جعفر الزاري عن يحيى بن

ذكرها ابى محمد اللؤلؤى عن بشر عن صالح البلخى جش

١٤ بشر بن سليمان النحاس الخيلى كوفى له كتاب روى عنه محمد بن الربيع الافرع جش

١٥ بشر بن الصلت العبدى الكوفى ق خ

١٦ بشر بن الطرخان النخاس روى الكشى بطريق فيه محمد بن عيسى عنه ان ابا عبد الله عليه السلام دعا له بكثرة المال والولد فرزق

١٧ بشر بن عاصم ل خ

١٨ بشر بن عائذ الاسدى مولاهم الكوفى ق خ

١٩ بشر بن عبد الله النخعى الكوفى فر خ

٢٠ بشر بن عبد الله الشيبانى ق خ

٢١ بشر بن عبيد الاسدى الكوفى ق خ

٢٢ بشر بن عمارة الخثعمى الكوفى ق خ

٢٣ بشر بن عمر الهمدانى روى الكشى بسند غير نقى عن امير المؤمنين عليه السلام ما تدل على انه من شرطة الخميس

٢٤ بشر بن عياض الاسدى مولاهم ق خ

٢٥ بشر بن غالب بن بن خ

٢٦ بشر بن مروان الكلابى الجعفرى الكوفى ق خ

٢٧ بشر بن مسعود ى خ

٢٨ بشر بن مسلم كوفى ثقة له كتاب رواه ابن ابى عمير جش ثقة يكنى ابا صدقة ق م خ ونقل د عن النجاشى بشر بن مسلم ثم بعده بشر بن مسلم ولم اجد الا كما نقلناه

٢٩ بشر بن مهمون سيجئ بعنوان بشير بن مهمون

٣٠ بشر بن همام الخثعمى الكوفى ق خ وفى بعض النسخ بشر بن عماره كما نقلناه

٣١ بشر بن يسار فر ق خ

١ بشير ابو عبد الصمد بن بشير الكوفى فر ق خ

٢ بشير يكنى ابا محمد المستهل الجعفى الازدى بياع الطعام مجهول فر خ

٣ بشير بن ابى مسعود الانصارى قتل يوم الحرة خ خ والحرة موضع وقعة بخمين

٤ بشير بن اسمعيل بن عمار كان من وجوه من روى الحديث جش عند ذكر اسحق بن عمار

٥ بشير بن الحصاصة سيجئ بعنوان بشير بن معبد

٦ بشير بن خارجة الجهنى المدنى ق خ

٧ بشير الدهان وقيل يسير بالياء والسين غير المعجمة ق م خ

٨ بشير بن زيد خ

٩ بشير بن سهم الغفارى ل خ وذكره د بعنوان بشر راويا عنه ولعله اشتباه

١٠ بشير بن سعد الانصارى شهد بدرا وقتل فى خلافة ابى بكر باليمن فى امارة خالد بن الوليد ل خ

١١ بشير بن سليمان المدنى فر خ

١٢ بشير بن عاصم البجلي الكوفي ق خ

١٣ بشير بن عاصم صاحب النبي ذكر الغارات ل خ
وفي نسخة بشر كما نقلناه

١٤ بشير بن عبد المنذر ابو لبابة الانصاري شهد
بدرا والعقبة لاخيره ل خ

١٥ بشير بن معبد بن الخصاصية السدوسي سكن الكوفة
وكان اسمه رحما فسماه رسول الله بشرا ل خ د
ذكر عند ذكر اصحاب امير المؤمنين ان بشير بن
الخصاصية كان اسمه بريرا فسماه رسول الله بشرا

١٦ بشير بن معوية بن ثور البكائي الحجازي ل خ

١٧ بشير بن ميمون الواسطي البزاز الكوفي فر ق خ
وفي نسخة بشر بن ميمون وذكر الكشي حديثا بدل
على مدحه وفي طريقه محمد بن سنان

١٨ بشير بن يزيد الصعق ل خ

١ بكار بن ابي بكر الحضرمي الكوفي ق خ

٢ بكار بن احمد له كتب روى عنه علي بن العباس بن
الحسن بن عبد الكريم نسخة روى عنه ابن الوليد خ

٣ بكار بن رجاء البشكري كوفي ق خ

٤ بكار بن زياد الخزاز الكوفي ق خ

٥ بكار بن عاصم مولى لعبد القيس ق خ

٦ بكار بن عبد الله بن مصعب روى ابن بابويه في
عيون الاخبار عن ابي علي الحسين بن احمد البيهقي عن

محمد بن يحيى الصولي عن احمد بن محمد بن اسحق الخراساني
قال سمعت علي بن محمد النوفلي يقول استخلف الزبير
بكار رجل من الطالبيين على شيء بين الفرع والمنبر
مخلف وبرص وكان ابوه بكار قد ظلم الرضا عليه السلام في
شيء فدعا عليه فسقط في وقت دعائه عليه من
فضر فمات عقبه واما ابوه عبد الله بن مصعب
فانه حزن عهد يحيى بن عبد الله بن الحسن بين يدي
الرشيد وقال اقتلها يا امير المؤمنين فانه لا امان
له فقال يحيى للرشيد انه خرج مع اخي بالامس وانشد
اشعارا له فانكره فحلفه يحيى بالبراءة ونحلل العقوبة
ثم من وقته ومات بعد ثلث فانخسف قبره مرارا كثيرة

٧ بكار بن كردم الكوفي ق خ

١ بكر بن ابي بكر عبد الله بن محمد الحضرمي الكوفي ق خ

٢ بكر بن ابي حبيب كوفي ق خ

٣ بكر بن ابي حبيبة قر خ

٤ بكر بن احمد بن ابرهيم بن زياد الاشيخ يكنى ابا احمد
العصري ذ وهو ضعيف له كتب روى عنه ابو الحسن
علي بن محمد بن جعفر بن رويدة العسكري الحداد
جش يروي الغرائب ويعتمد المجاهيل ولعله مظلم عصر

٥ بكر بن الاسقع ابو اسمعيل كوفي ثقة روى عن
موسى بن جعفر عم كتاب جش

٦ بكر بن امية الضمري اخو عمرو بن امية ل خ

٧ بكر بن اوس ابو النهال الطائي البصري بن خ

٨ بكر بن غلب السدوسي بخ

٩ بكر بن جناح ابو محمد كوفي ثقة مولى لبكاب روى عنه ابن ابي عمير حبش

١٠ بكر بن حبيب النهدي مولاهم كوفي ق خ

١١ بكر بن حبيب الاحمسي البجلي الكوفي كنيته ابو مريم ذكره علي بن الحسن بن فضال فرق خ

١٢ بكر بن حبيش الازدي الكوفي ق خ

١٣ بكر بن حرب الشيباني مولاهم كوفي ق خ

١٤ بكر بن خالد الكوفي فرق خ

١٥ بكر بن زياد الجعفي مولاهم كوفي ق خ

١٦ بكر بن صالح فر خ

١٧ بكر بن صالح الرازي مولى بني ضبة ثم ضعيف له كتاب نوادر روى عنه محمد بن خالد البرقي حبش له كتاب روى عنه ابو هبيم بن هاشم ست ضعيف جدا كثير التفرد بالغرائب عض ولما ذكر الشيخ عند ذكر اصحاب الرضا ان بكر بن صالح الضبي الرازي مولى ثم ذكر في باب من لم يرو الا عن واحد رجلا اسمه بائس حيث قال بائس مولى حمزة بن البسع الاشعري ثقة توهم ابن داود ان هذا ابضا من صفات بكر بن صالح الرازي ومن ثم ذكره في كتابه في الموثقين حيث قال بكر بن صالح الرازي الضبي مولى بائس مولى حمزة بن البسع الاشعري ثقة مع انه نقل عن رجال الشيخ انه قال بائس مولى حمزة بن البسع الاشعري ضعيف ولما رأى ان الاصحاب مثل الهاشمي والشيخ وابن الغضائري والعلامة قدس الله ارواحهم ذكروه ضعيفا وهملا ذكره عزة الخوري في الضعفاء وضعفه وذكر الشيخ قدس سره في باب من لم يرو الا عن واحد كما لا يخفى بن

١٨ بكر بن حبيب الله المكفوف الكوفي ق خ

١٩ بكر بن عبد الله بن حبيب المزني يعرف وينكر يكنى ابا بكر له كتاب نوادر روى عنه حمزة حبش

٢٥ بكر بن عبد الهادي الاودي الكوفي ق خ

٢١ بكر بن عبسي ابو زيد البصري الاحول اسند عنه ق خ

٢٢ بكر بن كريب الصهباني كوفي اسند عنه فر ق خ

٢٣ بكر الكرماني من اصحاب العباسي له خ

٢٤ بكر بن ميثم بن حبر الانصاري ل خ

٢٥ بكر بن محمد بن حناح واقفي خ وقال الكشي قال حمدويه عن بعض اشياخه ان بكر بن محمد بن جناح له

٢٦ بكر بن محمد بن حبيب بن بقية ابو عثمان المازني مازن بني شيبان كان من اهل العلم بالنحو والعربية واللغة بالبصرة ومقدما مشهورا بذلك اخبرنا بذلك العباس بن عمر بن العباس الكلوداني المعروف بابن مروان رحمه الله قال حدثنا محمد بن يحيى الصولي قال حدثنا ابو العباس محمد بن يزيد قال ومن علماء الاباضية

وكتبت ان بكرات هو الذي سيجيء بعنوان بكر بن محمد بن جناح وكانه الذكر من نسب بنوان بكر بن جناح

ابو عثمان بكر بن محمد وكان من غلمان سعيد بن مسلم له
في الادب كتاب التصريف كتاب ما يلحق فيه العامة
الغلط قال ابو عبد الله احمد بن عبدون رحمه الله
وجدت بخط ابي سعيد السكري مات ابو عثمان بكر
بن محمد رحمه الله سنة ثمان واربعين ومائتين وفي
نصه ومقدمته مشهورة بذلك وهو من غلمان سعيد
بن مسلم في الادب ولا يخفى ما فيه من التصحيف والاسقاط
ونقل بن داود عن الكشي انه ثقة ولم اجد في الكشي

٢٧ **بكر** بن محمد بن عبد الرحمن بن نعيم الازدي الغامدي
ابو محمد وجه في هذه الطايفة من بيت جليل بالكوفة
من آل نعيم الغامديين عومته شديد وعبد السلم
وابن عمه موسى بن عبد السلم وهم كبير وعمته عبيدة روى
ابيه عن الصادق والكاظم عليهما السلام ذكر ذلك
اصحاب الرجال كان ثقة له كتاب روى عنه احمد
اسحق واحمد بن احمد جش بكر بن محمد الازدي له
اصل روى عنه العباس بن معروف وعبد الله
بن الصلت الفي ست بكر بن محمد ابو الازدي له كتاب رن
م ضا صح ثم قال بكر بن محمد الازدي روى عنه العباس
بن معروف لم والظاهر انهما ذكره النجاشي والشيخ في كتاب
واحد كما يظهر من كلام النجاشي والشيخ مع ملاحظة
مشيخة الفقيه حيث يروي العباس بن معروف واحمد
بن اسحق عن بكر بن محمد الازدي والله اعلم

٢٨ **بكر** بن محمد الازدي ابن اخي سدير الصيرفي قال حمدويه
ذكر محمد بن علي العبيدان بكر بن محمد الازدي خير فاضل
وبكر بن محمد كان ابن اخي سدير الصيرفي كش قال
الكشي قال حمدويه ذكر محمد بن علي العبيد بكر بن محمد
الازدي فقال خير فاضل وعندي في محمد بن علي نظر
نصه والبعض الافاضل منهما اراد على العلامة قدس سره
وهي عبارته الذي يظهر من كلام النجاشي ان بكر بن محمد
الازدي الغامدي الثقة هو ابن اخي سدير الصيرفي
وانهما رجل واحد وهو الظاهر وحكم العلامة بتعددهما
وهم انتهى وفيه نظر لان الذي يظهر من النجاشي وهو
متعدد عندنا ان بكر بن محمد الازدي الغامدي
الثقة هو ابن اخي شديد بن عبد الرحمن بالشين المعجمة
والدال المهملة اخر الا ابن اخي سدير بالسين المهملة
والراء اخر الا ان سديرا هذا هو بن حكيم الصيرفي كما
ذكر الشيخ في الرجال عند ذكر اصحاب الصادق عليه
السلام شديد بن عبد الرحمن في باب الشين المعجمة وسدير
بن حكيم في باب السين المهملة وقد ذكر الكشي ان بكر بن
محمد الازدي كان ابن اخي سدير الصيرفي فعلى ما ذكرنا
توهم هذا الفاضل توهم العلامة قدس سره وفيه تامل

٢٩ **بكر** بن محمد العبدي الغائد الكوفي ق خ

١ **بكرويه** الكندي الكوفي روى عنه ابان بن عثمان ق ي

١ **بكير** بن احمد التخلي الكوفي يقال له الغنوي نزل اخوي ق

ه اسلاف المؤلف في ترجمة محمد بن علي العبيدي والاقوى عندي قبول روايته منه

ه الظاهر بمقتضى ان يكون سدير الصيرفي في كلام الكشي غلطا منه

٢ **بكير** بن اعين روى جده وهو عن يعقوب بن يزيد عن ابن ابي عمير والفضل وابرهيم بن محمد الاشعريان الصادق عليه السلام قال فيه بعد موته والله لقد انزل الله بين رسوله وامير المؤمنين عليهما السلام كتابا في جوف الصادق عليه السلام فرق ح

٣ **بكير** بن جندب الكوفي فرق ح

٤ **بكير** بن حبيب الكوفي روى عاصم عن منصور بن حازم عنه فرق ح

٥ **بكير** بن عبد الله الاشج بن ح

٦ **بكير** بن عبد الله الكوفي ق ح

٧ **بكير** بن فابوس بن ابي ظبيان الكوفي ق ح

٨ **بكير** بن فطر بن خليفة ابو عمرو مولى عمرو بن حريث الكوفي ق ح

٩ **بكير** بن ذاصل البرجمي الكوفي ق ع

١ **بكيل** بن سعيد سبن ح

١ **بلال** بن الحارث المزني ابو عبد الرحمن ل ح

٢ **بلال** بن رباح مولى رسول الله شهد بدرا وتوفي بدمشق في الطاعون سنة ثماني عشرة كنيته ابو عبد الله وقيل ابو عمرو ويقال ابو عبد الكريم مدفون بباب الصغير بدمشق ل ح وقال الكشي قال ابو عبد الله محمد بن ابرهيم قال حدثنا علي بن محمد بن بندار الفقي قال حدثنا عبيد الله بن محمد بن عيسى عن ابن ابي عمير عن هشام بن سالم عن الصادق عليه السلام قال كان بلال عبدا صالحا وكان صهيب عبدا سوء يبكي على عمر وروى الشيخ فذكره في التهذيب عن محمد بن علي بن محبوب عن معوية بن حكيم عن سليمان بن جعفر عن ابيه قال دخل رجل من اهل الشام على ابي عبد الله عليه السلام فقال له ان اول من سبق الى الجنة بلال قال ولم قال لانه اول من اذن

١ **بنان** بن محمد بن عيسى اسمه عبد الله وبنان لقبه على ما وجدنا في النجاشي عند ذكر محمد بن سنان وكذا ذكره الكشي مع اخيه احمد بن محمد بن عيسى ولم اجد في شانه شيئا من جرح ولا تعديل

١ **بنان** روى الكشي عن سعد بن عبد الله قال احمد بن محمد بن خالد الطيالسي عن عبد الرحمن بن ابي نجران عن ابن سنان ان الصادق عليه السلام لعنه والظاهر انه غير ما ذكرناه فيبعد هذا لانه على ما هو الظاهر روى عن علي بن مهزيار كما ذكر الكشي في ذكر محمد بن اسمعيل بن بزيع وهو من رجال الصادق عليه السلام

١ **بندار** بن محمد بن عبد الله اما ابن شقلم كب جش ست ثم ح

١ **بهرام** بن بجي الكشي الخراز ق ح

١ **بهلول** بن محمد الكوفي ق ع

١ **بيان** الجرمي كوفي ابو احمد مولى قال محمد بن عبد الحميد كان خيرا فاضلا له كتاب روى عنه محمد

محمد العليمي خش

٢ **بيان** بن حمران النقليسي نزل المدائن ق ح

باب الثاء

١ **ثعلبة** بن بجم الحلبي ثقة له كتب قرأ علينا وعلى الرضي يكنى ابا الصلاح ثم ح

١ **ثليب** بن ثعلبة الفهمي ونبل العنبري ل ح

١ **ثليد** بن سليمان ابو داود بن الحارث ق ذكره ابو العباس له كتاب روى عنه الحسين بن محمد بن علي الكاتب خش لم يتفق لاحد من علمائنا على جرحه ولا تعديله بالكلية قال ابن عقده حدثنا احمد قال حدثنا محمد بن عبد الله بن سليمان قال سمعت ابن نمير يقول ابو الجحاف ثقة وليس اعتمد بما روى عنه ثليد ضه

١ **تميم** بن اسيد العدوي ونبل ابن اسد ابو رقاع العدوي نزل البصرة ل ح

٢ **تميم** بن اوس ابو رقية الداري نزل الشام ل ح

٣ **تميم** بن حزيم الناجي ق وشهد معه ح وفي ضه تميم بن حذلم بالحاء غير المعجمة والذال المعجمة ثم في ضه في اخر القسم الاول تميم بن خزيم بالخاء المعجمة والزاء وقال انه من خواص امير المؤمنين عليه السلام من مضر وفي القطاع تميم بن حذلم من التابعين وفي ذ حديم بكسر الحاء المهملة وسكون الذال المعجمة وخزيم بالخاء المعجمة والزاء وهم

٤ **تميم** بن زياد فر ح

٥ **تميم** بن عبد الله بن تميم القرشي الذي روى عنه ابو جعفر محمد بن بابويه ضعيف ضه

٦ **تميم** بن عمرو يكنى ابا حبش وكان عامل امير المؤمنين عليه السلام على مدينة الرسول حتى قدم سهل بن حنيف ق ح

٧ **تميم** مولى خراش بن الصمة اخا رسول الله صلى الله عليه وآله من حبار مولى عبيد بن غرفان شهد بدرا واحدا ل ح في ضه خداش بكسر الخاء المعجمة والذال غير المعجمة

٨ **تميم** بن يسار بن نبيل الانصاري الخزرجي ل ح

باب الثاء

١ **ثابت** بن ابي ثابت سبيحي يعنوان ثابت بن عبد الله

ثابت بن ابي صفية سبيحي يعنوان ثابت بن دينار

٢ **ثابت** بن افوم ل ح

٣ **ثابت** البناني يكنى ابا فضالة من اهل بدر ق نزل معه بصفين ح وفي بعض النسخ من ضه لفظة ثقة موجودة ولم اجد في غيره

٤ **ثابت** بن ثعلبة الانصاري ل ح

٥ **ثابت** بن جبير روى عبيس بن هشام الناشري كتابه عنه خش

٦ **ثابت** بن الحرث الانصاري ل ح

٧ **ثابت** بن الحجاج وكان يروي عن زيد بن ثابت ح

٨ **ثابت** الحداد سبيحي يعنوان ثابت بن هرمز

٩ **ثابت** بن حماد البصري ق ح

١٥ ثابت بن خالد بن الثمان ل ح

١١ ثابت بن خنساء ح

١٢ ثابت بن درهم الجعفي مولاهم الكوفي ق ح

١٣ ثابت بن دينار ابو حمزة الثمالي ودينار ابو بكير ثابت صفيه كوفي ثقه لف بن فرقد م ودوى عنهم وكان من اصحابنا وثقاتهم ومعتمدهم في الرواية والحديث ودوى عن الصادق عليه السلام انه قال ابو حمزة في زمانه مثل سلمان في زمانه ودوى عنه العامة مات في سنة خمسين ومائة وله كتب دوى عنه عبد ربه والحسن بن محبوب ومحمد بن الفضيل ثقه له كتب دوى عنه الحسن بن محبوب ويونس بن علي العطار ومحمد بن عباش بن عيسى ابي حمزة ست بن فرقد م واختلف في بقائه الى وقت الكاظم عليه السلام ح وسيجئ توثيقه عن الكشي عند ترجمة ابنه علي بن ابي حمزة

١٤ ثابت بن رفيع الانصاري سكن مصر ل ح

١٥ ثابت بن زائدة العكلي مولاهم الكوفي فرقد ح

١٦ ثابت بن زيد ابو زيد وهو الذي جمع القرآن على عهد رسول الله صلى الله عليه وآله ح

١٧ ثابت بن سعد ني ح

١٨ ثابت بن شريح ابو اسمعيل الصايغ الانباري مولى الازد ثقه روى كثيرا عن ابي بصير والحسين بن ابي العلاء وابنه محمد بن ثابت له كتاب في انواع الفقه روى عنه عبيس بن هشام جش له كتاب روى عنه عبيس بن هشام ست ثابت بن شريح الصايغ ق ح ثم قال في باب من لم يرو ان ثابت بن شريح روى عنه عبيس بن هشام والظاهر انهما واحد

ثابت بن صامت الانصاري سكن المدينة ل ح

ثابت بن الضحاك بن خليفة الانصاري سكن الشام وكان قد بايع تحت الشجرة ل ح

٢١ ثابت الضرير له كتاب ذكره ابن النديم ست

٢٢ ثابت بن عبد الله وهو ثابت بن ابي ثابت البجلي الكوفي يكنى ابا سعيد مولى بن فرقد ح

٢٣ ثابت بن عبد الله بن الزبير بن العوام بن اسد بن خ

٢٤ ثابت بن عمرو بن زيد بن عدي ل ح

٢٥ ثابت بن قيس بن رفعة الانصاري ل ح

٢٦ ثابت بن قيس بن الشماس الخزرجي خطيب الانصار سكن المدينة قتل يوم اليمامة ح وذكر في البابين

ثابت بن هرمز الفارسي ابو المقدام البجلي الحداد مولى بجيلة بن فرقد ح ونبدي بترجمته روى نصر عن علي بن الحسين عليه السلام دعا له عند ابنه عمرو بن ثابت جش وسيجئ بعض احواله عند ترجمة سلمة بن كهيل

ثابت بن هزال ح

١٩ وقال ابن داود ان اسم دينار ابو صفية وليس بشئ والمعكس اول كناية النخعي و غيره منه

٢٠ روى الكشي هذه الرواية عن ابي عبد الله عليه السلام حيث قال في زمانه كلهم ثقات وذكر انه قد مضى اربعة منهم ثابت بن ابي صفية وحمران بن اعين ومحمد بن مسلم وبريد بن معاوية ومن عاصره موسى ابا جعفر وكونس بن عبد الرحمن كذلك هو سلمان في زمانه ثم روى عن الرضا عليه السلام ايضا ان ابا حمزة الثمالي كسلمان الفارسي في زمانه وذلك انه قد مضى اربعة منا الى آخره منه

٢٨

٢٩ ثابت بن يزيد بن ودیعة الانصاری الخزرجی ساکن
الکوفة یکنی ابا سعد وقیل ابا محمد ل ح

١ ثبیت بن محمد ابو محمد العسکری صاحب ابی عبیدة
الوراق متکلم حاذق من اصحابنا العسکریین و
کان ایضا الاطلاع بالحدیث والروایة والفقه
له کتب تثبت ممن کان یروی عن الصادق علیه
السلام وله عنه احادیث یروی عنه ابو ایوب
الخزاز جش

١ بثیط بن نشیط الکوفی ق ح

١ ثعلبة بن ابی ملیک القرظی ل ح

٢ ثعلبة بن حاطب الانصاری ل ح

٣ ثعلبة بن الحکم اللیثی ل ح

٤ ثعلبة بن راشد الاسدی الکوفی ق ح

٥ ثعلبة بن زهرم المخطلی الفهمی وافد رسول الله
صلی الله علیه واله ل ح

٦ ثعلبة بن صعیر ابو عبد الله ل ح

٧ ثعلبة بن عمرو ابو عمرو الانصاری ل ح وسیجیء
بعض احواله عند ترجمة الحصین بن المنذر

٨ ثعلبة بن غنمة بن عدی من بنی سلمة ل ح

٩ ثعلبة بن میمون مولی بنی اسد مولی بنی سلامة
منهم ابو اسحق النحوی کان وجها فی اصحابنا قاریا
فقیها نحویا لغویا راویة وکان حسن العمل کثیر العباد
والزهد قتم له کتاب روی عنه عبد الله بن محمد
المرخرف جش ذکره محمد وبه عن محمد بن عیسی ان
ثعلبة بن میمون مولی محمد بن قیس الانصاری
وهو ثقة خیر فاضل مقدم معلوم فی العلم والفقها
الاجلة من هذه العصابة کش وذکر العلامة وابن داود
وله بوثبناه صریحا وینبغی ان یوثناه کما وثقه الکشی

ثقاف بن عمرو بن سعید حلیف بنی عبد شمس ل ح ١

ثلج بن ابی ثلج البغوی من ولد داود بن علی ١
البغوی ضا ح

ثمامة بن عمرو ابو سعید الاودی الخطاط الکوفی ١
ق ح

ثوبان مولی رسول الله صلی الله علیه واله ١
یکنی ابا عبد الله ل ح

ثویر بن ابی فاختة ابو جهم الکوفی واسم ابی فاختة ١
سعید بن علاقة یروی عن ابیه وکان مولی ام هانی
بنت ابی طالب قال ابن نوح حدثنی جدی قال حدثنا
بکر بن احمد قال حدثنا محمد بن عبد الله البزاز قال
حدثنا محمد بن غیلان قال حدثنا سیابة بن سوار
قال قلت لیونس بن ابی اسحق ما لک لا تروی عن ثویر
فان اسرائیل یروی عنه فقال ما اصنع به کان فضا
جش وروی الکشی عن محمد بن قولویه عن محمد بن عباد
بن یشر عن ثویر بن ابی فاختة وروایته تدل علی ان

ثوير اشفق على ابى جعفر عليه السلام من مسائل اقتباها عنه
بن درا القاضى وابن فضل الماصر والصلت بن بهرام
وقال العلامة فى ضعف هذه الرواية لا اقتضى مدحا
ولا قدحا فمن فى رواية من الموثقين

٢ ثوير بن غمارة الازدى الكوفى ابو الحسن ق خ

٣ ثوير بن عمرو بن عبد الله المرهبى الهذانى الكوفى
ق خ وفى نسخة ثور

٤ ثوير بن يزيد الشامى بن خ

باب الجيم

١ جابر بن ابجر النخعى الكوفى الصهبانى ق خ

٢ جابر بن اسامة تزل بالمدينة ل خ

٣ جابر بن خالد الاشهلى ل خ

٤ جابر بن سليم الجهنى من بنيم ونسل سليم بن جابر و
الضبح الاول يكنى ابا جرى نزل البصرة ل خ

٦ جابر بن سمير الاسدى كوفى ابو العلا اسند عنه ق خ

٧ جابر بن طارق الاحمسى ابو حكيم وقال البخارى
جابر بن عوف ل خ

٨ جابر بن عبد الله بن رئاب السلمى سكن المدينة روى
عنه انس حديثين كنيته ابو باسر ل خ

٩ جابر بن عبد الله بن عمرو بن حرام الانصارى نزل
المدينة شهد بدرا وثمانى عشرة غزوة مع رسول الله
مات سنة ثمان وسبعين ل خ ن سبين بن فر

خ وارد الكشى فى مدحه وذمه روايات كثيرة تدل على علو مرتبته
وحسن عقيدته وانقطاعه الى اهل البيت عليهم السلم

١٠ جابر بن عبد المغازى الانصارى سكن المدينة ق خ

١١ جابر بن عبير الانصارى ل خ

١٢ جابر بن محمد بن ابى بكر بن خ

١٣ جابر المكفوف حدثنى محمد بن مسعود قال حدثنى
على بن الحسن عن العباس بن عامر عن جابر المكفوف عن
الصادق عليه السلام قال دخلت عليه فقال اما
يصلونك قلت وربما فعلوا قال فوصلنى بثلثين دينارا
وقال يا جابر كم عيدان غاب لم يفقده وان شهد
لم يعرفوه فى اطمارها فاقسم على الله لابرفهم كثر الطمر
بالكسر الثوب الخلق والجمع اطمار كذا فى الصحاح

١٤ جابر بن نوح النهيمى الجمانى كوفى ق خ

١٥ جابر بن يزيد ابو عبد الله ونسل ابو محمد الجعفى عربى
قدم على الباقر والصادق عليهما السلام ومات فى
ايام سنة ثمان وعشرين ومائة روى عنه جماعة غمز
بهم ضعفوا منهم عمرو بن شمر ومفضل بن صالح ومنخل
بن جميل ويوسف بن يعقوب وكان فى نفسه مختلطا
وكان شيخنا ابو عبد الله محمد بن محمد بن النعمان
رحمه الله يشد نا اشعارا كثيرة فى معناه تدل على
الاختلاط لكن هذا موضعا لذكرها وقل ما يروى
عنه شئ فى الحلال والحرام لذلك روى عنه عبد الله

٢ جابر بن سمرة ق الكوفى
١٤ ق خ

بن محمد الجعفي وهذا عبد الله بن محمد بقال الجعفي ضعيف
عمرو بن شمر ومخلد بن جبل جش له اصل روى عنه ابراهيم
بن سليمان ست فرق نا بعي ح حدثني حمدويه
ابو هيم قالا حدثنا محمد بن عيسى عن علي بن الحكم عن ثابت
بن ابي الحلال قال اختلف اصحابنا في احاديث جابر
الجعفي فقلت لهم اسال الصادق عليه السلام فلما
دخلت ابتدأني فقال رحم الله جابرا الجعفي كان يصدق
علينا ولعن الله المغيرة بن سعيد كان يكذب علينا كذا
في كثير من روايات كثيرة تدل بعضها على مدحه وبعضها
على ذمه وروى العلامة في صه عن ابن الغضائري
ان جابر بن يزيد الجعفي ثقة في نفسه ولكن جل من روى عنه ضعيف

١٦ جابر بن يزيد الفارسي يكنى ابا القاسم كوخ

١ الجارود بن ابي بشر ن خ

٢ الجارود بن المنذر التيمي السعدي الكوفي فرق خ

٣ الجارود بن عمرو بن خنيس بن بعلى العبدي ابن اخي بلال
عليه خ

٤ الجارود بن عمر الطائي الكوفي ق خ

٥ الجارود بن المعلى سكن البصرة ل خ

٦ الجارود بن المنذر ابو المنذر الكندي النحاس كوفي
ثقة ثقة ذكره ابو العباس في رجاله الكتاب يخلف الوراق
روى عنه علي بن الحسن بن رباط جش له كتاب روى عنه
صفوان بن يحيى سته

جاربه بن ظفر سكن الكوفة اصله اليمامة ل خ ١

جاربه بن قدامة السعدي عم الاحنف ل ق خ ودرك ٢
الكشي بطريق صحيح ان امير المؤمنين عليه السلام وجهه
الى اهل نجران عند ارتدادهم عن الاسلام

جاهمة السلمي ل خ ١

جبار بن صخر ل خ ١

جبر بن عنبة اخو جابر ل خ ١

جبرئيل بن احمد الفاريابي يكنى ابا محمد كان ثقة ١
يكثر الرواية عن العلماء بالعراق وقم وخراسان ل خ

جبلة بن ابي سفيان مصري ق خ ١

جبلة بن الازرق ل خ ٢

جبلة بن اعين الجعفي مولاهم كوفي ق خ ٣

جبلة بن حارثة بن بدر الجعلي الكلبي اخو زيد ل خ ٤

جبلة بن الحجاج الصيرفي كوفي ق خ ٥

جبلة بن حيان بن ابجر الكناني الكوفي ق خ وفي ٦
جش جبلة كابائي

جبلة الخزاعي الذي حدث عنه يحيى بن سالم ق خ ٧

جبلة بن عطية يكنى ابا عرفة ق خ ٨

جبلة بن عروة ق خ ٩

جبير بن الاسود النخعي ابو عبيد مولى عبد الرحمن بن ١
عائش الصنعاني ق خ

جبير بن اياس الانصاري ل خ ٢

٣ جبير بن حفص الغنوي الكوفي ابو الاسود اسند عنه ج

٤ جبير بن مطعم روى الكشي بطريق ضعيف عن الكاظم عليه السلام انه من حواري علي بن الحسين عليه السلم وحواري الرجل خلصانه ثم روى بطريق مرسل عن الصادق عليه السلام انه قال اذا قتل الحسين عليه السلام الآية ابو خالد الكابلي يحيى بن ام الطويل وجبير بن مطعم ثم ان الثالث يخوا وكثر واد روى يونس عن حمزة بن محمد الطيار مثله وزاد فيه جابر بن عبد الله الانصاري

١ جحدر بن المغيرة الطائي كوفي ذكر ذلك الخاصة له كتاب روى عنه محمد بن ادريس صاحب السرائر جش كان خطابيا في مذهبه ضعيفا في حديثه كا به لم يرو الا من طريق واحد عنه

١ جحل بن عامل ي ج

١ جدار ولم ينسب ل ج

١ الجراح الاشجعي النهمي ل ج

٢ الجراح بن عبد الله المدني ق ج

٣ الجراح المدايني ق ذكره ابو العباس له كتاب روى عنه جماعة منهم المضر بن سويد جش فر ق ج

٤ الجراح بن مليح الرواسي الكوفي ق ج

١ جرموز الهجيمي سكن البصرة الفريعي ل ج

١ جرهد الاسلمي ل ج

جرهم وقيل جرثوم بن ناشر وقيل ابن ناشب اليمن وقيل اسمه عمرو وابو بغلبة نزل الشام ل ج

جرير بن احمر العجلي الكوفي ق ج

جرير بن حكيم الازدي المدايني خ م ق ج

جرير بن عبد الحميد الضبي كوفي نزل الري ق ج

جرير بن عبد الله ابو عمرو وقيل ابو عبد الله البجلي سكن الكوفة وقدم الشام برسالة امير المؤمنين عليه السلام الى معوية واسلم في السنة التي قبض فيها رسول الله ص وقيل ان طوله كان ستة اذرع ذكره محمد بن اسحق ل ج وخرب علي عليه السلام داره بالكوفة بعد لحوقه بمعوية مشهور

جرير بن عثمان ق ج

جرير بن عجلان الازدي الكوفي ق ج

جرير بن كليب الكندي ق ج

جعاده بن سعد الانصاري ق ج

جعده بن ابي عبد الله فر ج

جعده بن هبيرة المخزومي ابن اخت امير المؤمنين عليه السلام اسلم وكان ابنا لابي طالب ق ج

جعفر بن ابرهيم الجعفي فر ج

جعفر بن ابرهيم الحضرمي ض ج

جعفر بن ابرهيم ذ ي ج ويحتمل ان يكون هذا هو المذكور قبل هذا

٤ جعفر بن ابرهيم بن محمد بن علي بن عبد الله بن جعفر بن
ابي طالب عليه السلام المدني ثن ع ووثقه
النجاشي عند ذكر ابنه سليمان بن جعفر
٥ جعفر بن ابرهيم بن نوح كر ع
٦ جعفر بن ابي جعفر القرقسني من اصحاب العسكري ع
٧ جعفر بن ابي طالب بن عبد المطلب قتل بموتة ن
ع وموتة اسم ارض من بلاد الشام كذا في الصحاح
٨ جعفر بن ابي عثمان الفراري ثن ع
٩ جعفر بن احمد بن ايوب القرقسني ابو سعيد قال له
ابن الغائري كان صحيح الحديث والمذهب روى عنه محمد
بن مسعود العياشي ذكر احمد بن الحسين رحمه الله ان له
كتاب الرد على من زعم ان رسول الله صلى الله عليه
واله كان على دين قومه قبل النبوة روى عنه محمد بن
عمر بن عبد العزيز الكشي جش جعفر بن محمد بن ايوب بن سعد
بابن الناجر من اهل القرقسني متكلم له كتب ثم ع
١٠ جعفر بن احمد بن وداك الرازي ابو عبد الله من
اصحابنا المتكلمين والمحدثين له كتاب في الامامة كبير
١١ جعفر بن احمد بن يوسف الاودي ابو عبد الله
شيخ من اصحابنا الكوفيين ثقة روى عنه احمد بن
محمد بن عقدة له كتاب المناقب روى عنه محمد بن جعفر
الدقاق جش
١٢ جعفر بن اسمعيل المنقري له نوادر روى عنه عبد

كان غالبا كذا باعض وفي صدف موضع المنقري المقرئ
وفي ح ذكر في جش
١٣ جعفر الاودي كوفي له كتاب روى عنه محمد بن ابي
عمير جش
١٤ جعفر بن اياس ابو بشر النصري ثن ع
١٥ جعفر بن بزداد بن حسان الهاشمي مولاهم الصيرفي ثن ع
١٦ جعفر بن بشير ابو محمد البجلي الوشاء من نقاد اصحابنا
وعبادهم ونساكهم وكان ثقة وله مسجد بالكوفة
باق في يعمل الى اليوم وانا وكثير من اصحابنا اذا دخلنا
الكوفة نصلي فيه مع المساجد التي ترغب في الصلوة
فيها ومات جعفر رحمه الله بالانبار سنة ثمان
وما ئتين كان ابو العباس بن نعيم يقول كان يلقب فخر
العلم روى عن الثقات وروا عنه له كتب روى عنه
محمد بن المفضل بن ابرهيم وابن ابي الخطاب جش و
الانبار موضع بين مكة والمدينة وفي ضه بعرفة
العلم وفي ح فخار العلم ورايت بخط السيد السعيد
صفي الدين محمد الموسوي رحمه الله قال حدثني
بعض العلماء ممن قرات عليه هذا الكتاب انه فخر
العلم بالنون والفاء والهاء المهملة وقال الشيخ في
الفهرست ثقة جليل القدر له كتاب روى عنه
محمد بن الحسين بن ابي الخطاب وله كتاب ينسب الى
جعفر بن محمد عليه السلام رواية علي بن موسى

الرضا عليه السلام وقال في الرجال ضا

١٧ جعفر بن الحارث ابو الاشهب النخعي الكوفي ق ج

١٨ جعفر بن الحبيب الكوفي ق ج

١٩ جعفر بن الحسن بن علي بن شهريار ديلمي يعنوان جعفر بن الحسين

٢٠ جعفر بن الحسن بن يحيى بن سعيد الحلي شيخنا نجم الدين ابو القاسم المحقق المدقق الامام العلامة واحد عصره كان اكبر زمانه وافقههم بالحج واسرعهم استحضارا قرأت عليه دورة في صغره وكان له على احسانا عظيما النفات والجاز لي جميع ما صنفه وقراه ورواه وكل ما يصح روايته عنه توفي رحمه الله في شهر ربيع الآخر من سنة ست وسبعين وستمائة له نصانيف حسنة محققة محررة عذبة وله تلامذة فقهاء وفضلاء رحمه الله

٢١ جعفر بن الحسين بن علي بن شهريار ابو محمد المؤمن الفقيه شيخ اصحابنا الفقيه ثقة انتقل الى الكوفة واقام بها وصنف كتابا في المزار وفضل الكوفة ومساجدها وله كتاب نوادر روى عنه ابو الحسين بن غالب جش وفي صه جعفر بن الحسن بدون الباء وفي ج بالباء كما في جش وقال الشيخ في الرجال جعفر بن الحسين روى عنه ابن بابويه ابو جعفر لم والظاهر انهما واحد

٢٢ جعفر بن الحكيم بن عباد الكوفي ق ج

٢٣ جعفر بن حبان الصيرفي الكوفي ق ج ومحمل ان يكون هذا هو المذكور قبل هذا ٢٣

جعفر بن خلف من اصحاب ابي الحسن موسى عليه السلام ٢٥

روى الكشي عن جعفر بن احمد عن يونس بن عبد الرحمن عن جعفر بن خلف قال سمعت ابا الحسن عليه السلام يقول سعد امره لم يمت حتى يرى منه خلفا وقد اراني الله ابنه هذا خلفا واشار اليه دلالة على خصوصيته انتهى وقال الشيخ في الرجال ق م

٢٦ جعفر بن داود البقوبي ق ج

٢٧ جعفر بن زياد الاحمر ابو عبد الله الكوفي ق ج

٢٨ جعفر بن سارة الطائي كوفي مولى ق ج

٢٩ جعفر بن سليمان الفقيه ابو محمد ثقة من اصحابنا الفقيهين له كتاب ثواب الاعمال روى عنه محمد بن الحسن بن الوليد جش وذكر بعد ذكر هذا الرجل رجلا اخر فقال جعفر بن سليمان الضبعي البصري ق ج ثقة انتهى ولم اجد له في الرجال وغيره

٣٠ جعفر بن سليمان ق ج والظاهر انه غير ما ذكره الشيخ لرواية ابن الوليد عنه

٣١ جعفر بن سليمان ذي ج

٣٢ جعفر بن سماعة واقفي ق م ج والظاهر ان يكون هذا والذي سيجيء بعنوان جعفر بن محمد بن سماعة واحدا

٣٣ جعفر بن سويد الجعفري القبلي الكوفي ق ج

٣٤ جعفر بن سويد مولى بني سليم كوفي ق خ

٣٥ جعفر بن سهيل الصيقل وكان ابو الحسن وابو محمد رضا الدار عليهم السلام كر خ

٣٦ جعفر بن شبيب الحمدي يعرف بالبرزون الكوفي ق خ

٣٧ جعفر بن عبد الرحمن الكاهلي له نوادر روى عنه حميد جش لم خ

٣٨ جعفر بن عبد الله دامس المدني ابن جعفر الثاني ابن عبد الله بن جعفر بن محمد بن علي بن ابي طالب عليه السلام ابو عبد الله كان وجها في اصحابنا وفقيها واوثق الناس في حديثه وروى عن ابيه محمد عن ابيه عبد الله بن جعفر وكان يعيب بالكوفة والبصرة وابن ابنه ابو الحسن العباس بن علي بن ابي طالب علي بن جعفر روى عنه هرون بن موسى وروى جعفر عن جده اصحابنا مثل الحسن بن محبوب ومحمد بن ابي عمير وعبد الرحمن بن علي بن نصال وعبيس بن هشام وصفوان وابن جبلة قال احمد بن الحسين رحمه الله وابنه له كتاب المتعبدين عنه احمد بن محمد بن سعيد بن عبد الرحمن الهمداني الجش

٣٩ جعفر بن عبد الله بن جعفر بن محمد بن علي بن ابي طالب عليه السلام اسند عنه ق خ

٤٠ جعفر بن عبد الله بن الحسين بن جامع فخر جبرئيلي دي خ وقال النجاشي عند ذكر اخيه محمد بن عبد الله ان له مكاتبة

٤١ جعفر بن عبد الله روى عن الحسن بن محبوب روى عنه ابن عقدة لو خ وانا ان يكون هذا هو المذكور بعنوان جعفر بن عبد الله دامس المدني

٤٢ جعفر بن عثمان بن زياد الرواسي روى الكشي عن حمدويه قال سمعت اشياخي يذكرون ان حمادا وجعفرا والحسين بني عثمان بن زياد الرواسي وحماد يلقب بالناب كلهم ثقات فاضلون خيارا وقال الشيخ في الرجال في

٤٣ جعفر بن عثمان بن شريك بن عبد الكبار الوحيد ابن اخي عبد الله بن شريك واخو الحسين بن عثمان روى عن الصادق ع ذكر ذلك اصحاب الرجال له كتاب روى عنه ابن ابي عمير جش

٤٤ جعفر بن عثمان صاحب ابي بصير له كتاب روى عنه محمد البرقي ست ويمكن ان يكون هذا احد المذكورين قبل هذا

٤٥ جعفر بن عفان الطائي قال الكشي حدثني نصر بن الصباح قال حدثني احمد بن محمد بن عيسى عن يحيى بن عمران قال حدثنا محمد بن سنان عن زيد الشحام قال كنا عند الصادق عليه السلام نحو جا غير من الكوفيين فدخل جعفر بن عفان على الصادق عليه السلام فقربه وادناه ثم قال يا جعفر قال لبيك جعلني الله فداك قال بلغني انك تقول الشعر في الحسين عليه السلام وتجيد فقال لهم جعلني الله فداك قال فلا فانشدته ومن خوله حتى صاروا الدموع على وجهه ولحيته ثم قال يا جعفر والله لقد

شهدك ملا الكذا الله المقربون فيهنا يسمعون فولك في
الحسين عليه السلام ولقد بكوا كما بكينا او اكثر ولقد
اوجب الله لك يا جعفر في ساعتك الجنة باسرها او
الله لك فقال يا جعفر الا ازيدك قال نعم يا سيدي
قال ما من احد قال في الحسين شعرا فبكى وابكى به الا اوجب
الله له الجنة وغفر له

٤٦ جعفر بن علي بن ابي طالب عليه السلام قتل مع اخيه
الحسين عليه السلام امام البيهقي بن ح

٤٧ جعفر بن علي بن احمد الغنوي المعروف بابن الرازي
قرح ابو محمد ثقة مصنف ذو اجداد في الرجال وغيره

٤٨ جعفر بن علي بن حازم يروي عنه حميد بن زياد ح

٤٩ جعفر بن علي بن حسان روى عنه حميد نوادر جش ح

٥٠ جعفر بن علي بن سهل بن فروخ الدقاق الدوري الحافظ
بغدادي يكنى ابا محمد سمع منه التلعكبري قرح

٥١ جعفر بن عمارة الهمداني الحارثي الكوفي ابو عمار ثقة
ح وقال في باب صفة الوضوء من التهذيب فاما ما رواه
ابن عقدة عن الفضل بن يوسف عن محمد بن عكاشة عن
جعفر بن عمارة ابي عمارة الحارثي قال سئل جعفر بن
محمد عليهما السلام الحديث فلو جرى فيه التعقيب
رجاله رجال العامة والزيدية وكان هذا دليلا على
جرح المذكورين

٥٢ جعفر بن عمرو بن ثابت ابو المقدام بن هرمز الحداد

المجلي مولاهم كوفي قرح

٥٣ جعفر بن عمرو المعروف بالعمركي ذكره العلامة في صدر ترجمة
عن الكشي عن محمد بن ابرهيم بن مهزيار ان اباه لما حضره
الموت دفع اليه مالا واعطاه علامة لمن يسلم اليه المال فدخل
اليه شيخ فقال انا العمركي فاعطاه المال وقال ابن داود
جعفر بن عمرو المعروف بالعمركي لم اكن ممدوحا انتهى ولم
اجده في كتب الرجال خصوصا في الكشي وهو اربع قرح عندك
نعم ذكر الكشي حفص بن عمرو المعروف بالعمركي وعندهذه
الرواية كما في الرجال عند ذكر اصحاب العسكري عليه السلام
حيث قال حفص بن عمر العمركي المعروف وينظر بنا الى ان النسخة
التي كانت عند العلامة قدس سره من الكشي كانت غلطا
فاشتبه عليه فذكره بهذا العنوان وافقى ابن داود ثم
العلامة قدس سره والعجب ان العلامة ذكره بعنوان جعفر ايضا
حيث قال حفص بن عمرو المعروف بالعمركي وكيل ابي محمد
عليه السلام وكذا في دابه وكانه نقل هذا عن رجال
الشيخ كما ستقف

٥٤ جعفر بن عيسى بن عبيد ضاح ويحتمل ان يكون هذا
هو الذي سيجيء بعيد هذا

٥٥ جعفر بن عيسى بن يقطين روى الكشي عن حمدويه
وابرهيم قالا حدثنا ابو جعفر محمد بن عيسى اليقطيني عن
هشام بن ابرهيم الخلي المشرقي وهو احد من اثنى عليه
في الحديث انا بالحسن الثاني عليه السلام شكى اليه

جعفر بن عيسى اجتماعي قال عن يونس وهشام المشرقي اذا بانا وعلمنا الكلام فان كنا على هدى فقرنا وان كنا على ضلال فهذا ان ضلالنا فمنا نتولى ونتوب الى الله منه فقال عليه السلام ما اعلمكم الا على هدى وجزاكم الله على الصحيفة الفديه والحديثة خيرا فانا ولوا الفديه على بن بقطين والحديثة خذ منا له والله اعلم ثم قال المشرقي عندنا كتاب سميناه كتاب الجامع فيه جميع ما يتكلم الناس عليه عن اباءك وانما نتكلم عليه فقال لجعفر شبيها بهذا الكلام فاقبل على جعفر فقال اذا كنتم لا تتكلمون بكلام اباءي عليهم السلام فبكلام ابي بكر وعمر تريدون ان تتكلموا

٥٦ جعفر بن فرط المزني كوفي ق ج

٥٧ جعفر بن قيس بن اعين الكوفي ق ج

٥٨ جعفر بن ماردن الكاهلي الطحان ابو عبد الله روى عنه حميد بن زياد ومات في سنة اربع وتسعين ومائتين وصلى عليه محمد بن ابرهيم بن محمد العلوي جش

٥٩ جعفر بن المثنى الخطيب مولى الثقيف كوفي وافد ضا ج

٦٠ جعفر بن المثنى بن عبد السلام بن عبد الرحمن بن يغيم الازدي العطار ثقة من وجوه اصحابنا الكوفيين ومن بيت ال يغيم له كتاب نوادر روى عنه الفضل بن محمد بن الحسين بن حازم جش

جعفر بن محمد بن ابرهيم بن محمد بن موسى بن جعفر بن محمد بن علي بن الحسين بن علي بن ابي طالب عليه السلام الحسيني روى عنه التلعكبري روى عن عبيد لم ج

٦٢ جعفر بن محمد بن ابرهيم بن محمد بن عبد الله بن موسى الكاظم عليه السلام العلوي الحسيني الموسوي المصري روى عنه التلعكبري لم ج محمد ابو عبد الله

٦٣ جعفر بن شيخ من جرجان عامي كش عند ذكر سلمان الفارسي

٦٤ جعفر بن محمد بن ابو محمد روى عنه محمد بن علي بن محبوب ست لم ج

٦٥ جعفر بن محمد بن اسحق بن رباط ابو القاسم التجلي شيخ ثقة كوفي من اصحابنا له كتاب الرد على الواقفة كتاب الرد على الغطحي كتاب نوادر روى عنه ابو عبد الله الصفواني جش

٦٦ جعفر بن محمد بن اسمعيل بن الخطاب ذي ج

٦٧ جعفر بن محمد بن الاشعث الكوفي ق ج

٦٨ جعفر بن محمد بن جعفر بن الحسن بن جعفر بن الحسن بن الحسن بن علي بن ابي طالب عليه السلام ابو عبد الله هو والد ابي قراط وابنه يحيى بن جعفر روى الحديث كان وجها في الطالبيين متقدما وكان ثقة في اصحابنا سمع واكثر وعمر وعلا اسناده له كتاب اللغوي وكتاب الصخرة والبئر روى عنه محمد بن عمر بن محمد الجعابي مات في سنة ثمان و ثلثمائة جش وفي صه مات سنة ثمانين وثلثمائة

في د جعفر بن ابرهيم بن عبد الله بن موسى الكاظم وابنه ابو القاسم يحيى بن جعفر بن ابرهيم في هذا الموضع من ابن شيخ والقريب عليه ان يكون ما ذكره في هذا الموضع من تتمة ما ذكره في ذيل الترجمة

في د جعفر بن ابرهيم بن عبد الله بن موسى الكاظم وابنه ابو القاسم يحيى بن جعفر بن ابرهيم في هذا الموضع من ابن شيخ والقريب عليه ان يكون ما ذكره في هذا الموضع من تتمة ما ذكره في ذيل الترجمة

٦٩ جعفر بن محمد بن جعفر بن موسى بن قولويه ابو القاسم وكان
ابوه يلقب مسلمة من جلة اصحاب سعد وكان ابو القاسم
ثقة من اصحابنا واجلائهم في الحديث والفقه روى عن
ابيه واخيه عن سعد وقال سمعت من سعد الاربعة
الاف حديث وعليه قرأ شيخنا ابو عبد الله الفقه
ومنه حمل وكل بما ابو صفوان بن الناس من جبل وتفقه
فوقه لكن حسن قرأ اكثر هذه الكتب على شيخنا ابي
عبد الله وعلي الحسين بن عبد الله رحمه الله حج
وروى عن الحسين بن عبد الله عند ذكر سعد بن
عبد الله انه قال ابو القاسم جعفر بن محمد بن قولويه
انا لم اسمع من سعد الاحد عشر وقال الشيخ في
الفهرست ثقة له تصانيف كثيرة روى عنه ابو
عبد الله محمد بن محمد بن النعمن والحسين بن عبد الله
واحمد بن عبدون وغيرهم وقال في الرجال
روى عنه التلعكبري مات في سنة ثمان وستين
وثلثمائة لم

٧٠ جعفر بن محمد بن جندب يكنى ابا محمد من اهل
قزوين لم ج

٧١ جعفر بن محمد بن حكيم م ج وروى الكشي عن
حمدويه عن رجل ان جعفر بن محمد بن حكيم الخزاعي
ثقة لم ج

٧٢ جعفر بن محمد الدوريستي ابو عبد الله ثقة لم ج

٧٣ جعفر بن محمد بن رباح ق ج

٧٤ جعفر بن محمد بن سماعة بن موسى ابو عبد الله الحضرمي
محمد الحسن وابرهيم ابي محمد وكان جعفر اكبر من اخوته
ثقة في حديثه واقف له كتاب النوادر كبير روى
الحسن بن محمد عن اخيه جعفر جش

٧٥ جعفر بن محمد التبخاري لم يسمع منه حمد الاحد شا
واحد اخبرنا بذلك ابن نوح عن الحسين بن علي عنه
حمد جش لم ج

٧٦ جعفر بن محمد بن بشير بح الحضرمي له كتاب روى عنه
محمد بن ابيه بن القاسم الحضرمي ست

٧٧ جعفر بن محمد بن عبد الله له كتاب روى احمد
بن ابي عبد الله عن ابيه عنه ست

٧٨ جعفر بن محمد العلوي الحسني من ولد علي بن
عبد الله بن الحسين بن علي الحسين بن علي بن ابي
طالب عليه السلام يكنى ابا هاشم روى عنه
التلعكبري وكان قليل الرواية وسمع منه شيئا
يسيرا ابو عبد الله لم ج

٧٩ جعفر بن محمد بن عون الاسدي وجه جش عند
ذكر ابنه محمد بن جعفر

٨٠ جعفر بن محمد الكوفي روى عنه محمد بن احمد بن
يحيى لم ج

٨١ جعفر بن محمد بن مالك كوفي ثقة وبضعفه قوم
روى في مولد القائم عليه السلام اعاجيب لم

قح ابو عبد الله كان ضعيفا في الحديث قال احمد بن
الحسين كان يضع الحديث وضعا وروى عن المجاهيل
وسمعت من قال كان انبه فاسد المذهب والرواية
ولا ادري كيف روى عنه شيخنا النبيل الفقيه ابو علي
بن همام وشيخنا الجليل الفقيه ابو غالب الزراري
رحمهما الله له كتاب روى عنه محمد بن همام حش كاز
كذا بامره وله الحديث جملة وكان في مذهبه ارتفاع
وروى عن الضعفاء والمجاهيل وكل عيوب الضعفا
مجتمعة فيه عض

٨٢ جعفر بن محمد بن مروان عن اسمعيل بن ابرهيم
البجاد روى عنه ابو عبد الله محمد بن محمد بن رطبا
الخزاز الكوفي روى عنه ابن نوح لم ج

٨٣ جعفر بن محمد بن مسعود العياشي فاضل روى
عن ابيه جميع كتب ابيه روى عنه ابو المفضل الشيباني
لم ج

٨٤ جعفر بن محمد بن مفضل كوفي يروي عنه الغلاة خاصة
وما رايت نظيره رواية مجسمة وهو متهم في كل احواله
عض

٨٥ جعفر بن محمد الهاشمي صبر في ذ ج

٨٦ جعفر بن محمد يكنى ابا القسم الشاشي من غلمان
العياشي لم ج

٨٧ جعفر بن محمد بن يونس الاحول الصبر في مولى الجعلة

ذ روى عنه احمد بن محمد بن عيسى له كتاب نوادر روى
عنه احمد بن محمد بن خالد الجش ثقة ذ ني ج
له كتاب روى احمد بن ابي عبد الله عن ابيه عنه سن
وفي صه انه من اصحاب الرضا ع وفيه نظر

٨٨ جعفر بن معروف يكنى ابا محمد من اهل كش وكان كا
مكانيا لم ج وفي صه والظاهر انه ابن جعفر بن معروف
التمر فندي الذي قال عنه ابن الغضايري انه مرتفع
المذهب يعرف حديثه تارة وينكر اخرى لان ابن
الغضايري قال انه يكنى ابا الفضل قال وكان يروي
عن العياشي كثيرا

٨٩ جعفر بن معروف ابو الفضل التمر فندي روى
عنه العياشي كثيرا كان في مذهبه ارتفاع وحديثه
يعرف تارة وينكر اخرى عض

٩٠ جعفر بن ميمون قال الكشي ما روى في موسى بن
اشيم وحفص بن ميمون وجعفر بن ميمون حمدويه
بن نصير قال حدثنا ايوب بن نوح عن حنان بن سدير
عن الصادق عليه السلام قال لا نقس على احد
اصيبت معه يعني ابا الخطاب النار ثم ذكر ابن الاشيم
فقال يا بني فدخل علي هو وصاحبه وحفص بن
ميمون وسألوني فاخبرهم بالحق ثم يخرجون من عندي
الى ابي الخطاب فيخبرهم بخلاف قولي فيأخذون
بقوله ويذرون قولي وقد رأوا عن كثير جعفر بن

٩٦
٩٧
٩٨

شمون وهو غلط

٩١ جعفر بن ثابت بن ابي عادة الكوفي مولى ق ج

٩٢ جعفر بن يحيى المدني جد علي بن المثنى ق ج

٩٣ جعفر بن واقد قال الكشي حدثني محمد بن قولويه والحسين بن الحسن بن بندار القمي قالا حدثنا سعد عبد الله قال حدثني ابراهيم بن مهزيار ومحمد بن عيسى بن عبيد عن علي بن مهزيار قال سمعت الناقد عليه السلام يلعن جعفر بن واقد

٩٤ جعفر الوزاق له نوادر روى عنه حميد ت

جعفر بن الوزاق روى عنه حميد له ج

٩٥ جعفر بن وفاء بن محمد بن وفاء ابو محمد امير بني شيبان بالعراق ووجههم وكان عظيما عند السلطان وكان صحيح المذهب له كتاب في امامة امير المؤمنين عليه السلام وتفضيله على اهل البيت عليهم السلام روى عنه ابو احمد يعقوب بن يحيى بن احمد الفيسي جش وفي ذا مبين بني شيبان وفي ضه كما في جش

٩٦ جعفر بن هرون الكوفي يكنى ابا عبد الله ثقة ج

٩٧ جعفر بن الهذيل له نوادر روى عنه حميد بن زياد جش جعفر الهذيل له نوادر روى عنه حميد ت والظاهر انهما واحد

٩٨ جعفر بن هشام دى ج

٩٩ جعفر بن يحيى بن سعد الاحول خال الحسين بن سعيد ق ج

١٠٠ جعفر بن يحيى بن العلا ابو محمد الرازي ثقة وابوه ايضا روى ابوه عن الصادق عليه السلام وهو اخلط بنا من ابيه وادخل منا وكان ابو يحيى بن العلا قاضيا بالري وكتابه يخلط بكتاب ابيه لانه يروي كتاب ابيه عنه فربما نسب الى ابيه وربما نسب الى نفسه روى عنه موسى بن الحسين بن موسى جش

١ جعفي الهمداني ق ن سعيد بن ج

١ جعفي الاشجعي ل ج

١ جعفر بن الحكم العبدي ابو المنذر عربي ثقة ق له كتاب روى منذر بن جعفر عن ابيه جش جعفر بن الحكم العبدي الكوفي ق ج والظاهر انهما واحد

١ جلبة بن حيان بن الابجر الكاهلي له نوادر روى عن جبل بن دراج روى عنه عبد الله بن جبلة جش وفي ج جبلة كما قلناه

٢ جلبة بن عياض ابو الحسن الليثي اخو ابي ضمرة ثقة قليل الحديث له كتاب روى عنه هرون بن مسلم جش

١ جماعة بن سعد الجعفي الصائغ ق خرج مع ابن الخطاب وقتل وهو ضعيف في الحديث ومذهبه ما ذكرت بعض

جماعة بن عبد الرحمن الصائغ الكوفي ق ج

جمهور بن اخزم العجلي مولاهم ق ج

١ **جميل** بن دراج ودراج يكنى ابا الصبح بن عبد الله ابو علي النخعي وقال ابن فضال ابو محمد شيخا وجه الطائفة ثقة ق م اخذ عن زرارة واخو نوح بن دراج القاضي كان ابرز من اصحابنا وكان نوح اسن منه وكان اكبر من نوح وعمر في اخر عمره وتوفي في ايام الرضا عليه السلام له كتاب روى عنه ابن ابي عمير وله كتاب اشتراك هو ومحمد بن حمران فيه رواه الحسن بن علي بن بنت الياس عنهما وله كتاب اشتراك هو ومراذم بن حكيم فيه روى علي بن حديد عنهما جش له اصل وهو ثقة روى عنه ابن ابي عمير وصفوان ستنا جمعنا لعضنا على تصحيح ما يصح عنه والانفراد له بالفقه كش

٢ **جميل** بن دراج البجلي الزاهري الكوفي ابو حسان ق جخ

٣ **جميل** بن صالح الاسدي ثقة وجه ق م ذكره ابو العباس في كتاب الرجال روى عنه سماعة واكثر ما يروي عنه رواه الحسن بن محبوب ومحمد بن ابي عمير وقد رواه علي بن حديد جش

٤ **جميل** بن عبد الرحمن الجعفي ابو الاسود مولاهم كوفي ق جخ

٥ **جميل** بن عبد الله بن نافع الخثعمي الخياط الكوفي ق جخ وقال العلامة قدس سره انه لم ار فيه مدحا من طريق اصحابنا غير ان ابن عقدة روى عن محمد بن عبد الله بن ابي حكيم قال سالنا ابن عيينة عن محمد بن جميل بن عبد الله بن نافع الخياط فقال ثقة ثقة رايته وابوه ثقة وهذه الروايات لا يقتضي التعديل عندي لكنها من المرجحات

٦ **جميل** بن عبد الله النخعي ق جخ

٧ **جميل** بن عياش ابو علي البزاز الكوفي ق جخ

٨ **جميل** بن وفاص الغفاري سكن مصر ابو نظرة ق جخ

١ **جناب** بن غانم الاسدي مولى غالب بن عداس اسند عنه ق جخ

٢ **جناب** بن بطاس ابو علي العرزمي اسند عنه ق جخ

١ **جناح** بن رزين مولى مفضل بن قيس ق جخ

٢ **جناح** بن عبد الحميد الكوفي ق جخ

١ **جناده** بن ابي امية الازدي سكن مصر ل جخ

٢ **جناده** بن الحرث السلماني سبن جخ

١ **جندب** بن ام جندب له صحبة وقال احمد بن حنبل ليس له صحبة فتبه كتبه ابو عبد الله كان بالكوفة ثم صار بالبصرة ثم خرج منها ل جخ

٢ **جندب** بن ايوب وافي م جخ

٣ **جندب** بن جناده ابو ذر الغفاري رحمه الله احد الاركان الاربعة له خطبة يشرح فيها الامور بعد رسول الله صلى الله عليه وآله ست والاركان الاربعة سلمان والمقداد وابو ذر وحذيفة رضي

الله عنهم وروى الكشي عن علي بن الحكم عن سيف بن عميرة
عن ابي بكر الحضرمي قال قال ابو جعفر عليه السلام ان
النفر الاربعة نفر سلمان وابو ذر والمقداد قال
فمر رجل فذكر ان جاء جيفة ثم رجع ثم قال ان
اردت الذي لم يشك ولم يدخله شيء فالمقداد
اما سلمان فانه عرض في قلبه عارض ان عند امير المؤمنين
عليه السلام اسم الله اعظم لو تكلم به لاخذتهم الارض
وهو هكذا قلب ووجب عنقه حتى يزك كالسلعة
فمر بامير المؤمنين عليه السلام فقال يا عبد الله
هذا من ذاك بايع فبايع وسيجيء بعض احواله عند
ترجمة عمار بن ياسر

٤ جندب بن جنادة الكوفي ق ج
٥ جندب بن حجير سن ج
٦ جندب بن رباح الازدي الكوفي ق ج
٧ جندب بن زهير روى الكشي عن الفضل بن
شاذان انه من التابعين الكبار ورؤسائهم وزهادهم
٨ جندب بن صالح البصري الازدي اسند عنه
ق ج
٩ جندب بن عبد الله الازدي ى ج
١٠ جندب بن عبد الله بن جندب البجلي ق ج
١١ جندب بن كعب قاتل اهل الشام شلق صحبه
ل ج

جندب بن مكيث بن جراد ل ج ١٢
جندرة بن خشينة ل ج ١
جنيد بن عبد الله الضبي مولاهم ق ج ١
جوذان سكن الكوفة ل ج ١
جون بن قتادة النبهي نزل البصرة ل ج ١
جون مولى ابي ذر سبن ج ٢
جويرية بن اسماء قال الكشي قال محمد بن مسعود ١
قال حدثني اسحق بن محمد البصري قال حدثني علي بن
داود الحداد عن حر بن عبد الله قال قال الصادق
عليه السلام انه زنديق لا يفلح ابدا
جويرية بن مسهر العبدي كوفي حدثنا معروف قال ٢
اخبرني الحسن بن علي بن النعمان قال حدثني ابي علي بن
النعمان عن محمد بن سنان عن ابي الجارود عن جويرية
بن مسهر العبدي قال سمعت عليا عليه السلام يقول
احب محب آل محمد ما احبهم فاذا ابغضهم فابغضه
ابغض مبغض آل محمد ما ابغضهم فاذا احبهم فاحبه
انا ابشرك وانا ابشرك وانا ابشرك كثير
جوين بن مالك سبن ج ١
جهجاه بن سعيد الغفاري سكن المدينة ل ج ١
جهيم بن ابي جهيم م ج جهيم بن ابي جهيم وقيل ١
ابن ابي جهيمة كوفي روى عن سعدان بن مسلم
نوادر جش

٢ جهم بن الحكم الفقعي البصري له كتاب روى عنه محمد بن خالد البرقي ست

٣ جهم بن الحكم المدايني له كتاب روى عنه محمد بن خالد البرقي ست

٤ جهم بن حكيم كوفي ثقة قليل الحديث له كتاب ذكره ابن بطه وخلط اسناده فقال حدثنا احمد بن محمد البرقي عنه وناره قال حدثنا احمد بن محمد عن [illegible]

٥ جهم بن حميد الرواسي ق تج ذكره ثلث مرات

٦ جهم بن صالح الهمتي الكوفي ق تج

٧ جهم بن عثمان المدني ق تج

١ جهير بن اوس الطائي الذابي الثعلبي ق تج

١ جهيم بن ابي جهم تقدم بعنوان جهم بن ابي جهم

٢ جهيم تج وذكر ابن داود راويا عن تج ان جهيم بن جعفر بن حيان وافق ره ولم اجد ذلك في تج بل ذكر اولا لاجهيم ثم ذكر جعفر بن حيان وافق البرقي لفظا ابن موجود ابنهما وعد من تج اربع نسخ وكذا في صه وكان النسخة التي كانت عندهما من الرجال هذا

١ جيفر بن الحكم العبدلي الكوفي ق تج وقد نقدم عن النجاشي جعفر وانه ثقة

٢ جيفر بن صالح مولى غني ق تج

باب الحاء

١ حاتم بن ابي سهيل النخعي مولى بني عبد الدار بن قصي ق

عامي روى علي بن الحسن العلوي عنه كابه حسن له كتاب روى عنه ابراهيم بن سليمان بن

٢ حاتم بن الفرج ذ ي تج

١ حاجز من وكلاء الناحية كذا في ربيع الشيعة وقال المفيد رحمه الله في ارشاده روى علي بن محمد عن الحسن بن عبد الحميد قال شككت في امر حاجز فجعلت شيئا ثم سرت الى العسكر فخرج الي فيما شكوته فهم يقوم مقامنا بامرنا ورددنا معك الى حاجز بن يزيد

١ الحارث بن ابي جعفر محمد بن محمد بن النعمان الاحول مولى بجلة ق كابه روى عنه عدة من اصحابنا منهم الحسن بن محبوب جش ابو علي ق تج

٢ الحارث بن ابي رسن الازدي الكوفي ق تج وفي صه ذ الاودي بالواو الكوفي قال ابن عقده انه اول من الف التشيع في بني اود

٣ الحارث الاعور ن تج روى الكشي بطريق فيه الشعبي انه قال لعلي عليه السلام انا احبك والظان يكون الحارث هذا هو الذي سيجئ بعنوان الحارث بن فليح الاعور

٤ الحارث بن افلس سكن البصرة روى عن الرسول صلى الله عليه وآله حديثا واحدا ل تج

٥ الحارث بن الاسل الاشهلي الانصاري من المقتولين يوم احد ل تج

٦ الحارث بن اوس بن معاذ بن النعمان الانصاري

سكن المدينة ابن اخي سعد بن معاذ اخا رسول الله صلى الله عليه وآله بينه وبين عامر بن فهيرة مولى ابي بكر شهد بدرا واول قتل باجدل ج

٧ الحرث بن جارود التميمي بن ح

٨ الحرث بن الجهماني ج

٩ الحرث بن الحرث الغانمي وقيل العامري سكن الشام ل ج

١٠ الحرث بن خاطب الفهري سكن المدينة ل ج

١١ الحرث بن حزمة الانصاري ل ج

١٢ الحرث بن حسان البكري وقيل حريث ل ج

١٣ الحرث بن الحسن الطحان الذي ذكره العلامة في صه بيحيى بعنوان حريث بن الحسن الطحان

١٤ الحرث بن حصيرة ابو النعمان الازدي كوفي تابعي ني فرق ج الا ان في اصحاب الباقر عليه السلام باب الحرث بن حصين وكانه تصحيف

١٥ الحرث بن ربعي ابو قتادة الانصاري ني

١٦ الحرث بن الربيع يكنى ابا زياد وكان عاملا للمؤمنين عليه السلام على المدينة احد بني مازن البخاري ج

١٧ الحرث بن زياد الساعدي ل ج

١٨ الحرث بن زياد الشيباني الكوفي ابو العلا الكوفي اسند عنه ق ج

١٩ الحرث بن سرافة ج

٢٠ الحرث بن شريح البصري ق ج

٢١ الحرث الشاذوني الكندي عن سعد بن عبد الله محمد بن خالد الطيالسي عن عبد الرحمن بن ابي نجران عن ابن سنان عن الصادق عليه السلام ان الحرث الشاذ وحمزة البربري ملعونان

٢٢ الحرث بن شريح بن ربيعة العنبري وافد فهم ل ج

٢٣ الحرث بن شهاب الطائي ني ج

٢٤ الحرث بن الصباح ني ج

٢٥ الحرث بن العتمد بن عمرو الانصاري ل ج

٢٦ الحرث بن ضرار الخزاعي ل ج

٢٧ الحرث بن عبد شمس الخثعمي ذكره البخاري وما روى عنه شبا ل ج

٢٨ الحرث بن عبد الله بن اوس بن الجاني يكنيه ابو يسين ل ج

٢٩ الحرث بن عبد الله الثعلبي ضعيف كذاب روى عنه محمد بن سالم بن عبد الرحمن الازدي جزء في ذكر بعد الحرث بن المغيرة ونقد به اوكما هو من دلايه

٣٥ الحرث بن عرفجة الانصاري ل ج

٣١ الحرث بن عمرو الجعفي ق ج

٣٢ الحرث بن عمرو الليثي ابو واقد هو الذي حالف معوية ليذبين الانات في سامعه ني ج

٣٣ الحرث بن عمران الجعفري كان ابي كوفي ثقة روى له كتاب وكي عند ذكرنا ابن مجشر

٣٤ الحرث بن عوف اللبثي ابو واقد له ج

٣٥ الحرث بن غصين ابو وهب الثقفي كوفي ق ج وفي صه قال ابن عقدة عن محمد بن عبد الله بن ابي حكيمة عن ابن نمير انه ثقة ختنا وغصين بضم الغين المعجمة وفتح الصاد المهملة وفي ذ غضين بالمعجمين كذا رأيت بخط الشيخ ورايت في تضعيف بعض الاصحاب بالضاد المهملة

٣٦ الحرث بن الفضيل الكندي ن ج

٣٧ الحرث بن قيس قطع رجله بصفين ج وذكر انه قطع رجل اخيه علقمة بصفين وكان الحرث جليلا فقيها وكان اعور ويحتمل ان يكون الحرث بن قيس هذا والذي ذكرناه بعنوان الحرث الاعور واحدا وذكر العلامة قدس سره في صه بعد ذكرها رجلا اخر قال الحرث بن قيس روى الكشي انه كان جليلا فقيها وكان اعور والظاهر ان هذا ايضا ذاك وكانه لما ذكره الشيخ وذكره الكشي مرة بعنوان الحرث الاعور مجردا ومرة عند ذكر اخيه علقمة وابي فهم قدس سره انهم ثلثة رجال ومثل هذا في الكشي كثير وذكر ابن داود رجلين الحرث بن الاعور راويا عن الكشي والحرث بن قيس راويا عن الكشي والشيخ وفي اكثر نسخ الخلاصة ايضا لفظ ابن موجود بين الحرث والاعور ولم اجد في الكشي وهو معتمد عندنا ولعل هذا منشاء الاشتباه والله اعلم

٣٨ الحرث بن قيس بن خالد بن مخلد الانصاري كنيته ابو خالد شهد العقبة في السبعين وشهد بدرا وما بعدها من الغزوات والمشاهد مات في خلافة عمر ل ج

٣٩ الحرث بن قيس بن عميرة الاسدي الكوفي كان له ثمان نسوة حين اسلم فامره رسول الله صلى الله عليه وآله ان يختار اربعا منهن ويخلي بائنهن ل ج

٤٠ الحرث بن كعب الازدي الكوفي ن ج

٤١ الحرث بن مالك البرصا اللبثي نجازي ل ج

٤٢ الحرث بن محمد الكوفي ق ج

٤٣ الحرث بن محمد بن النعمن ذكرناه بعنوان الحرث بن [illegible]

٤٤ الحرث بن مسلم ابو المغيرة المخزومي القرشي ل ج

٤٥ الحرث بن المغيرة النصري ابو علي قرن ج من اصحاب معوية بصري قرن م وعن زيد بن علي عليه السلام ثقة له كتاب روى عنه صفوان جش محمد بن قولويه قال حدثنا سعد بن عبد الله عن احمد بن محمد بن عيسى عن عبد الله بن محمد الحجال عن يونس بن يعقوب قال كنا عند الصادق عليه السلام فقال اما لكم من مفزع اما لكم من مستراح تستريحون اليه ما بينكم وبين الحرث

ويجوز ان يكون ابن الحرث الاعور الذي يروي عنه ابن ابي حكيمة ويروي عنه ابن نمير والثقفي

بن المغيرة النضري كش وروى بضاعة حديثا في طريقة سجاده
انه من اهل الجنة وذكره ابن داود في الباب بين وقال
عن الكشي ثقة وعن النجاشي ثوثيقه ولم اجد في الكشي ذلك

٤٦ **الحرث** بن النعمن بن ابيه الانصاري ل ج

٤٧ **الحرث** بن نوفل بن الحرث ل ج

٤٨ **الحرث** بن هاشم بن المغيرة المخزومي اسلم يوم الفتح
سكن المدينة وخرج في خلافة عمر الى الشام فلم يزل
بها حتى مات وقيل انه قتل يوم اليرموك ل ج و
اليرموك موضع بالشام كان فيه وقعة عظيمة بين
المسلمين والروم في زمن عمر بن الخطاب وفي قصة
الحرث بن هشام

٤٩ **الحرث** بن هشام النخعي صاحب لواء الاشتر يوم صفين ج

٥٠ **الحرث** الهمداني ج

١ **حارثة** بن بدر ي ج

٢ **حارثة** بن سراقة الانصاري اخا رسول الله صلى
الله عليه وآله بينه وبين الشائب بن مظعون شهد بدرا
وقتل بها ل ج

٣ **حارثة** بن النعمن الانصاري كنيته ابو عبد الله شهد
بدرا واحدا وبعدها من المشاهد وذكر انه رآه جبرئيل
دفعين على صورة دحية الكلبي توفي في خلافة معوية ل ج

٤ **حارثة** بن وهب الخزاعي سكن الكوفة ل ج

١ **حازم** بن ابراهيم البجلي الكوفي سكن البصرة استشهد

١ **حاشد** بن مهاجر العامري الكوفي ق ج

١ **حامد** بن صبيح الطائي الكوفي ق ج

٢ **حامد** بن عمير ابو المنذر الهمداني مولاهم الكوفي ق ج

١ **حباب** بن جبان الطائي الكوفي ق ج

٢ **حباب** بن الزناب العكلي والد زيد بن حباب الكوفي ق ج

٣ **حباب** بن محمد الثقفي الكوفي ق ج

٤ **حباب** بن موسى النهمي السعدي ق ج

٥ **حباب** بن يحيى الكوفي ق ج

٦ **حباب** بن يزيد او زيد على اختلاف النقل في الكنية
روى له حكاية فيها ان رآه رأى الامويه

١ **حبش** بن مثير سيجيء بعنوان حبيش بن مثير

٢ **حبش** بن المغيرة ق ج

١ **حبشي** بن جنادة له كتاب رواه احمد بن الحسن عنه

١ **حبه** بن جوين العرني وكنيته حبه ابو قدامة ق ج

١ **حبيب** بن ابي ثابت ابو يحيى الاسدي الكوفي تابعي
نشأ بالكوفة وكان عورى فتوفي ج ق ن

٢ **حبيب** بن اسلم ق ج

٣ **حبيب** بن اوس ابو تمام الطائي كان اماميا وله
له شعر في اهل البيت عليهم السلام كثير وقال الجاحظ
في كتاب الحيوان وحدثني ابو تمام الطائي وكان من
رؤساء الرافضة له كتاب الحماسة وكتاب مختار شعر القبائل
اخبرنا ابو احمد عبد السلام بن الحسين البصري حش

٤ حبيب بن زيد الكندى فوجح وقال عند ذكر احدهما
الصادق عليه السلام حبيب بن زيد مولى كندة ثابتى فوجح
اسكاف والظاهر انهما واحد

٥ حبيب بن بشر ق جح

٦ حبيب بن جرى العبسى مشكوك فيه فوجح وقال
عند ذكر اصحاب الصادق عليه السلام فيه نظر

٧ حبيب بن حسان بن ابى الاشرس الاسدى كوفى ثبت
ق جح

٨ حبيب بن زيد الانصارى ق جح (الشارى بمعنى المحارب)

٩ حبيب البجلى ذكر الكشى عن محمد بن مسعود ان
حبيب البجلى كان اولا شاريا ثم دخل فى هذا الامر
وكان من اصحابنا ابو جعفر وابو عبد الله عليهما السلام
منقطعا اليهما وفى جح حبيب البجلى ابن فرقد ثم
فى رجال الباقر عليه السلام حبيب بن المعلى البجلى
ثم فى رجال الصادق عليه السلام حبيب بن المعلى والظاهر
انهما واحد

١٠ حبيب بن عبد الله ق جح

١١ حبيب العبسى الكوفى فوجح وكانه المذكور من
قبل بعنوان حبيب بن جرى العبسى

١٢ حبيب بن ظاهر الاسدى ق سن جح مشكوك
قتل مع الحسين عليه السلام بكربلا صه

١٣ حبيب بن المعلى ذكرناه بعنوان حبيب البجلى

١٤ حبيب بن المعلل الخثعمى الدالانى ق م صح نقد نقه
صحيح له كتاب رواه محمد بن ابى عمير جش وقال العلامة قدس
سره روى ابن عقده عن محمد بن احمد بن خاقان النهدى
قال حدثنا الحسن بن الحسين اللؤلؤى قال حدثنا عبد
الله بن محمد الجمال عن حبيب الخثعمى عن الصادق عليه
السلام مضمونه انه كان يكذب على مع انه لا يزال لنا
كتاب وهذه الرواية لا اعتمد عليها والمرجع الى الوجوه
الباقى فيه

١٥ حبيب بن نزار بن حيان الهاشمى مولاهم كوفى
الصغير فى اسند عنه ق جح

١٦ حبيب بن النعمن الاعرابى رجل من بنى اسد من
اهل البادية له كتاب عن الصادق عليه السلام روى
عنه محمد بن الحسين بن عبد الله الهمدانى الكاتب جش

١٧ حبيب بن يسار ذكرناه بعنوان حبيب بن اشار

١ حبيش بن مبشر اخو جعفر بن مبشر ابو عبد الله
كان من اصحابنا وروى من احاديث العامة فاكثر لكنه
كبير حسن بناه اخبار السلف وفيه الطعون على المتقدمين
على امير المؤمنين عليه السلام اسمه محمد بلقب حبيش
روى عنه على بن الحسن بن موسى الزراد جش وفيه
حبش مكبرا صه

١ حجاج بن رطاة ابو ارطاة النخعى الكوفى فوجح

٢ حجاج بن حمزة الكندى مولاهم كوفى ق جح

٣ حجاج بن دينار له كتاب روى عنه ابراهيم بن سليمان
٤ حجاج بن رفاعة الكوفي ابو رفاعة وقيل ابو علي الخشاب ق ثقة ذكره ابو العباس له كتاب يرويه عنه من اصحابنا منهم محمد بن يحيى الخزاز جش حجاج الخشاب له كتاب رويناه باسنادنا الى احمد بن محمد بن عيسى عنه كتاب نوادر ستره عبارة النجاشي بعينها الا انه قال ثقة قريب وقد اجد ذلك في كتب الرجال خصوصا في النجاشي
٥ حجاج بن عمرو ذي ج
٦ حجاج بن كثير الكوفي فر ج
٧ حجاج بن مالك سن ج
٨ حجاج بن مرزوق سن ج
١ حجر بن زايدة الحضرمي ابو عبد الله فر في ثقة صحح الله صلح من هذه الطائفة له كتاب روى عنه ابن مسكان جش وروى الكشي بطريق ضعيف عن الكاظم عليه السلام انه من حواري الباقر والصادق عليهما السلام ثم روى بطريق ضعيف ايضا عن الصادق عليه السلام انه قال لا غفر الله له وذكره في الباب
٢ حجر بن عدي الكندي وكان من الابدال ق ثقة ج وقال الكشي قال الفضل بن شاذان ومن الثابتين الكبار وروساءهم وفقهاءهم حجر بن عدي قتل في زمان معاوية فذكره عند ذكر اصحاب الصادق عليه السلام محمول على التعدد والتهو

١ حديد بن حكيم ابو علي الازدي المذابي ثقة وجه متكلم ق م له كتاب يرويه محمد بن خالد الجش
١ حديفة بن اسيد الغفاري ابو سريحة صاحب رسول الله صلى الله عليه وآله ل ن ج روى الكشي بطريق ضعيف عن الكاظم عليه السلام انه من حواري الحسن عليه السلام وفي بعض النسخ من الرجال والكشي حذيفة ابن اسيد بدون الباء
٢ حديفة بن شعيب السبيعي الهمداني ذكر في بعرف حذاء وينكره واكثر تخليطه فيما يرويه عن جابر ولعمره مظلم ضه ومثله في الباب الثاني من د واما في غيرها حميد بن شعيب كما يجيء
٣ حديفة بن عامر الرقعي الكوفي ق ج
٤ حديفة بن منصور بن كثير بن سلمة بن عبد الرحمن الخزاعي ابو محمد ثقة فر ق له كتاب روى عنه ابن ابي عمير جش له كتاب روى عنه محمد بن ابي حمزة سن بصاع الشاهري فر ق ج وقال العلامة قدس سره روى الكشي حديثا في مدحه احمد وآله محمد بن عيسى وفيه قول ورد شيخنا المفيد رحمه الله ومدحه وقال ابن الغضائري روى عن الصادق والكاظم عليهما السلام حديثه يعرف تارة وينكر اخرى والوقف عليه اظهر عندي لوقوف فيه لما قاله هذا الشيخ ولما نقل عنه انه كان واقفيا من قبل ثم انه رجع بعد ذلك

وظهر من الكشي ان حجر ابن عدي

وقال النجاشي انه ثقه هذا الخ وكلامه قدس سره وفيه نظر لأن
ذا بث في كابر كبيرا انه وثق الرجل بمجرد توثيق النجاشي اياه
الشيخ وان كان ضعفه ابن الغضايري وغيره كما في
محمد بن عيسى البطيني ومحمد بن اسمعيل بن احمد ومحمد
بن خالد وغيرهم وقال في شأن هذا الرجل ان الظاهر عندي
التوقف فيه لما قاله هذا الشيخ مع انه وثقه النجاشي و
مدحه الكشي وما ذكره ابن الغضايري ليس نصا في ضعفه
وقوله لما نقل عنه انه كان واقفيا من قبل نفسه لا ثبت
لا يدل على عدم توثيقه لان كثيرا من الثقات كانوا
واقفين من قبل المخالفين

٥ حذيفة بن منصور مولى الحسين بن زيد العلوي الكوفي ع

٦ حذيفة بن اليمان ابو عبد الله سكن الكوفة ومات
بالمدائن بعد بيعة امير المؤمنين عليه السلام بأربعين
يوما عداده في الانصار وقد عده من الاركان الاربعة
ل مي ج ع وذكرنا الاركان الاربعة عند ترجمة
بن حبادة رضي الله عنه وسيجيء بعض احوال حذيفة
عند ذكر عبد الله بن مسعود وعمار بن ياسر

١ حذيفة بن سريك الاسدي بن ج

١ الحر بن يزيد بن ناجية بن ج قتل مع عليه السلام
وحكايته مشهورة

١ حرب بن الحسن الطحان كوفي مر في الامر في الحديث ذكره
عامي الرواية روى عنه يحيى بن زكريا اللؤلؤي حرز

وذكر العلامة قدس سره هذا الرجل في باب الحرث فقال
الحرث ثلثة الحرث النخعي كذا وكذا ثم قال الحرث بن الحسن
الطحان كوفي مر في الامر في الحديث له كتاب عامي الرواية
ثم قال الحرث بن عبد الله الثعلبي كوفي ضعيف انتهى والظاهر
اشتباه عليه مع ان النجاشي لم يذكره في باب الحرث بل ذكره
في باب الاحاد وذكره ابن داود مرة بعنوان الحرث و
مرة بعنوان الحرب

١ حرب بن جابر الحنفي ي ج

٢ حرب بن زيد الانصاري شهد بدرا واحدا ج

٣ حرب بن عمارة الجعفي الكوفي ق ج

٤ حرب بن عمرو بن عثمان بن عبد الله ابو عمرو كوفي ق ج

٥ حرب بن عبيد العبدي الكوفي في اسند عنه ق ج

٦ حرب بن مهران الكوفي ق ج

١ حرب بن عبد الله البجلي ابو محمد الازدي من اهل
الكوفة اكثر التعزز والتجارة الى سجستان فعرف بها وكانت
تجارته في السمن والزيت قيل روى عن الصادق عليه السلام
وقال بولس لم يسمع من الصادق عليه السلام الا حديثين
وقيل روى عن الكاظم عليه السلام ولم يثبت ذلك وهو
كان ممن شهر السيف في قتال الخوارج بسجستان في خروج
الصادق عليه السلام وروى انه جفاه وحجب عنه
لكتاب الصلوة كبير واخر الطف منه وله كتاب نوادر
روى عنه حماد بن عيسى جش وظهر من التهذيب في باب

اذاب الاحداث الموجبة للطهارة انه روى عن ابي جعفر عليه السلام
ايضا وقال الشيخ في الفهرست ثقة له كتب روى عنه جماعة
بن عيسى وقال في الرجال ن وذكره ذ في البابين

٢ حريز بن عبد الملك البقباق الذي ذكره ذ فقال
حريز بن عبد الملك البقباق ن كش ممدوح انه من اصحاب
اجداه في كتب الرجال نعم ذكر الكشي حريزا عند ذكر الفضل
بن عبد الملك البقباق حيث قال حريز وفضل بن
عبد الملك البقباق الى اخره وهذا لا يدل على ان
حريزا ابن عبد الملك وكانه لما ذكر الكشي حريز بن
عبد الله مجردا ثم ذكر مع الفضل بن عبد الملك البقباق
توهم ابن طاوس انهما رجلان مع انه يظهر من كلام الكشي ان
حريزا هذا ابن عبد الله الذي ذكره اولا

١ حريم بن سفيان الاسدي الكوفي بن ج
١ حريمة بن عمارة الجهني البدن ج
١ حزام بن اسمعيل العامري الكوفي ن ج
١ حزم بن عبد البكري الكوفي ن ج
١ حزن بن ابي وهب ل ج
١ حزن القاري ج ج
١ حسان بن عبد الله الجعفي الكوفي ن ج
٢ حسان بن مخزوم البكري ج كان معه عليه السلام ج
٣ حسان بن المعلم ن ج
٤ حسان بن مهران الجمال مولى بني كاهل من اسد

وقيل مولى الغنى اخو صفوان ن م ثقة ثقة اصح من صفوان
وا وجه له كتاب برويه عدة من اصحابنا منهم علي بن النعمان

جش ن ج

حسان بن مهران الجعفي الكوفي ن ج والظاهر ٥
يكون هذا هو المذكور قبيل هذا
الحسن بن ابان غير مذكور في كتب الرجال الا ان ١
الشيخ في الفهرست ذكر في ترجمة الحسين بن سعيد انه نزل
على الحسن بن ابان وربما يدل هذا على عظم شانه
الحسن بن ابرهيم بن عبد الصمد الخزاز الكوفي روى ٢
عنه التلعكبري لم ج
الحسن بن ابرهيم بن عبد الله بن الحسن بن الحسن بن ٣
علي بن ابي طالب عليه السلام المدني ن ج
الحسن بن ابرهيم الكوفي ضا ج ٤
الحسن ابو محمد سيجي بعنوان الحسن بن مرداس ٥
الحسن بن ابي سارة الرسي وثقه النجاشي عند ترجمة ٦
ابنه محمد فلاحظها
الحسن بن ابي سعيد سيجي بعنوان الحسين بن ابي سعيد ٧
الحسن بن ابي العزيز سر الكندي الكوفي ن م ج ٨
الحسن بن ابي عبد الله محمد بن خالد بن عمر الطيالسي ٩
سيجي بعنوان الحسن بن محمد بن خالد
الحسن بن ابي عثمان سيجي بعنوان الحسن بن علي ١٥
بن ابي عثمان

١١ الحسن بن ابي عقيل سيجئ بعنوان الحسن بن علي بن ابي عقيل

١٢ الحسن بن ابي قتادة علي بن محمد بن عبد بن حفص بن جهيد مولى الشاب بن مالك الاشعري قتل يوم المحرم معه ويكنى الحسن ابا محمد وكان شاعرا اديبا وروى ابو قتادة عن الصادق والكاظم عليهما السلام له كتاب نوادر روى عنه احمد بن ابي عبد الله وذكر النجاشي جميع اسماء الحسن والحسين في باب الهاء وذكرها في باب الحاء المهملة اولى

الحسن ١٣ بن احمد بن دبه وبه الفقيه من اصحابنا الفنين له كتاب المزار جش وذكره ذرارا عن النجاشي ثمه بعنوان الحسن وثمه بعنوان الحسين والظاهر ذكره بعنوان الحسين اشتباه لان النجاشي ما ذكر الا الحسن كما نقلناه ونقله العلامة قدس سره

الحسن ١٤ بن احمد بن القاسم بن محمد بن علي بن ابي طالب عليه السلام الشريف النقيب ابو محمد سيد في هذه الطائفة غير انى رايت بعض اصحابنا يغمز عليه في بعض رواياته له كتب جش وفي ذ في موضع القاسم ابي القاسم ولم اجد في غيره

الحسن ١٥ بن احمد المالكي كر جخ

الحسن ١٦ بن احمد بن محمد بن الهيثم العجلي ابو محمد من وجوه اصحابنا وابوه وجده ثقتان وهم من اهل

رى مجاور وفي اخر عمره بالكوفة ورد ابنه بها وله كتب جش

الحسن ١٧ بن ابي اسباط الكندي ضاح

الحسن ١٨ بن اسد بصري ضاح

الحسن ١٩ بن ايوب له كتاب اصل روى عنه محمد بن عبد الله بن غالب جش الحسن بن ايوب م جخ الحسن بن ايوب له كتاب روى عنه احمد بن هشام الفضل بن دكين ست ثم قال الحسن بن ايوب بن ابي عقيل له كتاب النوادر روى عنه احمد بن علي الصيد الحموي وما ذكره النجاشي يحتمل كلا منهم ان كانوا متعددين

الحسن ٢٠ بن بحر المدايني ق جخ

الحسن ٢١ بن بشار المدايني الذي ذكره سيجئ بعنوان الحسين بن بشار المدايني

الحسن ٢٢ بن بشير مجهول ضاح وفي صه انه من اصحاب الكاظم عليه السلام ولم اجد له اثرا من اصحاب الكاظم

الحسن ٢٣ الفلفسوني يكنى ابا محمد ضاح وقال في باب الكنى ابو محمد الفلفسي ضاح مجهول

الحسن ٢٤ بن تميم الكوفي ق جخ

الحسن ٢٥ بن جعفر المعروف بابي طالب الفافاي بغدادي دق كر جخ

الحسن ٢٦ بن جعفر بن الحسن بن الحسين بن علي بن ابي طالب ابو محمد المكفوف ق وحدث عن الاعمش وكان ثقة له كتاب روى عنه محمد بن ابن الهمداني الصايغ جش

الحسن ٢٧ بن الجهم بن بكير بن اعين ابو محمد الشيباني ثقة
صالح له كتاب يخالف الرواياة فيه روى عنه الحسين
بن علي بن فضال الجش ثقة م ضاح

الحسن ٢٨ بن جبش يجئ بعنوان الحسن بن جنيس

الحسن ٢٩ بن حذيفة بن منصور الكوفي من هذا
بياع الشابري مولى سبيع ق جخ ضعيف جدا
لا يرتفع به عرض

الحسن ٣٠ بن الحر الاسدي الكوفي تابعي روى عن
ابي الطفيل ق جخ

الحسن ٣١ بن الحسن بن الحسن بن علي بن ابي طالب عليه
السلام تابعي روى عن جابر بن عبد الله ق جخ

الحسن ٣٢ بن الحسن العلوي صادق جخ

الحسن ٣٣ بن الحسين بن الحسن الحجدري الكندي عربي
ثقة له كتب منها رواية الحسين بن محمد بن علي الازدي
الحسن ٣٤ بن الحسين السكوني عربي كوفي ثقة كاتبه
عن الرجال روى عنه جعفر بن عبد الله المحمدي جخ

الحسن ٣٥ بن الحسين العبرتائي النجار مذكور كتاب عن الرجال
عن جعفر بن محمد م روى عنه يحيى بن زكريا بن
شيبان جش

الحسن ٣٦ بن الحسين العلوي دى جخ ويحتمل ان
يكون هذا والذي ذكرناه بعنوان الحسن بن الحسين
العلوي واحدا

الحسن ٣٧ بن الحسين اللولوي كوفي ثقة كثير الرواية
له كتاب جش ثم ذكر في ذكر محمد بن احمد بن يحيى ان
محمد بن الحسن بن الوليد يستثني من روايته محمد بن احمد
بن يحيى ما رواه عن جماعة وعد من جملتهم ما انفرد به
الحسن بن الحسين اللولوي وقال الشيخ في الرجال
ضعفه ابن بابويه لم ويظهر من كلام النجاشي و
الشيخ في الفهرست عند ترجمة احمد بن الحسن بن
الحسين اللؤلؤي ان الحسن بن الحسين اللولوي جليل
فالتمييز بينهما في الاخبار مشكل الا انه يمكن ان
يفهم من كلامهما ان الراوي واحد وهو المذكور
في كتب الرجال

الحسن ٣٨ بن حماد البكري ق جخ

الحسن ٣٩ بن حماد الطائي ق جخ

الحسن ٤٠ بن حمزة بن علي بن عبد الله بن محمد بن
الحسن ٤١ الحسين بن علي بن الحسين بن علي بن ابي طالب
عليه السلام ابو محمد الطبري يعرف بالمرعشي كان
من اجلاء هذه الطائفة ونقلها انها قدم بغداد و
لقيه شيوخنا في سنة ست وخمسين وثلثمائة وسمع
في سنة ثمان وخمسين وثلثمائة له كتبا اخبرنا بها
شيخنا ابو عبد الله وجميع شيوخنا رحمهم الله
جش كان فاضلا اديبا فقيها زاهدا ورعا له كتب
اخبرنا بجميع كتبه ورواياته جماعة من اصحابنا منهم

الشيخ ابو عبد الله محمد بن محمد بن النعمان والحسين بن
عبد الله واحمد بن عبدون عن ابي محمد الحسن بن
حمزة بن علي المرعشي الطبري يكنى ابا محمد زاهد عالم اديب
فاضل روى عنه الناعكبري وكان سماعه منه اولا
سنة ثمان وعشرين وثلثمائة وله منه اجازة بخطه
وروى انا اخبرنا جماعة منهم الحسين بن عبد الله
واحمد بن عبدون ومحمد بن محمد بن النعمان وكان
سماعهم منه سنة اربع وخمسين وثلثمائة نح نقلنا
ما نقلناه من الشيخ بجامع قول النجاشي حيث قال
مات في سنة ثمان وخمسين وثلثمائة فنحو ما روى
العلامة قدس سره عن الشيخ رحمه الله ان سماعهما
منه سنة اربع وستين وثلثمائة وقال هذا لا
يجامع قول النجاشي نظر

الحسن بن خالد بن محمد بن علي البرقي ابو علي اخو
محمد بن خالد كان ثقة له كتاب نوادر حش له نح له
كتب روى عنه احمد بن ابي عبد الله ست

الحسن بن خرزاذ فقيه كثير الحديث له كتاب اسماء رسول الله
وكتاب المنعة وقيل انه غلا في اخر عمره روى عنه ابو
علي الحسن بن علي العلوي حش

الحسن بن خرزاذ فقيه دق نح ثم الحسن بن خرزاذ
من اهل كش له انتهى ويحتمل ان يكونا واحدا

الحسن بن خنبش قال الكشي حدثني محمد بن مسعود
قال حدثني نصير وبه قال حدثني الحسن بن موسى عن
جعفر بن محمد الخشعي عن ابرهيم بن عبد الحميد الاصفهاني
عن ابي اسامة زيد الشحام قال كنت عند ابي عبد الله
عليه السلام اذ مر الحسن بن خنبش فقال ابو عبد الله عليه
السلام نحب هذا هذا من اصحاب ابي وجده الامناء
عن ابرهيم عبد الحميد عن رجل عن ابي عبد الله
عليه السلام قال ينبغي للرجل ان يحفظ اصحاب ابيه
فان بره بهم بره بوالده وقال ابن داود الحسن خنبش
بالخاء المعجمة والنون المفتوحة والسين المهملة نح
كش ثقة وهو غير الحسن بن حبش بالحاء المهملة والباء
المفردة ذاك روى عن الباقر والصادق انتهى وفيه
نظر لان قوله كش ثقة ليس بمسلم لان ما ذكره الكشي
في طريقه ابرهيم بن عبد الحميد وهو واقفي وجعفر
بن محمد الخشعي وهو مجهول وعلى تقدير صحة الخبر لا
يدل على توثيقه واما قوله وهو غير الحسن بن حبش
ذاك روى عن الباقر والصادق عليهما السلام كذا
يظهر من الرجال لانه ذكر الحسن بن حبش في
اصحاب الباقر والصادق عليهما السلام والحسن
بن خنبش في اصحاب الصادق وفيه تامل وذكر العلامة
قدس سره الحسن بن حبش بالحاء غير المعجمة والباء المنقطة
تحتها نقطة والباء المنقطة تحتها نقطتين والشين المعجمة
روى عن الكشي هذا الحديث المذكور في شانه وفي

معنا عاصم وابا عائذ
في سنة ست وخمسين
وثلثمائة سنة ست
عمر بن محمد بن حمزة
الظاهر ان وسط محمد بن
الحسن وحمزة سهو وقد تقدم
ان كنية ابو محمد فتصحف
ابن محمد كذا قال الشهيد الثاني
في حاشيته على ز
منه ره

الكنى الحسن بن خنبش بالخاء المعجمة كما نقلنا والله اعلم

الحسن بن راشد بكنى ابا علي مولى لآل المهلب بغدادي ثقة ق د تمي ج

الحسن بن راشد الطحاوي ضعيف له كتاب نوادر حسن كثير العلم روى عنه علي بن اسكاب الحسن بن راشد الطحاوي البصري ابو محمد روى عن الضعفاء ويروى عنه وهو فاسد المذهب وما اعرف له شيئا اصلح منه الا رواية كتاب علي بن اسمعيل بن شعيب بن ميثم وقد رواه عنه غيره فض والظاهر ان ما ذكره التماشي وابن العضايري واحد والناسخ اسقط الواء من اول اسم ابيه كما قال العلامة قدس سره في ضه او زاد الزاء في اوله في التماشي وذكر ابن العضايري ايضا ان الحسن بن راشد مولى المنصور ابو محمد قم ضعيف في روايته والظاهر ان هذا ليس هو ذاك كما قال العلامة قدس سره والظاهر انهما غير الحسن بن راشد الثقة الذي ذ تمي

الحسن بن راشد مولى بني العباس ق ج د يحتمل ان يكون هذا هو الذي ذكره ابن العضايري حيث قال الحسن بن راشد مولى المنصور ابو محمد قم ضعيف وفي رجال الشيخ عند ذكر اصحاب الكاظم عليه السلام الحسين بن راشد مولى بني العباس بغدادي يحتمل ان يكون الحسين هذا هو الحسن وذكره بعنوان الحسين من اشتباه النساخ

الحسن بن رباط البجلي كوفي ق واخوه استوه بولس وعبد الله له كتاب رواية الحسن بن محبوب جش فق ن ج

الحسن بن الرواح البصري بن ج

الحسن الروندي الدينوري يكنى ابا محمد الاصل كوفي مولى لبجيلة ضا ج وذكر بعد ذكر الحسن ان الحسين الروندي الدينوري يكنى ابا محمد الاصل كوفي مولى لبني بجيلة ضا كما سيجئ ويحتمل ان يكونا اثنين

الحسن بن الزبرقان ابو الخزرج مني له كتاب روى عنه احمد بن محمد بن خالد البرقي الحسين بن الزبرقان يكنى ابا الخزرج له كتاب روى عنه احمد بن ابي عبد الله سن الحسين بن الزبرقان روى عنه البرقي له ج وفي ح الحسن كما في جش

الحسن بن الزبير الاسدي مولاهم ق ج ٥١

الحسن بن زياد بن اعين الشيباني الكوفي ق ج ٥٢

الحسن بن زياد العطار مولى بني ضبيعة كوفي ثقة ق ومثل الحسن بن زياد الطائفي له كتاب روى عنه محمد بن ابي عمير جش ٥٣

الحسن بن زياد الصيقل يكنى ابا الوليد مولى كوفي فق ن ج ٥٤

الحسن بن زياد الصيقل ابو محمد كوفي فق ج ٥٥

ويحتمل ان يكون هذا هو المذكور قبل هذا

٥٦ الحسن بن زيد بن الحسن بن علي بن ابي طالب المدني الهاشمي ق ج

٥٧ الحسن بن زيدان الذي ذكره يحيى بعنوان الحسين بن زيدان

٥٨ الحسن بن زين الدين بن علي بن احمد العاملي رحمه الله عنه وجه من وجوه اصحابنا ثقة عين صحيح الحديث ثبت واضح الطريقة نقي الكلام جيد التصانيف مات رحمه الله سنة الف واحد عشر له كتب منها كتاب منتقى الجمان في الاحاديث الصحاح والحسان

٥٩ الحسن بن الريان الكاتب الكرخي واخوه علي رويا عن الصادق عليه السلام له كتاب رواه الحسن بن محبوب عنهما ق ج ثقة صدوق ولم يجدوا توثيقه في غير كتابهما

٦٠ الحسن بن سعيد بن حماد بن سعيد بن مهران من موالي علي بن الحسين عليه السلام الاهوازي اخو الحسين ثقة روى جميع ما صنفه اخوه عن جميع شيوخه وزاد عليه رواياته عن زرعة عن سماعة فانه يختص بالحسن والحسين انما يروي عن اخيه عن زرعة والباقي هما معا وبان قبه سنذكر كتب اخيه اذا ذكرناه والطريق الى رواياتهما واحد شتى هو الذي اوصل علي بن مهزيار واسحق بن ابرهيم الحنيني الى الرضا عليه السلام حتى جرت الخدمة على ايديهما ضا ج وكان شريكا اخيه في جميع رجاله الا في زرعة بن مهران الخضرمي وفضالة بن ايوب فان الحسين بكى عن اخيه عنهما صه والصواب زرعة بن محمد الحضرمي كما لا يخفى وفي صد دانه يكنى ابا محمد ولم اجد في كتب الرجال بل هو كنية اخيه الحسين كما يظهر من الحواشي هذا اذا كان ما ذكره النجاشي الحسين كما في النسخ التي عندنا وان كان الحسن يكنيه ابو محمد كما في صد

٦١ الحسن بن سعيد الهمداني ق ج

٦٢ الحسن بن سعيد المجمل الاسدي الكوفي ق ج

٦٣ الحسن بن سفيان الكوفي ق ج

٦٤ الحسن بن سماعة يحيى بعنوان الحسن بن محمد بن سماعة

٦٥ الحسن بن سهل اخو الفضل ذو الرياستين ويعرف بالحسن بن ابي الفضل بن ضا ج

٦٦ الحسن بن سيف بن سليمان التمار قال ابن عقدة عن علي بن الحسن انه ثقة قليل الحديث ولم اقف له على مدح ولا جرح من طرقنا سوى هذا والاولى التوقف فيما يتفرد بحيث يثبت عدالته صه ق ج في قول دانه لم نظفر

٦٧ الحسن بن شجرة بن مهون بن ابي ذكره وثقه النجاشي عند ذكر اخيه علي بن شجرة

٦٨ الحسن بن شعيب المذاني ضا ج

٦٩ الحسن بن شهاب الباذي ق ج

٧٥ الحسن بن صالح الاحول كوفي له كتاب تختلف رواية روى عنه العباس بن عامر جش

٧١ الحسن بن صالح بن حي ابو عبد الله الهمداني الثوري الكوفي صاحب المقالة زيدي له نسب الصالحية منهم فرقة وفي التهذيب في باب المياه انه زيدي يترى من قول العامة بخص بروايته

٧٢ الحسن بن الصامت الطائفي ق تج

٧٣ الحسن بن صباح الذي ذكره د ونقل عن الكشي انه محمد لم اجده اصلا في الكشي وغيره

٧٤ الحسن بن صدقة الذابي اخو مصدق بن صدقة ق تج قال ابن عقده اخبرنا علي بن الحسن قال الحسن بن صدقة الذابي احمد زيادا واخوه مصدق روايا عن الصادق والكاظم عليهما السلام وكانوا ثقاب وفي بعد بل ذلك نظر والاولى التوقف ضه

٧٥ الحسن بن طيب بن حزة الشماخي غير خاص في اصحابنا دوواعنه لكتاب روى عنه العاصمي جش

٧٦ الحسن بن طريف بن ناصح الكوفي يكنى ابا محمد ثقة سكن بغداد وابوه قبل له نوادر جش لكتاب روى عنه احمد بن ابي عبد الله ست

٧٧ الحسن بن عباد ضاح

٧٨ الحسن بن العباس بن الحريش الرازي ابو علي ضعيف جدا الركاب انا انزلناه في ليلة القدر وهو كتاب لكن الحديث مضطرب الالفاظ روى عنه احمد بن محمد بن عيسى جش لكتاب روى عنه احمد بن ابي عبد الله ست

ابو محمد ضعيف روى عن الجواد عليه السلام فضل انا انزلناه في ليلة القدر كتابا مضطرب الالفاظ فيه مخالفة على انه موضوع وهذا الرجل لا يلتفت اليه ولا يكتب حديثه عض وذكره الشيخ في الرجال مرة في باب اصحاب الجواد عليه السلام ومرة في باب من لم

٧٩ الحسن بن عبد ربه الذي ذكره د يجيء بعنوان الحسين بن عبد ربه

٨٠ الحسن بن عبد الرحمن الانصاري الكوفي ق تج

٨١ الحسن بن عبد الرحمن الكوفي ق تج ويحتمل ان يكون هذا هو المذكور قبيل هذا وذكره د بعنوان الحسين بن عبد الرحمن الكوفي راويا عن رجال الشيخ

٨٢ الحسن بن عبد السلام روى عنه التلعكبري لم يخ

٨٣ الحسن بن عبد الصمد بن محمد بن عبيد الله الاشعري شيخ ثقة من اصحابنا الفهتين روى ابوه عن حنان عن الصادق عليه السلام لكتاب نوادر جش

٨٤ الحسن بن عبد الله من العباد الاتقياء الاجلاء كذا في ارشاد المفيد رحمه الله

٨٥ الحسن بن عدبس ضاح

٨٦ الحسن بن عطية الخياط كوفي مولى ثقة واخواه ايضا محمد وعلي كلهم دوواعن الصادق عليه السلام وهو الحسن بن عطية الدغشي الحارثي ابو ناب ومن

ولده علي بن ابرهيم بن الحسن روى عن ابيه عن جده ما رايت احدا من اصحابنا ذكره بتضعيف اجمل وبظهر من رجال الشيخ ان الحسن بن عطية ثالثه وبظهر من كلام ابن داود انه رجلان والظاهر انهم واحد كما يظهر من النجاشي والكشي

٨٧ الحسن بن علوان الكلبي ذكره النجاشي عند ذكر اخيه الحسين بن علوان الكلبي مولاهم كوفي عامي واخوه الحسن يكنى ابا محمد ثقة روايا عن الصادق عليه السلام وليس للحسين كتاب والحسن اخص بنا واولى وروى الحسين عن الاعمش وهشام بن عروة وللحسين كتاب يختلف روايا به روى عنه هرون بن مسلم انتهى وقوله ليس للحسين كتاب كذا في النسخ التي عندنا وهي اربعة والذي يخطر ببالي ان الحسن اذ يظهر من كلامه فيما بعد ان للحسين كتابا وذكر النجاشي الحسين بن علوان دون الحسن وكذا ذكره الشيخ في الفهرست قال الكتاب دون الحسن فان قلت لو كان المذكور هو الحسن كان المناسب ان يعبر عنه بضميره قلت هذا ليس بصحيح فيما بعد بان للحسين كتابا

٨٨ الحسن بن علوية يكنى ابا محمد القماص قال الكشي عند ترجمة يونس بن عبد الرحمن وجدت بخط احمد بن شاذان بن نعيم في كتابه بعض اصحابنا ابا محمد القماص الحسن بن علوية الثقة يقول سمعت الفضل بن شاذان الى اخره

٨٩ الحسن بن علي بن ابي حمزة البطائني قال الكشي قال محمد بن مسعود سالت علي بن الحسن بن فضال عن الحسن بن علي بن ابي حمزة البطائني فقال كذاب ملعون بدت عنه احاديث كثيرة وكتب عنه تفسير القران كله من اوله الى اخره الا اني لا استحل ان اروي عنه حديثا واحدا وحكى لي ابو الحسن حمدويه بن نصير عن بعض اشياخه انه قال الحسن بن علي بن ابي حمزة رجل سوء قال ابن الغضايري ابو محمد واقف ابن واقف ضعيف في نفسه وابوه اوثق منه وقال الحسن بن علي بن فضال الى لاستحي من الله ان اروي عن الحسن بن علي وقال النجاشي وكان ابوه واخوه ابو الحسن زيد بن القاسم زيدان شيوخنا رحمهم الله يذكرون انه من وجوه الواقفة له كتب روى عنه علي بن الحسين بن عمر والخزاز وابو جميل بن مهران وقال الشيخ في الفهرست روى عنه احمد بن منيع ومحمد بن ابي الصهبان

٩٠ الحسن بن علي بن ابي رافع واسم ابي رافع اسلم يح

٩١ الحسن بن علي بن ابي عثمان الملقب بسجادة له كتاب روى عنه احمد بن ابي عبد الله ست قال ددى يح ابو محمد ضعيف وفي مذهبه ارتفاع غض الحسن بن ابي عثمان الملقب سجادة ابو محمد كوفي ضعفه اصحابنا له كتاب نوادر روى الحسين بن عبيد الله بن سهل في حال استقامته عن الحسن بن

على بن ابى عثمان سجاده جش على السجاده لعنة الله ولعنة
اللاعنين والملائكة والناس اجمعين فلقد كان
من العلمائنا الذين ينفعون فى رسول الله صلى الله
عليه واله ولبس لهم فى الاسلام نصيب بفضل محمد بن
ابى زينب على محمد بن عبد الله لان الله عابه بقوله
ولولا ان ثبتناك الخ ولهم بعاب محمد بن ابى زينب

٩٢ الحسن بن على بن ابى عقيل محمد الغاب الحذاء
فقيه متكلم ثقة له كتب فى الفقه والكلام وسمعت شيخنا
اباعبد الله يكثر الثناء على هذا الرجل رحمه الله جش
الحسن بن على ابو على المعروف بابن عقيل العمانى
له كتب وهو من جلة المتكلمين امامى المذهب لم ٣ ح

٩٣ الحسن بن على ابو محمد الحجال من اصحابنا الفقيه
ثقة كان شريكا لمحمد بن الحسن بن الوليد فى التجارة
له كتاب وسمى الحجال لانه كان ذا بما بعادل الحجال الكوفى
الذى يبيع الحجل فعرف باسمه روى عنه جعفر بن محمد جش
والحجل بعض انواع الخلخال وقوله بعادل الحجال الكوفى
اى كان عدلا له جعل كتب احدهما على احد طرفى
حمل البعير والاخر على الاخر

٩٤ الحسن بن على بن ابى المغيره الزيتى الكوفى ثقة روى
ابوه فرقد وهو يروى كتاب ابيه عنه وله كتاب مفرد
روى عنه سعيد بن صالح جش له كتب روى عنه
ابن نهيك ست

٩٥ الحسن بن على بن احمد يكنى ابا محمد روى عن ابن هام
روى عنه ابن نوح له ح

٩٦ الحسن بن على بن احمد الصائغ له ح

٩٧ الحسن بن على الاحمرى الكوفى روى عن معوية بن وهب
وغيره وروى عنه عفيف بن عمرو فروق ح

٩٨ الحسن بن على بن بقاح كوفى ثقة مشهور صحيح الحديث
روى عن اصحاب الصادق عليه السلام له كتاب نوادر
جش الحسن بن على بن يوسف المعروف بابن بقاح
ست فى ترجمة معاذ بن ثابت

٩٩ الحسن بن على بن الحسن بن عمر بن على بن الحسين
بن على بن ابى طالب عليهم السلام ابو محمد الاطروش
رحمه الله كان يعتقد الامامة وصنف فيها كتبا
جش وكانه الذى اتخذ الزيدية اماما وهو المعروف
بناصر الحق

١٠٠ الحسن بن على الخضرمى له كتب وروايات روى
عنه على بن يعقوب الكسائى ست

١٠١ الحسن بن على الخياط واذى فاضل له ح

١٠٢ الحسن بن على بن داود من اصحابنا المجتهدين
شيخ جليل من اجلاء الامام العلامة المحقق الشيخ
نجم الدين ابى القاسم الحلى قدس سره والامام المعظم
فقيه اهل البيت جمال الدين بن طاوس رحمه الله
له زبد من ثلثين كتابا نظما ونثرا وله فى علم الرجال كتاب

معروف حسن الترتيب الا ان فيه غلطا كثيرا عجم الله
١٠٣ الحسن بن علي الربعي مولاهم الله بن ثعلبة كوفي
١٠٤ الحسن بن علي بن زكريا البزوفري العدوي
ضعيف جدا غمز
١٠٥ الحسن بن علي بن زياد الوشا البجلي كوفي قال ابو
يكنى ابا محمد الوشا وهو ابن بنت الياس الصيرفي
نزل من اصحاب الرضا عليه السلام وكان من
وجوه هذه الطايفة له كتب روى عنه يعقوب
بن يزيد واحمد بن محمد بن عيسى حش بقال
الخزاز وبقال ابن بنت الياس الصيرفي له كتاب يروي
عنه احمد بن ابي عبد الله والصفار ست ضا
ذي تح وروى الشيخ في التهذيب في اخر باب الخبر
عن ابن عقدة عن محمد بن مفضل بن ابراهيم ان
الحسن بن علي بن زياد الوشا كان وقف ثم رجع فظنه
وفي صفي هو وضع الخزاز خبر ان كان في النسخة التي
كانت عنده من النجاشي هكذا وهو غلط ومن ثم
استخرج منه وذكر ان الياس الصيرفي جد من اصحاب
الرضا عليه السلام بعد ذكره ان الياس بن عمر
البجلي وهو جد الحسن بن علي بن بنت الياس
وان شئت التفصيل فلاحظ ذكر الياس بن
عمر والبجلي
١٠٦ الحسن بن علي الزبوني الاشعري ابو محمد له

كتاب نوادر روى احمد بن محمد بن يحيى عن ابيه عنه حش
١٠٧ الحسن بن علي بن سبره له كتاب روى عنه احمد بن محمد
بن خالد حش بغدادي له كتاب ست
١٠٨ الحسن بن علي بن سفيان بن خالد بن سفيان
البزوفري سيجيء بعنوان الحسن بن علي بن سفيان
١٠٩ الحسن بن علي بن عبد الله بن مغيرة البجلي مولى
جندب بن عبد الله ابو محمد من اصحابنا الكوفيين
ثقة ثقة له كتاب نوادر روى عنه البرقي حش له كتاب
روى عنه محمد بن علي بن محبوب ست وروى عنه
سعد بن عبد الله كما يظهر من باب الاحداث
الموجبة للطهارة من التهذيب
١١٠ الحسن بن علي بن عيسى الجلاب الكوفي في تح
١١١ الحسن بن علي بن فضال كوفي يكنى ابا محمد قال الكشي
حدثني محمد بن قولويه قال حدثنا سعد بن عبد الله قال
عن علي بن الريان عن محمد بن عبد الله بن زرارة قال
كنا في جنازة الحسن بن علي بن فضال فالتفت الي
الي محمد بن الهيثم التميمي فقال لنا الا ابشركما فضلنا له
وما ذاك فقال حضرت الحسن بن علي بن فضال
قبل وفاته وهو في تلك الحالة وعنده محمد بن
الحسن بن الجهم قال فمعه يقول له يا ابا محمد تشهد
قال فتشهد الحسن ثم غمز عبد الله وصار الى ابي
الحسن عليه السلام فقال له محمد بن الحسن وابن

الفائدة في ابان الربان والبشر محمد بن عبد الله بن زرارة

عبد الله فمكث ثم عاد الثانية فقال له تشهد فتشهد
وصار الى ابي الحسن عليه السلام فقال له ابن عبد
الله فقال الحسن تطرنا في الكتب فما رأينا لعبد الله
شبيها وكان الحسن بن علي بن فضال فطحيا يقول بامامة
عبد الله بن جعفر قبل ابي الحسن عليه السلام فرجع فيما
حكى عنه في هذا الحديث وقال الكشي في موضع
اخر اجمعت العصابة على تصحيح ما يصح عن الحسن بن محبوب
الحسن بن علي بن فضال ثم اعلم انه حكى التجاشي و
العلامة عن الكشي انه كان فطحيا فرجع من دون نقل
ما حكيناه عنه من قوله فيما حكى عنه في هذا الحديث
وفيه ما لا يخفى وقال النجاشي اخبرنا محمد بن محمد عن
ابي الحسن بن داود عن ابيه عن محمد بن جعفر المؤدب عن
محمد بن احمد بن يحيى عن علي بن الريان وقال كان
في جنازة الحسن الى اخره ثم قال قال ابن داود في تمام
الحديث فدخل علي بن اسباط فاخبره محمد بن الحسن
بالخبر فقال فقبل علي بن اسباط بلومه قال فاخبرت
احمد بن الحسن بن علي بن فضال بقول محمد بن عبد الله
فقال صدق محمد بن عبد الله على ابي قال وكان والله
محمد بن عبد الله صادقا عندك فيما سمعه من احمد بن
الحسن فانه رجل فاضل قد تبين انتهى وكان فاعل
قال في نسخة اخرى وفاعل قال الخ قوله قال وكان والله
الى اخره علي بن الريان وقال الشيخ في الفهرست رضا

وكان خصيصا به جليل القدر عظيم المنزلة زاهدا ورعا
ثقة في الحديث وفي رواياته لبس روى عنه احمد
بن محمد ومحمد بن الحسن ومحمد بن عبد الجبار وقال
في الرجال ثقة رضا وذكره في البابين

١١٢ **الحسين** بن علي الفائدي ابو محمد من اهل كش لم يرجح

١١٣ **الحسين** بن علي الكلبي له روايات روى عنه ابراهيم
بن سليمان ست في ج

١١٤ **الحسن** بن علي اللؤلؤي له كتاب روى عنه
محمد بن علي بن محبوب ست

١١٥ **الحسن** بن علي بن محمد بن عبيد ذكرناه بعنوان
الحسن بن ابي قتادة

١١٦ **الحسن** بن علي بن مهران م ج

١١٧ **الحسن** بن علي بن النعمان مولى بني هاشم ابوه
علي بن النعمان الاعلم ثقة ثقة له كتاب نوادر صحيح الحديث
كثير الفوائد روى عنه الصفار جش ويحتمل عود
التوثيق الى الحسن والى ابيه وما ذكره النجاشي عند
ترجمة علي بن النعمان حيث قال علي بن النعمان الاعلم
واخوه داود على مذهبه وابنه الحسن وابنه احمد روى
الحديث وكان على ثقته وجهالته صحيح الكتاب
الى اخر قريبة على انه وصف لابيه

١١٨ **الحسن** بن علي الهذلي ابو محمد قال الشيخ في التهذيب
في باب الوصية لاهل الضلال انه مطعون

١١٩ الحسن بن علي بن بقطين بن موسى مولى بني هاشم وقيل
مولى بني اسد كان فقيها ثم ضاد له كتاب مسائل
الكاظم عليه السلام روى عنه صالح مولى علي بن بقطين
جش له مسائل الكاظم عليه السلام وكان فقيها
متكلما روى عنا احمد بن ابي عبد الله رضي الله عنه

الحسن بن علي بن يوسف قد تقدم بعنوان
الحسن بن علي بن بقاح

١٢٥ **الحسن** بن عمار عامي فرخ

١٢١ **الحسن** بن عمارة عامي فرخ ولا يبعد ان يكون
هذا والذي ذكرناه قبيل هذا واحدا

١٢٢ **الحسن** بن عمرو بن سفيان بن مقلاص كوفي ثقة
هو ابوه ايضا له كتاب نوادر روى عنه احمد بن
محمد جش

١٢٣ **الحسن** بن عمرو بن يزيد صاحب وذكره دراج
عن فخ انه ثقة ولم اجد في فخ وغيره نعم وثق الحسين بن
عمرو بن يزيد عند ذكر اصحاب الرضا عليه السلام

١٢٤ **الحسن** بن عنبسة الصوفي كوفي ثقة له كتاب نوادر
روى عنه حميد بن زياد جش فخ وذكر النجاشي بعد
ذكر الحسن بن عنبسة الصوفي الحسين بن عنبسة الصوفي
وقال له كتاب نوادر روى عنه حميد ويحتمل ان
يكونا واحدا

١٢٥ **الحسن** بن عياش الاسدي مولاهم الكوفي فخ

١٢٦ **الحسن** بن فضالة فخ

١٢٧ **الحسن** بن القاسم قال الكشي حدثني محمد بن قولويه قال حدثنا
الحسن بن موسى قال حدثنا الحسن بن القاسم قال
حضر بعض ولد جعفر الموت فابطاه عليه الرضا عليه السلام
فقال يغتنى ذلك لا بطائه عن عمه قال ثم جاء فلم
يلبث ان قام قال الحسن فقمت معه فقلت جعلت
فداك عمك في الحال التي هو فيها تقوم وتدعه قال
فقال عمي يدفن فلانا يعني الذي هو عندهم
قال نواقضها البناذ ثم مايل المريض ودفن اخاه الذي
كان عندهم صحيحا قال الحسن الحسنا وكان الحسن بن
القاسم يعرف الحق بعد ذلك ويقول به

١٢٨ **الحسن** بن قدامة الكاتب الحنفي وكان ثقة
وتاخر موته روى عنه محمد بن الحسين الخصيبي جش

١٢٩ **الحسن** بن كثير الكوفي البجلي فخ وروى المفيد
رحمه الله في ارشاده بطريق صحيح ان ابا جعفر
عليه السلام اعطاه سبعمائة درهم وقال استنفق
هذه فاذا انفدت فاعلمني

١٣٥ **الحسن** الكرماني روى عن العياشي لم يتم

١٣١ **الحسن** بن مالك الفهمي الذي ذكره العلامة في
ضه سيجيء بعنوان الحسين بن مالك

١٣٢ **الحسن** بن مبشر يحتمل وجها من وجوه اصحابنا كثير الحديث
له كتاب نوادر جش ست في روى عنه ابن الوليد

لم ج وقال العلامة قدس سره طريق الصدوق الى
جعفر بن ماجيه صحيح وفيه الحسن بن متيل وصفه
في منتهى المقال بالدقاق

١٣٣ الحسن بن محبوب السراد ويقال له الزراد يكنى ابا
علي مولى بجيلة كوفي ثقة صدوق روى عن سبعين رجلا
من اصحاب الصادق عليه السلام وكان جليل القدر
بعد في الاركان الاربعة في عصره له كتب كثيرة روى
عنه الهيثم بن ابي مسروق ومعوية بن حكيم واحمد بن
محمد بن عيسى وجعفر بن عبيد الله والحسين بن عبيد
الملك الاودي ويونس بن علي العطار سئل كوفي
ثقة صدوق اجمع اصحابنا على تصحيح ما يصح عنه واقروا
له بالفقه والعلم وقال بعضهم مكان الحسن بن محبوب
الحسن بن علي بن فضال مات سنة اربع وعشرين
ومائتين وكان من ابناء خمس وسبعين سنة كش

١٣٤ الحسن بن محمد ابو علي القطان قال ابن عقدة قال
علي بن الحسن انه ثقة صدوق ج

١٣٥ الحسن بن محمد بن احمد بن جعفر بن محمد بن زيد
بن علي بن الحسين بن علي بن ابي طالب عليه السلام
يكنى ابا محمد روى عنه التلعكبري لم ج

١٣٦ الحسن بن محمد بن احمد الحذاء النيشابوري يكنى ابا
محمد لم ج

١٣٧ الحسن بن محمد بن احمد الصفار البصري ابو علي شيخ
من اصحابنا ثقة روى عن الخزاز بن سفاته ومحمد بن تسنيم و
عباد الواحي ومحمد بن الحسين ومعوية بن حكيم الكاتب
دلائل خروج القائم عليه السلام ومدائحهم ما رأيت هذا
الكتاب بل ذكره اصحابنا وليس بمشهور ايضا جش

١٣٨ الحسن بن محمد بن اخي محمد بن رجا الخياط ذكره ج

١٣٩ الحسن بن محمد الاسدي الكوفي ق ج

١٤٠ الحسن بن محمد بن بابا القمي غالي ذكره ج وذكر
ابو محمد الفضل بن شاذان في بعض كتبه ان من الكذابين
المشهورين ابن بابا القمي كش

١٤١ الحسن بن محمد بن جمهور العمي ابو محمد بصري ثقة في
نفسه يتهم بالغلو من تميم يروي عن الضعفاء ويعتمد
المراسيل ذكره اصحابنا بذلك وقالوا كان اوثق من
ابيه واصلح له كتاب روى عنه ابو طالب الانباري كش

١٤٢ الحسن بن محمد بن الحسن الشيباني الكوفي يكنى ابا الفتا
روى عنه التلعكبري لم ج

١٤٣ الحسن بن محمد الحضرمي ابن اخت ابي مالك الحضرمي
ثقة له كتب منها رواية هرون بن مسلم جش

١٤٤ الحسن بن محمد بن حمزة بن علي الذي ذكره الشيخ
في الرجال ذكرناه بعنوان الحسن بن حمزة بن علي

١٤٥ الحسن بن محمد الحنفية بن علي بن ابي طالب ق ج

١٤٦ الحسن بن محمد بن خالد بن عمر الطالبي وثقه
النجاشي عند ترجمة اخيه عبد الله محمد بن خالد فلا

١٤٧ **الحسن** بن محمد الدامغي ما بخبر روى عنه حميد في الحج

١٤٨ **الحسن** بن محمد السراج روى عنه حميد في الحج وفي روى حميد عن ابن سهل عنه

١٤٩ **الحسن** بن محمد بن سماعة ابو محمد الكندي الصيرفي من شيوخ الواقفة كثير الحديث فقيه ثقة كان بغداد في الوقف وينعت له كتب روى عنه محمد بن احمد بن ثابت وعبد بن زياد جش والفقه المذهب الا انه كثير التصانيف نقي الفقه حسن الانتقاء له ثلثون كتابا باب واقفي مع حديثي حدثني حمدويه ذكره عن الحسن بن موسى قال كان ابن سماعة واقفيا وذكر ان محمد بن سماعة البس من ولد سماعة بن مهران لان ابن بقال للحسن بن سماعة واقفي كش وفي بعض النسخ لابن بقال للحسن بن سماعة بن مهران واقفي وعلى هذا يفهم منه ان الحسن بن سماعة غير الحسين بن محمد بن سماعة هذا اذا كان ما نقله الكشي من ان محمد بن سماعة ليس من ولد سماعة بن مهران صحيحا ويمكن ان يفهم من كلام النجاشي عند ترجمة سماعة بن مهران ومحمد بن سماعة ان محمد بن سماعة كان من ولد سماعة بن مهران كما روى الشيخ قدس سره حديثا في باب نزول الزوجة من التهذيب وفيه محمد بن سماعة عن مهران

١٥٠ **الحسن** بن محمد بن سهل النوفلي ضعيف لكن له كتاب حسن كثير الفوائد روى عنه الحسن بن محمد بن جمهور العمي جش وذكر بعد ذكر هذا الرجل الحسين بن محمد بن سهل النوفلي داود بن ياعن النجاشي وقال انه ضعيف والظاهر انه اشتبه عليه لان النجاشي لم يذكر الا الحسن كما نقلناه ونقله العلامة في صه

١٥١ **الحسن** بن محمد بن عمران بظهر من الكتب عند ذكر ذكريا بن آدم انه كان وحي ذكريا بن آدم

١٥١ **الحسن** بن محمد بن الفضل بن يعقوب بن سعيد بن نوفل بن الحرث بن عبد المطلب ابو محمد شيخ جليل روى عن الرضا عليه السلام نسخة وعن ابيه عن الصادق والكاظم عليهما السلام وله كتاب كبير روى عن الحسن بن محمد بن جمهور جش ثم ذكر رجلا فخرجت فقال الحسين بن محمد بن الفضل بن يعقوب بن سعد بن نوفل بن الحرث بن عبد المطلب ابو محمد شيخ من اهلها ثقتين ثقة روى ابوه عن الصادق والكاظم عليهما السلام ذكره ابو العباس وعمومته كذلك اسحق ويعقوب واسمعيل وكان ثقة صنف مجالس الرضا عليه السلام مع اهل الاديان الخ ويحتمل ان يكونا واحدا ومن ثم لم يذكر العلامة في صه الا الحسن وما ذكره النجاشي في شان الحسن والحسين انما هو

١٥٢ **الحسن** بن محمد المذابنوي حي تج

١٥٣ **الحسن** بن محمد النهاوندي ابو علي متكلم جيد الكلام له كتب جش

١٥٤ **الحسن** بن محمد بن هرون الذي ذكره د بعنوان الحسن بن هرون

١٥٦ الحسن بن محمد بن يحيى بن الحسن بن جعفر بن عبيد الله بن الحسين بن علي بن الحسين بن علي بن ابي طالب عليه السلام ابو محمد المعروف بابن اخي طاهر روى عن جده يحيى بن الحسن وغيره وروى عن المجاهيل احاديث منكره وكان اصحابنا يضعفونه له كتب مات في سنة ثمان وخمسين وثلثمائة ودفن في منزله بسوق العطش حش كان كذابا يضع الحديث مجاهره ويدعي دعاوي الاغرباء لا يعرفون ويعتمد مجاهيل لا يذكرون وما انطب الانفس من ثوى الاثم ابرزه من كتب جده التي رواها عنه غيره ومن علي بن احمد بن علي العقيقي من كتبه المصنفة المشهورة بخص من الغاية لهج

١٥٧ الحسن بن المختار الغلابي الكوفي ق ج

١٥٨ الحسن بن مصعب البجلي الكوفي ق ج

١٥٩ الحسن بن المغيرة ق ج

١٦٠ الحسن بن المنذر ق ج

١٦١ الحسن بن موسى الازدي الكوفي اسند عنه في ج

١٦٢ الحسن بن موسى الخياط الكوفي ق ج له اصل رآه عنه ابن ابي عمير سنه

١٦٣ الحسن بن موسى الخشاب من وجوه اصحابنا مشهور كثير العلم والحديث له مصنفات روى عنه عمران بن موسى الاشعري حش له كتاب روى عنه محمد بن الحسن الصفار سنه كو ج ثم قال روى عنه الصفار له

١٦٤ الحسن بن موسى ابو محمد النوبختي شيخنا المتكلم المبرز على نظرائه في زمانه قبل الثلثمائة وبعدها على الاوائل كتب كثيرة حش ابن اخت ابي سهل نوبخت يكنى ابا محمد متكلم متفلسف وكان يجمع البرجاعة من نظرائه بالفلسفة مثل ابي عثمان الدمشقي وابي يحيى وثابت وغيرهم وكان اماميا حسن الاعتقاد نضح بخلطة شيخنا اكثر اولا مسته كثيرة في الكلام والفلسفة وغيرهما سنة متكلم ثقة ج

١٦٥ الحسن بن موفق كوفي شيخ من اصحابنا فاضل الحديث له كتاب نوادر روى عنه احمد بن هشم حش وذكره د بعنوان الحسن بن موفق واما في سنه كما في حش ولعله الصواب

١٦٦ الحسن بن النضر من اجلة اخواننا كان عند نزوح احمد بن [illegible]

١٦٧ الحسن بن واقد ق ج

١٦٨ الحسن بن هرون الكندي ق ج

١٦٩ الحسن بن هرون بن خارجة الكوفي ق ج

١٧٠ الحسن ابو محمد بن هرون بن عمران الهمداني وكيل حش عند ذكر محمد بن علي بن ابرهيم الهمداني كان فقيها في سنه وذكره د بعنوان الحسن بن محمد بن هرون وغلط

١٧١ الحسن بن هذيل روى عنه جميل ق ج

١٧٢ الحسن بن يحيى الطحان روى عنه جميل ق ج

١٧٣ الحسن بن يوسف ق ج

١٧٤ الحسن بن يوسف ك ج

١٧٥ الحسن بن يوسف بن علي بن مطهر ابو منصور العلي

شيخ الطائفة وعلامتها وفقيه اصحاب التحقيق والتدقيق
اكثر التصانيف انتفت رياسة الامامية به في المعقول
والمنقول مولده سنة ثمان واربعين وستمائة وكان
والده قدس الله روحه يقضيها مدة ساعظيم الشان
قد يخطر ببالي ان لا يسع كتابي هذا ذكر علومه وفضائله
وفضائله ومحامده وان كل منها يوصف بالثاني من جمل
وفضل فهو نوذ لذا زيد من سبعين كتابا في الاصول
والفروع والطبيعي والالهي وغيرها ومن جملة كتبه كتاب
منتهى المطلب وهو سبع مجلدات وهو كتاب لم يصنف
مثله وكتاب تذكرة الفقهاء وهو اربع عشر مجلدا او
كتاب مختلف الشيعة وهو ست مجلدات نور الله
ضريحه وضريح ابيه وابنه وجزاه الله تعالى افضل جزاه
الحسنين مات قدس سره ليلة السبت حادي عشر
المحرم سنة ست وعشرين وسبعمائة ودفن بمشهد
المقدس الغروي على ساكنه من الصلوات افضلها
ومن التحيات اكملها

١٧٤ الحسن بن بونس الحميري ق ج

الحسن بن ابزا الكوفي ق ج وقال عند ذكر ابيها
الصادق عليه السلام الحسن بن ابزكا باليم

الحسين بن ابرهيم بن موسى بن اخف ق ج

الحسين بن ابرهيم بن موسى بن جعفر ضا ج

الحسين ابو علي بن ابي الفرج ابن قاده البغدادي له

كتاب روى عنه احمد بن محمد بن خالد البرقي ست ق ج

الحسين بن ابي حمزة قال الكشي سالت ابا الحسن حمدويه
بن نصير عن علي بن ابي حمزة الثمالي والحسين بن ابي
حمزة ومحمدا اخويه وابيهم فقال كلهم ثقات كانوا صلوا
وقال النجاشي الحسين بن حمزة اللبشي هو ابن بنت
ابي حمزة الثمالي ثقة ثقة وقال محمد بن ابي حمزة ذكره
اصحاب كتب الرجال روى عنه ابن ابي عمير ونقل
العلامة قدس سره في ضمن عن ابن عقده ان الحسين بن
بنت ابي حمزة الثمالي قال محمد بن ابي حمزة وان الحسين بن
ابي حمزة ابن ابنة الحسين بن ابي حمزة الثمالي وان الحسين بن
حمزة اللبشي ابن ابنة ابي حمزة الثمالي انتهى فهم من كلامهم
ان الحسين بن ابي حمزة الثمالي والحسين بن حمزة اللبشي
رجلان فانبهم من كلام العلامة قدس سره من انهما
واحد لبس بشيء

الحسين بن ابي الخصر الكوفي ق ج

الحسين بن ابي الخطاب ضا ذكره الكشي مهملا

الحسين بن ابي سعيد هاشم بن حيان المكاري ابو
عبد الله كان وابوه وجيهين في الواقفة وكان الحسين ثقة
في حديثه ذكره ابو عمرو الكشي في جملة الواقفة وذكر ضمنه
ذموما وليس هذا موضع ذكر ذلك له كتاب نوادر كبير
روى عنه الحسن بن محمد بن سماعة جش وفي ضمن الحسين
في ذكر الحسين الا انه قال وفي نسخة الحسن

٩ الحسين بن ابي العرندس الكوفي ق تج

١٠ الحسين بن ابي العلا الخفاف ابو علي الاعور مولى بني
اسد ذكر ذلك ابن عقده وعثمان بن خالد بن عثمان
وقال احمد بن الحسين رحمه الله هو مولى بني عامر والذي
على بعد الحميد روى الجميع عن الصادق عليه السلام
وكان الحسين اوجههم لكن روى عن احمد بن بشير
خش قال احمد وبه الحسين بن ابي العلا هو ازدي وهو
الحسين بن خالد بن طهمان ابو العلا كش ونقل ذ
عن البشري تزكيته وقال النجاشي عند ترجمة ابنه خالد
طهمان ابو العلا امن العامة وقال الشيخ في الفهرست
له كتاب بعد في الاصول روى عنه ابن ابي عمير وصفوان

١١ الحسين بن ابي غندر كوفي يروي عن ابيه عن
الصادق ويقال هو عن الكاظم عليه السلام له
كتاب روى عنه صفوان بن يحيى خش

١٢ الحسين بن اثير الكوفي ق تج وتقدم بعنوان
ابن اثير

١٣ الحسين بن احمد بن ادريس الاشعري بكنى ابا
عبد الله روى عنه التلعكبري لم تج

١٤ الحسين بن احمد بن شيبان الفرضي نزيل بغداد
يكنى ابا عبد الله روى عنه التلعكبري لم تج

١٥ الحسين بن احمد بن ظبيان ق تج

١٦ الحسين بن احمد له كتاب روى عنه ابن ابي عمير وصفوان

ويحتمل ان يكون هذا هو المذكور قبل هذا

١٧ الحسين بن احمد بن عامر الاشعري يروي عن
عمه عبد الله بن عامر عن ابي عمير روى عنه الكليني
لم تج والمستفاد من اسناد النجاشي الى عبد الله
بن عامر عن ابي عمير ان الراوي عن عبد الله هو
الحسين بن محمد الاشعري ابن اخي عبد الله بن عامر
وكذا يظهر من الكافي وكون هذا غيره لا يخلو عن
بعد مع اتحاد الاسم والراوي والمروي عنه فكان
احدهما سهو وانه محمد والله اعلم

١٨ الحسين بن احمد بن المغيرة ابو عبد الله البوشنجي
كان غريبا مضطرب المذهب وكان ثقة فيما يرويه
له كتاب اجازنا روايته ابو عبد الله بن الحمري الشيخ
الصالح في مشهد مولانا امير المؤمنين عليه السلام
سنة اربعمائة خش

١٩ الحسين بن احمد المنقري التميمي ابو عبد الله و
روايته شاذة لا تثبت وكان ضعيفا ذكر ذلك اصحابنا
رحمهم الله روى عن داود البرقي واكثر له كتب والرواية
مختلف فيه روى عنه عيسى بن هشام خش له كتاب
روى عنه القاسم بن اسمعيل ست ضعيف ثم تج
وذكر بعد ذكر هذا الرجل رجلا اخر حيث قال
الحسين بن احمد المكتب تج ضعيف انتهى ولم اجد
في كتب الرجال الا الاول فكانه اشتبه عليه

ربما يقال ان الحسين احد اوجههم يدل عليه رواية ثقة الاسلام عنه في صحيحة ثقة والحسين اوجه منه

٢٠ الحسين الاحمر سيجئ بعنوان الحسين بن عثمان

٢١ الحسين بن اسد ثقة صحيح ترجم وذكر داود باسمه
ترجم الندوي ثقة ثم قال داود عن بعض انه روى عن الصفا
والبرقي شرح الى الاكتاب علي بن اسمعيل بن شعيب وحده ذا
غيره انتهى وفيه نظر لان ابن الغضايري ذكر هذه العبارة
في شان الحسن بن اسد الطحاوي لا الحسين بن اسد كما
ظننا في ترجمة الحسن بن راشد

٢٢ الحسين بن اشكيب شيخ لنا خراساني ثقة معتمد كثير
ابو عمرو في كتاب الرجال في اصحاب صاحب العسكر عليه السلام
وروى عنه المشائخ فاكثروا عنه جد ثقة ثبت قال الكشي
هو المتني خادم الفيرزان شيخنا قال لنا ابو القاسم جعفر بن محمد
كتاب الرد على من زعم ان النبي كان على دين قومه والرد
على التهذيب للحسين بن اشكيب حدثنا بهما محمد بن الوارث
عنه وبهذا الاسناد كتاب النوادر قال الكشي في رجال
ابي محمد الحسين بن اشكيب المروزي المفهيم فقيه وكش
عالم متكلم مؤلف للكتب جش الحسين بن اشكيب الفرخاذ
الصيرفي ثم قال الحسين بن اشكيب المروزي المفهيم فقيه
وكش عالم متكلم مصنف للكتب كر ثم قال الحسين بن اشكيب
المروزي فاضل جليل متكلم يقيم مناظر صاحب نصانيف
لطيف الكلام جيد النظر لم ير بقم من صنفه واحد وبالبصرة
المجمر وذكر رجلين احدهما ابن اسكيب بالسين المهملة و
الاخر بالشين المعجمة والذي يخطر ببالي انهما واحد لان البصر

في كلامهم رضي الله عنهم ما يدل على ظاهرها الا ذكر الشيخ رحمه
الله اياه مرة في باب اصحاب الهادي والعسكري ومرة في باب من لم
يرو عن الائمة وهذا ايضا لا يدل على ظاهرها كما يظهر من
عبارته لان مثل هذا في كتاب رضي الله عنه كثير كما سيجئ عند
ترجمة القاسم بن محمد الجوهري

٢٣ الحسين بن ابو توبة كتاب روى عنه الحسن بن محمد بن
سماعة ست

٢٤ الحسين بن بسطام قال ابو عبد الله بن عياش هو الحسين
بسطام بن سابور الزيات له ولاخيه ابي غياث كتاب روى
عنهما الحسين الثوفلي جش

٢٥ الحسين بن بشار مذابني مولى زياد ثقة صحيح صدوق
وروى الكشي حديثا يدل على رجوعه عن الوقف وفي
طريقه ابو سعيد الادمي وهو سهل بن زياد وهو ضعيف
وقال الشهيد الثاني في حاشيته على الخلاصة ان في الطريق
الذي ذكره الكشي ابن سعيد الادمي ولم يذكره هنا في الباب
انتهى وفي الكشي ابو سعيد الادمي وهو مذكور في باب الصفا
بعنوان سهل بن زياد الادمي وقال العلامة في حقه
انا اعتمد على ما ابرويه لشهادة الشيخ له وان كان طريق
الكشي الى الرجوع عن الوقف فيه نظر لكنه عاضد لخبر
الشيخ عليه انتهى وفيه ان ما ذكره الكشي يدل على ان
لا يعتمد على روايته اذ لا يعلم ان روايته في حال الوقف
او بعده وذكره في بعنوان الحسن بن بشار زيادا عن

ع والظاهر اشتباه عليه

الحسين بن يسير مجهول ضاع وفي نسخة الحسن كما تقدم

٢٦ الحسين بن ثوير بن ابي فاختة سعيد بن عمران مولى ام هانئ ابي طالب عليه السلام فرق نجد ذكره ابو العباس في الرجال وغيره قديم الموت له كتاب نوادر روى عنه خبير بن علي جش وفي بعض النسخ من النجاشي والخلاصة الابضاح الحسين بن ثوير بدون الباء واما في نسخ الحسين بن ثوير وكذا في النجاشي عند ذكر ثوير بن ابي فاختة

٢٧ الحسين بن ثوير الحارثي الكوفي ق ع

٢٨ الحسين بن الجهم بن بكير بن اعين من اصحاب الكاظم عليه السلام ثقة صه

٢٩ الحسين بن الجهم الوارثي ضاع والظاهر انه الوارثي فهو الآتي

٣٠ الحسين بن حبيب ق ع

٣١ الحسين بن الحسن بن ابان ازدي الكشي ولم اعلم انه روى عنه وذكر ابن نوح به انه فرانبه الصفار وسعد بن عبد الله وهو اقدم منهما لانه روى عن الحسين بن سعيد وهما لم يرويا عنه كر ع ثم قال في باب من لم ان الحسين بن الحسن بن ابان روى عن الحسين بن سعيد كتبه كلها وروى عنه ابن الوليد انتهى وذكره في باب الموثقين ولم يوثقه وذكره في باب الضعفاء عند ترجمة محمد بن اورمة ووثقه وكثيرا ينبغي العمل انه قدس سره وغيره الحديث بتصحيحها وهو ظاهر هذا الابدل على توثيقه وان شئت التفصيل فلاحظ

ترجمة احمد بن محمد بن الحسن بن الوليد

٣٢ الحسين بن الحسن بن بندار روى عن سعد بن عبد الله روى عنه الكشي لم ع

٣٣ الحسين بن الحسن الحسني الاسود فاضل يكنى ابا عبد الله راوي لم ع وذكره بعنوان الحسن

٣٤ الحسين بن الحسن الفارسي فهل كتاب روى عنه احمد ابي عبد الله ست

٣٥ الحسين بن الحسن بن محمد روى عنه محمد بن علي بن الحسين بن بابويه لم ع

٣٦ الحسين بن الحسن بن محمد بن موسى بن بابويه لم ع كان فقيها عالما روى عن خاله علي بن الحسين بن بابويه د ولم اجده في ع بهذه الصفة نعم الحسين بن الحسن بن محمد بن نعيم ع ضه كما قلناه قبل هذا

ع ضع عند ذكر اصحاب الكاظم الحسين بن الجهم بن بكير بن اعين كما تقدم

٣٧ الحسين بن حماد بن مهران العبد مولاهم كوفي ابو عبد الله ذكره في رجال الصادق له كتاب روى عنه داود بن الحصين وابراهيم بن مهزم جش له كتاب روى عنه الفاكهي بن سعيد ست

٣٨ الحسين بن حمدان الخصيبي الجنبلاني ابو عبد الله كان فاسد المذهب ليكذب جش روى عنه التلعكبري لم ع كذاب فاسد المذهب ضعيف قال لازم ما عونا لا يلتفت اليه غض

٣٩ الحسين بن خزرة اللبثي الكوفي ابن بنت ابي حمزة الثمالي

ثقة وخاله محمد بن ابي حمزة ذكره اصحابنا في كتب الرجال له كتاب يرويه
عنه ابن ابي عمير جش

٤٠ الحسين بن خالد م ج

٤١ الحسين بن خالد بن طهمان ذكرناه بعنوان الحسين بن ابي
العلاء ويحتمل اتحادهما لابعد انه هو المذكور قبل هذا

٤٢ الحسين بن خانوية ابو عبد الله النحوي سكن جبل وحدث بها
وكان فاضلا عالما بعلوم العربية واللغة والشعر كتب الي
كتابا املاه على جش

٤٣ الحسين بن داود البغوي ق ج

٤٤ الحسين بن راشد مولى بني العباس بغدادي ج ق وقد تقدم
انه الحسن

٤٥ الحسين بن رباط طفال الكندي قال نصر بن الصباح كانوا
اربعة اخوة الحسن والحسين وعلي وعبيس كلهم اصحابنا ابو عبد الله
ولهم اولاد كثيرة من هذا الحديث

٤٦ الحسين بن الرماس العبدي الكوفي اسند عنه في ج

٤٧ الحسين الرونداري الدينوري يكنى ابا عبد الله الاصل كوفي فمولى
بني بجيلة ضاج ٤٨ الحسين بن رياب ضاج

٤٩ الحسين بن الزيتوفان يكنى ابا الخزرج ذكرناه بعنوان
الحسن بن الزيتوفان

٥٠ الحسين بن زرارة اخو الحسن ق ج

٥١ الحسين بن زياد ضاج له كتاب روى عنه الوليد
بن حماد ست

٥٢ الحسين بن زيدان العكرلي نواد روى عنه احمد بن محمد
بن يحيى جش وذكره داود باعن النجاشي بعنوان الحسن ولم احد
في النجاشي الا بعنوان الحسين كما في ح

٥٣ الحسين بن زيد بن علي بن الحسين ابو عبد الله يلقب
ذا الدمعة كان الصادق عليه السلام يثني عليه ويقربه وزوجه بنت الاخيط
قم وكان يخلف الرواية له روى عنه عباد بن يعقوب
جش ق ج وذكره داود باعن النجاشي بعنوان الحسن ولعله
احد لا الحسين كما في صه

٥٤ الحسين بن زيد له كتاب روى عنه ابراهيم بن سليمان
وعسى ان يكون المتقدم ست
النهى ست

٥٥ الحسين بن سعيد بن حماد بن مهران مولى علي بن
الحسين ابو محمد الاهوازي شارك اخاه الحسن في الكتب
الثلثين مصنفه وانما كرر اسمهما الحسين اخبر بها وكان
الحسين بن بزيد السوراني في بعض الحسن شريك اخيه الحسين في
جميع رجاله الا في ذكر بن محمد الحضرمي وفضالة بن ايوب فان
الحسين كان يروي عن الجميع عنهما وخالد جعفر بن يحيى بن
سعد الاحوال من رجال الجواد ذكره سعد بن عبد الله في
كتب بني سعيد كتب حسنة معول عليها وهي ثلثون كتابا
فقد روى عنه ابو جعفر احمد بن محمد بن عيسى وابو جعفر احمد
بن محمد خالد والحسين بن الحسن بن بابان واحمد بن محمد بن
الحسن بن الوليد القمي البرقي وابو العباس احمد بن
محمد الدينوري جش ثقة صادق ري واصله كوفي وانتقل

مع اخيه الحسن الى الاهواز ثم تحول الى قزل على الحسن بن ابان و
توفى بها لثلثين كذا بما روى عنه الحسين بن الحسن بن ابان
ت ضا دى ثقة ج وما نقله النجاشى عن الحسين بن
يزيد السورانى كانه لبس بمستقيم لانا وجدنا اكثر
الاخبار بطرقه مختلفة رواية الحسين بن سعيد عن وهيب
وغيره

٥٦ الحسين بن سلمة ابو عمار الهمدانى الكوفى ق ج

٥٧ الحسين بن سليمان الكاهلى كوفى ابو عبد الله ق ج

٥٨ الحسين بن سهل بن نوح د ج

٥٩ الحسين بن سيف بن عميرة ابو عبد الله النخعى كان ابن بكير
عنه على بن الحكم جزء له كتاب روى عنه محمد بن خالد البرقى
واحمد بن محمد بن عيسى ت

٦٠ الحسين بن شاذويه ابو عبد الله الصفار وكان صحيحا
فقال الصفار كان ثقة قليل الحديث له كتاب الصلوة
والاعمال كتاب اسماء امير المؤمنين عليه السلام روى عنه
جعفر بن محمد بن حبش فى زعم القميون انه كان غاليا وراية
كتابه فى الصلوة سديد اخضر والذى اعمل عليه قول النجاشى
حيث عاله النجاشى ولم يذكر ابن الغضايرى ما يدل
على ضعفه فتامله

٦١ الحسين بن شداد بن رشيد الجعفى الكوفى اسند عنه ق ج

٦٢ الحسين بن شعيب المذابنى ضا ج

٦٣ الحسين بن شهاب بن عبد ربه ق ج

٦٤ الحسين بن صالح الجعفى ضا ج

٦٥ الحسين بن صباح ذكره دراد باعن كثير ممدوح
لم اجد له فى كتب اصلا

٦٦ الحسين بن صدقة ج

٦٧ الحسين بن طريف د ى ج

٦٨ الحسين بن عبد ربه روى الكشى عن محمد بن مسعود
قال حدثنى محمد بن نصير قال احمد بن محمد بن عيسى انه
كان وكيلا وهذا سند صحيح صه وذكره دراد باعن
الكشى بعنوان الحسن وانه كان وكيلا وبهما عندنا امر
نبه الكشى الحسين وبالجملة الذى يظهر من الكشى عند نكره
على بن الحسين بن عبد ربه وابى على بن بلال وابى
على بن راشد ان على بن الحسين بن عبد ربه وكيلا لا
الحسين بن عبد ربه فلاحظ

٦٩ الحسين بن عبد الله الارجانى فر ق ج

٧٥ الحسين بن عبد الله البجلى الكوفى مولى حر بن
عبد الله ق ج

٧١ الحسين بن عبد الله بن جعفر له مكاتبة حبش عند ذكر
اخيه محمد بن عبد الله بن جعفر

٧٢ الحسين بن عبد الله بن عبيد الله بن العباس بن عبد
المطلب نابعى روى عنه قيس بن الربيع فر ق ج

٧٣ الحسين بن عبد الملك الاودى الذى ابنه احمد بن
الحسين الثقة لم اجد فى كتب الرجال فى شانه شيئا من ج ح

ولا اعتدبل

٧٤ الحسين بن عبد الواحد الفقيرتي ج

٧٥ الحسين بن عبيد الله بن ابرهيم الغضايري ابو عبد الله شيخنا رحمه الله له كتب اجازنا جميعها وجميع رواياته عن جماعته ومات في سنة احدى عشرة واربعمائة جزء كثير السماع عارف بالرجال وله تصانيف ذكرنا ها في الفهرست بمعناه واجاز لنا جميع رواياته له ج وقد ذكرنا ها في الفهرست ليس بمستقيم لاني لم اجده في الفهرست اصلا وكذا ذكره ابن داود عن ست واعلم ان ابن الغضايري المذكور في صدر وغيره الذي له كتابان في الرجال هو احمد بن الحسين بن عبيد الله بن ابرهيم الغضايري كما يظهر من كلام سيدنا طاوس في كتاب الرجال عند نقله عن ابن الغضايري حيث قال ومن كتاب ابي الحسين احمد بن الحسين بن عبيد الله الغضايري المقصور على ذكر الضعفاء الى اخره وقال في اخر كتابه قولنا ان احمد بن الحسين على ما يظهر لي هو ابن الحسين بن عبيد الله الغضايري رحمه الله وكذا يظهر من صدر عند ذكر اسمعيل بن مهران وابي شداح

٧٦ الحسين بن عبيد الله بن حمران الهمداني المعروف بالبشكو من اصحابنا الكوفيين ثقة له كتاب روى عنه الحسن بن علي بن عبيد الله بن المغيرة حش

٧٧ الحسين بن عبيد الله السعدي ابو عبد الله بن سهل ممن طعن عليه وروى بالغلو له كتب صحيحة الحديث حش و

عده من جملة كتبه كتاب المنعة وقال اخبرنا ابو عبد الله رضي الله عنه قال حدثنا علي بن حاتم قال حدثنا احمد بن علي الغابدي عن الحسين بكتاب المنعة خاصة وروى كتبه محمد بن يحيى وقال الشيخ في الفهرست الحسين بن عبيد الله بن سهل له كتاب المنعة اخبرنا احمد بن عبدون عن الحسين بن علي بن شيبان القزويني عن علي بن حاتم وقال الرجال الحسين بن عبيد الله بن سهل روى عنه ابن حاتم له انتهى والظاهر انهما واحد

٧٨ الحسين بن عبيد الله الغضوري بالغلو دتي ج الحسين بن عبيد الله الحمداني الغضوري خرج من قم في وقت كانوا يخرجون منها من اتهموه كثير والظاهر انهما واحد وهذا غير الحسين بن عبيد الله بن سهل لانه من جملة من لم يرو عن الائمة عليهم السلام وهذا من رجال الهادي وذكر ابن داود في هذا المقام خمسة رجال الاول الحسن بن عبيد الله بن قال الحسن بن عبيد الله بن سهل له ج له كتاب المنعة انتهى والظاهر هو الذي نقلناه من النجاشي والشيخ بعنوان الحسين بن عبيد الله اولا وذكره بعنوان الحسن بن شبابه والثاني الحسن بن عبيد الله الغضوري بري بالغلو والثالث الحسين بن عبيد الله الغضوري دتي ج بري بالغلو انتهى والظاهر ان الثاني هو الاول والثالث لانه لم اجد في كتب الرجال بهذه الصفة غيرهما وهما الحسين بن عبيد الله والحسن والرابع الحسين بن عبيد الله السعدي ابو عبد الله

بن عبد الله بن سهل فتى بري بالغلو جش كر انتهى والظا
انه هو المذكور اولا وذكرنا ان الحسين والخامس الحسين بن
عبد الله المجرد روى انه اخرج من قم مع المنهبين بالغلو
انتهى وهذا هو الذى ذكره الكشى وذكرنا ان الحسين بن عبد الله
الذى من اجداد الهادى ع بالجملة الذى يخطر بالبال انهم
رجلان كما يظهر من مطالعة كتب الرجال بادى تامل

٧٩ الحسين بن عثمان الاحمسى البجلى كوفى ثقه ذكره ابو العبا
فى رجال الصادق عليه السلام كابر وراه محمد بن ابى عمير جش

٨٠ الحسين بن عثمان بن زياد الرواسى روى الكشى عن
حمدويه قال سمعت اشياخ يذكرون ان حماد او جعفر او
الحسين بنى عثمان بن زياد الرواسى وحماد بلقب بالخاء
كلهم ثقات فاضلون خيارا وقال الشيخ فى الفهرست له
كتاب روى عنه محمد بن عياش

٨١ الحسين بن عثمان بن شريك بن عدى الغاضرى ثقه
ثقه ثم ذكره اصحابنا فى رجال الصادق عليه السلام
له كتاب مختلف الرواية فيه فمنها ما رواه ابن ابى عمير جش
وذكر العلامة قدس سره فى حصره رواية عن الكشى عن
حمدويه عن اشياخه ان الحسين بن عثمان خير ثقة
انتهى والعجب ان الكشى ذكر هذه الرواية فى شان الحسين بن
عثمان بن زياد الرواسى كما نقلناه قبل هذا وقد عرفت
ان العلامة قدس سره ذكر هذه الرواية مرة فى شان
جعفر بن عثمان بن زياد الرواسى ومرة فى شان اخيه
حماد وقال الحسين اخوه وجعفر اولاد عثمان بن زياد
الرواسى فاضلون خيارا ثقات فالكشى عن حمدويه
عن اشياخه انتهى اللهم الا ان يقال انهما واحد
وهو بعيد جدا

٨٢ الحسين بن عطية ابو ثابت الدغشى اخو مالك وعلى
ق ج

٨٣ الحسين بن عطية الخياط السلمى الكوفى ق ج

٨٤ الحسين بن علوان الكلبى مولاهم كوفى عامى واخوه
الحسن يكنى ابا محمد ثقة روى عن الصادق ع ولبس للحسين
كتاب والحسن اخص بنا واولى روى الحسين عن الائمة
وهشام بن عروة والحسين كتاب يختلف روى ابانا ان روى
عنه هرون بن مسلم جش وبه ثق وان شئت الفضل
فلاحظ ترجمة اخيه الحسن وقال الكشى انه من رجال
العامة الا ان له مبلا ومودة شديدة وفضل انه
كان مسنورا ولم يكن مخالفا وقال العلامة فى حصره
قال ابن عقدة الحسن كان اوثق من اخيه واحمد عندنا جميعا

٨٥ الحسين بن على روى عن حماد بن زياد روى عنه
ابن نوح لم ر ح

٨٦ الحسين بن على ابو عبد الله المصرى متكلم ثقة سكن بغداد
وسمع من على بن فادم وابى داود الطيالسى ونظرائهم
له كتب جش وفى حصره فى موضع ثقة فقيه ولعله اشتبا
الحسين بن على بن احمد روى عنه ابن بابويه محمد بن

على لم يرج

٨٧ الحسين بن علي بن الحسن بن الحسن صاحب فخ يرج والفخ اسم موضع بمكة

٨٨ الحسين بن علي بن الحسين بن علي بن ابي طالب عم الصادق عليه السلام تابعي مئة سنة مات سنة سبع خمسين ومائة دفن بالبقيع يكنى ابا عبد الله ولد اربع وستون سنة بن قر يرج وفي ارشاد المفيد رحمه الله انه كان فاضلا ورعا

٨٩ الحسين بن علي بن الحسين بن محمد بن يوسف الوزير ابو القاسم المغربي من ولد بلاش بن بهرام جور وامه فاطمة بنت ابي عبد الله محمد بن ابرهيم بن جعفر النعماني شيخنا صاحب كتاب الغيبة له كتب جش

٩٠ الحسين بن علي بن الحسين بن موسى بن بابويه القمي ابو عبد الله ثقة روى عن ابيه اجازة له كتب روى عنه الحسين بن عبد الله جش كثير الرواية يروي عن جماعة وعن ابيه وعن اخيه محمد بن علي ثقة يرج

٩١ الحسين بن علي الخزاز القمي ابو عبد الله روى عن حمزة بن القاسم وغيره كتاب الزيارات جش

٩٢ الحسين بن علي الخوابني وهو منهم قال نصر بن الصباح ان الحسين بن علي الخوابني كان غاليا ملعونا وكان قد ادرك الرضا عليه السلام كش

٩٣ الحسين بن علي بن زكريا بن صالح بن زفر العدي

ابو سعيد البصري ضعيف جدا كذاب غال ض

٩٤ الحسين بن علي بن سفيان بن خالد بن سفيان ابو عبد الله البزوفري شيخ ثقة جليل من اصحابنا الراكب روى عنه احمد بن عبد الواحد ابو عبد الله ومحمد بن محمد بن النعمان لم يرج ولم اجد في الفهرست اصلا وذكره النجاشي فدس سترة مرة بعنوان الحسن ومرة بعنوان الحسين والظاهر انه الحسين وذكره بعنوان الحسن سهو كما يظهر من ذكرهما ولانه لم اجده في كتب الرجال اصلا

٩٥ الحسين بن علي بن محمد الخزاعي الرازي جمال الدين ابو الفتوح الرازي عالم فاضل ديّن ثقة عين واعظ مفسر له تفاسير منها التفسير المسمى بروض الجنان وروح الجنان في تفسير القرآن عشرين مجلدة

٩٦ الحسين بن علي بن يحيى الجعفي مولاهم الكوفي ابو عبد الله يرج

٩٧ الحسين بن علي بن يقطين ثقة ضا يرج

٩٨ الحسين بن عمار الكوفي يرج

٩٩ الحسين بن عمارة البرمكي الكوفي يرج

١٠٠ الحسين بن عمرو بن محمد بن شداد الازدي مولاهم كوفي يرج

١٠١ الحسين بن عمرو بن يونس يرج

١٠٢ الحسين بن عمرو بن سلمان روى احمد بن محمد بن خالد عن ابيه عنه جش

١٠٣ الحسين بن عمير بن يونس ثقة ضا يرج

١٠٤ الحسين بن عنبسة الصوفي ذكناه بعنوان الحسن بن عنبسة

٣٠ الزيارات حسن صاحبي له كتاب ذكرناها في الفوائد روى عنه الكشي والنجاشي عن عبيد الله ع

١٠٥ الحسين الغزال الكنيف يروى عن العباسي م ج

١٠٦ الحسين بن الفرج ذكرناه الحسين بن ابو علي بن الفرج

١٠٧ الحسين بن القاسم العباسي م ضاح

١٠٨ الحسين بن القاسم بن محمد بن يوب بن ثمون ابو عبد الله الكاتب وكان ابوه القاسم من جلة اصحابنا له كتاب اسما امير المؤمنين عليه السلام من القرآن وكتاب التوحيد روى عنه ابو طالب الانباري جش وروى العلاء قدس سره في صه عن ابن العضائري ان الحسين بن القاسم بن ايوب بن ثمون ضعفوه وهو عندي ثقة لكن بحسب فيمن يروي عنه وكان ابوه القاسم من وجوه الشيعة ولكن لم يرو شيئا وذكره في البابين

١٠٩ الحسين بن نباتا واقفي م ج وفي كش روايتان في ذم احدهما صحيحة

١١٠ الحسين بن كثير الغلابي الكوفي ق ج

١١١ الحسين بن كثير الكاتب الجعفري الخزاز الكوفي اسند عنه ق ج

١١٢ الحسين بن كيسان واقفي م ج

١١٣ الحسين بن ماذويه الصفار له كتاب سه

١١٤ الحسين بن مالك الفقعسي ثقة ق ج وكذا في باب الوصايا وفي باب الرجوع من النكاح من التهذيب وفي ذ وامامي في صه الحسن بن مالك والعلم اشتباه

١١٥ الحسين بن المبارك له كتاب روى احمد بن محمد بن خالد عن ابيه عنه جش

١١٦ الحسين بن محمد بن ابي طلحة ضاح

١١٧ الحسين بن محمد الاشناني الرازي ابو عبد الله العدل كذا وصفه ابن بابويه في اخبار عيون الرضا م

١١٨ الحسين بن محمد بن جعفر الحالع ابو عبد الله الشاعر الاديب له كتب جش

١١٩ الحسين بن محمد بن حمدويه ج

١٢٠ الحسين بن محمد بن سليمان له كتاب روى احمد بن ابي عبد الله عن ابيه عنه ست

الحسين بن محمد بن عامر المذكور في الاسانيد هو الحسين بن محمد بن عمران الاشعري الثقة كما يظهر من النجاشي عند ترجمة عبد الله بن عامر بن عمران

١٢٢ الحسين بن محمد بن علي الازدي ابو عبد الله ثقة من اصحابنا كوفي كان الغالب عليه علم السير والآداب والشعر له كتب روى عنه المبرد بن محمد بن المبرد جش

١٢٢ الحسين بن محمد بن عمران بن ابي بكر الاشعري النهمي ابو عبد الله ثقة له كتاب نوادر روى عنه محمد بن يعقوب جش

١٢٣ الحسين بن محمد بن عمران كوفي ق ج

١٢٤ الحسين بن محمد بن الفرزدق بن بحر بن رزاق الرازي ابو عبد الله المعروف بالقطوكان جميع الخزن ثقة له كتب روى عنه محمد بن جعفر الفقيه جش والقطو بضم القاف واسكان الطاء وكل من قطع بموت الكاظم عليه السلام كان قطحا وانقل عن فخر المحققين ولد العلامة قدس سره ان

الفطحي بفتح الفاء لاضره وانما هو من جهول العلم وقال
الشيخ في الرجال كوفي روى عنه الكليني ثم

١٢٥ الحسين بن محمد بن الفضل ذكرناه بعنوان الحسن بن
محمد بن الفضل

١٢٦ الحسين بن محمد المدايني ثقة ج

١٢٧ الحسين بن خارق واقفي ثم ج له كتاب النفسير
كتاب جامع للعلم روى احمد بن الحسين بن سعيد عن ابيه
عنه ست وفي بعض النسخ من الرجال والخلاصة الحصين بن
خارق كما سبجيء

١٢٨ الحسين بن الخضار ابو عبد الله الفلاني كوفي وهو
اخس من بجيل واخوه الحسن يكنى ابا محمد ذكرا فيروى
عن الصادق والكاظم له كتاب يروى عنه حماد بن
عيسى وغيره حبس واقفي له كتاب ثم ج وذكر العلامة
في صه بعد ذكره انه واقفي راويا عن ابن بحنده
علي بن الحسن انه ثقة ثم قال والاعتماد عندي على
الاول وقال المفيد رحمه الله في ارشاده في فصل
ممن روى النص على الرضا انه من خاصة الكاظم
وثقاته واهل الورع والعلم والفقه من شيعته وممن
روى النص على الرضا وذكره ره في البابين

١٢٩ الحسين بن مخلد بن الناس خوارزمي ثم له كتاب روى
احمد بن ابي عبد الله عن ابيه عنه ست

١٣٠ الحسين بن مكان لا اعرفه الا ان جعفر بن محمد
بن مالك روى عنه احاديث فاسدة وما عندنا
من هذا الرجل علم غض

١٣١ الحسين بن مسلم ثم ج

١٣٢ الحسين بن مصعب الهمداني كوفي فطحي ثم ج له كتاب روى
عنه محمد بن زياد ست

١٣٣ الحسين بن معاذ بن مسلم الانصاري الحراء الكوفي ثم ج

١٣٤ الحسين بن المبدد كوفي ثم ج

١٣٥ الحسين بن المنذر بن ابي ظريفة البجلي الكوفي ثم
ج روى الكشي عن حمدويه عن محمد بن الحسين بن
ابي الخطاب عن محمد بن سنان عن الحسين بن المنذر
قال كنت عند الصادق جالسا فقال لي معتب
خفف عن الصادق فقال له الصادق دعه فانه
من قراخ الشيعة وقال النجاشي عند ذكر محمد بن
علي بن النعمان مالا بن ابي ظريفة انه من فطحي

١٣٦ الحسين بن منصور الحلاج من المذمومين ذكره
الشيخ انا صبصته في الفائدة الثامنة

١٣٧ الحسين بن موسى بن سالم الخياط ابو عبد الله كوفي
بني اسد ثم بني نالبة ثقة وعد ابيه عن ثم له كتاب روى
عنه ابن ابي عمير حبس الحسين بن موسى الاسدي الخياط
ثم ج ثم قال الحسين بن موسى واقفي ثم انتهى وينبغي
ان يكون متحدا مع الاسكاف ومع الهمداني الاتي

١٣٨ الحسين بن موسى الهمداني كوفي فطحي ثم ج

١٣٩ الحسين بن موفق الذي ذكره وذكرناه بعنوان
الحسن بن موفق

١٤٥٠ الحسين بن مهران بن ابي نصر الكوفي ضاد وكان
واقفيا وله مسائل روى عنه عبد الله بن احمد
بن نهيك جش كان واقفيا ضعيفا قليل المعرفة بالرجال
ضعيف الفهم له كتاب عن موسى لا اعتمد عليه
وذكر الكشي ما يدل على ضعفه وذمه

١٤١ الحسين بن مهران الكوفي ق تخ ويحتمل ان يكون
المتقدم وان يكون اخا صفوان

١٤٢ الحسين بن مباح ضعيف غال عض

١٤٣ الحسين بن ناجية الاسدي مولى كوفي ق تخ

١٤٤ الحسين بن نعيم يروي عن العياشي لو تخ

١٤٥ الحسين بن نعيم الصحاف مولى بني اسد ثقة واخوه
علي ومحمد رووا عن الصادق عليه السلام له كتاب ويروي
عنه ابن ابي عمير جش ق تخ

١٤٦ الحسين بن نوف النائطي تخ

١٤٧ الحسين بن هاشم بن حيان ذكرناه بعنوان الحسين
بن ابي سعيد

١٤٨ الحسين بن الهذيل له روايات روى عنه عبد الله
بن احمد بن نهيك ست

١٤٩ الحسين بن يحيى الكوفي + يلقب النوفلي صاحب الحبر بن
يزيد بن محمد بن عبد الملك النوفلي نوفل النخع مولاهم
كوفي ابو عبد الله كان شاعرا اديبا وقال قوم من
الفهمين انه غلا في اخر عمره وما رايت له رواية يدل على

هذا له كتاب الغيبة وكتاب السنة روى عنه ابو هيثم بن
هاشم جش له كتاب روى عنه احمد بن ابي عبد الله
ست وذكره د في الباءين

١ الحسين بن جندب يكنى ابا ظبيان كوفي تخ

٢ الحسين بن الحارث بن عبد المطلب تي تخ

٣ الحسين بن حذيفة العبسي الكوفي ق تخ

٤ الحسين بن الزيال الجعفي الكوفي ق تخ

٥ الحسين بن زياد الحفري مولاهم كوفي ق تخ

٦ الحسين بن عامر ابو الهيثم الكوفي ق تخ

٧ الحسين بن عبد الرحمن السلمي تخ

٨ الحسين بن عمرو الهمداني بن تخ

٩ الحسين بن المنذر يكنى ابا سلمان الرقاشي
صاحب راية علي تي تخ وروى الكشي عن محمد بن
اسمعيل عن الفضل بن شاذان عن ابن ابي عمير عن
ابو هيثم بن عبد الحميد عن ابي بصير قال قلت لابي
عبد الله ع ارتد الناس الا ثلثة ابو ذر والمقداد
وسلمان فقال ابو عبد الله عليه السلام فابن
ابو سنان وابو عمرة الانصاري ثم روى بطريق
صحيح مثله ثم روى بطريق فيه ابو بكر الحضرمي مثله

الحصين بن عبد الرحمن بن ابي الحصين ١٥٠ + الجبل ظ تخ

الحصين بن الحارث بن عبد الرحمن بن وثاب
بن جشيش بن جنادة ابو جنادة السلولي وجشيش صحابي
رسول الله روى عنه ثلثة احاديث احدها على

الحصين
ذكره بضم الحاء وفتح الصاد والمهملتين وفتح الصاد والمثلثة وفي ع بالحاء المفتوحة والصاد والمهملة المضمومة ١٢ منه

حي وانا منه وقيل في الحضين بعض القول وضعفه بعضهم
الضعفاء له كتاب روى عنه الحسين بن سعيد بن
عثمان الفرخ حبش وافقه ق م ج قال ابن الغضائري
انه ضعيف جدا

١ حطان بن خفاف ابو جويرة الجرمي ن ج

١ حفص بن ابي اسحق الهذباني ق ج

٢ حفص بن الابيض الثمار الكوفي ق ج

٣ حفص بن ابي عائشة النقري الكوفي ق ج

٤ حفص بن ابي عيسى الكوفي ق ج

٥ حفص الاعور الكوفي فر ق ج

٦ حفص بن البختري مولى بغدادي اصله كوفي ثقة ق
م ذكره ابو العباس وانما كان بينه وبين البختري سوء
تغير واعلبه بلعب الشطرنج له كتاب يروي عنه جماعة
منهم محمد بن ابي عمير حبش ق م ج وذكره د في الباب بين

٧ حفص بن جبيب الكوفي ق ج

٨ حفص بن حميد الكوفي ق ج

٩ حفص بن خالد بن جابر البصري ق ج

١٠ حفص بن سابور وثقه الكجاتي عند ذكر حمزة بن اليسع

١١ حفص بن سالم ابو ولاد الحناط قال ابن فضال
حفص بن يونس مخزومي ثقة لا باس به وقيل انه من
موالي جعفي ذكره ابو العباس له كتاب يرويه الحسن بن
محبوب حبش ثم قال في باب العين عمرو بن سالم

اخوه حفص ثقتان وقال الشيخ في الفهرست ثقة كوفي
وقال العلامة في صه داود عن ابن عقده ان حفص بن
سالم خرج مع زيد بن علي وظهر من الصادق ع
تصويبه لذلك وقال الشيخ في الرجال حفص بن سالم
ابو ولاد الحناط ق ثم قال حفص بن يونس ابو ولاد
الحناط وينظهر من كلام النجاشي انهما واحد

١٢ حفص بن سالم الثمالي الكوفي ابو علي ق ج

١٣ حفص بن سالم صاحب السابري الكوفي ق ج

١٤ حفص بن سليم العبدي الكوفي اسند عنه ق ج

١٥ حفص بن سليمان ابو عمرو الاسدي الغاضري
القمي ق ج ثم قال حفص بن سليمان م

١٦ حفص بن سوقة العمري مولى عمرو بن حريث المخزومي
ق م ذكره ابو العباس بن نوح في رجالها اخو الثقة
زياد ومحمد ابنا سوقة اكثر منه رواية عن الباقر و
الصادق عليهما السلام ثقات له كتاب روى عنه
محمد بن ابي عمير حبش وذكره د مهملا والوجه غير ظاهر

١٧ حفص بن عاصم ابو عاصم السلمي المدني ثقة له كتاب
رواه محمد بن علي الصيرفي ابو سمينة حبش

١٨ حفص بن عبد ربه الكناسي الكوفي ق ج

١٩ حفص بن عبد الرحمن الكلبي ابو سعيد الكوفي ق ج

٢٠ حفص بن عبد الرحمن الازدي الكوفي ق ج

٢١ حفص بن عبد العزيز الكوفي ق ج

٢٢ حفص بن العلا الكوفي ثقة له كتاب يروي عنه محمد بن ابي عمير حش

٢٣ حفص بن عمرو بن بيان الثعلبي الكوفي اسند عنه ق

٢٤ حفص بن عمرو العمي المعروف ويدعى الحفص بالجاء وله نصه في ذلك كر ج وقال الكشي حفص بن عمرو كان وكيل ابي محمد عليه السلام واما ابو جعفر محمد بن حفص بن عمرو فهو ابن العمي وكان وكيل الناحية كان الامر يرد وعليه

٢٥ حفص بن عمرو بن مهون الابلي ق ج

٢٦ حفص بن عمرو النخعي ق ج

٢٧ حفص بن عمر الكوفي ق ج

٢٨ حفص بن عمران الفراء ابو عمر الازدي الكوفي اسند عنه ق ج

٢٩ حفص بن عيسى الاعور ق ج

٣٠ حفص بن عيسى الخفي ق ج

٣١ حفص بن غياث بن طلق كوفي ق وولي القضاء ببغداد ثم بمصر ثم ولاه قضاء الكوفة وله كتاب روى عنه ابنه عمر بن حفص غ ما ذهب له كتاب معتمد روى عنه ابنه محمد بن حفص ست حفص بن غياث ابو عمرو عامي قر ق ج ثم قال حفص بن غياث القاضي روى ابن الوليد عن محمد بن حفص عن اسمعيل

٣٢ حفص بن القاسم الكوفي ق ج

٣٣ حفص بن قرط الاعور كوفي ق ج

٣٤ حفص المؤذن ق ج وظهر من الكشي انه ابن محمد ويكنى ابا محمد وانه مؤذن علي بن بطبن بدوي عن علي بن بطبن وروى عنه الحسن بن علي بن بطبن وفي بعض النسخ مؤدب ابن علي بن بطبن

٣٥ حفص بن مسلم البجلي مولى كوفي ق ج

٣٦ حفص بن مهون قال الكشي حدثني حمدويه بن نصير قال حدثنا ايوب بن نوح عن صفوان بن يحيى عن ابي الصادق عليه السلام قال اني لانفس على اجنادي اصبحت معه يعني ابا الخطاب الثاد ثم ذكر ابن الاشيم فقال يا بني ينبغي ان يدخل علي هو وصاحبه وحفص بن مهون وديسا لوني فاخبرهم بالحق ثم يخرجون من عندي الى ابي الخطاب فيخبرهم بخلاف قولي فيأخذون بقوله ويدعون قولي وروى العلامة قدس سره هذه الرواية عن الكشي الا انه سقط من القلم في الخرطوم الاول

٣٧ حفص بن نسيب ق ج

٣٨ حفص بن النعمان الكوفي ق ج

٣٩ حفص بن وهب الاعرج ق ج

٤٠ حفص بن هشام الاعور ق ج

٤١ حفص بن يونس ذكرناه بعنوان حفص بن سالم

١ الحكم بن ابي العاص الثقفي ق ج

٢ الحكم الاعمى له اصل روى عنه الحسن بن محبوب ست

والد الحكم بن مسكين الآتي

٣ الحكم بن ابمن له اصل روى عنه ابن ابي عمير ست الخياط مولى قريش ابو علي جد فهاد العنبري وهو احمد بن علي بن الحكم روى عن الصادق والكاظم عليهما السلام له كتاب جش

٤ الحكم بن ابو يب ق ج

٥ الحكم بن بشار قال لا اشتهي صدقه ولم احمد غيرهما ثم ذكر الكشي ان حكم بن بشار قال لا اشتهي كما في صدقه في باب الهبة وفي رجال الشيخ ايضا حكم بن بشار

٦ الحكم بن الحرث السلمي ل ج

٧ الحكم بن حزام ابو خالد عم الزبير بن العوام ل ج

٨ الحكم بن حزن الكلبي ل ج

٩ الحكم بن حكيم ابو خلاد الصيرفي كوفي مولى ثقفي ذكر ذلك ابو العباس في كتاب الرجال له كتاب يرويه عنه صفوان بن يحيى وابن ابي عمير جش وفي ج ثم في ج الحكم بن الحكم الصيرفي الاسدي مولاهم كوفي والظاهر انهما واحد

١٠ الحكم بن زياد وبقال زيادة الكوفي ق ج

١١ الحكم بن سعد الاسدي الناشري عربي قليل الحديث وهو اخو مشمعل كثير رواية منه وشارك الحكم اخاه مشمعلا في كتاب الديات روى عنهما العباس بن هشام جش

١٢ الحكم بن سعيد الاموي ل ج

١٣ الحكم بن سفيان الثقفي ل ج

١٤ الحكم بن شعيب الاموي ق ج

١٥ الحكم بن الصلت الثقفي كوفي في ق ج

١٦ الحكم بن عبد الرحمن بن ابي نعيم قرق ج خ روى ابن عقده عن الفضل بن يوسف قال الحكم بن عبد الرحمن حيا ثقة ثقة وهذا الحديث عندنا لا اعتماد في التعديل لكنه مرجح صحة الحكم بن عبد الرحمن الاعور الكوفي ق

١٧ الحكم بن عتيبا ابو محمد الكندي مولى زيدي بتري ق بن فرق ج وقال الكشي حدثني ابو الحسن وابو اسحق حمدويه وابو هيم ابنا نصير قالا حدثنا الحسن بن موسى الخشاب الكوفي عن جعفر بن محمد بن حكيم عن ابو هيم بن عبد الحميد عن عيسى بن ابي منصور وابي اسامة يعقوب الاحمر قالوا كنا جلوسا عند الصادق عليه السلام فدخل زرارة بن اعين فقال ان الحكم بن عتيبا روى عن ابيك انه قال له يصلي المغرب دون المزدلفة فقال له الصادق عليه السلام بأيمان ثلثة ما قال ابي هذا نطفة الحكم بن عتيبا على ابي وحكى عن علي بن الحسن بن فضال انه قال كان الحكم من فقهاء العامة وكان استاذ زرارة وحمران والطيار قبل ان يروا هذا الامر وقبل كان مرجيا

١٨

١٩ الحكم بن عمرو الجاني كوفي ق ج

٢٠ الحكم بن عمرو الغفاري ل ج

٢١ الحكم بن عبد ق ج

٢٢ الحكم بن عبد الحمد ابو مولى كوفي يكنى ابا الصباح ق ج

٢٣ الحكم بن عبص ذكره العلامة فقد سبقه في صدر وقال روى الكشي عن محمد بن الحسن الرازي عن اسمعيل بن محمد بن موسى بن سلام عن الحكم بن عبص ابن خالد سليمان بن خالد قال لابي عبد الله انه يعرف هذا الامر انتهى ولم اجد في كتب الرجال عن ما خصوصا في الكشي من هذا الاسم ثم رأيتهم وجدنا في الكشي عند ذكر الواقفة هكذا محمد بن الحسن الرازي قال حدثنا ابو علي الفارسي قال حدثنا عبد الله بن محمد الكوفي عن الحكم بن مسكين قال وحدثنا اسمعيل بن محمد بن سلام عن الحكم بن عبص قال دخلت مع خالي سليمان بن خالد على ابي عبد الله الى اخره وكان العلامة نظر الى هذه الرواية فذكر ما حكيناه عنه والظاهر ان عبص غلط والصواب عن عبد الله بن خالد الطريفان الى الحكم بن مسكين ويؤيده ما سيجيء عن الكشي عند ترجمة عبص بن القاسم

٢٤ الحكم الفقيه كوفي قليل الحديث له كتاب يرويه ابو القاسم عبد الرحمن بن ابي هاشم جش

٢٥ الحكم بن المختار بن ابي عبيد كنيته ابو محمد ثقة قر ق ج

٢٦ الحكم بن مسكين ابو محمد كوفي مولى ثقيف المكفوف ذكره ابو العباس له كتب روى عنه الحسن بن موسى الخشاب جش وبظهر من مشيخة الفقيه ان كنية الحكم بن مسكين ابو عبد الله

٢٧ الحكم بن هشام بن الحكم ابو محمد مولى كندة سكن البصرة وكان مشهورا بالكلام وكلم الناس وحكى عنه مجالس كثيرة ذكر بعض اصحابنا رحمه الله انه راى له كتابا في الامامة جش

١ حكيم بن جبلة ق ج

٢ حكيم بن جبير بن مطعم بن ق ج

٣ حكيم بن حكيم بن عباد بن حنيف الانصاري بن قرن ج

٤ حكيم بن سعد الخثعمي وكان من شرطة الخميس يكنى ابا يحيى ق ج وفي اخر الباب الاول من رضه الله من اولياء امير المؤمنين عليه السلام

٥ حكيم بن ابو صهيب الصغير قر ج

٦ حكيم بن معوية قر ج

١ حلاش بن عمرو الهجري ق ستين ج

حماد بن ابي حميد الهمداني المرصي مولى كوفي ق ج

حماد بن ابي حنيفة النعمان بن ثابت التيمي الكوفي ق ج

حماد بن ابي زياد الشيباني الكوفي ق ج

٤ حماد بن ابي سليمان الاشعري مولى ابي موسى ابو اسمعيل ق ج

٥ حماد بن ابي طلحة بياع السابري كوفي ثقة له كتاب يرويه عنه جماعة منهم احمد بن محمد بن خالد جش

٦ حماد بن ابي الفطار والطائي كوفي يكنى ابا المنذر ق تج

٧ حماد بن ابي المثنى الكوفي ق تج

٨ حماد بن اسحم التيمي الكوفي ق تج

٩ حماد بن بشر اللحام ق تج

١٠ حماد بن بشير الكوفي ق تج

١١ حماد بن ثابت الكوفي الانصاري ق تج

١٢ حماد بن حبيب الكوفي ابو سليمان الازدي ق تج

١٣ حماد بن حكيم كوفي ق تج

١٤ حماد بن خليفة ابو سليمان الكوفي ق تج

١٥ حماد بن راشد الازدي البزار ابو العلاء الكوفي اسند عنه ق تج

١٦ حماد بن زيد البصري ابو اسمعيل الازدي ق تج

١٧ حماد بن سليمان الكوفي ق تج

١٨ حماد السمندري روى الكشي حديثا في طرفه شريف بن سابق التفليسي يدل على مدحه وقال الشيخ في الرجال حماد بن عبد العزيز السمندي الكوفي ق ونقل عن رجال الشيخ السمندي ولم اجد في النسخ التي عندنا الا السمند وقال النجاشي عند ذكر الفضل بن ابي قرة ان السمند بلد من اذربايجان

١٩ حماد بن سويد العامري مولى كوفي ق تج

٢٠ حماد بن سيار الجوالبي الكوفي ق تج

٢١ حماد بن شعيب ابو شعيب الحماني الكوفي ق تج وروى العلامة قدس سره عن ابن عقدة عن محمد بن عبد الله بن ابي حكيم عن ابن نمير انه صدوق

٢٢ حماد بن صالح الازدي البارقي الكوفي يلقب بابي تراب ق تج

٢٣ حماد بن ضمحم الكوفي روى عنه وهيب بن حفص كان شيخا ق تج وفي نسخة ضمخ بالمعجمتين وفي اخرى بالمهملة

٢٤ حماد بن عبد الرحمن الانصاري الكوفي روى عن عبد الله بن حكيم ق تج

٢٥ حماد بن عبد العزيز السمندي ذكرناه بعنوان حماد السمندي

٢٦ حماد بن عبد العزيز الهلالي الكوفي ق تج

٢٧ حماد بن عبد الكريم الجلاب الكوفي ق تج

٢٨ حماد بن عبد الله المصيصي ق تج

٢٩ حماد بن عتاب البكري الكوفي ق تج

٣٠ حماد بن عثمان بن عمرو بن خالد الفزاري مولاهم كوفي كان لبكر عز فنسب اليها واخوه عبد الله ثقتان روياعن الصادق عليه السلام وروى حماد عن الرضا عليه السلام ومات بالكوفة في سنة نيف وماتين وذكرهما ابو العباس في كتابه لكن قال عنه محمد بن الوليد جش

٣١ حماد بن عثمان الثاب ثقة جليل القدر له كتاب روى
عنه محمد بن الوليد الخراز وابن ابي عمير والحسن بن علي
الوشا والحسن بن علي بن فضال ست في ثم ضاج
قال حمدويه سمعت اشياخي يذكرون ان حماد او
جعفرا والحسين بني عثمان بن زياد الرؤاسي وحماد
يلقب بالثاب كلهم ثقات فاضلون خيار كش ثم
قال اجمعت العصابة على تصحيح ما يصح عنه وافروا له
بالفقه وذكر في شانه انه كان يسكن عزيم فنسب اليها
هو واخوه عبد الله ثقتان روبا عن الصادق ع و
الظاهر ان هذه العباره مذكوره في شان حماد بن عثمان
بن عمرو الفزاري الذي بعده كما في النجاشي والخلاصة
لانه هو عزيمي واخوه عبد الله واما حماد الناب
فاخوه الحسين وجعفر كما يظهر من ذكرهما في كتب الرجال

٣٢ حماد بن عمرو الصيقل ق ج

٣٣ حماد بن عيسى ابو محمد الجهني مولى وقيل عربي
اصله الكوفه وسكن البصره وقيل انه روى عن
الصادق ع عشرين حديثا وكان ثقة في حديثه
صدوقا وقال سمعت عن الصادق ع سبعين حديثا ثم
ازل دخل الشك على نفسي حتى اقتصرت على هذا
العشرين ولم حديث مع الكاظم ع في دعائه بالحج له كتاب
روى عنه محمد بن اسمعيل الزعفراني جش ثقة له كتاب
روى احمد بن ابي عبد الله عن ابيه عنه وعبد
الرحمن بن ابي نجران وعلي بن حديد واسمعيل بن مهران
عنه ست بقي الى زمن الرضا ذهب بالسبل في طريق
المكه بالجحفه بصري ثقة ق م ج قال حمدويه قال
العبيدي عن حماد بن عيسى قال دخلت على الكاظم فقلت
له جعلت فداك ادع الله لي ان يرزقني دارا وزوجه
وولدا وخادما والحج في كل سنه فقال اللهم صل على
محمد وال محمد وارزقه دارا وولدا وزوجه والحج خمسين
سنه قال حماد فلما اشرط خمسين سنه علمت اني
لا احج اكثر من خمسين سنه قال حماد وحججت ثمان و
اربعين سنه وهذه داري قد رزقنيها وهذه
زوجتي وراء الستر ونعم كلابي وهذا ابني وهذا
خادمي قد رزقت كل ذلك فحج بعد هذا الكلام
حجتين تمام الخمسين ثم خرج بعد الخمسين حاجا
فزامل ابا العباس النوفلي القصير فلما صاروا في موضع
الاحرام دخل ليغتسل فجاء الوادي فحمله فغرقه الماء
وحمله كش تصحيح العصابة على تصحيح ما يصح عنه وافروا
له بالفقه انتهى وروى عنه الحسين بن سعيد وابراهيم
بن هاشم وروى عن معوية بن عمار كما يظهر من التهذيب
وغيره

٣٤ حماد بن مروان البكري الكوفي ق ج

٣٥ حماد بن المغيره ق ج

٣٦ حماد بن ميمون بن الشاب الكوفي ق ج

٣٧ حماد بن النعمان ذكرناه بعنوان حماد بن ابي حنيفه

٣٨ حماد النوا الكوفي ق ج

٣٩ حماد بن واصل البكري الكوفي ق ج

٤٠ حماد بن واقد البصري الصفار ق ج

٤١ حماد بن هرون الباذي الكوفي ق ج

٤٢ حماد بن يحيى الجعفي كوفي ق ج

٤٣ حماد بن يزيد عامي ق ج

٤٤ حماد بن البيع الكوفي ق ج نعلي السعدالثالث ق ج

٤٥ حماد بن ٤

٤٦ حماد بن يونس ق ج

١ حمل بن حمدا الكوفي ق ج

١ حمدان بن ابرهيم الاهوازي كوفي ضا ج

٢ حمدان بن احمد محمد بسيجي بعنوان محمد بن احمد بن حمدان

٣ حمدان بن اسحق الخراساني له كتاب علل الوضوء وكتاب النوادر جش

٤ حمدان بن سليمان ابو سعيد النيشابوري ثقه من وجوه اصحابنا ذكر ذلك ابو عبد الله احمد بن عبد الواحد روى علي بن محمد بن سعد القزويني واحمد بن محمد بن يحيى عن ابيه عنه كتابه جش حمدان بن سليمان بن عبيد النيشابوري المعروف بالتاجردي كر ج وذكره في باب من اسمه

٥ حمدان الفلاني الذي بسيجي بعنوان محمد بن احمد بن حمدان

٦ حمدان بن المعافا ابو جعفر الصيمري من مضر صبيح ٦ جعفر بن محمد ٦ م ضا وروى عنه سعد بن سعد عنه

لكابان روى عنه محمد بن علي بن معمر فالابن نوح مات حمدان سنة خمس وسبعين ومائتين وحماد دخل اصحاب العلوي البصري فسنة ٧ واخرتوها وقال ابن معمر ان الكاظم والرضا عليهما السلام دعوا لحبش

٧ حمدان بن الهلب الغزلي كتاب برويه ابن ابي جيش

١ حمدويه بن نصير بن شاهي يسمع يعقوب بن يزيد روى عن العياشي يكنى ابا الحسن عديم النظير في زمانه كثير العلم والرواية ثقة حسن المذهب لم ج

١ حمران بن اعين قال الكشي قال حمدويه قال احمد بن محمد بن عيسى عن ابن ابي عمير عن هشام بن الحكم عن حمران بن زايده عن حمران بن اعين قال قلت لابي جعفر اني اعطيت الله عهدا لا اخرج عن المدينة حتى تخبرني عما اسئلك قال نعم قال قلت من سنعلمكم انا قال نعم في الدنيا والاخرة ثم قال الكشي قال محمد قال احمد بن محمد بن عيسى عن زياد القند عن الصادق انه قال في حمران انه رجل من اهل الجنة ثم قال الكشي قال محمد بن شاذان قال الفضل بن شاذان قال روى عن ابن ابي عمير عن عدة من اصحابنا عن الصادق عليه السلام قال كان يقول حمران بن اعين مؤمن لا يرتد والله ابدا ثم روى بطريق صحيح انه من حواري محمد بن علي وجعفر بن محمد م وقال الشيخ في الرجال الكبير ابا الحسن نابغي قرن

١ حمزة بن احمد تم ج

٢ حمزة بن بزيع روى اصحابنا عن الفضل بن كثير عن علي
بن عبد الغفار المكفوف عن الحسن بن الحسين بن صالح
الخثعمي قال ذكر بن بدي ارضاء حمزة بن بزيع فترحم
عليه فضل له كان يقول بموتي فترحم عليه مساءة
ثم قال من محمد حتى كمن محمد حوانا في لبس من صالحي هذه
الطائفة وثقاتهم كثير العمل صه وكانه اخذ التوثيق
من كلام النجاشي عند ذكر محمد بن اسمعيل بن بزيع
حيث قال محمد بن اسمعيل بن بزيع ابو جعفر مولى
المنصور ابي جعفر وولد بزيع بنت منهم حمزة بن بزيع
كان من صالحي هذه الطائفة وثقاتهم كثير العمل لركب
انتهى وفي اخذ التوثيق من هذه العبارة نظر وذكر ابن
داود هذه العبارة في شان محمد بن اسمعيل بن بزيع و
لعله الصواب

٣ حمزة بن حبيب ابو عمارة التيمي مولاهم المقرى الكوفي ق تم ج

٤ حمزة بن حمران بن اعين الشيباني الكوفي ق واخواه
عقبة بن حمران روى عنه كتاب روى عنه صفوان
بن يحيى جش له كتاب روى عن ابن حمران عدة قرق تم ج

٥ حمزة بن ربعي بن عبد الله بن الجارود الهذلي البصري ق تم ج

٦ حمزة بن زياد البكائي مولاهم الكوفي ابو الحسن ق تم ج

٧ حمزة بن الطيار قال الكشي قال حمدويه وابراهيم ولا
حدثنا محمد بن عيسى عن يونس عن ابي جعفر الاحول
عن الصادق عليه السلام قال ما فعل ابن الطيار فقلت
توفي فقال رحمه الله ادخل الله عليه الرحمة والنور
فانه كان يخاصم عنا اهل البيت ثم قال الكشي قال حمدويه
وابراهيم قالا حدثنا محمد بن عيسى عن ابن ابي عمير عن
هشام بن الحكم قال لي الصادق م ما فعل ابن الطيار
قلت مات قال رحمه الله ولقاه نضرة وسرورا وقد
كان شديد الخصومة عنا اهل البيت وذكره العلامة
قدس سره في رجاله بعنوان حمزة بن الطيار وذكره ابن
داود بعنوان حمزة الطيار وقال بعض اصحابنا اثبته
حمزة بن الطيار وهو التباس والظاهر ان في كتب الرجال
حمزة بن محمد الطيار فظنه صفة ابيه وهو له انتهى والظ
انه اخذه من الكشي كما نقلناه عن الصادق حيث قال
ما فعل ابن الطيار في الحديث بصري انه ابن الطيار لان
الطيار لصقه لزمه نا في هذا كلامه الذي سيجيء في باب اللام
حيث قال محمد بن عبد الله الطيار الى آخره كما ذكره الشيخ في
الرجال وكذا يظهر من كلام الكشي الذي سننقله في باب
ترجمة محمد الطيار على ما ذكرنا في قوله التباس التباس

٨ حمزة بن عبادة الكوفي ق ج

٩ حمزة بن عبد الله العنوي الكوفي ق تم ج

١٠ حمزة بن عبد المطلب بن هاشم بن عبد مناف رضي الله
ابو عماره وقيل ابو يعلى رحمه الله رضيع رسول الله صلى الله
ارضعتهما ثويبة امراة ابي لهب قتل شهيدا باحد رضي الله

١١ حمزة بن عبد الله بن الحسين بن علي بن ابي طالب عليه السلام المكي ن ج

١٢ حمزة بن عطاء الكوفي اسند عنه قر ن ج

١٣ حمزة بن عمارة البربري روى الكشي عن سعد قال حدثني احمد بن محمد عن ابيه والحسين بن سعيد عن ابن ابي عمير حدثني محمد بن عبيو عن يونس ومحمد بن ابي عمير عن حماد بن عثمان اذينة عن اذينة عن بريد بن معوية العجلي قال كان حمزة بن عمارة البربري لعنه الله يقول لاصحابنا انا يا جعفر يا بني في كل ليلة ولا يزال انسان منا انه فقد اباه فقد دلى اني لقيت يا جعفر محمدا بما يقول حمزة فقال كذب عليه لعنه الله ما بعد الشيطان ان يمثل في صورة بني ولا وصي نبي ثم ذكر الكشي في ذمه روايات كثيرة

١٤ حمزة بن عمارة الجعفي مولاهم الكوفي ن ج

١٥ حمزة بن عمرو الانصاري ل ج

١٦ حمزة بن عمران بن مسلم الجعفي مولاهم كوفي ن ج

١٧ حمزة بن القاسم بن علي بن حمزة بن الحسن بن عبيد الله بن العباس بن علي بن ابي طالب عليه السلام ابو يعلى ثقة جليل القدر من اصحابنا اكثر الحديث لقي ابا الحسن عليه السلام عنه علي بن محمد القاساني حبشي وكذا ذكره العلامة في صه الا انه سقط من القلم اسم علي بحيث قال للعباس بن علي بن ابي طالب وقال الشيخ في الرجال حمزة بن القاسم العلوي العباسي روى عن سعد بن عبد الله روى عنه النطنزي اجازة لم تثم منه حمزة بن القاسم يكنى ابا عمرو هاشمي عباسي روى عنه النطنزي لم والظاهر انهما واحد

حمزة بن محمد كر ج ١٨

حمزة بن محمد الطيار ذكرناه بعنوان حمزة بن الطيار ١٩

حمزة بن محمد العزومي العلوي روى عن علي بن ابرهيم ونظرائه روى عنه محمد بن علي بن الحسين بن بابويه في مشيخته عند ذكره رحمه الله ٢٠

حمزة بن النضر الكوفي ن ج ٢١

حمزة بن اليسع القمي ن م ج ٢٢

حمزة بن يعلى الاشعري ابو يعلى القمي ضا ذ ثقة وجه له كتاب روى عنه الصفار جش ٢٣

حميد بن الاسود ابو الاسود البصري ن ج ١

حميد بن حماد بن حوار النهمي الكوفي روى ابن عقده عن محمد بن عبد الله بن ابي حكيم عن ابن عمه انه ثقة صه ٢

حميد بن زياد ابو غسان الدهلي له كتاب الرد على الواقفة روى عنه عبيس بن هشام جش ٣

حميد بن الربيع له كتاب البحث والنهز رواه احمد بن محمد بن عمر الاحمسي ست ٤

حميد بن زياد بن حماد ابو القاسم كوفي سكن سوراء وانتقل الى قرية بنقوة على العلقمي الى جنب الحاير على صاحبه ٥

السلام كان ثقة واقفا وجها فيهم له كتاب روى عنه
الحسين بن علي بن سفيان جش ثقة كثير النصانيف
روى عنه ابو طالب الانباري وابو القاسم علي بن
حبشي ست عالم جليل واسع العلم كثير النصانيف
١ حميد بن المثنى العبدي الكوفي ق جخ
٧ حميد بن سعده بكنى ابا غسان روى عن جعفر بن
بشير ق جخ
٨ حميد بن سويد الكلبي الكوفي ق جخ
٩ حميد بن شبار الكوفي ق جخ
١٠ حميد بن شعيب السبيعي الهمداني كوفي ق وروى عن
جابر له كتاب روى عنه عبد الله بن جبلة وجعفر بن
محمد بن شريح جش يعرف حديثه وينكر واكثر ما
ينفرد به عن جابر وامره مظلم غض ق جخ وفصله
في الباب الثاني من دحذيفه بن شعيب السبيعي
الهمداني الماخره ولم اجد في كتب الرجال حتى في ح الاحمد
كما نقلناه وكانه اشتبه على العلامه قدس سره و
اخذ ابن داود عنه حيث لم يتم الماخذ كما مر منه وابه
وذكره في الباب الاول بعنوان حميد
١١ حميد بن شيبان ق جخ
١٢ حميد بن المثنى ابو المفرا العجلي مولاهم ق م كوفي
ثقة روى نضاله عنه كابر جش الصحيح في ثقة الاصل
روى عنه ابن ابي عمير وصفوان بن يحيى ست

١٣ حميد بن مسعود قال حميد بن زياد سمعت من ابي
محمد القاسم بن اسمعيل الفرشي كتاب حميد بن مسعود جش
١٤ حميد بن يزيد البكري الكوفي ق جخ
حنان بن ابي معويه العبسي الكوفي ق جخ ١
حنان بن سدير بن حكيم بن صهيب ابو الفضل ٢
الصيرفي كوفي ق م له كتاب روى عنه اسمعيل بن مهران
جش ثقه له كتاب روى عنه الحسن بن محبوب ست واقفي ق
م جخ سمع عن حمدويه ذكره عن اشياخه ان حنان بن
سدير واقفي ولد ابا عبد الله ولم يدرك ابا جعفر كش
حنظله بن الاسعد الشامي ق جخ ١
حنظله بن زكريا بن حنظله التميمي ابو الحسين الفزويني له ١
يكن بذلك له كتاب روى عنه ابو الحسين بن تمام جش
حنظله بن زكريا بن يحيى بن حنظله التميمي يكنى ابا الحسين
خاصي لم جخ وذكره د في البابين
حنظله بن نعمان بن عمرو جخ ٢
حويرث بن زياد الهمداني كوفي ق جخ ١
حيان السراج روى الكشي بطريق صحيح انه كان كيسا ١
حيان بن عبد الرحمن الكوفي المكنى مولاهم يكنى ابا العلا ق جخ ٢
حيان بن علي العنزي ثقة الباشي عند ذكر اخيه مندل ٣
حيدر بن شعيب بن عيسى الطالقاني خاصي نزيل ١
بغداد يكنى ابا القاسم روى عنه الكلبري له جخ
حيدر بن محمد بن نعيم السمرقندي جليل القدر ٢

واحمد بن جعفر بن سفيان ٢

براء المفرا بفتح الميم وتشديد الفاء المفتوحة وبعد الالف راء ثم الف مقصور وتنبيه بعد ذكر اخاه الايضاح ٢

فاضل من غلمان محمد بن مسعود العياشي وقد روى جميع مصنفاته وقرأها عليه وروى عن ابي القاسم الطبراني وعن دعبل بن محمد الحافظ وله مصنفات روى عنه التلعكبري ست عالم جليل يكنى ابا محمد روى جميع مصنفات الشيعة واصولهم عن محمد بن الحسن بن احمد بن الوليد القمي وعن ابي عبد الله الحسين بن احمد بن الوليد القمي وعن ابي القاسم جعفر بن محمد بن قولويه القمي عن ابيه روى عن الكشي عن العياشي جميع مصنفاته روى عنه التلعكبري ثم ج جدد بن نعيم بن محمد نفعه الله ان تقديم نعيم على محمد سهو لان في الكتب الرجالية في ح محمد مقدم على نعيم ولم اجد نوثيقه صريحا الا

فصل

باب الخاء

١ خارجة بن محمد بن عبد الله بن نافع البهمي مولاهم الكوفي صبر في ق ج

٢ خارجة بن مصعب ي ج

٣ خارجة بن مصعب الخراساني النبهي المروزي ق ج

١ خازم بن حبيب كوفي ق ج

٢ خازم بن الحسين ابو سحو الجبلي الكوفي ق ج

١ خالد بن ابي اسمعيل كوفي ثقة لكتاب روى عنه صفوان جش

٢ خالد بن ابي دجانة من اهل بدر ي ج

٣ خالد بن ابي عمرو مولى بني اسد ق ج

٤ خالد بن ابي كريمة قرن ج روى عن الباقر احاديث روى عنه وكيع جش

٥ خالد بن اسمعيل بن ايوب المخزومي المدني اسند عنه في ج

٦ خالد بن وفا ابو الربيع العنبري الشامي قرج

٧ خالد بن بكار ابو العلا الخفاف الكوفي قرن ج

٨ خالد بن جرير بن عبد الله البجلي واخوه اسحق بن جرير له كتاب رواه الحسن بن محبوب جش قال الكشي قال محمد بن مسعود سالت علي بن الحسن عن خالد بن جرير الذي يروي عنه الحسن بن محبوب فقال كان من جلة وكان صالحا ثم ذكر ما يدل على ايمانه

٩ خالد الجوان سيجيء بعنوان خالد بن نجيح

١٠ خالد بن الحجاج الكرخي ق ج

١١ خالد بن حصين ي ج

١٢ خالد بن حماد الذي ذكره داود باعن النجاشي حيث قال خالد بن حماد الفلابني الكوفي ق م مولى ثقة لم اجده في كتب الرجال خصوصا في النجاشي والظاهر ان خالد بن حماد الذي سيجيء واشتبه عليه بذكره بعنوان خالد بن حماد

١٣ خالد بن حميد الزواجي الكوفي ق ج

١٤ خالد الخواز سيجيء بعنوان خالد بن نجيح

١٥ خالد بن خيثان الكلبي الكوفي ق ج

١٦ خالد الخوانجي قال الكشي انه من اهل الارتفاع ضه

عه

١ وبعد ان يكون اسم ابي اسمعيل يحيى بن الاشعث المتقدم فيكون خالد هذا خالد بن يحيى الواقع في طريق بعض الروايات

ذكر احد في الكنى صلا نعم ذكر الكشي عند ترجمة المفضل
٩ بن عمران خالد الخواز من اهل الارتفاع
١٧ خالد بن داود الاسدي ق تج
١٨ خالد بن داشد الرشيدي الكوفي ق تج
١٩ خالد بن زياد الفلانسي ق تج
٢٠ خالد بن زياد الفلانسي وقيل ابن باد بغير ألف
وعوض الياء باء موحدة ق م تقدم وسيجئ انه
خالد بن ماد
٢١ خالد بن زيد ابو ايوب الانصاري خرجوا له
تج مشكور وصه وروى الكشي عن الفضل بن
شاذان ان ابا ايوب من الشاهين الذين رجعوا
الى امير المؤمنين عليه السلام
٢٢ خالد بن زيد ابو خالد القماط الذي ذكره وسيجئ
بعنوان خالد بن يزيد
٢٣ خالد بن سدير بن حكيم بن صهيب الصير فخش خالد
عبد الله بن سدير له كتاب ذكر ابو جعفر محمد بن علي
بن بابويه عن محمد بن الحسن بن الوليد انه قال
لا اروي له لانه موضوع وضعفه محمد بن موسى الهمداني
ست والظاهر ما ذكره النجاشي والشيخ في الفهرست واحد
٢٤ خالد بن السري العبدي الكوفي ق تج
٢٥ خالد بن سعيد ابو سعيد القماط كوفي تقدم له كتاب
روى عنه محمد بن سنان جش

٢٦ خالد بن سعيد الاسدي الكوفي ق تج
٢٧ خالد بن سعيد الاموي الكوفي ق تج ويحتمل ان يكون
هذا والذي بقبله مثل هذا هو المذكور قبلهما
٢٨ خالد بن سفيان الطحان الكوفي يعرف بشاذان ق تج
٢٩ خالد بن سفيان القزاري البرجمي الكوفي ق تج
٣٠ خالد بن سلمة ابو سلمة الجهني الكوفي اسند عنه ق تج
٣١ خالد بن السمدع الكاهلي المدني ق تج
٣٢ خالد بن صبيح كوفي تقدم له كتاب عن الصادق ق يروي
محمد بن ابي عمير جش
٣٣ خالد بن طهمان ابو العلا الخفاف السلولي كان من
العلماء يروي عنه طريف بن ناصح جش
٣٤ خالد بن عامر بن عذاقر الاسدي الكوفي ق تج
٣٥ خالد بن عبد الرحمن ابو الهيثم العطار ق تج قال
ابن عقدة عن محمد بن عبد الله بن ابي حكيمة عن ابن مسهر
انه ثقة ثقة صه
٣٦ خالد بن عبد الله الازدي ق تج
٣٧ خالد بن عبد الله بن سدير ذكرناه بعنوان خالد
بن سدير
٣٨ خالد بن عبد الله السراج ق تج
٣٩ خالد بن ماد الفلانسي الكوفي ق تم مولى تقدم له كتاب يرويه
ابو هريرة عبد الله بن سلام قال بعض اصحابنا هذه نظير
جش وفي صه خالد بن زياد وقيل ابن باد كما تقدم

وذكر ابن داود اشتبه على بعض الاصحاب فقال خالد بن زياد ثم ذكره في نسخة اخرى بغير هذا على قوم المبهم بالباء فقال ابن زياد وكلاهما غلط وقد ذكره الشيخ في كتابيه كما نقلنا انتهى قلت قد ذكر الشيخ خالد بن زياد الفلاني الآتي لم يوثقه كما نقلناه

٤٠ **خالد** بن ماذن الفلابني كوفي مولى روى عنه الحكم بن مسكين الاعرج ق ج

٤١ **خالد** بن محمد الاصم الضبعي مولاهم كوفي ق ج

٤٢ **خالد** بن مرداس الواسطي ق ج

٤٣ **خالد** بن معمر الذهلي ق ج

٤٤ **خالد** بن مهران البجلي ق ج

٤٥ **خالد** بن نافع الاشعري مولاهم كوفي ق ج

٤٦ **خالد** بن نافع البجلي ق ج

٤٧ **خالد** بن نجيح الجواني مولى بكير ابا عبد الله ق م جش خالد الجواني من اهل الارتفاع كش وبظهر من رجال الشيخ عند ذكر اصحاب الكاظم ان خالد بن نجيح وخالد الجواني رجلان لانه ذكرهما وقال ابن داود رأيت في تصنيف بعض الاصحاب خالد الجواني وهو غلط انتهى والظاهر ان غرضه من قوله بعض الاصحاب العلامة قدس سره كما هو من دأبه وفيه نظر لان في الكشي وبعض النسخ من الرجال خالد الجواني بالراء لما كان في بعض النسخ بالنون ذكره في ج بالنون ايضا

٤٨ **خالد** بن الوليد ج وروى الكشي بطريق ضعيف ما يدل على ذمه

٤٩ **خالد** بن يحيى بن خالد ذكره احمد بن الحسين وقال رأيت له كتابا في الامامة جش

٥٠ **خالد** بن يزيد بكنى ابا خالد الفلاط ق ج ونقل ذ عن ج بعنوان خالد بن زيد ابو خالد الفلاط ولم اجده في كتب الرجال هكذا

٥١ **خالد** بن يزيد ابو يزيد العكلي كوفي ثقة ق له نوادر روى عنه عباد بن يعقوب الاسدي الرواجني جش

٥٢ **خالد** بن يزيد بن جيل كوفي ثقة م له كتاب رواه يحيى بن زكريا اللؤلؤي جش وفي بعض النسخ من النجاشي خالد بن صبيح بن جيل وكتب عليه ابن طاوس رحمه الله ان صوابه خالد بن يزيد بن جيل ولعل الصواب لذكره خالد بن صبيح مرة اخرى وبوبه ذكر العلامة قدس سره اياه بعنوان خالد بن يزيد بن جيل

٥٣ **خالد** بن يزيد بن جرير البجلي الكوفي ق ج

١ **خباب** بن الارت ل ج

٢ **خباب** المسلي كوفي ق ج

٣ **خباب** بن يزيد روى الكشي روايته تدل على ذمه وانه يرى رأي الاموية

١ **خراش** بن ابرهيم الكوفي ق ج

١ **خرشة** بن الحر يحيى سليمان بن مهران

١ خزيمة بن ثابت ذو الشهادتين لى ج قال الفضل بن شاذان انما سمى الشاهدين لان الذين رجعوا الى امير المؤمنين عليه السلام كثر

٢ خزيمة بن حازم ق ج

٣ خزيمة بن دبيعة الكوفى ق ج

٤ خزيمة بن عمرو الكندى مولى كوفى ق ج

٥ خزيمة بن يفطين م ج

١ خشرم بن الحارث بن المنذر ى ج

٢ خشرم بن بنان الملقب بن ج

١ خضر بن عاده ابو غالب ق ج

٢ خضر بن عمرو النخعى له نوادر ق روى عنه ابو هاشم بن عبد الحميد جش

٣ خضر بن عيسى رجل من اهل الجبل لا بأس به له كتاب نوادر روى عنه محمد بن على بن محبوب جش لم ج فى نوادره عن ج انظر

٤ خضر بن مسلم النخعى الكوفى ق ج

١ خضيب بن عبد الرحمن الوابشى الكوفى الزاهد ق ج

١ خطاب بن داود الكوفى ق ج

٢ خطاب بن سعيد الجهنى ق ج

٣ خطاب بن مسلمة الجرمى الكوفى ق ج

[redacted] بن عبد الله الهمدانى الاعور ج

٥ خطاب بن مسروق الكرخى ق ج

٦ خطاب بن مسلمة كوفى ق نقله الكتاب برويه عده منهم ابن ابى عمير جش

١ خفاف بن ايماء ج

١ خلاد بن ابى عمرو الوابشى كوفى ق ج

٢ خلاد بن ابى مسلم الصفار ق ج وقال العلامة فى صه خلاد الصفار قال ابن عقده عن عبد الله بن ابرهيم بن هلبنه عن ابن عمير انه ثقة وهو من المرجحات عندنا انتهى لفظا وما ذكره الشيخ فى الرجال والعلامة قدس سره فى صه واحد كما يظهر من

٣ خلاد بن اسود بن خلاد ابو الاسود الكلبى الكوفى ق ج

٤ خلاد بن خالد المقرى له كتاب روى عنه ابن ابى عمير وصفوان جش

٥ خلاد بن زيد الجعفى الكوفى ق ج

٦ خلاد السكندر البزاز كوفى ق وقيل انه خلاد بن خلف المقرى قال محمد بن على الصيرفى فى ابى سعيد له كتاب يرويه عده منهم ابن ابى عمير جش خلاد السكندر روى عنه ابن ابى عمير ست

٧ خلاد بن عامر السلمى العبدى ق ج

٨ خلاد بن عطية مولى عنى الكوفى ق ج

٩ خلاد بن عمرو بن خالد الكوفى ق ج

١٠ خلاد بن عمرو البكرى ق ج

١١ خلاد بن عمير الكندى مولاهم الكوفى ق ج

١٣ خلاد بن واصل بن سالم النهمي المقرى الكوفي ق ج

١ خلف بن حماد بن ثامر بن المسيب كوفي ثقة سمع موسى بن جعفر عليهما السلام له كتاب يرويه جماعة منهم محمد بن الحسين بن ابي الخطاب جش امره مختلط يعرف حديثه نادره وينكر اخرى ويجوز ان يخرج شاهدا غض خلف بن حماد الاسدي له كتاب روى عنه محمد بن خالد البرقي ست والظاهر انه في جش د ست واحد

٢ خلف بن حماد بكنى ابا صالح من اهل كش لم ج

٣ خلف بن حوشب الكوفي ق ج

٤ خلف بن خلف مجهول م ج

٥ خلف بن سلمة بصري م ج

٦ خلف بن عيسى له كتاب يرويه عن سليمان بن جعفر الجعفري عن الصادق عليه السلام روى عنه محمد بن عيسى بن عبيد جش

٧ خلف بن محمد بن ابي الحسن الماوردي البصري كان غاليا في مذهبه ضعيفا لا يلتفت اليه غض

٨ خلف بن ياسين بن عمرو الكوفي الزيات اسند عنه ق ج

١ خليد بن اوفى ابو الربيع الشامي العنزي له كتاب يرويه عبد الله بن سنان جش له كتاب روى عنه خالد بن جرير ست وقد ذكرنا معنوان خالد بن اوفى في الصحيح

١ خليفة بن الصباح بن خليفة روى عن ابيه عن ابان بن عثمان الاحمر عن ابي بصير لم ج

١ خليل بن احمد كان افضل الناس في الادب وفوله حجة فيه واخترع علم العروض وفضله اشهر من ان يذكر وكان اماميا المذهب صه

٢ خليل العبدي كوفي ثقة له كتاب يرويه جماعة منهم عيسى بن هشام جش

٣ خليل بن هشام الفارسي ق ج

خوات بن جبير بدري ق ج

١ خويلد بن عمرو ابو شريح الخزاعي ل ج

١ خيبري بن علي الطحان كوفي ضعيف في مذهبه ذكر ذلك احمد بن الحسين بن بقال في مذهبه ارتفاع له كتاب يرويه عنه محمد بن اسمعيل بن بزيع جش كوفي ضعيف الحديث غالي المذهب كان يصحب بولس بن طبان وابا بكر الرواية عنه وله كتاب عن الصادق عليه السلام لا يلتفت الى حديثه غض

١ خيثمة لا يعرف بغير هذا كتابه رواه عنه محمد بن عيسى عن عبد الله الاشعري جش

٢ خيثمة بن خديج بن الرجيل الجعفي الكوفي ق ج

٣ خيثمة بن الرجيل بن معوية الجعفي الكوفي ابو خدج اسند عنه ق ج وكانه المذكور قبيل هذا

١ خيثمة بن عبد الرحمن البصري ابو عبد الرحمن [illegible] قال علي بن احمد العقيقي انه كان فاضلا وهذا لا

يقتضي التعديل وان كان من المرجحات صه وقد ذكرنا
بعض احواله عند ترجمة بطام بن الحصين
٥ خثيمة بن عبد الجعفي ق ج
١ خيران بن اسحق الرقاء كاني د ي ج
٢ خيران الخادم ثقة د ي ج
خيران مولى الرضا عليه السلام له كتاب روى
عنه محمد بن عيسى العبيدي جش

باب الدال

١ دارم بن قبيصة ابو الحسن النهشلي صنا وله عنه كتاب الوجوه
والنظائر وكتاب الناسخ والمنسوخ روى عنه علي بن
محمد بن جعفر بن عيسى جش لا يونس بحديثه ولا ابو نوح
غض وذكره د في البابين
١ داود بن ابي داود الدجاجي الكوفي فر ق ج
٢ داود بن ابي زيد السمرقندي كان يكنى ابا سليمان
نشأ بورد في البخارين في سكة طرخان في دار مخصوصة
صادق الله ثقة د ي كر ج ثقة صادق في اللهجة
كان من اصحاب الهادي له كتب ذكرها ابن النديم
وذكره الكشي في كتابه ست وذكره العلامة قدس
سره في صه من غير توثيق صريح مع انه نقله عن الشيخ
٣ داود بن ابي عبد الله مولى الحسن بن علي بن ابي
طالب الهاشمي الكوفي ق ج وفي اخر الباب الاول
من صه ابو جبان وابو الحجاف وقال ابن عقدة انهما

ثقفان

٥ داود بن ابي يزيد العشري الرخجي يكنى ابا بكر
اسم ابي يزيد دينار من اهل سرخس فر ج
٦ داود بن ابي يحيى ابو سليمان البشكري الكوفي ق ج
٧ داود بن ابي يزيد الكوفي العطار مولى ثقة قنم
لكتاب يرويه عنه جماعة منهم علي بن الحسن الطاطري
جش ويظهر من باب الاغتسال من الزيادات من
التهذيب ان داود بن ابي يزيد العطار هذا والذي
سيجيئ بعنوان داود بن فرقد واحد حيث قال داود
بن ابي يزيد العطار وهو داود بن فرقد الى اخره كما
يظهر من النجاشي عند ذكر داود بن فرقد
٨ داود بن اسد بن اعفر ابو الاحوص البصري رحمه الله
شيخ جليل نقيه متكلم من اصحاب الحديث ثقة ثقة
ابو اسد بن اعفر ومن شيوخ اصحاب الحديث الثقاة له
كتب جش وفي صه في موضع اعفر عفير وفي موضع
البصري المصري وعند ذكر ابيه اسد اعفر بدون الباء
والمصري بالميم وفي الفهرست ابو الاحوص المصري من
جلة متكلمي الامامية لقي الحسن بن موسى النوبختي واخذ
عنه واجتمع معه في الحاير على ساكنه السلام وكان
ورد للزيارة
داود بن بلال ابو بلال الانصاري من اصحابنا
وقال العلامة قدس سره في كتاب الممدوحين ابو بلال من

ع وفي بعض النسخ كما في بعض نسخ الرجال للمامقاني ابو سعيد بن ابي عمر وزاد الجهني اخاه ظ

الاصفهاني وذكره البرقي

١٥ داود بن جنيد ابو سليمان الكوفي فر ق ج

١١ داود بن حرة اخو اسحق بن حرة فر ق ج

١٢ داود بن الحسن بن الحسن بن علي بن ابي طالب فر ج معظم الشان قد لم اجده في كتب الرجال خصوصا في ج

١٣ داود بن حصين الاسدي مولاهم كوفي ثقة ق م وهو وجيه خاله علي بن الحسن بن فضال الكاتب عن العباس بن عامر جش وافتى ق م ج وذكره في البابين

١٤ داود بن دينار ذكرناه بعنوان داود بن ابي هند

١٥ داود بن راشد الكوفي الابزاري ق ج

١٦ داود بن زربي ابو سليمان الخندفي البندار ذكره ابن عقدة له كتاب روى عنه علي بن خالد العاقولي جش له اصل روى عن ابن ابي عمير ست ق م ج وقال المفيد رحمه الله في ارشاده انه من خاصته الكاظم وثقاته ومن اهل الورع والعلم والفقه من شيعته وممن روى النص على الرضا وذكر الكشي ما يشهد بسلامة عقيدته ونقل العلامة وابن داود توثيقه من النجاشي ولم اجد توثيقه فيه وهو ابن بنج عندنا

١٧ داود بن الزبرقان البصري ق ج

١٨ داود بن زيد الهمداني الكوفي فر ج

١٩ داود بن سرحان العطار كوفي ثقة ق م ذكره ابن نوح روى عنه هذا الكتاب جماعات من اصحابنا رحمهم الله روى عنه محمد بن ابي حمزة جش له كتاب روى عنه احمد بن محمد بن ابي نصر وابن ابي نجران وابن نهيك ست

٢٠ داود بن سعيد ابو عبد الله الكوفي الابزاري ق ج

٢١ داود بن سليمان ابو سليمان الحمار كوفي ثقة ق ذكره ابن نوح له كتاب يرويه عدة من اصحابنا منهم الحسين بن محبوب جش له كتاب روى عنه احمد بن مثنى ست

٢٢ داود بن سليمان ابو عمارة البكري الكوفي ق ج

٢٣ داود بن سليمان بن جعفر ابو الهيدام الفروي ذكره ابن نوح في رجاله له كتاب عن الرضا روى عنه ابو خزة بن سليمان جش ويحتمل ان يكون هذا هو الذي ذكره المفيد رحمه الله في ارشاده حيث قال داود بن سليمان من خاصته الكاظم وثقاته ومن اهل الورع والفقه والعلم ممن شيعته وممن روى النص على الرضا وفي د داود بن سليمان ابو جعفر ابو احمد العروضي ولا يخفى ما فيه من الاشتباه

٢٤ داود بن سليمان القرشي ذكره ابن نوح له كتاب روى عنه ابنه سليمان جش

٢٥ داود بن صالح الازدي الكوفي ق ج

٢٦ داود بن صالح النهمي الكوفي ق ج

٢٧ داود الصرمي له مسايل روى عنه احمد بن ابي

عبد الله ست داود الصرمي يكنى ابا سليمان دى ج
ويسمى بعنوان داود بن مانه

٢٨ داود الصرمي بن ج وبعيدان يكون ابن مانه الاتي

٢٩ داود بن عامر الاشعري مني كوج

٣٠ داود بن عبد الجبار ابو سليمان الكوفي ق ج

٣١ داود بن عبد الرحمن ابو سليمان المكي العطار ق ج

٣٢ داود بن عطاء المدني روى عنه عباد بن يعقوب
الاسدي جش ق ج داود بن عطا ابو سليمان المدني
قال ابن عقده سمعت عبد الرحمن بن يوسف بن
خداش يقول داود بن عطاء المدني ليس بشئ صه

٣٣ داود بن علي العبدي كان من اصحاب الهادي ع

٣٤ داود بن علي اليعقوبي الهاشمي ابو علي بن داود
قيل ضاقه له كتاب يرويه جماعة منهم عيسى بن عبد الله
العمري ومحمد بن عبد الجبار جش ضا ج

٣٥ داود بن عيسى التيمي الكوفي ق ج

٣٦ داود بن فرقد مولى ال ابي الشمال الاسدي النصرد
فرقد يكنى ابا يزيد كوفي ثقة ق م واخوته يزيد وعبد
الرحمن وعبد الحميد قال ابن الفضال داود ثقة
له كتاب روى عنه صفوان بن يحيى وابرهيم بن ابي بكر
جش له كتاب روى عنه احمد بن محمد بن ابي نصر ست
ثقة له كتاب ق م ج وقال ابن داود انه اشتبه على
بعض الاصحاب اسم ابيه فقال ابن مرثد بالميم وهو غلط
انتهى والظاهر ان غرضه من قوله بعض الاصحاب العلامة قدس
سره كما هو من دابه ولم اجد في صه ح انه بالميم بل صرح
في ح بانه بالفاء

٣٧ داود بن القاسم بن اسحق بن عبد الله بن جعفر بن
ابي طالب ابو هاشم الجعفري رحمه الله كان عظيم المنزلة عند
الائمة عليهم السلام شريف القدر ثقة روى ابوه عن
الصادق عليه السلام جش ثقة صادق دى كوج له فضل
عالية عند ابي جعفر وابي الحسن وابي محمد صلوات الله
عليهم وموقع جليل علما يستدل بما روى عنهما في
نفسه وروايته وتدل روايته على ارتفاع في القول
كثير من اهل بغداد جليل القدر عظيم المنزلة عند الائمة
عليهم السلام وقد شاهد جماعة منهم الرضا الجواد
الهادي والعسكري وصاحب الامر عليهم السلام
وقد روى عنهم كلهم عليهم السلام وله اخبار ومسائل
وله شعر جيد فيهم وكان مقدما عند السلطان وله
كتاب روى عنه احمد بن ابي عبد الله ست وعده
ابن طاوس رحمه الله في ربيع الشيعة من سفراء
الصاحب والابواب المعروفين الذين لا يختلف
الاثنا عشرية فيهم

٣٨ داود بن كثير الرقي وابوه كثير يكنى ابا خالد وهو
يكنى ابا سليمان ضعيف جدا والغلاة يروى عنه
له كتاب ان روى محمد بن الوليد المعروف بشباب

الصبّاح الكرخي عن ابيه عنه م ضا جش له اصل روى عنه
الحسن بن محبوب ست مولى بني اسد ثقة ق م ج
كان فاسد المذهب ضعيف الرواية لا يلتفت اليه
غض في ارشاد المفيد رحمه الله انه من خاصة الكاظم
وثقاته واهل الورع والعلم والفقه من شيعته وممن
روى النص على الرضا وروى الكشي بطريق موسل عن
الصادق انه قال داود الرقي منا بمنزلة المقداد من
رسول الله ثم قال الكشي وبذكر الغلاة انه من اركانهم
وقد يروى عنه المناكير من الغلو وينسب اليهم ولم اسمع
احدا من مشايخ العصبة يطعن فيه ونقل ابن داود عن
احمد بن عبد الواحد انه ضعّفه وابن له حديثا سيدا
وقال العلامة قدس سره في صدر الاقوى عنده
قبول روايته لقول الشيخ وقول الكشي ايضا وقال ابو
جعفر بن بابويه روى عن الصادق انه قال انزلوا
داود الرقي منى بمنزلة المقداد من رسول الله صلى الله
عليه وآله انتهى وفيه نظر

٣٩ **داود** بن كوره ابو سليمان الفقيه وهو الذي يروي
كتاب النوادر لاحمد بن محمد بن عيسى وكتاب الشيخة
للحسن بن محبوب له كتاب روى عنه احمد بن محمد بن
يحيى جش لم ج

٤٠ **داود** بن ماتنة الصرمي مولى بني قرة ثم بني صرمة
منهم كوفي ضا يكنى ابا سليمان وينتهي الى ابا الامام ابي الحسن

صاحب العسكر وله مسائل اليه يروى عنه احمد بن محمد
جش دى ج وقد ذكرناه بعنوان داود الصرمي

٤١ **داود** بن محمد النهدي ابن عم الهيثم بن ابي مسروق النهدي
متاخر الموت روى عنه يحيى بن زكريا اللؤلؤي جش
له كتاب روى عنه الصفار ست لم ج

٤٢ **داود** بن مهزيار اخو علي ق ج

٤٣ **داود** بن نصير ابو سليمان الطائي الكوفي ق ج

٤٤ **داود** بن النعمان مولى بني هاشم اخو علي بن النعمان
وداود الاكبر م وقيل روى عن الصادق عليه
السلام له كتاب جش وقال عند ترجمة اخيه علي بن
النعمان علي بن النعمان الاعلم النخعي ابو الحسن مولاهم
كوفي ضا واخوه داود اعلى منه وابنه الحسن وابنه احمد
روى الحديث وكان على ثقة وجها ثبتا صحيحا واضح
الطريقة له كتاب وروى الكشي عن حمدويه عن
اشياخه انه خير فاضل وقال العلامة ثقة عين ولم
اجد توثيقه في كتب الرجال صريحا الا في صه وكانه
اخذ توثيقه من كلام النجاشي حيث قال واخوه اعلى
وهذا لا يدل على توثيقه كما يستفاد من كلام
النجاشي ايضا حيث قال وداود الاكبر

٤٥ **داود** بن الوارع الكوفي ق ج

٤٦ **داود** بن الهيثم الازدي ابو خالد الكوفي ق ج

٤٧ **داود** بن يحيى بن بشير الدهقان كوفي يكنى ابا

سليمان ثقة له كتاب حديث علي بن الحسين روى عنه زيد
بن محمد بن جعفر الناموي جش

١ دبيس بن حبد ابو عبيد الكوفي ق ج

٢ دبيس بن يونس البزاز الكوفي ق ج

١ دردست بن ابي منصور محمد الواسطي ق م ومعنى دردست
اي صحيح له كتاب يرويه جماعة منهم سعد بن محمد الطاطري
ومحمد بن ابي عمير جش له كتاب روى عنه علي بن الحسن الطاطري
وابن بهنك ست حدثني حميد به قال حدثني بعض اشياخنا
قال دردست بن ابي منصور واسطي فاضل ثقة ق ج

١ دعبل بن علي الخزاعي الشاعر مشهور في اصحابنا
صنف كتاب طبقات الشعراء وكتاب الواحدة في مناقب
العرب ومثالبها روى عنه موسى بن حماد الزمكي
جش وقال ابو عمرو الكشي بلغني ان دعبل بن علي
وفد على الرضا بخراسان فلما دخل عليه قال له الرضا
قد قلت قصيدة وجلت في نفسي ان لا انشدها احدا
اولى منك فقال ها انها فانشد قصيدته التي يقول
فيها اني لاراني مدلثما بحملي اروح وارتد وادلج بالحسرات
اري فيئهم في غيرهم متقسما وايديهم من فيئهم صفرات
قال فلما فرغ قام ابو الحسن فدخل منزله وبعث اليه بخرقة
فيها سبعمائة مثقال للجارية قولي له يقول
لك مولاي استعن بهذه على سفرك واعذرنا
لها دعبل لا والله ما هذا اردت ولا له خرجت

ولكن قولي له هب لي ثوبا من ثيابك فردتها عليه ابو
الحسن وقال لتخذها وبعث اليه بخمسة من ثيابه فخرج دعبل
حتى ورد قم فنظروا الى الجبة فاعطوه فيها الف دينار
فابى عليهم فقال لا والله ولا خرقة منها بالف دينار
ثم خرج من قم فاتبعوه واجمعوا عليه واخذوا الجبة فرجع
الى قم وكلمهم فيها فقالوا ليس اليها سبيل ولكن ان شئت
فهذه الف دينار فقال نعم وخرقة منها فاعطوه الف
دينار وخرقة منها

١ دلهم بن صالح الكندي الكوفي قر ج

١ دنيم بن ابي داود الكوفي روى عنه ابو مريم ق ج

١ دينار ابو حكيم الازدي كوفي ق ج

٢ دينار يكنى ابا سعيد ولقبه عضباصا ج

٣ دينار ابو عمرو الاسدي الكوفي قر ق ج

٤ دينار الخصي من اصحاب امير المؤمنين عليه السلام
قال الصدوق في باب ميراث الخنثى من الفقيه انه من
صالحي اهل الكوفة وكان امير المؤمنين يثني عليه وقال
البتة انه كان معتدلا

٥ دينار بن عمرو كوفي ق ج

باب الذال

١ ذبيان بن حكيم لا اعرفه بجرح ولا تعديل

١ ذريح بن محمد بن يزيد ابو الوليد الحائري عربي
من بني محارب ابن خصفة ق م ذكره ابن عقده و

ابن نوح له كتاب روى عنه جعفر بن بشير جش ثقة له اصل

روى عن ابن ابي عمير وعبد الله بن المغيرة ست

١ ذو بيه ابو قيصل ل ج

باب الراء

١ راشد ابو العقاب المنقري مولاهم كوفي ق ج

٢ راشد ابو معاذ الازدي الكوفي ق ج

٣ راشد بن سعد القراري مولاهم كوفي ق ج

١ رافع ابو سعيد بن المعلى ل ج

٢ رافع بن اسرش الهمداني الكوفي ق ج

٣ رافع بن خديج ل ى ج

٤ رافع بن سلمة بن زياد بن ابي الجعد الاشجعي مولاهم كوفي فرق ثقة من بيت الثقات وعمومتهم له كتاب عنه بكير بن سالم جش

٥ رافع بن عمرو الغفاري ل ج

١ رياح بن ابي نصر السكوني الكوفي ق ج

٢ رياح بن اسود النهمي مولاهم كوفي ق ج

٣ رياح بن عاصم الضبي السعدي مولاهم كوفي ق ج

٤ رياح بن عبيدة الهمداني ن ج

١ ربعي بن احمر البجلي الكوفي ق ج

٢ ربعي بن عبد الله بن الجارود بن ابي سبرة الهمداني ابو يعيم بصري ثقة ق م وصحب الفضيل بن يسار واكثر الاخذ عنه وكان خصيصا به وهو الذي روى حديث الابل له كتاب روى عنه حماد بن عيسى جش له اصل كذا

عن ابن ابي عمير ست قال محمد بن مسعود سألت ابا محمد عبد الله بن محمد بن خالد الطيالسي عن ربعي بن عبد الله فقال هو بكر هو ابن الجارود ثقة كش

١ الربيع بن ابي مدرك ابو سعيد كوفي ويقال المصادف كان صلبا بالكوفة على التشيع ثقة ق له كتاب روى عنه العلاء بن رزين جش

٢ الربيع بن احمر الاسدي مولاهم كوفي ق ج

٣ الربيع بن اسمع الشيباني مولاهم كوفي ق ج

٤ الربيع بن الاسود الليثي الكوفي ق ج

٥ الربيع الاضم له اصل روى عنه الحسن بن محبوب

٦ الربيع بن بدر البصري ق ج

٧ الربيع بن حبيب العنبي الكوفي ق ج

٨ الربيع بن خثيم احد الزهاد الثمانية كش وقد ذكرنا في الثمانية عن نوجه اوبل القرني

٩ الربيع بن الركين بن الربيع الفزاري الكوفي ق ج

١٠ الربيع بن زكريا الجوزان كوفي طعن عليه بالغلو له كتاب بنه مخلط ذكر ذلك ابو العباس بن نوح روى عنه محمد بن ادريس جش وقال العلامة قدس سره في حديد ذكر كلام النجاشي وضعفه ابن الغضائري بما ينه

١١ الربيع بن زياد الصبحي الكوفي سكن البصرة ق ج

١٢ الربيع بن زيد الكندي البصري اسند عنه ق ج

١٣ الربيع بن سعد الجعفي مولاهم كوفي خزاز ق ج

في الكافي في باب حج النساء الربيع بن خثيم عن ابي عبد الله عليه السلام وكانه غير المذكور في المتن منه

١٤ الربيع بن سليمان بن عمرو كوفي صحب الشوري واخذ عنه
واكثر وهو غريب الاخر في الحديث روى ابرهيم بن سليمان
عنه كتابه جش امره غريب وقد طعن عليه ويجوز ان
يخرج شاهدا عض

١٥ الربيع بن سهل بن الربيع الفزاري ق جخ

١٦ الربيع بن صبيح قزخ

١٧ الربيع بن عاصم ابو حماد الازدي الكوفي ق جخ

١٨ الربيع بن عبد الرحمن الاسدي مولاهم الكوفي ق جخ

١٩ الربيع بن عطية الكاهلي الكوفي ق جخ

٢٠ الربيع بن القاسم البجلي مولاهم الكوفي ق جخ

٢١ الربيع بن محمد بن عمر بن حسان الاصم السلمي
سلمية قبيلة من مذحج ق ذكره اصحاب الرجال
لكتاب روى عنه العباس بن عامر جش ويحتمل
ان يكون هذا هو المذكور بعنوان الربيع الاصم و
ان كان للشيخ في الفهرست ذكرهما

١ ربيعة بن ابي عبد الرحمن فروخ المعروف بربيعة
الراي الملقب الفقيه عامي بن قزح ق في موضع ابي
عبد الرحمن عبد الرحمن وهو سهو

٢ ربيعة بن بجيع عن امير المؤمنين عليه السلام له
كتاب ذكر النعم اخبرني الحسين بن عبد الله رحمه
عن جعفر بن محمد بن قولويه قال حدثنا ابي وسائر
شيوخي عن سعد بن عبد الله عن احمد بن محمد بن عيسى
عن محمد بن ابي عمير قال حدثنا مفرن عن جده ربيعة بن بجيع
عن امير المؤمنين عليه السلام انه كتب له في صدقات
النعم ما يؤخذ من ذلك وذكر الكتاب جش في اول كتاب

٣ ربيعة بن عثمان النبهاني القرشي المدني ق جخ

٤ ربيعة بن علي كان ابو اسحق يروي عنه ق جخ

٥ ربيعة بن كعب ل جخ

٦ ربيعة بن ناجد الاسدي الازدي عربي كوفي ق جخ

٧ ربيعة بن ناجذ كثير ابو صادق الكوفي قزخ
ويحتمل ان يكون هذا هو المذكور قبل هذا

٨ ربيعة بن يزيد الهمداني الكوفي ق جخ

١ رجا بن الاسود الطائي ق جخ

٢ رجا بن يحيى بن سامان ابو الحسين العبرتائي
الكاتب روى عن ابي الحسن علي بن محمد صاحب
العسكر وقيل ان سبب وصلته كانت بان يحيى
بن سامان وكل بر فخبر ابي الحسن وكان ابتاع
فخصت منزله وروى رجا وسالته تتمة المفتعة في
ابواب الشريعة رواها عنه ابو الفضل الشيباني
جش وقوله سبب وصلته الى اخره اي سبب وصلته
رجا بابي الحسن الثالث ان الخليفة وكل اباه يحيى بن
سامان على ابي الحسن الثالث في العسكر لان يخبر
الخليفة من احواله

١ الرحبل بن معوية بن خديج الجعفي الكوفي اسند

عنه ق ج

١ رزام بن مسلم مولى خالد بن عبد الله القسري الكوفي ق ج وروى الكشي بسند ضعيف ان الصادق كتب له دعاء وخلصه من العذاب

١ رزين بن زيد بتاء ابو حماد الكاهلي ق ج

٢ رزين بن الزبير الخلفاء ابو العباس وهو رزين بن الزبير بن ابي الرزقاء والزبير يكنى ابا العوام ق ذكره ابن داود بعنوان رزين بن الزبير الخلفاني في ذا وبا عن الحاشية ولم اجد في كتب الرجال الا كما نقلناه

ابن نوح رمز عنه محمد بن خالد الطيالسي حسن ق ج وزين الشيخ في الفهرست في الباب الزاي ورمز عنه ع

٣ رزين بن مرزوق كوفي ثقة له كتاب رواه ابو ضمرة بن سليمان جش وذكره الشيخ في ست في باب الزاي وتبعه ابن داود

١ رزين الابراري مجهول قر ق ج

٢ رزين بن اسيد الكوفي صاحب الرمان ق ج

٣ رزين بن انس الكلبي الكوفي ق ج

٤ رزين الانماطي مجهول ق ج

٥ رزين بن عبد ربه الكوفي ق ج

٦ رزين بن عبيد السلولي بن ج

٧ رزين بن عدي الاسدي الكوفي ق ج

٨ رزين بن علي الازدي الكوفي ق ج

١ رشد بن زيد سبحي بعنوان رشيد بن زيد

٢ رشد بن سعد المصري ق ج وفي بعض النسخ رشيد

١ رشيد بن زيد الجعفي كوفي ثقة قليل الحديث له كتاب روى عنه ابو ضمرة بن سليمان جش وفي نسخة ابن رشيد واما في ست ج فرشد بن زيد

٢ رشيد الهجري ق ن سين بن ج وروى الكشي بطريق ضعيف عن امير المؤمنين عليه السلام انه قال يا رشيد انت معي في الدنيا والاخرة وكان امير المؤمنين عليه السلام يسميه رشيد البلايا وكان قد القي عليه علم البلايا والمنايا فكان في حبونه اذا لقي الرجل قال له فلان انت تموت بميتة كذا وتقتل انت يا فلان بقتلة كذا وكذا فيكون كما قال رشيد وقال العلامة قدس سره في نسخة مشكور وقال ابن داود رشيد بضم الراء وفتح الشين المعجمة الهجري بفتحتين ورايت بعض اصحابنا قد ضبط الهجري بضم الجيم وهو اشتباه وانشد قوله اشتباه هذا دعوى بلا دليل مع اني لم اجد في كلام احد من اصحابنا خصوصا في كلام العلامة قدس سره من اثبته ضبط الهجري بضم الجيم

١ رفاعة بن ابي رفاعة الهداني دفع على عليه السلام اليه رايته همدان يوم خرج الى صفين ق ج في باب الكنى

٢ رفاعة بن رافع الانصاري ل ق ج

٣ رفاعة بن شداد ق ن ج

٤ رفاعة بن عبد المنذر ابو لبابة ل ج

٥ رفاعة بن محمد الحضرمي ق ج ووثقه ذ لا عبرة

٦ رفاعة بن موسى الاسدي الخياط ن م كان ثقة في حديثه مسكونا الى روايته لا يعترض شيء من الغمز حسن الطريقة له كتاب روى عنه ابو شعيب صالح خالد المحاملي جش ثقة له كتاب روى عنه محمد بن ابي عمير وصفوان بن يحيى وابن فضال ست

١ رفيد بن مصفد العبدي الكوفي ق ج

٢ رفيد مولى بني هبيرة روى عنه ابو خالد القماط فر ق ج

١ رفيع مولى بني مسكون كوفي ق ج

١ رقيقة الحارثي ق ج

١ رقيم بن الياس بن عمرو البجلي كوفي ثقة روى هو وابنه واخوه يعقوب وعمرو عن الصادق عليه السلام وهو خال الحسن بن علي بن زياد بن الياس له كتاب روى عنه علي بن الحسن الطاطري جش

٢ رقيم بن عبد الرحمن الازدي ابو محمد الكوفي ق ج

٣ رقيم بن عبد الله الكوفي ق ج

١ ركان اللحام ق ج

١ ركين بن الربيع ق ج

٢ ركين بن سويد الكلابي الجعفي مولاهم كوفي ق ج

١ رمث بن عمرو بن ج

١ رميلة سيجيء في باب الزاي بعنوان زميلة

١ روح بن الشاب البكري مولاهم الكوفي ق ج

٢ روح بن عبد الرحيم شريك المعلى بن خنيس كوفي ثقة له كتاب روى عنه غالب بن عثمان جش

٣ روح بن القاسم ق ج

١ روحي بن زواده بن اعين الشيباني ق م ثقة قليل الحديث له كتاب روى عنه محمد بن بكر بياع القطن جش

١ رهم الانصاري م ج ق قال الكشي قال حمدويه حدثنا محمد بن عيسى عن الحسن بن علي بن فضال عن رهم قال ابو الحسن حمدويه سألته عنه فقال شيخ من الانصار كان يقول بقولنا

١ الرياش بن علي الطائي ق ج

١ الريان بن شبيب خال المعتصم ثقة سكن قم وروى عنه اهلها وجمع مسائل الصباح ابن نصر الهندي للرضا عليه السلام روى عنه يحيى بن زكريا اللؤلؤي جش

٢ الريان بن الصلت الاشعري ابو علي ضا كان ثقة صدوقا ذكر ان له كتابا جمع فيه كلام الرضا عليه السلام في الفرق بين الآل والامة قال ابو عبد الله الحسين بن عبيد الله رحمه الله اخبرنا احمد بن محمد بن يحيى قال حدثنا عبد الله بن جعفر عن الريان بن الصلت به وقال وابت في نسخة اخرى الريان بن شبيب جش له كتاب روى علي بن ابراهيم عن ابيه عنه ست

ريان ابن شبيب الياس صفة للحسن لا صفة يحيى اي الحسن ابو يحيى واخته حبابة ابنة الياس كما يظهر من النجاشي وغيره عند ترجمة الحسن بن يحيى بن زياد الرشادي منه

بغدادی ثقة خراسانی فی ضا ی تج ثم قال الزیات بن
الصلت روی عنه ابرهیم بن هاشم لم ر وهذا مناف
یذکره فی باب اصحاب الرضا والهادی علیهما السلم
علی ما قال فی اول کتابه قدس سره ومثل هذا یکثر
فی کتابه کما سیجیء عند زخر القاسم بن محمد الجوهری

باب الزای

١ زاذان یکنی ابا عمرة الفارسی تی تج
١ زافر بن سلیمان الکوفی ق تج
٢ زافر بن عبد الله الاباذی من رجال الصادق
علیه السلم وکذا فی ق الا انه ذکر فی موضع الاباذی
الاینادی وهو سهو
١ زاهر الاسلمی والد نجراة من اصحاب الشجرة ل تج
٢ زاهر بن الاسود الطائی ابو غارة الکوفی ق تج
٣ زاهر صاحب عمرو بن الحمق تمیز تج
١ زایدة بن عمیر الهدانی الکوفی ق تج
٢ زایدة بن قدامة ق تج
٣ زایدة بن موسی الکندی الکوفی ق تج
١ الزبرقان البصری یکنی ابا محمد ق تج
١ الزبیر بن بکار قدم مع ابیه
٢ الزبیر بن العوام ل تج
١ زخر بن زیاد ابو الحصین الاسدی الکوفی ق تج ویمکن
ان یکون هذا والذی یجیء بعد هذا واحدا

زخر بن عبد الله ابو الحصین الاسدی ثقة فقیه کان ٢
روی عنه القاسم بن اسمعیل جش
زخر بن قیس تی رسوله الی جریر بن عبد الله الی ٣
الری تج وفی نسخة زهیر
زخر بن مالک ابو زیاد العنزی مولاهم الکوفی تج ٤
زخر بن النعمان الاسدی ابو الخطاب مولی کوفی ٥
ق تج وثقه د لا غیر
زر بن حبیش وکان فاضلا تی تج وفی صه حبیش ١
بضم الحاء المهملة وفتح الباء المنقطة تحتها نقطة وبعد
الباء المنقطة تحتها نقطتین سین مهملة وفی ذ بالشین
المعجمة وقال ومن اصحابنا من صحفه فقال بالسین
المهملة وهو وهم انتهی وهذا دعوی بلا دلیل
زرارة بن اعین بن سنسن مولی لبنی عبد الله بن شرف ١
البیهقیین ابو الحسن شیخ اصحابنا فی زمانه ومتقدمهم کان
قارئا فقیها متکلما شاعرا ادیبا فاضلا اجتمعت خلال
الفضل والدین صادقا فیما یرویه وقال ابو جعفر
محمد بن علی بن الحسین بن بابویه رأیت لکتابی الا
سنطاعة والجبر روی ابن ابی عمیر عن بعض اصحابه
عنه ما سنة خمسین ومائة جش اسمه عبد ربه یکنی ابا
الحسن وزرارة لقب به وکان اعین بن سنسن عبدا
رومیا لرجل من بنی شیبان یعلم القرآن ثم اعتقه
هو وابان بدخله فی نسبه فابی اعین ذلک وقال افرغنی

على ولاية وكان سفير ذاهبا في بلد الروم وزرارة
يكنى ابا علي ابنه وله عدة اولاد منهم الحسن والحسين و
روحي وعبيد الله وكان احول وعبد الله ويكنى ابا
زرارة ولزرارة اخوة جماعة منهم حمران وكان نحويا
وبكير بن اعين وعبد الرحمن وعبد الملك ولزرارة
مصنفات ست نفقه قرن ثم ج وقال الكشي حدثني
حمدويه بن نصير قال حدثنا يعقوب بن يزيد عن محمد بن
ابي عمير عن جميل بن دراج قال سمعت الصادق يقول
بشر المخبتين بالجنة بريد بن معوية العجلي وابو بصير ليث
ابن البختري المرادي ومحمد بن مسلم وزرارة اربعة نجباء
امناء الله على حلاله وحرامه لولاهؤلاء انقطعت
آثار النبوة واندرست ثم قال الكشي يجمع العصابة
على تصديق هؤلاء الاولين من اصحاب الباقر و
الصادق عليهما السلام وانقادوا لهم بالفقه فقال
افقه الاولين ستة زرارة ومعروف بن خربوذ
وبريد بن معوية وابو بصير الاسدي والفضيل
بن يسار ومحمد بن مسلم الطائفي وافقه الستة
زرارة وقال بعضهم مكان ابو بصير الاسدي ابو
بصير المرادي وهو ليث بن البختري وذكر الكشي
انهم رواة اثنا عشر كثيرة تدل على عظم شانهم وجلالة
قدره وذكر احاديث تدل على ذمهم وفي
طريقها ضعف وقال الشهيد الثاني رحمه الله و
قد ظهر من تتبع الاخبار الطاهرة في اسناد
الى محمد بن عيسى وهو متهم على ميل وانحراف منه
على زرارة مضافا الى ضعفه في نفسه وقد قال السيد
جمال الدين بن طاوس ونعم ما قال ولقد اكثر
محمد بن عيسى من القول في زرارة حتى لو كان بعضا
عداله كادت الظنون تنزع اليه بالتهمة كيف و
هو ممدوح منه وقال العلامة قدس سره في حقه
ذكر الكشي احاديث تدل على عدالته وعاد منه
ثالث الاحاديث اخبار تدل على القدح فيه وقد
ذكرنا في كتابنا الكبير وجه الخلاص عنها والرجل
عندي مقبول الرواية
زرارة بن لطيفة ابو عامر الحضرمي الكوفي ق ج
زرعة بن حميد الحارثي الكوفي ق ج
زرعة بن محمد ابو محمد الحضرمي ثقة ق م كان حسن
سماعة واكثر عنه ووقف لكتاب روى عنه يعقوب
بن يزيد جش وافقي ق م ج ثم ذكره في باب من
لم يرو عن الائمة عليهم السلام ايضا وقال في القسم الثاني
وافقي المذهب لا اصل روى عنه الحسن بن محمد الحضرمي
والحسن بن سعيد وما ذكره العلامة قدس سره في
حقه عند ذكر الحسن بن سعيد بعنوان زرعة بن
حمران محمول على التهو وقال ابو عمرو الكشي بعد
حمدويه قال زرعة بن محمد الحضرمي وافقي م قال الكشي

قال الكشي حدثني حمدويه بن نصير قال حدثنا
محمد بن
عيسى بن عبيد
قال حدثني يونس بن
عبد الرحمن عن عبد الله بن
زرارة ومحمد بن مسلم وبكير والحسين بن
اعين قالا حدثنا سعد بن عبد الله قال
حدثني احمد بن محمد بن عيسى عن الحسن بن محمد
بن عبد الله بن زرارة وابنه الحسن الحسين
عن عبد الله بن زرارة قال قال ابو عبد
الله عليه السلام والسلام
اقرأ على والدك السلام وانه
اعيبك وناعي نفسك فان
والعهد قريب وعن قليل
لكنه لا بد من الموت
وليك ولا بد
اوقال الغازي عبد قتله وكيد ان
كن وان يحذر امره فانا اعيبك لانك
رجل اشتهر عند الناس بحبنا واهل بيتك
ذكرت مذمومة عند الناس غير محمود الاثر
بموتك ناس وليبكك ابناؤنا فاما بيت
ان اعيبك ليحمدوا امرك فيزيد الله بذلك
ونقصك ويكون به نكث نكاية
شرهم نكث يقول الله عز وجل الآية
١ النسبة نكاية لما كانوا يعلمون من
النجوم فاردت ان اعيبهم وكانوا ورثوا
٢ ملك باخذ كل سفينة صالحة غصبا
هذا التفسير عن عدة اصحابنا لانه انما
عابها لانها كانت صالحة ليس لعيب فيها
غير ذلك والله اعلم وانما اعابها لئلا يسلم منها الملك فيأخذها
صالحة وقد كانت صالحة ليس لعيب فيها
سباع واحدة تفاهم المفيد رحمه الله
فانك والله احب الناس الي آه وجب
اصحابنا الآجار بقتال الآخر الحديث
ثم قال حدثني حمدويه قال حدثني محمد بن
عيسى عن ابي محمد القاسم بن عروة عن
ابي العباس قال قال ابو عبد الله ع زرارة
بن اعين ومحمد بن مسلم وبريد بن معوية
والاحول احب الناس الي احياء واموات
ولكن الناس كثيروا في هؤلاء فنظروا
بدا من ساءتهم انتهى وينظر من هذين
الحديثين ان بعض الاخبار الذي يدل
على ذم زرارة وغيره محمول على التقية
ودفع الضرر عن زرارة وغيره
عفره بنته
خاه

حدثني علي بن محمد بن قتيبة قال حدثنا الفضل قال احمد
محمد بن الحسن الواسطي ومحمد بن يونس قالا حدثنا الحسين بن
قنبا ما الصبر قال سالت ابا الحسن الرضا عليه السلام
فقلت جعلت فداك ما فضل ابوك قال مضى كما مضى
آباؤه عليهم السلام فقلت فكيف صنع بحديث حدثني
به دوزغة بن محمد الحضرمي عن سماعة بن مهران ان ابا عبد
الله عليه السلام قال ان في نبي فيه شبه من خمسة انبياء
بحذا كاحد يوسف وبغيبة كاغاب يونس وذكر
ثلثة اخر قال كذب دوزغة ليس هكذا حديث سماعة
قال صاحب هذا الامر يعني القائم عليه السلام فيه شبه
من خمسة انبياء ولم يقل ابي

١ زريق بن الزبير قد مضى في باب الراء

٢ زريق بن مروان تقدم في باب الراء

١ زفر بن سويد الجعفي مولاهم ق تج

٢ زفر بن الهذيل ابو الاذهر العجلي الكوفي ق تج

٣ زفر بن الهذيل التميمي العنبري ق تج ونقل ابن داود
عن البرقي انه عامي وقال العلامة قدس سره زفر من اصحاب
الصادق عليه السلام عامي

١ زكار بن الحسن الدينوري شيخ من اصحابنا ثقة ركا
روى عنه الحسن بن علي بن الحسين الدينوري جش

٢ زكار بن سلمة الهذاني مولاهم كوفي ق تج

٣ زكار بن مالك الكوفي ابو عبد الله ق تج

٤ زكار بن يحيى الواسطي لكتاب الفضائل والاصل روى عنه
الحسن بن علي بن الحسين الدينوري والقاسم بن اسمعيل
ست ق تج ويحتمل ان يكون هذا هو الذي يشبه يعني بقوله
زكريا بن يحيى الواسطي

زكريا بن ادم بن عبد الله بن سعد الاشعري القمي رضه ١
جليل عظيم القدر وكان له وجه عند الرضا له كتاب روى
عنه محمد بن خالد وكتاب مسائله للرضا عليه السلام روى عنه محمد
بن الحسن بن ابي خالد الجنيش ق ضا تج وقال الكشي حدثني
محمد بن قولويه قال حدثنا سعد بن عبد الله بن ابي
خلف عن محمد بن حمزة عن زكريا بن ادم قال قلت
للرضا اني ربما خرجت عن اهل بيتي وعندكم الفقهاء
فيهم فقال له لا تفعل فان الله تعالى يدفع بك عنهم كما
يدفع عن اهل بغداد بابي الحسن ثم قال الكشي حدثني
سعد بن عبد الله عن محمد بن عيسى عن احمد بن ابي نصر
عن علي بن اسباط قال قلت للرضا شقتي بعيدة فلست
اصل اليك في كل وقت ممن آخذ معالم ديني قال من
زكريا بن ادم القمي المامون على الدين والدنيا وحج
الرضا سنة من المدينة وكان زكريا بن ادم زميله الى
مكة

زكريا بن ابرهيم الكوفي ق تج ٢

زكريا ابو يحيى كوكب الدم الموصلي ق م ضا تج د ٣
قال الكشي قال حمدويه عن العبيدي عن يونس قال ابو يحيى
الموصلي كوكب الدم كان يتحامى من الاخبار وقال العبيدي

اخبرني الحسن بن علي بن بطة بن انه كان بعرفنا بامام بيه
له فضل ودين وقال ابن الغضايري زكريا ابو يحيى
كوكب الدم كوفي ضعيف ق انتهى والظاهر ما ذكره
الشيخ في الرجال والكشي وابن الغضايري وا
وان كان يظهر من كلام العلامة قدس سره في خصه انه
رجلان وما ذكره ابن داود من انه وثقه الكشي وغيره
ليس بمستقيم

٤ زكريا بن ابي طلحة الكوفي ق يج

٥ زكريا بن ادريس بن عبد الله بن سعد الاشعري
القمي ابو جرير من اهل انه روى عن الصادق والكاظم
والرضا عليهم السلام له كتاب قال ذلك سعد قال
ابن عبده ابو جرير القمي ق روى عنه محمد بن خالد البر
كان وجها والظاهر انه اخذه من كلام النجاشي عند ذكر ابنه
ادريس حيث قال ادريس بن عبد الله بن سعد الاشعري
ثقة له كتاب وابو جرير القمي هو زكريا بن ادريس هذا
وكان وجها له كتاب روى عنه محمد بن الحسن بن ابي الخال

٦ زكريا بن اسحق المكي ق يج

٧ زكريا بن آخر الجعفي اخو ادريس وايوب ق له كتاب روى
عنه محمد بن موسى خش روى عنه محمد بن موسى خ ور

٨ زكريا بن الحسن الواسطي ق يج

٩ زكريا بن سابق روى الكشي عن جعفر وفضالة عن
ابي الصباح عن زكريا بن سابق قال وصف الائمة

لابي عبد الله حتى انتهيت الى جعفر فقال حسبك قد بلغت
الله لسانك وهدى قلبك وقد صح في موضع ابن
الصباح ابن الصباح ثم قال وفي ابن الصباح طعن
فالوقف متوجه على هذه الرواية ولم يثبت عندي هذا الذي
المشار اليه وكانه اشتبه على العلامة قدس سره

١٠ زكريا بن سابور الواسطي وثقه النجاشي عند ترجمة
اخيه بسطام

١١ زكريا بن سواده ابو يحيى البادي ق يج

١٢ زكريا بن شيبان روى الحديث عن الحسن بن ابي
العلاء ومحمد بن حمران وكليب بن معوية وصفوان بن
يحيى وروى عنه ابنه يحيى بن زكريا جش عند يحيى بن
زكريا بن شيبان

١٣ زكريا بن عبد الصمد القمي يكنى ابا جرير تقدم ضمنا يحيى

١٤ زكريا بن عبد الله القباض ابو يحيى الذي روى عن
الصادق والكاظم عليهما السلام قال ابن نوح و
روى عن ابي جعفر عليه السلام روى عنه ابو جعفر
الاحول والفضيل له كتاب روى عنه عمرو بن خالد جش
وفي يج القباض الكوفي ق

١٥ زكريا بن مالك الجعفي الكوفي ق يج

١٦ زكريا بن محمد ابو عبد الله المؤمن ق ظم ولقي الرضا
عليه السلام في المسجد الحرام وحكى عنه ما يدل على انه
كان واقفا وكان مخلط الامر في حديثه وله كتاب منحل

الحديث روى عنه محمد بن عيسى بن عبيد جش

١٧ زكريا بن مجزأة الكوفي ق ج

١٨ زكريا بن مهران الازدي الكوفي ق ج

١٩ زكريا بن يحيى النهمي كوفي ثقة له كتاب روى عنه ابراهيم بن سليمان جش

٢٠ زكريا بن يحيى الحضرمي الكوفي اسند عنه ق ج

٢١ زكريا بن يحيى الكلابي الجعفري كوفي ق ج

٢٢ زكريا بن يحيى المكتب مولاهم كوفي ق ج

٢٣ زكريا بن يحيى الواسطي ثقة ق ذكره ابن نوح له كتاب روى عنه ابراهيم بن محمد بن اسمعيل جش

١ زميله ق ج ونقل ابن داود توثيقه من الكشي ولم اجده في نوادر نوادره وذكر العلامة قدس سره في صه في باب الالف

١ زواد الكوفي ق ج

١ زويد النسائي الطحان الكوفي ق ج

١ زهرة بن حوية النهمي الكوفي ق ج

١ زهير بن عمرو ل ج

٢ ز هير بن جن سلن ج

٣ زهير بن محمد الخراساني ابو المنذر سكن البصرة ق ج له كتاب روى عنه ابن عياش القطان ست

٤ زهير الكوفي روى عنه حماد بن عثمان فرق ج

٥ زهير بن معوية ابو خيثمة الجعفي ق ج

١ زياد بن ابي اسمعيل الكوفي شريك ابن حفص الاحمر

ق ج

٢ زياد بن ابي الجعد بسجستي بعنوان زياد بن الجعد

٣ زياد بن ابي الحلال الكوفي ثقة ق له كتاب روى عنه محمد بن الوليد جش فرق ق ج له كتاب روى عنه القاسم بن اسمعيل ست

٤ زياد بن ابي رجاء فرق ج وقال الكشي قال محمد بن مسعود سالت ابن فضال عن زياد بن ابي رجاء فقال ثقة وسيجئ بعض احواله عند ذكر زياد بن علبي الحذاء

٥ زياد بن ابي زياد المنقري النهمي فق ج

٦ زياد بن ابي عياش واسم ابي عياش مسلم مولى ال دعش من محارب بن خصفة ق ذكره ابن عقدة وابن نوح ثقة سليم له كتاب روى عنه ثابت بن شريح الصابغ الانباري جش

٧ زياد بن احمر البجلي الكوفي ق ج

٨ زياد بن الاسود النجار مجهول فق ج

٩ زياد بن بياضة الانصاري ق ج

١٠ زياد بن الجعد ق ج من خواصه صدوق في النجاشي عند ترجمة رافع بن سلمة بن زياد بن ابي الجعد ثقة من بيت الثقات وعبونهم انتهى وكان اباه ابو الجعد كما يظهر من ذكر اخيه سالم بن ابي الجعد ابه

١١ زياد بن الحسن بن فرات النهمي القزاز ق ج

١٢ زياد بن الحسن الونشائي ج

١٣ زياد بن الحصين البجلي ق ج

١٤ زياد بن حفص البجلي ق ج

١٥ زياد بن حمير الهذاني الكوفي ق ج

١٦ زياد بن حقفة الجعفي الكوفي اسند عنه ق ج

١٧ زياد بن دسنم ق ج

١٨ زياد بن سابور الواسطي ابو الحسن اخو بسطام ثقة النجاشي عند ذكر اخيه بسطام فلاحظه

١٩ زياد بن سعد الخراساني ق ج

٢٠ زياد بن سليمان البلخي م ج

٢١ زياد بن سوقه وثقه النجاشي عند ترجمة حفص

٢٢ زياد بن سويد الهلالي مولاهم ق ج

٢٣ زياد بن صالح الهذاني الكوفي ق ج

٢٤ زياد بن ضمرة ابو مسكين الكوفي ق ج

٢٥ زياد بن عبد الرحمن الشيباني الكوفي ق ج

٢٦ زياد بن عبد الرحمن الهلالي مولاهم كوفي ق ج

٢٧ زياد بن عبيد عامله على البصرة ج

٢٨ زياد بن عمارة الطائي الكوفي ق ج

٢٩ زياد بن عيسى ابو عبيدة الحذاء كوفي مولى ثقة قرن واخته حماده بنت رجاء وقيل بنت الحسن روى عن الصادق ق قاله ابن نوح عن ابن سعيد وقال الحسن بن علي بن فضال ومن اصحاب ابي جعفر ابو عبيدة الحذاء واسمه زياد مات في حدود الصادق عليه السلام وقال سعد بن عبد الله الاشعري ومن اصحاب ابي جعفر عليه السلام ابو عبيدة وهو زياد بن ابي رجاء كوفي ثقة صحيح واسم ابي رجاء منذر وقيل زياد بن اخزم ولم يصح وقال العقيقي العلوي ابو عبيدة زياد الحذاء وكان حسن المنزلة عند ال محمد صلى الله عليه واله وكان زامل ابا جعفر الى مكة له كتاب يرويه علي وباسباب جش

٣٠ زياد بن عيسى ابو عبيدة الحذاء وقيل زياد بن رجاء قرن مات في حدود الصادق عليه السلام جح ولا يخفى من الفوارق بين الكلام النجاشي هنا وكلامه الشيخ في باب النساء من الرجال عند ذكر حماده بنت رجاء وكان ما في الرجال سهو

٣١ زياد بن عيسى الكوفي بياع الشابري ق جح

٣٢ زياد بن كعب بن مرحب تي ينظر في امره وما كان منه في امر الحسين وهو رسوله الى الاشعث بن قيس الى اذربايجان جح

٣٣ زياد بن مروان ابو الفضل وقيل ابو عبد الله الانباري الفندي مولى بني هاشم ق م ووقف في الرضا عليه السلام له كتاب روى عنه محمد بن اسمعيل الزعفراني في جش وافقي ق م جح وروى الكشي عن حمدويه عن الحسن بن موسى قال زياد هو احد اركان الوقف وروى عن يونس بن عبد الرحمن

بطريق ضعيف انه قال مات ابو الحسن عليه السلام والبر
عنده من اخوانه احد الا وعنده آمال الكثير وكان ذلك
سبب وفهم وجدهم مونه وكان عند زياد الف
سبعون الف دينار وقال المفيد في ارشاده انه من
خاصة الكاظم وثقاته واهل الورع والعلم والفقه من
شيعته وممن روى النص على الرضا عليه السلام

٣٣ زياد بن مسلم ابو عتاب الكوفي ق ج والظاهر
والذي ذكرناه بعنوان زياد بن ابي غياث والحمد لله
انه يظهر من كلام الشيخ قدس سره في هذا المقام وفي
في باب المواليات من الزيادات وغيره ان ابا عتاب كنية
لزياد ويظهر من كلام الحاشي والعلامة ان ابا عتاب
كنية لمسلم

٣٤ زياد بن المنذر ذكرناه بعنوان زياد بن ابي زياد

٣٥ زياد بن المنذر ابو الجارود الهمداني الخارفي الاعمى
الكوفي من اصحاب ابي جعفر وروى عن الصادق وتغير
حتى زيد رضي الله عنه لكتاب روى عنه ابو سهل كثير
بن عياش القطان جش وزيدي المذهب والبه ينسب
الجارودية الاصل ولم كتاب التفسير عن الباقر عليه السلام
ستة حديثه في حديث اصحابنا اكثر منه في الزيدية و
اصحابنا يكرهون ما رواه محمد بن سنان عن عبيد
ما رواه محمد بن بكر الارجي عن الاعمى الرجوع الى
الرجوعية من الزيدية وسماه بذلك الباقر عليه السلام

وذكر ان سرجوبا اسم شيطان اعمى ليس البحر كس ثم نبه على
ما يدل على كذبه وكفره

٣٦ زياد بن موسى الاسدي مولاهم الكوفي ق ج
٣٧ زياد بن النضر الحارثي ق ج
٣٨ زياد بن الهيثم الوشاء ج
٣٩ زياد بن يحيى الكوفي ق ج
١ زياده بن فضالة الكلبي مولاهم كوفي ق ج
١ زيتون بكنى ابا محمد في ق ج
١ زيد الاجوى مجهول في ج
٢ زيد بن ابي الحلال المزني كوفي ق ج
٣ زيد بن احمد الحلفي بزدكي من اصحاب ابي الحسن ع ج
٤ زيد بن ارقم الانصاري ل ق ن سين ج ورد في
الكشي عن الفضل بن شاذان انه من الشاذين الذين
رجعوا الى امير المؤمنين عليه السلام
٥ زيد بن اسلم مولى عمر بن الخطاب اكل العدد وابا يحيى
نظر بن ق ج وذكره في الكنى بين
٦ زيد بن بكير بن الحسن الكوفي ق ج
٧ زيد بن بيان الكفيلي كوفي ق ج
٨ زيد بن بيع ق ج
١ زيد بن ثابت ل ج
١٠ زيد بن جهيم الهلالي ق ج
١١ زيد بن حارثة والد اسامة بن زيد ي ج

١٢ زيد بن الحسن الانماطي ق ج

١٣ زيد بن الحسن بن علي بن ابي طالب عليه السلام
ابو الحسن الهاشمي ن ج

١٤ زيد بن الحصين الاسلمي من المهاجرين ت ج

١٥ زيد بن خالد الجهني ل ت ج

١٦ زيد بن ربيعة يكنى ابا معبد ت ج

١٧ زيد الوزاد كوفي ق ج له كتاب روى عنه ابن
ابي عبيرة زيد النرسي وزيد الوزاد هما اصلان
لم يروهما محمد بن علي بن الحسين بن بابويه وقال في
فهرسته لم يروهما محمد بن الحسن بن الوليد وكان
يقولهما موضوعان وكذلك كتاب خالد بن عبد الله
بن سدير وكان يقول وضع هذه الاصول محمد بن
موسى السمان وغلط ابو جعفر في هذا القول فاني
رايت كثيرا بهذا مسموعة من محمد بن ابي عبير عرضا والذي قاله
الشيخ عن ابن بابويه وابن الغضائري لا يدل على
في الوجلين فان كان توقف فهي رواية الكتابين فاما
لما وجد لاصحابنا بعد بلالها ولا طعنا فيها فوقفت عن
قبول روايتها صه وذكرهما في البابين

١٨ زيد بن سعد الاسكاف ق ج

١٩ زيد بن سوقة البجلي مولى حرب بن عبد الله ابو
الحسن الكوفي ق ج

٢٠ زيد بن سويد الانصاري الحارثي ق ج

٢١ زيد بن سهل ابو طلحة ل ج

٢٢ زيد بن سيف النبطي البكري الكوفي ق ج

٢٣ زيد الشحام سيجيء بعنوان زيد بن محمد بن بلوس

٢٤ زيد بن صالح الاسكاف ق ج

٢٥ زيد بن صوحان وكان من الابدال قتل يوم
الجمل وقبل ان عائشة استرجعت حين قتل ت ج
وروى الكشي لما صرع زيد بن صوحان رحمه الله
تعالى يوم الجمل جاء امير المؤمنين عليه السلام فجلس
عند راسه فقال رحمك الله يا زيد لقد كنت خفيفة
المؤنة عظيم المعونة ثم روى عن علي بن محمد بن قتيبة
عن الفضل بن شاذان انه من المنابين الكبار ورد
وزهادهم

٢٦ زيد بن عاصم بن المهاجر الكوفي ق ج

٢٧ زيد بن عبد الرحمن الاسدي الكوفي ق ج

٢٨ زيد بن عبد الله الجحاط روى عنه ابان يكنى ابا
حكيم كوفي مجهول اصلا مذكر ثقة ق ج

٢٩ زيد بن عبد الازدي الغامدي مولاهم كوفي ق ج

٣٠ زيد بن عطاء بن الشائب الثقفي كوفي ق ج

٣١ زيد بن عطية السلمي الكوفي ق ج

٣٢ زيد بن علي بن الحسين بن علي بن ابي طالب عليه السلام
ابو الحسين مكنا بابي فضل سنه احدى وعشرين ومائة
ولد اثنان واربعون سنة بن ق ج وقال

الکشی حدثنی نصر بن الصباح قال حدثنا [illegible] بن محمد البصری قال حدثنی علی بن اسمعیل [illegible] فضل الرا
قال دخلت علی ابی عبد الله بعد ما قتل زید بن علی فادخلت
بیتا جوف بیت فقال لی یا فضل قتل عمو زید قلت
جعلت فداک قال رحمه الله اما انه کان مومنا و
کان غازیا و کان عالما و کان صدوقا اما انه
لو ظفر لوفی اما انه لو ملک لعرف کیف یضعها
وقوله لو ظفر لوفی ای بتسلیم السلطنة الیه و یظهر منه
انه عهد الیه ثم قال الکشی قال ابراهیم بن محمد بن العباس
الخثعمی قال حدثنا احمد بن ادریس القمی عن محمد بن احمد بن
یحیی عن احمد بن محمد بن عیسی عن ابی جمیلة عن عبد الرحمن بن سیابة
قال دفع الی الصادق دنانیر و امرنی ان اقسمها
عیالات من اصیب مع عمه زید قال فقسمتها فاصا
عیال عبد الله بن الزبیر الرسا اربعة دنانیر
و زید بن علی بن الحسین بن زید روی محمد بن علی قال ۳۳
اخبرنی زید بن علی بن الحسین بن زید قال مرضت فدخل
الطبیب علی فلاوصف دواء احدی السمر کذا و کذا
یوما فلم یمکنی تحصیله لعلل و خرج الطبیب فبرأ و ورد
صاحب الحمر فی الحال و معه تمرة منها فذللت الدواء
بعینه فقال ابو الحسن یقربک السلام و یقول خذ هذا
الدواء کذا و کذا یوما فاخذت منه فبرئت قال محمد بن
علی قال لی زید بن علی یا محمد این الغلاة عن هذا الحدیث

کذا فی ارشاد المفید رحمه

۳۴ زید بن عباض الکنانی الکوفی ثقه
۳۵ زید بن محمد بن جعفر المعروف بابن ابی البلال الکوفی روی عنه
الثلعکبری له کتاب الفضائل و روی عنه الحسن بن علی بن الحسین الدوری
العلوی و روی عن علی بن الحسین بن بابویه لم یوثق
۳۶ زید بن محمد بن عطاء بن السائب الثقفی سند عنه ثقه
۳۷ زید بن محمد بن یونس ابو اسامة الشحام الکوفی فی فرق ثقه
ثم ذکره عند ذکر اصحاب الصادق فی بعنوان زید بن
یونس ابو اسامة الشحام الکوفی و قال فی الفهرست زید
الشحام یکنی ابا اسامة له کتاب یرویه عنه ابو جمیلة و
قال النجاشی زید بن یونس و قیل موسی ابو اسامة الشحام
مولی شیبان بن عبد الرحمن بن نعیم الازدی الغامدی
کوفی قدم له کتاب یرویه عنه صفوان بن یحیی و قال العلامة فی
ان زید بن یونس و قیل ابن موسی ابو اسامة الشحام ثقه عین و قال
ابن داود قال بعض اصحابنا و قیل ابن موسی و ذلک غیر واقفی
انتهی فلو سلم انه غیر موسی الواقفی نسلم انه لیس ابن موسی
الذی غیر الواقفی
۳۸ زید بن المسهل بن زرعة الاسدی الکوفی ثقه
۳۹ زید بن معقل ستین ثقه
۴۱ زید النرسی فی م له کتاب یرویه عنه ابن ابی عمیر حس
و ذکرنا بعض احواله عند ترجمة زید الزراد
۱۴۵ زید بن موسی واقفی م ثقه

٤٢ زيد بن وهب الجهني كوفي ق تج له كتاب خطب امير المؤمنين عليه السلام على منابر في الجمع والاعياد وغيرها ذكر عنه ابو منصور الجهني تت

٤٣ زيد بن هانئ السبيعي ق تج

٤٤ زيد بن يونس ذكرناه بعنوان زيد بن محمد بن يونس

١ زين الدين بن علي بن احمد بن جمال الدين العاملي الشهير بالشهيد الثاني رحمه الله تعالى وجه من وجوه هذه الطائفة وثقاتها لبر الحفظ بقي الكلام له لانا نجد اجلاءه ولد كتب نفيسة جيدة منها شرح شرائع المحقق الحلي قدس سره قتل رحمه الله تعالى لاجل التشيع في قطيفة في سنة تسع وتسعين وتسعمائة رضي الله عنه وارضاه وجعل الجنة مثواه

وكانت ولادته في سنة احدى عشرة وتسعمائة ١٠

باب السين

١ سالم مجهول ق تج

٢ سالم بن ابي الجعد ج تج وفي اخر الباب الاول من رجال امير المؤمنين عليه السلام

وعبيده وزياد ثقة لم يعد الا يتجنبون من خواص امير المؤمنين عليه السلام

٣ سالم بن ابي حفصة زياد مات سنة سبع وثلثين وثلثمائة في جموة الضاد في عليه السلام له كتاب روى عنه يعقوب بن يزيد جش وروى الكشي روايات كثيرة تدل على ان الصادق عليه السلام لعنه ولعنه وكفره

٤ سالم بن ابي سلمة الكندي البجلي احد شهود الجمل بالنقي

وان كنا لا نعرف منه الا اجر الكتاب روى عنه ابنه محمد بن سالم بن ابي سلمة جش ضعيف روايته مخلطة غض

٥ سالم الغفار يجيء بعض احواله عند ترجمة سلمة بن كهيل وكانا المذكور بعنوان سالم بن ابي حفصة

٦ سالم الخياط ابو الفضل كوفي مولى ثقة ق ذكره ابو العباس روى عنه عاصم بن حميد وابن بن عمارة له كتاب يرويه صفوان جش سالم ابو الفضل الخياط روى عنه عاصم بن حميد ق تج وفي صه رأيته سالم وما وقع في الاخبار سالم كما ذكره النجاشي والظاهر انهما واحد فد يكتب بالالف وقد يكتب بغيرها

٧ سالم بن سعيد الكوفي ق تج

٨ سالم بن سلمة ابو خديجة الرواجني الكوفي ق تج وفي سالم بن سلمة ابو حديجة الرواجني ق تج مهمل كش ثقة ثقة افول وهذا غير سالم بن مكرم وذاك ايضا ابو خديجة وهو الجمال مولى بني اسد ذاك من الضعفاء انتهى ولم اجد في الكشي والنجاشي اصلا نعم ذكر النجاشي سالم بن مكرم وقال ثقة ثقة كما سنقله +

٩ سالم بن عبد الله الازدي الجصاص الكوفي ق تج

١٠ سالم بن عصيا ابو عبد الله كوفي ق تج

١١ سالم بن عمار الصابدي الهمداني الكوفي ق تج

١٢ سالم بن مكرم بن عبد الله ابو خديجة ويقال ابو سلمة الكناسي يقال صاحب الغنم مولى بني اسد الجمال يقال

٩ + سالم بن عبد الرحمن الاشل ومعنى الاشل في جعفر بن محمد الصادق عليه السلام ١١ = ١٢

١٠ ابو عبد الله سالم بن سالم سالم بن عبد الله ق تج

بجيلة

كنيته كانت ابا خديجة وان الصادق عليه السلام كناه
ابا سلمة ثقة ثم لكاب روى عنه الحسن بن علي
الوشاء جش سالم بن مكرم يكنى ابا خديجة ومكرم يكنى
ابا سلمة ضعيف لكاب روى عنه احمد بن عايذ وعبد
الرحمن بن ابي هاشم ست قال محمد بن مسعود سالت
ابا الحسن علي بن الحسن عن اسم ابي خديجة قال سالم
بن مكرم فقلت له ثقة قال صالح وكان من افاضل
الكوفة وكان جمالا وذكر انه حمل الصادق عليه
السلام من مكة الى مدينة قال اخبرنا عبد الرحمن
بن ابي هاشم عن ابي خديجة قال قال الصادق عليه
السلام لا تكنين ابا خديجة فلم ابن فلم اكن قال عليه السلم
يا بني سلمة قال سالم من اصحاب ابي الخطاب وكان في
المسجد يوم بعث عيسى بن موسى بن علي بن عبد الله
بن العباس وكان عامل المنصور على الكوفة الى بني
الخطاب لما بلغه انهم قد اظهروا الاباحات ودعوا
الناس الى نبوة ابي الخطاب وانهم يجتمعون في المسجد
ولزموا الاساطين يورون الناس انهم قد لزموها
للعبادة وبعث اليهم رجلا فقتلهم جميعا لم يفلت
منهم الا رجل واحد اصابته جراحات فسقط بين
القتلى وبعدهم فلما جنه الليل خرج من بينهم
فتخلص وهو ابو سلمة سالم بن مكرم الجمال الملقب
بابي خديجة فذكر بعد ذلك انه تاب وكان ممن يزعم القول بي

الحديث كش وفضل العلامة قدس سره في صه نوشفه
عن الشيخ الطوسي رحمه الله مع ما نقلناه وقال الوحيد
عندي التوقف لتعارض الاقوال فيه انتهى ولا يبعد
ان يكون سالم بن مكرم هذا الذي ذكرناه بعنوان
سالم بن ابي سلمة الكندي واحدا وان كان النجاشي
ذكرهما كما يظهر مما نقلناه من الفهرست

الشايب بن غادة الحضرمي الكوفي ق ج ١
الشاب بن بزبذ ل ج ٢
سبرة بن معبد ل ج ١
سجيم السندي ق ج ١
سدير بن حكيم الصيرفي كوفي يكنى ابا الفضل والد حنان ١
بن قزق ح وقال الكشي حدثنا محمد بن مسعود عن علي بن محمد
بن فيروزان عن محمد بن احمد بن يحيى عن ابو هيم بن هاشم
عن عمرو بن عثمان عن محمد بن عذافر ان الصادق عليه
قال سدير عصيدة بكل لون انتهى والعصيدة طعام
معروف وفضل العلامة قدس سره هذه الرواية عن
الكشي وذكر في موضع فيروزان مرزبان والظاهر سهو
كما يظهر من الرجال وغيره وسقط من اول هذه الرواية
اسم محمد حيث قال عن مسعود عن علي الى اخره ثم قال
الكشي حدثنا علي بن محمد القتيبي قال حدثنا الفضل
بن شاذان عن ابن ابي عمير عن بكر بن محمد الازدي
قال ودعم لي زيد الشحام قال اني لاطوف حول الكعبة

وكنى ابى الصادق عليه السلام قال وددت يجرى
على خده فقال يا شمام ما دابت ما صنع ربنا الى ثم بكى
ودعا ثم قال لى يا شمام انى طلبت الى الجهنى سدير وعبد
السلم بن عبد الرحمن وكانا فى السجن فوهبهما الى فخلى
سبيلهما وقال العلامة فى حقه قال السيد على بن احمد
العقيقى سدير الصيرفى واسمه سلمة كان مخلطا

١ سديف الكوفى شاعر قر تج

١ السرى روى الكشى بطريق صحيح ان الصادق عليه
السلام لعنه

٢ السرى بن حبان الازدى الكوفى ق تج

٣ السرى بن خالد الناجى ق تج

٤ السرى بن سلامة الاصفهانى ذكى تج له كتاب روى
عنه احمد بن ابى عبد الله ست

٥ السرى بن عاصم له كتاب الديباج رواه ابو بكر احمد
بن منصور ست

٦ السرى بن عبد الله بن الحرث بن العباس بن عبد
المطلب بن تج

٧ السرى بن عبد الله بن يعقوب السلمى كوفى ثقة ق
ذكره اصحابنا فى الرجال روى عنه الحسن بن الحسين العرنى
ومحمد بن يزيد الخزاعى وغيرهما له كتاب روى عنه عباد بن
يعقوب حش ق تج

٨ السرى بن عبد الله الهذانى كوفى ق تج

سعاد بن سليمان النهمى الكوفى ق تج ١

سعاد بن عمران الكلبى الكوفى ق تج ٢

سعد بن ابرهيم بن عبد الرحمن بن عوف الزهرى ١
المدنى ق تج

سعد بن ابى خلف يعرف بالزام مولى بنى زهرة من ٢
كلاب كوفى ثقة ق تم له كتاب يروى عنه جماعة منهم
ابن ابى عمير حش ثقة ق تم تج له اصل روى عنه الحسن
محبوب واحمد بن محمد ست

سعد بن ابى سعيد المقبرى يتميز لانه سكن المغابر ٣
ذكره ابن قتيبة ق تج

سعد بن ابى عمرة الجلاب قر تج ٤

سعد بن ابى عمران واقفى اضاد ق تم تج ٥

سعد بن ابى وقاص ل تج وقال ابو عمرو الكشى ٦
وجدت فى كتاب ابى عبد الله الكشاذانى قال احمد بن
جعفر بن محمد المذابنى عن موسى بن القاسم البجلى عن
صفوان عن عبد الرحمن بن الحجاج عن ابى عبد الله
عن ابائه عليهم السلام قال كتب على عليه السلام
الى والى المدينة لا تعطين سعدا ولا ابن عمر من
الفئ شيئا فاما اسامة بن زيد فانى قد عذرته
فى الميل التى كانت عليه

سعد الاسكاف يكنى ابا عثمان سعد بن طريف ٧

سعد الحداد مجهول قر تج وفى ضد سعد الزنجى ٨

قد سعد

ذ سعد ولعله الصواب

٩ سعد بن حدبقة بن البنان ق تج

١٠ سعد بن الحسن الكندي مجهول قر تج

١١ سعد بن حبة ابو عمار الهمداني اصيب عنه بصفين ق تج

١٢ سعد بن حبد الباهلي كوفي ق تج

١٣ سعد خادم ابي داف العجلي سائل الرضا عليه السلام روى عنه احمد بن محمد بن خالد جش ونقل ابن داود عن النجاشي بعنوان سعيد بالياء وهو سهو

١٤ سعد بن خلف واقفي م تج

١٥ سعد بن خليد العنبري الكوفي ق تج

١٦ سعد بن زياد الاسدي الكوفي ق تج

١٧ سعد بن زياد بن ودبعة ق تج

١٨ سعد بن زبدل تج

١٩ سعد بن سعد بن الاحوص بن سعد بن مالك الاشعري الفقيمي ثقة ضا ذكا بر المبوب رواية عباد بن سليمان كا بر غير المبوب رواية محمد بن خالد جش سعد بن سعد الاحوص بن سعد بن مالك الاشعري فهو ثقة ضا تج سعد بن سعد الاشعري له كتاب روى عنه محمد بن الحسين بن ابي خالد سنبولة ست ثم قال سعد بن الاحوص الاشعري له كتاب روى عنه البرقي انتهى والظاهر اتحاده

٢٠ سعد بن سعيد البلخي م تج

٢١ سعد بن سباد الكوفي ق تج

٢٢ سعد الصفار من اصحاب العباشي لم تج

٢٣ سعد بن الصلت الجعلي الكوفي القاضي ق تج

٢٤ سعد بن طالب ابو غيلان الشيباني الكوفي ق

٢٥ سعد بن طريف الحنظلي الاسكاف كوفي فر ب وبكر روى عن الاصبغ بن نباتة وروى عن ابي جعفر والصادق عليهما السلام وكان قاضيا لكتاب رسالة الباقر عليه السلام البه روى عنه ابو جميلة جش صحيح الحديث بن فر ق تج وقال الكشي حدثني حمدويه قال حدثني محمد بن عيسى ومحمد بن مسعود قال حدثني محمد بن نصير قال حدثني محمد بن عيسى قال حدثني الحسن بن علي بن فضال عن حفص بن محمد المؤذن عن سعد الاسكاف قال قلت لابي جعفر عليه السلام اني اجلس فاقضي واذكر حفكم قال ودد ان على كل ثلثين ذراعا قاضيا مثلك قال احمد وبه سعد الاسكاف وسعد الحفاف وسعد بن طريف واحد قال نصر فلا ادري على الحسين قال احمد وبه وكان ناووسيا ووقف على الصادق عليه السلام وقال ابن الغضائري ضعيف وذكره في الباب بن وقال انه ضا ولم اجد في كتب الرجال انه روى عن الرضا عليه السلام

عه قوله وكان ناووسيا قد نقلت مذهب الناووسية في الحاشية عند ترجمة ابان بن عثمان منه

سعد بن ظريف الشاعر في ج وكانه المذكور سابقا
٢٦ سعد بن عبد الله بن سعيد بن ج
٢٧ سعد بن عبد الله بن ابي خلف الاشعري القمي ابو القاسم شيخ هذه الطائفة ووجهها ووجهها كان يصح من حديث العامة شيئا كثيرا وسافر في طلب الحديث لقي مولانا ابا محمد عليه السلام ورأى بعض اصحابنا يضعفون اقاويله لابي محمد عليه السلام ويقولون هذه حكايته موضوعة عليه والله اعلم وكان ابوه عبد الله بن ابي خلف قليل الحديث روى عن الحكم بن مسكين وروى عنه احمد بن محمد بن عيسى وضعف سعدا كثيرا وروى عنه حمزة بن القاسم وروى جعفر بن محمد عن ابيه واخيه عنه قال الحسين بن عبيد الله رحمه الله حدث بالمنجاب الذي القاسم بن تولويه رحمه الله تعالى اقرأها عليه فقلت حدثك سعد قال لا بل حدثني ابي واخي عنه وانا لم اسمع من سعد الا حديثين توفي سعد رحمه الله تعالى سنة احدى وثلثمائة وقيل سنة تسع وتسعين ومائتين وهو جليل القدر واسع الاخبار كثير التصانيف تقدم كتبه محمد بن علي بن الحسين عن ابيه ومحمد بن الحسن عنه وروى احمد محمد بن يحيى عن ابيه عنه ت وذكره الشيخ عند ذكر اصحاب العسكري عليه السلام وقال غاصره ولم اعلم انه روى عنه ثم ذكره في باب من لم يرو عن الائمة عليهم السلام وقال جليل القدر وصاحب تصانيف ذكرناه في الفهرست وروى عنه ابن ابي الوليد وغيره وروى ابن بابويه عن ابيه عنه وذكره في الكنى والالقاب وذكره في باب الضعفاء عجبا لانه لا ارتياب في توثيقه

٢٨ سعد بن عمرو تي ج

٢٩ سعد بن عمران ويقال سعد بن فيروز كوفي مولى كان خرج يوم الجماجم مع ابن الاشعث يكنى ابا البحتري ي ج وفي اخر الباب الاول من رضه وقد سعيد بن فيروز

٣٠ سعد بن عمران الفهمي ج ونقل ابن داود عن جمال الشيخان سعد بن عمران الانصاري م وافقني ولم اجد من الرجال الا كما نقلناه نعم ذكر الشيخ رحمه الله تعالى هذه العبارة في شان سعد بن ابي عمران كما نقلنا ونقلها العلامة في ترجمته

٣١ سعد بن عمر الطائي السبيعي الكوفي ق ج

٣٢ سعد بن مالك الخزاعي يكنى ابا سعيد الحذري الانصاري المروزي المدني ي ج وروى الشيخ رحمه الله تعالى في التهذيب في باب سلعن الخضر من الزيادات بطريق صحيح عن الصادق عليه السلام انه كان مسنفما وروى الكشي ايضا بطريق صحيح عن الصادق عليه السلام انه كان مسنفما وروى الكشي ايضا عن الفضل بن شاذان انه من الثابتين الذين رجعوا الى امير المؤمنين عليه السلام ونقل العلامة في اخر الباب الاول من رضه عن البرقي انه من الاصفياء

٣٣ سعد بن مسلم الذي روى عن عمر بن تويه كتابا

انزله

اثر لثناء لا تعرفه صه

٣٤ سعد بن معاذ ل تج وذكر الصدوق رحمه الله في باب البشرة من الجنة ان رسول الله صلى الله عليه واله وضع رداءه في جنازة سعد بن معاذ رحمه الله فسئل عن ذلك فقال اني رايت الملائكة قد وضعت ايديها فوضعت ردائي

٣٥ سعد بن وهب الهمداني ق تج وفي نسخة سعيد

٣٦ سعد بن هاشم الاديحي الهمداني كوفي ق تج

٣٧ سعد بن يزيد ابو مجاهد كوفي ق تج

١ سعدان بن عمار الطائي ق تج

٢ سعدان بن مسلم واسمه عبد الرحمن بن مسلم ابو الحسن البارمي ق م وعمر عمرا طويلا له كتاب روى عنه محمد بن سلم عيسى بن عبيد جش له اصل روى عنه محمد بن غزا وصفوان بن يحيى والعباس بن معروف وابو طالب عبد الله بن الصلت القمي واحمد بن اسحق ست

٣ سعدان بن واصل الازدي الكوفي ق تج

١ سعيد بن ابي الاسود الكوفي ق تج

٢ سعيد بن ابي الاصبغ الكوفي ق تج

٣ سعيد بن ابي الجهم الفاء وسمي اللخمي ابو الحسين من ولد فابوس بن النعمان بن المنذر كان سعيد ثقة وجده وجها بالكوفة وال ابي الجهم بيت بالكوفة روى عن ابان بن تغلب فاكثر عنه وروى عن الصادق والكاظم عليهما السلام له كتاب روى عنه الحسين بن سعيد جش

سعيد بن ابي حماد الازدي ق تج ٤

سعيد بن ابي حازم الاحمسي روى عنه ابان ق تج ٥

سعيد بن ابي الخصيب البجلي ق تج ٦

سعيد بن ابي هلال المدني قدم مصر ق تج ٧

سعيد بن احمد بن موسى ابو القاسم الغراء الكوفي ٨
كان ثقة صدوقا له كتاب رواه عنه هرون بن موسى ومحمد بن عبد الله جش

سعيد بن اخي صفوان بن يحيى اخو فارس الناقل صنا تج ٩

سعيد الاعرج سبخي يعني سعيد بن عبد الرحمن ١٠

سعيد بن بيان ابو حنيفة سابق الحاج الهمداني ثقة ١١
له كتاب روى عنه عيسى بن هشام الناشري جش ق تج وقال الكشي قال محمد بن مسعود قال حدثني محمد بن الحسن عن عمرو بن عثمان عن بعض اصحابنا عن الصادق عليه السلام قال اني قبر امير المؤمنين عليه الصلوة والسلام فقال هذا سابق الحاج فقال لا قرب الله داره هذا خاسر الحاج بغلب البهيمة وبقر الصلوة لترج البقر فاطرده ثم قال الكشي حدثني محمد بن الحسن البراثي وعثمان بن حامد قالا حدثنا محمد بن يزداد عن محمد بن الحسين عن المرخم عن عبد الله بن عثمان قال ذكر عند الصادق عليه السلام ابو حنيفة السابق وانه يسير في اربعة عشر

قال الاصلوة لانتهى والظاهر ان المراد بقوله عليه السلام يبقى
اربعة عشر انه يسير من العراق الى الكوفة في اربعة عشر كما
يشهد عليه ما استفدت من استادي مد ظله العالي
من بعض الاخبار والذي يدل على انه اهل بالكوفة ووقف
الناس بعرفة فقال عليه السلام لاصلوة له وكذا
يظهر من الكشي ايضا وفي نسخة ابو حنيفة كما في بعض النسخ الخطية
واما في خاتمة الخلاصة والايضاح ابو حنيفة ولعله
الصواب وذكره د في الثابتين عم

١٢ سعيد بن جبير ابو محمد مولى بني والبة اصله الكوفة
نزل مكة تابعي ثق ج وقال الكشي قال ابو المغيرة قال
حدثني الفضل عن ابيه عن هشام بن سالم عن الثمالي
عليه السلام قال ان سعيد بن جبير كان بايع بعلي
الحسن عليه السلام وكان على شرطة جلبه وما كان
سبب قتل الحجاج له الا على هذا الامر وكان مستفيضا قال
الفضل بن شاذان ولم يكن في زمن علي بن الحسين في اول
الامة افقه من سعيد بن جبير سعيد بن المسيب محمد بن
جبير يحيى بن ام الطويل ابو خالد الكابلي واسمه وردان
ولقبه كنكر

١٣ سعيد بن جناح الازدي مولاهم بغدادي قال له
كتاب روى عنه عبد الله بن محمد بن خالد الطيالسي ثم قال
في باب الاحاد ان سعيد بن جناح اصله كوفي نشا
ببغداد ومات بها مولى الازد وقال مولاهم د

١٤ سعيد الحداد ذكرناه بعنوان سعد الحداد

١٥ سعيد بن الحرث المكي بن ج

١٦ سعيد بن حسان المكي قن ج

١٧ سعيد بن الحسن ابو عمرو العبسي ق ج

١٨ سعيد بن حكيم ابو زيد العبسي الكوفي ق ج

١٩ سعيد بن حماد مجهول شاج

٢٠ سعيد خادم ابي دلف الذي ذكره د ذكرناه بعنوان سعيد

٢١ سعيد بن خيثم ابو مهران الهلالي ضعيف هو واخوه مهران
رويا عن الباقر والصادق عليهما السلام وكان من
دعاة زيد بن علي كان زيديا وحديثه في حديث اصحابنا
وهو تابعي على ما زعم يروي عن جده لامه عبيد بن عمير
عن النبي صلعم قرن وهو ضعيف جدا لا يرتفع بغمز
ونقل ابن داود عن الكشي انه كان ناووسيا وقف
على ابي عبد الله ثم نقل عن ابن الغضايري انه روى عن
الاصبغ بن نباتة ولم اجد في الكشي وابن الغضايري
هذا انهم ذكروا هذا في شان سعد بن طريف وكانه سبق

وروى الشيخ الصدوق محمد بن علي بن بابويه في باب كيف
ينبغي ان يصلى على الجنازة وتركيفيته عن ابي بصير
عن ابي عبد الله عليه السلام قال سمعت
الوليد بن صبيح يقول لابي
عبد الله عليه السلام ان ابا
حنيفة راى في المنام ذي
الحجة بالقادسية وشهد
معه عرفة فقال
لهذا صلوة
في هذا
صلوة منذ

٢٢ سعيد الرقي مولى لبني عبد الله روى عنه حماد بن ابان ق ج

٢٣ سعيد بن زيد البزاز الكوفي ق ج

٢٤ سعيد بن سالم الازدي مولاهم كوفي ق ج

٢٥ سعيد بن سالم القداح المكي ق ج

٢٦ سعيد بن سعد بن سليمان له نسخة يرويها عنه ابانه روى عنه العباس بن بكار حش

٢٧ سعيد بن سعد الجرجاني ق ج

٢٨ سعيد بن سفيان الاسلمي المدني ق ج

٢٩ سعيد بن شيبان مولى اشيم كوفي ق ج

٣٠ سعيد بن عبد الجبار الوتيدي ق ج

٣١ سعيد بن عبد الرحمن وقيل ابن عبد الله الاعرج الثمان ابو عبد الله النهمي مولاهم كوفي ثقة ق ذكره ابن عقدة وابن نوح له كتاب روى عنه صفوان حش

٣٢ سعيد الاعرج فاضل روى عنه علي بن الثمان وصفوان بن يحيى ست وذكره ذمرة بعنوان سعيد الاعرج وذكره بعنوان سعيد بن عبد الرحمن الاعرج

٣٢ سعيد بن عبد الرحمن المخزومي المكي ق ج

٣٣ سعيد بن عبد الله مولى بني هاشم ق ج

٣٤ سعيد بن عبد الله الاعرج فاضلي بعنوان سعيد بن عبد الرحمن الاعرج

٣٥ سعيد بن عبد الملك الكوفي ق ج

٣٦ سعيد بن عثمان ق ج

٣٧ سعيد بن عطارد الكوفي وقال له ابن ابي الثمان ق ج

٣٨ سعيد بن عفير الازدي ق ج

٣٩ سعيد بن عمر ابن ابي نصر الكوفي ق ج

٤٠ سعيد بن عمر الجعفي الكوفي ق ج

٤١ سعيد بن غزوان الاشتري مولاهم كوفي اخو فضيل ق ثقة وابنه محمد بن سعيد بن غزوان روى ايضا له كتاب روى عنه ابن ابي عمير حش

٤٢ سعيد بن فيروز الذي ذكره العلامة وابن داود ذكرناه بعنوان سعد بن عمران

٤٣ سعيد بن فيروز المكي ق ج

٤٤ سعيد بن قيس الهمداني الكوفي تج قال الفضل بن شاذان انه من التابعين الكبار ودوساتهم ورفقائهم كش

٤٥ سعيد بن قيس الهمداني الصائد الكوفي ق ع

٤٦ سعيد بن لقمان الكوفي ق ج

٤٧ سعيد بن محمد بن عبد الرحمن الانصاري المدني ج

٤٨ سعيد بن المرجانة المدني بن ج

٤٩ سعيد بن المرزبان ابو سعيد الكوفي بن ع

٥٠ سعيد بن مسعود الثقفي ج

٥١ سعيد بن مسلمة كوفي له كتاب روى عنه ابن ابي عمير

٥٢ سعيد بن المسيب بن حزن ابو محمد المخزومي وهو

السند الاول بن ﺠ وروى الكشي بطريق منه علي بن
سليمان بن داود عن ابي الحسن عليه السلام انه من
حواري علي بن الحسين عليه السلام وروى ما يدل
على ذمه ايضا وذكرنا بعض احواله عند ترجمة سعيد
جبير وسنذكر بعض احواله عند ترجمة القاسم بن محمد
بن ابي بكر

٥٣ سعيد بن معبوث نقل عن الكشي انه مذموم
ذيدي ولم اجد هذا الرجل في الكشي وغيره اصلا
وكان هذا سعيد بن منصور الاتي

٥٤ سعيد بن منصور روى الكشي عن حمدويه عن
ايوب عن خنان بن سدير قال كنت جالسا عند
الحسن بن الحسين فجاء سعيد بن منصور وكان من
ذوي الزهادة فقال ما ترى في النبيذ فان زيدا
كان يشربه عندنا فقال ما اصدق على زيد انه
كان يشرب مسكرا قال بلى قد يشربه قال فان كان
فعل فان زيدا ليس بنبي ولا وصي نبي انما هو رجل من
ال محمد يخطي ويصيب

٥٥ سعيد بن وهب الجهني ﺠ

٥٦ سعيد بن وهب الهمداني ﺠ وفي نسخة سعد بن
وهب كما مضى

٥٧ سعيد بن هلال الثقفي الليثي كوفي ﺠ

٥٨ سعيد بن هلال بن جابان احسبه مولى لبني اسد

ولد اخوه عبد الله وابرهيم وسليمان ن ﺠ

٥٩ سعيد بن هلال بن عمرو الازدي كوفي ابو سعد
ن ﺠ

سعيد بن يحيى ابو عمرو الازدي كوفي ابو سعد

سعيد بن يحيى ابو عمرو البزاز القطيعي الكوفي ن ﺠ ٦٠

٦١ سعيد بن يحيى الهمداني الشاكري ن ﺠ

٦٢ سعيد بن ابي سعيد الصيقل مولى بني ضبيعة بن عجل بن
لجيم الخياط الكوفي ن م ق له كتاب يرويه عنه جم
اصحابنا منهم محمد بن ابي حمزة جش له اصل روى عنه
علي بن النعمان وصفوان بن يحيى ست

١ سعير بن حليفا المذحجي الكوفي ن ﺠ

٢ سعير بن الخمس النهمي الكوفي ن ﺠ

١ سفيان بن ابرهيم بن يزيد الازدي الجريري
مولى كوفي ن ﺠ

٢ سفيان بن ابي زهير ﺠ

٣ سفيان بن ابي عمرو البارقي كوفي ن ﺠ

٤ سفيان بن ابي ليلى الهمداني ن ﺠ وروى الكشي
بطريق ضعيف انه من حواري الحسن ثم قال الكشي روى
عن علي بن الحسن الطويل عن علي بن النعمان عن عبد
الله بن مسكان عن ابي حمزة عن ابي جعفر قال جاء رجل
من اصحاب الحسن عليه السلام يقال له سفيان بن

وهو على راحلته فدخل على الحسن فقال له السلام عليك
يا مذل المؤمنين فقال له الحسن انزل ولا تجعل منزل
فقال له الحسن ما قلت فقال قلت يا مذل المؤمنين
قال وما اعلمك بذلك قال عمدت الى امر الا تخلقه
من عقلك وقلة هذه الطائفة يحكم بغير ما انزل الله
قال فقال الحسن ساخبرك لم فعلت ذلك قال نعم
ابى بقول قال رسول الله لن تذهب الايام والليالى
حتى يلي امر هذه الامة رجل واسع البلعوم رحب البطنة
يأكل ولا يشبع وهو معوبه فلذلك فعلت ما جاء بك
قال حبك قال الله فقال الحسن والله لا يحبك
ابدا ولو كان سبرا في الدليم الا قحمه الله بحبنا اهل
بيت الا قلم الذنوب من بني ادم كما تساقط الورق اليابس من الشجر

٥ سفيان بن اكيل ق ج

٦ سفيان الثوري يكنى بعنوان سفيان بن سعيد بن
مسروق

٧ سفيان بن حسان الهذلي الكوفي ق ج

٨ سفيان بن خالد الازدي ق ج

٩ سفيان بن خالد الاسدي الكوفي ق ج

١٠ سفيان بن سريع ت بن ج

١١ سفيان بن سعيد العبدي الكوفي ق ج

١٢ سفيان بن سعيد بن مسروق ابو عبد الله
الثوري ق ج ليس من اصحابنا صه د

١٣ سفيان بن سمط البجلي الكوفي يأتي عنه في ج

١٤ سفيان بن صالح ذكره ابن بطة في فهرسته قال
لكتاب روى عنه ابن ابي عمير حش

١٥ سفيان بن عبد الرحمن مولى بني هاشم الكوفي ق ج

١٦ سفيان بن عبد الله الثقفي ج

١٧ سفيان بن عبد الملك الجعفي مولاهم ق ج

١٨ سفيان بن عيينة سيجئ بعنوان سفيان بن عيينة

١٩ سفيان بن عيينة الثقفي الكوفي ق ج

٢٠ سفيان بن عيينة المزني ق ج

٢١ سفيان بن غارة الازدي الكوفي ق ج

٢٢ سفيان بن غارة الطائي الكوفي ق ج

٢٣ سفيان بن عيينة بن ابي عمران الهلالي الرقي نسخة
عن الصادق عليه السلام روى عنه محمد بن ابي
عبد الرحمن عليه السلام حش وروى الكشي عن محمد بن مسعود
عن علي بن الحسن عن محمد بن الوليد عن العباس
بن هلال قال ذكر ابو الحسن الرضا ان سفيان
بن عيينة لقي الصادق فقال له يا ابا عبد الله
الى متى هذه التقية وقد بلغت هذا السن فقال
والذي بعث محمدا بالحق لو ان رجلا صلى ما بين
الركن والمقام عمره ثم لقي الله بغير ولايتنا اهل
البيت عليهم السلام للقي الله بميتة جاهلية
ثم روى الكشي عن حمدويه بن نصير عن محمد بن

البلعوم مجرى الطعام

عيسى عن علي بن اسباط قال قال سفيان بن عيينة لابي
عبد الله انه يروى ان عليا بن ابي طالب كان ليس
من الثياب وانت تلبس الفوطي المروي قال ويحك ان
عليا كان في زمان ضيق فاذا اتسع الزمان فالزار
الزمان اولى به وقال العلامة قدس سره ليس من اصحابنا
ولا من عدادنا وذكره ابن داود في باب الثقات
ونقل عن الكشي انه مدحه وحمده في باب الضعفاء و
قال ليس من اصحابنا ولا من عدادنا وفي ضه د
عيينة بالباء واما في الكشي والرجال عيينة بالتاء المثناة فوق

٢٤ سفيان بن ابي ليلى قد مضى بعنوان سفيان بن ابي ليلى

٢٥ سفيان بن مالك الكوفي ق ج

٢٦ سفيان بن مصعب العبدي ابو محمد قال نصر بن الصباح
حدثني اسحق بن محمد البصري قال حدثني محمد بن جمهور
قال حدثنا ابو داود والمسترق عن علي بن النعمان عن سفيان
قال قال الصادق عليه السلام باسعد الشيعة على الارض
شعر العبدي فانه علي بن الله قال ابو عمرو في اشعاره ما
يدل على انه كان من الطيارة كش ونقل العلامة في ضه
عن الكشي هذه الرواية مرة في شان سفيان بن مصعب العبدي
ومرة في شان سيف وفي رجال الشيخ سفيان بن مصعب

٢٧ سفيان بن وردان الاسدي الكوفي ق ج

٢٨ سفيان بن يزيد اخذ الراية ثم اخوه عبيد بن يزيد
ثم اخوه كريب بن يزيد ثم اخذ الراية عمرو بن بشر ثم اخوه
الحرث بن بشر فقتلوا ثم اخذ الراية وهب بن كريب ابو
القاسم حج وفي ضه في موضع كريب بن يزيد وهو بن
يزيد وفي ذكر كريب بن يزيد كما نقلناه ولعل الصواب

سفينة ابو ريحانة ل ج ١
سكرة الجمال الكوفي ق ج ١ ١
سكن بن عمارة الجعفي الكوفي ق ج ١
سكن بن يحيى الاسدي مولاهم كوفي ق ج ٢
سكين بن ابي فاطمة الجعفي ق ج ١
سكين بن اسحق الضحى الكوفي ق ج وقال الكشي قال ٢
محمد بن مسعود كتب الي الفضل بن شاذان يذكر عن ابن
ابي عمير عن ابرهيم بن عبد الحميد قال حجمت وسكين الضحى
فعبد وترك النساء والطيب والشباب والطعام الطيب وكان
لا يرفع راسه داخل المسجد الى النساء فلما اتيته المدينة
دنى مني ابو اسحق فصلى الى جانبه فقال جعلت فداك
اني ادبدان اسئلك عن مسائل قال اذهب فاكتبها
وارسل بها الي فكتبت جعلت فداك رجل دخله الخوف
من الله عز وجل حتى ترك النساء والطعام الطيب ولا
يقدر ان يرفع راسه الى النساء واما الثياب فشك
فيها فكتب اما قولك في ترك النساء فقد علمنا ما كان
لرسول الله من النساء واما قولك في ترك الطعام الطيب
فقد كان رسول الله ياكل اللحم والعسل واما قولك
انه دخله الخوف حتى لا يستطيع ان يرفع راسه الى السما

الفواهي شباب بيض من

كان الصادق عليه السلام
كما مر به الكشي عند ذكر
ابراهيم بن عبد الحميد

ذكر

فليكثر من الادعية هذه الآيات الصابرين والصادقين
والقانتين والمنفقين والمستغفرين بالاسحار

٣ سكين بن عبد ربه المحاربي الكوفي ق تج

٤ سكين بن عبد العزيز البصري ق تج

٥ سكين بن عمار ابو محمد الفقعي ق تج

٦ سكين بن فضالة الازدي الكوفي ق تج

١ سلاذل بن عبد العزيز الدبلي ابو يعلى قدس سره
شيخنا المتقدم في الفقه والادب وغيرهما كان فقيه
وجها له المقنع في المذهب والكتاب في اصول الفقه الرائع
في الفقه والرد على ابي الحسين البصري في نقض الشافي
الكبير ذكره في جمعه الجواهر وله على المفيد رحمه الله
على السيد المرتضى صه

سلام ابو سلمة الازدي الكوفي ق تج

٢ سلام بن ابي عمرة الخراساني ثقة قريب سكن الكوفة وكان
يروي عنه عبد الله بن جبلة حش سلام بن عمرو له كتاب يرويه
عنه عبد الله بن جبلة شت ويحتمل ان يكون ما ذكره
النجاشي والشيخ في الفهرست واحدا كما يظهر من طريقهما

٣ سلام الخياط كوفي روى الكشي عن محمد بن مسعود
عن علي بن الحسن انه لا باس به وقال العلامة في صه
يمكن ان يكون هذا هو الذي ذكره النجاشي بعنوان
سلام بن ابي عمرة الخراساني

٤ سلام بن سعيد الانصاري قرج

٥ سلام بن سعيد الحرزي المكي مولى عطاء ق تج

٦ سلام بن سلمة الجعفي الكوفي ق تج

٧ سلام بن سهم الشيخ المفيد كذا قال الصدوق في
باب الايمان والنذور من الفقيه روى عنه محمد بن
اسمعيل روى عن الصادق عليه السلام

٨ سلام بن عبد الله الهاشمي له كتاب يصغر رواه ابو
عيينة جش

٩ سلام بن عمرو ذكرناه بعنوان سلام بن ابي عمرة

١٠ سلام بن غانم الخياط ق تج

١١ سلام بن المنذر الجعفي مولاهم كوفي بن ق تج

١٢ سلام بن الوليد الذي ذكره ق وقال قال محمد بن
مسعود لا باس به لم اجد في كتب الرجال اصلا نعم ذكر محمد
بن مسعود هذا في شان المثنى بن الوليد حيث قال
سلام والمثنى بن الوليد والمثنى بن عبد السلام لا
باس بهم

١٣ سلام بن نبار الكوفي ق تج

١ سلامة بن ذكاء الخراساني يكنى ابا الخير صاحب الشعكة
له تج

٢ سلامة بن محمد بن اسمعيل بن عبد الله بن موسى
بن ابي الاكرم ابو الحسن الارزني قال في الحسن ذاو
شيخ من اصحابنا ثقة جليل روى عن ابن الوليد وعلي
بن الحسين بن بابويه وابن بطه وابن همام ونظرائهم له

همكتاب بعد ورق
وسبب بقضية ان القاضي
عبد الجبار صنف كتابا في ابطال
مذهب الشيعة وسماه الكفاية ثم صنف
السيد المرتضى رحمه الله كتابا سماه
الشافي في نقض الكفاية ثم صنف
ابو الحسين البصري كتابا
في نقض الشافي
فرده
سلامة رحمه الله

كتب روى عنه ابو الحسن محمد بن احمد بن داود كلم ج

١ سالم ابو الفضل الخياط ذكرناه بعنوان سالم الخياط

٢ سالم بن بشير قز ج

٣ سالم بن سالم البلخي ق ج

٤ سالم بن سليمان سيجيء بعنوان سلمة بن سليمان

٥ سالم بن شريح الاسبيعي ق ج

٦ سالم بن عبد الرحمن العجلي ق ج

١ سلمان بن ابي المغيرة العبسي بن ج

٢ سلمان بن بلال المدائني عنه ق ج

٣ سلمان بن جهوة الكلابي الكوفي ق ج

٤ سلمان بن خالد طلحي ق قز ج

٥ سلمان بن ربعي بن عبد الله الهذلي م ج

٦ سلمان بن عامر الضبي ل ج

٧ سلمان بن عبيد الخياط الكوفي ق ج

٨ سلمان الفارسي مولى رسول الله يكنى ابا عبد الله اول الاركان الاربعة وقد ذكرنا الاركان الاربعة عند ترجمة جندب بن جنادة وروى الكشي عن حمدويه بن نصير عن ابي الحسين بن فرج عن صفوان بن يحيى عن ابن بكير عن زرارة قال سمعت الصادق ع يقول ادرك سلمان العلم الاول والاخر وهو بحر لا ينزح وهو منا اهل البيت بلغ من علمه انه مر برجل في رهط فقال له يا عبد الله تب الى الله عز وجل من الذي علمت به في بطن بنيات الباب

قال ثم مضى فقال لهم القوم لقد رماك سلمان بامر فما ادري عن نفسك قال انه لجبرئيل بامر ما اطلع عليه الا الله وانا وفي خبر اخر مثله وزاد في اخره ان الرجل كان ابا بكر بن ابي قحافة ثم روى الكشي عن جبرئيل بن احمد عن الحسين بن حمزة عن اسمعيل بن مهران عن علي بن ابي حمزة عن ابي بصير قال سمعت الصادق ع يقول سلمان علم العلم الاعظم ثم ذكر الكشي في شانه احاديث تدل على علو مرتبته رضي الله عنه وارضاه وذكرنا بعض احواله عند ترجمة جندب بن جنادة وسيجيء بعض احواله عند ترجمة غادر بن ياسر

سلمة ابو المسهل الكوفي ق ج ١

سلمة بن الاكوع ل ق ج ٢

سلمة بن الاهتم الكوفي قز ق ج ٣

سلمة بن ثبيط بن شريط بن انس ابو فراس الاسبيعي من همدان كوفي بن ج ٤

سلمة بن جناح الكوفي ق ج ٥

سلمة بن حيان ذاهب م ج ٦

سلمة بن خالد الكوفي ق ج ٧

سلمة بن الخطاب ابو الفضل البراد سنا في الاردن ودقا في قزيه من سواد الري كان ضعيفا في حديثه له عنه كتب روى عنه محمد بن يحيى العطار واحمد بن ادريس وسعد والحميري جش له كتب روى عنه محمد

بن الحسن الاصفاد ست ج ع ابو محمد ضعيف جدا من وقف
في موضع البراء وستا في الباء وستا في الباقي وهو اشباه

٩ سلمة بن دينار يكنى ابا حازم الاعرج يعرف بالاذرع
القاص بن ج

١٠ سلمة بن زياد مولى بني تميم كوفي ق ج

١١ سلمة بن سليمان الهمداني الكوفي ق ج

١٢ سلمة بن سليمان مولى كندة كوفي ق ج وفي نسخة
سلم بن سليمان

١٣ سلمة بن صالح الاحمر الواسطي اصله كوفي بخ ط ق ج

١٤ سلمة بن صالح بن بادنبل كوفي ق ج

١٥ سلمة بن العباس البصري ق ج

١٦ سلمة بن عبد الله بن مراد المرادي الكوفي ق ج

١٧ سلمة بن عبيدة النهبي الكوفي ق ج

١٨ سلمة بن عطية العنزي الكوفي ق ج

١٩ سلمة بن نبيل الهلالي قز ج وفي نسخة سليم كما سبقا

٢٠ سلمة بن كلثم الكوفي ق ج

٢١ سلمة بن كهيل ت ج ع من خواص امير المؤمنين ع
ضرة وقال الشيخ عند ذكر اصحاب علي بن الحسين
الباقر والصادق عليهم السلام ان سلمة بن كهيل
الحسن ابو يحيى الحضرمي تابعي ومحتمل ان يكون هذا
وقال الكشي قال سعد بن جناح الكشي قال حدثني علي
محمد بن بزيد القرشي عن احمد بن محمد بن عيسى عن الحسين بن

سعيد عن فضالة بن ايوب عن الحسين بن عثمان الرواسي
عن سدير قال دخلت على الباقر ع وعلى سلمة بن كهيل
وابو المقدام ثابت الحداد وسالم بن ابي حفصة وكثير
النوا دجاعة معهم وعند الباقر ع اخوه زيد بن علي ع
فقالوا لابي جعفر ع تتولى عليا وحسنا وحسينا وتتبرا
من اعدائهم قال نعم قالوا تتولى ابا بكر وعمر وتتبرا من
اعدائهم قال فالتفت اليهم زيد بن علي قال لهم اقرؤا
من فاطمة بنو تيم امرنا فتركنا الله فبوشد ثم اقرأ اليتيم
روى الكشي عن علي بن الحسن قال حدثني العباس بن
عامر وجعفر بن محمد عن ابان بن عثمان عن ابي بصير قال
سمعنا ابا جعفر ع يقول ان الحكم بن عتيبة وسلمة وكثيرا النوا
وابا المقدام والعداد يعني سالما اضلوا كثيرا ممن ضل
من هؤلاء وانهم ممن قال الله عز وجل ومن الناس من
يقول امنا بالله وباليوم الاخر وما هم بمؤمنين

٢٢ سلمة بن محرز الغلابي النهلي الكوفي قز ق ج

٢٣ سلمة بن محمد اخو منصور كوفي تم لم كاب روى عنه
محمد بن بكير جش في هذا الموضع ووثقه عند ترجمة اخيه
منصور وذكره ذهبا ولم ينبغ ان يوثقه كما وثقه
العلامة لتوثيق النجاشي اياه

٢٤ سلمة بن مهران الكوفي ق ج

١ سليم بن عيسى الحنفي العنزي مولاهم كوفي ق ج

٢ سليم القراء كوفي ق تم ثقة ذكره اصحابنا في الرجال

له كتاب يرويه جماعة منهم محمد بن ابي عبد الله جش

سليم بن قيس الهلالي له كتاب يكنى ابا صادق روى عنه ٣
ابرهيم بن عمر اليماني جش له كتاب روى عنه ابان بن
ابي عياش ست ق ن سبين بن فرقد ج بنسبته اليه
هذا الكتاب المشهور وكان اصحابنا يقولون ان سليما
لا يعرف ولا ذكر في خبر ولا حديث ذكره في شيء
من غير جهة كتابه ولا من رواية ابان بن ابي عياش عنه
وقد ذكره ابن عقدة في رجال امير المؤمنين ع احاديث عنه
والكتاب موضوع لا محالة فيه وعلى ذلك علامات
فيه تدل على ما ذكرناه منها ما ذكر ان محمد بن ابي بكر
وعظ اباه عند الموت ومنها ان الائمة ثلثة عشر وغير
ذلك واسانيد هذا الكتاب تختلف تارة يرويه عمر
عن ابان بلا واسطة تارة يقول محمد بن ابي بكر وعظ ابا
انما كان من علامات وضعه لان محمد بن ابي بكر ولد في
الوداع وكانت خلافته بمصر سنتين واشهرا فكيف يصح
وعظه وقال العلامة قدس سره في نصه والوجه عندي
الحكم بفساد الطريق والتوقف في الفاسد من كتابه
روى في اخر الباب الاول عن ابي ذر انه من جملة الاربعة
من اصحاب امير المؤمنين ع وكان هذا موجبا للحكم بفساد طريقه
فانا قال الشهيد الثاني رحمه الله واما حكمه بفساد طريقه
فظاهر له وجها صالحا للترجيح وروى الكشي بطريق ضعيف
ما يشهد لشكره وصحة كتابه وقال العلامة قال البيهقي

بن احمد العبقي كان سليم بن قيس من اصحاب امير المؤمنين
طلبه الحجاج ليقتله فهرب واوى الى ابان بن ابي عياش
فلما حضرته الوفاة وقال لابان ان لك علي حقا وقد حضرني الموت يا ابن اخي انه كان من الامر بعد رسول
الله بك وبك واعطاه كتابا لم يرو عن سليم بن قيس احد
من الناس سوى ابان وذكر ابان في حديثه قال كان
شيخا منعبدا له نور يعلوه وذكره في كتابه

سليمان بن ابي زيد م ج

سليمان بن بلال قال ابن داود صالح ضه انتهى ٢
ولم اجده في ج اصلا نعم سليمان بن بلال في اصحاب الكاظم ع
موجود من غير توثيق كما نقلنا

سليمان بن نابع الجعلي المرادي الكوفي ق ج ٣

سليمان بن جعفر بن ابرهيم بن محمد بن علي بن عبد الله
بن جعفر الطيار ابو محمد الطالبي الجعفري ضا روى ابوه
عن الصادق والكاظم ع وكانا ثقتين له كتاب روى عنه
عبد الله ابن محمد بن عبيد جش ضه له كتاب روى عنه
احمد بن ابي عبد الله ست م ضا نعم ج

سليمان بن حصين بن ق ج ٥

سليمان بن خالد بن دهقان ابو الربيع الاقطع ٦
كان فاضلا فقيها وجها قرئ وخرج مع زيد ولم يخرج
معه من اصحاب ابي جعفر ع غيره فقطف بذه وكان الذي
قطعها يوسف بن عمر بنفسه ومات في حبوة الصادق ع

قال
بعض الافاضل
رايت بخط صدر الاسلام
نسخة هذا الكتاب انه بعد
الله بن عمر وعظ اباه عند موته
واتى الائمة ثلثة عشر على ما
المعصوم وهم رسول الله ص
مع الائمة الاثني عشرية ولا
محذور في واحد هذين الشقين
والله العالم انجده في جميع ما وصل
من نسخ هذا الكتاب الا ما
نقل هذا الفاضل عن ابن
سبعين في وجه احاديث هذا
الكتاب بسنده الى آخره فكان
ما نقل ابن الغضائري كما
محمول على الاشتباه

فتوجع لفقده وعد الولاة واوصى بهم اصحابه وسليمان
كاب رواه عنه عبد الله بن مسكان جش قال احمد
سالت ابا الحسن ايوب بن نوح بن دراج النخعي عن
سليمان بن خالد الاحمسي الثقة هو قال كان يكون الثقة كثر
الله في كتاب سعد انه خرج مع زيد فقال فمن الله عليه
وتاب ورجع

٧ سليمان بن خالد الخطاب تم ج

٨ سليمان بن داود بن الحصين المنقري اسند عنه ج

٩ سليمان بن داود الحفاف ضا ج

١٠ سليمان بن داود المروزي ذي ج وذكر انه
عند ذكر اصحاب الرضا سليمان المروزي والظاهر انهما واحد

١١ سليمان بن داود المنقري ابو ايوب الشاذكوني
بصري لبس بالمتفق بنا غير انه روى عن جماعة من اصحابنا
من اصحاب الصادق وكان ثقة له كتاب روى عنه الفاضلان
محمد جش الا انهما في ضعيف جدا لا يلتفت اليه وضعفه كثيرا
على المتهمان عض ووصفه في مشيخة الفقيه بابن الشاذكوني
ونقل العلامة قدس سره عن النجاشي انه من اصحاب ابي
جعفر ع وفيه انه من اصحاب جعفر بن محمد

سليمان الدبلي سيجيء بعنوان سليمان بن عبد الله الدبلي ١٢

سليمان بن راشد الكوفي ق ج ١٣

سليمان بن رشيد ضا ج ١٤

سليمان بن زكريا الدبلي سيجيء عند ترجمة سليمان ١٥

بن عبد الله الدبلي

سليمان بن سفيان ابو داود المسترق المنشد مولى ١٦
كنده ثم بني عدي منهم روى عن سفيان بن سعيد عن
جعفر بن محمد ع وعمر الى سنة احدى وثلثين ومائتين قال
ابو الفرج محمد بن موسى بن علي الفرزبي حدثنا الحسن
بن علي العدوي قال حدثنا ابي قال وانما قيل ابا داود
المسترق وانما معنى المسترق لانه كان يسترق الناس
بشعر السيد في سنة خمس وعشرين ومائتين ومات
سليمان سنة احدى وثلثين ومائتين جش له كتاب روى
عنه الحسن بن محبوب ومحمد بن الحسن وعبد الرحمن بن ابي
نجران ست قال محمد بن مسعود سالت علي بن الحسن بن
فضال عن ابي داود المسترق قال انه سليمان بن
سفيان المسترق وهو المنشد وهو ثقة قال احمد
وهو سليمان بن سفيان النمط المسترق كوفي يروي
عنه الفضل بن شاذان ابو داود المسترق منشد
مولى بني اعين من كنده وانما سمي المسترق لانه كان
راوية لشعر السيد وكان يستخف الناس لانشاده
يسترق اي يروق على افئدتهم وكان يتغنى المنشد
وعاش سبعين سنة ومات سنة ثلثين ومائة
كش وقوله راوية لشعر السيد كانه اراد منه السيد
الحميري الشاعر ولا يخفى من الشافي بين كلام الحاشي
والكشي في تاريخ فوته فتدبر

والظاهر ان ما في الكشي محمول على التوهم كما يظهر من قول النجاشي انه عاش الى سنة احدى وثلاثين ومائتين

وسنة احدى واربعين تناسب عشرين سنة

١٧ سليمان بن سلمة الابى الكوفى ق ج

١٨ سليمان بن سماعة الضبى الكوزى من بنى الكوز كوفى
هذا ثقة روى عن عمه عاصم الكوزى وعن غير عمه
من الرجال الكتاب روى عنه سلمة بن الخطاب جش

١٩ سليمان بن سويد الجعفى اسند عنه ق ج

٢٠ سليمان بن سويد الكلابى الجعفرى ق ج

٢١ سليمان بن صالح الاحمرى الكوفى ق ج

٢٢ سليمان بن صالح الجصاص ق كوفى ثقة لكتاب
يرويه الحسين بن هاشم جش لكتاب روى عنه الحسين بن
محمد بن سماعة وعبد الله بن القاسم ست ق ج ثم
ذكر فى باب من لم ان سليمان بن صالح الجصاص روى
عنه الحسين بن محمد بن سماعة والظاهر ان ذكره فى باب
من لم سهو كما يظهر من النجاشى

٢٣ سليمان بن صالح الشيبانى مولاهم كوفى ق ج

٢٤ سليمان بن صالح المرادى الخاصد ق ج

٢٥ سليمان بن صرد الخزاعى الذى تخلف عنه يوم
الجمل المروى عن الحسن والمروى على لسانه كذا فى
فى التخلف ج قال الفضل بن شاذان انه من الشيعة
الكبار ورؤسائهم وزهادهم كش

٢٦ سليمان بن طالب القرشى مولاهم كوفى ق ج

٢٧ سليمان بن طريف الكوفى ق ج

٢٨ سليمان بن عبد الرحمن ابو داود الحمار الكوفى
ق ج

٢٩ سليمان بن عبد الرحمن الازدى البادى مولاهم
كوفى ق ج

٣٠ سليمان بن عبد الرحمن العنزى الكوفى ق ج

٣١ سليمان بن عبد الرحمن الحمدانى كوفى ق ج

٣٢ سليمان بن عبد الله ابو حامد كوفى ق ج

٣٣ سليمان بن عبد الله ابو العلا العنزى الكوفى ق ج

٣٤ سليمان بن عبد الله البكرى الصابغ الكوفى ق ج

٣٥ سليمان بن عبد الله بن الحسن بن الحسن بن على بن
ابى طالب عليهم السلام ق ج

٣٦ سليمان بن عبد الله الدبلى ابو محمد قبل الجملة
من يحيله الكوفة وكان يتجر الى خراسان وبكر شراء
الدبلم ويحملهم الى الكوفة وغيرها وقيل الدبلى نسبة
عليه وقيل كان غالبا كذابا وكذلك ابنه محمد
لا يعمل بما انفرد به من الرواية لكتاب يوم وليلة
روى عنه ابنه محمد جش سليمان بن زكريا الدبلى
ق كذاب غال عض قال محمد بن مسعود قال على بن
محمد سليمان الدبلى من الغلاة الكبار كش الظاهر
ان ما ذكره النجاشى غيرها ذكره ابن الغضايرى مع
احتمال اتحادهما والذى ذكره الكشى احدهما والله اعلم

٣٧ سليمان بن عبد الله الطلحى الكوفى ق ج

٣٨ سليمان بن عبد الله الخثعمى مولاهم كوفى ق ج

٣٩ سليمان بن عبد الله الهذلي م ج

٤٠ سليمان بن علي الأحمسي البجلي مولاهم الكوفي ق ج

٤١ سليمان بن عمرو بن عبد الله بن وهب النخعي أبو داود الكوفي ق ج ونقل العلامة في صه عن ابن الغضائري ان سليمان بن عمر أبو داود النخعي ق حدثني أحمد بن محمد بن موسى قال حدثنا أحمد بن محمد بن سعيد قال كان أبو داود النخعي يلقب المحدثون كذاب النخع ونقل في من كتاب الأخوان سليمان بن مهران النخعي أبو داود يقال له كذاب النخع ق ضعيف جدا فتدبر

٤٢ سليمان بن عمرو الازدي الكوفي أبو عمارة ق ج

٤٣ سليمان بن مهران بن سليمان الضبعي الأسدي ق ج

٤٤ سليمان المؤمن م ج

٤٥ سليمان بن موكل القزاز الكاساني الكوفي ق ج

٤٦ سليمان بن عمرو ق ج

٤٧ سليمان بن مروان كوفي فر ق ج

٤٨ سليمان بن مهران كان يروي عن خوشة بن الحر الطائي وكانا جميعا مستقيمين ج

٤٩ سليمان بن معلى بن خنيس ضعيف جدا لغلو

٥٠ سليمان بن موسى بن الذيال الهمداني الشامي الكوفي ق ج

٥١ سليمان مولى الحسين قتل بعج

٥٢ سليمان مولى طرنال ق ذكره ابن نوح له نوادر ج

عند عباد بن يعقوب جش

٥٣ سليمان بن مهران ابو محمد الاعمش الكوفي ق ج و قال الشهيد الثاني رحمه الله في حاشيته على الخلاصة عند ذكر يحيى بن وثاب ان من اصحابنا الذين صنفوا في الرجال ذكروا ذكر الاعمش ولقد كان حريا بالذكر لاستفاضة فضله وقد ذكره العلامة في قسميهم واثنوا عليه مع غزارتهم بتشيعه رحمه الله فلم نقف ذكره الشيخ في الرجال كذا ذكره بعنوان سليمان بن مهران الاعمش

٥٤ سليمان النخعي ذكره العلامة قدس سره في صه وروى عن الكشي عن محمد بن مسعود انه قال كتب الي الفضل شاذان يذكر عن ابن ابي عمير عن ابرهيم بن عبد الحميد ان سليمان النخعي تعبد وترك الثياب الطيبة والطعام الطيب وكان لا يرفع رأسه ذاهلا المسجد الى الثياء انتهى ولم اجد في الكشي الا سليمان النخعي وعده هذه الرواية كما نقلناه والعجب ان العلامة قدس سره ذكره في الباب الاول بعنوان سليمان بن يعفور وروى الكشي بعينه

٥٥ سليمان بن ضرار ابو عبيدة البكري الذهلي الكوفي ق ج

٥٦ سليمان بن وهب البجلي الكوفي ق ج

٥٧ سليمان بن مهران الازدي الكوفي ق ج

٥٨ سليمان بن هرون العجلي الكوفي ق ج

٥٩ سليمان بن هرون النخعي ابو داود يقال كذاب

النجم في ضعيف جدا عنه

٥٠ سليمان بن هلال بن جاناں الكوفي ق ج

٥١ سليمان بن يعقوب النخعي حدثنا محمد بن الحسين عن محمد بن الفضل قال حدثني عبد الله بن جعفر بن درستويه قال قال يعقوب بن سفيان كان سليمان بن يعقوب النخعي يكذب على الوقف صدوقا عن عمه

١ سماعة بن عبد الرحمن المرقي الكوفي ق ج

٢ سماعة بن مهران بن عبد الرحمن الحضرمي مولى عبد وائل بن حجر الحضرمي يكنى ابا ناشرة وقيل ابا محمد كان يتجر في القز ويخرج به الى حران وينزل من الكوفة فكنده قال ومات بالمدينة ثقة ثقة وله بالكوفة مسجد بحضرموت وهو مسجد زفر بن محمد الحضرمي بعد ذكر احمد بن الحسين رحمه الله وجد في بعض الكتب انه مات سنة خمس واربعين ومائة في جمادى الصادق وذلك ان الصادق قال لدان دجاجتم ترجع البنا فقام عنده ومات في تلك السنة وكان عمره نحوا من ستين سنة والله اعلم كيف هذه الحكاية بلغه ان سماعة روى عن الكاظم وهذه الحكاية تتضمن انه مات في جمادى الصادق عليه السلام والله اعلم له كتاب روى عنه عثمان بن عيسى جش ق ام وافقه ج

١ سماك بن حرب الذهلي ابو المغيرة بن ج

٢ سماك بن عبد عوف ني ج

سمرة بن جندب لج

سمرة بن ربيعة ني ج

سمرة بن مهيم ابو محذورة لج

سمعدع الهلالي ق ج

سنان بن جبل الازدي الكوفي ق ج

سنان بن طريف والد عبد الله فرق م ج و قال الكشي قال ابو الحسن بن ابي طاهر قال حدثني محمد بن بحر الفادبي قال حدثني مكرم بن بشير عن الفضل بن شاذان عن ابيه عن يونس بن عبد الرحمن عن عبد الله بن سنان وكان رحمه الله من ثقات رجال الصادق عن الصادق قال دخلت عليه وانا مع ابي فضال ب عبد الله الزم اباك فان اباك لا يزداد على الكبر الا خيرا

سنان بن عبد الرحمن الكوفي اخو مفرن ق ج

سنان بن عبد الرحمن مولى بني هاشم الكوفي ق ج وقال العلامة في خلاصته السيد علي بن احمد العقيقي العلوي روى ابي عن علي بن الحسن عن علي بن اسباط عن محمد بن اسجق بن عمار عن ابيه عن الصادق عليه السلام ان سنان بن عبد الرحمن من اهل قوله تعالى ان الذين سبقت لهم منا الحسنى وذكر هذه الرواية عند ترجمة سنان والد عبد الله ولم اجد وجها صالحا له وذكرها الشيخ في باب اصحاب الصادق عليه السلام وجعل مختلفين كما ذكرنا ايضا

١ كان هو الذي روى الشيخ الصدوق محمد بن يعقوب الكليني قدس سره في الكافي في باب الضرار من كتاب المعيشة بطريقين عن ابي جعفر عليه السلام انه لم يعد يقول الشيء صلى الله عليه وآله وسلم وقد نقل الشيخ عبد الحميد بن ابي الحديد المدائني المعتزلي في شرح نهج البلاغة ان سمرة بن جندب مائة الف درهم حتى يروي ان هذه الآية نزلت في علي عليه السلام ومن الناس من يشري نفسه ابتغاء مرضات الله والله رؤف بالعباد فلم يعبأ بذلك وقال ما الف فلم يعبأ فضل له فثمانية الف فلم يعبأ فضل له

٢ ان بهاء الصف فعقب اثنين و ليس اعلم ان محمد بن اسمعيل البخاري ومسلم بن الحجاج القشيري والترمذي والنسائي وغيرهم من ائمة الحديث كيف حكموا بصحة الاحاديث المسندة الى هذا الرجل وشبهه

سنان بن عدی الطائی الکوفی ق تج ٥
سنان بن عطیة المرهبی الهمدانی الکوفی ق تج ٦
سنان بن مالك النخعی تج ٧
سنان بن وديعة النخعی الکوفی ق تج ٨
سنان بن مروان الغنوی البرجمی ق تج ٩
سنبذ بن الربيع البغدادی تم له کتاب يروی عنه ١٠
صفوان بن يحيى وغيره جش له کتاب روی عنه الصفا
ست ذاکره تج ثم قال انر له
سنبذ بن عيسى الهمدانی کوفی ثقة له کتاب يروی ١١
عباد بن يعقوب جش
سنبذ بن محمد ذکرناه بعنوان ابان بن محمد ١٢
سوار بن مصعب الهمدانی الکوفی ق تج ١٣
سوار بن المنعم بن الحابر بن سبن تج ١٤
سوده بن کليب الاسدی الکوفی قر ق تج وروی ١
الکشی بطريق ضعيف عنه ما يشهد بصحة عقيدته فی
الباقر والصادق عليهما السلام
سوده بن کليب الهندی الکوفی ق تج ٢
سوده بن مجاشع الاسدی الکوفی ق تج ٣
سويد بن طالب المهری ق تج ١
سويد بن طلحة الاسدی ق تج ٢
سويد بن عطية البارقی ق تج ٣
سويد بن عمرو بن ابی المطاع سبن تج ٤

سويد بن غفارة العنزی الکوفی ق تج ٥
سويد بن غفلة تی ق تج وقال العلامة فی خ
قال البرقی انه من اولياء امير المؤمنين عليه السلام
سويد بن مسلم الفلاء مولى شهاب بن عبد ربه ٧
وبقال سويد مولى محمد بن مسلم ق ثقة ذکره ابو الب
فی الرجال للکتاب روی عنه علی بن النعمن والظاهر انهما
واحد کما يظهر من کلامه وقال الشيخ فی الفهرست
سويد الفلاء له کتاب روی عنه علی بن النعمن ثم ذکر
ان سويدا مولى محمد بن مسلم له کتاب وراه احمد بن زياد
سويد بن مفرن ل تج ٨
سويد بن النعمن ل تج ٩
سويد بن النعمن الکوفی ق تج ١٠
سهل بن ابی حشل تج ١١
سهل بن احمد بن عبد الله بن احمد بن سهل ١٢
الديباج ابو محمد لا باس به کان يتجوا مره کثيرا ثم ظاهر
بالدين فی اخر عمره له کتاب ايمان ابی طالب اخبر فی عدة
من اصحابنا واحمد بن عبد الواحد جش کان ضعيفا
يضع الاحاديث ويروی عن المجاهيل ولا باس بما
رواه من الاشياء وثمة يجری مجراها مما رواه غيره غمز
لم تج وذکره ذ فی البابين
سهل بن بحر الفارسی کان مقيما بکر لم تج ٣
سهل بن الحسن الصفار اخو محمد روی عن ابو سفين ١٤

١٠ صفوان ... ست ذاکره تج ثم قال انر له
١١ سويد الفلاء له کتاب ... ان سويدا مولى محمد بن مسلم له کتاب
١٢ سنبذ بن محمد ذکرناه بعنوان ابان بن محمد
١٣ سوار بن مصعب الهمدانی الکوفی ق تج

الحرث الكبدانى عن عبد الرحمن العرزمى كذا بخ وروى عنه
اخوه محمد بن الحسن لم يخ

٥ سهل بن حنيف الى كان واليا على المدينة يكنى ابا
محمد يخ قال محمد بن مسعود حدثنى محمد بن يحيى قال حدثنى
محمد بن عيسى عن ابن ابى عمير عن حماد عن الحلبى عن الصادق
قال كبر امير المؤمنين عليه السلام على سهل بن حنيف وكان
بدريا خمس تكبيرات ثم مشى هنيهة ثم وضعه وكبر
خمس تكبيرات اخر يصنع به ذلك حتى بلغ خمسا وعشرين
تكبيرة كش ثم قال الكشى قال الفضل بن شاذان
انه من الثمانية الذين رجعوا الى امير المؤمنين

٦ سهل بن زاذويه ابو محمد الفقيه ثقة جيد الحديث
نقى الرواية معتمد عليه ذكر ذلك ابن نوح لكتاب
فضل الموالى وكتاب الرد على مبغضى ال محمد عليهم السلام
روى عنه محمد بن سهل جش

٧ سهل بن زياد ابو سعيد الادمى الرازى كان ضعيفا
فى الحديث غير معتمد فيه وكان احمد بن محمد بن عيسى
يشهد عليه بالغلو والكذب واخرجه من قم الى الرى
وكان يسكنها ولد كتاب يا محمد العسكرى على ما يتحدث
عبد الحميد العطار للنصف من شهر ربيع الاخر سنة
خمس وحسبن ومائتين ذكر ذلك احمد بن على بن
نوح واحمد بن الحسين رحمه الله لكتاب التوحيد
رواه ابو الحسن العباس بن احمد بن الفضل بن محمد
الهاشمى الصالحى عن ابيه عنه ولكتاب النوادر رواه
عنه على بن محمد حش ثقة روى كر يخ ضعيف لكتاب
روى عنه محمد بن احمد بن يحيى واحمد بن ابى عبد
الله سن كان ضعيفا جدا فاسد الرواية والمذهب
وكان احمد بن محمد بن عيسى الاشعرى اخرجه عن قم
واظهر البراءة منه ونهى الناس عن السماع والرواية
عنه وبروى المراسيل ويعتمد المجاهيل عض و
سيجئ بعض احواله عند ترجمة صالح بن ابى حماد

٨ سهل بن سعد الساعدى لى يخ

٩ سهل بن شعيب مولى فريش الكوفى ق يخ

١٠ سهل بن هرمز ذكر ثقة جليل الحديث له كتاب
النوادر روى عنه الحسن بن على الوشا فى حش و
فصد سنا لهرمز ان بدون الذال وفتح كما فتح

١١ سهل بن اليسع بن عبد الله بن سعد الاشعرى ضعيف
ثقة تم ضاله كتاب روى عنه ابنه محمد بن سهل حش

١ سهيل بن زياد ابو يحيى الواسطى لقى العسكرى امه
بنت محمد بن النعمن بن جعفر الاحول مؤمن الطاق
شيخنا المتكلم رحمه الله وقال بعض اصحابنا الاكبر
سهيل بكل الثبت فى الحديث له كتاب روى عنه محمد بن
هرون حش حديثه يعرف تارة وينكر اخرى يجوز
ان يخرج شاهدا عض روى عنه البرقى لم يخ

١ مسابه بن ماجبه الذى ذكر ذلك سعد بن عبد الله ١ دعل

وقال للكاب جش م جخ

١ سبحان بن صوحان العبدا خو صعصعة ذى جخ

١٠ سبد بن عبيد ذى جخ

٢ السيد بن محمد الحميرى ذكرناه بعنوان اسمعيل بن محمد الحميرى

١ سير ابو جميلة ل جخ

١ سيف التمار بجى بعنوان سيف بن سليمان التمار

٢ سيف بن الحارث الكوفى ق جخ

٣ سيف بن سليمان التمار ابو الحسن كوفى ق ثقه وابنه الحسن بن سيف روى عنه الحسن بن على بن فضال لكتاب روى عنه محمد بن ابى حمزه جش سيف التمار له كتاب روى عنه الحسن بن محمد بن سماعه ست

٤ سيف بن عبد الرحمن ابو الهذيل النهمى الكوفى ق جخ

٥ سيف بن عميرة الجعفى ق جخ

٦ سيف بن عميرة النخعى عربى كوفى ثقه ق م لكاب روى عنه محمد بن خالد الطيالسى جش ثقه له كتاب روى عنه على بن الحكم ست ثقه من اصحاب الكاظم وافقوا له كتاب

٧ سيف بن مالك سن جخ

٨ سيف بن مصعب العبدى ذكرناه بعنوان سفيان بن مصعب

٩ سيف بن المغيرة التمار الكوفى ق جخ

باب الشين

١ شاذان بن الخليل والد الفضل بن شاذان النيشابورى ذ جخ من اصحاب ابو الحسن ع

١ شاه ريس ابو عبد الله الكندى قال نصر بن الصباح انه من الغلاة الكذابين الملعونين فى وقف على بن محمد بن العسكرى عليه السلام كش

١ شاهويه بن عبد الله الجلاب ذى كر جخ

١ شبابة بن المغيرة العجلى ق جخ

١ شبث بن ربعى رجع الى الخوارج ق جخ وفى بعض النسخ شبث بالباء المنقطة تحتها نقطتين وامافى نسخة بالباء المنقطة تحتها نقطة

١ شبيب بن عبد الله النهشلى سن جخ

١ شثير بن نخيل العبسى قال سعد شثير ق جخ وقال العلامة فاخر الباب الاول من نسخة عن البرقى انه من خواص امير المؤمنين عليه السلام

٢ شثير بجى عند ترجمة شرجيل

١ شثيرة من اصحاب امير المؤمنين عليه السلام قال الكشى قال محمد بن مسعود حدثنى على بن الحسن بن فضال قال حدثنى العباس بن عامر وحفص بن محمد بن حكيم عن ابان بن عثمان عن الحرث النصرى ابن المغيرة قال سمعت عبد الملك بن اعين يسال ابا عبد الله عليه السلام الى ان قال له فهلك الناس اذن قال اى والله ابن

اعين هلك الناس اجمعون فلم ير في الشرق ومن في الغرب
قال فقال انما فتحت على الضلال اي والله ولكن الا
ثلثة ثم لحق ابو سنان وغمار وشبيه وابو عمرة
فصاروا سبعة

١ شجرة بن مهون ابي زاذا كذا في النبال الواسطي مولاهم
كوفي قرن ج ووثقه النجاشي عند ترجمة ابنه علي بن شجرة

١ شداد بن الاسمع الهمداني ق ج

٢ شداد بن اوس ل ج

١ شديد بن عبد الرحمن الاردي الكوفي ق ج

١ شرحبيل بن سعد مولى انصاري بن ج

٢ شرحبيل وهبيرة وكريب وبريد وشمير ويقال
شبير هؤلاء اخوة بني شريح قتلوا بصفين كل واحد منهم
اكرابه بعد الاخر خ قتلوا ق ج

٣ شرحبيل بن الملا الكوفي ق ج

٤ شرحبيل بن مدرك الجعفي الكوفي ق ج

١ شريح بن سعد ابن حارثة سبن ج

٢ شريح بن ذامة السلمي ق ج

٣ شريح بن النعمان الهمداني ق ج

١ شريك بن سويد ل ج وفي نسخة شهر بك

١ شريس ابو عمارة العبدي الكوفي ق ج

١ شريف بن سابور القلبسي ابو محمد اصله كوفي انتقل
الى قلبس صاحب الفضل بن ابي فروة له كتاب روى الجعفي

محمد عن ابيه عن جش روى عن الفضل بن ابي فروة السمنكي
عن الصادق عليه السلام وهو ضعيف مضطرب
عض لم ج

شريك الاعور السلمي التيمي ق ج ١

شريك بن سويد ل ج في نسخه ٢

شعبة بن الحجاج ق ج ١

شعيب بن اعين الحداد كوفي ثقة ق ذكره الصدوق ١
في الرجال له كتاب يرويه جماعة منهم بكر بن جناح
قال حدثنا ابي وابو خالد المكفوف عنه جش اصل
روى عنه ابن ابي عمير والحسن بن محمد بن سماعة ست
ق ج ثم قال لم ر وروى الكشي عن محمد بن مسعود
عن علي بن الحسن بن فضال انه ثقة يروي عنه
سيف بن عميرة

شعيب بن بكر بن عبد الله بن سعد الاشعري ٢
الفتى قر ق ج

شعيب بن حماد ضا ج ٣

شعيب بن خالد البجلي دخل الري اسند عنه فخ

شعيب بن راشد التميمي الانماطي ق ج ٤

شعيب بن رجاء الاردي الصيرفي الكوفي ق ج ٥

شعيب بن عبد ربه ق ج ٦

شعيب بن عبد الهمداني ق ج ٧

شعيب العقرقوفي سيجيء بعنوان شعيب بن يعقوب ٨ منه

في النجاشي عند ذكر علي بن شجرة
سيمون بن ابي زاذا كذا وكذلك
منه هنا وفي علي بن شجرة وفي
فخ هنا وفي بشر بن سيمون
سيمون ابو زاذا كذا فتدبر
منه

٩ شعيب بن غارة المرهبي الهذاني ق تج

١٠ شعيب بن فضالة الجعفي الكوفي ق تج

١١ شعيب الحاملي روى عنه البرقي له كتاب روى احمد بن ابي عبد الله عن ابيه عنه ست

١٢ شعيب بن مزيد اخو مفضل ق تج

١٣ شعيب بن مفلاص الهروي الكوفي ق تج

١٤ شعيب مولى علي بن الحسين عليه السلام روى الكشي بطريق ضعيف عن الصادق عليه السلام انه قال شعيب مولى علي بن الحسين عليه السلام وكان بما علمناه خيارا

١٥ شعيب بن ميثم التمار الاسدي الكوفي ق تج

١٦ شعيب بن نافع الاموي مولاهم الكوفي ق تج

١٧ شعيب بن يعقوب العنقزوفي له اصل روى عنه حماد بن عيسى وابن ابي عمير ست شعيب العنقزوفي ابو يعقوب ابن اخي ابي بصير يحيى بن القاسم قال ثقة عين له كتاب حبش

شقيق بن ثور ي تج

١ شقيق بن سلمة يكنى ابا وداك ي تج

١ شوذب مولى شاكر سن تج

١ شهاب بن زنبد البارزي الكوفي ق تج

٢ شهاب بن عبد ربه ابو البختري مولى نصر بن قعين من بني اسد قزن وكان موسرا ذا حال ذكر ابن بطة ان له كتابا روى عنه ابن ابي عمير حش في هذا النوع وثقه عند ترجمة اسمعيل بن عبد الخالق وقال الكشي شهاب وعبد الرحيم وعبد الخالق ورهط عبد ربه من موالي بني اسد من صلحاء الموالي ثم ذكر الكشي بطريق ضعيف ما يدل على ذمه وروى ما يتعلق بمدحه ايضا وذكره العلامة وابن داود ولم يوثقاه صريحا في هذا الموضع ويتبين ان يوثقه لتوثيق النجاشي اياه عند ذكر اسمعيل بن عبد الخالق كما ثقفاه ايضا وقال البخ في الفهرست له اصل روى عنه ابن ابي عمير

شهاب بن محمد الزبيدي الكوفي ق تج ٣

شهر بن عبد الله بن حوشب ي تج ١

شبيه بن عبد الرحمن ل تج ١

شبيه بن نعامة الضبي البصري بن تج ٢

شبث بن ربعي ذكرناه بعنوان شبث بن ربعي ١

باب الصاد

صابر بن عبد الله الهاشمي مولاهم كوفي ق تج ١

صابر مولى بسام بن عبد الله الصيرفي مولى بني اسد ق له كتاب روى عنه ابو الصباح حش ٢

صادق بن الاشعث ي تج ١

صارم بن علوان الجوهري ق تج ١

صالح ابو خالد القماط يسمى بعنوان صالح بن خالد ١

٢ صالح ابو محمد له روايات روى عنه القسم بن اصبغ و
احمد بن هشم ست

٣ صالح ابو مقاتل الكلبي ذكره احمد بن الحسين وقال
ضعف كابائي الامامة جش

٤ صالح بن ابي الاسود الخياط اللبثي مولاهم كوفي ق تج

٥ صالح بن ابي حسان المدني بن تج

٦ صالح بن ابي حماد ابو الخير الرازي واسم ابو الخير زاذ
لقي ابا الحسن العسكري وكان مزملتيا يعرف وينكر
كتب روى عنه سعد بن عبد الله جش له كتاب روى عنه
احمد بن ابي عبد الله ست د ذكره تج ثم قال فيما
من لم ان صالح بن ابي حماد روى عنه احمد البرقي وقال
ابن الغضائري ضعيف وروى الكشي عن علي بن
محمد القتيبي قال سمعت الفضل بن شاذان يقول في
ابي الخير وهو صالح بن سلمة بن ابي حماد الرازي كما كذب
قال الكشي قال علي كان ابو محمد الفضل يرى تضعيفه ويعد
ولا يرضى باسعيد الادمي ويقول هو احمق وقال
العلامة قدس سره في صه المعتمد عندي التوقف فيه
لتردد النجاشي وتضعيف ابن الغضائري

٧ صالح الحذاء كوفي له كتاب روى عنه القسم بن اصبغ
جش روى عنه احمد بن هشم لم تج

٨ صالح بن الحكم البلخي الاحول ضعيف ق روى عنه
ابن بكير وجميل بن دراج له كتاب يرويه جماعة منهم
بشر بن سلام جش

٩ صالح بن خالد الخاملي ابو شعيب الكابلي مولى علي بن
الحكم بن الزبير مولى بني اسد م له كتاب يرويه جماعة منهم
العباس بن معروف جش في هذا الموضع وقال في باب
الكنى ابو شعيب الخاملي كوفي ثقة من رجال الكاظم مولى
علي بن الحكم بن الزبير الابناري له كتاب روى عنه العباس بن
معروف وقال الشيخ في الرجال ابو شعيب الخاملي ثقة م

١٠ صالح بن خالد القماط له كتاب روى عنه محمد بن سنان جش
صالح القماط له كتاب روى عنه القسم بن اصبغ واحمد بن
هشم ست وذكره د ذاهبا عن النجاشي بعنوان صالح ابو
خالد القماط ولم اجد في النجاشي الا كما نقلناه

١١ صالح الجناذكوني في ضا تج

١٢ صالح بن خوات بن جبير الانصاري المدني بن تج

١٣ صالح بن رزين كوفي ق ذكره اصحاب الرجال روى
عنه منصور بن يونس له كتاب رواه الحسن بن محبوب جش

١٤ صالح بن سعد الجعفي الكوفي ق تج

١٥ صالح بن سعيد ابو سعيد القماط مولى بني اسد كوفي ق
ذكره ابو العباس له كتاب يرويه جماعة منهم عبيس بن هشام
الناشري جش له كتاب روى عنه ابرهيم بن هاشم ست د
قال ابن نادر انه احد اركان الكتب ولم اجد ذلك في كتب الرجال
الا في شان صالح بن موسى كما نقلناه ايضا

١٦ صالح بن سعيد الاحول مجهول م تج

١٧ صالح بن سلمة ذكرناه بعنوان صالح بن ابي حماد

١٨ صالح بن السندي روى عن يونس بن عبد الرحمن روى عنه ابو هيثم بن هاشم له ج له كتاب روى عنه احمد بن ابي عبد الله سنن

١٩ صالح بن سهل من اهل همذان الاصل كوفي قرئ ج وقال الكشي روى محمد بن احمد عن محمد بن الحسين عن الحسن بن علي الصيرفي عن صالح بن سهل قال كنت اقول في الصادق عليه السلام بالربوبية فدخلت عليه فلما نظر الي قال يا صالح انا والله عبد مخلوق لنا رب نعبده وان لم نعبده عذبنا وقال ابن الغضائري غال كذاب وضاع للحديث لا اخرج عنه ولا افتي بما رواه وقال العلامة في صه وذكر الشيخ في كتاب الغيبة من المذمومين صالح بن محمد بن سهل الهمداني والظاهر انه هذا انتهى ونقل ابن داود عن الكشي ما تقدم وما في الكشي يدل على ذمه كما نقلناه ثم ذكر هنا ثانيا بعنوان صالح بن سهيل بالتصغير راويا عن ابن الغضائري والكشي ولم اجد فيهما الا كما نقلناه ونقله العلامة عنهما

٢٠ صالح بن صالح الهمداني الثوري كوفي اخو الحسن بن صالح بن حي ن ج

٢١ صالح بن عبد الله الاحول الكوفي ن ج

٢٢ صالح بن عبد الله الجلاب كر ج

٢٣ صالح بن عبيد سبيعي بعنوان مروك

٢٤ صالح بن عقبة بن خالد الاسدي له كتاب روى محمد بن اسمعيل بن بزيع عن محمد بن ايوب عنه جش له كتاب روى عنه محمد بن اسمعيل بن بزيع ست لم ج

٢٥ صالح بن عقبة بن قيس بن سمعان بن ابي ربيعة مولى رسول الله صلى الله عليه وآله روى عال كذاب البتة غمز قبل انه روى عن الصادق عليه السلام والله اعلم روى صالح عن ابيه عن جده وروى عن زهير الثمام روى عنه محمد بن الحسين بن ابي الخطاب وابنه اسمعيل بن صالح بن عقبة له كتاب روى عنه محمد بن اسمعيل بن بزيع جش

٢٦ صالح بن علي بن عطية البغدادي ضا ج

٢٧ صالح بن علي بن عطية الاصم ابو محمد بصري كان جنديا وهو ضعيف غمز ويحتمل ان يكون هذا هو المذكور قبل هذا والمذكور بعنوان صالح ابو محمد ان كانا رجلين

٢٨ صالح بن عمار الجهني ن ج

٢٩ صالح بن عيسى بن عمر بن بزيع د ي ج وفي نسخة صالح بن موسى كما يأتي

٣٠ صالح القماط ذكرناه بعنوان صالح بن خالد

٣١ صالح بن كيسان بن ج

٣٢ صالح بن محمد الصراي شيخ شيخنا ابي الحسن بن جندي ٣٣ لم كر

ذكر اباد السيد بن محمد وتابع الامامية اخبرنا عنه ابو
الحسن احمد بن محمد بن عمران الجندي حش وفي الفهرست

٣٣ صالح بن محمد الهمداني ثقة روى ج
٣٤ صالح بن مسلم الجعفي مولاهم كوفي ق ج
٣٥ صالح بن موسى الجواربي احد اركان حفظ الذب ق ج
٣٦ صالح بن موسى الطلحي الكوفي ق ج
٣٧ صالح بن موسى بن عمر بن بزيع ري ج وفي نسخة
صالح بن عيسى كما نقلنا
٣٨ صالح بن مشم الاسدي مولاهم كوفي نا بن فرق ج
وقال العلامة قدس سره روى علي بن احمد العقيقي عن
ابيه عن محمد بن الحسين عن صفوان بن يحيى عن يعقوب
بن شعيب بن مشم عن صالح قال لما ابو جعفر اني لاحبك
احب اباك حبا شديدا
٣٩ صالح بن يزيد العنكي الكوفي ق ج
١ صامت بن محمد الجعفي مولاهم الكوفي ق ج
١ صايد الهندي روى الكشي عن سعد بن عبد الله
عن محمد بن خالد الطيالسي عن عبد الرحمن بن ابي نجران
عن ابن سنان انه قال الصادق عليه السلام صايد الهند
لعنه الله
١ صباح بن نبيه يجيء بعنوان صباح بن يحيى
٢ صباح بن سابور الكوفي ق ج
٣ صباح بن صبيح الحذاء الفزاري مولاهم امام مسجد
دار اللؤلؤ بالكوفة عده في كتاب برقي من جماعة منهم
عباس بن هشام حش
٣ صباح بن عبد الحميد الازدي الكوفي ق ج
٥ صباح بن غارة الاسدي مولاهم كوفي ق ج
٦ صباح بن نبيل الذي ذكره العلامة في ضمن يحيى بن
صباح بن يحيى
٧ صباح بن محمد الزعفراني الكوفي ق ج
٨ صباح بن موسى الشاطبي ثقة الناشي عند ذكر جعفر
٩ صباح بن نصر الحذاء له مسائل عن الرضا حش
١٥ صباح بن يحيى ابو محمد المزني كوفي ثقة فرق لكتاب
عنه لمحمد بن الخضر حش
صباح بن يحيى المزني لكتاب روى عنه محمد بن موسى
حوز است صباح بن يحيى المزني ابو محمد كوفي زيدي جيد
في حديث اخبارنا ضعيف ويجوز ان يخرج شاهدا عمر
وقال العلامة قدس سره في ضمن صباح بن نبيل بن يحيى المزني
ابو محمد كوفي ونقل عن ابن الغضايري انه زيدي جيد
في حديث اخبارنا ضعيف ويجوز ان يخرج شاهدا
ونقل عن النجاشي انه ثقة فرق ولم اجد في ابن الغضائري
والنجاشي الا كما نقلنا وفي الايضاح كما في حش ست عشر
وذكره ثمرة زاد وبا عن النجاشي كما نقلناه وثمرة زاد وبا
عن ابن الغضايري بعنوان صباح بن نبيل بن يحيى المزني
ابو محمد فرق زيدي ولا يخفى ما فيه

١ صبيح ابو الصباح مولى بسام بن عبد الله الصيرفي الكاتب
عنه جماعة منهم صفوان بن يحيى جش ق تج

٢ صبيح الصائغ ابو علي كوفي ثقة له كتاب رواه محمد بن بكر
بن جناح جش

٣ صبيح بن عمرو البزي الكوفي ق تج

١ صبيرة بن صفبان تي تج

١ صخر بن حرب ابو سفيان ام تج

١ صدقة بن عبد الغني ابو سهل نديم الكتاع
وعاش الى ان مات سنة احدى وثمانمائة حكى ذلك
الحسين بن عبيد الله عن مشايخه وكان ثقة خبيرا بالكتاب
البخل والمروة حسن صحيح الحديث جش

٢ صدقة الخزاز اسافي ضا تج

٣ صدقة بن عبد الغفار الكوفي ق تج

٤ صدقة بن سلم الفزاري ق تج

٥ صدقة بن يزيد الكوفي ق تج

١ صدي ابو امامة ام تج

١ صديق بن عبد الله الكوفي ق تج

الصعب بن حثامة ام تج

١ صعصعة بن صوحان تي تج وقال الكشي قال احمد
بن مسعود حدثني علي بن محمد قال حدثني محمد بن احمد
بن يحيى عن العباس بن معروف عن ابي محمد الحجال عن
داود بن ابي يزيد قال قال الصادق عليه السلام ما كان

مع امير المؤمنين من يعرف حقه الا صعصعة واصحابه
ذكر الكشي ايضا روايات كثيرة تدل على عظم شانه و
جلالة قدره رحمه الله

صفوان بن امية ام تج ١

صفوان بن حذيفة بن اليمان تي تج ٢

صفوان بن سليم الزهري المدني ق تج ٣

صفوان بن مهران بن المغيرة الاسدي مولاهم ٤
ثم مولى بني كاهل منهم ثقة يكنى ابا محمد كان يسكن
بني حزام بالكوفة واخوه الحسين ومسكين روى عن
ابي عبد الله وكان صفوان جمالا له كتاب يرويه
جماعة اخبرنا احمد بن علي بن نوح قال حدثنا احمد
بن عبد الله بن قضاعة قال حدثنا ابي عن صفوان الجمال
له كتاب روى عنه السندي بن محمد ست وقال الكشي
قال حمدويه حدثني محمد بن اسمعيل الرازي قال حدثني
الحسن بن علي بن فضال قال حدثني صفوان بن مهران
الجمال قال دخلت على ابي الحسن الاول عليه السلام
فقال يا صفوان كل شيء منك حسن جميل ما خلا
شيئا واحدا والله ما اكريته اشرا ولا بطرا ولا لصيد
ولا للهو ولكني اكريته لهذا الطريق يعني طريق مكة
ولا انوله بنفسي ولكني ابعث معه غلماني فقال لي
يا صفوان ابيقع كراءك عليهم قلت نعم جعلت فداك
فقال فقال انحب بقاءهم حتى يجري كراءك قلت نعم قال من

+ قد وصف هذا الراوي بكونه من اجلاء اصحابنا الامامية
وهو كما ترى

احب بقائهم فهو منهم ومن كان منهم كان ورد النار وقال
صفوان فذهبت وبعت جمالي عن آخرها فبلغ ذلك
هرون فدعاني فقال يا صفوان بلغني انك بعت
جمالك قلت نعم فقال لم قلت انا شيخ كبير وان الغلمان
لا يفون بالاعمال فقال هيهات هيهات اني لاعلم
اشار عليك بهذا اشار عليك بهذا موسى بن جعفر
قلت مالي ولموسى بن جعفر فقال دع هذا عنك فوالله
لولا حسن صحبتك لقتلتك

٥ صفوان بن يحيى ابو محمد البجلي بياع السابري كوفي
ثقة ثقة عين روى عن ابي الحسن عليه السلام وروى
هو عن الرضا عليه السلام وكان له عنده منزلة
شريفة ذكر الكشي في رجال الكاظم وقد توكل
للرضا عليه السلام وابي جعفر وسلم مذهبه من
الوقف وكان له منزلة من الزهد والعبادة وكان
جماعة الواقفة بذلوا له مالا كثيرا وكان شريكا
لعبد الله بن جندب وعلي بن النعمن وروى انهم
تعاقدوا في بيت الله انه من مات منهم صلى من يحج
صلوته وصام عنه صيامه وزكى عنه زكوته فمات
صفوان فكان يصلي في كل يوم مائة وخمسين ركعة
ويصوم في السنة ثلثة اشهر ويزكي زكوته ثلث دفعات
وكلما يتزع به عن نفسه مما عدا ما ذكرنا يتزع عنهم به
وحكى اصحابنا ان انسانا كلفه حمل ذينار الى اهله
الى الكوفة فقال ان جمالي مكتريها فاستأذن لي
وكان من الورع والعبادة على ما لم يكن احد من طبقته
رحمه الله وصنف ثلثين كتابا روى عنه محمد بن الحسين
بن ابي الخطاب جل اصول اصل زمانه عند اهل الحديث
واعدهم له كتب كثيرة روى عنه يعقوب بن يزيد وزكريا
بن شيبان والحسين بن سعيد وروى احمد بن محمد
عن ابيه عنه ستة وكيل للرضا ثقة ثم صار وكيلا ابي جعفر وابي ابراهيم
على يصح ما يصح عنه وافرد له بالفهرست

الصلت بن الحجاج الكوفي فرق يج ١

الصلت بن الحر له كتاب روى عنه يحيى بن زكريا بن شيبان يج ٢

صلد بن زفر صاحب عمر ق يج ١

صمد ابو محمد ق يج ١

صندل الذي روى عنه الحسن بن علي بن فضال ١
ق يج

صهيب ابو حكيم الصيرفي الكوفي ثابتي ق يج ١

صهيب بن سنان ل يج ٢

صهيب مولى رسول الله صلى الله عليه وآله قال ٣
الكشي قال ابو عبد الله محمد بن ابو بهم قال حدثني علي بن
محمد بن يزيد الصوفي قال حدثني عبد الله بن محمد بن عيسى
عن ابن ابي عمير عن هشام بن سالم عن الكاظم وعليه السلام
قال كان بلال عبدا صالحا وكان صهيب عبدا سوء

يبكى على عمه

١ صبغى بن ربعى ت ج

٢ صبغى بن سنبل كان من خدم على عليه السلام وهو جد عبد الملك بن مروان صه فى اخر الباب الاول

باب الضاد

١ ضابى بن عمر العدوى الاموى الكوفى ق ج وفى نسخة ابن الملك الاموى

١ الضحاك ابو بحر سكن البصرة ل ج

٢ الضحاك ابو مالك الحضرمى كوفى عربى ادرك الجاهلية وقال قوم من اصحابنا روى عنه وقال الخزرجى لم يرو عنه وروى عن الكاظم وكان متكلما فقيها ثقة فى الحديث له كتاب فى التوحيد ذكره على بن الحسن الطاهرى الخزاعى ج

٣ الضحاك بن الاشعث ق ج

٤ الضحاك بن سعد الواسطى له كتاب جش روى حماد بن زياد عن ابرهيم بن سليمان عنه ل ج وذكره ره فى باب الموثقين وره فى باب المجروحين وزاد ويعرف بالنجاشى حيث قال الضحاك بن سعد الواسطى ابو عاصم النبيل الشيبانى البصرى عامى انتهى ولم اجد فى النجاشى الا كما نقلنا ثم ذكر النجاشى فى ذكر الضحاك بن محمد بن شيبان ابو عاصم النبيل الشيبانى البصرى انه عامى والظاهر انه اشتباه عليه

٥ الضحاك بن عبد الله المشرقى بن ج

٦ الضحاك بن عمارة الكوفى ق ج

٧ الضحاك بن محمد بن شيبان ابو عاصم النبيل الشيبانى البصرى عامى روى عن الصادق عليه السلام كما يأتى هرون بن مسلم وعباس بن محمد بن حاتم جش

٨ الضحاك بن مخلد الشيبانى ابو عاصم البصرى النبيل ق ج ولعله ابن محمد العامى المتقدم

٩ الضحاك بن مزاحم الخراسانى فى اصله الكوفى نا بعى بن ج

١٠ الضحاك بن النعمان الجابرى الهمدانى الكوفى ق ج

١ ضرار بن الصامت ق ج

١ ضرغامة بن مالك ست بن ج

١ ضريس بن عبد الملك بن اعين الشيبانى قال حمدويه سمعت اشياخى يقولون انما سمى الكناسى لان نجارته بالكناسة وكان تحته بنت حمران وهو خير فاضل ثقة كش

٢ ضريس بن عبد الواحد بن المختار الكناسى الكوفى ق ج

٣ ضريس الواشى الكوفى ق ج

باب الطاء

١ طارق بن ابى المثنى ل ج

٢ طارق بن شهاب الاحمسى يكنى ابا جنيدب كوفى ق ج

٣ طارق بن عبد الرحمن الاحمسى البجلى كوفى بن ج

١ طالب بن عمير الكوفى ق ج

١ طالب بن هرون بن عمير النخعى ابو سالم الكوفى ق ج

١ طاووس بن كيسان ابو عبد الرحمن اليماني بن ج

١ طاهر بن حاتم بن ماهويه القزويني اخو فاذر بن حاتم كان صحيحا ثم خلط له كتاب روى عنه محمد بن علي بن عبيد جش كان مستقيما ثم تغير واظهر القول بالغلو وروايات روى عنه محمد بن عيسى بن عبيد في حال الاستقامة ست غال الكتاب صالح ثم قال الرجل ضعيف ثم وقال ابن الغضايري كان فاسد المذهب ضعيفا

٢ طاهر بن عيسى ابو دلف يكنى ابا محمد من اهل كش صاحب كتب روى عنه الكشي وروى هو عن احمد بن جعفر الهمداني عن محمد بن الحسين بن ابي الخطاب لته ج

٣ طاهر غلام ابي الجيش كان متكلما وعليه كان ابتدأ فوائد شيخنا ابي عبد الله رحمه الله لكن كان الشيخ رضي الله عنه يذكر منها كثيرا بالكلام في نداء جش

٤ طاهر مولى ابي عبد الله عليه السلام في ج

١ طربال بن جبل الكوفي ق ج

٢ طربال بن ربيعا الكوفي ق ج

١ طرماح بن عدي رسول امير المؤمنين عليه السلام الى معوية ق سن ج

١ طريف بن سنان الثوري الكوفي ق ج

٢ طعمة بن غيلان الجعفي الكوفي ق ج

١ طفيل بن الحرث بن عبد المطلب بدري ق ج

٢ طفيل بن مالك بن المضاد النخعي الكوفي ق ج

١ طلحة بن حوشب بن يزيد بن الحرث ابو وديم كوفي ثقة روى عن الصادق عليه السلام كذا بما روى عبد الحميد بن محمد بن علي الازدي جش

١ طلحة بن زيد ابو الحرث الهمداني الشامي يقال الجزري عامي في ذكره اصحاب الرجال له كتاب روى عنه منصور بن يونس جش له كتاب وهو عامي المذهب الا ان كتابه معتمد روى عنه محمد بن سنان وابو محمد القسم بن اسمعيل الفرشي بتري قرن ج

٢ طلحة بن عبد الله ل ج

٣ طلحة بن عمرو المكي بن ج

٤ طلحة بن النضر المكي بن ج

باب الظاء

١ ظالم بن سراق يكنى ابا الصفرة الدالهلب وكان شيعيا وقدم بعد الجمل فقال العلي عليه السلام اما والله لو شهدتك ما فاتك ازدي فمات بالبصرة وصلى عليه علي ق ج

١ ظالم بن ظالم وقيل ظالم بن عمرو يكنى ابا الاسود الدولي ق سن بن ج

١ ظبيان بن عمارة التيمي ج

١ ظريف بن ناصح اصله كوفي نشأ ببغداد وكان ثقة في حديثه صدوقا له كتب روى عنه علي بن ابو هيم الهمداني والحسن بن ظريف جش له كتاب الذبائح روى عنه الحسين بن

على بن فضال ست

١ ظفر بن حمدون ابو منصور الباذغيسي من اصحابنا له كتب روى عنه ابو القاسم علي بن شبل بن اسد جش روى عن ابرهيم الاحمري كان في مذهبه ضعف غمز وذكره في الباب بين والوجه غير ظاهر وذكر الشيخ في الرجال بعنوان ظفر بن محمد الباذغيسي وقال روى عن ابرهيم بن اسحق الاحمري اخبرنا عنه ابن شبل الوكيل ثم

١ ظهير بن رافع ل ج

٢ ظهير بن عمارة الباذغيسي الكوفي ق ج

٣ ظهير والد الحكم بن ظهير الفزاري كوفي ق ج

باب العين

١ عابس بن ابي شبيب الشاكري بصري ج

٢ عابس بن ربيعة النخعي ج وفي نسخة عباس

١ عاصم بن ثابت بن الافلح ل ج

٢ عاصم بن الحسن مجهول تم ج وقال ابن داود عاصم بن الحسين وفي تضعيف بعض الاصحاب ابن الحسن وخط الشيخ ابو جعفر ره كما ذكرت تم ج مجهول انتهى وكانه اخذ من بعض الاصحاب العلامة قدس سره وما ذكره موافق لقول الشيخ كما نعلمناه نعم ذكر الشيخ عاصم بن الحسين في هذا الباب فيه مهملا لا مفصلا هذا قوله ج مجهول الطريق

٣ عاصم بن الحسين تم ج

٤ عاصم بن حفص الكوفي ابو عمرو الوابلي سند عن ق ج

٥ عاصم بن حميد الحناط الخفاف ابو الفضل مولى كوفي ثقة عين صدوق له كتاب روى عنه محمد بن عبد الحميد جش له كتاب روى عنه سندي بن محمد وعبد الرحمن ابي نجران سند

٦ عاصم بن ذكير الحنفي كوفي ق ج

٧ عاصم بن سليمان سجستي يعنوان عاصم الكوزي

٨ عاصم بن ضمرة ق ج

٩ عاصم بن عمر بن حفص بن عاصم بن عمر بن الخطاب القرشي المكي ق ج وروى الكليني في كتاب الحج في باب فضل النظر الى الكعبة بطريق حسن عن ابان فرعه السلام انه قال لعاصم بن عمر كذبت قال زراره ما زاينا يستقبل احدا بقول كذبت غيره

١٠ عاصم الكوزي من كوز قبيلة وهل من كوز بني مالك بن اسد ثقة له كتاب روى عنه سليمان بن معاذ الخداء جش عاصم بن سليمان البصري يعرف بالكوزي ق ج

١١ عاصم بن عمر الكوفي ق ج

١٢ عاصم بن وائل المزني ق ج

١ عامر بن ابي الاحوص ق ج

٢ عامر بن اخضل ق ج

٣ عامر بن الاصبغ الزبيدي ق وسوله الى معوية ج

٤ عامر بن جذاعة سجستي يعنوان عامر بن عبد الله بن جذاعة

٥ عامر بن حزم ل ق عامل رسول الله صلى الله عليه واله وسلم على نجران دلا اخبر نعم عمر بن حزم عند رجال

انه ابو مومن عليه السلام موجود وقال هو عامل رسول
الله صلى الله عليه وآله على نجران كما بانى

٤ عامر بن حبة الحضرمى الكوفى ق ج

٧ عامر بن خداعة دوى عنه ابراهيم بن سليمان الخزاز
عنهما لم ج ويحتمل ان يكون هذا هو المذكور بعنوان
عامر بن جذاعة بالجيم وان كان الشيخ ذكره فى رجال
الصادق عليه السلام لان مثل هذا كثير فى كلامه
كما يظهر من ترجمة القاسم بن محمد الجوهرى

٨ عامر بن ربيعة ج

٩ عامر بن زيد ى ج وفى نسخة ابن يزيد

١٠ عامر بن السمط الهمدانى تابعى اسند عنه ق ج

١١ عامر بن سلمة البكرى الكوفى ق ج

١٢ عامر بن السمط يكنى ابا يحيى بن ج

١٣ عامر بن شرجيل ابو عمرو الفقيه الذى ذكره دراج
عن ج لم اجده فى النسخ التى عندنا من ج وهو المعروف
بالشعبى عامى مذموم عندنا

١٤ عامر بن صخرة السكونى عربى كوفى ى ج

١٥ عامر بن طريف ى ج

١٦ عامر بن عبد الاسود ى ج

١٧ عامر بن عبد عمرو ى ج

١٨ عامر بن عبد قيس بن الزهاد الثمانينه وذكرنا
الزهاد الثمانينه عند ذكر اويس القرنى

١٩ عامر بن عبد الله بن جذاعة الازدى عربى ذله كتاب ردى
عنه ابراهيم بن هرمز حبش عامر بن جذاعة له كتاب ردى
عنه القاسم بن اسمعيل مات عامر بن عبد الله بن جذاعة
ق ج ثم قال فى باب من لم ان عامر بن خداعة روى
عن جعد عن ابراهيم بن سليمان الخزاز عنهما ولا يبعد
ان يكونا واحدا وروى الكشى بطريق ضعيف انه من
حوارى الكاظم والصادق عليهما السلام ثم روى
بطريق ضعيف عن الصادق عليه السلام انه قال فى
شان عامر بن جذاعة وحجر بن زايدة لا غفر الله لهما
وقال العلامة قدس سره فى حه والمعتمد ما رجح فيه
نظر وذكره ثمرة بعنوان عامر بن عبد الله بن جذاعة
وثمرة بعنوان عامر بن جذاعة والظاهر انهما واحد كما صرح
محمد بن على بن بابويه فى مشيخته

٢٠ عامر بن عبد ى ج

٢١ عامر بن عمير ق ج

٢٢ عامر بن كثير الشراج زيدى كوفى ثقة له كتاب روى
عنه محمد بن الحسين حبش سبين وكان من دعاته سبه
السلام ج وانا اتوقف فى روايته لقول النجاشى فيه
وذكره ثمرة راويا عن جعد ج كما نقلناه ثمرة راويا عن
ج بعنوان عبد الله حيث قال عبد الله بن كثير الشراج
سبين ج كان من دعاته ولعله غلط لانى لم اجد فى
كتب الرجال خصوصا فى رجال الشيخ

٢٣ عامر بن مسعود بن معتب ى ج

٢٤ عامر بن مسلم مجهول سبن ج

٢٥ عامر بن وائلة يكنى ابا الطفيل ادرك ثمان سنين من حيوة النبى ولد عام احد ل ى ن بن ج كان كيسا بما مر يقول بحيوة محمد بن الحنفية وله فى ذلك شعر وخرج نحو ذلك المختار بن ابى عبيدة كش وذكره د فى البابين ونقل العلا فى آخر الباب الاول من صحف عن البرقى انه من حواص امير المؤمنين

٢٦ عامر بن يزيد ى ج وفى نسخة ابن زيد كما نقلنا

١ عابد بن بكر ى ج

٢ عابد بن جبيا ابو احمد العبدى الصيرفى الكوفى ق ج

٣ عابد بن عمرو ل ج

٤ عابد بن مدرك النخعى الكوفى ق ج

٥ عابد بن يسامة الاحمسى ق ج

١ عباد ابو سعيد العصفرى كوفى كان ابو عبد الله الحبر بن عبد الله رحمه يقول سمعت اصحابنا يقولون ان عبادا هذا هو عباد بن يعقوب وانما دلسه ابو سعيد جش وفى ذ عبادا ان راويا عن الجاثى وهو سهو

٢ عباد بن جريح الذى ذكره د يحتمل ان يقول ان عبد الله بن جريح

٣ عباد بن ربيع البجلى الكوفى ق ج

٤ عباد بن زياد الكلبى الكوفى ق ج

٥ عباد بن سالم ق ج

٦ عباد بن سليمان الكاتب روى عنه محمد بن خالد البرقى جش روى عنه محمد بن سليمان الديلمى روى عنه الصفار ل ج

٧ عباد بن صهيب ابو بكر البصرى الكلبى الهروى بصرى نزيل روى عن الصادق عليه السلام كثيرا وروى عنه هرون بن مسلم جش له كتاب روى عنه الحسن بن محبوب ست تبصر عنه قر ق ج قال نصر بن عباد نبز محكم

٨ عباد بن عمران الانصارى مولاهم كوفى ق ج

٩ عباد بن عمران الثعلبى الكوفى ق ج

١٠ عباد بن قيس صاحب الزهاف ى ج وفى ذ بن وهو سهو

١١ عباد بن كثير الكاهلى الثقفى ق ج

١٢ عباد بن محمد بن سليمان النوفلى ضا ج

١٣ عباد بن موهب الكوفى ق ج

١٤ عباد بن يزيد روى عنه الحسن الحبر ابنا سعيد ج

١٥ عباد بن يعقوب الرواجنى عامى المذهب له كتاب اخبار المهدى روى عنه على بن العباس الفانوسى وذكره بعد ذكر عباد ابو سعيد العصفرى وهذا يدل على انهما رجلان ويظهر من الجاثى انهما واحد كما نقلناه من قبل ويظهر من كتب الانساب ان عباد بن يعقوب شيعى

١ عبادة بن زياد الاسدى كوفى ثقة زيدى له كتاب يروى عنه ابرهيم بن سليمان البهمى جش

٢ عبادة بن الصامت ابن ابى ذر من قام بالبصرة وكان

شعبا ى ج قال الفضل بن شاذان انه من الشاذ بن الميثم
رجعوا الى امير المؤمنين عليه السلام كش وذكره ثمره
هكذا ثمره بعنوان عبد الله بن الشماخ راويا عن
ج ولم اجد الا كما نقلناه

١ العباس بن جعفر بن محمد بن علي بن الحسين بن
علي بن ابي طالب عليه السلام كان فاضلا نبيلا افاده
المفيد في ارشاده

٢ العباس بن ربيعة بن الحرث بن عبد المطلب ى ج

٣ العباس بن ربيعة النخعي ى ج وفي نسخة غالب كما مضى

٤ العباس بن زيد مولى جعفر بن محمد عليه السلام له احاديث
روى عنه يزيد بن اسحق جش ن ج

٥ العباس بن شريك ى ج

٦ العباس بن صدقة قال نصر بن الصباح العباس بن
صدقة من الغلاة الكبار الملعونين كش

٧ العباس بن عامر بن رباح ابو الفضل الثقفي الصباغ
الشيخ الصدوق الفقيه كثير الحديث له كتب روى عنه محمد
بن عبد الله جش له كتاب روى عنه الحسن بن علي الكوفي
وايوب بن نوح ست العباس بن عامر القصباني روى عنه
ايوب بن نوح لم ى ج قال عند ذكر اصحاب الكاظم عليه السلام
العباس بن عامر واظنهما واحد وان كان ذكره ثمره
في باب اصحاب الكاظم عليه السلام وثمره في باب من لم يرد
على العدد دلالة مثل هذا كثير في كلامه قدس سره

بظهر من زوجة القاسم بن محمد الجوهري من هذا الكتاب

٨ العباس بن عابد الكوفي مولى همدان ن ج

٩ العباس بن عبد الرحمن الصابغ الكوفي ن ج

١٠ العباس بن عبد الله بن معبد بن العباس بن عبد
المطلب الهاشمي المكي ن ج

١١ العباس بن عبد المطلب عم النبي صلى الله عليه وآله
سيد من ساداتنا اصحابه وهو من اصحاب علي ابن صه

١٢ العباس بن عبد الله الهجري الكندي ن ج

١٣ العباس بن عطية العامري الكوفي اسند عنه ن ج

١٤ العباس بن علي بن ابي سارة كوفي ثقة له كتاب جش

١٥ العباس بن علي بن ابي طالب عليه السلام سبق مع
مع عليه السلام مثله حكم بن الطفيل امام البين ج

١٦ العباس بن علي بن جعفر بن عبد الله بن جعفر بن
محمد بن علي بن ابي طالب عليه السلام ابو الحسن روى عنه
التلعكبري لم ج

١٧ العباس بن عمر الهجري ن ج

١٨ العباس بن عمر ن ج

١٩ العباس بن عوف البصري ن ج

٢٠ العباس بن عيسى العاصري كوفي ابو محمد قالوا
كان يسكن في بني عاصر روى محمد بن العباس بن عيسى
عن ابيه كتابه جش له كتاب روى عنه احمد بن منيم سنه

٢١ العباس بن الفضل يكنى ابا الفضل روى عن الحسين
عليه السلام خطبته سن ج

٢٢ العباس بن محمد الوراق بوذنوضاج ولا يبعد ان
هذا هو الذي يجيء بعنوان العباس بن موسى الوراق

٢٣ العباس بن معروف ابو الفضل مولى جعفر بن
عبد الله الاشعري قمي ثقة له كتاب الانساب وله نوادر
روى عنه احمد بن محمد بن خالد البرقي ويظهر من النجاشي
في باب الكوفان احمد بن محمد بن عيسى ايضا يروي
عنه وكذا يروي عنه محمد بن علي بن محبوب وقال
الشيخ في الرجال ثقة صحيح مولى جعفر بن عمران
بن عبد الله الاشعري قمي ذكره هكذا
وذكر في شأنه ما ذكره النجاشي في شأن العباس بن
موسى ابو الفضل الوراق حيث قال العباس بن
معروف ابو الفضل الوراق نزيل بغداد ومات
بها وكان من اصحاب يونس انتهى وكان هذا
من طغيان القلم

٢٤ العباس بن موسى ابو الفضل الوراق ثقة
نزل بغداد ومات بها وكان من اصحاب يونس له
كتاب المتعة روى عنه احمد بن محمد البرقي

٢٥ العباس بن موسى النخاس كوفي ثقة صاحج
ولم يذكره النجاشي وذكر داود باعن جعفر النجاشي
انه اشتباه

٢٦ العباس النخاشي كوفي صاحج

٢٧ العباس بن الوليد بن صبيح كوفي ثقة وله
كتاب روى عنه الحسن بن محبوب الزراد كتاب برد
عن الوليد بن صبيح عن الصادق عليه السلام روى
عنه صفوان بن يحيى

٢٨ العباس بن هشام ابو الفضل الناشري الاسدي
عربي ثقة جليل في اصحابنا اكثر الرواية كثير الرواية مقبول
عبس له كتب روى عنه جعفر بن عبد الله المحمدي
الحسني عبس بن هشام له كتاب النوادر روى عنه محمد
بن علي الصيرفي ومحمد بن الحسن والحسن بن علي
الكوفي ست لم يحج وذكره عند اصحاب الرضا عليه
السلام ايضا ومثل هذا في كلامه كثير

٢٩ العباس بن هلال الشامي روى عن الرضا عليه
السلام نسخة وهي مختلف بحسب الرواة روى عنه
محمد بن الوليد الخزاز جش

٣٠ العباس بن يحيى الجعفري المدني ن ج

٣١ العباس بن يزيد الخزرجي كوفي ثقة له كتاب روى
عنه احمد بن يوسف بن يعقوب الجعفي جش

١ عباية بن ربعي الاسدي ت ن ج ونقل العلامة
في اخر الباب الاول من الخلاصة عن البرقي انه من حواري
امير المؤمنين عليه السلام

٢ عباية بن رفاعة بن رافع بن خديج الانصاري
ت ج وذكره العلامة في اخر الباب الاول من صبر تضوا
عابد بن رفاعة بن رافع بن خديج الانصاري

والظاهر اشتباه كما قال د

١ عبد الاعلى بن الاعين الهلالي مولاهم الكوفي ق ج

٢ عبد الاعلى بن زيد ابو شاكر العبدي الكوفي ق ج

٣ عبد الاعلى بن علي بن ابي شعبة الحلبي ثقة التجا شي عند ترجمة عبيد الله بن علي بن ابي شعبة ومحمد بن علي بن ابي شعبة

٤ عبد الاعلى بن كثير البصري الكوفي ابو عامر اسند عنه ق ج

٥ عبد الاعلى بن محمد الجعفري ق ج

٦ عبد الاعلى مولى آل سام روى الكشي عن حمدويه عن محمد بن عيسى بن عبيد عن علي بن اسباط عن سيف بن عميرة عن عبد الاعلى قال قلت لابي عبد الله عليه السلام ان الناس يعيبوني على بالكلام وانا اتكلم الناس فقال اما ما مثلك من بقع ثم يطير فقع واما من بقع ثم لا يطير فلا وصرح في الكافي في باب فضل نكاح الابكار بان عبد الاعلى بن اعين هو مولى آل سام ويظهر من رجال الشيخ عند ذكر اصحاب الصادق عليه السلام انه غيره لانه ذكرهما

٧ عبد الاعلى بن الوضاح الازدي الكوفي ق ج

٨ عبد الاعلى بن يزيد الكوفي ق ج

١ عبدان بن محمد الجوهري ابو معاذ له نسخة يروي بها عن ابي محمد الحسن بن علي صاحب العسكر عليه السلام روى عنه ابو احمد محمد بن احمد بن ركوبة الدينوري حش

١ عبد الباقي بن الطائع له كتاب الكشي عن اهل البيت عليهم السلام روى عنه الدوري ست لم ج

١ عبد الجبار بن اعين اخو زرارة الشيباني ق ج

٢ عبد الجبار بن العباس الهمداني الشامي ق ج

٣ عبد الجبار بن المبارك الهنائي ونسبه صاد ج ثم قال في باب من لم ان عبد الجبار من اهل نهاوند روى عنه ابن ابي د والظاهر اتحادهما وقال في الفهرست له كتاب روى عنه احمد بن ابي عبد الله وروى الكشي بطريق ضعيف لان فيه سهل بن زياد الادمي عنه كتب محمد بن علي الجواد عليه السلام كان بالعقيقة وقد سباه اهل الضلال

٢ عبد الجبار بن مسلم العبدي الكوفي ق ج

١ عبد الحميد بن ابي جعفر الفراء القزاز مولاهم الكوفي ق ج

٢ عبد الحميد بن ابي الديلم وهو ابن عم معلى بن خنيس قال ابن الغضائري انه ضعيف جدا وبظهر من النجاشي عند ذكر معلى بن خنيس ان عبد الحميد هذا هو ابن اخي معلى بن خنيس فتدبر وقال الشيخ في الرجال قرن

٣ عبد الحميد بن ابي العلاء بن عبد الملك الازدي ثقة يقال له الخمين ق له كتاب روى عنه ابن ابي عمير حش عبد الحميد بن ابي العلاء الازدي الخمير الكوفي ق

يظهر من الكافي ان حسب الاعين اعين وسولى الاسلام وهم كما سيجيء منه

جع ثم قال عبد الحميد بن ابي العلاء الازدي الخفاف الكوفي
ق والظاهر انهما واحد

٤ **عبد الحميد** بن بكير بن اعين الشيباني كوفي قج

٥ **عبد الحميد** بن جابر الازدي الكوفي ق جج

٦ **عبد الحميد** بن زياد الكوفي اسند عنه ق جج

٧ **عبد الحميد** بن سالم العطار ابو جعفر روى عبد
الحميد عن الكاظم عليه السلام وكان ثقة من اصحابنا
الكوفيين له كتاب النوادر روى عنه عبد الله بن جعفر
وروى الشيخ قدس سره في التهذيب في باب الزيادات من
الوصايا عن احمد بن محمد بن عيسى عن العباس بن معروف
عن علي بن مهزيار عن محمد بن اسمعيل بن بزيع قال التزم
رجلا من اصحابنا مات ولم يوص فرفع امره الى قاضي
الكوفة فصير عبد الحميد بن سالم القيم بماله وكان
رجلا خلف ورثة صغارا ومتاعا وجواري فباع عبد
الحميد المتاع فلما اراد بيع الجواري ضعف فلم يبعهن
ولم يكن البيت صير اليه وصيه وكان قياسه يأمر القاضي
لانهن فروج قال محمد فذكرت ذلك لابي جعفر عليه
السلام فقلت جعلت فداك يموت الرجل من اصحابنا
فلا يوصي الى احد وخلف جواري فيقيم القاضي رجلا
يبيعهن او قال يقوم بذلك رجل منا فيضعف قلبه
لانهن فروج فما ترى في ذلك فقال ان كان القيم
مثلك ومثل عبد الحميد فلا بأس وقال الشيخ في الجزء

عبد الحميد العطار ق

٨ **عبد الحميد** بن سعيد بجلي كوفي له كتاب روى عنه
صفوان بن يحيى قج ثم قال في هذا الباب عبد الحميد بن
سعيد روى عنه صفوان بن يحيى ثم ذكر عند ذكر اصحابنا
الوصايا عبد الحميد بن سعيد بن سعيد في التهذيب في اوائل
باب الاحرام وفي كتاب الحج بدون ابيه عبد الحميد بن سعيد روى
عنه صفوان والظاهر انهما واحد وان كان الشيخ قدس سره
تخلل لان مثل هذا في كلامه كثير مع جزمنا بالاتحاد

٩ **عبد الحميد** بن سعيد مختلف بعنوان عبد الحميد بن سعد

١٠ **عبد الحميد** بن عبد الحكيم الكوفي ق جج

١١ **عبد الحميد** بن عواض الطائي ثقة من اصحاب الباقر
عليه السلام والصادق والكاظم عليهم السلام جج

١٢ **عبد الحميد** بن فرقد الاسدي مولى كوفي ق جج

١٣ **عبد الحميد** بن مسلم الازدي الكوفي ق جج

١٤ **عبد الحميد** بن المعلى الكوفي ق جج

١ **عبد الخالق** بن حبيب الصيرفي اخو هشيم بن حبيب
كوفي ق جج

٢ **عبد الخالق** بن ربيعة الخزاعي مولاهم الكوفي ق جج

٣ **عبد الخالق** بن عبد ربه قال الكشي شهاب بن عبد
الرحيم وعبد الخالق ووهب ولدا عبد ربه من موالي بني
اسد من صلحاء اهل الكوفة ثم قال حدثني محمد بن مسعود قال
حدثني عبد الله بن محمد قال حدثني ابي عن اسمعيل بن عبد

٢ جع عبد الحميد بن سعد الازدي ق عن علي بن سعيد عن عبد الحميد محمد بن عبد الحميد بن سالم العطار ع

٣ لعله صدوق فان الشيخ عنه عن محمد بن عبد الحميد محمد بن عبد الحميد بن سالم العطار ع

٣ عبد الرحمن ل

٣ الخ ق

الخالق قال ذكر ابو عبد الله عليه السلام ابو فلان رحمه
الله على ابيات ثلاثا وو ثقه النجاشي عند ذكر ابنه عبيد
بن عبد الخالق وذكره العلامة وابن داود ولم يوثقاه
صريحا في هذا الموضع وينبغي ان يوثقاه لتوثيق النجاشي
٢ اباه **عبد الخالق** بن محمد البناء الكوفي سمع
عنه ق ج
١ **عبد خير** الخزاعي خزان من همدان ق ج
٢ **عبد خير** بن ناجد بكنى ابا صادق الازدي ق ج
١ **عبد ربه** بن ابي ميمونة بن بشار الاسدي مولاهم كوفي
والد شهاب ق ج
١ **عبد الرحمن** بن ابي الصبر المرادي الكوفي ق ج
٢ **عبد الرحمن** بن ابي بكر بن ابي فاختة ق ج
٣ **عبد الرحمن** بن ابي الحسن ق ج
٤ **عبد الرحمن** بن ابي حماد ابو القاسم كوفي صيرفي
انتقل الى قم وسكنها وهو صاحب دار احمد بن ابي عبد
الله البرقي روى بالضعف والغلو له كتاب روى عنه
محمد بن الحسين بن ابي الخطاب حبش عبد الرحمن بن ابي حماد
كوفي سكن قم وروى عنه القميون يكنى ابا محمد ضعيف جدا
لا يلتفت اليه في مذهبه غلو فض
٥ **عبد الرحمن** بن ابي طلحة ق ج
٦ **عبد الرحمن** بن ابي عبد الله البصري مولى بني شيبان
واصله كوفي واسم ابي عبد الله ميمون حدث عنه

بن كهيل فيقول عن ابي عبد الله الشيباني وكثيرا الموى سما
عن ابي عبد الله وحدث عنه ايضا خالد الحذاء وشعبة و
عوف بن ابي جميلة بموه كلهم ميمون وروى عن عبد الله
بن عباس وعبد الله بن عمر واكثر اوبن عازب وعبد الله
بن بريدة وكان عبد الرحمن هذا خشن الفضل بن ب
ق ج ووثقه النجاشي عند ترجمة سهيل بن هشام وذكره
في باب الثقات ووضعه ثم ذكره في باب الضعفاء وقال
قيل فيه لا نعرف منه الا الرواية خطا من عمل وقال البعض
اصحابنا الله ظهر بزكية وكذا ابنه ابو هشام ولم يذكر هذا الخبر
ولا اكثر انهى وكانه لم يطلع على توثيق النجاشي لهما عند ذكر
اسهيل بن هشام وكذا على ذكر الكشي اياه
٧ **عبد الرحمن** بن ابي العطار الحناط ق ج
٨ **عبد الرحمن** بن ابي عمارة الطحان الهمداني مولاهم كوفي
٩ **عبد الرحمن** بن ابي ليلى الانصاري شهد مع علي عليه السلام
جمله كوفي مات ق ج وقال الكشي ضربه الحجاج حتى اسود كفنا
على سب علي عليه السلام
١٠ **عبد الرحمن** بن ابي الموالي مولى بني هاشم ق ج
١١ **عبد الرحمن** بن ابي نجران واسمه عمرو بن مسلم
الخثعمي مولى كوفي ابو الفضل صدوق روى ابوه ابو نجران
عن الصادق عليه السلام وكان عبد الرحمن ثقة ثقة
مسندا على ما يرويه له كتب كثيرة روى عنه عبد الله بن
محمد بن خالد وحمدان بن المغافا ابو جعفر الصيقل وعبيد الله

بن احمد جش له كتب روى احمد بن ابي عبد الله عن ابيه عنه ست
ضاد ج وروى عنه موسى بن القسم كما يظهر من باب الزيادات
من كتاب الحج من التهذيب

١٢ عبد الرحمن بن ابي هاشم الذي ذكره الشيخ في الفهرست
بيحيى بعنوان عبد الرحمن بن محمد بن ابي هاشم

١٣ عبد الرحمن بن احمد بن جبر وبها ابو محمد العسكري
متكلم من اصحابنا حسن التصنيف جيد الكلام وعلى يده
وجع محمد بن عبد الله بن مملك الاصبهاني عن مذهب
المعتزلة الى القول بالامامة وفع البنا من كتبه كتاب
الكامل في الامامة كتاب حسن جش

١٤ عبد الرحمن بن احمد بن نهيك السمرقندي الملقب
دحمان كوفي الاصل لم يكن في الحديث بذاك يعرف وينكر
وينكر ذكر ذلك احمد بن علي الصيرفي في كتاب نوادر
روى عنه جيد جش ابو محمد الملقب دحمان ضعيف جدا نجاشي
القول عض وفي صه في موضع دحمان دحان بدون
الميم وفي ح بالميم ولعله الصواب وفي ق في موضع السمرقندي
السمرقندي ولم اجد لغيره

١٥ عبد الرحمن بن احمر البجلي الكوفي ق ج

١٦ عبد الرحمن بن الاسود ابو عمرو البشكري الكوفي ق ج

١٧ عبد الرحمن بن اعين بن نفيل الشيباني قرد
هو قليل الحديث له كتاب رواه عنه علي بن النعمان
جش له كتاب روى عنه القسم بن اسمعيل القرشي ست وروى

الكشي عن طاهر بن فنه محمد بن عيسى بن عبيد عن الحسن بن علي بن
فضال عن مشايخه انه كان مستقيما ومات في زمان
الصادق عليه السلام وقال العلامة في حه قال علي
بن احمد العقيقي انه عارف وقال الشيخ في الرجال الكبير انه
محمد بن عبد الله عليه السلام فرق

١٨ عبد الرحمن بن بدر ابو بدر وبريس كوفي ثقة ليس بالمنحرف عنا
وقد روى احاديث له كتاب يرويه عنه يحيى بن زكريا اللؤلؤي
جش وذكره محمد بن بدر ويبقى ان يوثقه كما وثقه العلامة في التوثيق
الفاشي آنفا

١٩ عبد الرحمن بن بديل يحيى عند ز حاجبه عبد الله

٢٠ عبد الرحمن بن بشير الثعلبي الكوفي مولاهم ق ج

٢١ عبد الرحمن بن بكير الكوفي ق ج

٢٢ عبد الرحمن بن جبر ابو عدنان ج

٢٣ عبد الرحمن بن جريش الجعفري الكلابي اسند عنه ق ج

٢٤ عبد الرحمن بن جندب ي ج

٢٥ عبد الرحمن بن الحجاج البجلي مولاهم كوفي بياع السابري
سكن بغداد وروى الكسائية قم ونفى بعد ابي الحسن
عليه السلام وروى الى الحق ولقي الرضا عليه السلام وكان
ثقة ثقة ثبتا وجها وكانه ثبت بثبت به مخالطة مع عمار بن
تذكر عن سلفها ما كان عليه من العبادة له كتب روى
عنه محمد بن ابي عمير جش له كتب روى عنه صفوان ست
روى الكشي عن نصر بن الصباح انه قال عبد الرحمن بن

الحجاج شهد لدا بو الحسن عليه السلام بالجنة وكان الصادق
عليه السلام يقول لعبد الرحمن يا عبد الرحمن كلم اهل
المدينة فاني احب ان يكون في رجال الشيعة مثلك
روى عن حمدويه بن نصير قال حدثنا محمد بن الحسين عن
عثمان بن عدس عن الحسين بن ناجية قال سمعت ابا
الحسن عليه السلام وذكر عبد الرحمن بن الحجاج فقال
انه ليقبل على الفوادة روى الكليني بطريق فيه سهل بن
زياد عن الصادق عليه السلام انه قال من مات في
المدينة بعث الله في الامنين يوم القيمة منهم محمد بن
حبيب ابو عبيدة الحذاء وعبد الرحمن بن الحجاج

٢٦ عبد الرحمن بن الحسن الفاشاني ابو محمد الضرير
المقرئ حسن الحفظ جش وقال العلامة هذا لا يقتضي
التعديل بل هو مدح وذكره في عنوان عبد الله
حيث قال عبد الله بن الحسين الفاشاني الضرير حسن
الحفظ ولعله اشتباه

٢٧ عبد الرحمن بن حماد له كتاب روى احمد بن ابي
عبد الله عن ابيه عنه ست

٢٨ عبد الرحمن بن حماد الكلابي الكوفي ق ج

٢٩ عبد الرحمن بن حنبل الجمحي قتل بصفين ي ج
ذكره دارا عن ج بعنوان عبد الله بن حنبل الجمحي قتل
بصفين ولعله اشتباه

٣٠ عبد الرحمن بن خراش بن الصمة بن الحرث ي ج

٣١ عبد الرحمن بن زعر مجهول فرج وذكره دارا وبا
عن ج بعنوان عبد الله بن زعر ولم اجد به الا
كما نقلنا ونقل العلامة والبحراني ذكره بعنوان عبد
الرحمن بن زعر ايضا

٣٢ عبد الرحمن بن زياد الاصبهاني ق ج

٣٣ عبد الرحمن بن زياد ابي زياد الجرشي مولى كوفي
ق ج

٣٤ عبد الرحمن بن زيد بن اسلم المدني ق ج

٣٥ عبد الرحمن بن سالم بن عبد الرحمن الاشل الكوفي
العطار وكان سالم بياع المصاحف وعبد الرحمن بن
سالم اخو عبد الحميد بن سالم له كتاب روى عنه
سندد بن جعفر جش روى عن ابي بصير ضعيف و
ابوه ثقة فرق عض وذكره في الآبائين

٣٦ عبد الرحمن بن سعد ابو حبة ل ج

٣٧ عبد الرحمن بن سلمان الانصاري فر ج

٣٨ عبد الرحمن بن سمرة ل ج

٣٩ عبد الرحمن بن سويد الكلبي الكوفي ق ج

٤٠ عبد الرحمن بن سيابة الكوفي البجلي البزاز مولى
اسند عنه ق ج وسيجيء عن الكشي في عبد الله
بن الزبير الوشاء ان الصادق عليه السلام اعطاه
دنانير يقسمها في عيال الاشل من قتل مع زيد روى عنه
موسى بن القاسم كما يظهر من باب الطواف من كتاب

الجمع من التهذيب

٤١ عبد الرحمن بن سنبار وي تج وفي نسخة ابن نبار كما سيجئ

٤٢ عبد الرحمن بن عباد البصري ق تج

٤٣ عبد الرحمن بن عبد ربه ي سين تج

٤٤ عبد الرحمن بن عبد ربه قال الكشي حدثني ابو الحسن حمدويه بن نصير قال سمعت بعض المشايخ يقول وسئل عن وهب بن شهاب وعبد الرحمن بن عبد ربه واسمعيل بن عبد الخالق بن عبد ربه قال كلهم خيار فاضلون كوفيون وفي بعض النسخ من الكشي عبد الرحيم كما سيجئ موثقا والظاهر غير المذكور فتأمل فتدبر

٤٥ عبد الرحمن بن عبد بن الكنودي تج وفي نسخة ابن عبيد

٤٦ عبد الرحمن بن عبد العزيز الانصاري الاملاكي المدني من ولد ابي امامة اسند عنه ق تج

٤٧ عبد الرحمن بن عبد الله الادرجي سين تج

٤٨ عبد الرحمن بن عبيد بن الكنودي تج وفي نسخة ابن عبد كما نقلنا

٤٩ عبد الرحمن بن عبيد الاسدي الكوفي ق تج

٥٠ عبد الرحمن بن عمرو ابو بحر البصري ق تج

٥١ عبد الرحمن بن عمرو الخياط كش وافق ذو في الكشي عبد الله بن عثمان كما سيجئ

٥٢ عبد الرحمن بن عزرة سين تج

٥٣ عبد الرحمن بن عمرو ي تج

٥٤ عبد الرحمن بن عمرو العابدي غا بذ فوبر كوفي له كتاب روى عنه ابو الحسن بن اسحاق الكاتب في حش

٥٥ عبد الرحمن بن عمرو بن مسلم ذكرناه بعنوان عبد الرحمن بن ابي نجران

٥٦ عبد الرحمن بن عمران كوفي له كتاب روى عنه ابو بن سليمان ان حش

٥٧ عبد الرحمن بن عوسجة ي تج

٥٨ عبد الرحمن بن عوف ل تج

٥٩ عبد الرحمن بن غنم وقال عبد الله بن غيم ي تج

٦٠ عبد الرحمن بن كثير الهاشمي مولى العباس بن محمد بن علي بن عبد الله بن العباس كان ضعيفا غمز اصحابنا عليه وقالوا كان يضع الحديث له كتب روى عنه علي بن حبيب ان حش

٦١ عبد الرحمن بن محمد بن ابي هاشم البجلي ابو محمد جليل من اصحابنا ثقة ثقة له كتاب روى عنه القاسم بن محمد بن الحسين بن حازم حش عبد الرحمن بن ابي هاشم له كتاب رواه القاسم بن محمد الجعفي ورواه ابن ابي عمير عنه

٦٢ عبد الرحمن بن محمد بن طيفور المتطبب ي تج

٦٣ عبد الرحمن بن محمد بن عبد الله الازدي الفراء ابو محمد ق ثقة ذكره اصحاب كتب الرجال له كتاب روى عنه ذكر ابن بحر حش عبد الرحمن بن محمد.

العزرمي له رواية روى عنه يوسف بن الحر الكندي
ت عبد الرحمن بن محمد بن عبد الله الفزاري
العزرمي ق تج

٦٣ عبد الرحمن بن مسلم ذكرناه بعنوان بعلك بن مسلم

٦٥ عبد الرحمن بن المنذر العبدي الكوفي ق تج

٦٦ عبد الرحمن بن ميمون ذكرناه بعنوان عبد الرحمن
بن ابي عبد الله

٦٧ عبد الرحمن بن ناصح الجعفي ابو العلا اسند عنه ق تج

٦٨ عبد الرحمن بن نضر بن عبد الرحمن البارقي الكوفي
ق تج

٦٩ عبد الرحمن بن وردان النخعي الكوفي ق تج

٧٠ عبد الرحمن بن ولاد الجعفي مولاهم كوفي ق تج

٧١ عبد الرحمن بن الهلقام ابو محمد العجلي ضعيف ق تج

٧٢ عبد الرحمن بن يحيى الفضيل م تج وفي نسخة عبد الله

٧٣ عبد الرحمن بن يسار ي تج وفي نسخة ابن سيار
كما ذكرناه

٧٤ عبد الرحمن بن اليسع الازدي العامري ابو تميم
ق تج

١ عبد الرحيم بن خراش بن الصمد بن الحر ت تج

٢ عبد الرحيم بن روح الضبي الاسكوفي ق
ق تج

٣ عبد الرحيم بن سليمان الرازي الكوفي ق تج

عبد الرحيم بن عبد ربه وقد الحاشي عند ترجمة عبد
بن عبد الخالق وقال الكشي شهاب وعبد الرحيم وعبد
الخالق ووهب ولد عبد ربه مولى من الى بني سعد من صلحاء الكوفة ٤

وفي بعض النسخ في موضع عبد الرحيم عبد الرحمن

عبد الرحيم بن عبد الله النهمي اخو عبد الملك ق تج ٥

عبد الرحيم بن عمرو الكندي ق تج ٦

عبد الرحيم بن مسلم البجلي الجريري كوفي ق تج ٧

عبد الرحيم بن نضر بن عبد الرحمن البارقي الكوفي ٨
ق تج

عبد الرزاق بن ابرهيم الخراساني ق تج ١

عبد الرزاق بن همام الصنعاني ق تج وظهر من ٢
كتب العامة انه شيعي روى عن معمر بن راشد

عبد السلام بن حرب النهدي كوفي في اصله بصري ١
ابو بكر ق تج وفي نسخة ابن حرب

عبد السلام بن حفص ق تج ٢

عبد السلام بن راشد كوفي ق تج ٣

عبد السلام بن سالم البجلي كوفي في نسخة الكاتب ذي ٤
عنه الحسن بن علي بن يوسف بن بقاح تحش

عبد السلام بن صالح ابو الصلت الهروي رضا ٥
ثقة صحيح الحديث له كتاب وقال الرضا عليه السلام
تحش ابو الصلت الخراساني الهروي عامي روى عنه
بكر بن صالح ضا تج وقال الكشي حدثني ابو بكر احمد

بن ابو هيم السنبسي رحمه الله قال حدثنا ابو احمد محمد بن
سليمان بن الفاتك قال حدثني العباس الدوري
قال سمعت يحيى بن معين يقول ابو الصلت ثقة الحديث
ورايته يسمع ولكن كان يحب التشيع ولم ير منه
الكذب ثم قال الكشي قال ابو بكر حدثنا ابو القاسم طا
بن علي بن احمد ذكران مولده بالمدينة قال سمعت
نزلة بن قيس الاسفرايني يقول سمعت احمد بن سعيد
الدارمي يقول ان ابا الصلت الهروي ثقة مامون
على الحديث الا انه يحب آل رسول الله وكان ذا بدو
مذهبه انتهى والظاهر ان ابا الصلت الهروي واحد لكنه
الا انه مختلط بالعامة وذا ولاجنادهم كما يظهر من كلام
الكشي وكلام الشهيد الثاني رحمه الله فما شبهه على الخلا
ومن ثم استشهد خالد على الشيخ قدس سره فقال فافهم
ومن اجل هذا ذكره العلامة مرة بعنوان عبد السلام
وثقه كما وثقه النجاشي ومرة بعنوان ابو الصلت وقال
انه عامي كما قال الشيخ وذكره في الباب بن وقد ظهر لك

٦ عبد السلام بن عبد الرحمن بن نعيم الازدي ق ج
وقال الكشي حدثنا علي بن محمد القتيبي قال حدثنا الفضل
بن شاذان عن ابن ابي عمير عن بكر بن محمد الازدي قال
ونعم لي زيد الشحام قال اني لاطوف حول الكعبة واكفي
في كتابي عبد الله عليه السلام قال ودموعه تجري
على خده فقال يا شحام ما رايت ما صنع زيد الى ثم

بكا ودعا ثم قال يا شحام اني طلبت الى الله في سلامة عبد
السلام بن عبد الرحمن وكانا في التيه فوهبهما لي وخلى
سبيلهما وانتهى وقوله ونعم لي زيد الشحام اي قال
كما قال صاحب القاموس الرقم القول

عبد السلام بن كثير الكوفي قر ق ج	٧
عبد السلام بن المثنى بن يزيد ابو كثير السلمي ق ج	٨
عبد السلام بن نعيم الكوفي ق ج	٩
عبد السلام بن الوضاح الكلبي الكوفي ق ج	١٠
عبد السميع بن سالم المزني ق ج	١١
عبد السميع بن واصل الازدي ق ج	١٢
عبد الصمد بن بشير الرابي العبد مولاهم كوفي ثقة ثقة له كتاب يرويه عنه جماعة منهم عبد بن هشام الناشري خ ش	١
عبد الصمد بن الصباح الهندي مولاهم الكوفي ق ج	٢
عبد الصمد بن عبد الله الجهني الكوفي ق ج	٣
عبد الصمد بن علي بن عبد الله بن العباس بن عبد المطلب علاده في الكوفيين ق ج	٤
عبد الصمد بن محمد مجي ق ج	٥
عبد الصمد بن مدار الصيرفي الكوفي ق ج	٦
عبد الصمد بن هلال الجعفي الكوفي اسند عنه ق ج	٧
عبد العالي بن علي بن عبد العالي الكركي رحمه الله	١

الله جليل القدر عظيم المنزلة رفيع الشان نقي الكلام
كبير الحفظ كان من تلامذة ابيه قدس سره ورفع في
الجنان قدره قد تشرفت بخدمته رضي الله عنه

١ عبد العزيز بن ابي خازن سلمة بن دينار المدني
ق ج

٢ عبد العزيز بن ابي الذئب المكنى وعبد العزيز
بن عمران صنعفه ابن معين ق ج

٣ عبد العزيز بن ابي سلمة الماجشون المكنى ابا
عبد الله مات سنة عشر ق ج

٤ عبد العزيز بن يحيى بن جعفر الرندي البغال الكوفي
وكان رندي يكنى ابا القاسم سمع من التلعكبري لم ج
وفي صنه سمع من التلعكبري ولعله سهو

٥ عبد العزيز بن اموى المرادي الصير في اسند
عنه ق ج

٦ عبد العزيز بن سليمان الكاتب المكي سند عنه ق ج

٧ عبد العزيز بن عبد الله العبد مولاهم الخزاز الكوفي
ق ج عبد العزيز العبد كوفي في ضعيف ذكره ابن
نوح لكتاب روى عنه الحسن بن محبوب حبش

٨ عبد العزيز بن عبد الله بن يونس الموصلي الاكبر
يكنى ابا الحسن روى عنه التلعكبري وذكر انه
كان فاضلا ثقة لم ج

٩ عبد العزيز بن عمران ذكرناه بعنوان عبد

العزيز بن ابي الذئب

١٠ عبد العزيز بن فضالة الكلبي الكوفي ق ج

١١ عبد العزيز بن محمد اسند عنه ق ج

١٢ عبد العزيز بن المطلب المخزومي اسند عنه ق ج

١٣ عبد العزيز بن المهتدي بن محمد بن عبد العزيز
الاشعري القمي ثقة ضاله كتاب روى عنه احمد بن محمد
خالد البرقي وقال الكشي قال جعفر بن معروف حدثني
الفضل بن شاذان بحديث عبد العزيز بن المهتدي
فقال الفضل قال حدثنا عبد العزيز وكان خيرا في
ممن رايته وكان وكيل الرضا عليه السلام وقال
الشيخ في الرجال الاشعري قمي ثم قال احمد بن محمد بن
الحسن روى عنه احمد بن محمد بن عيسى والبرقي لم

١٤ عبد العزيز بن نافع ق ج

١٥ عبد العزيز بن نحرير بن عبد العزيز المعروف
بابن البراج ابو القاسم من غلمان المرتضى رضي الله عنه
له كتب في الاصول والفروع بفقه الشيعة الملقب
بالقاضي وكان قاضيا بطرابلس

١٦ عبد العزيز بن يحيى بن احمد بن عيسى الجلودي
الازدي البصري ابو محمد شيخ البصرة واخباريها
وكان عيسى الجلودي من اصحاب ابي جعفر عليه السلام
وهو منسوب الى جلود فرضة في البحر وقال قوم الى
جلود بطن من الازد ولا يعرف النسابون ذلك

١٥ ما ذكر قبله ابنه وتلميذه ابو الفضل بن محمد الشيخ قال الشيخ قال الفضل

كتب روى عنه جعفر بن محمد حش امامى المذهب كتب
ست بصرة ثقة لم يخ وذكره ذهما لكانه لم يطلع على
توثيقه فى الرجال

١ عبد العظيم بن عبد الله بن على بن الحسن بن زيد بن
الحسن بن على بن ابى طالب ابو القاسم لقاب خطيب امير
المؤمنين عليه السلام قال ابو عبد الله الحسين بن
عبيد الله حدثنا جعفر بن محمد ابو القاسم قال احدثنا
على بن الحسين السعدابادى قال احدثنا احمد بن محمد
بن خالد البرقى قال كان عبد العظيم ورد الرى هاربا
من السلطان وسكن بها فى دار رجل من الشيعة فى
سكة الموالى وكان يعبد الله فى ذلك البرب ويصوم
نهاره ويقوم ليله وكان يخرج مستترا فيزور القبر
المقابل قبره وبينهما الطريق ويقول هو قبر رجل
من ولد موسى بن جعفر عليه السلام فلم يزل يأتى
الى ذلك البرب ويقع حبره الى الواحد بعد الواحد
من شيعة ال محمد حتى عرفه اكثرهم فراى رجل من الشيعة
فى المنام رسول الله صلى الله عليه وآله قال ان
رجلا من ولدى يحل من سكة الموالى ويدفن عندشجرة
التفاح فى باغ عبد الجبار بن عبد الوهاب فاتها
الى المكان الذى دفن فيه فذهب الرجل البشرى
الشجرة ومكانها من صاحبها فقال لا حتى تطلب
الشجرة ومكانها فاخبره الرؤيا فذكر صاحب الشجرة
انه كان راى مثل هذا الرؤيا وانه قد جعل موضع الشجرة
مع جميع الباغ وقفا على الشريف والشيع يدفنون
فيه مرض عبد العظيم ومات رحمه الله فلما جود وغسل
وجد فى جيبه رقعة فيها ذكر نسبه فاذا فيها انا ابو
القاسم عبد العظيم بن عبد الله بن على بن الحسن بن
زيد بن الحسن بن على بن ابى طالب عليه السلام روى
عنه عبيد الله بن موسى الروياني ابو نواب حش عبد العظيم
بن عبد الله الحسنى العلوى لقاب روى عنه احمد بن ابى
عبد الله البرقى ومات عبد العظيم بالرى وقبره فيها
ست روى عنه سهل بن زياد الادمى وابو نواب عبيد
الله الحارثى قد رحج وقال محمد بن على بن بابويه فى
شيخ الفقيه انه كان مرضيا وقال العلامة فى قصه كان
عابدا ورعا وقال محمد بن على بن بابويه فى الفقيه حدثنا
على بن احمد عن حمزة بن القاسم العلوى رحمه الله عن
محمد بن يحيى العطار عن من دخل على ابى الحسن الهادى
عليه السلام من اهل الرى قال فقال ابن كنت فلت
زرت الحسين عليه السلام قال اما انك لو زرت قبر
عبد العظيم عندكم لكنت كمن زار الحسين بن على عليهما السلام

عبد الغفار بن جبيب الطابى الحجازى من اهل ا
الحجاز نزيل قرية بالنهرين ق ثقة له كتاب روى عنه التيم
بن شعيب حش له كتاب روى عنه القاسم بن اسمعيل
عبد الغفار بن جبيب الحارثى قد رحج ثم قال عبد الغفا

الجازي لهم والظاهر انهما واحد

عبد العفار بن عبد الله بن الاشعر الحضيني الكوفي
يكنى ابا الطيب روى عنه الطبراني في الكبير ق تم ج

٢ عبد العفار بن القاسم بن بشر بن مهدي ابو مريم
الانصاري قرين نفيل الكاتب روى عنه الحسن بن محمد
ابن الحنفية وعنه ابو مريم الانصاري الكاتب روى عنه محمد بن
موسى الحرازي

١ عبد الغني بن عبد ق تم ج

٢ عبد الغني بن موسى العنزي الكوفي ق تم ج

١ عبد القاهر الذي روى عنه جابر ق تم ج

٢ عبد القاهر بن محمد بن بشر الاسدي الكوفي ق تم ج

١ عبد الكريم بن احمد بن موسى بن جعفر بن محمد بن
احمد بن محمد بن احمد بن محمد الطاهر بن العلوي الحسيني السيد
الامام المعظم غياث الدين الفقيه النسابة النحوي المعروف
الزاهد العابد ابو الحفر قدس الله روحه انتهت رياسة
الشادات وذري النواصب اليه وكان رحمه الله
جابري المولد حل المنشاء ببغداد ري التحصيل كان ظن الخاتمة
ولد في شعبان سنة ثمان واربعين وستمائة توفي في
شوال سنة ثلث وتسعين وستمائة فكان عمره قمريا
سنة وشهرين وايامًا كثيرة ترنبه طفلين الى ان توفي
فدس الله روحه ما رايت مثله ولا بعده بخلقه وجميل
فاعذه وحلو معاشرته ثابتا ولا للذكاء وفوجا

مما تلامذ دخل ذهنه شيء فكاد ينساه حفظ القرآن في
مدة يسيرة وله احدى عشرة سنة استقل بالكتابة واستغنى
عن المعلم في اربعين يومًا وعمره اذ ذاك اربع سنين ولا
يحصى فضائله وفضائله لكتب فيها كتاب يشمل المنظوم في
مصنفي العلوم وما الاصحابنا مثله ومنها كتاب فرحة
الغري يصرخه الغري وغير ذلك د

عبد الكريم بن حسان النبطي ق تم ج ٢

عبد الكريم بن حماد الكوفي ق تم ج ٣

عبد الكريم بن سعد ابو العلاء الجعفي ق تم ج ٤

عبد الكريم بن عتبة الهاشمي ق تم ج ٥

عبد الكريم بن عمرو بن صالح الخثعمي مولاهم كوفي ٦
ق تم ثم وقف على ابي الحسن كان ثقة عينا بالفقه كما
لكتاب روى عنه عبيس حش لكتاب روى عنه احمد بن
محمد بن ابي نصر البزنطي ست كوفي وافقي حيث لكتاب
ق تم ج قال احمد وبه سمعنا شيخا يقولون ان كرامًا
هو عبد الكريم بن عمرو وافقي كش ونقل د عن الكشي
بعنوان كرام بن عمرو بن عبد الكريم وهو سهو ونقل
عن الجاشي كما نقلناه بعنوان عبد الكريم بن عمرو
ايضا وقال العلامة قال ابن الغضايري انا لم نعلم احدًا
والغلاة روى عنه كثيرا والذي اراه التوقف عما يرويه

عبد الكريم بن مهران قمي ج ٨

عبد الكريم بن هلال الجعفي الحراز مولى كوفي ٩
عين يقال له الحلفاني ق لكتاب روى الحسن بن عبد

الملك بن هلال عن ابيه عن جش عبد الكريم بن هلال
الجعفي مولاهم الخراز ق ج عبد الكريم بن ابي العوجاء
كاب روى عنه محمد بن موسى خوارست ولا يبعد
بكون ما ذكره النجاشي والشيخ في الفهرست واحدا وفي
صه عبد الكريم بن هلبل

عبد الله بن ابان ضا ج وروى محمد بن يعقوب
الكليني في باب عرض الاعمال على النبي والائمة عليهم السلام
من الكافي عن علي بن ابرهيم عن ابيه عن القسم بن محمد
الزيات عن عبد الله بن ابان الزيات وكان مكينا
عند الرضا عليه السلام قال قلت للرضا ادع الله
لي ولاهل بيتي فقال اولست افعل

٢ عبد الله بن ابان الكوفي روى عنه ربيع الناجي ج

٣ عبد الله بن ابي يعفور يعنوان عبد الله بن يعفور
بن حيان

٤ عبد الله بن ابرهيم الكوفي ق ج
٥ عبد الله بن ابرهيم يكنى ابا العباس روى عنه احمد بن
٦ عبد الله بن ابرهيم بن ابي عمر الغفاري حليف الانصار
سكن مرنية بالمدينة فتارة يقال الغفاري وتارة يقال
الانصاري والاخرى يقال المزني له كاب يرويه الحسن
بن علي بن فضال جش ابو محمد مدني بلغني عليه الفاسد
كثيرا ق ويجوز ان يخرج شاهدا غض عبد الله بن ابرهيم
الانصاري له كاب روى عنه محمد بن عيسى منه ثم
ذكره بعنوان عبد الله بن ابرهيم الغفاري

والظاهر انهما واحد وذكره د في الباب ثم ترجمه كما ذكره
الفاضل وترجمه ذكره ابن الضحاك

٧ عبد الله بن ابرهيم بن الحسين بن علي بن الحسين بن
علي بن ابي طالب ع نسخة يرويها عن ابائه روى عنه علي بن
سالم الثوباني جش

٨ عبد الله بن ابرهيم بن محمد بن علي بن عبد الله
بن جعفر بن ابي طالب ابو محمد ثقة صلدن روى ابوه
عن الباقر والصادق وروى اخوه جعفر عن الصادق
عليه السلام ولم يشتهر روايته له كتب روى عنه بكر
بن صالح جش

٩ عبد الله ابو جابر بن عبد الله قال الكشي قال
محمد بن مسعود حدثني علي بن محمد بن بندار القمي قال
حدثني احمد بن محمد بن عيسى الاشعري عن ابن فضال
عن عبد الله بن بكير عن زرارة عن ابي جعفر قال
كان عبد الله ابو جابر بن عبد الله من السبعين ومن
الاثني عشر وجابر من السبعين وليس من الاثني عشر

١٠ عبد الله ابو موسى الاشعري ل ج

١١ عبد الله ابو هريرة ل ج

١٢ عبد الله بن ابي اوفى ل ج

١٣ عبد الله بن ابي اويس بن مالك ابو اويس في نسخة
عن الصادق روى عنه اسمعيل بن ابي اويس جش

١٤ عبد الله بن ابي بكر بن عمرو بن حزم الانصاري بن

حج ثم قال عبد الله بن ابي بكر محمد بن عمرو بن حزم الانصاري
استدعنه ق

١٥ عبد الله بن ابي الجعد يقال عبد الكحلي اخو سالم
بن ج

١٦ عبد الله بن ابي الحسن العلوي روى عن ابيه عن
الرضا عليه السلام روى عنه الصفواني في ج

١٧ عبد الله بن ابي خالد لا يعرف باكثر من هذا له
كتاب المناقب روى عنه محمد بن اسمعيل بن بزيع خ ش

١٨ عبد الله بن ابي خلف فليل الحديث روى عن الحكم
بن مسكين وروى عنه احمد بن محمد بن عيسى خ ش
في ترجمة ابنه سعد

١٩ عبد الله بن ابي الدنيا الذي ذكره د ش يعني ابن
عبد الله بن محمد بن ابي الدنيا

٢٢ عبد الله بن ابي بجيلة الخراساني في ج

٢٣ عبد الله بن ابي السفر الهمداني في ج

٢٤ عبد الله بن ابي طلحة وهو الذي دعا له رسول الله
صلى الله عليه وآله يوم حملت برامة في ج

٢٥ عبد الله بن ابي عبد الله محمد بن خالد بن عمر الطيالسي
ابو العباس التميمي رجل من اصحابنا ثقة سليم الحديث كذا
اخوه ابو محمد الحسن ولعبد الله كتاب نوادر روى عنه
محمد بن جعفر ونسخة اخرى نوادر صغيرة روى عنه علي
بن محمد بن الزبير ونسخة اخرى صغيرة روى جعفر بن محمد
بن مسعود عن ابيه عن جش كر ج وقال الكشي سالت الله تعالى
محمد بن مسعود عن عبد الله بن محمد بن خالد الطيالسي
فقال ما علمنا الا خيرا

٢٦ عبد الله بن ابي العلاء الخداوي يعجمي يعنوان عبيد
الله بن العلاء

٢٧ عبد الله بن ابي محمد البصري ق ج

٢٨ عبد الله بن ابي مليكة المكي بن ج

٢٩ عبد الله بن ابي ميمونة الكوفي ق ج

٣٠ عبد الله بن ابي يعفور العبد واسم ابي يعفور وقيل
وقيل وقد ان يكنى ابا محمد ثقة ثقة جليل في اصحابنا
كريم على ابي عبد الله ومات في ايامه وكان قارها بالكوفة
في مسجلها الكوفة له كتاب يرويه عنه عدة من اصحابنا منهم
ثابت بن شريح جش وقال الكشي قال محمد بن مسعود
حدثني علي بن الحسن ان ابن ابي يعفور ثقة مات في حيوة
الصادق ق سنة الطاعون وروى الكشي عن ابي الحسن
علي بن محمد بن قتيبة النيشابوري عن ابي محمد الفضل
بن شاذان عن ابن ابي عمير عن عدة من اصحابنا قال كنا
ابو عبد الله بقول ما وجدنا احدا يفضل وصفنا
يطيع امرنا الا عبد الله بن ابي يعفور ثم ذكر الكشي رواياته
كثيرة تدل على علو منزلته وجلالة قدره رض

٣١ عبد الله بن احمد بن ابي زيد يعجمي يعنوان عبيد
الله بن ابي زيد

٣٠ عبد الله بن ابي يعفور العبد بن ابي ميمونة بن ابي يعفور
٣١ عبد الله بن ابي زيد يعجمي يعنوان عبيد الله بن ابي زيد

بظهر ورقة الكشي عند ترجمة ابن ابي يعفور
بن عبد الله ان الصفة لعبد الله بن ابي زيد
ايضا

٣٢ عبد الله بن احمد بن حرب بن مهزم بن خالد ابو هشام مشهور في اصحابنا وله شعر في المذنبين بنو مهزم بيت كبير بالبصرة في عبد القيس شيعة ولعبد الله كتب روى عنه يحيى بن ابي منصور حش

٣٣ عبد الله بن احمد الوارزنبة النجاشي على ضعفه عند نرجح محمد بن احمد بن يحيى

٣٤ عبد الله بن احمد بن عامر بن سليمان بن وهب بن عامر وهو الذي قتل مع الحسين عليه السلام بكربلا يكنى ابا القاسم روى عن ابيه عن الرضا ٣ لم نلقه روى عنه احمد بن محمد الجندي حش

٣٥ عبد الله بن احمد بن نهيك سيجيء بعنوان عبيد الله بن احمد بن نهيك

٣٦ عبد الله بن ادريس له كتاب روى عنه ابو هشيم بن سليمان ست

٣٧ عبد الله بن الازهر العامري كوفي ق ج

٣٨ عبد الله بن اسحق الجعفري الهاشمي المدني ق ج

٣٩ عبد الله بن الاسود كوفي ق ج

٤٠ عبد الله بن اسد الفرشي الكوفي في اسناد عنه ق ج

٤١ عبد الله بن اعين روى الشيخ في باب الزيادات من صلوة الاموات من التهذيب ان الصادق عليه السلام دعا له وترحم عليه بعد موته

٤٢ عبد الله بن امية الكوفي ق ج

٤٣ عبد الله بن انيس ق ج

٤٤ عبد الله بن ايوب بن زاذان الازهري بياع الزطي ثقة وقد قيل فيه تخليط الكتاب نوادر روى عنه عبيس حش له كتاب روى عنه القاسم بن اسمعيل

عبد الله بن ايوب الاسدي مولاهم الكوفي ق ج

عبد الله بن ايوب الفهمي ذكره الغلاة وروايته لا تغره غمز ولا يبعد ان يكون ما ذكره النجاشي في الشيخ وابن الغضاري واحدا

٤٥ عبد الله بن بحر كوفي روى عن ابي بصير والرجال ضعيف مرتفع القول غمز

٤٦ عبد الله وعبد الرحمن ابنا بديل بن ورقاء اخوهما محمد وهم رسل النبي الى اليمن قتل ابن ملجم ق ج قال الفضل بن شاذان انه من التابعين الكبار ورؤساءهم وزهادهم كش

٤٧ عبد الله البزاز بن ج عامي كش في نسخة ومحمد الكشي عنه عبد الله الرزاز عامي

٤٨ عبد الله بن بريد البكري ق ج وفي نسخة ابن برند كما سيجيء

٤٩ عبد الله بن بزيع ج وفي نسخة بيرة

٥٠ عبد الله بن بطام ابو عتاب اخو الحسين بن بطام المتقدم ذكره في باب الحسين الذي له ولاخيه كتاب الطب وهو عبد الله بن بطام بن نابور الزيات حش

٥١ عبد الله بن بزيع الخرز قاه اسمعيل بن احمد حبا

خراسان عن البلدانيين ج

٥٢ عبد الله بن بكير الكوفي ق ج

٥٣ عبد الله بن بكار الهذلي مولاهم كوفي ق ج

٥٤ عبد الله بن بكير الارجاني ق مرتفع الضعيف

غمضه وقال الكشي عبد الله بن بكير الارجاني قال حمدويه البكر هو من ولد اعين لا ابن اسمه الحسين وجدّ في كتاب جبرئيل بن احمد بخطه حدثنا ابو جعفر محمد اسحق عن احمد بن عبد الله الكرخي عن يونس بن عبد الرحمن عن يونس بن يعقوب عن عبد الله الارجاني قال دخلت على ابي جعفر عليه السلام وانا غلام فكبت فقال وما يبكيك يا بني ما اكل من طلب هذا الا اصابه ثم دخلت على ابي عبد الله عليه السلام فلما رآني وانا مقبل قال الله اعلم حيث يجعل رسالته

٥٥ عبد الله بن بكير بن اعين بن سنسن ابو علي الشيباني مولاهم ق له كتاب كثير الرواة روى عنه عبد الله بن جبلة جش فطحي المذهب الا انه ثقة له كتاب روى عنه الحسن بن علي بن فضال ست وقال الكشي قال محمد بن مسعود عبد الله بن بكير وجماعة من اصحابنا فقهاء اصحابنا منهم ابن بكير وابن فضال يعني الحسن بن علي وقال في موضع اخر عبد الله بن بكير ممن اجمعت العصابة على تصحيح ما يصح عنهم وافروا لهم بالفقه وقال العلاء في صه وانا اعتمد على رواياته وان كان مذهبه فاسدا

وفضله عن الكشي انه البكر هو من اولاد اعين لا ابن اسمه الحسين انتهى وبعيد نظرا لان الكشي ذكر هذا في شان عبد الله بن بكير الارجاني كما نقلناه ونقله د مرة في باب الثقات ولم يوثقه ومرة في باب الضعفا ووثقه

٥٦ عبد الله بن بكير الارجاني والارجاني على القلاب الفتح ذكرناه بعنوان عبد الله بن بكر

٥٧ عبد الله بن بكير بن عبد ياليل دفع امير المؤمنين البه الراية يوم خرج من الكوفة الى صفين ق ج في باب الكنى

٥٨ عبد الله بن بكير الزادي الكوفي ق ج

٥٩ عبد الله بن بكير الهجري ق ج

٦٠ عبد الله بن ثابت ق ج

٦١ عبد الله بن ثعلبة ج

٦٢ عبد الله بن الجارود كوفي ق ج

٦٣ عبد الله بن جبلة بن حيان بن الحرث الكناني ابو محمد عربي صليب ثقة روى عن ابيه عن جده جبلة بن ابجر كان ابجر ادرك الجاهلية وجبلة بيته مشهور بالكوفة وكان عبد الله وافدا وكان وجها ثقة مشهورا له كتاب روى عنه احمد بن الحسن الكبير جش له رواية روى عنه احمد بن هشيم بن ابي نعيم الفضل بن دكين ومحمد بن الحسين ست م ج

٦٤ عبد الله بن جريح عامي ق ج

في قصة ابجر الكناني وكذا في التهاذيب عند ترجمة عبد الله بن سعيد بن حيان وفرج عند ترجمة جبلة بن حيان بالنون والجيم والراء

٦٥ عبد الله بن جعفر بن ابي طالب قليل الرواية [illegible]

٦٦ عبد الله بن جعفر الجعفر المدني ق ج

٦٧ عبد الله بن جعفر بن الحسن بن مالك بن جامع الجعفي ابو العباس التمي شيخ الشيعتين ووجههم قدم الكوفة سنة بضع وتسعين ومائتين وسمع اهلها منه فاكثروا وصنف كتبا كثيرة روى عنه محمد بن يحيى العطار وحشر نقله كتب روى عنه علي بن الحسين ومحمد بن الحسن بسنده كر ج نقله صه وذكره د من غير توثيق والوجه غير ظاهر

٦٨ عبد الله بن جعفر بن محمد بن علي بن الحسين بن علي ابي طالب عليهم السلام كان اكبر اخوته بعد اسمعيل ولم يكن منزلته عند ابيه منزلة غيره من ولده في الاكرام وكانا منهما بالخلاف على ابيه في الاعتقاد ويقال انه كان يخالط الحشوية ويميل الى مذاهبهم كرجيه وادعى بعد ابيه الامامة واخذ باتباع اكبر اخوته الباقين فاتبعوه جماعة ثم رجع اكثرهم الى القول بامامة موسى عليه السلام لما تبينوا ضعف دعواه وقوة امر ابي الحسن ودلالة نصه وبراهين امامته واقام نفر يسير منهم على امامة عبد الله وهم الملقبة بالفطحية لان عبد الله كان افطح الرجلين او لان داعيهم الى الامامة رجل يقال له عبد الله بن افطح كذا في ارشاد المفيد رحمه الله

٦٩ عبد الله بن جعفر المخرمي المكي ق ج

٧٠ عبد الله بن جعفر بن نجيح المكي اسند عنه ق ج

٧١ عبد الله بن جنادة ي ج

٧٢ عبد الله بن جندب البجلي عربي كوفي ثقة ق م ضا ج وقال الكشي قال احمد وبه بن نصر لما مات عبد الله بن جندب قام علي بن مهزيار مقامه

٧٣ عبد الله بن الحرث وفي نسخة عبد الله بن عمرو بن الحرث قال الكشي عند ترجمة محمد بن ابي زينب حدثني ابو محمد خلف بن حامد قال حدثني ابو محمد الحسن بن طلحة عن ابن فضال عن يونس بن يعقوب عن بريد العجلي عن ابي عبد الله عليه السلام ان قوله تعالى هل انبئكم على من تنزل الشياطين تنزلت في سبعة هو احدهم ثم روى الكشي بطريق مرسل عن الصادق عليه السلام مثله

٧٤ عبد الله وذباح ابنا الحرث بن بكير بن وابل من اصحاب امير المؤمنين عليه السلام من ربيعة ضه في اخر الباب الاول

٧٥ عبد الله بن الحرث اخو مالك الاشتر ي ج

٧٦ عبد الله بن الحرث بن نوفل بن عبد المطلب ج

٧٧ عبد الله بن خارشة ي ج

٧٨ عبد الله بن جبيب السلمي بعض الرواة يطعن فيه من خواص علي من ضه في اخر الباب الاول

٧٩ عبد الله بن الحجاج البجلي اخو عبد الرحمن مولى ثقة له كتاب يرويه عنه محمد بن ابي عمير جش

٨٠ عبد الله بن جعل ى ج

٨١ عبد الله بن حرب الجوزى ق ج

٨٢ عبد الله بن حسان بن حميد الكوفى ق ج

٨٣ عبد الله بن الحسن بن جعفر بن الحسن بن الحسن ق ج

٨٤ عبد الله بن الحسن بن الحسن بن علي بن ابي طالب ابو محمد هاشمي مدني ثابعي ق ج

٨٥ عبد الله بن الحسن البشناني اخو محمد بن الحسن النقيب ج

٨٦ عبد الله بن الحسن العنبري الكوفي ق ج

٨٧ عبد الله بن الحسن بن علي بن ابي طالب عليه السلام سبن فتل معه ج

٨٨ عبد الله بن الحسن المؤدب روى عن احمد بن علوية صاحب الكتب المصنفة وروى عنه الحسين بن بابويه لم ج

٨٩ عبد الله بن الحسين بن ابي مرثد الهمداني الكوفي ق ج

٩٠ عبد الله بن الحسين بن سعد الفطر ابو محمد الكاتب كان من خواص سيدنا ابي محمد ذرا على ثعلب وكان من وجوه اهل الادب لكتاب التاريخ نجش

٩١ عبد الله بن الحسين بن علي بن الحسين بن علي بن ابي طالب عليه السلام الهاشمي ق ج

٩٢ عبد الله بن الحسين البيزي مذ ظله العالي شيخنا واستاذنا الامام العلامة المحقق المدقق جليل القدر عظيم المنزلة دقيق الفطنة كثير الحفظ وحيد عصره وفريد دهره واوعى اهل زمانه ما رايت احدا اقوى منه لا يحضرني بنانه وفضائله قائم الليل صائم النهار واكثر فوائد هذا الكتاب من تحقيقاته جزاه الله تعالى عني افضل جزاء المحسنين له كتب منها شرح قواعد الحلي قدس سره

٩٣ عبد الله بن الحسين الكاشاني الذي ذكره د ذكرناه بعنوان عبد الرحمن بن الحسين الكاشاني

٩٤ عبد الله بن الحسين بن محمد بن يعقوب الفارسي ابو محمد شيخ من وجوه اصحابنا ومحدثيهم وثقتهم ثابته ولم اسمع منه لكتاب نجش

٩٥ عبد الله بن الحكم الارمني ضعيف ق لكتاب ركى عنه ابو عمران موسى بن زنجويه الارمني نجش ضعيف مرتفع القول غض

٩٦ عبد الله بن حكيم بن حيدر ى ج

٩٧ عبد الله الحلبي شيخ يعنوان عبد الله بن علي الحلبي

٩٨ عبد الله بن حماد الانصاري من شيوخ اصحابنا لكتابان روى عنه الاحمري نجش ثم ج ابو محمد نزل ثم لم يرو عن احد من الائمة عليهم السلام وحديثه يعرف تارة وينكر اخرى ويخرج شاهدا غض لكتاب روى عنه احمد بن ابي عبد الله ست

٩٩ عبد الله بن حماد وبه يهتدي كرجح ويظهر من الكشي عند ترجمة ابرهيم بن عبدة خروج بعض التوقيعات

١٠٠ عبد الله بن خباب بن الارت قتل الخوارج قبل قتله

---

١١ مات رحمه الله ونسخته احدى وعشرين بعد الالف في بلدة اصفهان ثم نفس الاكرمين ساكنه منه الصلوات افضلها ومنه التحيات اشرفها تمامه

النهروانی ی جخ

عبد الله بن خشیل الذی ذکره د ذکرناه بعنوان ١٠١

عبد الرحمن بن حنبل

عبد الله بن خداش ابو خداش المهری ضعیف جدا ١٠٢

و فی مذهبه ارتفاع له کتاب روی عنه سلمة بن

الخطاب جش ق م جخ و قال الکشی قال محمد بن مسعود

حدثنی یوسف بن السخت قال سمعت ابا خداش یقول

ما صاحب ذنب افطر و لا ادخلت علی ضرر قط الا

دخلت علی آل فطر و قال العلامة فی صه و الاقوی

عندی التوقف فیما یرویه لان عبد الله بن محمد بن خالد

الذی زکاه الظاهر انه لیس هو الطیالسی لان النجاشی

نقل ان کنیته ابو العباس و محمد بن مسعود نقل عن ابی

محمد عبد الله انتهی و الظاهر انه الطیالسی کما یظهر من

کلام الکشی عند ترجمة الربیع بن عبد الله جش قال

قال محمد بن مسعود سألت ابا محمد عبد الله بن محمد

بن خالد الطیالسی الی آخره

عبد الله بن خلیفة یکنی ابا العریف الهمدانی ی جخ ١٠٣

عبد الله بن زاهر بن یحیی الاحمری ضعیف له کتاب ١٠٤

یرویه عن الصادق علیه السلام و روی عنه محمد

بن اسمعیل البرمکی جش

عبد الله بن ذکین الکوفی ابو عمرو ق جخ ١٠٥

عبد الله بن الدهقان الذی ذکره د سیجیء ١٠٦

بعنوان عبد الله بن عبد الله الدهقان

١٠٧ عبد الله بن دینار بن قر جخ

١٠٨ عبد الله بن ذکوان ابو الزناد بن جخ

١٠٩ عبد الله بن راشد الکوفی ق جخ

١١٠ عبد الله الملقب براس المدری من ولد الحسن

بن المثنی المدری الذی بلغ الملک براس الارض جخ

١١١ عبد الله بن رباط و نقل النجاشی عنه ترجمة ابنه محمد

١١٢ عبد الله بن ربیع السلمی جخ

١١٣ عبد الله بن رجاء المکی ق جخ

١١٤ عبد الله الرقی غامی کش د و ذکرناه بعنوان عبد

الله البرقی

١١٥ عبد الله بن زبید الهاشمی مولی العلی علیه

السلام بن جخ

١١٦ عبد الله بن الزبیر ل جخ

١١٧ عبد الله بن زبیر الاسدی روی نوادر کتابا من

عن الصادق علیه السلام روی عنه عباد بن یعقوب

الاسدی جش

١١٨ عبد الله بن الزبیر الرسان روی الکشی عن جبرئیل

بن محمد بن العباس الختلی قال حدثنا احمد بن ادریس القمی

عن محمد بن احمد بن یحیی عن احمد بن محمد بن عیسی عن

ابن ابی نجران عن عبد الرحمن بن سیابة قال دفع الی

ابو عبد الله دنانیر الرسان ان ربیعه دنانیر و قال

العلامة فى ترجمته وهذه الروايات تعطى انه كان ذنبيا
انتهى وفيه تامل

١١٩ عبد الله بن زرارة بن اعين الشيبانى فى ثقاته
كاب بروبه عنه على بن النعمان جش

١٢٠ عبد الله بن زرعة الذى ذكره قد ذكرناه
بعنوان عبد الرحمن بن زرعة

١٢١ عبد الله بن زعيم ويقال عبد الرحمن بن عثيم
تى جخ

١٢٢ عبد الله بن زمعة ل جخ

١٢٣ عبد الله بن زياد الحنفى كوفى ق جخ

١٢٤ عبد الله بن زياد بن نعمان مكى ق جخ

١٢٥ عبد الله بن زياد النخعى الكوفى ق جخ

١٢٦ عبد الله بن زيد ل تى جخ

١٢٧ عبد الله بن زيد بن عاصم ل تى جخ

١٢٨ عبد الله بن سابرى الواسطى الزيات ق جخ

١٢٩ عبد الله بن سالم الصيرفى ق ضعيف من نقع
القول لا بعبأ برعقص

١٣٠ عبد الله بن السائب ل جخ

١٣١ عبد الله بن السبا الذى رجع الى الكفر واظهر
الغلو تى جخ وقال الكشى حدثنى محمد بن قولويه القمى
قال حدثنى سعد بن عبد الله بن ابى خلف القمى قال حدثنى
محمد بن عثمان العبدى عن يونس بن عبد الرحمن
عن عبد الله بن سنان قال حدثنا ابى عن ابائه
ان عبد الله بن سبا كان يدعى النبوة ويزعم ان
امير المؤمنين عليه السلام هو الله تعالى عن ذلك
فبلغ امير المؤمنين عليه السلام فدعاه وسأله فاقر
بذلك وقال نعم انت هو وقد كان القى فى روعى انك
انا الله وانى نبى فقال امير المؤمنين عليه السلام
ويلك قد غرر منك الشيطان فارجع عن هذا
تكلنك امك وتب فابى فحبسه واستتابه ثلثة ايام
فلم يتب فحرقه بالنار وذكره العلامة فى قسم الضعفاء
ثم قوله ذكر ان عبد الله من اصحاب امير المؤمنين عليه
السلام الذى رجع الى الكفر واظهر الغلو وقد ذكر
ان عبد الله بن سبا قال ملعون من قال ان امير المؤمنين عليه
السلام بالثار وكان يزعم ان عليا عليه السلام اله
وانه تعالى عن ذلك

١٣٢ عبد الله بن سجرة الازدى الكوفى يكنى ابا معمر تى جخ

١٣٣ عبد الله بن سرجس ل جخ

١٣٤ عبد الله بن سعد ابو شبل الاسدى مولاهم
كوفى بياع الوشق ق ثقة له كاب بروبه عنه على بن
النعمان جش

١٣٥ عبد الله بن سعيد بن ابى هند المدنى تى جخ

١٣٦ عبد الله بن سعيد بن حبان بن ابجر الكاهلى
ابو عمر الطبيب شيخ من اصحابنا ثقة وبنو ابجر بيت الكوفة

هكذا فى نسخ الكشى ومحمد بن عيسى العبيدى كما يظهر من الكشى فى هذا الموضع وغيره وغيره منه
اطيب

الطباء واخوه عبد الملك بن سعيد نقه عمر الى ابن العزيز
ومابين لكتاب الذبائح ورواه عن ابائه وعرضه على
الرضا عليه السلام والكتاب يعرف بين اصحابنا بكتاب
عبد الله بن ابجر روى عنه بولن بن عبد الرحمن حس

١٣٧ عبد الله بن سعيد الواسطي ابو محمد الكوفي ق تج

١٣٨ عبد الله بن سلام ل تج

١٣٩ عبد الله بن سلام الكوفي ق تج

١٤٠ عبد الله بن سلمة الذي قال ما بقي ان لم اشهد
صفين ولو دون ان كل من شهد شهده علي عليه
السلام شهدني تج وقال د ومن اصحابنا من اثبته
عبد بن سلمة هو ولم اجد في كتب الاصحاب الا عبد الله
بن سلمة

١٤١ عبد الله بن سليمان النضير مولى كوفي قاله
اصل روى عنه جعفر بن علي حس

١٤٢ عبد الله بن سنان بن طريف مولى بني هاشم
يقال مولى بني ابي طالب ويقال مولى بني العباس كان
خازنا للمنصور والمهدي والهادي والرشيد وكان
ثقة من اصحابنا + العظم في الطائفة وثقته وجلالته
روى عنه عبد الله بن جبلة حس ثقة له كتاب رو
عنه محمد بن ابي عمير ومحمد بن علي الهمداني وله كتاب
وليله روى عنه الحسن بن الجهم السكوني ست
ق م تج

١٤٣ عبد الله بن سويد ولقبه الحوشي تج

١٤٤ عبد الله بن سيابة الكوفي ق تج

١٤٥ عبد الله بن شاذان الزبالي ق تج

١٤٦ عبد الله بن شبرمة الضبي الكوفي كنيته ابو شبرمة
وكان قاضيا لابي جعفر على سواد الكوفة وكان
شاعرا بن تج

١٤٧ عبد الله بن شداد بن الهاد الليثي عربي كوفي تج
تج مذكور صحبة ثم قال في اخر باب الاول انه كان من
خواص امير المؤمنين عليه السلام

١٤٨ عبد الله بن شريك العامري قمي ق تج وروى
الكشي حديثين في طريقهما ضعف يقضيان بمدح
وكذا يظهر مما مر من كلام النجاشي عند ترجمة عبيد
بن كثير كما ستقف عنه وقال العلامة في حقه روى
السيد علي بن احمد العقيقي ثناء عظيما في حقه و
روى الكشي بطريق صحيح ثم من حواري محمد بن
علي وجعفر بن محمد عليهم السلام

١٤٩ عبد الله بن صالح م تج وقال اعند ذكر اصحاب
الصادق عليه السلام عبد الله بن صالح الخشعمي روى
عنهما والظاهر انهما واحد

١٥٠ عبد الله بن الصامت الذي ذكر في كرد تعنوان عبد الله
بن الصامت

١٥١ عبد الله بن صبيح البكري الكوفي ق تج

١٥٢ عبد الله بن صفوان ى ج

١٥٣ عبد الله بن الصلت ابو طالب القيسي مولى بني
تيم اللات بن ثعلبة ثقة مسكون الى روايته
صنا يعرف له كتاب التفسير روى عنه ابنه علي بن
عبد الله جش له كتاب روى عنه احمد بن ابي عبد الله
ست مولى بني تيم الله بن ثعلبة ثقة صنا د ج

١٥٤ عبد الله الصيد لاني من اصحاب العباسي ج

١٥٥ عبد الله بن طاوس عاش مائة سنة صنا ج و
روى الكشي بطريق ضعيف ما يدل على انه من الشيعة

١٥٦ عبد الله بن ظاهر الفقاري ثقة جليل الخصائص
روى بكنى ابا الناسم من اصحاب العباسي لو ج و
فيه في موضع الفقاري والثقاب في د كما في ج
ولعله الصواب

١٥٧ عبد الله بن الطفيل العامري ى ج

١٥٨ عبد الله بن طلحة المهدي عربي كوفي في ق وللبرقي
هو اخا يحيى بن طلحة له كتاب يرويه عنه علي بن
اسمعيل الميثمي جش

١٥٩ عبد الله بن عاذ الكوفي في ق ج

١٦٠ عبد الله بن عامر بن عبيك بن عاذ ي ج

١٦١ عبد الله بن ابي عمر الاشعري ابو محمد ثبت من
وجوه اصحابنا ثقة له كتاب النوادر اخبرنا الحسين بن
عبد الله عن جعفر بن محمد بن قولويه قال حدثنا
الحسين بن محمد بن عامر عن عمه عبد الله بن عامر ولعل الحسين بن
محمد بن عامر هو الحسين بن محمد بن عمران المذكور في كتب الرجال
كما يظهر من كلام النجاشي الذي نقلناه وهو الحسين بن محمد

١٦٢ عبد الله بن عامر الفيسي الكوفي في ق ج

١٦٣ عبد الله بن العباس من اصحاب رسول الله صلى
الله عليه وآله كان محبا للعلي عليه السلام والبذ
خاله في الجلالة والاخلاص لامير المؤمنين اشهر من ان
يخفى وقد ذكرا الكشي احاديث تتضمن مدحه
وهو اجل من ذلك وقد ذكرنا في كتابنا الكبير
اجبنا عنها رضي الله عنه صه وما ذكره الكشي
من الطعن به ضعيف السند

١٦٤ عبد الله بن عبد النحوي الكوفي في ق ج

١٦٥ عبد الله بن عبد الرحمن ابو عتبة الاسدي
الكوفي في ق ج عبد الله بن عبد الرحمن بن عتبة
الاسدي كوفي ابوه يكنى ابا امية ثقة له كتاب
نوادر روى عنه محمد بن زياد جش ويظهر من جش
ان ابا امية كنية لعبد الله ويظهر مما نقلناه من
النجاشي انها كنية عبد الرحمن ولعله الصواب

١٦٦ عبد الله بن عبد الرحمن الاصم المعني البصري
ضعيف قال البرقي روى عن سليم كردين
وغيره له كتاب المزار سمعت ممن راه فقال لي هو
مخلط وله كتاب الناسخ والمنسوخ روى عنه محمد بن

عيسى بن عبيد خبث ضعيف غير نقع القول ولو كان في
الكوفيا فان ما يدل على خبث عظيم ومذهب منهيات
وكان من كذابة اهل البصرة محض

١٦٧ عبد الله بن عبد الرحمن الانصاري المكي ابو
طوالة تابعي ق خ

١٦٨ عبد الله بن عبد الرحمن الزبيري له كتاب في الامامة
وكتاب يسمّاه كتاب الاستفادة في الطعون على الاوائل
والرد على اهل الاجتهاد والقياس والزيديون في
اصحابنا ثلثة هذا وابو محمد عبد الله بن هرون وابو عمرو
محمد بن عبد الله بن مصعب بن الزبير خبث

١٦٩ عبد الله بن عبد الله الانباري ق خ

١٧٠ عبد الله بن عبيد العنكي الكوفي ق خ وفي
نسخة العاكي

١٧١ عبد الله بن عبد الفراء الكوفي ق خ

١٧٢ عبد الله بن عبد النخعي الكوفي ق خ

١٧٣ عبد الله بن عبيد الله الانباري ق خ وكانه الذي
من قبل بعنوان عبد الله الانباري

١٧٤ عبد الله بن عبيدة الزهري بن خ

١٧٥ عبد الله بن عبيد ل خ

١٧٦ عبد الله بن عبيك بدري ق خ

١٧٧ عبد الله بن عثمان ل خ

١٧٨ عبد الله بن عثمان الخياط واقفي م خ وقال
الكشي قال حمدويه سمعت الحسن بن موسى يقول عبد الله
بن عثمان واقفي وانه من اصحاب موسى بن جعفر و
علي بن موسى عليهم السلام وذكره قد روى عن خ
انه لم يعمل شيئا.

١٧٩ عبد الله بن عثمان بن عمرو بن خالد القرادي
وثقه النجاشي عند ترجمة حماد بن عثمان

١٨٠ عبد الله بن عجلان روى الكشي عن جعفر بن محمد
قال حدثني علي بن الحسن بن فضال عن اخويه محمد
احمد عن ابيهم عن ابي بكير عن مسبر بن عبد العزيز قال
قال لي ابو عبد الله عليه السلام بات كاني على جبل
فيجيء الناس فيركبونه فاذا ركبوا عليه قطعا عليهم الجبل
فيسقطون فلم ينج معي الا عشرة ابيره انت منهم وصاحبك
الاحمر يعني عبد الله بن عجلان وروى عن حمدويه
عن محمد بن عيسى عن المضر بن سويد عن يحيى الحلبي عن ابن
مسكان عن زرارة عن ابي جعفر عليه السلام مثله

١٨١ عبد الله بن غزوة سين خ

١٨٢ عبد الله بن عطا الكوفي قليل الحديث له كتاب روى
عنه محمد بن موسى خبث وروى الكشي بطريق ضعيف
ما يدل على مدحه

١٨٣ عبد الله بن عطاء المكي بن قرن خ

١٨٤ عبد الله بن عقيل بن ابي طالب الهاشمي المكي تابعي
سمع جابرا بن خ

١٨٥ عبد الله بن علاء المذاري ابو محمد ثقة من وجوه
اصحابنا يقال لداره بالوضاح وقال انه لمحمد بن عبيس
عبيد روى عنه وله كتاب النوادر كبير روى عن
ابن بهام حش وفي ح عبد الله بن العلا واما في ضه
عبد الله بن ابي العلا وذكره ذ تره بعنوان عبد الله
بن ابي العلا وتره ذا وبا عن النجاشي بعنوان عبد الله
بن العلا وكتب عليه الشهيد الثاني رحمه الله حاشيه و
هذا عين الموجود في كتاب النجاشي عبد الله بن ابي
العلا وهو المتقدم في اول باب عبد الله والظاهر ان الرجل
واحد في كتاب النجاشي الا انه لم يذكر ابن العلا بغير لفظ اب
ولا ذكر غيره من اصحاب الرجال فالملازم الافتقار على
ابن ابي العلا المتقدم وترك هذا وكان الصواب في
بعض الكتب حذف ابي بينهما فطنة مغاير الاول و
الله يدرك ذلك انتهى واظن ان الافتقار على المتاخر
اولى وهو عبد الله بن العلا كما نقلناه من النجاشي
هو اربع نسخ عندنا لانه الماخذ ورجوع العلامة
قدس سره في ح بو بتدنا وما ذكره ذا ولا كانه نقله
عن الخلاصة حيث لم يتم الماخذ كما هو من دابه

١٨٦ عبد الله بن علي بن اخوه امرام البنهن قتل مع ع ج

١٨٧ عبد الله بن علي بن الحسين بن زيد بن علي بن ١٨٣
الحسين ضاله تفرد روى عنه ابنه حش ١٨٤

١٨٨ عبد الله بن علي بن الحسين بن علي بن ابي طالب

بن ج وقال المفيد رحمه الله في ارشاده اخوا بي جعفر كا
بل صدقات رسول الله صلى الله عليه وآله وصدقات
امير المؤمنين عليه السلام وكان فاضلا فضلها بروى
عن ابائه عن رسول الله اخبارا كثيرة وحدث الناس عنه
وحملوا عنه الآثار

١٨٩ عبد الله بن غمار بن عبد يغوث تي ج

١٩٠ عبد الله بن عمرو بن الاشعث له كتاب روى عنه
مروان بن مسلم ست

١٩١ عبد الله بن عمر مجهول قرج ذ وفي نسخة ابن عمر

١٩٢ عبد الله بن عمرو بن الحرث نقلناه بعنوان عبد الله
بن الحرث

١٩٣ عبد الله بن عمرو بن العاص لج ز وروى الكشي
عند ترجمة عمرو بن الحمق ان الحسن عليه السلام كتب الى
معوية شيئا فدخل على معوية عبد الله بن عمرو بن العاص
فراى الكتاب فقال وما منعك ان تجيبه بما يصغره اليه
نفسه وانما قال ذلك في هوى معوية وروى عند
ترجمة عمار بن ياسر بطريق ضعيف عن حنظلة بن خويلد
قال اني لجالس عند معوية اذ اتاه رجلان يختصمان
في دم عمار يقول كل واحد منهما انا قتلته فقال
عبد الله بن عمرو بن العاص ليطب بها حدكم نفسا لصاحبه
فاني سمعت رسول الله يقول لعمار يقتله الفئة الباغية
فقال معوية يا ابن عمرو فما بالك معنا قال اني معكم

ولست اقائل ان ابى نكاني الى البنت صلى الله عليه وآله
فقال الى رسول الله اطع اباك ما دام حيا ولا تعصه
فانا معكم ولست اقاتل

١٩٤ عبد الله بن عمرو بن محصن تخ وفى نسخة عبد الله

١٩٥ عبد الله بن عمرو بن معاذ ى تخ

١٩٦ عبد الله بن عمران سيجئ عند ترجمة ابنه على بن
ابى الفهم عبد الله بن عمر ل تخ وروى الكشى بطريق
ضعيف عن ابى جعفر عليه السلام انه ما ان منكرنا
وذكرنا بعض احواله عند ترجمة سعد بن ابى وقاص

١٩٧ عبد الله بن عمر بن بكار الخياط كوفى ثقة له كتاب
يرويه يحيى بن زكريا اللؤلؤى جش

١٩٨ عبد الله بن عمر الذى حدث عنه هشام بن الحكم ق تخ

١٩٩ عبد الله بن عميرة ى سين تخ

٢٠٠ عبد الله بن عوف ى تخ

٢٠١ عبد الله بن عون احمد الشيبانى الكوفى ق تخ

٢٠٢ عبد الله بن غالب الاسدى الشاعر الفقيه ابو على
فرق ثم ثقة ثقة واخوه اسمه بن غالب الكاتب يكثر
الرواة عنه منهم الحسن بن محبوب جش وقال الكشى
قال نصر بن الصباح البلخى عبد الله بن غالب الشاعر الاسدى
قال ابو عبد الله ان ملكا يلقى عليه الشعر واتى
لاعرف ذلك الملك

٢٠٣ عبد الله بن فرقد كوفى ق تخ

٢٠٤ عبد الله بن الفضل بن عبد الله بن تميم بن الحرث
بن نوفل بن الحرث بن عبد المطلب ابو محمد النوفلى ق
ثقة له كتاب رواه محمد بن ابى عمير جش ويظهر من كلام
العلامة وابن داود ان تبعه لقب لعبد الله بن الحرث
ونسب ابن طاوس رحمه الله ما ذكره النجاشى الى
السهو ولعله الصواب

٢٠٥ عبد الله بن الفضل بن محمد الذى ذكره ره سيجئ
بعنوان عبد الله بن الفضل بن محمد

٢٠٦ عبد الله بن القاسم الحارثى ضعيف غال كان
صحب معوية بن عمار ثم خلط وفارقه روى عنه محمد
بن خالد البرقى جش عبد الله بن القاسم بن البطل
الحارثى بصرى كذاب غال ضعيف متروك الحديث بمعدل
عن ذكره غض ويظهر من كلام النجاشى ان عبد الله بن
القاسم الحضرمى اللاتى هو المعروف بالبطل

٢٠٧ عبد الله بن القاسم الحضرمى المعروف بالبطل كذاب
غال يروى عن الغلاة لا خير فيه ولا يعتد برواياته
لكتاب روى عنه عبد الله بن عبد الرحمن جش له
كتاب روى الصفار عن محمد بن الحسين عنه ست
عبد الله بن القاسم الحضرمى كوفى ضعيف غال منهم ف
لا ارتفاع به غض واضح تم تخ

٢٠٨ عبد الله بن القاسم قال الكشى عند ترجمة الفضل
بن عمر انه من اهل الارتفاع ويحتمل ان يكون هذا

هو

هو عبد الله بن القاسم الحارثي والحصين كانا رجلين

٢٠٩ عبد الله بن القصير وأفى مرج وفصده عبد الله القصير بدون لفظ ابن ولعله الصواب

٢١٠ عبد الله بن قيس ابو موسى الاشعري الآتي في مرج

٢١١ عبد الله بن كثير البربوعي الكوفي ق مرج

٢١٢ عبد الله بن كثير الشراج الذي ذكره في ذكر ناره بعنوان عامر بن كثير الشراج

٢١٣ عبد الله بن الكواء الخارجي المأمون في مرج

٢١٤ عبد الله بن مالك الختعي كوفي ق مرج

٢١٥ عبد الله بن محرز اخو عقبة بن محرز الجعفي الكوفي ق مرج عند ترجمة عقبة بن محرز

٢١٦ عبد الله بن محمد ابو بكر الحضرمي الكوفي سمع من ابي الطفيل ما بقي في مرج وروى الكشي له مناظرة جرت له مع زيد بن علي مجيدة وروى عنه حديث ابن جعيد عن محمد قال ان الناس لا يموتون من مات ويقول فهذا الا وروى الشيخ في التهذيب في باب تلقين المحتضر بسنده صحيح عن ابي بكر الحضرمي قال مرض رجل من اهل بيتي فاتيته عائدا له فقلت له يا ابن اخي ان لك عندي بضعة اتقبلها فقال نعم فقلت قل اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له فتشهد بذلك فقلت قل وان محمدا رسول الله فتشهد بذلك فقلت ان هذا لا ينفع بنا الا ان يكون منك على يقين فذكرت منه على يقين فقلت قل اشهد ان عليا وصيه وخليفته من بعده والامام المفترض الطاعة من بعده فتشهد بذلك فقلت لم انك لن تنفع بذلك حتى يكون منك على يقين فذكرت منه على يقين ثم تمثلت له الائمة عليهم السلام رجلا فرجلا فقررته بذلك فذكر انه منه على يقين فلم يلبث الرجل ان توفي فخرج عليه اهله جزعا شديدا فقال تغيب عنهم ثم ائتهم بعد ذلك فرايت عزاء حسنا فقلت كيف تجدونكم كيف عزاؤكم اينها المراة فقالت والله لقد اصبنا بمصيبة عظيمة يوفاة فلان رحمه الله وكان مما سخى نفسي لزوجها ان اليد قلبت وما نالت الزوجا فقلت لها يا فلانا يعني البيت حيا سليما فقلت فلانا قال نعم فقلت اكنت متمثل قال لي فلكن يجوت بكلمات لقمان ابو بكر ولولا ذلك كدت اهلك وذكره في باب الكنى وفصل عن الكشي توثيقه ولم اجد في الكشي الا كما نقلنا وفصل العلامة قدس سره وذكره في باب العين ولم يوثقه

٢١٧ عبد الله بن محمد بن ابي الدنيا غامي المذهب له كتاب مقتل الحسين روى عنه ابو بكر احمد بن اسحق سنت وفصل عن ست بعنوان عبد الله بن ابي الدنيا

٢١٨ عبد الله بن محمد الاسدي كوفي يكنى ابا بصير مر في مرج

٢١٩ عبد الله بن محمد الاسدي مولاهم الجمال المعروف بابن ابي الدنيا
ابو محمد وقيل انه من موالي بني هاشم ثقة ثبت له
كتاب يرويه عدة من اصحابنا روى عنه الحسن بن علي
بن عبد الله بن المغيرة جش له كتاب روى عنه الحسين بن
علي الكوفي ست ثقفر صاح

٢٢٠ عبد الله بن محمد الاهوازي ذكر بعض اصحابنا انه
راى لهشام بن الموسى بن جعفر مجش وكان عبد الله
بن محمد بن حصين الاتي الثقفر

٢٢١ عبد الله بن محمد البلوي من بلي قبيلة من اهل مصر
وكان واعظا فقيها له كتب ست رجل ضعيف مطعون
عليه روى عنه محمد بن الحسن الصفار جش عند ترجمة
محمد بن الحسن بن عبد الله وقال ابن الغضائري
عبد الله بن محمد بن عمير بن محفوظ البلوي ابو محمد
المصري كذاب وضاع للحديث لا يلتفت الى حديثه ولا
يعبا به

٢٢٢ عبد الله بن محمد الجعفي ضعيف جش عند ترجمة
بن بزيد وقال الشيخ في الرجال بن قر

٢٢٣ عبد الله بن محمد بن حصين الحضيني الاهوازي ويقال
ثقة له كتاب يرويه عدة من اصحابنا روى عنه
محمد بن عيسى بن عبيد جش له كتاب روى عنه احمد
عمر الحلال ست

٢٢٤ عبد الله بن محمد بن حماد الرازي ذج

٢٢٥ عبد الله بن محمد بن خالد ذكرناه بعنوان عبد الله
بن ابي عبد الله

٢٢٦ عبد الله بن محمد الدمشقي نبه النجاشي على ضعفه
عند ترجمة محمد بن احمد بن يحيى

٢٢٧ عبد الله بن محمد الكرخاني ذ نج

٢٢٨ عبد الله بن محمد بن سهل بن داود ذ نج

٢٢٩ عبد الله بن محمد الشامي روى عنه محمد بن احمد
يحيى ذ نج ونبه النجاشي على ضعفه عند ترجمة محمد بن احمد
بن يحيى ويحتمل ان يكون عبد الله بن محمد الشامي و
عبد الله بن محمد الدمشقي المذكورين قبل هذا واحدا
وان كان الشيخ في الفهرست والنجاشي في كتابه ذكرهما
كما يظهر من رجال الشيخ حيث قال عبد الله بن محمد
يكنى ابا محمد الشامي الدمشقي روى عنه احمد بن محمد بن عيسى

٢٣٠ عبد الله بن محمد الشعيري البناني نج

٢٣١ عبد الله بن محمد بن عبد الله ابو محمد الخداء الدعلجي
منسوب الى موضع خلف باب الكوفة ببغداد يقال له
الدعالجة كان فقيها عارفا وعليه تعلم المواريث
له كتاب الخ جش

٢٣٢ عبد الله بن محمد بن عبد الله بن ابي فروة القرشي
الاموي مولاهم مدني ق نج

٢٣٣ عبد الله بن محمد بن عقيل بن ابي طالب ق نج

٢٣٤ عبد الله بن محمد بن علي بن الحسين بن علي ابي طالب

عليه السلام

عليه السلام متفق ج وقال المفيد ارشاده كان
بشار اليه بالفضل والصلاح كان مع الصادق
٢٣٥ عبد الله بن محمد بن علي بن العباس بن مروان الجهني
الرازي له نسخة عن الرضا روى عنه ابو محمد الحسن بن عبد
الله بن محمد بن العباس جش
٢٣٦ عبد الله بن محمد بن علي بن عبد الله بن العباس
ابو جعفر المنصور ق ج
٢٣٧ عبد الله بن محمد بن عيسى ذكرناه بعنوان ابن
بن محمد بن عيسى
٢٣٨ عبد الله بن محمد بن الفضل سيجئ بعنوان عبد الله
بن محمد بن الفضل
٢٣٩ عبد الله بن محمد بن فضل له كتاب رواه عباد بن
يعقوب الرواجني ست
٢٤٠ عبد الله بن محمد اليمكي ثقة قليل الحديث صحيح
نوادر كتابا روى عنه احمد بن ابي عبد الله جش
٢٤١ عبد الله بن المختار ق ج
٢٤٢ عبد الله بن المرحوم ق ج
٢٤٣ عبد الله المزخرف ذكرناه بعنوان عبد الله بن
محمد الاسدي المجال
٢٤٤ عبد الله المسنود ذا المدثاها شمي مولى علي بن
الحسين عليه السلام بن ج
٢٤٥ عبد الله بن مسعود ل ج سئل الفضل بن شاذان

عن ابن مسعود وحذيفة فقال لم يكن حذيفة مثل ابن
مسعود لان حذيفة كان زكيا وابن مسعود خلط
وتوالى القوم وما لمعهم وقال لهم كن
٢٤٦ عبد الله بن مسكان ابو محمد مولى ثقيف عين م
وقيل انه روى عن الصادق وليس بثبت له كتاب
روى عنه محمد بن سنان والحسن بن هاشم ماتا
في ايام ابي الحسن قبل الحادثة جش وبظهر من كش
الاخبار انه روى عن الصادق عليه السلام كثيرا
كما في باب الاحداث الموجبة للطهارة من التهذيب
وغيره ويبعد ان يكون مثل هذه الاخبار مراسيل
وقال الشيخ في الفهرست ثقة له كتاب روى عنه
ابن ابي عمير وصفوان وقال العلامة قدس سره
في حقه قال النجاشي وقيل انه روى عن الصادق
وليس بثبت وقال النجاشي روى انه لم يسمع من الصادق
عليه السلام الا حديثا من ادرك المشعر فقد
ادرك الحج قال وكان من روى اصحاب الصادق
وزعم ابو المفضل محمد بن مسعود ان ابن مسكان
كان لا يدخل على الصادق ثقفه ان لا يوهبه
حوا جلاله وكان يسمع من اصحابه وبابى ان يدخل
اجلالا له واعظاما انتهى والصواب ان يقال
قال الكشي روى انه لم يسمع الى اخره لان ما ذكره
الى قوله واعظاما موجود في الكشي دون النجاشي

يؤيد ذلك ذكر النجاشي بلا فاصلة فكان ذكره تبعا
بالتخريج في غير موضعه وقال الكشي اجمعت العصابة
على تصحيح ما يصح عنه والاقرار له بالفقه

٢٤٧ عبد الله بن مسلم بن عقيل بن نقل عنه ج

٢٤٨ عبد الله بن مسلم الزاهي البصري ق ج

٢٤٩ عبد الله بن مسلم بن كيسان كوفي ق ج

٢٥٠ عبد الله بن المسيب ل ج

٢٥١ عبد الله بن مصعب تقدم مع بكار بن عبد الله

٢٥٢ عبد الله بن معوية الهاشمي مدني ق ج

٢٥٣ عبد الله بن معقل ل ج

٢٥٤ عبد الله بن المغيرة ابو محمد البجلي مولاهم جد
بن عبد الله ثقة ثقة لا يعدل به احد من جلالته
ودينه وورعه قيل انه صنف ثلثين كتابا روى
عنه ايوب بن نوح والحسن بن علي بن عبد الله
بن المغيرة جش م ضا خ وقال الكشي وجدت
بخط ابي عبد الله الشاذاني قال العبيدي محمد بن
عيسى حدثني الحسن بن علي بن فضال قال قال
عبد الله بن المغيرة كنت واقفا فتحجت على ناقتي
فلما صرت بمكة خلج في صدري شيء فعلقت الملتزم
ثم قلت اللهم قد علمت طلبتي واردتي فان كنت
الى خير الاديان فوفقني في نفسي ان اتى ارضا
فاتيت المدينة فوقفت ببابه وقلت للغلام قل

لمولاك رجل من اهل العراق بالباب يسمع نداءه
ادخل يا عبد الله بن المغيرة فدخلت فلما نظر
الي قال فما جاب الله دعوتك وهذا الذي
فعلت اشهد انك حجة الله وامينه على خلقه
وقال الكشي اجمعت العصابة على تصحيح ما يصح عنه
والاقرار له بالفقه والعلم

٢٥٥ عبد الله بن المنبه ذكر الشيخ في الاستبصار
في باب وجوب المسح على الرجلين حديثا وفيه
عبد الله بن المنبه وقال رواه هذا الخبر كلهم
عامة ورجال الزيدية

٢٥٦ عبد الله بن موسى بن عبد الله بن الحسن بن
علي بن ابي طالب له رسالة الى المامون والمامون
جوابها ست

٢٥٧ عبد الله بن مبشر الكوفي ق ج

٢٥٨ عبد الله بن ميمون بن الاسود القداح مولى
بني مخزوم بيري القداح روى ابوه عن الباقر ع و
الصادق ع وروى هو عن الصادق ع وكان ثقة
له كتب روى عنه جعفر بن محمد بن عبد الله جش له
كتاب روى ابو طالب عبد الله بن الصلت القمي
جعفر بن محمد بن عبد الله وابو هبيم بن هاشم عنه
وقال الكشي حدثني حمدويه بن نصير قال حدثني
ايوب بن نوح قال حدثنا صفوان بن يحيى عن ابي

حدثنا الصباح الفراء عن عبد الله بن ميمون عن الباقر
قال يا ابن ميمون كم انتم بمكة قلت نحو اربعة قال الكم
نور في ظلمات الارض ثم الكشي عن جبرئيل بن احمد
قال سمعت محمد بن عيسى يقول كان عبد الله بن ميمون
يقول بالتزويد

٢٥٩ عبد الله بن النجاشي بن غيثم بن سمعان ابو بحير
الاسدي الكوفي روى عن الصادق وسأله مسائل البيع
وغيره وروى الاهواز من قبل المنصور حبس وروى الكشي
بطريق ضعيف انه كان يروي اذا الزلزلة ثم رجع عنه
قال العلامة في حق عبد الله النجاشي من اجتنبوا الكذابين
وانفي والذي وجدت في رجال عبد الله النجاشي في حق

٢٦٠ عبد الله بن فضالة الذي ذكره شيخنا بعنوان
عبد بن فضالة

٢٦١ عبد الله بن القاسم البجلي عد ذكر ابنه هشيم بن ابي مسروق

٢٦٢ عبد الله بن واصل بن سليم الكوفي ق تج

٢٦٣ عبد الله بن واقد ذكرناه بعنوان عبد الله بن
ابي يعفور

٢٦٤ عبد الله بن واقد اللحام الكوفي واخوه الحسن ق تج

٢٦٥ عبد الله بن الوضاح ابو محمد كوفي ثقة من الموالي
صاحب بابا بصير يحيى بن القاسم كثيرا وعرف به لكنه
روى عنه علي بن الحسن الطاطري حبس م تج

٢٦٦ عبد الله بن الوليد النمائي الخثعمي مولى كوفي ثقة

لكذاب رواه عنه جماعة منهم عبيس بن هشام حبس لكذاب
روى عنه القاسم بن اسمعيل القرشي ست

٢٦٧ عبد الله بن الوليد البصري لكذاب روى عنه ابو جعفر
احمد بن زيد الخزاعي ست

٢٦٨ عبد الله بن الوليد الوصافي العجلي اخو عبد الله
كوفي عربي ق تج

٢٦٩ عبد الله بن الوليد بن جميع القرشي الزهري الكوفي ق تج

٢٧٠ عبد الله بن وهب الراسبي راس الخوارج ملعون ق تج

٢٧١ عبد الله بن هرون ابو محمد الزبيري بهذا لقب لكذاب
في الامامة وهو رسالة الى المامون حبس

٢٧٢ عبد الله بن هرون الحضرمي كوفي ق تج

٢٧٣ عبد الله بن هرمز المكي ق تج

٢٧٤ عبد الله بن هشام ل تج

٢٧٥ عبد الله بن هلال عربي كوفي ق تج

٢٧٦ عبد الله بن هلال بن جابان الاسدي مولاهم
كوفي ق تج

٢٧٧ عبد الله بن هليل لكذاب روى عنه محمد بن عبد
الله بن هليل حبس

٢٧٨ عبد الله بن الهيثم كوفي له اصل روى عنه عباد بن
يعقوب حبس

٢٧٩ عبد الله بن يحيى الحضرمي قال له علي يوم الجمل البشر
يا ابن يحيى فانك وابالك من شر اهل الحبس والله سمعاكم في

روى محمد بن يعقوب الكليني قدس سره اضافة اخر الدهاب بطريق
رسول الله كما يدل على ساعي
الزيدية بثقة

٢٥٧

٢٥٨

السماء شرطة الخميس على لسان نبيه محمد صلعم وبظهر من
الباب الاول من صه ان كنيته ابو الرضا والخميس العسكر
وانما سمي خميسا لانضمامه خمسة اصناف مقدمة وساقة وميمنة
وميسرة وقلب والشرطة طائفة من الجيش من اعدا

٢٨٥ عبد الله بن يحيى ابو محمد الكاهلي عربي اخو سخرويا
عن الصادق والكاظم عليهما السلام وكان عبد الله
وجها عند الكاظم ووصى به علي بن يقطين فقال اضمن
الكاهلي وعياله اضمن لك الجنة وقال محمد بن عقدة
الناسب عبد الله بن يحيى الذي يقال له الكاهلي هو منهم
النسب وله كتاب يرويه جماعة منهم احمد بن محمد بن ابي
نصر خبر له كتاب روى عنه ابن ابي عمير ست وروى الكشي
بطريق ضعيف عن عبد الله بن يحيى الكاهلي قال دخلت
فدخلت على ابي الحسن فقال لعمار خبر اخاك سدير هذه
فاتاه جلست فقد دنى قال ابكيت فقال الى ما يبكيك
قلت جلست فذكرت بعث الى نفسي قال ابشر فانك من
شيعتنا وانا لنحبر

٢٨١ عبد الله بن يحيى له كتاب عن ابي البختري وهب بن وهب
روى عنه احمد بن ابي عبد الله ست ويحتمل ان يكون
هذا هو المذكور قبل هذا والله اعلم

٢٨٢ عبد الله بن يزيد البكري الكوفي ق ج

٢٨٣ عبد الله بن يطير ستين وضبعة قتل بالكوفة
كان رسولا وحي به من فوق القصر فنكس فقام اليه عمر

الازدي فذبحه وقال بل قتل ذلك عبد الملك
عمير اللخمي ج

١ عبد المؤمن بن سلام الكاهلي الكوفي ق ج

٢ عبد المؤمن بن سلمة الكاهلي الكوفي ق ج

٣ عبد المؤمن بن عبد الله بن خالد العبسي الكوفي ق ج

٤ عبد المؤمن بن القاسم بن قيس بن مخرمة بن مخرمة
الانصاري قرن ثقة هو واخوه وهمر اخوا ابي مريم
عبد الغفار بن القاسم وقيس بن مخرمة صحابي ذكره في
ذيل المذيل يكنى عبد المؤمن الكوفي توفي سنة سبع
واربعين ومائة وهو ابن احد وثمانين سنة له كتاب
يرويه جماعة منهم سفيان بن ابرهيم بن يزيد الحماني
خبر له كتاب روى عنه ابرهيم بن سليمان ابو اسحق الخزاز
ست وفي نسخة عبد المؤمن بن قيس بن قيس وفي نسخة عبد
المؤمن بن ابي القاسم وكان لفظ ابي زائد في كلام ابن
داود كما ان لفظ ابن القاسم ساقط في كلام العلامة مدرته

عبد المجيد بن عبد العزيز ق ج

عبد المطلب بن ربيعة ل ج

عبد الملك بن ابي سليمان واسم ابي سليمان
ميسرة الفراوي مولاهم تابعي ق ج

عبد الملك بن اعين الشيباني ابو الصهبان قال الكشي
حدثني محمد بن نصير قال حدثني محمد بن عيسى بن عبيد
وحدثني حمدويه بن نصير قال حدثنا محمد بن عيسى بن عبيد

عن الحسين بن بطين قال حدثني المشايخ حمران وزراره
وعبد الملك وبكير وعبد الرحمن بنا اعين كانوا مستقيمين
ومات منهم اربعة في زمان الصادق وكانوا من اصحابنا
الباقر وبقي زراره الى عهد ابي الحسن فلقيه ما لقي ثم قال الكشي
حدثني حمدويه بن نصير قال حدثني يعقوب عن الحسن بن علي
بن فضال عن ثعلبة بن ميمون وعن بعض رجاله قال قال
ربيعة الرأي لابي عبد الله ما هؤلاء اخوتك الذين بالكوفة
من العراق ولم ار في اصحابك جزامنهم ولا اهيأ قال
اولئك اصحاب ابي يعني فلانا عين ثم قال حدثني حمدويه
قال حدثني محمد بن عيسى عن ابي بصير عن الحسين بن موسى
عن زراره قال قدم ابو عبد الله مكة فسأل عن عبد
الملك بن اعين فقال بات قبل نعم فرفع يده ودعا
له واجتهد في الدعاء وترحم عليه ثم قال حدثني قولويه
الحسن عن علي بن اسباط عن علي بن الحسين بن عبد الملك
بن اعين عن ابن بكير عن زراره قال قال ابو عبد الله
بعد موت عبد الملك بن اعين اللهم ان ابا الضريس
كان عندنا جزءا من خلقك فصيره في ثقل محمد صلواتك
عليه يوم القيمة ثم قال ابو عبد الله سبحان الله ابن مثل
ابي الضريس لم يبات بعد ثم قال حدثني حمدويه قال حدثني
يعقوب بن يزيد عن ابن ابي عمير عن علي بن عطية قال قال
ابو عبد الله لعبد الملك بن اعين كيف تعقب ابيك وربا
فقال كيف تعقب ابوك جعفرا فقال ان جعفرا نهرني

الجنة وضربا اسم شيطان	
عبد الملك بن امامة النخعي الصيرفي كوفي ثقة	٣
عبد الملك بن جريج من رجال العامة مكي	٤
عبد الملك بن الحسين ابو مالك النخعي الكوفي ثقة	٥
عبد الملك بن حكيم الحنفي كوفي ثقة عين لم ار له كتاب روى عنه جعفر بن محمد بن حكيم خ ش	٦
عبد الملك بن خالد الكوفي اسفل الى البصرة ثقة	٧
عبد الملك بن سعيد وثقه النجاشي عند ترجمة عبد الله بن سعيد	٨
عبد الملك بن عبد العزيز بن جريج الاموي مولاهم مكي ثقة وكانه المذكور قبل هذا بعنوان عبد الملك بن جريج	٩
عبد الملك بن عبد الله روى علي بن احمد العقيقي عن الصادق عليه السلام انه قوي الايمان صه	١٠
عبد الملك بن عبد الله الفزاري ثقة	١١
عبد الملك بن عبد الله الكوفي المقري ثقة	١٢
عبد الملك بن عتبة النصر الخثعمي الكوفي يعرف بشعيثة عند ترجمة عبد الملك بن عتبة الهاشمي	١٣
عبد الملك بن عتبة الهاشمي الهاشمي صليب ثقة وذكره ابو العباس بن سعيد فمن روى عن ابي عبد الله والي جعفر عليه السلام له كتاب والكتاب الذي ينسب الى عبد الملك بن عتبة هو لعبد الملك بن عتبة النخعي صيرفي كوفي	١٤

قدم له هذا الكتاب روى عن الحسن بن علي بن بنت
الياس جش له كتاب روى عنه الحسن بن محمد بن سماعة ست

عبد الملك بن عتبة الهاشمي الاصبهاني المكي ق تج ثم ل

عبد الملك بن عتبة الصبي الكوفي ق م له كتاب

١٥ عبد الملك بن عطاء روى الكشي عن نصر الصباغ
انه يحب فرق ونقل ابن داود عن الكشي انه كان ثقة
يحبنا ولم اجد للكشي الا كما نقلنا مع ضعف نصر الصباغ

١٦ عبد الملك بن عمرو قال الكشي حدثني حمدويه
قال حدثني يعقوب بن يزيد عن ابن ابي عمير عن جميل بن صالح
عن عبد الملك بن عمرو قال قال لي ابو عبد الله ع
اني لادعو لك حتى اتمنى دابتك او قال ادعو لدابتك
ونقل ابن داود عن الكشي انه ثقة ولم اجد بذلا الا كما
نقلنا ونقله العلامة قدس سره

١٧ عبد الملك بن عتبة الشيباني الذي ذكره الشيخ في
الفهرست يجيء بعنوان عبد الملك بن مروان

١٨ عبد الملك بن عتبى المكي اسند عنه ق تج

١٩ عبد الملك بن فرقد اخو داود ق تج

٢٠ عبد الملك بن المختار الكوفي اسند عنه تج

٢١ عبد الملك بن منذر الفوي بصري ضعيف كذا في
عنه البرقي جش له كتاب روى عنه احمد بن ابي عبد الله ع
ست لم تج

٢٢ عبد الملك بن مهران الكاهلي اسند عنه ق تج

٢٣ عبد الملك بن سليمة ذكرناه بعنوان عبد الملك
بن ابي سليمان

٢٤ عبد الملك بن الوضاح لعله الكوفي ق تج

٢٥ عبد الملك بن الوليد كوفي ثقة قليل الحديث
له كتاب جش له كتاب روى عنه ابرهيم بن سليمان ست

٢٦ عبد الملك بن هرون بن عنترة الشيباني كوفي
ثقة عين روى عن اصحابنا ورووا عنه ولم يكن متحفظا
بما نزل له كتاب يرويه محمد بن خالد البرقي جش عبد الملك
بن عنترة الشيباني له كتاب روى عنه محمد بن خالد البرقي ست

٢٧ عبد الملك بن يحيى القرشي الكوفي اسند عنه ق تج

١ عبد النور بن عبد الاعلى القزاري ق تج

٢ عبد النور بن عبد الله بن سنان الاسدي الكوفي
دخل البصرة اسند عنه لم يعرفه علي بن الحسن ق تج

١ عبد الواحد بن سليمان العبدي ق تج

٢ عبد الواحد بن الصباح النهمي الكوفي ق تج

٣ عبد الواحد بن عاصم البجلي كوفي ق تج

٤ عبد الواحد بن عبد الله بن يونس الموصلي ابو
عبد العزيز يكنى ابا القاسم سمع منذ الملعكري وذكر
انه كان ثقة لم تج

٥ عبد الواحد بن عمر بن محمد بن ابي هاشم المقرء
غلام ابن مجاهد عامي له كتاب قرأ امير المؤمنين يكنى
ابا طاهر روى عنه ابو بكر الدوري جش عامي المذهب

الا ان لكتابه راوى قراءة امير المؤمنين عليه السلام ست

٦ عبد الواحد بن القاسم اخو عبد الغفار بن ج

٨ عبد الواحد بن المختار الانصارى قر ق ج

وقال الكشى روى محمد بن غالب عن محمد بن الوليد الخزاز
عن ابن بكير عن عبد الواحد بن المختار الانصارى قال
سالت اباعبد الله عن الشطرنج فقال ابو عبد الله
ان عبد الواحد لنقى سئل عن اللعب قال ابن بكير
عبد الواحد ما كان عندنا ذكر اللعب حتى يسال
عنه اباعبد الله

٧ عبد الواحد بن محمد بن عبدوس النيشابورى
من مشايخ الشيخ الصدوق محمد بن على بن بابويه

١ عبدوس بن ابرهيم بغدادى ذكر ابن بطة قال
حدثنا احمد بن ابى عبد الله عنه خ ش

١ عبد الوهاب بن بكير النخعى الكوفى ق ج وفى
نسخة ابن بكر

٢ عبد الوهاب بن الصباح الكوفى ق ج

٣ عبد الوهاب بن عبد المجيد ق ج

٤ عبد الوهاب المعروف بابن قبة رها وندى صا ج

٥ عبد الوهاب المعروف بابن كبة الهاوندى صا
ج وفى نسخة ابى كبير ويحتمل ان يكون هذا والذى
ذكرناه قبل هذا واحدا

٦ عبد الوهاب المادرانى ابو محمد له كتاب الغيبة خ ش

٧ عبد الوهاب بن محمد الله الكوفى ق ج

١ عبد ربه القرقد الكوفى روى عنه ابن جبلة ق ج
وفى نسخة عبد ربه

١ عبيد بن اتى بن ربيعة المرادى كوفى صه فى ابو محمد
ق ج

٢ عبيد بن البهان ى ج وكانه الكنى يسمى بعنوان
ابو الهيثم مع بعض احواله

٣ عبيد بن الجعد ى ج

٤ عبيد الجنابى يسمى بعنوان عبد الله بن ابى الهيثم

٥ عبيد بن حسان الكوفى ق ج

٦ عبيد بن الحسن كوفى ثقة قليل الحديث وهو راوى
الفضل بن جعفر البزاز له كتاب يروى عنه عدة من اصحابنا
روى عنه القاسم بن محمد بن الحسن خ ش

٧ عبيد بن زرارة بن اعين الشيبانى ق ثقة ثقة عين
لا ليس به ولا لاصحاب له كتاب روى عنه حماد بن عثمان
خ ش له كتاب روى عنه القاسم بن اسمعيل القرشى ست
ذكره د فى باب الموثقين مرتين

٨ عبيد بن سالم بن ابى حفصة العجلى مولاهم كوفى ق ج

٩ عبيد بن سليمان الكاهلى الخياط الكوفى ق ج

١٠ عبيد بن صالح الكوفى ق ج

١١ عبيد بن عبد بكر يكنى اباعبد الله الجلاء نزيل انه
كان يحت رابذ النخاوى ج وفى اخر باب الاول من

صه ابو عبد الله الجدلي من اولياء امير المؤمنين ومن
خواصه وذكره دمرة كما ذكرنا ومره بعنوان عبيد
الله بن عبد الله ابو عبد الله الجدلي ولعله اشتباه
عبيد بن عبد الرحمن له روايات روى عنه ابرهيم
بن سليمان الخزاز ست
١٢ عبيد بن عبد الله بن بشر الخثعمي الكوفي ق تج
١٣ عبيد بن عبد الله بن عيسى بن عبد الرحمن بن ابي
ليلى الانصاري القاضي الكوفي ق تج
١٤ عبيد بن عبد الملك الاسدي الكوفي ق تج
١٥ عبيد بن عطية السلمي الكوفي ق تج
١٦ عبيد بن كثير بن محمد وقيل عبيد بن محمد بن كثير
بن عبد الواحد بن عبد الله بن شريك بن عدي ابو
سعيد العامري الكلابي الوحيدي واسم الوحيد ها
بن كعب بن كلاب وعبد الله بن شريك هو الذي
جد جد عبيدين فر وكان يكنى بالمجلد وكان غلظ
وجها مقدما وعبيد كوفي طعن اصحابنا عليه وذكروا
انه يضع الحديث له كتاب روى عنه ابو الحسين عبد الصمد
بن علي بن مكرم حش عبيد بن كثير ابو سعيد كان
يضع الحديث مجاهرة ولا يحتشم الكذب الصراح
وامره مشهور فض وذكره دمرة بعنوان عبيد
ومرة بعنوان عبيد الله
١٧ عبيد بن محمد بن بنت الجلي له كتاب روى عنه

عبيد بن يعقوب الرواجني سنا الكوفي البجلي ابو محمد روى ع
١٨ عبيد بن يضلة الخزاعي قال ابن الاعمش لابيه على
فرات قال علي يحيى بن وثاب على عبيد بن يضلة
ع وذكره دراوا عن ع بعنوان عبد الله بن يضلة
١٩ عبيد بن يقطين من اصحاب ابي الحسن كش
عبيد الله بن ابي رافع ي كاتبه ع له كتاب قضايا
امير المؤمنين عليه السلام روى عنه ابنه محمد بن
عبيد الله له كتاب يتمته من يشهد مع امير المؤمنين
روى عنه ابنه عون بن عبيد الله ست وفي ضه في
اخر الباب الاول انه من خواص امير المؤمنين
٢ عبيد الله بن ابي زياد احمد بن يعقوب بن يضر
الانباري شيخ من اصحابنا ابو طالب ثقة والحديث
عالم به كان قديمه من الواقفة قال ابو عبد الله
الحسين بن عبيد الله قال ابو غالب الزراري كنت
اعرفه بابي طالب اكثر عمره واقفا محاطا بالواقفة
عاد الى الامامة وجفاه اصحابنا وكان حسن العبادة
والخشوع وكان ابو القاسم بن سهيل الواسطي العدل
يقول ما رايت رجلا احسن عبادة ولا ابين
زهادة ولا انظف ثوبا ولا اكثر مجلسا من ابي
طالب وكان يخرج من عامة واسطان يشهدوا
صلوته ويعرفوا عمله فينفرد في الخراب والكناس
والبيع فاذا عثروا وجدوا على احسن حال من الصلوة

وانقطاعا وكان اصغانبا البغداديون يرمونه بالارجاء
لكتاب اصنفه البرديجي كتاب الصفوة قال الخطيب نزيل
الله قدم ابو طالب بغداد واجتمعا ان بمكة فسمعا
من لفائه فاسمع منه فلم يفعلوا ذلك ولكتبه
منها كتاب الاستصاء للشيخ من اهل البدع كتاب
امير المؤمنين عليه السلام كتاب التوحيد والعدل
والامامة كتاب طرق حديث الغدير كتاب طرق حديث
الراية كتاب طرق حديث الطائر كتاب طرق حديث
النار كتاب اخبار فاطمة كتاب فرق الشيعة كتاب الابانة
عن اختلاف الناس في الامامة اخبرنا احمد بن عبيد
الواحد بجميع كتبه ومات ابو طالب بواسط سنة
سنة وخمسين وثلثمائة خش وينظر من الخاشي
عند ترجمة علي بن محمد بن علي ان اسم عبيد الله
مصغرا وقال الشيخ في الفهرست عبد الله بن احمد
بن ابي زيد الابناري يكنى ابا طالب وكان مقيما
بواسط وقيل انه كان من الناووسية له مائة و
اربعون كتابا اخبرنا بكتبه وروايته ابو عبد الله
احمد بن عبدون وقال الشيخ في الرجال عبيد
الله بن احمد بن يعقوب بن نصر الابناري يكنى ابا
طالب خاصي روى عنه التلعكبري اخبرنا عنه احمد
بن عبدون وله تصنيفات ذكرنا بعضها في
الفهرست ثم قال عبد الله بن ابي زيد الابناري

روى عنه ابن حاشر ضعيف ثم قال ابن شهراشوب
ابو طالب عبد الله بن احمد بن ابي زيد الابناري
سكن بواسط وقيل انه من الناووسية له مائة
واربعون كتابا ورسالة ثم قال عبد الله بن
احمد بن يعقوب الابناري كذا قال النجاشي
الى اخره ثم قال في باب الضعفاء ان عبد الله بن
ابي زيد الانصاري روى عنه ابن حاشر ضعيف
وذكر ثمرة ان عبد الله بن احمد بن
يعقوب بن نصر الابناري خش ج ضعيف وثمرة
ان عبد الله بن احمد بن يعقوب بن نصر الابناري
ابو طالب لم ج خاصي وثمرة ان عبد الله بن ابي زيد
الابناري لم ج ضعيف وثمرة ان عبد الله بن
احمد بن ابي زيد الابناري ابو طالب لم سنبل
انه كان من الناووسية ويقوى في نفسي انه الذي قبله
وان اباه زيد جده انتهى ثم ذكر عبد الله بن زيد الابناري
مهملا والذي يخطر ببالي ان الكل واحد كما لا يخفى على من
نظر في كلامهم رضي الله عنهم وفي كلام كل منهم شيء
الا في كلام النجاشي اما في كلام الشيخ في الفهرست لانه
يظهر منه ان اباه زيد جد لعبد الله ويظهر من خش ج خ ض
وغيرها انه ابوه واما في كلامه في الرجال لانه ذكر
عبد الله مصغرا وقال ذكرنا في الفهرست والجد
فيه الا عبد الله مكبرا كما نقلنا مع انه ذكر في الرجال

٢ انه نسخ تبعه المؤلف من نسخ كتاب عبد الله بن ابي زيد عبد الله بن احمد بن يعقوب بن نصر الابناري

مكبرا اليه واما فى كلام ابن شهر آشوب لا نظهر مراد ابا
زيد جده ويظهر من جش تج صه وغيرها انه ابو ذكره
مرة بعنوان عبد الله ومرة بعنوان عبيد الله واما
فى كلام العلامة فدس سره لانه نقل عن النجاشى انه
ذكره بعنوان عبد الله مكبرا ولم اجد النجاشى وهو
اربع نسخ عندنا الا مصغرا وذكره ثم فى باب الثقات
مرة فى باب الضعفاء ووصفه بالانصارى ولم يذكر فى
كتب الرجال الا الابناري كما نبه عليه ابن داود و
اما فى كلام ابن داود فليس شيئا واحدا الحواشين بل الامر
كما لا يخفى

٣ عبيد الله بن ابى الوشيم ويقال عبد الجنابى بن تج

٤ عبيد الله بن احمد بن عبيد الله تقدم بعنوان
عبيد الله بن ابى زيد

٥ عبيد الله بن احمد بن نهيك ابو العباس النخعى
الشيخ الصدوق ثقة وال نهيك بالكوفة بيت من
اصحابنا منهم عبيد الله بن محمد وعبد الرحمن اليمين
وغيرهما الكتاب النوادر جش عبيد الله بن احمد بن
نهيك يكنى ابا العباس كوفى روى عنه جماعة كثيرة
من الاصول لم تج وفى صه عبد الله مكبرا وفى تج
عبيد الله مصغرا كما فى جش تج ولعله الصواب

٦ عبيد الله بن الحر الجعفى الفارس الفاتك الشاعر
له شعر يرثى به على امير المؤمنين ع جش فى اول كتابه

٧ عبيد الله بن الحسن بن على بن الحسين بن على بن
ابى طالب ابو على المدنى ق تج

٨ عبيد الله بن زياد ابو عبد الرحمن الحرانى
الكوفى اسند عنه ق تج

٩ عبيد الله بن سليمان كوفى روى عنه على بن الحكم
ق تج

١٠ عبيد الله بن صالح الجعفى الكوفى ابو الحجاج ق تج

١١ عبيد الله بن العباس بن عبد المطلب يحنى بمعوية بن تج
وذكره ذرارا عن تج بعنوان عبد الله مكبرا ولم
اجد الا كما نقلنا وقال الكشى ذكر الفضل بن
شاذان فى بعض كتبه قال ان الحسن العسكرى عليه السلام
خرج فى شوال من الكوفة الى نينوى معاوية
جعل ابن عمه عبيد الله بن العباس على مقدمته فبعث
اليه معوية بمائة الف درهم فقربا الزابية ولحق معوية
وبقى العسكر بلا قائد ولا رئيس فقام قيس بن سعد
بن عبادة فخطب الناس وقال ايها الناس لا يهولنكم ذهاب عبيد الله
فان هذا واباه لم يابنا قط بخير وقام بامر الناس وثب
اهل عسكر الحسن عليه السلام بالحسن عليه السلام فى
شهر ربيع الاول

١٢ عبيد الله بن عبد الرحمن بن موهب المدنى بن تج

١٣ عبيد الله بن عبيد الله ابو عبد الله الجدلى ذكرناه
بعنوان عبيد بن عبد

١٤ عبيد الله بن عبد الله الدهقان الواسطي ضعيف
لكتاب يروي عنه محمد بن عيسى بن عبيد جش و
ذكره د راويا عن جش بعنوان عبد الله الدهقان الواسطي
ولم اجد له الا كما نقلنا فتامل العلامة

١٥ عبيد الله بن عبد الله بن العريان بن الهيثم النخعي
الكوفي ق جخ

١٦ عبيد الله بن عذي الكندي الكوفي ق جخ

١٧ عبيد الله بن علي بن ابي شعبة الحلبي مولى بني تيم
اللات بن ثعلبة ابو علي الكوفي كان يتجر هو وابوه وجده
الى حلب فغلب عليهم النسبة الى حلب والى ابي شعبة الكوفي
بيت مذكور من اصحابنا روى جدهم ابو شعبة عن الحسن
والحسين عليهم السلام وكانوا جميعهم ثقات مرجوعا
الى ما يقولون وكان عبيد الله كبيرهم ووجههم وصنف
الكتاب المنسوب اليه وعرضه على الصادق عليه السلام
وصححه قال عند فراغه ندا نرى لهؤلاء مثل هذا رواه
ابن ابي عمير عن حماد عنه جش لكتاب مصنف معول عليه
وقيل انه عرض على الصادق فاستحسنه وقال البرقي
لهؤلاء يعني المخالفين مثله روى ابن ابي عمير عن حماد
بن عثمان الناب عنه ست وذكره د مرة راويا عن
ست جخ بعنوان عبد الله الحلبي ومرة بعنوان عبيد الله
بن علي الحلبي ولم اجد الا كما نقلنا

١٨ عبيد الله بن علي بن سواره حناجخ

١٩ عبيد الله بن عمر بن حفص بن عاصم بن عمر بن الخطاب
القرشي العدوي تابعي مكي ق جخ

٢٠ عبيد الله بن الفضل بن محمد بن هلال الثقفي
ابو عبسى اصله كوفي انتقل الى مصر وسكنها الكاتب روى
عنه هرون بن موسى جش وذكره د مرة بعنوان كما نقلناه ومرة
عبد الله مكبرا

٢١ عبيد الله بن كثير الذي ذكره د ذكرناه بعنوان
عبيد بن كثير

٢٢ عبيد الله بن محمد بن عمار الخلال البغدادي يكنى
ابا محمد سمع منه التلعكبري لم جخ

٢٣ عبيد الله بن محمد بن عمر بن علي بن ابي طالب عليه
السلام مدني قر ق جخ

٢٤ عبيد الله بن محمد بن الفضل بن هلال الطائي يكنى
ابا عبسى المصري خاصي روى عنه التلعكبري لم جخ والظ
ان يكون هذا والذي ذكرناه من قبل بعنوان عبيد
الله بن الفضل بن محمد واحدا وذكره د راويا عن
جخ بعنوان عبد الله مكبرا ولم اجد فيه الا معنعنا

٢٥ عبيد الله بن مسلم العمري الكوفي ن جخ

٢٦ عبيد الله بن المغيرة العبسي الكوفي ن جخ

٢٧ عبيد الله بن موسى بن موسى الكوفي ق جخ

٢٨ عبيد الله بن الوليد الوصافي جرى ثقة يكنى ابا
سعيد قر ق ذكره اصحاب كتب الرجال لكتاب روى

عنه ابن مكان جش

١ عبيدة السلماني ى ج وفي اخر الباب الاول من رجاله انه من اولياء امير المؤمنين عليه السلام

٢ عبيدة بن مهاجر البجلي الكوفي ق ج

١ عبيس بن هشام ذكرناه بعنوان العباس بن هشام

١ عثمان بن مالك ل ج

١ عتبة بن ذكوان بن رافع ى ج

٢ عتبة بن زياد المزني الكوفي ق ج

٣ عتبة بن عبد الله بن مسعود الزهري الكوفي ابو العميس ق ج

٤ عتبة بن عمرو ى ج

٥ عتبة بن عمرو المكتب الكوفي ابو عمرو ق ج

٦ عتبة بن غزوان ل ج

١ عتيبة بن سالم الهلالي الكوفي ق ج

٢ عتيبة بن عبد الرحمن الكوفي بياع القصب ق ج

٣ عتيبة بن مهمون بياع القصب بفتح العين عن مولى بجيلة ق ج لكتاب روى عنه علي بن النعمان جش وفي صدر عتيبة بضم العين وفتح التاء المنقطة فوقها نقطتين وفي ضم العين وفتح التاء المنقطة فوقها نقطتين

١ عتيق بن معاوية بن الصامت الانصاري يكنى ابا عتاش فارس رسول الله ى ج

١ عثمان بن ابي زياد ابو الفرج الاسدي مولاهم كوفي ق ج

عثمان بن ابي العاص ل ج ٢

عثمان بن بهرام الكوفي ق ج ٣

عثمان بن جعفر المحاربي الكاتب روى عنه احمد بن الفضل جش ٤

عثمان بن حامد يكنى ابا سعيد الوحيني من اهل كش ثقة ج ثم قال في هذا الباب عثمان بن حامد روى عنه الكشي والظاهر انهما واحد وفي صدر الوحيني بالجيم والباء المنقطة تحتها نقطة بين الباء الاولى والاخيرة وفي د بالواو والجيم والباء المثناة تحت والنون ولعله الصواب ٥

عثمان بن حنيف الانصاري عربي ى ج روى الكشي عن الفضل بن شاذان انه من الشاذ بقين الذين رجعوا الى امير المؤمنين عليه السلام ٦

عثمان بن ربيعة اسند عنه ق ج ٧

عثمان بن رشيد ضا ج ٨

عثمان بن زياد الاحمسي الكوفي فر ق ج ٩

عثمان بن زياد الرواسي الكوفي يكنى ابا الحسن روى عنه ابرهيم بن عبد الحميد ق ج ١٠

عثمان بن زياد الهمداني الكوفي ق ج ١١

عثمان بن زيد بن عدي ابو عمر الجهني الكوفي اسند عنه ق ج ١٢

عثمان بن سعد بن حوذ ج ١٣

١٤ عثمان بن سعد الكوفي ق ج

١٥ عثمان بن سعيد الاشتر الكوفي ق ج

١٦ عثمان بن سعيد الاموي الزيات ويقال الثمالي يكنى ابا عمرو جليل القدر ثقة روى كر وكله ج

١٧ عثمان بن سوادة الكوفي ق ج

١٨ عثمان بن عبد الرحمن الفلاء الكوفي ق ج

١٩ عثمان بن عبد السلام الكوفي ق ج

٢٠ عثمان بن عبد الله بن شبرمة الضبي الكوفي ق ج

٢١ عثمان بن عبد الملك روى عنه علي بن الحكم روى عن ابي سعيد المكاري كذا يظهر من باب تطهير المياه من التهذيب ولم اجده في كتب الرجال

٢٢ عثمان بن عمارة المزني ق ج

٢٣ عثمان بن عمرو البصري ق ج

٢٤ عثمان بن عمرو العزرمي ابو عمرو الكوفي اسند عنه ق ج

٢٥ عثمان بن عمران بياع الاشابري كوفي ق ج

٢٦ عثمان بن عيسى ابو عمرو العامري الكلابي ثم ولد عبيد بن رواس فنارة يقال الكلابي وفنارة العامري وفنارة الرواسي والصحيح انه مولى بني رواس كان شيخ الواقفة ووجهها واحد الوكلاء المستبدين بمال موسى بن جعفر عليه السلام روى عن الكاظم عليه السلام ذكره الكشي في رجاله وذكر نصر بن الصباح قال كان في يده مال لابي الرضا عليه السلام فمضى ابو الحسن عليه السلام وهو حي فبعث اليه ابو الحسن عليه السلام فهنأه وفي جواري فبعث اليه ابو الحسن عليه السلام المال فكتب اليه ان ابي قد مات وقد اضمنا مهرانه وقد صح الاخبار بموته واخبر عليه السلام ان لم يكن ابوك مات فليس لك من ذلك شيء وان كان قد مات على ما تخبر فلم يأمرني بدفع شيء اليك منه فمضى فلحق ابا الحسن عليه السلام بالمال وكان يروي عن ابي حمزة وكان رأى في المنام انه يموت بالخاب على صاحبه السلام فرأى منزله بالكوفة واقام بالخاب حتى مات ودفن هناك صنف كتبا روى عنه علي بن اسمعيل بن عيسى وجعفر بن عبد الله المحمدي واحمد بن محمد بن عيسى حج وقال الكشي قال نصر بن الصباح ان عثمن بن عيسى كان واقفيا وكان وكيل موسى عليه السلام وفي يده مال فمضى عليه الرضا عليه السلام ثم تاب وبعث اليه بالمال وقال الشيخ في الفهرست واقفي الذهبية كاب روى عنه محمد بن الحسن بن ابي الخطاب واحمد بن محمد وقال في الرجال واقفي مضى وقال الكشي بعد ذكر من اجمع اصحابنا على تصحيح ما يصح عنهم وقال بعضهم مكان نضالة بن ايوب عثمان بن عيسى وروى الكشي عن علي بن محمد عن احمد بن محمد بن يحيى عن احمد بن الحسين عن محمد بن جمهور عن احمد بن محمد قال اخذ القوم عثمان بن عيسى وكان يكون بمصر وكان عنده مال كثير وسبب

عه ذ ة المستبد بن بمال موسى ثم ذ ة المعتمد بن ذ ة جيش المستعلي بن كانفقاده ذ ة الدين ش

وقد اعتمد الجواري وقال العلامة في حسن والوجه
عند التوقف بما ينفرد به .

٢٧ عثمان بن مسلم بن زياد ابو سعيد القرشي الكوفي
اسند عنه ق تج

٢٨ عثمان بن مطر البصري ق تج

٢٩ عثمان بن مظعون روى الصدوق في الفقيه
عن الصادق عليه السلام ان رسول الله صلى الله
عليه وآله قبل عثمان بن مظعون بعد موته

٣٠ عثمان بن الوضاح الكوفي ق تج

٣١ عثمان بن يحيى بن سالم كوفي ق تج

١ عجلان ابو صالح الشكوني الازدي الكوفي ق تج

٢ عجلان ابو صالح الهذلي ق تج

٣ عجلان ابو صالح الحبتا الواسطي مولى بني هاشم ق تج

٤ عجلان ابو صالح روى الكشي عن محمد بن مسعود
قال سمعت علي بن الحسن بن علي بن فضال يقول
عجلان ابو صالح ثقة قال قال ابو عبد الله عليه السلام
كلف انظر البيت الي جنبي والناس يعرضون علي وذكره
ذم غير نوشئ ولعل الصواب ان يوثقه كما وثقه
العلامة قدس سره ويحتمل ان يكون عجلان هذا
احد المذكورين قبل هذا ان كانوا متعددين

العدا بن خالد تج ١

عدي بن جبير ق تج ١

عدي بن حاتم الطائي له ق تج قال الفضل بن
شاذان انه من الشاذين الذين رجعوا الى امير المؤمنين ٢
عليه السلام كش

عدي بن عميرة له تج ٣

عذافر بن حرقوفا البشكري كوفي ق تج ١

عذافر بن عيسى الخزاعي الصيرفي كوفي ق تج ٢

عرفجة بن ابي بردة اللبثي له تج ١

عرفطة الازدي وكان رسول الله دعا له فقال ١
اللهم بارك له في صفقته ق تج

عرفة بن يزيد الكوفي ق تج ٢

عروة الدهقان سيجيء بعنوان عروة بن يحيى الدهقان ١

عروة بن الشاعد ق تج ٢

عروة بن عبد الله بن بشير ابو مهل الجعفي الكوفي ٣
ق تج

عروة القناد روى الكشي عن محمد بن مسعود قال ٤
حدثني احمد بن منصور عن احمد بن الفضل الكاتب
قال قال ابو عبد الله اي شيء بلغني عنكم قلت
ما هو قال بلغني انكم ابعدتم فاضبا بالكاف قال
قلت ثم جعلت فداك رجل يقال له عروة القناد
وهو رجل لاحظ من عضل يجتمع عنده متكلمون وذلك

ثم يرد ذلك الكلام قال لا باس به وفي نسخة عروة بن الفتات
وفي نسخة عروة الفتات كما في كش ولعله الصواب

٥ عروة بن يحيى الدهقان روى الكشي حدثنا الشيخ رضي الله
محمد بن موسى الهمداني وحدثنا عن علي بن محمد بن قتيبة
عن ابي حامد احمد بن ابرهيم المراغي قال ابا محمد
لعن عروة بن يحيى الدهقان وامر شيعته بلعنه وقال
الشيخ في الرجال عروة بن يحيى الدهقان غال دي
ثم قال في هذا الباب ايضا عروة النخاس الدهقان ملعون
غال ثم قال عند ذكر اصحاب العسكر ان عروة الوكيل
وذكر الكشي عند ذكر اسحق بن اسمعيل النيشابوري
انه خرج لاسحق بن اسمعيل توقيع من ابي محمد عليه السلام ذكر
انه توقيع الى ان قال عليه السلام فاقره على الدهقان
وكيلنا وثقتنا والذي يقبض من موالينا الى آخر ما قال
الدهقان هذا هو عروة بن يحيى الدهقان والله اعلم

١ عريفا بن عطا بن ابي رباح قال الكشي عند ترجمة
عبد الله بن عطاء بن ابي رباح قال نضر بن الصباح
ولد عطاء بن ابي رباح تلميذ ابن عباس عبد الملك
وعبد الله وعريفا نجباء من اصحاب ابي جعفر وابي
عبد الله عليهما السلام

١ العزيز بن زهير احد كثير ذكر من اهل همذان في كل
جش عند ترجمة محمد بن علي بن ابرهيم

١ عطاء بن جبلة الكوفي اسند عنه ق ج

٢ عطاء بن رباح مخلط تي ج وفي نسخة عطاء بن ابي ربيحا
والغلط سهو كاتبه عليه ابن داود

٣ عطاء بن سالم الكوفي ابو جعفر ابو حماد اسند عنه
ق ج

٣ عطاء بن عامر العبد مولاهم الكوفي ق ج

٥ عطاء بن مسلم الحلبي ق ج

١ عطية بن الحرث ابو دوف الهمداني الكوفي ثابتي قال
ابن عقدة ان كان ممن يقول بولاية اهل البيت
عليهم السلام صه

٢ عطية بن ذكوان مجهول قر ج

٣ عطية بن رستم مجهول صا ج

٤ عطية بن عبيد والد علي بن عطية الكوفي ق ج

٥ عطية بن مجمع ابو المطهر الرازي ق ج

٦ عطية بن يعلى الكوفي ق ج

١ عفيف بن ابي عفيف تي ج

١ عقبة بن بشير الاسدي بن قر ق ج

٢ عقبة بن الحرث ل ج

٣ عقبة بن حوبزي ج

٤ عقبة بن حمران ق جش عند ترجمة اخيه

٥ عقبة بن خالد الاسدي كوفي قليل كتاب روى عنه
علي بن عقبة بن خالد جش وقال الكشي حدثني محمد بن
مسعود قال حدثني عبد الله بن محمد عن الوشا قال

حدثنا علی بن عقبة عن ابیه قال قلت لابی عبد الله
ان لنا خادما لا نعرف ما نحن علیه واذا اذنبت
ذنبا واردت ان نحلف بیمین قال لا وحق الله
اذا ذکرتموه بکتم قال فقال رحمکم الله من اهل البیت

٦ عقبة بن خالد الاشعری الفاط کوفی ق ج
٧ عقبة بن رستم ضا ج
٨ عقبة بن سمعان ت ب ج
٩ عقبة بن شبیب یکنی ابا شبیب الاسکاف ق ج
١٠ عقبة بن صالح بن عقبة ابو صالح الخراسانی ق ج
١١ عقبة بن الصامت ی ج
١٢ عقبة بن عامر ی ج
١٣ عقبة بن عباس الجهنی ل ج
١٤ عقبة بن عمرو ابو مسعود ل ی ج
١٥ عقبة بن عمرو الانصاری صاحب رسول الله
وخلیفته علی الکوفة ج عند ذکر اصحاب امیر المؤمنین
علیه السلام وفی صه عقبة بن عمرو الانصاری
صاحب رسول الله وخلیفته علی علی الکوفة
١٦ عقبة بن فیس مجهول ق ج
١٧ عقبة بن فیس والد صالح بن عقبة کوفی ق ج
١٨ عقبة بن محرز الجعفی کوفی مولی واخوه عبد الله
روی عن الصادق ع وروی عبد الله عن الباقر
علیه السلام لعقبة کذا روی ابن ابی عمیر عنه تخ له

کذا روی عمر الحسن بن محمد بن سماعة ست
عقیصا یکنی ابا سعید ست بن ج وفی اخر الباب ١
الاول من صه عند ذکر اصحاب امیر المؤمنین
علیه السلام ابو سعید عقیصا ان بالنون و
لعله سهو کما یظهر من القاموس ابن حبیب قال
عقیصا مقصور الف ابی سعید البتی الباقی
العقیلی وروی الکشی بطریق موسل عن فرات ١
بن احنف انه من اصحاب امیر المؤمنین علیه السلام
وکان خمارا ولکنه یروی الحدیث کما سمع
عقیل بن ابی طالب ی ج معظم د ١
عقیل الخزاعی ی ج ٢
عقیل بن صالح بن هیثم ق ج ٣
عکرمة بن ابرهیم الازدی اصله کوفی ق ج ١
عکرمة بن بزید البجلی الکوفی ق ج ٢
عکرمة مولی ابن عباس قال الکشی حدثنا محمد بن ٣
مسعود قال حدثنی ابن ازداد بن المغیرة قال حدثنی
الفضل بن شاذان عن ابن ابی عمیر عن حماد بن عیسی
عن حریز عن زرارة قال قال ابو جعفر علیه السلام
لو ادرک عکرمة عند الموت لنفعته بقل لا الی عبد
الله بم تنفعه قال کان یقفه ما انتم علیه فلم
یذکره ابو جعفر ولم ینفعه وقال العلامة فی صه
لیس علی طریقتنا ولا من اصحابنا

١ العلاء بن ابى العلاء الكوفى ق تج

٢ العلاء بن الاسود بن عمارة الاسدى الكوفى ق تج

٣ العلاء بن الحذاء مولى قطن ق تج

٤ العلاء بن حذيفة الهمدانى الكوفى ق تج

٥ العلاء بن الحسن الكوفى ق تج

٦ العلاء بن الحسين ق تج

٧ العلاء بن رزين الفلاقسى مولى قال ابن فضال وقال ابن عبدة الناسب مولى بكر كان يقلى السوبى ق وصحب محمد بن سلم ونقله عليه وكان ثقة وجها والهلال بن العلاء روى عنه وعبد الملك بن محمد بن العلاء الكبير روى عنه الحسن جش جليل القدر ثقة له كتاب وهو اربع نسخ منها رواية الحسن بن محبوب ومنها رواية محمد بن خالد الطيالسى ومنها رواية محمد بن ابى الصهبان ومنها رواية الحسن بن على بن فضال وقال ابن بطة العلاء بن رزين اكثر رواية من صفوان بن يحيى تج

٨ العلاء بن سويد القزاز الكوفى ق تج

٩ العلاء بن سيابر الكوفى ق تج

١٠ العلاء بن عاصم الاسدى الكوفى ابو حماد ق تج

١١ العلاء بن عازب الطائى الكوفى ق تج

١٢ العلاء بن عمرو ى تج

١٣ العلاء بن الفضيل بن دبا ابو القاسم الهذلى مولى تج ثقة له كتاب روى عنه محمد بن سنان جش تج

١٤ العلاء بن كامل بياع الشاذكونى ق تج

١٥ العلاء بن المسيب بن رافع الكاهلى الكوفى ابو نظر ق تج

١٦ العلاء بن المقعد كذا كوفى ثقة له كتاب يرويه عنا منهم محمد بن ابى عبد جش وفى ست ضح قال العلاء بن المقعد ولعله الصواب

١٧ العلاء بن مهاجر البجلى الكوفى ق تج

١٨ العلاء بن يحيى المكفوف كوفى ثقة له كتاب يرويه جماعة منهم على بن الحسن الطاطرى جش

١٩ العلاء بن يزيد الفرشى الكوفى ق تج

١ علبا بن ذراع الاسدى قال الكشى حدثنى محمد بن مسعود قال حدثنى احمد بن منصور قال حدثنى قال حدثنى احمد بن الفضل عن ابن بكير عن شعيب العقرقوفى عن ابى بصير قال حضرت يعنى علبا الاسدى عند موته فقال لى ان ابا جعفر قد ضمن لى الجنة فاذكره ذلك فقال دخلت على ابى جعفر فقال لى حضرت علبا عند موته فقال نعم فاخبرنى انك ضمنت له الجنة وسالنى ان اذكرك ذلك قال صدق فكبت ثم قلت جعلت فداك الشئ الكبير الستر الصغير البصر فاضمنها لى قال قد فعلت قلت فاضمنها لى على اياتك وسمتهم واحدا واحدا قال قد فعلت قلت فاضمنها لى على رسول الله قال قد

قلت ثم روى الكشي عن محمد بن مسعود قال حدثني ابو هيثم بن محمد بن فارس عن يعقوب بن يزيد عن ابن ابي عمير عن شهاب بن عبد ربه عن ابي بصير عن الصادق عليه السلام وقيل

١ علقمة بن قيس مثل يصفين بن حج قال الفضل بن شاذان انه من اثنا عشر الكبار وروساتهم ورفقا كذا ثم روى الكشي انه كان فقيها في دينه فاذبا لكتاب الله عالما بالفرائض يشهد صفين واصيبت احدى رجليه فعرج منها

٢ علقمة بن محمد الحضرمي الكوفي اخو ابي بكر الحضرمي قرن حج

١ علوان بن داود الشامي قرن حج

١ علي بن ابرهيم الخياط روى عنه اصولا ثانية سنة سبع ومائتين وصلى عليه ابرهيم بن محمد المكتوب في عنده مسجد الشهلة ثم حج

٢ علي بن ابرهيم بن محمد بن الحسن بن محمد بن عبيد الله بن الحسين بن علي بن ابي طالب ابو الحسن الجواني نقله صحيح الحديث له كتاب صاحب فخ وكتاب اخبار يحيى بن عبد الله بن الحسن روى عنه ابو الفرج علي بن الحسين الاصفهاني جش وقال الكشي الجواني من اصحاب الرضا عليه السلام قال حمدويه وابرهيم حدثنا ابو جعفر محمد بن عيسى قال كان الجواني خرج مع ابي الحسن عليه السلام الى خراسان وكان من فرائضه

٢ علي بن ابرهيم بن محمد الهمداني يكنى بعنوان علي بن محمد بن ابرهيم

٤ علي بن ابرهيم بن هاشم القمي ابو الحسن الفقيه ثقة في الحديث ثبت معتمد صحيح المذهب سمع فاكثر وصنف كتبا واشتهر في وسطه وجش له كتب روى عنه علي بن الحسين وابو محمد الحسن بن حمزة العلوي الطبري ومحمد بن علي ماجيلويه ست وهذا هو الذي روى عنه محمد بن يعقوب الكليني كثيرا كما يظهر من تتبع الاخبار

٥ علي بن ابرهيم الوزان الزاري رضي الله عنه كذا قال الصدوق في عيون الاخبار باسناده رحمه الله من تلاميذ سعد بن عبد الله رضي الله عنه

٦ علي بن ابرهيم الهمداني دتي حج وكانه المذكور بعنوان علي بن ابرهيم بن محمد

٧ علي بن ابرهيم بن يعلى له كتاب ذكره ابن النديم

٨ علي بن ابي ثور كوفي ضا حج

٩ علي بن ابي حمزة كوفي ثقة له كتاب روى عنه الحسن بن محمد بن سماعة حبش

١٠ علي بن ابي حمزة واسم ابي حمزة سالم البطائني ابو الحسن مولى الانصار كوفي وكان فطحيا بصير يجب بن القاسم وله اخ يبقى جعفر بن ابي حمزة م ق ثم وقف وهو احد عمد الواقفة وصنف كذا روى عنه محمد بن زياد وابن ابي عمير واحمد بن الحسن الميثمي جش

في حقه ينبغي ان عبيد الله والحسين ابن علي وكانه سقط من النساخ كما يظهر من رجال الشيخ في باب من لم يرو عن الائمة عليهم السلام عند ترجمة ابنه احمد بن علي بن ابرهيم منه

واقفي المذهب اصل روى عنه ابن ابي عمير وصفوان بن يحيى
ست واقفي ق م ج لعنه الله اصل الوقف واشد الخلق
عداوة للولي من بعد ابي ابرهيم ص عن ابن الغضائري
وقال الشيخ في الرجال عند ترجمة القاسم بن محمد الجوهري
انه روى عن علي بن ابي حمزة البطائني قال الكشي قال
محمد بن مسعود حدثني علي بن الحسن قال حدثنا ابو داود
المسترق عن علي بن ابي حمزة قال قال ابو الحسن موسى
يا علي انت واصحابك شبه الحمر قال ابن مسعود قال
ابو الحسن علي بن الحسن فضال علي بن ابي حمزة كذا
متهم روى اصحابنا ان ابا الحسن الرضا عليه السلام
قال بعد موت ابن ابي حمزة انه افتد في قبره فسئل عن
الائمة عليهم السلام فاخبر بامامتهم حتى انتهى الى
فسئل فوقف فضرب على راسه ضربة اسئل قبره فاذا
علي[11] بن ابي حمزة الثمالي والحسين بن ابي حمزة ومحمد اخوه
وابنه فقال كلهم ثقات فاضلون وقال العلامة في نصه
ليس هو علي بن ابي حمزة البطائني لان علي بن ابي حمزة
البطائني ضعيف جدا
علي[12] بن ابي راشد له كتاب صغير روى عنه يحيى بن زكريا
اللؤلؤي جش
علي[13] بن ابي رافع تابعي ومن خيار الشيعة كان له صحبة
مع امير المؤمنين عليه السلام وكان كاتبا للرسه
علي[14] بن ابي سهل حاتم بن ابي حاتم الفرويني ابو الحسن

ثقة من اصحابنا في نفسه يروي عن الضعفاء سمع فاكثر
وصنف كتبا اخبرنا ابو عبد الله بن شاذان قال
حدثنا ابو الحسن علي بن حاتم بكتبه جش علي بن حاتم
الفرويني له كتب كثيرة جيدة معتمدة روى عنه الحسين بن
علي بن شيبان الفرويني ست لم يج وذكره في باب
الثقات ولم يوثقه وذكره في باب الضعفاء ويوثقه
علي بن ابي شجرة يحيى بن علي بن شجرة [15]
علي بن ابي شعبة الحلبي وثقه النجاشي عند ترجمة ابنه [16]
عبيد الله
علي بن ابي شعيب المدائني له كتاب صغير روى عنه يحيى [17]
بن زكريا اللؤلؤي جش
علي بن ابي صالح واسم ابي صالح محمد يلقب برزج [18]
يكنى ابا الحسن كوفي خياط ولم يكن بذاك في المذهب
والحديث والى الضعف ما هو وقال احمد في مسنده
سمعت منه كتبا وليس اعلم بهذا الكتاب له او رواها
من الرجال جش علي بن برزج يكنى ابا الحسن روى
عنه احمد لم يج
علي بن ابي العلاء واخوه الحسين وعبد الحميد روى [19]
الجميع عن الصادق عليه السلام وكان الحسين وجيها
جش عند ذكر الحسين بن ابي العلاء
علي بن ابي علي الشامي ق يج [20]
علي بن ابي علي اللهبي المدني يج [21]

[11] قال الكشي سالت ابا الحسن محمد بن مسعود عن علي بن ابي حمزة الثمالي

٢٢ علي بن ابي القاسم عبد الله بن عزيز ان ابو المفرج ابوه بما جيلويه يكنى ابا الحسن ثقه فاضل فقيه ادب راى احمد بن محمد البرقي وتاديب عليه وهو ابن بنيه صنف كتابا حسنا وفيه قد على بن محمد بن ابي القاسم الى اخره ولعله الصواب كما يظهر من النجاشي عند ترجمة محمد بن ابي القاسم المعاصر ما جيلويه ويروي محمد بن علي بن بابويه كثيرا عن محمد بن علي ما جيلويه عن عمه محمد بن ابي القاسم فكان ما جيلويه لقبا والله اعلم

٢٣ علي بن ابي فرة يكنى ابا الحسن ذكر في ج

٢٤ علي بن ابي المغيرة ثقه صدوق وكانهما اخذا توثيقه من كلام النجاشي عند ترجمة الحسن بن علي بن ابي المغيرة حيث قال الحسن بن علي بن ابي المغيرة الزبيدي الكوفي ثقة هو وابوه روى عن ابينا والصادق عليهما السلام وهو بر وكتاب ابيه وله كتاب مفرد روى عنه سعيد بن صالح الهمداني هذه العبارة ليست نصا في توثيقه ولم اجد في كتب الرجال ما يدل على توثيقه وقال الشيخ في الرجال علي ابي المغيرة الزبيدي اسند عنه فرق ولم يذكر الحسن في اصحابهما عليهما السلام وهذا يدل على ان ثقة صفة الحسن لا له

٢٥ علي بن ابي نصر كوفي كان وزير المهدي ذكر في ج

٢٦ علي بن احمد ابو القاسم الكوفي رجل من اهل الكوفة كان يقول انه من آل ابي طالب غلا في آخر عمره وفسد مذهبه وصنف كتبا كثيرة اكثرها على الفساد وهذا الرجل ادعى الغلاة منازل عظيمة جدا كان اماما مستقيم الطريقة وصنف كتبا كثيرة جيدة ثم خلط واظهر مذهب الخمسة وصنف كتبا في الغلو والتخليط وله مقالة تنسب الى ستة المدعى العلوية كذا قال صاحب بدعه ومقالة رايت لهم كتبا كثيرة لا بلغت انه عرض محمد بن كرم ج والخمسة طائفة من الغلاة يقولون ان سلمان والمقداد وعمارا وابا ذر وعمرو بن امية الضمري هم الموكلون بمصالح العالم نقلا عن ذلك علو كبيرا

٢٧ علي بن احمد بن بشير مجهول ضاج

٢٨ علي بن احمد بن الحسين الطبري الاملي ابو الحسن شيخ كثير الحديث من اصحابنا ثقة له من الكتب كتاب ثواب الاعمال روى عنه علي بن عبد الله الموصلي جش

٢٩ علي بن احمد بن رستم ضاج

٣٠ علي بن احمد العقيقي روى عنه ابن اخي طاهر مخلط لم ج العلوي له كتب روى عنه ابو محمد الحسن بن حمزة بن بجح قال ابن عبدون في احاديث العقيقي مناكير ست

٣١ علي بن احمد بن علي الخزاز نزيل الري يكنى ابا الحسن متكلم جليل لم ج

٣٢ علي بن احمد بن محمد بن ابي جيد يكنى ابا الحسن جش عند
ترجمة الحسين بن الحضار وهو من شايخ الشيخ النجاشي

٣٣ علي بن احمد بن نصر البندنيجي ابو الحسن سكن ارمله
ضعيف متهافت لا يلتفت اليه غض

٣٥ علي بن اسباط بن سالم شباع الوطي ابو الحسن المقرى كوفي
ثقه وكان فطحيا جرى بينه وبين علي بن مهزيار ردود وسئل
في ذلك رجعوا فيها الى ابي جعفر الثاني ثم رجع علي بن اسباط
عن ذلك القول وتركه وقد روى عن الرضا عليه السلام
من قبل ذلك وكان وثيقا ثقة من اصدقهم لهجة كذا قال
عنه محمد بن ابو يعقوب البلدي وقال احمد بن يوسف بن جزء
بن زياد الجعفي وعلي بن الحسن بن فضال واحمد بن هلال
جش له اصل ورواياته روى عنه موسى بن الحسن الثقفي
ومحمد بن الحسين بن ابي الخطاب ست وقال الكشي كان
علي بن اسباط فطحيا ولعلي بن مهزيار اليه رسالة في
النفض عليه مقدار جزء صغير قال لو افلم ينجح ذلك فيه
ومات على مذهبه وقال العلامة بعد نقل كلام النجاشي
والكشي فانا اعتمد على روايته

٣٦ علي بن اسحق بن عبد الله بن سعد الاشعري ثقه
ابو الحسن روى عنه احمد بن محمد بن خالد البرقي جش لم يوثق

٣٧ علي بن اسمعيل الدقاق ذاهد خير فاضل من
اصحاب العسكري ثني لم يوثق

٣٨ علي بن اسمعيل من اصحاب الرضا عليه السلام قال فضل

بن الصباح علي بن اسمعيل ثقه وهو علي بن السندي
تلقب اسمعيل بالسندكش وكانه كان في نسخة العلامة
من الكشي تلقب اسمعيل بالبرقاوردوه في علي بن الحسن
الكوفي وهو مذكور في الكشي في رجال الصادق عليه السلام
وهذا في رجال الرضا عليه السلام

٣٩ علي بن اسمعيل بن شعيب بن ميثم بن يحيى التمار ابو الحسن
مولى بني اسد كوفي سكن البصرة وكان من وجوه المتكلمين
من اصحابنا كلم ابا الهذيل والنظام لم يجالس وكتبه في
كتاب الامامة وكتاب الطلاق وكتاب النكاح كتاب مجالس شاذان
بن الحكم كتاب المنعة جش علي بن اسمعيل بن ميثم التمار وميثم
من اجلة اصحاب امير المؤمنين عليه السلام وعلى هذا اول من
تكلم على مذهب الامامية وصنف كتابا في الامامة
سماه الكامل وله كتاب الاستحقاق ست المشهور متكلم
ضا نجاشي

٤٠ علي بن اسمعيل بن عامر ابو عمر نجاشي

٤١ علي بن اسمعيل بن عمار وبشر بن اسمعيل بن عمار
كانا من وجوه من روى الحديث جش عند ترجمة ابيهما عمار

٤٢ علي بن اسود الكوفي ق نجاشي

٤٣ علي بن بحر بن عقيل كوفي ق نجاشي

٤٤ علي بن بزيع ذكرناه بعنوان علي بن ابي صالح

٤٥ علي بن بشير وثقه النجاشي عند ترجمة اخيه عمر

٤٦ علي بن بكير بن عبد الله الكوفي ق نجاشي

+ موسى من مشايخ الشيخ محمد بن علي بن الحسين بن بابويه في الفقيه في عدة مواضع ٣٤ علي بن احمد بن محمد

٤٧ علي بن بلال بن ابي معاوية ابو الحسن البجلي الازدي شيخ اصحابنا بالبصرة ثقة يقع الحديث فاكثر ووصف كتبا الجزنا بكتبة محمد بن همام واحمد بن علي بن نوح جش روى عنه ابن خاشر لم يج ووثقه الكل ثقة كان ثقة النجاشي ولم يوثقه د والوجه غير ظاهر

٤٨ علي بن بلال بغدادي انتقل الى واسط ذكر له كتاب روى عنه محمد بن احمد بن ابي قتادة ومحمد بن احمد بن يحيى جش بغدادي ثقة يكنى ابا الحسن ذكر ج

٤٩ علي بن ثابت بن ج

٥٠ علي بن جعفر بن محمد بن علي بن الحسين ابو الحسن العمري من نواحي المدينة ينسب ولده اليها له كتاب روى عنه علي بن اسباط بن سالم جش جليل القدر ثقة له كتاب المناسك لاخيه موسى بن جعفر مسائله عنها روى عنه العمركي الخواساني ابو نوفلي وموسى بن القاسم البجلي بتيعلي بن جعفر ثم اخوه له كتاب مسائله عنه روى عن اخيه ج ثم قال علي بن جعفر بن محمد ضاعه له كتاب ثقة روى الكشي ما يدل على علو مرتبته وجلالة قدره وذكره د من غير توثيق والوجه غير ظاهر ووثقه العلامة قدس سره

٥١ علي بن جعفر وكل ثقة روى ج ثم قال ثم لابي الحسن ثقة كر وروى الكشي ما يدل على جلالة قدره وعلو مرتبته وقال انه كان رجلا من اهل همنا قرية من سواد بغداد وذكره العلامة في صدر ترجمة

٥٢ علي بن جعفر بن العباس الخزاعي واقفي مر وروى كر ج

٥٣ علي بن جعفر الهمداني ابو الحسن في ضعيف عض وفي صدر الهمزاني

٥٤ علي بن جعفر الهمداني البرمكي يعرف منه وينكر له مسائل لابي الحسن العسكري روى عنه احمد بن محمد الطبري جش وفي د الهماني منسوب الى همنا قرية من سواد بغداد فيحتمل ان يكون هذا هو المذكور بعنوان علي بن جعفر الوكيل

٥٥ علي بن جندب له كتاب روى عنه حديث كر في لم يج

٥٦ علي بن حاتم ذكرناه بعنوان علي بن ابي سهل

٥٧ علي بن حامد المكفوف كش لا باس به د ولم يجد في الكشي وغيره نعم علي بن خليد مذكور بهذا الوصف كما سيجيء

٥٨ علي بن حبشي بن نوفي له كتاب الهدايا اخبرنا احمد بن عبدون عن علي بن حبشي بتمامه الكاتب خاصي روى عنه النعماني لم يج

٥٩ علي بن حديد بن حكيم كوفي مولى الازد وكان منزله ومنشاه بالمدائن ضا ج علي بن حديد بن حكيم المدائني الازدي السابا طي له كتاب روى عنه علي بن فضال جش له كتاب روى عنه ابو محمد عيسى بن

محمد بن ابو ب الاشعري ست قال نصر بن الصباح علي بن
حديد بن حكيم ظني من اهل الكوفة وكان قد ادرك ابا
كش وروى الكشي انه بطري ضعيف عند نرجمة
هشام بن الحكم عن ابي جعفر الثاني انه قال لابو علي
بن راشد جعلت فداك قد اختلف اصحابنا فاصلي
خلف ايهما هشام بن الحكم قال عليك بعلي بن حديد
قلت فاخذ هو له فقال نعم فلعلت علي بن حديد فقلت
له يصلي خلف اصحابنا هشام بن الحكم قال لا ثم روى الكشي
عند نرجمة يونس بن عبد الرحمن بطري ضعيف عن ابي
الحسن مثله وقال الشيخ في التهذيب في باب الربا انه
علي بن حديد ضعيف جدا لا يعول على ما ينفرد
بنقله وكذا في الاستبصار وفي باب النهي عن بيع
الذهب بالفضة نسيئة وكذا في باب المياه

٦٠ علي بن حزور الكاهلي قال محمد بن مسعود سالت علي
بن الحسين بن فضال عن علي بن حزور قال كان يقول
بمحمد بن الحنفية انه من رواة الناس كش

٦١ علي بن حسان الواسطي ابو الحسن البصري المعروف
بالمفسر عمر الكوفة ومات بسنة وكان لابا سن وقد ترك
روى عنه محمد بن الحسن اصفار جش له كتاب روى عنه
احمد بن ابي عبد الله ست وقال الكشي قال محمد بن مسعود
سالت علي بن الحسين بن علي بن فضال عن علي بن
حسان قال ابنهما سالت اما الواسطي فهو ثقة والذي عندنا

روى عن عمه عبد الرحمن بن كثير عن ابي عبد الله ع ثقة

روى علي بن حسان في باب نقد الكبار عن
عمه بن حسان الواسطي عن عبد الرحمن عن
عبد الرحمن بن كثير عن ابي
عبد الله ع ثقة

روى عن عمه عبد الرحمن بن كثير فهو كذاب هو واقفي انه
لم يدرك ابا الحسن موسى ع وقال ابن الغضائري
علي بن حسان بن كثير مولى بجعفي الفارسي ابو الحسن
روى عن عمه عبد الرحمن قال ضعيف ولا يروي
الا عن عمه ومن اصحابنا علي بن حسان الواسطي ثقة
وقال العلامة في حقه ذكر ابن بابويه في اسناده الى
عبد الرحمن بن كثير الهاشمي رواية عن محمد بن الحسن
عن علي بن حسان الواسطي عن عمه عبد الرحمن بن كثير الهاشمي
وهو يعطي ان الواسطي هو ابن اخي عبد الرحمن وانه
سهو من قلم الشيخ ابن بابويه او النساخ

٦٢ علي بن حسان بن كثير الهاشمي مولى عباس بن محمد بن
علي بن عبد الله بن العباس ضعيف جدا ذكره بعض
اصحابنا في الغلاة فاسد الاعتقاد له كتاب مفسر
الباطن مخلط كله جش له كتاب روى الحسن بن علي
الكوفي عنه عن عمه عبد الرحمن بن كثير ست وذكرنا
بعض احواله قبيل هذا

٦٣ علي بن حسكة من الغلاة في وقت علي بن محمد
العسكري عليه السلام كش

٦٤ علي بن الحسن الهاشمي روى عن اخيه احمد بن الحسن
وروى عنه احمد بن محمد كذا بخط مير من باب ميراث
اهل الملل المخالفة من التهذيب والظاهر المذكور
من قبل بعنوان علي بن اسمعيل بن شعيب بن ميثم

كما يظهر من ترجمة احمد بن الحسن بن اسمعيل البيهقي

٦٥ علي بن الحسن البصري له كتاب روى عنه احمد بن ابي عبد الله ست جش .

٦٦ علي بن الحسن بن الحجاج كوفي خاصي يكنى ابا الحسن روى عنه الناعكبري لم ج

٦٧ علي بن الحسن الجلادي ابو الحسن صاحب الفضل بن شاذان لم ج وكانه الذي يسمى بعنوان علي بن محمد بن جعفر

٦٨ علي بن الحسن بن رباط البجلي ابو الحسن كوفي ثقه معول عليه قال الكشي انه من اصحاب الرضا له كتاب الصلوة روى عنه الحسن بن محمد بن سماعة الحضرمي جش له كتاب روى عنه الحسين بن محبوب ست

٦٩ علي بن الحسن الصفار ذكره ابن بطه وقال احمد بن كتاب الصفار عن احمد بن محمد عن محمد بن ابي عمير عنه جش

٧٠ علي بن الحسن العبدكاني كوفي ج

٧١ علي بن الحسن بن علي بن فضال بن عمر بن ايمن بن عكرمة بن ربعي الفياض ابو الحسن كان فقيها اصحابنا بالكوفة ووجههم وثقتهم وعارفهم بالحديث المسموع فوله فيه يسمع منه شيئا كثيرا ولم يعتمد له على رواية فيه ولا ما يشبهه وقال ما روى عن ضعيف وكان فطحيا ولم يرو عن ابيه شيئا وقال كنت افاوله وسني ثمانية عشر سنة يكتبه ولا افهم اذ ذاك الروايات ولا استحل ان اروي بها عنه وروى عن اخويه عن ابيهما وقد صنف كتبا كثيرة روى عنه احمد بن محمد بن سعيد وابن الزبير جش علي بن الحسن بن فضال فطحي المذهب كوفي ثقه كثير العلم واسع الرواية جيد التصانيف غير معاند وكان قريب الامر الى اصحابنا الامامية الفا بلغن بالاثني عشر وكتبه في الفقه مستوفاة في الاخبار حسنة وقيل انهما ثلثون كتابا روى عنه علي بن محمد بن الزبير ست دتي كر ج قال احمد بن سعود ما لقيت بمن لقيت بعراق وناحيتها خراسانا افقه ولا افضل من علي بن الحسن ولم يكن كتاب عن الائمة من كل صنف الا وقد كان عنده وكان احفظ الناس غير انه كان فطحيا يقول بعبد الله بن جعفر ثم بابي الحسن موسى وكان من الثقات كش وذكره ثمة من غير توثيق والوجه غير ظاهر وقال العلامة قدس سره في ترجمة اثنى عليه محمد بن مسعود كثيرا وقال انه ثقه وكذا شهد له بالثقة الشيخ الطوسي والنجاشي فانا اعتمد على روايته وان كان مذهبه فاسدا

٧٢ علي بن الحسن بن القاسم الطبري الخزاز الكوفي المعروف بابن الطبال يكنى ابا القاسم روى عنه الناعكبري لم ج

٧٣ علي بن الحسن بن محمد الطائي الجرمي المعروف

بالطاطري وانما سمي بذلك لبيعه ثيابا بها قال له الطاطري
يكنى ابا الحسن وكان فقيها فقيه في حديثه وكان من
وجوه الواقفية وشيوخهم وهو استاذ الحسن بن محمد
بن سماعة الصغير ومنه تعلم وكان بشر كثير في كثير من الرجال
ولا يروي الحسن عن علي شيئا بل منه تعلم المذهب لكنه
روى عنه محمد بن احمد بن ثابت واحمد بن عمرو بن كيسبة
ومحمد بن غالب جش علي بن الحسن الطاطري الكوفي
كان واقفيا شديد العناد في مذهبه صعب العصبية
على من خالفه من الامامية وله كتب كثيرة في نصرة مذهبه
وله كتب في الفقه روى عنه علي بن الحسن بن فضال
وابو الملك احمد بن عمر بن ثابت واقفي ثم حج وذكره ذ
من غير توثيق والوجه غير ظاهر وقفه العلامة كما وقفه
النجاشي وقال الشيخ قدس سره في عدة مواضع من التهذيب
في اثناء الاسناد على الجزم عنهما عن ابن مسكان الى
اخره وكان مرجع الضمير محمد بن ابي حمزة ود دست بن
ابي منصور اذ صرح باسمهما في بيان مسئلة اذا اجتمع
رجال مختلفون على قتل صيد واحد وكذا صرح باسمهما
بعد هذه بصفحتين حيث قال علي الجزم عن محمد بن ابي حمزة
ود دست عن ابن مسكان الى اخره

٧٤ علي بن حسنويه الكرماني من تلامذة الجليل محمد بن
مسعود العياشي لم حج وفي ذ في موضع الكرماني الرماني
وهو اشتباه

٧٥ علي بن الحسين الاصغر بن الحسين ولده قتل مع عمه الحسين
بفخ في فرق حج وقال ابن طاوس رحمه الله في ربيع
الشعبان علي بن الحسين الاكبر بن العابد بن ع
امه شاه زنان بنت كسرى يزدجرد بن شهريار وعلي
الاصغر قتل مع ابيه والناس يغلطون انه علي الاكبر
وعبد الله قتل مع ابيه صغيرا وهو في حجر ابيه وقال المفيد
في ارشاده مثل اقوال ابن طاوس وقال الشهيد رحمه الله في
كتاب المزار من لدردوس انه الاكبر على الاصح انتهى ولعل
الصواب ما قاله الشيخ الطوسي وابن طاوس رحمهما الله
لان في فضيحة كربلا على ما يظهر من كتب التواريخ سن
علي بن الحسين المقتول مع ابيه عليهما السلام ثمانية
عشر وفي ذلك الوقت محمد بن علي الباقر عليهما السلام
ابن اربع سنين فيكون الاقرب سن ابيه مع بلوغه مدة
الحمل ومدة عمر والده عشرين سنة على ما هو المتعارف
فيكون الاكبر علي بن الحسين زين العابدين بن علية
السلام ولان علي بن الحسين زين العابدين بن علية
السلام ولد في سنة ثلث وثلثين من الهجرة وقضية
كربلا في سنة احدى وستين من الهجرة فيكون سنه
في ذلك الوقت ثمانية وعشرين وسن علي المقتول
مع ابيه عليهما السلام ثمانية عشر

٧٦ علي بن الحسين الهمداني ادبي روى عنه الكليني روى
عنه الزراري وكان معلما لم خ

٧٧ علي بن الحسين بن عبد الله بن عبد ربه روى حج وقال الكشي قال
محمد بن مسعود حدثنا محمد بن بصير قال حدثنا الحسن
بن محمد بن عيسى قال كتب الي علي بن الحسين بن عبد
ربه يسأله الدعاء في زيادة عمره حتى يرى ما يحب فكتب
اليه في جوابه نصير الى رحمه الله خبر لك فتوفي الرجل
بالحزيمية وصرح الكشي ايضا عند ترجمة ابي علي بن راشد
وغيره بانه وكيل الرجل قبل ابي علي بن راشد وذكره
العلامة قدس سره بعنوان علي بن الحسين بن عبد
الله ولم يذكر انه وكيل وذكرا باه بعنوان الحسين بن
عبد ربه ونقل عن الكشي انه وكيل مع انه ليس في الكشي
انه وكيل نعم وجدنا في بعض النسخ عند ترجمة ابي علي بن بلال
وابي علي بن راشد في توقيع هكذا اذا فمت فابا علي
مقام الحسين بن عبد ربه وكانه توهم من قلم الناسخ اذ
قال بعده اذا فمت فابا علي بن راشد مقام علي بن
الحسين بن عبد ربه وقال الكشي عند ترجمة علي بن
الحسين بن عبد ربه انه وكيل الرجل قبل ابي علي بن راشد

٧٨ علي بن الحسين بن علي يكنى ابا الحسن بن ابي طاهر عليه السلام
من اهل بمرفند ثقة وكيل روى عن جعفر بن محمد بن
مالك وعن ابي الحسين الاسدي لم ار حج وفي كتب الفهرست
والرجال روى عن ابي جعفر الاسدي وجعفر بن محمد
بن مالك

٧٩ علي بن الحسين بن علي بن الحسين بن علي بن ابي

ويمكن ان يكون علي بن الحسين هذا وعلي بن احمد بن اسين الطبري المذكور بندرا واحدا

طالب عليه السلام فحج وقال ذو معظم

٨٠ علي بن الحسين بن علي المسعودي ابو الحسن الهذلي
له كتب منها كتاب اثبات الوصية لعلي ابن ابي طالب عليه
السلام وكتاب مروج الذهب جش

٨١ علي بن الحسين بن موسى بن بابويه القمي ابو الحسن شيخ
القميين في عصره ومنقدهم ووجههم وفقيههم كان قدم
العراق واجتمع مع ابي القاسم الحسين بن روح رحمه الله
وسأله مسائل ثم كاتبه بعد ذلك على يد علي بن
جعفر بن الاسود بالدعاء بوصل وانفذ الى الصاحب
يسأله فيها الولد فكتب اليه رزقك الله ولدا ذكرا
وسترزق ولدين ذكرين خيرين فولد له ابو جعفر و
ابو عبد الله من ام ولد وكان ابو عبد الله الحسين بن
عبد الله يقول سمعت ابا جعفر يقول انا ولدت
بدعوة صاحب الامر عليه السلام ويفتخر بذلك
له كتب اخبرنا ابو الحسن العباس بن عمر بن العباس بن
محمد بن عبد الملك بن ابي مروان الكلوذاني رحمه
الله قال اخذنا اجازة علي بن الحسين بن بابويه
لما قدم بغداد سنة ثمان وعشرين وثلثمائة
بجميع كتبه وقال علي بن الحسين سنة تسع وعشرين
وثلثمائة وهي السنة التي تاثرت فيها النجوم وقال
جماعة من اصحابنا سمعنا اصحابنا يقولون كان عند
ابي الحسن علي بن محمد السمري رحمه الله فقال رحم الله

علي بن الحسين بن بابويه فضل له هو حي فقال انه مات
في يومنا هذا فكتب اليوم فجاء الخبر بانه مات فيه وكان
كان فقيها جليلا ثقة له كتب كثيرة روى عنه ابنه محمد
بن علي ست ثقة له تصانيف روى عنه التلعكبري
الخ

٨٢ علي بن الحسين بن موسى بن محمد بن موسى بن
ابرهيم بن موسى بن جعفر بن محمد بن علي بن الحسين
بن علي بن ابي طالب عليه السلام ابو القاسم المرتضى
خاذ من العلوم مالم يدانه فيه احد في زمانه وسمع من
الحديث فاكثر وكان متكلما شاعرا اديبا اعظم الناس
في العلم والدين والدنيا صنف كتابا مات رضي
الله عنه لخمس بقين من شهر ربيع الاول سنة ست
وثلثين واربعمائة وصلى عليه ابنه في داره و
دفن فيها ونولب غسله ومعلى الشريف ابو يعلى
محمد بن الحسن الجعفري وسلار بن عبد العزيز بن الحسن
ابو القاسم المرتضى الاجل علم الهدى منفرد في علوم
كثيرة مجمع على فضله مقدم في علوم مثل علم الكلام
والفقه واصول الفقه والادب والنحو والشعر و
معاني الشعر واللغة وغير ذلك وله ديوان شعر يزيد
على عشرين الف بيت وله من التصانيف ومسائل
البلدان شئ كثير توفي رحمه الله في شهر ربيع الاول
سنة ست وثلثين واربعمائة وكان مولده في رجب سنة

خمس وخمسين وثلثمائة وسنه يومئذ ثمانون سنة و
ثمانية اشهر وايام نضر الله وجهه فرات هذا الكتاب
اكثره عليه وسمعت سائر بعضها بقراءته عليه دفعات
كثيرة سنا ابو القاسم الملقب بالمرتضى ذي المجدين
علم الهدى ادام الله ايامه اكثر افاضل زمانه ادبا وفضلا
متكلم فقيه جامع العلوم كلها مد الله في عمره روى عن
التلعكبري والحسين بن علي بن بابويه وغيرهم من
شيوخنا الرضا تصانيف كثيرة ذكرنا بعضها في الفهرست
وسمعنا اكثر كتبه وقرانا عليه الخ

علي بن الحسين الهمذاني ثقة روى حج وفي صدانه
من اجمعا الجواد وفي دانه من اجمعا الهادي ولعله
الصواب لانه لم اجله عند ذكر اجمعا الجواد

علي بن الحسين بن بحيى صاحب حج

علي بن الحكم الانباري ذكره ابن داود بعد ذكر علي
بن الحكم بن الزبير النخعي وعلي بن الحكم الكوفي وظهر من كلام
النجاشي عند ترجمة ابي شعيب المحاملي ان علي بن الحكم
الانباري وعلي بن الحكم بن الزبير النخعي واحد حيث قال
ابو شعيب المحاملي كوفي ثقة من جال ابو الحسن موسى
عليه السلام مولى علي بن الحكم بن الزبير الانباري كما
يظهر من الخلاصة ايضا

علي بن الحكم بن الزبير النخعي ابو الحسن الفقيه مولى ابن
ابن عم يعرف بعلي بن جعفر بن الزبير روى عنه محمد بن

ثم رفعت الى الجواد وجعلت
كذا الف في تنزيه ذوي المعقول
في انساب آل الرسول

ذكر ابو القاسم التنوخي صاحب السيد
حضر ماكتبه فوجدها ثمانين
الف مجلس مستفادة
ومحضرة وسمعت آنه قال
تنزيه ذوي العقول وقال الثقاب
كان بالبيعة آنها نيف وثلثين
الف وبعد الناهدي منها

الا الوزراء والرؤساء
شعراء عظام آن

اسمعيل واحمد بن ابي عبد الله جش وقال الكشي هو ابن
اخت داود بن النعمان بياع الاسماط ولقي من اصحاب
الصادق عليه السلام الكثير وهو مثل ابن فضال
وابن بكير وقال الشيخ في الرجال علي بن الحكم بن الزبير
مولى النخعي كوفي ضعيف قول ابن داود انتهى نظر

٨٧ علي بن الحكم الكوفي ثقة جليل الفقه له كتاب روى عنه
محمد بن السنيد واحمد بن محمد بن عيسى والظاهر ان علي بن
الحكم بن الزبير الانباري المذكور قبيل هذا وعلي
بن الحكم الكوفي هذا ابن واحد وان كان العلامة
قدس سره في ترجمة ذكرهما وجليل بصريح الشيخ بان
علي بن الحكم بن الزبير كوفي ابن فلا يكون علي بن
الحكم مشتركا بين الكوفي وغيره والله اعلم

٨٨ علي بن حماد الازدي روى الكشي عن محمد بن
مسعود انه متهم بالغلو وهو الذي روى كتاب
الاظلة

٨٩ علي بن حماد المنقري الكوفي ثق جخ

٩٠ علي بن حمزة بن الحسن بن عبد الله بن العباس بن
علي بن ابي طالب عليه السلام ابو محمد ثقة روى
اكثر الرقابة له نسخة يرويها عن موسى بن جعفر روى
عنه ابنه محمد بن علي جش

٩١ علي بن حنان الصيرفي واخوه جعفر ق جخ

٩٢ علي بن حنان بن موسى الجعفري بياع الزطي ثق جخ

علي بن حنظلة البجلي الكوفي ق جخ ٩٣

علي بن خالد الكاهلي زيد باثم قال بالامامة وحسن ٩٤
اعتقاده لما رشاهده من كرامات ابي جعفر الثاني
عليه السلام قاله المفيد رحمه الله في ارشاده

علي الخراز الرازي متكلم جليل له كتب في الكلام وله ٩٥
اذن بالقفر وكان مقيما بالري وبها مات ست و
كانه هو المذكور قبيل هذا بعنوان علي بن احمد بن
علي الخراز

علي بن الخطاب الاشعري ثم جخ وقال الكشي كان واقفيا ٩٦

علي بن خليد الملقوف روى الكشي عن محمد بن ٩٧
مسعود قال سالت علي بن الحسن عن علي بن خليد
قال يعرف باب الحسن الملقوف وهو بغدادي قال ليس
به باس

علي بن داود الحذاء عن حريز بن عبد الله روى ٩٨
عنه اسحق بن محمد ثم جخ

علي بن داود الكوفي ق جخ ٩٩

علي بن رباط مولى بجيلة قرق صاحب ومحتمل ان ١٠٠
يكون هذا هو المذكور قبيل هذا بعنوان علي بن
الحسن بن رباط وهو بعيد ذكر الشيخ اباه في الفهرست
بعنوان علي بن الحسن بن رباط وفي اخر السند بعنوان
علي بن رباط

علي بن ربيعة الوابلي الاسدي وكان من العتباي جخ ١٠١ ع

عبد
ويزيده عدم
ذكر الشيخ قدس سره
اياه في الفهرست الا واحدا
وكذا النجاشي رحمه الله ذكر له
انه ان كان رجلين وكل منهما
كتاب لزم ذكرهما كما
سنراه بهامشه

١٠٢ علي بن رمين بغدادي ضعيف دي كر نجح

١٠٣ علي بن رياب ابو الحسن مولى جرم بطن من قضاعة مولى
مولى بني سعيد بن بكر ملحان كوفي ق ذكره ابو العباس
وغيره وروى عن الكاظم له كتب روى عنه الحسين بن محمد
جش له اصل كبير وهو شيخ جليل القدر ست في نجح في
قول دانته لم نظر

١٠٤ علي بن الريان بن الصلت الاشعري القمي نزيل الري عن
ابي الحسن الثالث له نسخة روى عنه عمران بن موسى
وله كتاب منثور الاحاديث روى عنه علي بن
ابرهيم جش دي كر نجح وكان وكيلا قصر توفي
الكشي عند ترجمة الحسن بن سعيد جرت الخدمة
على يد الرضا عليه السلام

١٠٥ علي بن الريان الهمداني المشرقي ق نجح

١٠٦ علي بن زياد الصيمري دي نجح

١٠٧ علي بن زيد بن علي علوي كر نجح

١٠٨ علي بن زيد وبه نهاوندي روى عنه البرقي
لم نجح وفي النجاشي والفهرست زيد وبه بالمهملة
ثم المعجمة

١٠٩ علي بن سالم ذكرناه بعنوان علي بن ابي حمزة

١١٠ علي بن سالم الكوفي ق نجح

١١١ علي بن السري الكرخي ق نجح وقال النجاشي عند
ترجمة اخيه الحسن ان الحسن بن السري الكاتب الكرخي
واخوه علي روياعن الصادق ونقل العلامة قدس سره
في صه توثيقه من النجاشي ولم اجد توثيقه فيه ومن
اربع نسخ عندنا وكذا وثقه داود ياعن النجاشي
وكانه كان لفظة ثقة في النسخة التي كانت عندهما
موجودة وقال الكشي قال محمد بن مسعود حدثنا
محمد بن بصير قال حدثنا محمد بن عيسى وحمدويه
قال حدثنا محمد بن عيسى قال حدثنا القاسم بن
الصقيل رفع الحديث الى ابي عبد الله قال كنا
جلوسا عنده فذاكرنا رجلا من اصحابنا فقال
بعضنا ذلك ضعيف فقال ابو عبد الله ان كان
لا يقبل ممن دونكم حتى يكون مثلكم لم يقبل منكم حتى
تكونوا مثلنا قال ابو جعفر العبيدي قال الحسن بن علي
بن بطة بن اظن الرجل علي بن السري الكرخي ثم روى
الكشي عن نصر بن الصباح انه قال علي بن اسفل
وهو علي بن اسد فلعب اسفيل باسد فكانه كان
في نسخة العلامة من الكشي علي بن السري فاورد هنا في
علي بن السري

علي بن السري العبدي الكوفي ق نجح

١١٣ علي بن السري الكوفي ق نجح ولا يبعد ان يكون
علي بن السري هذا والذي قبلناه فيسلم هذا هو
المذكور قبلها

١١٤ علي بن سعدان الكوفي ق نجح

هكذا في جميع ما وصل الينا من نسخ الكشي وربما يؤيده عدم ذكر ابن داود هذه الرواية عند ترجمة علي بن السري والظن الكشي علي بن السري الكرخي موجود في اصحاب الصادق عم

١١٢ ومحمد بن اسعد بن عبد الله في رجال الرضا عم

١١٥ علي بن سعيد بن امراة ناجية ق تج

١١٦ علي بن سعيد البصري ق تج

١١٧ علي بن سعيد بن بكير روى عنه سماعة تج

١١٨ علي بن سعيد بن زرارم الفاشاني ابو الحسن من فرزند من سواد فاشان ثقة في الحديث مامون روى عن احمد بن محمد بن عيسى وابن ابي الخطاب له كتاب الجنائز حسن مستوفا جش

١١٩ علي بن سعيد المدائني ضا تج

١٢٠ علي بن سعيد المكاري واقفي تج

١٢١ علي بن سليمان بن الحسن بن الجهم بن بكير بن اعين ابو الحسن الزراري كان له اتصال بصاحب علية السلام وخرج البه توقيعات وكانت له منزلة في اصحابنا وكان ورعا ثقة فقيها الا بطعن عليه شئ وله كتاب النوادر روى عنه علي بن حاتم جش وفي صه في موضع الزراري الوازي وفي تج كذا في النجاشي ولعله الصواب

١٢٢ علي بن سليمان بن داود الرقي كر تج

١٢٣ علي بن سليمان بن رشيد بغدادي د تج

١٢٤ علي بن السندي روى عنه محمد بن علي بن محبوب وروى عن ابن ابي عمير كذا يظهر من كتب الاخبار وقد ذكرناه عند ترجمة علي بن السري فلاحظها

١٢٥ علي بن سوادة الجذامي كوفي ق تج

١٢٦ علي بن سويد السائي م تج

١٢٧ علي بن سويد الحضرمي الكوفي ق تج

١٢٨ علي بن سويد السبي بالسين المهملة فرهر فريضة من المدينة قال لها السابة ثم وصل اثر روى عن الصادق عليه السلام واظنه اعلم روى رسالة ابي الحسن موسى البرقي عنه حمزة بن بزيع حش له كتاب روى عنه احمد بن زيد الخزاعي ست ثقة صا تج وروى الكشي بطريق ضعيف عنه عن ابي الحسن موسى عليه السلام ما يدل على مدحه وذكره د محملا وكانه لم يطلع على توثيق الشيخ اياه في الرجال

١٢٩ علي بن سويد الصنعاني له كتاب روى عنه احمد بن سهيل ست

١٣٠ علي بن سيف بن عميرة النخعي ابو الحسن كوفي مولى ثقة هو اكبر من اخيه الحسين صاحب كتاب كبير روى عنه يحيى بن زكريا بن شيبان جش

١٣١ علي بن شجاع نشا بوهي كر تج

١٣٢ علي بن شجرة بن مهمون بن ابي داكر البناء مولى كنده روى ابوه عن الباقر والصادق عليهما السلام وعلي الحسن بن شجرة روى وكلهم ثقات وجه جليل ولعلي كتاب روى عنه الحسن بن علي بن فضال الحسن له كتاب روى عنه الحسن بن محمد بن سماعة والقاسم بن اسمعيل القرشي ست وذكر ابن داود مثل ما ذكرنا

عن النجاشي الا انه عبر عنه بعلي بن ابي بشره والصواب
ما ذكرناه لعدم وجود لفظة ابي في النجاشي والعلامة
وهو الموافق لما في الاجتبا وبوبه ما ذكر هنا انه من قوله
واخو الحسن بن بشره

١٣٢ علي بن بشره ثقه ذكر ج ثم قال بالافضل علي بن
محمد الفاشاني ضعيف اصبهاني والظاهر انهما واحد كما قال
العلامة في صه لقول النجاشي ان علي بن محمد بن بشره
الفاشاني ابو الحسن كان فقيها مكثرا من الحديث فاضلا
عمر عليه احمد بن محمد بن عيسى وذكر انه سمع منه
مذاهب منكره وليس في كتبه ما يدل على ذلك لكن
اخبرنا علي بن احمد بن محمد بن طاهر قال حدثنا محمد بن
الحسن قال حدثنا سعد عن علي بن محمد بن بشره
الفاشاني بكتبه انتهى وما نقله العلامة قدس سره
من النجاشي من ان له كتبا اخبرنا علي بن محمد بن بشره
الفاشاني بكتبه محمول على الاسقاط كما لا يخفى
وما نقله عن الشيخ قدس سره من ان علي بن
محمد الفاشاني وعلي بن بشره كانا من اصحاب ابي
جعفر الثاني الجواد عليه السلام محمول على التسهو اذ
لم نجدهما الا في اصحاب الهادي عليه السلم كما نقلنا

١٣٣ علي بن صالح بن محمد بن بزداد بن علي بن
جعفر الواسطي العجلي الروى ابو الحسن سمع فاكثر
ثم خلط في مذهبه صنف في فضل القرآن سوره

سوره كابالم يصنفه مثله جش

١٣٥ علي بن صالح ابو الحسن الهمداني الثوري الكوفي
ق جخ

١٣٦ علي بن صالح روى عن الصفار فهو ام جخ

١٣٧ علي بن صالح المكي ق جخ ويحتمل ان يكون
الواسطي الذي نقلناه من النجاشي احد مولاه
المذكورين

١٣٨ علي بن الصامت ق جخ

١٣٩ علي بن الصلت له كتاب روى احمد بن محمد
بن خالد البرقي له كتاب روى احمد بن ابي عبد الله
عن ابيه عنه ست وفي دانه فاوندي وهو محمول
على الاشتباه كما سيجيء عند ترجمة علي بن مهزيار

١٤٠ علي بن طلحة عربي كوفي ق جخ

١٤١ علي بن عامر كوفي ق جخ

١٤٢ علي بن عامر النخعي كوفي ق جخ

١٤٣ علي بن العباس الجراذيني الرازي روى بالغلو وغيره
عليه ضعيف جدا له كتب روى عنه محمد بن الحسن الطائي
الرازي جش وفي صه الجراذيني بالراء بعد الجيم والذال
المعجمة وفي خ بالخاء المعجمة والراء والذال المعجمة

١٤٤ علي بن عباس المقانعي له كتاب فضل السبعة ست

١٤٥ علي بن عبد الاعلى بن عامر الثعلبي ابو الحسن الكوفي
الاحول ق جخ

١٤٦ علي بن عبد الحميد الضبي م ج

١٤٧ علي بن عبد الرحمن الازدي الكوفي ق ج

١٤٨ علي بن عبد الرحمن الخراز الكوفي ق ج

١٤٩ علي بن عبد الرحمن بن عيسى بن عروة بن الجراح القناد ابو الحسن الكاتب كان سليم الاعتقاد كثير الحديث صحيح الرواية ابتعت من كتبه قطعة في دار ابي طالب شيخ من وجوه اصحابنا رحمهم الله لكتب جش ويحتمل ان يكون هذا احد المذكورين بعد ان كانا متعددين

١٥٠ علي بن عبد العالي الكركي قدس الله روحه شيخ الطائفة وعلامتها وقته صاحب التحقيق والتدقيق كبير العلم نقي الكلام جيد القرائح من اجلاء هذه الطائفة لكتب منها شرح قواعد الحلي قدس سره

مات رحمه الله شهر جمادى الاولى سنة ثلاث وخمسين وستمائة

١٥١ علي بن عبد العزيز له كتاب روى عنه فضل الاشعري جش

١٥٢ علي بن عبد العزيز الاموي الكوفي ق ج

١٥٣ علي بن عبد العزيز الفرادي وهو ابن غراب اسند عنه له كتاب ق ج علي بن غراب له كتاب روى عنه ابرهيم بن سليمان ابو اسحاق الخراز وهو علي بن عبد العزيز المعروف بابن عزاز روى عنه الحسن بن علي بن فضال ست

١٥٤ علي بن عبد الغفار روى ج وقال ابو النضر محمد بن مسعود سألت يعقوب يوسف بن السخت قال كنت بسر من راى انتقل في وفاة الزوال اذ جاء الى علي بن عبد الغفار فقال له اني العمري رحمه الله فقال له بامرك مولاك ان توجر رجلا ثقة في طلب رجل يقال له علي بن عمر العطار فقدم من قزوين وهو ينزل في دار احمد بن الخضيب فقال نعم فقال له اولكن لم اجدا وثق منك الى وجه كيش

١٥٥ علي بن عبد الله ابو الحسن القطار الغنوي ثقة من اصحابنا لكتاب روى عنه احمد بن محمد بن عيسى جش وفي د في موضع ابو الحسن ابن الحسن والظاهر سهو كما يظهر من صدر ابض

١٥٦ علي بن عبد الله يكنى ابا طالب صاحب مسجد الرضا بجبل من ارض طبرستان روى عنه التلعكبري كم ج

١٥٧ علي بن عبد الله الجرمي الكوفي ق ج

١٥٨ علي بن عبد الله الزبيري دى ج وفي نسخة ابن عبد الله

١٥٩ علي بن عبد الله بن صالح الدهان لكتاب روى عنه يحيى بن زكريا اللؤلؤي جش

١٦٠ علي بن عبد الله بن عمران صالح وكانه غير القرشي الاتي كما يظهر من ترجمته وغير علي بن ابي القاسم المتقدم كما يظهر من ترجمته ابض

١٦١ علي بن عبد الله بن عمران القرشي ابو الحسن الهمزوي الله يعرف بالمتوكل كان فاسد المذهب الرواية وكان غاليا بالفقه له كتاب الحج وكتاب الرد على اهل القياس فانه كان الحج فسلم الى نسخة فنسخها وكان نذير ما فاضيا بمكة سنين كثيرة جش كان غاليا ضعيفا عض

١٦٢ علي بن عبد الله بن غالب القيسي ثقة صدوق كوفي يكنى ابا الحسن له كتاب روى عنه ابن بابويه جش له كتاب روى

عنه محمد بن الحسين بن ابي الخطاب ست

١٦٣ علي بن عبد الله بن محمد بن عاصم بن زيد بن عمرو بن عوف بن الحرث بن فهالة بن ابي هالة ابو الحسن البزوفري بالخديجي وهو الاصغر ولنا الخديجي الاكبر علي بن عبد المنعم بن مروان روى عنه وهذا انما قيل له الخديجي لان امه فهالة خديجة بنت خويلد رضي الله عنها كان ضعيفا فاسد المذهب له كتب روى عنه احمد بن ابرهيم بن ابي رافع جش لم يج

١٦٤ علي بن عبد الله المداد يج

١٦٥ علي بن عبد الله بن مروان البغدادي كر يج

قال الكشي سالت ابا النضر محمد بن مسعود عن جماعة هو منهم فقال واما علي بن عبد الله بن مروان فامر الفوا يعني الغلاة يتمحن في اوقات الصلوات ولم احضره في وقت صلوة ولم اسمع منه الا خيرا ونقل العلامة في صه هذه الرواية عن الكشي عن النضر وكتب الشهيد الثاني رحمه الله عليه حاشية حيث قال النضر المنقول محمول او مشترك بين الضعيف والثقة فلا يصلح للدلالة على المدح انتهى والعجب ان الكشي رحمه الله سال من ابي النضر محمد بن مسعود النقة عن علي واحمد ابني الحسن بن علي بن فضال وعبد الله بن محمد بن خالد الطيالسي والقاسم بن هشام وعلي بن عبد الله بن مروان وابرهيم بن محمد الفارسي ومحمد بن بزداد واسحق بن محمد البصري ومحمد بن احمد بن حمدان النهدي فقال ابو النضر محمد بن مسعود اما علي بن الحسن بن علي بن فضال فكذا واما احمد بن الحسن بن علي بن فضال فكذا الى اخره ونقل العلامة قدس سره في صه ما قاله ابو النضر محمد بن مسعود في بعض هؤلاء من تضرر وفي البعض من ابي النضر محمد بن مسعود ولم يخطر ببالي وجه صالح للرد وذكره مرة بعنوان علي بن عبد الله بن مروان ونقل عن الكشي عن النضر انه لم اسمع منه الا خيرا ومرة بعنوان علي بن عبد الله بن مروان ونقل عن الكشي ايضا عن محمد بن مسعود ما نقلناه عنه

١٦٦ علي بن عبد الله بن مسكان له كتاب صغير روى عنه يحيى بن زكريا اللؤلؤي جش

١٦٧ علي بن عبد الملك بن اعين الشيباني يج

١٦٨ علي بن عبد المنعم نقلناه عند ترجمة علي بن عبد الله بن محمد

١٦٩ علي بن عبد الله دتي يج ويمكن ان يكون هذا والذي سيجيء بعيد هذا واحدا

١٧٠ علي بن عبد الله بن علي بن الحسين ابو الحسن ابن ابي طالب واعبدهم في زمانه واخصهم بموسى والرضا واختلط باصحابنا الامامية وكان لما افاده محمد بن ابرهيم لما طالبا لان يبايع له ابو السرايا بعد ابي علبة ورد الامر الى محمد بن محمد بن زيد بن علي له كتاب في الحج

برويه كله عن الكاظم روى عنه ابنه عبد الله جش روى
الكشي في شانه ما يدل على جلالة قدره وعلو منزلته
انه من اهل الجنة

١٧١ علي بن عبد الله الزبيري دتي تج وفي نسخة ابن
عبد الله كما نقلناه

١٧٢ علي بن عبد الله بن محمد بن عمر بن علي بن ابي طالب
لكتاب روى عنه عمر بن محمد بن عمر ست ابو الحسن البدي
ق تج

١٧٣ علي بن عثمان بن رزين صاحج والظاهر ان هذا
هو الذي يسمى عن النجاشي بعنوان علي بن علي بن رزين
بن عثمان كما يظهر من النجاشي عند ترجمة ابنه اسمعيل
بن علي بن علي بن رزين بن عثمان انه ابن عثمان في
موضع علي كعثمان في موضع علي

١٧٤ علي بن عطية الخياط وثقه النجاشي عند ذكر اخيه
الحسن وقال الشيخ في الفهرست علي بن عطية له كتاب روى
عنه ابن ابي عمير وقال في الرجال علي بن عطية السلمي الكوفي
ق ثم قال علي بن عطية العوفي ق ولا يبعد ان يكونا
واحدا

١٧٥ علي بن عقبة بن خالد الاسدي ابو الحسن مولى كوفي
ثقة ثقة ق له كتاب روى عنه عبد الله بن محمد النجال
جش له كتاب روى عنه الحسن بن علي بن فضال ست

١٧٦ علي بن العلاء بن الفضل بن خالد ثقة جش عنه

ترجمة محمد بن خالد

١٧٧ علي بن علي بن رزين بن عثمان بن عبد الرحمن بن
عبد الله بن بديل بن ورقاء الخزاعي ابو الحسن اخو
دعبل بن علي ما عرف حديثه الا من قبل ابنه اسمعيل
له كتاب كثير عن الرضا جش

١٧٨ علي بن عمارة البكري الكوفي ق تج

١٧٩ علي بن عمرو العطار القزويني دتي تج وذكر بما يدل
على مدحه عند ترجمة علي بن عبد الغفار

١٨٠ علي بن عمر ولكتابه كره ابن بطة وقال حدثنا
احمد بن محمد بن خالد عنه جش ونقل عن ابن بطة
اثنى من اهل نيها وندوبه نظر وان شئت التفصيل
فانظر في ترجمة علي بن مبشرة البكري ويحتمل ان يكون
هذا هو المذكور فيما هذا

١٨١ علي بن عمر الاعرج ابو الحسن الكوفي كان صحب ذكريا
المؤمن وكان واقفا ضعيفا في الحديث له كتاب الغيبة روى
عنه عبد الله بن احمد جش له كتاب روى عنه ابن نهيك ست

١٨٢ علي بن عمر الستاني الذي ذكره د سيجيء بعنوان
عيسى بن عمر

١٨٣ علي بن عمران الخزاز الكوفي المعروف بشفاثه
قليل الحديث له كتاب يرويه عنه عبد الله بن جبلة
وغيره جش

١٨٤ علي بن عمر بن علي بن الحسين بن علي بن ابي طالب

المدنى ق تج

١٨٤ علىّ بن عمر الهذانى الكوفى ق تخ

١٨٦ علىّ بن عوف الازدى الكوفى ق تج

١٨٧ علىّ بن عيسى الهذانى مشكل له كتاب روى عنه احمد بن محمد بن خالد الجش

١٨٨ علىّ بن عيسى الجلاب يكنى ابا سهل ق تج

١٨٩ علىّ بن غالب بن ابى الهذيل الشاعر الكوفى اخو محمد ق تج

١٩٠ علىّ بن غراب ذكرناه بعنوان على بن عبد العزيز

١٩١ علىّ بن عقارة الكوفى ق تج

١٩٢ علىّ بن الفضل الخزاز ابو الحسن كوفى له كتاب نوادر روى عنه احمد بن مشيم بن ابى نعيم جش

١٩٣ علىّ بن الفضل الواسطى صا تج

١٩٤ علىّ بن كردين يكنى ابا الحسن له كتاب روى عنه محمد بن على بن محبوب ست

١٩٥ علىّ ماجيلويه ذكرناه بعنوان على بن ابى القاسم

١٩٦ علىّ بن مالك روى عنه ابن هام بغا له التحفة تج

١٩٧ علىّ بن المؤمل الحجازى م تج

١٩٨ علىّ بن مبشر بن الحكم الكوفى ق تج

١٩٩ علىّ بن محمد بن ابرهيم بن ابان الوازى الكلبتى المعروف ببلان يكنى ابا الحسن ثقة عين له كتاب اخبار القائم روى عنه جعفر بن محمد وفيل علان

بطريق متكرر وكان اسناد ان الصاحب في الحج مخرج توقف عنه في هذه السنة فخالف جش

٢٠٠ علىّ بن محمد بن ابرهيم بن محمد الهمذانى وكل الثناء عليه وبظهر من كلام النجاشى وكذا من كلام العلامة قدس سره عند ترجمة محمد بن على بن ابرهيم بن محمد الهمذانى ان على بن ابرهيم بن محمد الهمذانى وكل الثناء عليه ولعل محمد هنا زايد في كلام العلامة كما يظهر من كلامه المتقدم عند ترجمة القاسم بن محمد بن على بن ابرهيم بن محمد الهمذانى

٢٠١ علىّ بن محمد بن ابى القاسم ذكرناه بعنوان على بن ابى القاسم

٢٠٢ علىّ بن محمد الاشعث روى عنه حميد ست تج

٢٠٣ علىّ بن محمد بن الباس كر تج

٢٠٤ علىّ بن محمد بن جعفر بن عبيد الحذاء البسكرى ابو الحسن قال ابو عبد الله بن عياش بقال له ابن رويه مضطرب الحديث له كتاب الكامل بقال انه في معنى كتب الحسين بن سعيد روى عنه ابو على الحسين بن احمد بن محمد بن منصور الصايغ جش على بن محمد الحداد يكنى ابا الحسن صاحب كتب الفضل بن شاذان روى عنه الثلعكبرى لم تج

٢٠٥ علىّ بن محمد بن جعفر بن موسى بن مسرور ابو الحسين بن بلعب ابوه حمله روى الحديث ومات حدث

في هذه هنا وعند ترجمة ابيه محمد بن جعفر بن رزويه بالمطلة ثم الفتح وفي ذا ايضا عند ترجمة ابيه وابنه في تج هنا وعند ذكر ابيه وحده كما في النهاية شرح الموجيين ت

السن لم يسمع منه له كتاب فضل العلم واذا باخبرنا محمد
الحسن بن هدبة قال حدثنا جعفر بن محمد بن قولويه
قال حدثنا اخي به جش وفي النجاشي عند ترجمة جعفر
بن محمد بن قولويه ان اباه يلقب مسلمه

٢٠٦ علي بن محمد بن حفص بن عبيد بن حميد مولى
السائب بن مالك الاشعري ابو قتادة القمي عمرو
كان ثقة وابنه ابو الحسن بن ابي قتادة الشاعر واحمد بن
ابي قتادة اعقب له كتاب روى عنه محمد بن خالد
البرقي جش ولعل الصواب ابنه الحسن بن ابي قتادة كما
نقلنا عنه في باب الحسن لا ابو الحسن

ذكر عند ترجمة جعفر بن محمد بن قولويه وعند ترجمة [illegible] كان النجاشي شذرة

٢٠٧ علي بن محمد الخياط الكوفي ق جخ

٢٠٨ علي بن محمد الخلقي من اهل سمرقند ثقة فاضل كش

٢٠٩ علي بن محمد بن رياح النحوي له كتاب النوادر يكنى
ابا القاسم روى عن علي بن همام ست روى عنه ابو
همام لم جخ

٢١٠ علي بن محمد بن الزبير القرشي الكوفي روى عن علي
بن الحسن بن فضال جميع كتبه وروى اكثر الاصول
روى عنه التلعكبري واخبرنا عنه احمد بن عبدون
ومات ببغداد سنة ثمان واربعين وثلثمائة و
قد ناهز مائة سنة ودفن في مشهد امير المؤمنين لم جخ

٢١١ علي بن محمد بن زياد الصيمري دي كر جخ

٢١٢ علي بن محمد السمري وكيل الناحية بعد ابي القاسم بن
روح وكان يكنى بابي الحسن كذا في القائم الخامس رضي

٢١٣ علي بن محمد بن شيران ابو الحسن الابلي كان اصله
من كازرون سكن ابوه الابلة شيخ من اصحابنا
ثقة صدوق له كتاب مات سنة عشر واربعمائة كنا نجتمع
معه عند احمد بن الحسين جش

٢١٤ علي بن محمد بن شيرة القاساني ذكرناه بعنوان
علي بن شيرة

٢١٥ علي بن محمد بن العباس بن فسانجس ابو الحسن رضي
الله عنه كان عالما بالاخبار والشعر والنسب والاثار
والسير وما رأي في زمانه مثله وكان مجردا في مذهب
الامامية وكان قبل ذلك معتزليا وعاد وهو
اشهر من ان يشرح امره له كتب جش

٢١٦ علي بن محمد بن عبد الله ابو الحسن القزويني القاضي
وجه من اصحابنا ثقة في الحديث قدم بغداد سنة
ست وخمسين وثلثمائة ومعه من كتب العياشي
قطعة وهو اول من اوردها الى بغداد ورواها
عن ابي جعفر احمد بن عيسى العلوي الزاهد عن العياشي
له كتاب روى عنه الحسين بن عبيد الله جش

٢١٧ علي بن محمد بن عبد الله بن علي بن جعفر بن علي
بن محمد بن الرضا علي بن موسى ابو الحسن يلقب بحيرة
من رأى المعدل له كتاب الايام التي فيها فضل من
السنة جش

٢١٨ علي بن محمد بن العدوي الشمشاطي ابو الحسن كان
مسجابا بالجزيرة وفاضل اهل زمانه وادبهم له كتب
كثيرة اخبرنا سالم بن ذكا ابو الخير الموصلي رحمه
الله بجميع كتبه وكان يذكره بالفضل والعلم والدين
ويحسنون هذا الامر رحمه الله جش وفي صرفي موضع شيخنا
شيخا وفي موضع ذكا ذكرنا وفي موضع ابو الخير ابو
الحسن

٢١٩ علي بن محمد بن علي بن الحسين بن علي بن جعفر بن
محمد بن علي بن الحسين بن علي بن ابي طالب عليه
السلام المدني ق جخ

٢٢٠ علي بن محمد بن علي الخزاز ثقة من اصحابنا ابو
القاسم وكان فقيها وجها له كتاب الايضاح في
اصول الدين على مذهب اهل البيت جش

٢٢١ علي بن محمد بن علي بن سعد الاشعري القمي القرماني
منسوب الى قرمان يكنى ابا الحسن ويعرف بابن منوة
له كتاب النوادر روى احمد بن محمد بن يحيى عن ابيه
عنه جش له كتاب روى عنه محمد بن الحسن بن الوليد
سك لم جخ

٢٢٢ علي بن محمد بن علي العلوي حسنة جخ

٢٢٣ علي بن محمد بن علي بن عمر بن رباح بن قيس بن
سالم مولى عمر بن سعد بن ابي وقاص ابو الحسن البواب
ويقال القلا روى عمر بن رباح عن الصادق
عليه السلام ويقال انه روى الحديث عن رباح القلا و
قيل في كنيته ابو القاسم كان ثقة في الحديث وثقا
في المذهب صحيح الرواية ثبت معتمد على ما يرويه
وله كتب روى عنه عبيد الله بن احمد الابناري
جش ويحتمل ان يكون هذا هو المذكور قبل
هذا بعنوان علي بن محمد بن رباح

٢٢٤ علي بن محمد بن فيروزان الفقيه كثير الرواية يكنى
ابا الحسن كان مقيما بكش لم جخ

٢٢٥ علي بن محمد بن قتيبة النيشابوري عليه عتمد
ابو عمرو الكشي في كتاب الرجال ابو الحسن صاحب الفضل
بن شاذان وذا وتبر كتبه له كتب روى عنه احمد بن
ادريس جش علي بن محمد القتيبي نليد الفضل
بن شاذان نيشابوري فاضل لم جخ

٢٢٦ علي بن محمد القلانسي ق جخ

٢٢٧ علي بن محمد الكرخي ابو الحسن كان فقيها متكلما
من وجوه اصحابنا ذكره بعض اصحابنا ان له كتابا
في الامامة جش

٢٢٨ علي بن محمد بن عبيد الثيباني الكوفي يكنى ابا الحسن
سمع منه التلعكبري بالكوفة وبغداد لم جخ

٢٢٩ علي بن محمد المدائني عامي المذهب وله كتب
كثيرة حسنة في السير وله كتاب مقتل الحسين بن
علي روى عنه الحرث بن ابي اسامة ست

٢٣٠ علي بن محمد المقرى كوفي ثقة له كتاب روى عنه محمد بن علي بن محبوب جش دتي تج

٢٣١ علي بن محمد النوفلي دتي تج

٢٣٢ علي بن محمد بن يعقوب بن اسحق بن عمار الصيرفي الكناسي الكوفي العجلي روى عنه الناعكي في ج تج

٢٣٣ علي بن محمد بن يوسف بن مخلد ابو الحسن الغفاري المعروف بابن خالويه شيخ من اصحابنا ثقة سمع الحديث فاكثر ابتاع اكثر كتبه له كتب اجزنا عنه عدة من اصحابنا جش

٢٣٤ علي بن محمد يكنى محمدا ابا صالح ذكرناه بعنوان علي بن ابي صالح

٢٣٥ علي بن المسيب عربي من اهل همذان ثقة ضا تج

٢٣٦ علي بن معبد روى عنه موسى بن جعفر كتابه جش له كتاب روى عنه ابرهيم بن هاشم ست بغداد له كتاب دتي تج

٢٣٧ علي بن معمر له كتاب روى عنه احمد بن هشم ست

٢٣٨ علي بن المغيرة الزبيدي الازدي كوفي ثق تج وكان هذا هو المذكور من قبل بعنوان علي بن ابي المغيرة الزبيدي

٢٣٩ علي بن معقد كوفي ثق تج

٢٤٠ علي بن منصور ابو الحسن كوفي سكن بغداد متكلم من اصحاب هشام له كتب جش

٢٤١ علي بن موسى بن جعفر بن محمد بن احمد بن محمد بن احمد بن محمد بن محمد الطاوس العلوي الحسني رضي الدين قدس سره من اجلاء هذه الطايفة وثقاتها جليل القدر عظيم المنزلة كثير الحفظ نقي الكلام حاله في العبادة والزهد اشهر من ان يذكر له كتب حسنة رضي الله عنه

٢٤٢ علي بن محمد بن صدقة بن هشام بن غالب بن محمد بن علي الزهري الانصاري ابو الحسن لبي كتاب عن الرضا روى عنه ابنه ابو علي احمد بن علي جش

٢٤٣ علي بن مهرويه القزويني له كتاب رواه ابو نعيم عنه ست

٢٤٤ علي بن مهزيار الاهوازي ابو الحسن دورقي الاصل مولى كان ابوه نصرانيا فاسلم وقد قيل ان عليا ابنه اسلم وهو صغير ومن الله عليه بمعرفة هذا الامر وتفقه ضا د واختص بابي جعفر الثاني ع وتوكل له وعظم محله منه وكذلك ابو الحسن الثالث ع وتوكل لهم في بعض النواحي وخرجت الى الشيعة فيه توقيعات بكل خير فكان ثقة في روايته لا يطعن عليه صحيحا اعتقاده وصنف الكتب المشهورة وهي مثل كتب الحسين بن سعيد وزياداته روى عنه اخوه ابرهيم والعباس بن معروف جش جليل القدر واسع الرواية ثقة له ثلثة وثلثون كتابا ست ثقة صحيح ضا د دتي تج

٢٤٥ علي بن مهزيار بن عبد الله النخعي مولاهم كوفي ثق تج

٢٤٦ علي بن متيرد يج ويحتمل ان يكون هذا هو الذي قبل هذا

٢٤٧ علي بن ميسرة البصري ذكره ابن بطة وقال حدثنا احمد بن محمد بن خالد عن كتاب جش وما نقله ابن داود عن ابن بطة من انه منا ونذي محمول على الاشتباه وسبب الاشتباه ان النجاشي ذكر جماعة منهم علي بن ميسرة البصري وعلي بن الصلت وعلي بن عمرو ثم ذكر علي بن زيد وقال انه من اهل نها ونذ قال هؤلاء رجال ذكرهم ابن بطة فتوهم ابن داود انهم من اهل نها ونذ وليس كذلك

٢٤٨ علي بن ميمون الصائغ ابو الحسن الميثمي ابو الاكراد قم له كتاب روى عنه عباس بن هشام جش قال حدثني محمد بن مسعود حدثني محمد بن نصير قال حدثني محمد بن الحسن عن جعفر بن بشير عن علي بن ميمون الصائغ قال دخلت عليه يعني الصادق ع فقلت اني اديت الله بوالديك ولا ابا بائك واجدادك فادع الله لي بشيء فقال رحمك الله وجملك الله كل شيء حدثتك بعرف وتنكر ويجوز ان يخرج شاهدا ثم عرض الامر بعندي فقبول روايته لعدم طعن الشيخ ابن الغضائري فيه مع دعاء الصادق ع له وهذا الدليل على قبول روايته والاجاء الدور

٢٤٩ علي بن نصر د يج

٢٥٠ علي بن النعمان الاعلم الطحان ابو الحسن مولاهم كوفي صنا واخوه داود اعلى منه وابنه الحسن بن علي وابنه احمد روى الحديث وكان على ثقة وجها ثبتا صحيحا واضح الطريقة له كتاب روى عنه ابن ابي الخطاب جش له كتاب روى عنه احمد بن ابي عبد الله نت

٢٥١ علي بن نعيم ثقة صدوق واحد نوابغه في كتاب التقدين ثم قال النجاشي عند ترجمة احمد الحسين بن نعيم الصحاف مولى بني اسد ثقة واخواه علي ومحمد وواو الصحاف انتهى وهذا الكلام يقتضي ان يكون اخوه احمد وان احتمل

٢٥٢ علي بن وصيف ابو الحسن الناشي الشاعر المتكلم ذكر شيخنا رضي الله عنه ان له كتابا في الامامة جش كان متكلما شاعرا مجودا وله كتب وكان يتكلم على مذهب اهل الظاهر في الفقه اخبرني عنه الشيخ المفيد ابو عبد الله نت وذكره د في الباب

٢٥٣ علي بن وهبان له كتاب روى عنه محمد بن خالد البرقي روى عن عمر بن عبد العزيز عن عبيد صاحب ابي عبد الله ع نت ثم قال حمد وبه حدثنا الحسن بن موسى قال علي بن وهبان كان زيديا كش

٢٥٤ علي بن هاشم بن البريد ابو الحسن الزيدي الخراز مولاهم الكوفي ق يج

٢٥٥ علي بن هلال صائغ

٢٥٦ علي بن يحيى بن الحسن مولى علي بن الحسين كوفي

وهو خال الحسين بن سعيد ثقة صالح وفي صه في موضع
الحسن الحسين وفي ذكاني تج ولعله الصواب

٢٥٧ علي بن يحيى ابا الحسن ضا تج وفي الاخبار ابا
الحسن وكانه المتقدم

٢٥٨ علي بن يزيد الاحمسي الكوفي مولى تج

٢٥٩ علي بن يعقوب بن الحسين الهاشمي روى عن مروان
بن مسلم وغيره وروى عنه احمد بن الحسن بن علي بن
فضال واحمد بن هلال ومحمد بن احمد بن الحسن الكذاب ظهر
من كتب الاخبار

٢٦٠ علي بن بقطين بن موسى البغدادي سكنها وهو كوفي
الاصل مولى بني اسد ابو الحسن وكان ابوه بقطين موسى
داعية طلبه مروان فهرب وولد علي بالكوفة سنة اربع
وعشرين ومائة وكانت امه هربت وباجنه عبد الله الى
حتى ظهرت الدولة ورجعت مات سنة اثنتين وثمانين
ومائة في ايام موسى بن جعفر ببغداد وهو محبوس في سجن
هرون بقي بعده اربع سنين قال اصحابنا روى علي بن
بقطين عن الصادق حديثا واحدا وروى عن الكاظم
فاكثر له كتاب روى علي بن عمران عن رجل من اهل
المدائن عنه جش فقه جليل القدر له منزلة عظيمة
عند الكاظم عظيم المكان في الطائفة وكان بقطين من
وجوه الدعاة وطلبه مروان فهرب وابنه علي بن بقطين
ولد بالكوفة وهرب امه علي به وباجنه عبد بن بقطين

الى المدينة فلما ظهر الدولة الهاشمية ظهر بقطين وعادت
ام علي بعلي وعبيد فلم يزل بقطين في خدمة ابي العباس
وابي جعفر المنصور ومع ذلك كان يتشيع ويقول
بالامامة وكذلك ولده ويحمل الاموال الى جعفر بن محمد
وتم حجه الى المنصور والمهدي فصرف الله عنه كيدهما
ولعلي بن بقطين كتب روى عنه الحسين بن علي بن
بقطين واحمد بن هلال ست قال محمد بن مسعود حدثني
علي بن محمد قال حدثنا محمد بن عيسى قال زعم الحسن بن علي
انه احصى لعلي بن بقطين بعض السنين ثلثمائة ملف او
مائتين وخمسين ملفا وانه لم يكن يفوته من حج عنه
كان يعطي بعضهم عشرة الاف في كل سنة للحج مثل
الكاهلي وعبد الرحمن وغيرهما ويعطي ادناهم الفا درهم
وسمعت من يحكي في ادناهم خمسمائة درهم كيف ثم ذكر
الكشي عن محمد بن قولويه عن سعد بن عبد الله
عن محمد بن الحسين عن محمد بن عمرو بن سعيد عن داود
الرقي قال دخلت على ابي الحسن يوم النحر فقام يصلي بنا
ما عرض في قلبي احد وانا على الموقف الا علي بن بقطين
فانه ما زال معي وما فارقني حتى انصرفت ثم ذكر الكشي
دوابات كثيرة تدل على جلالة قدره وعظم شانه رحمه

٢٦١ علي بن يونس بن بهمن ضا تج

٢٦٢ علي بن يونس بن عبد الرحمن الجعفي الكوفي ق تج

١ عليم بن محمد ابو سلمة البكري الشاهي لكاب الواحد جش

١ عمار ابو القطان الاسكاف كاب روى عبد بن حميد
جش عمار بن ابي الاحوص ابو القطان كوفي فرق ج
٢ عمار بن ابي سلامة الدالاني سبن ج
٣ عمار بن ابي عمار المغربي الكوفي ق ج
٤ عمار بن ابي القاسم البجلي ق ج
٥ عمار بن ابي معوية يحيى يعنوان عمار بن معوية
٦ عمار بن جذاعة الازدي ق ج
٧ عمار بن حسان سبن ج
٨ عمار بن خباب ابي معوية العجلي الدهني الكوفي ق ج
وكانه الذي يحيى يعنوان عمار بن معوية الدهني
٩ عمار بن زريق الضبي الكوفي اسند عنه ق ج
١٠ عمار بن سويد الكوفي اسند عنه ق ج

١١ عمار بن عاصم الضبي الكوفي ق ج
١٢ عمار بن عبد الحميد ابو عاصم النجيحي ق ج
١٣ عمار بن مروان مولى بني ثوبان بن سالم المؤيكر
واخوه عمرو ثقتان روى عن الصادق له كاب روى
عنه محمد بن سنان جش
١٤ عمار بن معوية الدهني له كاب ذكره ابن النديم
ست وقال الكاظمي عند ترجمة معوية بن عمار بن
ابي معوية خباب الدهني ان عمار بن ابي معوية ثقة
في العامة انتهى والظاهر انهما واحد

١٥ عمار بن موسى الساباطي ابو الفضل مولى واخو ابي بكر
وصباح روى عن الصادق والكاظم وكانوا اقطاعا
في الوقوابه له كاب روى عنه مصدق بن صدقة جش
كان فطحيا له كاب كبير معتمد روى عنه مصدق بن
صدقة ست ق م ج كان فطحيا اكش ثم روى عن علي
بن محمد عن محمد بن احمد بن يحيى عن ابو هيم بن هاشم عن
عبد الرحمن بن حماد الكوفي عن عمرو عن الكاظم
انه قال اني استوهبت عمار الساباطي من ربي فوهبه
وقال الشيخ في باب بيع الواحد بالاثنين من التهذيب
حكايه عن عمار الساباطي وقد ضعفه جماعة من اهل
النقل وذكروا ان ما ينفرد بنقله لا يعمل به لانه
كان فطحيا غير انا لا نطعن عليه بهذه الطريقة لانه وان
كان كذلك فهو ثقة في النقل لا يطعن عليه فيه وقال
في الاستبصار في ابواب السهو في صلوة المغرب ان عمار
الساباطي ضعيف فاسد المذهب لا يعمل على ما
يختص بروايته وقال في الرجال عمار بن موسى ابو
القضان الساباطي واخوه صباح انتهى فان كان
هذا صحيحا فابو القضان مشترك بينه وبين عمار
بن ابي الاحوص المذكور قبله وعمار بن ياسر المذكور
بعده ونوح بن الحكم وقال العلامة قد تسترة في صحة
والوجه عندي توقفه مرجحة

١٦ عمار بن ولاد الحفاف الكوفي ق ج

١٧ عمار بن ياسر بكنى ابا اليقظان رابع الاركان لى
تج وروى الكشى عن على بن الحكم عن سيف بن عميرة
عن ابى بكر الحضرمى قال قال ابو جعفر ارتد الناس الا
ثلثة نفر سلمان وابو ذر والمقداد قال قلت نعما
قال فكان حاض حيضة ثم رجع ثم قال اردد الذى
لم يشك ولم يدخل منه شئ فالمقداد ثم روى عن على
بن محمد بن قتيبة النيشابورى عن الفضل بن شاذان
عن محمد بن سنان عن ابى خالد عن حمران بن اعين عن
الباقر قال قلت ما تقول فى عمار قال رحم الله عمارا
ثلثا قاتل مع امير المؤمنين عليه السلام وقتل شهيدا
ثم روى عن جبرئيل بن احمد عن الحسن بن خرزاد عن ابن
فضال عن ثعلبة بن ميمون عن زرارة عن ابى جعفر
عن ابيه عن جده عن على قال صنف الارض سبعة
بهم يرزقون وبهم ينصرون وبهم يمطرون منهم
سلمان الفارسى والمقداد وابو ذر وعمار وحذيفة
رحمهم الله وكان على يقول وانا امامهم وهم الذين
صلوا على فاطمة عليها السلام

جاز حيضة اى حاد وعدل ق

١٨ عمار بن يزيد يروى عنه الحسن والحسين ابنا سعيد نا
تج ويحتمل ان يكون هذا والذى ذكرناه بعنوان عباد
بن يزيد واحدا

١٩ عمار بن اليسع الكوفى ابو الحكم ق تج

١ عمارة بن اوس ى تج

٢ عمارة بن ذكوان الكلابى الجعفرى البزاز ابو العلا الكوفى
ق تج

٣ عمارة بن ربيعة الجرمى ى تج

٤ عمارة بن رويبة ل تج

٥ عمارة بن زياد له كتاب روى عنه ابرهيم بن سليمان

٦ عمارة بن زيد ابو زيد الحبوانى الهمدانى لا يعرف من
امره غير هذا ذكر الحسين بن عبيد الله انه سمع بعض
اصحابنا يقول سئل عبد الله بن محمد البلوى عن عمارة
بن زيد هذا الذى حدثك قال رجل نزل من السماء
حدثنى ثم عرج وبنو اللبيب كتب جش عمارة بن زيد الحبوانى
حليف الانصار وهذا نسبه على ما ذكره عبد الله بن محمد
البلوى المصرى فانه لا يعرف الا من جهته وقد سئل عبد
الله عنه فقيل له من عمارة هذا الذى يروى عنه فقال
رجل نزل من السماء فحدثنى ثم عرج واصحابنا يقولون
انه اسم ما نحته احد وكل ما يروبه كذب والكذب بين
فى وجه حديثه غض وذكره ذ فى البابين

٧ عمارة بن الحرى الازدى الغامدى الكوفى ابو غانم
ق تج

٨ عمارة بن سويد ق تج

٩ عمارة بن مدرك الفرشى مولاهم كوفى ق تج

١ عمرو بن ابرهيم الازدى كوفى ثقة ق له كتاب روى عنه
محمد بن خالد الجش له كتاب روى عنه احمد بن ابى عبد الله سب

٢ عمرو بن ابرهيم الهمذانى مجهول قال ابن ابى توبة فى باب ما يبطل
فيه وما لا يبطل من الشباب من الكفنه

٣ عمرو بن ابى سبان قرح وفى نسخة عمرو بن سبان

٤ عمرو بن ابى سلمة بن ام سلمة ربيب رسول الله صح

٥ عمرو بن ابى عمرو الهذلى دفع البه امير المؤمنين رايته
الهذيل يوم خرج الى صفين ى صح فى باب الكنى

٦ عمرو بن ابى المقدام ثابت بن هرمز الحداد مولى بنى عجل
بن قرن صح له كاب الطيف روى عنه عباد بن يعقوب
جش عمرو بن ثابت بن هرمز ابو المقدام الحداد مولى
بنى عجل كوفى بن قرن ضعيف جدا عض عمرو بن
ميمون وكنيته ميمون ابو المقدام وله كاب حديث
الثورى برويه عن جابر الجعفى عن ابى جعفر وروى
عن عبيد الله المسعودى وله كاب المسائل روى عنه
موسى وعبيد الله ابنى بنادست وكان لابيه
اسمعين ثابت وميمون وروى الكشى باسناد متصل
الى ابى العرندس عن رجل من فرش انه قال كنا
بفناء الكعبة وابو عبد الله قاعد فقيل له ما اكثر
الحاج فقال ما اقل الحاج فقر عمرو بن ابى المقدام فقال
هذا من الحاج ونقل العلامة فى صه عن الكشى انه قال
هذا امير الحاج ثم قال ولعل الذى وثقه ابن الغضايرى
ونقل عن اصحابنا تضعيفه هو هذا ثم ذكره فى باب
الضعفاء بعنوان ان عمر بن ثابت حيث قال عمر بن ثابته

بن هرمز ابو المقدام الحداد مولى بنى عجلان كوفى بن قرن
ضعيف جدا قال ابن الغضايرى وقال فى كاب الاحوص عمر
ابى المقدام ثابت العجلى تولاهم الكوفيون طعنوا عليه ومن
جمله ولين عندكما زعموا وهو ثقة اشهى وبه نا به
وذكره فى باب الثقات من غير توقف ثم ذكره
فى باب الضعفاء ووثقه

٧ عمرو بن ابى نصر واسمه زيد وقيل زياد مولى الكوفيين
ثم مولى يزيد بن فراس الشرعبى ثقة قن وهم اصحابنا
له كاب روى عنه ابن جبلة جش له كاب روى عنه
ابن نهيك ست

٨ عمرو بن اخطب ابو زيد ل جخ

٩ عمرو بن اشعر الجعفى الكوفى قن جخ

١٠ عمرو بن الاصم وكان اتى الحسن بالمدينة فذكر له ما
قال اهل الغلو فانكر عليهم قى جخ

١١ عمرو الافرق سيجىء بعنوان عمرو بن خالد

١٢ عمرو بن الباس البجلى كوفى قرن وهو ابو الباس
بن عمرو روى عنه ابن جبلة له كاب جش

١٣ عمرو بن الباس بن عمرو بن الباس البجلى ابن ابن
ذاك قن روى عنه الطاطرى وهو ثقة واخواه يعقوب
ورفيع له كاب جش وذكره بعد ذكر عمرو بن المنهال
ونقد به اولى كما هو من دابه وذكره العلامة قدس
سره كما ذكره النجاشى ولم يذكر عمرو بن الباس المتقدم

فتوهم بعض الناس ان بن ذال اسم ابيه وهو غلط

١٤ عمرو بن امية ل ج

١٥ عمرو بن بلال ى ج

١٦ عمرو بن بنان قرج وفي نسخة عمرو بن ابي بنان كما تقدما

١٧ عمرو بن ثعلب ل ج

١٨ عمرو بن ثابت ذكرناه بعنوان عمرو بن ابي المقدام

١٩ عمرو بن ثعلبة ى ج

٢٠ عمرو بن ثمامة بن ج

٢١ عمرو بن جرير البجلي الكوفي نزل بغداد ق ج

٢٢ عمرو بن جميع الازدي البصري ابو عثمان قاضي الري ضعيف في نسخة برد ويما روى عنه يونس بن عبد الرحمن

٢٣ عمرو بن جناده ق ج

٢٤ عمرو بن الحرث بن فدامة ى ج

١٥ عمرو بن الحرث بن المصطلق ل ج

٢٦ عمرو بن حريث عدو الله ملعون ل ى ج

٢٧ عمرو بن حريث ابو احمد الصيرفي الاسيدي كوفي مولى ثقة ق له كتاب روى عنه صفوان جش ق ج له كتاب روى عنه الحسن بن محمد بن سماعة ته وروى الكشي عن جعفر بن بشير ابو ايوب عن صفوان عن عمرو بن حريث ما ينهد بصحة عقيدته وايمانه

٢٨ عمرو بن حريث ابو خلاد الكوفي ق ج

٢٩ عمرو بن حريث الاشجعي الكوفي يكنى ابا محمد ق ج

٣٠ عمرو بن حزم النجاري وهو عامل رسول الله على نجران ى ج

٣١ عمرو بن حسان الازدي ق ج

٣٢ عمرو بن حماد بن موسى الكندي الكوفي ق ج

٣٣ عمرو بن الحمق الخزاعي ج ن ج وروى الكشي عن الفضل بن شاذان انه من الشابين الذين رجعوا الى امير المؤمنين وروى انه من حواري امير المؤمنين عليه السلام ثم ذكر الكشي كتابا طويلا من الحسين بن معوية فيه اولست قائل عمرو بن الحمق صاحب رسول الله صلى الله عليه واله وسلم العبد الصالح الذي ابلته العبادة فخامت جسمه وصفرت لونه بعد ما امتنه واعطيته من عهود الله ومواثيقه ما لو اعطيته طائرا لنزل اليك من راس الجبل ثم فلته جرأة على ربك واستخفافا بذلك العهد

٣٤ عمرو بن خالد ابو خالد الواسطي روى عن زيد بن علي له كتاب كثير روى عنه نصر بن مزاحم جش ى فرج بزى كش

٣٥ عمرو بن خالد الافرق الخياط الكوفي ق ج عمرو الافرق له كتاب روى عنه صفوان بن يحيى وبكير عن النجاشي وغيره عمرو وانه ثقة

٣٦ عمرو بن خالد الاعشى له كتاب روى عنه ابو هيثم بن

بن سلمان ت ق تج

٣٧ عمرو بن خلف القرشي مولاهم واسطي ق تج

٣٨ عمرو بن خلد الكوفي ق تج

٣٩ عمرو بن خليفة الهمذاني مولاهم الزيات الكوفي ق تج

٤٠ عمرو الخياط من اصحاب الثعالبي تج

٤١ عمرو بن دوعم الهمذاني عربي كوفي ق تج

٤٢ عمرو بن دينار الكوفي ق تج

٤٣ عمرو بن دينار مولى ابن باذان المكي تابعي ق تج وفي واحد الائمة التابعين فاضل ثقة

٤٤ عمرو بن رشيد كوفي ق تج

٤٥ عمرو بن سالم له كتاب روى عنه القاسم بن يعقل الفرشي ت س

٤٦ عمرو بن سعد الكوفي ق تج

٤٧ عمرو بن سعيد المذابني ثقة له كتاب روى عنه موسى بن جعفر حبش الزيات المذابني له كتاب ت وقال الكشي قال نصر بن الصباح عمرو بن سعيد فطحي وذكره ابن بابويه في مشيخة الفقيه بالشاباطي كما قال العلامة في خلاصة الشاباطي الصحيح عمرو بن سعيد

٤٨ عمرو بن سعيد بن هلال الثقفي الكوفي قرق تج

٤٩ عمرو بن سلمة الجرمي ل تج

٥٠ عمرو بن سوادة كوفي يكنى ابا الاسود ق تج

٥١ عمرو بن سويد المذابني كر تج

٥٢ عمرو بن سيف الازدي ق تج

٥٣ عمرو بن شداد الازدي موجود في بعض الاجزاء ولم اجده في كتب الرجال وكانه الذي سيجيء بعنوان عمرو بن شداد

٥٤ عمرو بن شمر ابو عبد الله الجعفي عربي ق ضعيف جدا وبه احاديث في كتب جابر الجعفي يشتبه بعضها به والامر ملتبس جش ق وعن جا بر ضعيف غض

٥٥ عمرو بن ضبيعة ت بن تج

٥٦ عمرو يكنى ابا الصخر وعلي ابنا طلحة علبانان عربيان كوفيان ق تج وقال عند ذكر اصحاب الباقر عليه السلام عمر يكنى ابا الصخر وعلي ابنا خنظلة كوفيان علبانان انتهى والظاهر انهما واحد وذكره بعنوان عمرو بن طلحة سهو والصواب عمرو بن خنظلة كما سيجيء

٥٧ عمرو بن العاص ل تج

٥٨ عمرو بن عامر النخعي الكوفي ق تج

٥٩ عمرو بن عبد الحكم المسلي الكوفي ق تج

٦٠ عمرو بن عبد الله الانصاري يكنى ابا تمامة س تج

٦١ عمرو بن عبد الله الثقفي ق تج

٦٢ عمرو بن عبسة ل تج

٦٣ عمرو بن عبيد الانباري ق تج

٦٤ عمرو بن عبيد البصري ابو مروان ق تج

٦٥ عمرو بن عبيد الله الازدي روى عن الصادق ق

جعفر بن محمد عليه السلام

٩٥ عمرو بن نجران الكوفي ق تج

٩٦ عمرو بن يهيك النخعي الكوفي ق تج

٩٧ عمرو بن هشام الطابي اسند عنه ق تج

٩٨ عمرو بن هلال مجهول قر تج وفي صه عمر بن هلال وفي د عمرو ولعله الصواب

٩٩ عمرو بن يحيى مجهول قر تج وفي صه د عمر بن يحيى

١٠٠ عمرو بن يحيى بن زاذان النخعي مولاهم كوفي تج

١٠١ عمرو بن يحيى بن زكريا الكوفي ق تج

١٠٢ عمرو بن يحيى بن سالم الكوفي ق تج

١٠٣ عمرو بن يزيد الهمذاني ق تج

١٠٤ عمرو بن البختري كوفي له كتاب جش له كتاب روى عنه احمد بن زيد الخزاعي ست

١٠٥ عمر بن ابان الكلبي ابو حفص مولى كوفي ثقة ق له كتاب يرويه جماعة منهم العباس بن عامر جش له كتاب روى عنه الحسن بن محمد بن سماعة ست

٢ عمر ابو حفص الرماني كوفي ثقة ق وعن رجل عن الصادق ق له كتاب يرويه جماعة منهم عباس بن هشام اخبرنا احمد بن عبد الواحد قال حدثنا علي بن حبشي قال حدثنا حميد قال حدثنا القاسم بن اسمعيل عن عباس عن ابي حفص بكابه جش عمر الرماني وقيل الرماني بكنى ابا حفص له كتاب روى عنه عباس بن هشام ست

وذكره د مهملا والوجه عبر ظاهر وذكره ترما خوئي بعنوان عمر بن حفص الرماني ووثقه وكانه اشتباه لانا لم نجد في كتب الرجال الا كما قلناه

٣ عمر ابو حفص الزيالي ق له كتاب يرويه جماعة منهم عباس اخبرنا ابن نوح قال حدثنا احمد بن جعفر قال حدثنا حميد بن زياد قال حدثنا القاسم بن اسمعيل قال حدثنا عباس عن ابي حفص عمر الزيالي بكابه جش وكان الزيالي هذا والرماني المذكور قبل هذا واحدا كما يظهر من طريق النجاشي اليهما ولعل منشاه تصحيف الرماني بالزيالي

٤ عمر بن ابي زياد الابزاري كوفي ق ثقة له كتاب يروي عنه ابو غالب جش عمر بن ابي زياد الابزاري الكوفي ق تج ووثقه العلامة ايضا ولم يوثقه د والوجه عبر ظاهر

٥ عمر بن ابي زياد الكوفي ق تج ويحتمل ان يكون هذا هو المذكور قبل هذا

٦ عمر بن ابي سليمان الصانع الفزاري مولاهم كوفي ق تج

٧ عمر بن ابي شعبة الحلبي التيملي ق تج وتبعا بهم من توثيق ابي شعبة مجلا ونوثقه عند ترجمة عبد الله بن علي ابي شعبة من النجاشي

٨ عمر بن ابي عثمان الكوفي ق تج

٩ عمر بن ابي مسلم كوفي تج

١٠ عمر بن ابي المقدام كوفي واسم ابي المقدام ثابت الحداد

فرق فج وكانه المذكور من قبل بعنوان عمرو بن ابي المقدام

١١ عمر بن ابي نصر السكوني مولاهم اخوه رباح وجعل ان يكون هذا هو المذكور من قبل بعنوان عمرو بن ابي نصر

١٢ عمر اخو عذافر يجيء بعنوان عمر بن عيسى

١٣ عمر بن اذينة يجيء بعنوان عمر بن محمد بن عبد الله

١٤ عمر بن اسمعيل لكتاب روى عنه احمد بن ابي عبد الله سين عمر بن اسمعيل الجعفي الكوفي ق تج ز الظ انهما واحد

١٥ عمر بن الاسود البكري الكوفي اسند عنه ق تج

١٦ عمر بن الاشعث الكندي كوفي ق تج

١٧ عمر بن البراء الكوفي ق تج

١٨ عمر بن نوبه ابو يحيى الصنعاني في حديثه بعض الشيء يعرف منه وينكر وذكر اصحابنا ان لكتاب فضل انا انزلناه روى عنه كامل بن طلح جش وضعف جدا لا يلتفت اليه عض

١٩ عمر بن ثابت الذي ذكره العلامة في صه ذكرناه بعنوان عمرو بن ابي المقدام

٢٠ عمر بن جبير الكوفي ق تج

٢١ عمر بن حبيب المكي ق تج

٢٢ عمر بن حسان الازدي نقل ابن داود عن الرجال وثقه والموجود في الرجال عمر بن حسان الازدي غير موثق كما نقلناه

عمر بن حسان الطائي ق تج

عمر بن حطيم العجلي الكوفي ق تج

عمر بن حفص بياع اللؤلؤ كوفي ق تج ويحتمل ان يكون هذا هو المذكور من قبل بعنوان عمر ابو حفص

عمر بن حنظلة يكنى ابا الصخر الجعل البكري الكوفي في قرن تج وقال الشهيد الثاني في الدراية ان عمر بن حنظلة لم ينص الاصحاب فيه بجرح ولا تعديل لكن امر عبد سهل لانه حققت توثيقه من محل اخر وان كان قد اهمل انتهى وروى الشيخ الصدوق محمد بن يعقوب الكليني في باب وقت صلوة الظهر والعصر من الكافي عن علي بن ابرهيم عن محمد بن عيسى عن يونس عن يزيد بن خليفة قال قلت لابي عبد الله ع ان عمر بن حنظلة انا ناعتك بوقت فقال ابو عبد الله ع اذا لا يكذب علينا الحديث وكان الشهيد الثاني رحمه الله اخذ توثيقه من هذا الحديث وبنى عليه

عمر بن خالد الخياط القارئ الاقرع مولى ثقيف عين ق لكتاب روى عنه صفوان جش ونقلنا عن الشيخ قدس سره بعنوان عمرو بالواو وفي صه عمر بدون الواو وكما في جش

عمر بن خالد الهلالي رواياته روى عنه احمد بن محمد بن عيسى

عمر بن الخطاب العمري مولاهم المدني ق تج

عمر بن الخطاب ابو الهيثم الكوفي ق تج

٢٣ عمر بن خطيم

٢٤ عمر بن حفص

٢٥ عمر بن حنظلة

٢٦ عمر بن خالد

٢٧ عمر بن خالد

٢٨ عمر بن خالد

٢٩ عمر بن الخطاب

٣٠ عمر بن الخطاب

٣١ عمر بن خليد الكوفي ق تج

٣٢ عمر بن خليفة الكوفي ق تج

٣٣ عمر بن دينار مولى ابن باذان المكي تابعي ق تج
وفي نسخة عمرو كما نقلناه

٣٤ عمر بن الربيع ابو احمد البصري ثقة ق له روى عنه
الحسن بن الحسين حبش

٣٥ عمر بن رباح الفلاق م وقف حبش سنة
ذ عند ترجمة احمد بن محمد بن علي بن عمر بن رباح و
في ضبط ان عمر بن رباح بزي ونظهر من الكشي انه
كان مستهما ثم رجع وصار بزبا

٣٦ عمر بن زاهر الحمداني الكوفي ق تج

٣٧ عمر بن زايدة الازدي الكوفي اسند عنه ق تج

٣٨ عمر بن ذهبة الجوزي ضا تج

٣٩ عمر بن زياد الخزاعي الكوفي ق تج

٤٠ عمر بن سالم صاحب الشابري كوفي واخو حفص
ثقتان روى باعلى الصادق عمر كتاب روى عنه محمد
بن زياد حبش

٤١ عمر بن سعيد مسروق ابو حفص الثوري الكوفي
ابن اخي سفيان ق تج والظاهر ان لفظ ابن سهو و
الصواب اخي سفيان بدون ابن كما يظهر من ترجمة
سفيان بن سعيد بن مسروق من الرجال

٤٢ عمر بن شبيب بن عمر المسلي الكوفي ق تج

٤٣ عمر بن شجرة الكندي الكوفي ق تج

٤٤ عمر بن شداد الازدي الكوفي ق تج

٤٥ عمر بن شرحبيل ابو مسرة تابعي فاضل من اصحاب ابن
مسعود قاله الشهيد الثاني في الدراية

٤٦ عمر بن طرخان روى عنه جعد كاب ابي مجحن
المكفوف لم تج

٤٧ عمر بن عاصم له كتاب روى عنه ابن ابي عمير ست

٤٨ عمر بن عبد العزيز بن عمر بن عبد العزيز البصري مخلط له كتاب روى
عنه احمد بن محمد بن عيسى حبش

١٠ عمر بن عبد العزيز الملقب بزحل له كتاب روى
احمد بن ابي عبد الله عن ابيه عنه ست لم تج وقال
الكشي عمر بن عبد العزيز بن ابي بشار ابو حفص
المعروف بزحل من اصحاب ابي الحسن موسى قال
محمد بن مسعود حدثني عبد الله بن حمدويه البيهقي
قال سمعت الفضل بن شاذان يقول دخل ابو
حفص بروى المناكير ليس بثقال

٤٩ عمر بن عبد الله الازدي الكوفي ابو صفوان ق تج

٥٠ عمر بن عبد الله بن بعلى بن مرة الثقفي لم نقف له على رواية
عن ابيه عن جده عن امير المؤمنين عليه السلام روى
عنه خلف بن نظام حبش

٥١ عمر بن عبد الله ق تج

٥٢ عمر بن عطاء بن وشبكة الكوفي ق تج وذكره

بعنوان عمر وابيه كما تقدم ذكرناه من قبل

٥٣ عمر بن العطاف الجعفي كوفي ق ج

٥٤ عمر بن عكرمة الكوفي ق ج

٥٥ عمر بن علي بن الحسين بن علي بن ابي طالب عليه السلام مدني ثابتي روى عن ابي امامة بن سهل بن حنيف ق ج كان فاضلا جليلا وولي صدقات النبي صلى الله عليه وآله وصدقات امير المؤمنين عليه السلام وكان ورعا سخيا قاله المفيد رحمه الله في ارشاده

٥٦ عمر بن علي بن عمر قال ابن بطة اخبرنا بكتابه محمد بن علي بن محبوب بخش

٥٧ عمر بن عنكثة ابو حفص الخراز الاسكاف الكوفي ق ج

٥٨ عمر بن عيسى الصيرفي مولى واخوه عذافر ق ج وروى الكشي حديثا ضعيفا يدل على ذمه

٥٩ عمر بن فرات كاتب بغدادي غال ضالخ

٦٠ عمر بن قيس الماصر من اصحاب الباقر عليه السلام وقد ذكرناه بعنوان عمرو بالواو وابيه

٦١ عمر بن قيس المكي ابو حميد بن قيس يعرف بسندل ق ج

٦٢ عمر بن محمد الاسكدم ج

٦٣ عمر بن محمد بن سليم بن البراء يكنى ابا بكر المعروف بابن الجعابي خرج الى سيف الدولة فقربه واختص به وكان حفظة غارفا بالرجال من العامة والخاصة وله كتب جزئية اجماعة من اصحابنا منهم الشيخ ابو عبد الله محمد بن النعمان والحسين بن عبد الله واحمد بن عبدون وقال ابن عبدون هو محمد بن عمر بن سليم الجعابي ست وفي بعض النسخ ثقة خرج الى سيف الدولة الى الجزء

٦٤ عمر بن محمد بن شداد الازدي ق ج

٦٥ عمر بن محمد بن عبد الرحمن بن اذينة شيخ اصحابنا البصريين ووجههم روى عن الصادق عليه السلام بمكاتبة لركاب روى محمد بن ابي عمير عن عمر بن اذينة ثقة له كتاب روى عنه صفوان وابن ابي عمير والحسن بن محمد بن سماعة وله كتاب الفرايض روى عنه احمد بن محمد بن خالد ثم ست عمر بن اذينة ثقة له كتاب ق م ج وقال الكشي قال حمدويه بن نصير سمعت شيخا من اهل العلم وعده ان ابن اذينة كوفي وكان هرب من المهدي ومات باليمن فلذلك لم يرو عنه كثيرا وبقاء اسمه محمد بن عمر بن اذينة غلب عليه اسم ابيه وذكره ذمر بن مهلا تمره بعنوان عمر بن اذينة وتمره بعنوان عمر بن محمد بن عبد الرحمن بن اذينة والوجه غيره ظ

٦٦ عمر بن محمد بن يزيد بن عبد الله بن عمر بن الخطاب الفرشي العدوي المدني دخل الكوفة واسند عنه ق ج

٦٧ عمر بن محمد بن يزيد ابو الاسود بياع الشابري

مولى ثقيف كوفي ثقة جليل احد من كان يفد في كل سنة ق م ذكر ذلك اصحاب كتب الرجال الكشي حدثني جعفر بن معروف عن يعقوب بن يزيد عن محمد بن عذافر عن عمر بن يزيد بياع السابري قال قال لي ابو عبد الله عليه السلام يا ابن يزيد انت والله منا اهل البيت فلت جعلت فداك من اين قال اي والله من انفسهم فلت من انفسهم قال اي والله يا عمر اما تقرأ كتاب الله عز وجل انا والى ابرهيم للذين اتبعوه وهذا النبي والذين امنوا والله ولي المؤمنين انتهى والظاهر ان عمر بن محمد بن يزيد وعمر بن يزيد واحد كما يظهر من صدر ما نقلناه وذكره ق د او ما عن ست مرة بعنوان عمر بن محمد بن يزيد بياع السابري وم ة بعنوان عمر بن يزيد بياع السابري ولم اجد في الفهرست للاعمر بن يزيد كما نقلناه

عمر بن المختار الخزاعي ذكره الغلاة لا يعرف بوجه

عمر بن مزدك الطائي الكوفي ق تج

عمر بن مسكين بن عبد الله العدوي الكوفي ق تج

عمر بن مسلم الصابغ الكوفي ق تج

عمر بن مسلم الخراساني الكوفي ق تج

عمر بن معروف العبسي الكوفي اسند عنه ق تج

عمر بن معمر الكوفي ق تج

عمر بن منهال تقدم بعنوان عمرو بن المنهال

عمر بن موسى الوجيهي يزيدي كما في كتاب روى عنه يحيى بن كهمس ابو بكر القواري ست

عمر بن هبيرة الكوفي ق تج

عمر بن هرون البلخي ابو حفص ق تج

عمر بن هرون روى عنه احمد بن ابي عبد الله تم تج

عمر بن هلال ذكرناه بعنوان عمرو بن هلال

عمر بن يحيى تقدم بعنوان عمرو بن يحيى

عمر بن يحيى الاذني ق تج

عمر بن يزيد بياع السابري ذكرناه بعنوان عمر بن محمد بن يزيد

عمر بن يزيد بن ذبيان الصيقل ابو موسى مولى بني يقدف له كتاب روى عنه محمد بن زياد الجش ونقل ابن داود توثيقه من النجاشي ولم اجد في النجاشي الا كما نقلناه

عمر البناني ذكرناه بعنوان عمر ابو حفص

عمران بن ابي خالد القراري ق تج

عمران بن ابي مسلم ق تج

عمران بن اسحق الزعفراني الكوفي ق تج

فيه تج عمر بن يزيد فقد له كتاب تج

الحسين بن سعيد عن عمر بن يزيد

رواية احمد بن محمد كلام النجاشي عند ترجمة احمد بن الحسين بن عمر بن يزيد ان عمر بن يزيد الصيقل وعمر بن يزيد بياع السابري واحد

٤ عمران بن اسمعيل قال ابن بطة حدثنا البرقي عنه بكتابه جش

٥ عمران بن البختري الكوفي ق خ

٦ عمران البرقي الخباز ابو علي جد محمد بن ابي القاسم عبد الله بن عمران قليل الحديث له كتاب روى عنه محمد بن ابي القاسم جش

٧ عمران بن الحصين ل خ من السابقين الذين رجعوا الى امير المؤمنين قاله الفضل بن شاذان كش

٨ عمران بن حران الاذدي من اهل اذربيجان روى عنه الحسن بن حماد بن عدبس جش له كتاب روى عنه ابن سماعة ست

٩ عمران بن زايدة الكوفي ق خ

١٠ عمران الزعفراني مجهول صدد ولعله عمران بن اسحق المقدم او عمران بن عبد الرحيم الاتي

١١ عمران بن سليمان ابو محمد القيسي الكوفي ق خ

١٢ عمران بن شفا الاصبحي كوفي ق روى عنه علي بن الحسن الطاطري جش

١٣ عمران بن عبد الرحيم الزعفراني ق خ

١٤ عمران بن عبد الله الخزاعي من خزاعة بن سبح

١٥ عمران بن عبد الله القمي قال الكشي قال محمد بن مسعود وعلي بن محمد قالا حدثنا الحسين بن عبيد الله عن عبد الله بن علي عن احمد بن حمزة بن عمران القمي عن حماد الناب قال كنا عند ابي عبد الله ونحن جماعة اذ دخل عليه عمران بن عبد الله القمي فسأله وبره وبشّ فلما ان قام قلت لابي عبد الله من هذا الذي برزته هذا البرقعة قال هذا من اهل بيت الخباء ما اردت جبار من الجبابرة الا قصمه الله ثم قال قال محمد بن مسعود وعلي بن محمد قالا حدثنا الحسين بن عبيد الله عن عبد الله بن علي عن احمد بن حمزة عن المرزبان بن عمران عن ابان بن عثمان قال دخل عمران بن عبد الله على ابي عبد الله فقربه ابو عبد الله فقال كيف انت وكيف ولدك وكيف اهلك وكيف نبوعتك وكيف اهل بيتك ثم حدثه ملبّا فلما خرج قلت لابي عبد الله من هذا قال هذا من بيت فوم بخباء وما نصب لهم جبار الا قصمه الله قال الحسين عرضت هذين الحديثين على احمد بن حمزة فقال اعرفهما ولا احفظ من رواهما وقال العلامة قد تقدم في قصر بعد نقل هذين الحديثين عن الكشي قال النجاشي عبد الله بن علي بن عمران القرشي ابو الحسن المخزومي الذي يعرف بالميمون فاسد المذهب والرواية ويمكن ان يكون هو الراوي لهذين الحديثين وبالجملة فالتوقف لازم ولا يثبت عندك بهذين

الحديثين بعد بل للمشار اليه مع ما ذكرت بل هما من المرجحات انتهى قلت لبس في الحاشي عبد الله بن علي بن عمران القرشي الذي يعرف بالميموني كذا فاسد المذهب والرواية وفي صدر في موضع اهل البصاء اهل بيت المحاد ولعله سهو كما يظهر من الحادث الثاني ايضا

[2] بل فيه محمد بن عبد الله بن عمران القرشي ابو الحسن المخرمي الذي يعرف بالميموني صح

١٦	عمران بن عطية ابو عباد الكوفي ق تج	
١٧	عمران بن عطية ابو عمارة الخثعمي الكوفي ق تج	
١٨	عمران بن علي بن ابي شعبة الحلبي ثقة الحاشي عند ترجمة محمد بن علي بن ابي شعبة وعبد الله بن علي	
١٩	عمران بن فايدة الجمال الكوفي ق تج	
٢٠	عمران بن قطر الكوفي ق تج	
٢١	عمران بن قطن روى عن ابي عبد الله كاتبه ويمكن ان يكون هذا والذي ذكرناه قبل هذا واحدا	
٢٢	عمران بن كعب سبن تج	
٢٣	عمران بن محمد بن عمران بن عبيد الله بن سعد الاشعري الفقيه كاب روى احمد بن محمد بن خالد عنه جش الاشعري ثقه صاتج	
٢٤	عمران بن مسكان ابو محمد كوفي ثقه له كاب نوادر روى عنه جمد جش روى عنه حميد بن زياد لم تج	
٢٥	عمران بن موسى الزنبوني في ثقه له كاب روى احمد بن محمد عن ابيه عنه جش	

٢٦	عمران بن مسلم الاسدي الكوفي ق تج عمران بن مسلم بن يحيى الاسد مولى ثقه فرق روى عنه ابو خالد محمد بن حماد جش وقال الشيخ في الرجال عمران بن مسلم الثمار بن ثم قال عمران بن مسلم الكوفي والظاهر ان الكل واحد لان مثل هذا كثير في كابه بدس سره مع قطعنا بالاتحاد	
٢٧	عمران بن نافع الكوفي ق تج	
٢٨	عمران بن يزيد الملايي الكوفي ق تج	
٢٩	عمران بن يعقوب البالي الكوفي ق تج	
١	العمركي بن علي ابو محمد البوفكي وبوفك قرية من قرى نيشابور شيخ من اصحابنا ثقه روى عنه شيوخ اصحابنا منهم عبد الله بن جعفر الحميري لكاب المالهم روى عنه محمد بن احمد بن اسمعيل العلوي لكاب نوادر روى عنه عبد الله بن جعفر جش يقال انه اشترى غلمانا انراكا يعرفهم للعسكري كر تج	
١	عمرة بن الزبير يكنى ابا فابل ق تج	
١	عمير بن الحارث الطايي الكوفي ق تج	
٢	عمير بن سعد النخعي تج	
٣	عمير بن سويد العبد الكوفي ق تج	
٤	عمير بن صالح الخثعمي الكوفي ق تج	
٥	عمير بن عبد الله بن الجراح ل تج	
٦	عمير بن عطارد ق تج	

٧ عمير بن عماد الجعفي كوفي ق تج

٨ عمير بن عمران الهمداني مولاهم كوفي ق تج

١ عنبسة بن الازهر الكوفي ق تج

٢ عنبسة بن نجاد العابد مولى بني اسد كان فاضلا ثقة ق له كتاب روى عنه عبد الرحمن بن ابي هاشم جش له كتاب روى عنه صفوان بن يحيى ق تج وقال الكشي قال احمد وبه سمعنا شيخا من اهل الري عنبسة بن نجاد كان خيرا فاضلا وذكر ابن داود قبل ذكر هذا الرجل رجلا اخر قال عنبسة بن حماد خير فاضل قرن كذا انتهى ولم اجده في كتب الرجال حضورا في الكشي والظاهر عنبسة بن نجاد كما يظهر من ترجمته انتهى

٣ عنبسة بن جبير روى عنه عبد الاعلى ق تج

٤ عنبسة بن خالد الاسدي الكوفي ق تج

٥ عنبسة بن سعيد البصري اخو الربيع السمان تج

٦ عنبسة بن عبد الرحمن القرشي كوفي ق تج

٧ عنبسة بن مصعب ق تج وقال الكشي قال احمد عنبسة بن مصعب ناووسي واقفي على ابي عبد الله وانما سميت الناووسية بزيد كان يقال فلان من فلان الناووسي وذكره في الثابتين

١ العوام بن حوشب بن يزيد بن رويم الشيباني هو اكبر من اخيه طلاب ق له كتاب روى عنه طلاب جش

العوام بن عبد الرحمن الجرمي كوفي في اسناد عنه ق تج ٢

عوانة بن الحسين البزاز كوفي روى عنه محمد بن زياد ع ١

عوانة بن عاصم الانصاري ق تج ٢

عوف بن بشر ي تج ١

عوف بن الحرث مدني ي تج ٢

عوف بن عبد الله روى عنه سعيد بن جناح ٣

ق مجهول جش عند ترجمة سعيد بن جناح

عوف بن عبد الله الازدي كوفي ق تج و يحتمل ان يكون هذا هو المذكور قبل هذا ٤

عوف العقيلي ذكرناه بعنوان العقيلي ٥

عوف بن عمرو الازدي ق تج ٦

عون بن جبير صاحب عمرو بن هرمز الثقفي ١

قال ابن بطة اخبرنا احمد بن محمد بن خالد عن ابيه عن عون بالكاف جش روى عنه احمد بن ابي عبد الله ع

عون بن جعفر بن ابي طالب ي تج ٢

عون بن حكيم الباروني الكوفي ق تج ٣

عون بن سالم كوفي ثقة قليل الحديث له كتاب صغير روى عنه ابو هشيم جش ٤

عون بن عباد الطائي كوفي ق تج ٥

عون بن عبد الله بن جعفر بن ابي طالب ست بن مل مع تج وفي د في موضع ست بن ي وهو سهو ٦

عون بن لفافة الكوفي ق تج ٧

٨ عون بن معبن الهلالي الكوفي ق تج

١ عويم ابو الدرداء ق تج

١ عياش الدوري بصري ق تج

١ عياض بن ابي المهاجر ت بن تج

٢ عياض بن غاصم الكوفي ق تج

٣ عياض بن عبد الرحمن الكلبي الكوفي ق تج

١ عيسى بن ابرهيم العبدي ابو اسحق الكوفي ق تج

٢ عيسى بن ابي حجر ق تج

٣ عيسى بن ابي منصور شلفان قال الكشي قال محمد بن نصير حدثني محمد بن عيسى عن ابرهيم بن علي قال كان ابو عبد الله اذا راى عيسى بن ابي منصور قال من احب ان يرى رجلا من اهل الجنة فلينظر الى هذا كتب الي ابو محمد الفضل بن شاذان يذكر عن ابن ابي عمير عن ابرهيم بن عبد الحميد عن سعيد بن يسار عن عبد الله بن ابي يعفور قال كنت عند عبد الله اذا اقبل عيسى بن ابي منصور فقال اذا اردت ان تنظر الى خيار اهل الدنيا وخيار اهل الاخرة فانظر اليه قال ابو عمرو الكشي سالت حمدويه بن نصير عن عيسى فقال خير فاضل هو المعروف بشلفان وهو ابن ابي منصور واسم ابي منصور صبيح وقال النجاشي عيسى بن صبيح العرزمي جرير بن صلبة ق لركاب روى عنه الحسن بن محبوب قال الشيخ في الرجال عيسى بن ابي منصور الكوفي ثم قال عيسى بن شلفان ق ثم قال عيسى بن صبيح العرزمي ق وقال ابن داود اعلم ان عيسى بن ابي منصور غير عيسى بن صبيح العرزمي وان كان ابو منصور اسمه صبيح لكنه غير شلفان ومن اصحابنا من توهم اياه والشيخ رضي الله عنه قد بين اختلافهما انتهى والذي يخطر بنا الى تمام واحد كما يظهر من الكشي والخلاصة وما ذكره الشيخ مرة بعنوان ابن ابي منصور ومرة بعنوان ابن شلفان ومرة بعنوان ابن صبيح لا يدل على التعدد لان مثل هذا كثير في كلامه مع قطعنا بالاتحاد

٤ عيسى بن احمد بن عيسى بن المنصور ابو موسى السر من رائي دي روى عنه ابو الحسن محمد بن احمد بن عبد الله جش

٥ عيسى بن احمد المذابني الثقفي الذي ذكره ره بعنوان عيسى بن احمد بن عيسى

٦ عيسى بن اسحاق الكوفي روى عنه عبد الله بن المغيرة ق تج

٧ عيسى بن اعين الجريري الاسدي مولى كوفي ثقة ق وروى عن عبيد بن عيسى عن صاحب التبوب وهو الثياب البيض من القز لركاب روى عنه عبد الله بن جبلة جش لركاب روى عنه الحسن بن محمد بن سماعة ست

٨ عيسى بن اعين الشيباني اخو زرارة ق تج

وفي بعض الاخبار عيسى شلفان بدون لفظ ابن ولعله الصواب كما في الكشي عند ترجمة محمد بن ابي نرجس الآتي منه

٩ عيسى بن بكر بن عبد الله بن سعد الاشعري الكوفي
واخواه موسى وشعيب قرن ج وفي بعض النسخ عيسى
ابو بكر بن عبد الله بن سعد الى اخره فكانه الذي
سيجيء بعنوان عيسى بن عبد الله بن سعد

١٠ عيسى بن جعفر بن عاصم روى الكشي ان ابا
الحسن بن عاله وفي الطريق احمد بن هلال وهو ضعيف

١١ عيسى بن جعفر بن علي بن محمد بن علي بن موسى
بن جعفر بن محمد بن علي بن الحسين بن علي بن ابي طالب
المعروف بابن الرضا سمع منه الشافعي رأى ج

١٢ عيسى بن حسان روى عنه علي بن النعمان ق

١٣ عيسى بن حماد الخليد البكري الكوفي ق ج

١٤ عيسى بن حمزة المدايني الثقفي ق له كتاب روى
عنه عمرو بن سعيد جش ونقل ابن داود عن النجاشي
بعنوان عيسى بن احمد المدايني الثقفي ولم اجد النجاشي
الا كما نقلناه

١٥ عيسى بن حميد الشاكري الكوفي ق ج

١٦ عيسى بن حيان الكوفي ابو احمد النخعي ق ج

١٧ عيسى بن خليد الفراء الكوفي اسند عنه ق

١٨ عيسى بن داود البجاد كوفي من اصحابنا قليل الرواية
له كتاب التفسير روى عنه محمد ابن سالم بن عبد
الرحمن جش

١٩ عيسى بن راشد كوفي ثقة ق يعرف بابن كادر
له كتاب روى عنه محمد بن زياد جش وذكره داود با
عن النجاشي مهملا وقال انه يعرف بابي كادر ولعله سهو

٢٠ عيسى بن رشيد الكوفي ق ج

٢١ عيسى بن روضة حاجب المنصور وكان متكلما
جيد الكلام وله كتاب في الامامة وقد وصفه احمد
بن ابي طاهر في كتاب بغداد وذكر انه راى الكتاب
وقال بعض اصحابنا رحمهم الله انه راى هذا
الكتاب وقرات في بعض الكتب ان المنصور لما كان
بالحيرة سمع على عيسى بن روضة وكان مولاه
وهو يتكلم في الامامة فاعجب واستجاد كلامه جش

٢٢ عيسى بن زيد بن علي بن الحسين بن علي ابي
طالب ابو يحيى عداده في الكوفيين اسند عنه ق

٢٣ عيسى بن السري ابو البسع الكرخي بغدادي
مولى ثقة ق له كتاب روى عنه محمد بن سلمة
بن ابي نبيل جش له كتاب روى عنه ابن نهيك

٢٤ عيسى بن سوادة بن ابي الجعد النخعي مولاهم
كوفي ق ج

٢٥ عيسى بن شبرمة المذحجي ق ج

٢٦ عيسى بن صبيح ذكرناه بعنوان عيسى بن ابي منصور

٢٧ عيسى بن الصلت كوفي ق ج

٢٨ عيسى بن عبد الرحمن السلمي البجلي كوفي ق ج

٢٩ عيسى بن عبد الله بن سعد بن مالك الاشعري ق

ق م له مسائل للرضا روى عنه محمد بن الحسن بن ابي
خالد جش عيسى بن عبد الله العلوي له مسائل روى
عنه محمد بن الحسن بن ابي خالد ورواها احمد بن
محمد بن عيسى عن ابيه عن جده ست حدثني حمدون
بن نصير قال حدثنا محمد بن الحسن بن ابي الخطاب
عن احمد بن محمد بن ابي نصر عن يونس بن يعقوب قال
وحدثني محمد بن عيسى بن عبد الله عن يونس بن
يعقوب ان الصادق قبل بن عتبة وقال لاننا
منا اهل البيت عليهم السلام كش قال علي بن احمد
العقيقي انه يشبه اباه وكان وجها عند ابي عبد الله
مخصا بره وذكره د راويا عن الكشي انه ثقة ولم
اجد الكشي الا انا نقلناه ونظهر من الخلاصة وابن داود
ان عيسى بن عبد الله الذي غير عيسى بن عبد الله بن
سعد والظاهر انهما واحد كما يظهر من ملاحظة كلام
النجاشي مع ملاحظة كلام الشيخ في الفهرست

٣٥ عيسى بن عبد الله بن محمد بن عمر بن علي بن ابي
طالب له كتاب روى عنه ابو نهشة جش له كتاب
روى عنه النوفلي ومحمد بن علي الكوفي ست فق جخ

٣١ عيسى بن عبد الله الوابشي الكوفي فق جخ

٣٢ عيسى بن عبد الله الهاشمي له كتاب روى عنه احمد
بن هلال ست وكانه هو المذكور من قبل بعنوان
عيسى بن عبد الله بن محمد بن عمر

٣٣ عيسى بن عثمان مجهول ضاجخ

٣٤ عيسى بن علي بن جخ

٣٥ عيسى بن عمرو الانصاري روى عنه منصور
بن حازم فق جخ

٣٦ عيسى بن عمر الاسدي الكوفي نزل همدان
اسند عنه فق جخ

٣٧ عيسى بن عمر الثقفي عالم زيدي المذهب له جخ
وفي صه في موضع الثقفي التيمي وفي د راجع بخط
الشيخ رحمه الله الثقفي ولعله الصواب

٣٨ عيسى بن عيسى الكلابي مولى بني عامر وليس بالبراد
كوفي واقفي ضاجخ

٣٩ عيسى بن الفرج السندي فق جخ

٤٠ عيسى بن فضالة اللبثي الكوفي فق جخ

٤١ عيسى بن لقمان الزهري القرشي الكوفي اسند عنه فق جخ

٤٢ عيسى بن ماهان ابو جعفر الرازي فق جخ

٤٣ عيسى بن المستفاد ابو موسى البجلي الضرير د
ولم يكن بذلك له كتاب الوصية روى عنه ابو يوسف
الوحاظي والازهر بن بسطام بن وسيم والحسن بن
يعقوب جش له كتاب روى عنه عبيد الله بن عبد
الله الدهقان ست له رواية عن الكاظم وله كتاب
الوصية لا يثبت سنده وهو في نفسه ضعيف جض
وذكره د في الابابين

في ترجمة
في موضع احمد بن محمد
بن ابي نصر احمد بن محمد بن
عيسى والصحيح ويؤيده رواية
ابن ابي الخطاب عن احمد بن
محمد بن ابي نصر
منه رحمه

٤٤ عيسى بن مهران المسطف يكنى ابا موسى ثق كتب
روى عنه احمد بن محمد النوفلي حش له كتب روى عنه
احمد بن [illegible] بن موسى النوفلي وابو الحسن منصور
بن على الخزاز ست لم ج

٤٥ عيسى بن الوليد الهمداني كوفي ثقة له كتاب رو
عنه احمد بن الفضل حش

٤٦ عيسى بن هشام له كتاب يرويه محمد بن الحسين عنه حش

٤٧ عيسى بن يونس بن دوج له كتاب قم ج

١ عيص بن ابي شبيب ذكره الكشي ق ج

٢ عيص بن القاسم بن ثابت بن عبيد بن مهران
البجلي كوفي عربي يكنى ابا القاسم ثقة عين ق م هو
اخو الربيع ابنا اخت سليمان بن خالد الاقطع
له كتاب روى عنه صفوان بن يحيى حش له كتاب رو
عنه ابن ابي عمير ست وقال الكشي محمد بن خلف بن
حماد عن ابي سعيد الادمي عن موسى بن سلام
عن الحكم بن مسكين عن العيص بن القاسم قال
دخلت على ابي عبد الله مع خالي سليمان بن خالد
فقال لخالي من هذا الفتى فقال هذا ابن اختي قال
فعرفناكم قال نعم فقال الحمد لله الذي لم
يجعله شيطانا ثم قال يا بني اياكم والبطالة
احدثكم وتوذوني ويضمن لهم ان لا يخرج عليهم ابدا

١ عيينة بن ميمون ذكرناه بعنوان عيينة بن ميمون

باب الغين

١ غالب بن سهل الكلبي الكوفي ق ج

٢ غالب بن عبد الله ابو عاصم الكوفي ق ج

٣ غالب بن عبد الله العقيلي الجزري اسند عنه ج

٤ غالب بن عثمان الهمداني الشاعر كان زيديا
وروى عن الصادق ذكره احاديث مجموعة حش
غالب بن عثمان الهمداني وهو الشاعري الشاعر
كوفي اسند عنه يكنى ابا سلمة ق ج

٥ غالب بن عثمان المنقري مولى كوفي سمال
بمعنى كحال وقيل انه مولى العين ق ثقة له كتاب
يرويه عنه حش له كتاب روى عنه الحسن بن علي بن
فضال ست ق ج وقال عند ذكر اصحاب
الكاظم غالب بن عثمان واقفي والظاهر انه المنقري
كما يظهر من الخلاصة ايضا ثم قال لم وذكره في الباب
ولم يوثقه وينبغي ان يوثقه كما وثقه النجاشي و
العلامة قدس سرهما

٦ غالب بن الهذيل ابو الهذيل الشاعر الاسدي
مولاهم كوفي ق ج

١ غريز بن مقاتل الكندي مولى بني هاشم ق ج

١ غريف بن الوضاح الجعفي الكوفي ق ج

١ غسان بن غيلان الاسدي ق ج

١ غسان

٢ عثمان بن مالك بن عين ق ج

١ عورك بن ابى الحضر وابو عبد الله الحضرمى الكوفى ق ج

٢ عورك بن راشد الثعلبى كوفى ق ج

١ غياث بن ابرهيم النهمى الاسدى بصرى ثم كان الكوفة ثقة تقدم له كتاب روى عنه اسمعيل بن ابان بن اسحق الوراق خ ش له كتاب روى عنه محمد بن يحيى الخراز وزبدان بن عمرو والحسن بن على اللؤلؤى ست غياث بن ابرهيم ابو محمد النهمى الاسدى بصرى فرق م ج ثم قال فى باب من لم ان غياثا بن ابرهيم روى عنه محمد بن يحيى الخراز وذكره من غير توثيق وينبغى ان يوثقه كما وثقه النجاشى والعلامة قدس سره فى ص

٢ غياث بن كلوب بن منهس له كتاب روى عنه الحسن بن موسى الخشاب خ ش البجلى له كتاب عن اسحق بن عمار روى عنه الحسن بن موسى الخشاب ت روى عنه الصفار لم ج وفى د فى موضع منهس فليس وقال انه وهم وكانه اشتبه عليه والصواب كما نقلناه

١ غيلان بن جامع المحاربى ابو عبد الله الكوفى ق ج

٢ غيلان بن عثمان المزنى ابو سلمة الكوفى ق ج

باب الفاء

١ فارس بن حاتم بن ماهويه القزوينى نزيل العسكر قال روى الحديث الاشاذ له كتب خش قال ملعون دى ج فسد مذهبه وقتله بعض اصحاب ابى محمد بالعسكر لا يلتفت الى حديثه وله كتب كلها تخليط عض وذكر الكشى روايات كثيرة تدل على لعنه وكذبه وذكره د فى الباب ين ولم اجد وجها صالحا لذكره فى باب الثقات

٢ فارس بن سليمان ابو شجاع الارجانى شيخ من اصحابنا كثير الادب والحديث صحب يحيى بن زكريا القزمانشيرى ومحمد بن بحر الرهنى واخذ عنهما له كتاب خش

١ الفاكه بن سعيد قتل بصفين ى ج وفى د الفاكهة وهو سهو

١ فايد الجمال الكوفى فرق ج

٢ فايد الحناط كوفى قال ابن فضال روى عن الصادق والكاظم له كتاب يرويه عثمان بن عيسى خ ش ق ج

١ فتح بن يزيد ابو عبد الله الجرجانى صاحب المسائل روى عنه احمد بن ابى عبد الله خش له كتاب روى عنه المختار بن بلال ست صاحب

المسائل لابي الحسن واخلفوا ابنهم هو الرضا عليه
السلام ام الثالث والرجل مجهول والاسناد اليه
مدخول الخ ورواه في التهذيب في مبحث السعة
عن الرضا عليه السلام تدل على ان ابا الحسن هذا
هو الرضا وذكر الشيخ اباه في باب رجال الهادي
على انه الهادي

١ الفراء النحوي سيجيء بعنوان معاذ بن مسلم

١ فرات بن احنف العبد ابو محمد برمي بالغلو
التفريط في القول بن فرق تخ كوفي بن فرق كما
زعموا غال كذاب لا يرتفع به ولا يذكره غض قال العقيقي
انه كان ناهدا رافضا للدنيا ثم قال عن بعض شيوخنا
من اهل الكوفة انه كان يقول ان في محمد شبها من الله

٢ فرات بن عمرو يكنى ابا بشر وى تخ

١ الفراس بن جعدة بن زهير بن تخ
فرج السندلة كاب روى عنه احمد بن رباح جش

١ الفرزدق الشاعر يكنى ابا فراس بن تخ وادرج
علي بن الحسين عليهما السلام في وجه مشام حتى حبسه
قصته مشهورة ذكرها الكشي ايضا

١ فرقد الحجام الكوفي ق تخ

١ فضال بن المنذر الكوفي ق تخ

٢ فضال بن المنهال الطائي الكوفي ق تخ

١ فضالة بن الاسود الجهني كوفي ق تخ

فضالة بن ايوب الازدي عربي صميم سكن الاهواز ٢
ثم وكان ثقة في حديثه مستقيما في دينه له كاب الصلوة
قال لي ابو الحسن البغدادي السوراني في البزاز قال لنا
الحسين بن سعيد السوراني في كل شئ يراه الحسين بن سعيد
عن فضالة فهو غلط انما هو الحسين عن اخيه الحسن عن
فضالة وكان يقول ان الحسين بن سعيد لم يلق
فضالة وان اخاه الحسن تفرد بفضالة دون الحسين
ورايت جماعة يروي باسانيد مختلفة الطرق و
الحسين بن سعيد عن فضالة والله اعلم وكذا
ذرعة عن محمد الحضرمي وله كاب نوادر روى عنه
مهزيار رجش له كاب روى عنه احمد بن ابي عبد الله
ست ثقة صحاح ثم قال في باب من لم ان فضالة
بن ايوب روى عنه الحسين بن سعيد وقال الكشي
اجمعت العصابة على تصحيح ما يصح عن فضالة بن ايوب
وقال بعضهم مكان فضالة عثمان بن عيسى و
ذكره د من غير توثيق والوجه غير ظاهر

فضالة بن العبيد لم تخ ٣

الفضل بن ابي قرة اليمامي السمندي بلدي من ذرى بابجا ١
انتقل الى ادرنبة ق لم يكن بذاك له كاب روى عنه
شريف بن سابور جش ق تخ ثم قال روى محمد
عن ابرهيم بن سليمان عنه لم وقال ابن الغضائري
ابو محمد ضعيف وذكره د في الكنايين

الفضل

ونقل العلامة في حقه عن شيخ رحمه الله
انه يرمى بالغلو والتفويض في الفعل
والصواب التفريط في الفعل كما
نقلناه منه

٢ الفضل بن اسمعيل الكندي رجل من اصحابنا فاضل
له كتاب روى عنه محمد بن علي بن ابو بث
جزء له كتاب روى عنه محمد بن علي بن محبوب ست
٣ الفضل بن الحرث كرخي وقال الكشي حدثني
احمد بن كاثوم قال حدثني اسحق بن محمد البصري
قال حكى الفضل بن الحارث قال كنت بترمذ
وقت خروج سيدنا ابي الحسن عليه السلام فرايتنا
اباه محمدا ما شبا فدشق شبابه فجعلت اتعجب من جماله
وما هو لاهل ومن شدة اللون والادمة و
اشفق عليه من التعب فلما كان الليل ناينه وقمنا
فقال اللون الذي يعجب منه اختبارا لله خالقه يحمد
كيف يشاء وانها العبرة في الابصار لا يقع فيه على
المخبر ذم ولسنا كالناس نبعث كما يبعثون لسنا الله
الثبات والتفكر في خلق الله فان فيه منفعا واعلم
ان كلامنا في النوم مثل كلامنا في اليقظة قال ابو
عمرو فدل هذا الخبر على ان الفضل يؤمن في القول
والله اعلم وقال العلامة في صدد لبس في هذا
الحديث عندي دلالة على مدح او جرح فنحن في توقف
من الموقفين وذكره تمرة في باب الثقات وقال
لم اكن ممدوحا ثم ذكره في باب الضعفاء وقال
ج مجهول الحال انتهى وفيه نظر من وجوه
١٤ الفضل بن الحسن بن الفضل امين الدين ابو

على الطبرسي ثقة فاضل دين عين من اجلاء هذه
الطائفة له تصانيف حسنة منها كتاب مجمع البيان
في تفسير القرآن عشر مجلدات والوسيط في التفسير
اربع مجلدات والوجيز مجلدة انتقل رحمه الله من
المشهد المقدس الرضوي على ساكنه من الصلوة افضلها
ومن التحيات اكملها الى سبزوار في شهور سنة ثلاث
وعشرين وخمسمائة وانتقل بها الى دار الخلود
ليلة الخميس سنة ثمان واربعين وخمسمائة رضي الله عنه
٥ الفضل بن خالد سيجيء مع محمد بن خالد البرقي
٦ الفضل بن الربيع قرخ
٧ الفضل بن الزبير الوشاء قرخ وعند ذكر
اصحاب الصادق الفضيل كما سيجيء وذكره ج
بعنوان الفضل ونقل عن الكشي مدحه ولم اجد في
الكشي مدحه نعم مدح عبد الله بن الزبير الوشاء
موجود فيه
٨ الفضل بن سليمان الكاتب البغدادي كان
يكتب للمنصور والمهدي وهو ان الخراج قوم و
صنف كتاب يوم وليلة روى عنه محمد بن موسى
المدائني جش
٩ الفضل بن سنان نيشابوري وكيل ضا ج
١٠ الفضل بن سهل ذو الرياستين ضا ج
١١ الفضل بن شاذان بن الخليل ابو محمد الازدي

النبشا بوري كان ابوه من اصحابنا بوشنج وروى عن ابي
جعفر الثاني وعلي الرضا عليه السلام ايضا وكان شيخ
اصحابنا الفقهاء والمتكلمين وله جلالة في هذه
الطائفة وهو في قدره اشهر من ان نصفه لكن روى
عنه علي بن احمد بن قتيبة النبشا بوري حبشي متكلم
فقيه جليل القدر له كتب روى عنه علي بن محمد بن
قتيبة وعلي بن شاذان ست دبي كرنج وروى
الكشي ان الفضل بن شاذان رحمه الله يروي
عن جماعة منهم محمد بن ابي عمير وصفوان بن يحيى
والحسن بن محبوب والحسن بن علي بن فضال
ومحمد بن اسمعيل بن بزيع ومحمد بن الحسن الواسطي
ومحمد بن سنان واسمعيل بن سهل وعن ابيه شاذان
بن الخليل وابي داود المسترق وعثمان بن المبارك
وعثمان بن عيسى وفضالة بن ايوب وعلي بن الحكم
وابرهيم بن هاشم وابي هاشم داود بن القاسم الجعفري
والقاسم بن عروة وابن ابي نجران وقال العلامة
قدس سره في حقه نقل الكشي عن الائمة مدحه ثم ذكر
مثالبه فلذا اجتنبا عنه في كتابنا الكبير وهذا
الشيخ اجل من ان يغمز عليه قاتر ويلحقه طاعن وضحي
١٢ الفضل بن عامر روى عنه سعد بن عبد الله ج
١٣ الفضل بن العباس لم يخ
١٤ الفضل بن عبد الرحمن بغدادي متكلم جيد الكلام

قال ابو عبد الله الحسين بن عبيد الله رحمه الله كان
عندكاتبه في الامامة وهو كاتب كبير حبش
١٥ الفضل بن عبد الملك ابو العباس مولى كوفي
ثقة عين ثقة كاتب بروبنه داود بن حصين حبش
البقباق كوفي ثقة ج وقال الكشي قال محمد بن مسعود
حدثنا عبد الله بن محمد قال حدثني ابن المسترق عن
عبد الله بن راشد عن عبيد بن زرارة قال دخلت
على ابي عبد الله وعنده البقباق فقلت لرجل
فداك رجل احب بني امية اهو معهم قال نعم قلت رجل
احبكم اهو معكم قال نعم قلت وان زنى وسرق قال
فنظر الي البقباق فوجد منه غصة ثم اومى براسه
١٦ الفضل بن عثمان المرادي الصابغ الاعور
ابو محمد الاعور مولى ثقة ثقة وهو ابن اخت علي بن
مهزيار المعروف بابي الاكراد له كتاب روى عنه محمد
بن ابي عمير حبش وفضيل الاعور له كتاب روى عنه علي
بن عبد العزيز بن ستة ثم قال بل الفضل فضيل بن
عثمان الصيرفي له كتاب روى عنه الحسن بن محمد
بن سماعة واظن انهما واحد وهو فضيل الاعور
انتهى وقال الشيخ في الرجال فضيل بن عثمان الاعور
المرادي الكوفي ثم قال الفضل وبقال الفضيل
بن عثمان المرادي كوفي ابو محمد الصابغ الاعور ثقة
ثم قال الفضيل بن عثمان المرادي وبقال الفضل

للاعور

الاعور الصائغ الابناوی ابن اخت علی بن میمون فی
وقال العلامة قدس سره فی صه الفضل بن عثمان
المرادی الصائغ الابناوی ابو محمد الاعور ثقة ثقة
قی انتهی وعلی ما نقلناه من کلام القوم رضی الله عنهم
یظهر فساد کلام ابن داود من وجوه اربعة فتدبر وقد
عد بنانه الفضل بن عثمان المرادی کذا وانه فی
بعض کتب اصحابنا ورایت بخط الشیخ ابی جعفر رحمه
الله فی کتاب الرجال الفضیل مصغرا کوفی ابو محمد
الصائغ قی جخ مولی ثقة وهو ابن اخت علی بن میمون
المعروف بالاکراد انتهی وذکره هو ایضا فی ذکر
اصحاب الباقر علیه السلام فی شانهم ثقة ثقة مر بعنوان
الفضل مکبرا

١٧ الفضل بن عذراء الصبرفی الکوفی قی جخ
١٨ الفضل بن عطاء العجلی الکوفی قی جخ
١٩ الفضل بن العلاء البجلی البصری صله کونی اسند
عنه قی جخ
٢٠ الفضل بن عمارة الازدی الکوفی قی جخ
٢١ الفضل بن عیسی الهاشمی قی جخ
٢٢ الفضل بن غزوان الضبی مولاهم کوفی قی جخ
٢٣ الفضل بن کثیر بغدادی دی جخ
٢٤ الفضل بن محمد الاشعری لکاب روی عنه الحسن
بن علی بن فضال جش لم جخ

٢٥ الفضل بن المختار البصری قی جخ
٢٦ الفضل مولی محمد بن راشد قی جخ
٢٧ الفضل بن یونس الکاتب البغدادی ثم ثقة
لکاب روی عنه الحسن بن محبوب جش الفضل
بن یونس الکاتب اصله کونی تحول الی بغداد
مولی فافهم ثم جخ وروی الکشی ما یدل علی مدحه

١ فضیل بن الزبیر الاسدی مولاهم کوفی الرساء
قی جخ وقد ذکرناه بعنوان الفضل ابیه
٢ فضیل بن سعد الجعفی مولاهم کوفی قی جخ
٣ فضیل بن سعدان قی جخ
٤ فضیل بن سکره کوفی قی جخ
٥ فضیل بن سلیمان المدائنی قی جخ
٦ فضیل بن سوید الاسدی کوفی قی جخ
٧ فضیل بن شریح قی جخ
٨ فضیل بن عامر المزنی کوفی قی جخ
٩ فضیل بن عبید الله الانصاری المدنی قی جخ
١٠ فضیل بن عثمان الاعور ذکرناه بعنوان الفضل
١١ فضیل بن عیاض بصری ثقة عامی روی عن
الصادق علیه السلام روی عنه سلیمان بن داود جش
١٢ فضیل بن غیاث مجهول قی جخ
١٣ فضیل بن فضالة الثعلبی کوفی قی جخ
١٤ فضیل بن محمد بن راشد مولی الفضل البقباق

ابو العباس كوفي له كتاب ثقة قاله البرقي في صه وتحمل الرواية
في كتاب البرقي الفضل الضبي فالى اخره اسما بواسطة
تقدم الفضل مولى محمد بن راشد فلينامل

١٥ فضيل بن مرزوق الكوفي قف ق خ

١٦ فضيل بن مبشر الكوفي قرق خ

١٧ فضيل بن يسار النهدي ابو القاسم عربي صميم ثقة
قرق ومات في ايامه وقال ابن نوح يكنى ابا مسعود
له كتاب روى عنه حماد بن عيسى وهرون بن عيسى
خ ش ابو علي بصري ثقة قرق خ اجمعت العصابة
على تصديقه والاقرار له بالفقه ش ثم ذكر الكشي
روايات كثيرة تدل على جلالة قدره وعلو منزلته رضي
الله عنه روى عنهما ابان بن عثمان كما يظهر من
باب حكم الجنابة من التهذيب وغيره

١ فطر بن خليفة ابو بكر المخزومي تابعي قرق خ

١ فليح بن ابي بكر الشيباني قرخ

٢ فليح بن سليمان ابو يحيى المدني كوفي قف خ

٣ فليح بن محمد بن المنذر بن الزبير العوام القرشي
المدني قف خ

١ فهيان بن غايش البشكري كوفي قف خ

١ فهير ابو الاسود مولى العنويين كوفي قف خ

١ فيروز بن كعب الازدي كوفي قف خ

١ الفيض بن عبد الحميد الهذاني مولاهم كوفي
قف خ

٢ الفيض بن المختار الجعفي كوفي قرق ثقة عين له
كتاب يرويه ابنه جعفر خ له كتاب روى عنه ابو اسحق
ابرهيم بن سليمان بن حيان سنة وقال المفيد
رحمه الله في ارشاده انه من شيوخ اصحابنا الصالحين
وخاصته وبطانته وثقاته الفقهاء الصالحين وذكره
ذ من غير توثيق وينبغي ان يوثقه كما وثقه النجاشي
والعلامة في صه

٣ الفيض بن مطر العجلي انماطي كوفي قف خ

١ فيض الله بن عبد القاهر الحسيني الفرشي سيدنا
الطاهر كبير العلم عظيم الحلم متكلم فقيه ثقة عين
كان مولده في الفرش ومحصله في مشهد الرضا
صلوات الرحمن عليه واليوم من سكان عتبة جده
بالمشهد المقدس الغروي على ساكنه من الصلوة
افضلها ومن التحيات اكملها مد الله في عمره حتى
الخلق سهل الخليقة لين العريكة كل صفات الصلحاء
والعلماء والاتقياء مجتمعة فيه له كتب منها حاشية
على المختلف وشرح الاستغاثة يير

مات رحمه الله في شهر رمضان سنة
خمس وعشرين بعد الالف ودفن
في المشهد المقدس الغروي على ساكنه
من الصلوات افضلها ومن
التحيات اكملها

فيهمس له اخبار روى عنه محمد بن حسان الرازي
ست لم خ

باب القاف

١ قاسم بن عبد الله بن خ

١ القاسم بن ارقم العنزي الكوفي ق تج

٢ القاسم بن اسباط مجهول ضا تج

٣ القاسم بن اسحق بن عبد الله بن جعفر بن ابي
٤ طالب المدني الهاشمي ق تج

٤ القاسم بن اسمعيل القرشي يكنى ابا محمد المنذر
روى عنه جماعة اصولا كثيرة لم تج

٥ القاسم البرسي ابن ابرهيم عن ابيه وغيره عن جعفر بن
محمد وروايته هو عن موسى بن جعفر روى عنه احمد بن
المغلس ابو العباس جش

٦ القاسم بن برند بن معوية العجلي ثقة وله كتاب يرويه
فضالة بن ايوب جش ق م تج

٧ القاسم بن بهرام ابو هدان قاضي هيت ق تج

٨ القاسم بن حبيب سبن تج

٩ القاسم بن الحسن بن علي بن بفطين بن موسى
ابو محمد مولى بني اسد سكن قم وما اظن له كتابا
بنسب اليه الا زيادة في كتاب النجل والمروة للحسين بن
سعيد وكان ضعيفا على ما ذكره ابن الوليد جش
حديثه نعرفه وننكره ذكره القميون انه في مذهبه
ارتفاعا والاغلب عليه الخبر عض وقال العلامة في خ
بعد نقل كلام ابن الغضايري وهذا يعطي تعديله
منا انتهى وفي اعطائه النعت بل نظر ويحتمل ان يكون
هذا هو الذي يجيء بعنوان القاسم الشعراني البفطيني

١٠ القاسم بن الحسين البوشنجي صاحب ايوب بن نوح ق تج

١١ القاسم بن خليفة كوفي ثقة قليل الحديث له كتاب
روى عنه يحيى بن زكريا اللؤلؤي جش وذكره
من غير توثيق وينبغي ان يوثقه كما وثقه النجاشي والعلا

١٢ القاسم بن الذيال الهذلي المشرقي كوفي ق تج

١٣ القاسم بن الربيع ابن بنت دنبل الشحام له كتاب يرويه
احمد بن علي بن ابرهيم بن هشام عن ابيه عنه وروى
عنه جعفر بن محمد بن مالك جش القاسم بن الربيع الصحا
كوفي ضعيف في حديثه غال في مذهبه لا القاسم
البه ولا ارتفاع به عض ولا يبعد ان يكون ما ذكره
النجاشي وابن الغضايري واحدا وذكره في الباب

١٤ القاسم بن سالم ابو خالد البياع السابري الكوفي
ق تج

١٥ القاسم بن سليمان بغدادي له كتاب رواه
النضر بن سويد جش ق تج

١٦ القاسم بن سويد الجعفي الكوفي ق تج

١٧ القاسم الشعراني البفطيني يرمى بالغلو ذي تج
من الغلاة في وقف علي بن محمد العسكري كش

١٨ القاسم الصيقل ذي تج

١٩ القاسم بن عبد الرحمن الخثعمي الكوفي ق تج

٢٠ القاسم بن عبد الرحمن الصيرفي شريك بن مفضل
بن عمر كوفي ق تج وفي كتاب الروضة من الكافي

تج

محمد بن يحيى عن احمد بن محمد بن عيسى عن علي بن النعمان
عن القاسم شريك المفضل وكان رجلا صدقا

٢١ القاسم بن عبد الله الحضرمي كوفي ق ج

٢٢ القاسم بن عبد الله بن عمر بن حفص بن عاصم بن عمر بن
الخطاب القرشي المدني اسند عنه ق ج

٢٣ القاسم بن عبد الملك ق ج

٢٤ القاسم بن عبيد ابو كهمس روى عنه الحجاج الحنبا
كذا يظهر من كتاب الدعاء من الكافي

٢٥ القاسم بن عروة ابو محمد مولى ابي ايوب الخوزي
بغدادي وبها مات ق له كتاب روى عنه البزوفري
وعبيد الله بن احمد بن نهيك جش له كتاب روى
عنه الحسين بن سعيد ومحمد بن خالد البرقي وزرعة
ابو جعفر المنصور كش ق ج ثم قال في باب من لم
ان القاسم بن عروة روى عنه البرقي احمد

٢٦ القاسم بن العلاء من اهل اذربيجان قال
ابن طاوس في ربيع الشيعة انه كان من وكلاء
الناحية

٢٧ القاسم بن العلاء الهمذاني روى عنه الصفواني ج

٢٨ القاسم بن عمارة الازدي الكوفي ق ج

٢٩ القاسم بن عوف الشيباني وكان مخلف بن علي
بن الحسين ومحمد بن الحنفية بن ج ذ في البابين

٣٠ القاسم بن الفضيل بن يسار النهدي البصري ابو
محمد نسخة له كتاب يرويه محمد بن ابي عمير جش البصري ق ج

٣١ القاسم بن الفضيل مولى بني سعد كوفي ق ج ذ
يحتمل اتحاد الاثنين ان يكون هذا هو المذكور
قبل هذا

٣٢ القاسم بن محمد بن ابي بكر بن فر ج وفي الكافي
في مولد ابي عبد الله جعفر بن محمد عليهما السلام محمد
بن يحيى عن احمد بن محمد عن عبد الله بن احمد عن ابرهيم
بن الحسن قال حدثني وهيب بن حفص عن اسحق بن
جرير قال قال ابو عبد الله عليه السلام كان سعيد
بن المسيب والقاسم بن محمد بن ابي بكر وابو خالد الكابلي
من ثقات علي بن الحسين عليهما السلام

٣٣ القاسم بن محمد الازدي من اصحاب الباقر يحيى ج

٣٤ القاسم بن محمد الاصفهاني المعروف بكاسولا له
كتاب روى عنه احمد بن ابي عبد الله سئل القاسم بن
محمد القمي يعرف بكاسولا لم يكن بالمرضي له كتاب نوادر
روى عنه البرقي جش لم يخ ابو محمد يعرف حديثه تارة
وينكر اخرى ويجوز ان يخرج شاهدا غض

٣٥ القاسم بن محمد بن ايوب بن مهمون من جلة
اصحابنا جش عد ترجمة ابنه الحسين وفي ضمانه
ليس هو كاسولا

٣٦ القاسم بن محمد الجوهري كوفي سكن بغداد له
كتاب روى عنه الحسين بن سعيد جش له كتاب روى

عنه ابو عبد الله البرقي والحسين بن سعيد ست القاسم
بن محمد الجوهري له كتاب واقفي قوي وروى عن
علي بن ابي حمزة وعنه ج ثم قال في باب من لم ان
القاسم بن محمد الجوهري روى عنه الحسين بن سعيد
وقال الكشي القاسم بن محمد الجوهري لم يلق ابا عبد
الله وقال انه كان واقفيا وقال ابن داود اقول
ان الشيخ ذكر القاسم بن محمد الجوهري في رجال الكاظم
وقال كان واقفيا وذكر في باب من لم يرو عن الائمة
القاسم بن محمد الجوهري روى عنه الحسين بن سعيد
فالظاهر انه عنده والاخير ثقة انتهى وفيه نظر من وجهين
اما اولا فلان الذي يظهر من كلام النجاشي مع ملاحظة
كلام الشيخ في كتابيه يدل على انه رجل واحد وذكر
الشيخ قدس سره اياه مرة في باب رجال الكاظم ومرة
في باب من لم يرو عن الائمة لا يدل على تغايرهما الا
مثل هذا كثير في كتابه مع قطعنا بالاتحاد مثل ذكره في
بن محمد الاشعثي مرة في باب رجال الصادق
ومرة في باب من لم ومثل ذكره
فضالة بن ايوب مرة في اصحاب الكاظم ومرة في اصحاب الرضا
ومرة في باب من لم ومثل ذكر محمد بن علي النيطيني مرة في
باب اصحاب الهادي ومرة في باب اصحاب العسكري ومرة
في باب من لم ومثل ذكر القاسم بن عروة مرة في باب
اصحاب الصادق ومرة في باب من لم وغيرهم وان كان

هذا منافيا لقوله قدس سره في عنوان الكتاب وقد جئت الى
ما تكرر سؤال الشيخ الفاضل فيه من جمع كتاب يشتمل على
اسماء الرجال الذين رووا عن رسول الله وعن الائمة
من بعده الى زمن القائم ثم اذكر بعد ذلك من لم اخر رواية
عن الائمة من رواة الحديث ومن عاصرهم ولم يرو عنهم
واما اثبات فلان قوله والاخير ثقة ليس بمستقيم لانا لم
اجد في كتب الرجال توثيقه اصلا

٣٧ القاسم بن محمد الخلفاني كوفي ذهب الاحمر له كتاب
نوادر روى عنه احمد بن مشيم جش

٣٨ القاسم بن محمد بن علي بن ابراهيم بن محمد الهمداني
وكل الناحية جش عند ترجمة محمد بن علي بن ابراهيم محمد الهمداني

٣٩ القاسم بن مسلم مولى امير المؤمنين كان مسلم من
عنايته وكان يكتب بين يديه ق ج

٤٠ القاسم بن معن بن عبد الرحمن بن عبد الله بن
مسعود المسعودي ق ج

٤١ القاسم بن موكب ق ج

٤٢ القاسم بن الوليد الفرشي الهادي ق له كتاب رواه
علي بن الحسن بن رباط والحسن بن الحسين جش

٤٣ القاسم بن الهروي مجهول كش عند ترجمة يونس بن
ظبيان

٤٤ القاسم بن هشام اللؤلؤي روى عن ابي ايوب كر
ج له كتاب روى محمد بن عثمان جش وقال الكشي سألت

١٠١

ابا الخير محمد بن مسعود عن القاسم بن هشام قال رايته
خيرا فاضلا وكان يروى عن الحسن بن محبوب وينقل
العلامة في صه هذا عن الكشي عن النضر وينقل عن الكشي
عن محمد بن مسعود كما نقلناه ولعل الصواب

٤٥ القاسم بن يحيى بن الحسن بن راشد روى عنه محمد
بن عيسى بن عبيد كابر عن موالي المنصور روى عن
جده ضعيف عض ضا ج له كتاب روى عنه احمد بن
ابي عبد الله واحمد بن محمد بن عيسى ست

١ القاني خادم ابي الحسن مجهول م ج

١ قبيصة بن شداد ى ج

٢ قبيصة بن مخارق ل ج

١ قتادة بن النعمان ل ج

١ قرة الشاعر ى ج

١ قتيبة بن محمد الاعشى المؤدب ابو محمد الكفري مولى
الازد ثقة عين ى له كتاب يرويه عدة من اصحابنا
روى عنه احمد بن ابي بشر البزاز حين له كتاب روى عنه
القاسم بن اسمعيل ست ق ج ثم قال عند باب من
لم ان قتيبة الاعشى روى عنه القاسم بن اسمعيل
الظاهر انهما واحد

١ قثم بن العباس بن عبد المطلب ى نج

٢ قثم بن كعب الجعفري كوفي ق ج

١ قدامة بن ابرهيم بن محمد ق ج

قدامة بن الحر بن الكوفي ق ج ٢

قدامة بن حنيفة ق ج ٣

قدامة بن زايدة الثقفي الكوفي ق ج ٤

قدامة بن سعيد بن ابي زايدة قرق ج ٥

قدامة بن عاصم الازدي ق ج ٦

قدامة بن فرقد السلمي ق ج ٧

قدامة بن مظعون شهد بدرا ل ج ٨

قدامة بن موسى الكوفي ق ج ٩

قدامة بن يزيد الجعفي بياع الخز ق ج ١٠

قرض بن حصن الكوفي ق ج ١

قرظة بن كعب دفع اليه امير المؤمنين زايدة الانصار ١
يوم حوزه الى الحنفيين ى ج في باب الكنى

قطبة بن مالك ل ج ١

القعقاع بن عمر النهمي ت ج ١

قطب الدين محمد بن محمد بن ابي جعفر الراوندي سجن ١
بعنوان محمد بن محمد

قعنب بن اعين اخو حمران قال العلامة في صه ١
قال الكشي قال علي بن الحسن بن فضال انه مرجئ وعن
محمد بن عيسى بن عبيد عن الحسن بن علي بن فضال
انهما ليسا من هذا الامر في شئ واشار الى قعنب ومالك
بن اعين وروى علي بن احمد العقيقي عن ابيه عن احمد
بن الحسن عن اشياخه ان قعنب بن اعين كان مخالفا

انتهى وما نقلته من الكشي بعد قوله برجل روى الكشي عن
حمدويه عن محمد بن عيسى بن عبيد الخ فكأنه سقط من القلم

١ قثا شا الكوفي ق ج

١ قنبر مولى امير المؤمنين عليه السلام ع ج مشكور

١ قنبره بن علي بن شاذان يكنى ابا نصر روى عن
ابيه عن الفضل بن شاذان روى عنه حمزة بن
محمد العلوي الذي روى عنه ابن بابويه لم ج
جليل القدر د

١ قيس ابو اسمعيل الكوفي ق ج وفي الكافي علي بن
ابرهيم عن ابيه ومحمد بن اسمعيل عن الفضل بن شاذان
جميعا عن ابن ابي عمير عن ابرهيم بن عبد الحميد عن
قيس ابي اسمعيل وذكر انه لا باس به من اصحابنا الخ

٢ قيس بن ابي احمد ى ج

٣ قيس بن ابي مسلم الاشعري سجستي يعنون قيس بن رمانة

٤ قيس بن الربيع نهدي قرج ج بزي كش

٥ قيس بن رمانة الاشعري قرج ثم قال عند ذكر
اصحاب الصادق ع قيس بن ابي مسلم الاشعري الكوفي
وامه رمانة يكنى ابا المفضل وروى الكشي عن حمدويه
وابرهيم قالا حدثنا الحسن بن موسى قال حدثني علي بن
اسباط عن قيس بن رمانة قال اتيت ابا جعفر فشكوت
اليه الدين وخفة المال قال فقال ايت قبر النبي
فاشك اليه وعد الي قال فذهبت ففعلت الذي

ا ثم رجعت اليه فقال ارفع المصلى وخذ الذي
تحته قال فرفعته فاذا تحته دنانير فقلت لا والله
جعلت فداك ما شكوت اليك شيئا قال فقال لي
خذها ولا تخبر احدا بحاجتك بعد يومك هذا فاخذتها
فاذا هي ثلثمائة دينار

٦ قيس بن زراره مولى كنده كوفي ق ج

٧ قيس بن زيد الاسدي مولاهم كوفي ق ج

٨ قيس بن سعد بن عباده وهو ممن لم يبايع ابا
بكر ى ن ج ق وروى الكشي عن الفضل بن شاذان
انه من الثمانية الذين رجعوا الى امير المؤمنين وقال
الكشي ايضا قال محمد بن مسعود قال علي بن الحسن قال
معمر بن خلاد قال قال ابو الحسن الرضا ان رجلا
من اصحاب علي ع يقال له قيس كان يصلي فلما صلى ركعة
اقبل اسود حالك فضاز في موضع السجود فلما تنحى
جبينه عن موضعه بطوق الاسود في عنقه ثم انشاب في
بطنه واذا اقبل يوما من الفرع محضرت الصلوة
فتوضأت وصرت الى ثمانية فلما صليت ركعة اقبل الخ
نحوي فاقبلت على صلوتي لم اخفها ولم انقص منها
شيئا فذهب ثم رجع الى ثمانية فلما فرغت من صلوتي
ولم اخفف دعائي دعوت بعضهم معي فقلت دونك
الا في تحت الثمانية ومن لم يجف الا الله كفاه قال ابو
عمر الكشي في اصحاب امير المؤمنين اربعة نفر واكثر يقال

كل واحد منهم فليس فلا اعلم انهم هذا اول الا ويقال فليس
بن سعد بن عبادة وهو امبرهم وافضلهم وفليس بن عبا
البكرى وهو خليق ابيه بهذا ان كان وفليس بن فروة
بن حبيب غير خليق به لانه هرب الى معوية وفليس بن مهران
ايضا خليق ذلك به فكل هؤلاء صحبوا امير المؤمنين
ولا ادرى انهم اراد ابو الحسن الرضا بهذا الخبر

٩ فليس بن عباد البكرى ى ج مشكور صه د
نقلنا بعض احواله عند ترجمة فليس بن سعد عن الكشى
الا ان ابنه فليس بن عباده البكرى

١٠ فليس بن عباد بن فليس بن ثعلبة البكرى ممدوح
ى ج والظاهر ان يكون هذا هو المذكور قبل هذا

١١ فليس بن عبادة الازدى الكوفى ق ج

١٢ فليس بن عبد ربه ى ج

١٣ فليس بن العفوية ى ج

١٤ فليس بن عماد بن حبان مرتب الامر صه د

١٥ فليس بن عمارة الازدى الغامدى كوفى ق ج

١٦ فليس بن عوف الذى ذكره د حيث قال فليس بن
عوف بن كثير ممدوح لم اجده فى كتب الرجال نعم فى
رجال على بن الحسين بن القاسم بن عوف مذكور

١٧ فليس بن فروة مهرب الى معوية ى ج وذكرنا عند
ترجمة فليس بن سعد

١٨ فليس بن مهران ى ج وفى بعض النسخ من الكشى
فليس بن مهران كما نقلناه عند ترجمة فليس بن سعد
فى د فليس بن فهدان ممدوح

١٩ فليس بن كعب الثمادا الكوفى ق ج فهران

٢٠ فليس الماصردوى الكلبى عن على بن ابرهيم
عن ابيه عن ذكره عن يونس بن يعقوب انه احسن كلاما
من هشام بن الحكم وحمران بن اعين والاحول وقد
تعلم الكلام من على بن الحسين ودوى عن الصادق
انه قال للغيرات والاحول قفا ذان حاذقان

٢١ فليس بن محمد بن حيان الهذانى ق ج

٢٢ فليس بن مسهر الصيداوى ى ج

٢٣ فليس بن موسى الساباطى وثقه النجاشى عند ترجمة
اخيه عماد

٢٤ فليس بن مهاجر المرتبى كوفى ق ج

٢٥ فليس بن مهران نقلناه عند ترجمة فليس بن سعد
وفى ج فليس بن فهران كما نقلناه

٢٦ فليس بن يزيد ى ج

٢٧ فليس بن يعقوب بن فليس البجلى الدهنى الكوفى
ابو عمارة ق ج

باب الكاف

١ كافور الخادم ثقه د ى ج وفى ق انه من رجال الكاظم
ولم اجد له فى رجال الهادى كما نقلناه

١ الاول كامل الوصاف مجهول ق ر ج وفى صه الرضا فى

٢ كامل بن سوادة المرهبي مولاهم كوفي ق ج

٣ كامل بن العلاء التمار الكوفي ق ج

١ كثير بن الاسود السلمي كوفي ق ج

٢ كثير بن جعفر بن ابي كثير المدني ق ج

٣ كثير بن طارق ابو طارق القبري من ولد قنبر مولى علي بن ابي طالب روى عن زيد وغيره له كتاب روى عنه محمد بن زكريا المالكي حش وذكره في الباب ٢

٢ كثير الطويل قال علي بن احمد العقيقي انكر هذا الامر وسند ما رواه ضعيف جدا فلا تعويل على ذلك صه ,

٥ كثير بن عباش صغير وخرج امام ابي البرابا صه فاضافه جواهه وكان قائما صه

٦ كثير بن فاروذ ابو اسمعيل الطواف ج وسيجيء معنا في بعنوان كثير الطواف

٧ كثير بن كليم ابو الحرث وقيل ابو الفضل كوفي ثقة قرق حش كثير بن كليمة الكوفي ق ج

٨ كثير بن مرة الحضرمي ق ج

٩ كثير النوابي قرق ج بشر كش وقال العلامة في صه رواه عن البرقي انه عامي وذكرنا بعض احواله عند ترجمة سلمة بن كهيل

١ كرام بن عبد الكريم تقدم في بعنوان عبد الكريم بن عمرو

١ كردوس الثعلبي ج

كردويه الهمذاني قال العلامة في المختلف في مسئلة الخلع التي لم يرد فيها نص كردويه لا اعرف حاله فان كان ثقة فالحديث صحيح

١ كردين سيجيء بعنوان مسمع

١ كريم بن سعد البجلي الكوفي ق ج

٢ كريم بن عامر الازدي الكوفي ق ج

١ كعب بن اسود المدني ق ج

٢ كعب بن ذبدي ج

٣ كعب بن سلامة بن زيد ابو عامر الازدي الكوفي ق ج

٤ كعب بن عاصم ابو مالك الاشعري وقيل اسمه عبد ل ج

٥ كعب بن عبد الله ق وكان معه في الجمل وصفين وغيرهما ج

٦ كعب بن عجرة ل ق ج

٧ كعب بن عمرو ابو اليسر ل ج

٨ كعب بن عبرة ق ج

٩ كعب بن مالك ل ج

١ كعيب بن عبد الله مولى بني طريف كوفي ثقة ذكره في اصحاب الرجال له كتاب روى عنه العباس بن عامر حش كعيب مولى بني طريف ق ج وفي ذكر كعب وفي صه كعيب كما في النجاشي والرجال ولعله الصواب

اقدم

١٠ كلثوم بن زيد ق تج

٢ كلثوم بن سليم الذي ذكره سيجئ في باب النساء

١ الكلح الضبي وكان على حال امير المؤمنين يوم صفين ى تج

١ كليب بن الاسود العامري ق تج

٢ كليب بن شهاب الجرمي ى تج

٣ كليب بن عبد الملك بن ابي عبيدة ق تج

٤ كليب بن معوية بن حبيلة الصيداوي الاسدي ابو محمد وقيل ابو الحسين ق ذى اسنة محمد بن كليب روى عن الصادق له كتاب رواه جماعة منهم عبد الرحمن بن ابي هاشم جش له كتاب روى عنه صفوان وابن ابي عمير ست كليب بن معوية الاسدي ق تج ثم قال في باب من لم ان كليب بن معوية الاسدي روى عنه صفوان وروى الكشي بطريق فيه الحسين بن مختار ان الصادق ترحم عليه ثم روى عن ايوب بن نوح عن صفوان بن يحيى عن كليب بن معوية الاسدي قال سمعت الصادق يقول والله انكم لعلى دين الله ودين ملائكته فاعينوه بورع واجتهاد فوالله ما يتقبل الا منكم فاتقوا الله وكفوا السنتكم وصلوا في مساجدكم فان المد الفوضى فقيل ثم قال روى عن محمد بن معلى النبلي عن الحسين بن عثمان الخزاز عن كليب قال قال رجل لابي عبد الله اجب الرجل الذي

ولم يره قال ها هو ذا انا احب كليب الصيداوي لم اره وقال العلامة في ضه نحن في بعد بلا من الموضعين

١ الكميت بن زيد الاسدي كوفي ابو المستهل مات في جمادى الصادق ق تج وقال الكشي حمدويه بن نصير قال احمد بن محمد بن عيسى عن حنان عن عبيد بن زرارة عن ابيه قال دخل الكميت بن زيد على ابي جعفر وانا عنده فانشده من لعلب ثم مسنهام فلما فرغ منها قال الكميت لا تزال مؤيدا بروح القدس ما دمت تقول فينا وقال العلامة في ضه مشكور

١ كميل بن زياد النخعي تي ن تج وفي دانه من خواصه

١ كنان بن حصين ابو مرثد ل تج

١ كنانة بن عتيق سين تج

١ كنكر سيجئ بعنوان وردان

١ كهيل بن عمارة الشاعر الكوفي ق تج

١ كيسان بن كليب يكنى ابا صادق ى تن سين بن تج

باب اللام

١ لبيب بن عبد الرحمن الشاكري كوفي ق تج و في نضلبث كابانى

١ لفافة القفاش كوفي م تج

١ لوط بن اسحق الهاشمي الندي ق تج

٢ لوط بن يحيى بن سعيد بن مخنف بن سالم الازدي الغامدي ابو مخنف شيخ اصحاب الاخبار بالكوفة

ووجههم وكان نسبكن الى ما يرويه ق وقيل انه روى
عن ابان فقط ولم يقع وصنف كتابا كثيرة روى عنه
هشام بن محمد بن السائب جش من اصحاب امير المؤمنين
والحسن والحسين عليهم السلام على زعم الكشي و
الصحيح ان اباه كان من اصحابنا وهو لم يلقه له كتب كثيرة
روى عنه هشام بن محمد الكلبي ونصر بن مزاحم سته لوط
بن يحيى الازدي يكنى ابا مخنف ق هكذا ذكر الكشي و
عندان هذا غلط لان لوط بن يحيى لم يلق امير المؤمنين
وكان ابوه يحيى من اصحابنا حج ثم ذكر عقيب ذكر اصحاب
والحسين والسجاد عليهم السلام ولم ينسب شيئا من
ذلك الى الكشي وغيره

١ ليث بن ابي سليم مجهول فر ق خ

٢ ليث بن البختري المرادي ابو محمد وقيل ابو بصير الاعور
فر ق له كتاب بر وبه جماعة منهم ابو جميلة المفضل بن
صالح جش روى عبد الله بن مسكان عن ليث المرادي
كثيرا كما في التهذيب وغيره فالظاهر ان ابا بصير الذي روى
عنه عبد الله بن مسكان هو ليث المرادي لا يحيى بن
القاسم وروى عنه عبد الكريم بن عمرو الخثعمي وروى
عن عبد الكريم بن عتبة الهاشمي كما يظهر من مشيخة
الفقيه في طريقه الى عبد الكريم بن عتبة الهاشمي وقال
الشيخ في الفهرست ليث المرادي يكنى ابا بصير ق م
له كتاب وقال في الرجال فر ق م وقال الكشي حدثني
حمدويه بن نصير قال حدثنا يعقوب بن يزيد عن محمد
بن ابي عمير عن جميل بن دراج قال سمعنا ابا عبد الله
يقول ليث المرادي ومحمد بن مسلم وبريد بن معاوية العجلي وابو بصير
ليث بن البختري المرادي ومحمد بن مسلم وزرارة اربعة
نجباء امناء الله على حلاله وحرامه لولا هؤلاء انقطعت
آثار النبوة واندرست ثم قال الكشي اجمعت العصابة
على تصديق ابي بصير الاسدي وانقاد والهما بالفقه
قال بعضهم مكان ابو بصير الاسدي ابو بصير المرادي
وهو ليث بن البختري ثم روى احاديث في مدحه
وذمه الا انه لا يصلح روايات الذم معارضة وقال
العلامة قدس سره في حقه بعد نقل التحقيق الذي نقلناه
من الكشي قال ابن الغضائري ليث بن البختري المرادي
ابو بصير يكنى ابا محمد كان ابو عبد الله يفضله ويقربه وشهد
واصحابنا مختلفون في شانه وعندي ان الطعن انما وقع
على دينه لا على حديثه وهو عندي ثقة والذي اعتمد
عليه قبول روايته وانه من اصحابنا الامامية
للحديث الصحيح الذي ذكرناه اولا وقول ابن الغضائري
ان الطعن في دينه لا يوجب الطعن فيه

٣ ليث بن عبد الرحمن الشاكري كوفي ق خ

٤ ليث بن كيسان ابو يحيى البكري ق خ

٥ ليث بن مضرس من اصحاب العباسي لم يج

باب الميم

١ مازن بن حظلة ى ج

٢ مازن الفلاني كوفي ق ج

١ مالك بن اعين نقل العلامة في صه عن الكشي عن محمد بن عيسى بن عبيد عن الحسن بن علي بن فضال ان مالك بن اعين ليس من هذا الامر في شئ ونقل عن علي بن احمد العقيقي عن ابيه عن احمد بن الحسن عن اشياخه انه كان مخالفا انتهى وما نقله عن الكشي رد الكشي عن حمدويه عن محمد بن عيسى بن عبيد الخ فكانه سقط من القلم

٢ مالك بن اعين الجهني الكوفي مات في حياة ابي عبد الله ق ج وروى الكشي عن حمدويه بن نصير قال سمعت علي بن محمد بن فيروزان الفهفي يقول مالك بن اعين الجهني هو ابن اعين ولبس من اخوة زرارة وهو بصري وروى محمد بن يعقوب الكليني عن علي بن ابرهيم عن محمد بن عيسى عن يونس عن محمد الحلبي عن مالك الجهني قال قال ابو جعفر عليه السلام يا مالك انتم شيعتنا الا ترى انك تفرط في امرنا انا لا نقدر على صفة الله كذلك لا نقدر على صفتنا وكما لا نقدر على صفتنا لا نقدر على صفة المؤمن انا المؤمن لنلقى المؤمن فنصافحه فلا يزال الله ينظر اليهما والذنوب تتحات عن وجوههما كما يتحات الورق عن الشجر حتى يفترقا فكيف نقدر على صفة من هو كذلك

٣ مالك بن انس لم كاب روى عنه ابن ابي عمير ست مالك بن انس بن ابي عامر الاصبحي المدني ق ج

٤ مالك بن الحرث الاشتر النخعي قدس الله روحه جليل القدر عظيم المنزلة كان مخصوصا بعلي اظهر من ان يخفى وناسف امير المؤمنين بموته قال لقد كان لي كما كنت لرسول الله صه وقال الكشي ذكر انه لما نعى الاشتر مالك بن الحرث النخعي الى امير المؤمنين ناده حزنا وقال رحم الله مالكا ومن مالك عز علي مالكا لو كان صخرا لكان صلدا ولو كان جبلا لكان فندا وكانه فدتني فدا انتهى وعز علي مالكا اي عظم هلاكه والصخرة الحجارة العظام وحجر صلد اي صلب والفند بالكسر جبل بين الحرمين الشريفين

٥ مالك بن الحويرث ل ج

٦ مالك بن خالد الاسدي الكوفي ق ج

٧ مالك بن دينار ابو اسيد ل ج

٨ مالك بن زياد بن ثور العنزي الكوفي ق ج

٩ مالك بن سريع ست بن ج

١٠ مالك بن سويد الاسدي مولاهم الكوفي ق ج

١١ مالك بن صعصعة ل ج

١٢ مالك بن عبادة الهمداني ق ج

١٣ مالك بن عطية ابو الحسن البجلي الكوفي ثقة قاله كاب روى عنه عيسى بن هشام جش لكاب روى عنه

هذا اخو زرارة كما صرح به الكشي خلافا لما توهمه الاردبيلي فانه ليس من اخوة زرارة كما يظهر من ترجمته

حق لا نقدر على صفة الله

الحسن بن محبوب ست

١٤ مالك بن عيسى الارجي الكوفي ق تج

١٥ مالك بن الغيداق الثمالي الكوفي ق تج

١ مؤمل بن زياد العضلي الكوفي ق تج

١ مبارك بن عبد الله الشيباني الكوفي ق تج

٢ مبارك مولى صباح المزني ق تج

١ مبرود بن اسمعيل مجهول م تج

١ مبشر بن العطاف الهمداني الكوفي ق تج

٢ مبشر بن غالب الازدي الكوفي ق تج

١ المتوكل بن عمير بن المتوكل روى عن يحيى بن زيد دعاء الصحيفة اخبرنا الحسين بن عبد الله عن ابن اخي طاهر عن محمد بن مطهر عن ابيه عن عمير بن المتوكل عن ابيه متوكل عن يحيى بن زيد بالدعاء جش المتوكل بن عمير بن المتوكل روى عن يحيى بن زيد بن علي دعاء الصحيفة اخبرنا بذلك جماعة عن التلعكبري عن ابي محمد الحسن بعرف بابن اخي طاهر عن محمد بن مطهر عن ابيه عن عمير بن المتوكل عن ابيه عن يحيى بن زيد ست والذي يظهر من الاول وعنهما ان المتوكل بن عمير روى عن يحيى بن زيد دعاء الصحيفة ويظهر من سندهما ان المتوكل جد ذكي عن يحيى بن زيد دعاء الصحيفة ويمكن التوفيق بنوع عناية والله اعلم

١ مثنى بن الحضرمي له كتاب روى عنه ابن ابي عمير جش

٢ مثنى بن راشد له كتاب روى عنه محمد بن عثمان جش مثنى بن راشد الخياط ابو الوليد الكوفي ق تج

٣ مثنى بن عبد السلام له كتاب روى عنه القاساني جش ابراهيم بن اسمعيل جش ق تج وروى الكشي عن ابي نصر محمد بن مسعود قال علي بن الحسن سالم ومثنى بن الوليد ومثنى بن عبد السلام كلهم خاطون كوفيون لا باس بهم

٤ مثنى بن عطية الحارثي الهمداني الكوفي ق تج

٥ مثنى بن القاسم الحضرمي الكوفي ق تج ويحتمل ان يكون هذا هو المذكور بعنوان مثنى بن الحضرمي

٦ مثنى بن الوليد الخياط مولى كوفي له كتاب روى عنه الحسن بن علي بن يوسف بن بقاح جش له كتاب روى عنه الحسن بن علي الخزاز ست وذكرنا بعض احواله عند ترجمة مثنى بن عبد السلام

١ مجاشع بن مسعود ل تج

١ مجاهد بن راشد الكوفي ق تج

٢ مجاهد بن العلا الكوفي ق تج

١ مجمع بن معتب الكوفي الكتاد ق تج

١ مجيب بن عمارة الهمداني الكوفي ق تج

١ محبوب بن حسان وقيل ابو حسان الساكوني الكوفي ق تج

٢ محبوب بن حكيم روى عن عمر بن توبة كتابا انا لم نعرفه فحص

قوله ويمكن التوفيق بنوع عناية بان يحمل الاول كما مر سابقا على ان المتوكل الذي روى عنه المتوكل بن عمير روى عن يحيى بن زيد وعلا الصحيفة ش

٣ محبوب بن سالم الجعفي الكوفي ق ج

٤ محبوب بن عبد الله العطار ق ج

١ محرز بن غادم كوفي ق ج

٢ محرز بن فضالة الازدي الكوفي ق ج

١ محسن بن احمد الفهمي من موالي قيس عيلان نزيل
كاب روى عنه احمد بن محمد بن خالد الجش محسن بن
احمد البجلي يكنى ابا احمد صا ج

١ محفوظ بن عبد الله الحضرمي ق ج

٢ محفوظ بن نصر الهذاني كوفي نقله كاب روى عن ابرهيم
بن لهمان بن حبان ست وفي بعض الاخبار محفوظ
الاسكاف وكانه غير محفوظ بن نصر وفي الرجال محفوظ
الاسكاف الكوفي ق

المحل بن خليفة روى خبر عدي بن حاتم حين قدم على
امير المؤمنين ق ج

١ محمد بن ادم المدايني يعرف بزردان المذاري صا ج

٢ محمد بن ابان بن تغلب ابو سعيد البكري الجريري
مولى بني قيس بن ثعلبة كوفي ق ج

٣ محمد بن ابان الخثعمي مولاهم كوفي ق ج

٤ محمد بن ابان بن صالح كوفي اسند عنه ق ج

٥ محمد بن ابرهيم بن ابي البلاد واخوه يحيى مولى بني
عبد الله بن غطفان ثقة قليل الحديث ويحيى اخوه
اكثر منه حديثا له كتاب نوادر روى عنه محمد بن علي

بن محبوب جش

٨ محمد بن ابرهيم الازدي الكوفي ق ج

٧ محمد بن ابرهيم الامام بن محمد بن علي بن عبد الله
بن عباس بن عبد المطلب في نسخة عن جعفر بن محمد
كبيره روى عنه عبد الصمد بن موسى بن محمد جش
محمد بن ابرهيم العباسي الهاشمي المكي وهو الذي يلقب
بابن الامام ق ج

٨ محمد بن ابرهيم بن جعفر ابو عبد الله الكاتب النعماني
المعروف بابن زينب شيخ من اصحابنا عظيم القدر
شريف المنزلة صحيح العقيدة كثير الحديث قدم بغداد
وخرج الى الشام ومات بها له كتب روى عنه ابو
الحسين محمد بن علي الشجاعي جش

٩ محمد بن ابرهيم الحضيني ج وروى الكشي عن ابن
مسعود قال حدثني حمدان بن احمد الفلانسي قال حدثني
معوية بن حكيم عن احمد بن محمد بن ابي نصر عن حمدان
الحضيني قال قلت لابي جعفر ان اخوتان فقال الى
رحم الله اخاك فانه كان من خصيص شيعتي قال محمد
بن مسعود حمدان بن احمد بن الخصيص قال الخاصة
الخاصة انتهى ويخطر ببالي ان حمدان الحضيني هو
والصواب عن الحضيني كما نقله العلامة من الكشي والمراد منه
اسحق بن ابرهيم الحضيني اخوه ان محمد بن مسعود قال
يا حمدان محمد بن ابرهيم الحضيني من الخصيص فقال

١٠ من معنى قوله قال محمد بن مسعود حدثني حمدان بن احمد بن الخصيص

١١ محمد بن

١٢ عمر

همدان من الخاصة الخاصة

١٠ محمد بن ابرهيم الخباط الكوفي قرن ج خ

١١ محمد بن ابرهيم الزاهي الكوفي ق ج خ

١٢ محمد بن ابرهيم المعروف بعلان الكليني خبر ج خ

١٣ محمد بن ابرهيم الموصلي م خ

١٤ محمد بن ابرهيم بن المهاجر البجلي الكوفي استشهد ج خ

١٥ محمد بن ابرهيم بن مهزيار ذكر ج خ كان من وكلاء القائم
كذا قال ابن طاوس رحمه الله في ربيع الشيعة وذكرنا
بعض احواله عند ترجمة ابيه ابرهيم

١٦ محمد بن ابرهيم الوزان من اهل سمرقند لم خ

١٧ محمد بن ابرهيم بن يوسف الكاتب يكنى ابا الحسن المعروف
بالشافعي لكتب روى عنه احمد بن عبد الواحد بن
قال احمد بن عبدون هو ابو بكر الشافعي وكان على
الظاهر بفقه على مذهب الشافعي ويرى راي الشيعة
الامامية في الباطن وكان فقيها على المذهبين لكتب
روى عنه ابو عبد الله احمد بن عبدون المعروف بابن
الحاشر ست لم خ

١٨ محمد ابو القاسم ابو بكر بغدادي متكلم عاصر ابن همام
له كتاب في الغيبة حش

١٩ محمد بن ابي اسحق متكلم ذكره ابن بطة ذكر ان له صنفا
روى عنه احمد بن محمد بن خالد حش

٢٠ محمد بن ابي بكر ولد في حجة الوداع ومثل بعمر بن سنة
ثمان وثلثين من الهجرة في خلافة علي وكان عاملا
عليها من قبله ثم خ جليل الفقد وعظيم المنزلة من
خواص علي صد وقال الكشي قال نصر بن
الصباح حدثنا ابو يعقوب اسحق بن محمد البصري قال حدثني
امير بن علي عن ابي الحسن الرضا قال كان امير المؤمنين
يقول ان المحامدة نابي ان يعصى الله عز وجل قلت
ومن المحامدة قال محمد بن جعفر ومحمد بن ابي بكر ومحمد
بن ابي حذيفة ومحمد بن امير المؤمنين ابن الحنفية
وروى الكشي ايضا روايات كثيرة تدل على اختصاصه
بامير المؤمنين وهذا اشهر من ان يذكر رضي الله عنه

٢١ محمد بن ابي بكر همام يسمى بعنوان محمد بن همام

٢٢ محمد بن ابي الجهم الازدي الثمالي الكوفي ق ج خ

٢٣ محمد بن ابي حبش روى عن ابن بكير كش وفي بعض
النسخ محمد بن ابي خنبس بالخاء المعجمة والنون كما ستقف له

٢٤ محمد بن ابي حذيفة كان عامل امير المؤمنين على مصر
ثم خ وقال الكشي اخبرني بعض رواة العامة عن محمد
بن اسحق قال حدثني رجل من اهل الشام قال كان محمد
بن ابي حذيفة بن عتبة بن ربيعة مع علي بن ابي طالب
ومن انضاده واشياعه وكان ابن خال معوية وكان
رجلا من حبا والمسلمين فلما توفي علي عليه السلام
اخذه معوية واراد قتله فحبسه ثم اقام قال
معوية ذات يوم الا نرسل الى هذا الصبي محمد بن ابي

حذيفة فتكلمه وتخبره بضلاله وتأمره ان يقوم فيثب على
فاولئم فيقتله معوية واخرجه من السجن فقال له معوية
يا محمد بن ابي حذيفة الم يكن للك ان تبصر ما انت
عليه من الضلالة ببصرك على بن ابي طالب الكذاب
الم تعلم ان عثمان قتل مظلوما وان عايشة وطلحة و
الزبير خرجوا يطلبون بدمه وان عليا هو الذي
دس فيقتله ونحن اليوم نطلب بدمه فقال محمد بن ابي
حذيفة انك لتعلم اذا امس القوم بك رحما واقربهم
بك قال اجل قال فوالله الذي لا اله غيره ما اعلم
احدا اشرك في دم عثمان وطلب الناس على غرك
لما استعملك ومن كان مثلك فسألوه المهاجرة
والانصار ان يعزلك فابى ففعلوا به ما بلغك
ووالله ما احد اشرك في قتله بدءا واخرا الا
طلحة والزبير وعايشة فهم الذين شهد الله عليه
بالعظيمة والبوا عليه الناس وشركهم في ذلك عبد
الرحمن بن عوف وابن مسعود وعمار والانصار
جميعا قال فقد كان ذاك قال والله اني لاشهد انك
منذ عرفتك في الجاهلية والاسلام لعلى خلق
واحد ما زادك الاسلام الا قلبا ولا كبيرا وان
علانية ذاك فيك لبينة نلومني على حبي عليا خرج
على كل صوام قوام مهاجري وانصاري وخرج معه
ابناء المئين بدريين والطلقاء والعتقاء خدعهم عن

دينهم وخدعوك عن دينك والله يا معوية ما اخفى على احد
ما صنعت وما اخفى عليهم ما صنعوا اذا خلوا
انفسهم بحظ الله ما في طاعتك والله لا زال
احب عليا الله ولرسوله وابغضك في الله وفي رسوله
ابدا ما ابقيت قال معوية واني ازالك على ضلالك
بعد ردوه فمات في السجن وذكرنا بعض احواله
عند ترجمة محمد بن ابي بكر رضي الله عنه

٢٥ محمد بن ابي الحسين بن ابي الخطاب الذي ذكره
قد سبق يعني ان محمد بن الحسين بن ابي الخطاب

٢٦ محمد بن ابي الحكم بن المختار بن ابي عبيدة الثقفي كوفي
قد سبق

٢٧ محمد بن ابي حمزة النبهلي قد سمع ونقله قد من رجال
الشيخ وقال ثقة فاضل ولم اجد توثيقه في كتب الرجال
اصلا والظاهر ان محمد بن ابي حمزة النبهلي والذي سيجيء
بعيد هذا بعنوان محمد بن ابي حمزة الثمالي واحد لانه
ليس في كتب الرجال ما يدل على تعدده ولعل منشأ
الاثنينية تصحيف الثمالي بالنبهلي

٢٨ محمد بن ابي حمزة ثابت بن ابي صفية الثمالي له كتاب روى
عنه محمد بن ابي عمير جش ق سج وقال الكشي سألت ابا
الحسن حمدويه بن نصير عن علي بن ابي حمزة الثمالي و
الحسين بن ابي حمزة ومحمد اخوه وابيه فقال كلهم
ثقات فاضلون وذكره قد من غير توثيق وينبغي ان
يوثق لتوثيق حمدويه الثقة كما لا ينبغي ان يوثق محمد

بن ابی حمزة التیملی المذکور قبل هذا

٢٩ محمد بن ابی حنبس روی عن ابن بکر کش

٣٠ محمد بن ابی زیاد الاعجمی ق خ

٣١ محمد بن ابی زید الکوفی ق خ

٣٢ محمد بن ابی زید الوارزی اصله من قم د خ وفی نسخة محمد بن ابی یزید کما سیجیء

٣٣ محمد بن ابی زینب سیجیء بعنوان محمد بن مقلاص

٣٤ محمد بن ابی سادة الکوفی فرق خ

٣٥ محمد بن ابی السجاد الکوفی ق خ

٣٦ محمد بن ابی سعید بن عقبل بن ابی طالب سبن خ وفی د محمد بن سعید ولعله سهو

٣٧ محمد بن ابی سلمة الخثعمی الکوفی ق خ

٣٨ محمد بن ابی سلمة عبد الله بن عبد الاسد بن هلال بن عبد الله بن عمرو بن مخزوم شهد مع علی واخوه سلمة وامهما ام سلمة زوج النبی ابنا بها الی علی فقالت هما علیک صدقة فلو یصلح لی الخروج لخرجت معک و قبل سلمة وعمر وابنا ابی سلمة قال ابن عقدة هذا اصح ل خ

٣٩ محمد بن ابی سلیمان الکندی ق خ

٤٠ محمد بن ابی السود اعمر وقیل عمران بن عامر الاسدی الکوفی ق خ

٤١ محمد بن ابی الصهبان سیجیء بعنوان محمد بن عبد الحبار

٤٢ محمد بن ابی طلحة ق خ

٤٣ محمد بن ابی طیفور المطیب دی خ

٤٤ محمد بن ابی عبد الله الکاتب روی عنه ابراهیم بن سلیمان بن حیان ستان کان هذا محمد بن جعفر بن محمد بن عون الاتی فیکون ثقة

محمد بن ابی عمارة الکوفی ق خ ٤٥

٤٦ محمد بن ابی عمر والبزاز بیاع الساباری روی عنه الحسن بن محمد بن سماعة ق خ

٤٧ محمد بن ابی عمر الطبیب کوفی روی کتاب الدیات عن الصادق وهو المنسوب الی ظریف بن ناصح لانه ظریف ق خ

٤٨ محمد بن ابی عمران موسی بن علی بن عبد وبه ابو الفرج الفرویثی الکاتب ثقة صحیح الروایة واضح الطریقة لکتب وایت هذا الشیخ ولم یتفق لی سماع شیء منه جش

٤٩ محمد بن ابی عمیر زیاد بن عیسی ابو احمد الازدی من موالی المهلب بن ابی صفرة وقیل مولی بنی امیة والاول اصح بغدادی الاصل والمقام لقی ابا الحسن موسی وسمع منه احادیث کثیرة فی بعضها فقال یا ابا احمد وروی عن الرضا جلیل القدر عظیم المنزلة فینا وعند المخالفین الجاحظ یحکی عنه فی کتبه ویقول کان وجها من وجوه الروافض وکان حبس فی ایام

امام الرشيد بقبيل البلى القضاء وقبل انه ولى بعد
ذلك وقبل بل البدل على مواضع الشيعة واجتماعا
موسى بن جعفر عليهما السلام وروى انه ضرب اسواطا
بلغت منه فكاد ان يقر لعظم الالم فسمع محمد بن يونس
بن عبد الرحمن وهو يقول اتق الله يا محمد بن ابي عمير
فصبر يفرج الله وروى انه حبسه المامون حتى ولى
قضاء بعض البلاد وقبل ان اخته دفنت كتبه في
خال استشارها وكونه في الحبس اربع سنين فهلكت
الكتب وقبل بل تركتها في غرفة فسال عليها المطر
فهلكت فحدث من حفظه وما كان سلف له في ايدي
الناس فلهذا اصحابنا يسكنون الى مراسيله وصنف
كتبا كثيرة روى عنه عبد الله بن عامر ومحمد بن الحسن بن
وعبيد الله بن احمد بن نهيك وابو هيثم بن هاشم
ومات محمد بن ابي عمير سنة سبع عشرة ومائتين
كان من اوثق الناس عند الخاصة والعامة وانكم
نسكا واورعهم واعبدهم وادرك من الائمة ثلثة
ابا ابراهيم موسى بن جعفر ولم يروعنه وروى عن
ابي الحسن الرضا والجواد وروى عنه احمد بن محمد بن
عيسى كتب ما انه رجل من رجال ابي عبد الله وله
مصنفات كثيرة وروى عنه يعقوب بن يزيد وابو يوسف
نوح ومحمد بن عيسى بن عبيد ست ثقة صالح الحديث
على تصحيح ما يصح عنه والافراد له بالفقه كش

٥٠ محمد بن ابي عمير عذاده في الشاهدين لـ ج
٥١ محمد بن ابي القاسم عبيد الله بن عمران الجناني
البرقي ابو عبد الله الملقب ماجيلويه وابو القاسم
بالبندار سيد من اصحاب الفقيه ثقة عارف
بالادب والشعر والغريب وهو صهر احمد بن ابي
عبد الله البرقي على ابنته وابنه علي بن محمد منهما
وكان اخذ عنه العلم والادب له كتب منها كتاب
تفسير حماسة ابي تمام اخبرنا ابي علي بن احمد رحمه
الله قال حدثنا محمد بن علي بن الحسين قال حدثنا
محمد بن علي ماجيلويه قال حدثني ابي علي بن محمد بن
ابي القاسم حش وفي مشيخة الفقيه في عدة مواضع
محمد بن علي ماجيلويه عن عمه محمد بن ابي القاسم طيب
٥٢ محمد بن ابي قريش د ج خ
٥٣ محمد بن ابي محمد الاعلم الكوفي ق خ
٥٤ محمد بن ابي محمد البصري ق خ
٥٥ محمد بن ابي الخطاب الازدي الكوفي القابوني ق خ
٥٦ محمد بن ابي منصور ق خ
٥٧ محمد بن ابي هلال الكوفي ق خ
٥٨ محمد بن ابي يزيد ق خ
٥٩ محمد بن ابي يزيد الرازي اصله من قم د ج
٦٠ محمد بن ابي يونس يسنيم بن الحسن بن يونس ابو طاهر
الوزان الخضرمي الكوفي ثقة عين صحيح الحديث روى

عن العامة والخاصة وكان يكاتب بالحسن العسكري لكتب
منها كاتب الحج وهو كاتب حسن وعليه عول سلامة بن
محمد الازرق روى عنه جعفر بن محمد بن مالك الفزاري

٦١ محمد بن احمد بن ابرهيم ذي حج

٦٢ محمد بن احمد بن ابرهيم بن سليم ابو الفضل الجعفي الكوفي
المعروف بالصابوني سكن مصر كان رند باشم
عاد البنا وكانت له منزلة بمصر له كتب روى عنه
جعفر بن محمد حش وفي صدد بدل سليم سليمان

٦٣ محمد بن احمد بن اسمعيل بن بزيع الذي ذكره
حث قال محمد بن احمد بن اسمعيل بن بزيع رضا
ذكر حمد ثقة صحيح كوفي انتهى لم اجده في كتب
الرجال طلقا نعم محمد بن اسمعيل بن بزيع موجود كما
ذكره هو ايضا

٦٤ محمد بن احمد يكنى ابا الحسن الزاهد من اهل طوس يروي
عنه التلعكبري اجازة لم حج وفي صدد يكنى ابا الحسين

٦٥ محمد بن احمد بن ابي الثلج يسمى بعنوان محمد بن احمد
محمد بن عبد الله

٦٦ محمد بن احمد بن ابي عوف من اهل بخارا الا باس به لم حج

٦٧ محمد بن احمد بن ابي قتادة علي بن محمد بن حفص بن
عبيد بن حميد مولى الشائب بن مالك الاشعري
وقيل حميد يوم الخندق معه ومحمد هذا يكنى ابا جعفر
ثقة من الفهيين صدوق عين له كتاب روى

احمد بن محمد بن يحيى عن ابيه عنه حش

٦٨ محمد بن احمد بن بشر الاصبهاني يكنى ابا جعفر روى عن
ابي جعفر محمد بن ابرهيم الدقاق الفزاري روى عنه محمد بن
همام لم حج

٦٩ محمد بن احمد الجاموراني ابو عبد الله الرازي ضعفه
القميون واستثنوا من كتاب نوادر الحكمة ما رواه
وفي مذهبه ارتفاع غض وبه النجاشي والشيخ في الفهرست
عند ترجمة محمد بن احمد بن يحيى على ضعفه

٧٠ محمد بن احمد بن جعفر الفقيه كره وكله اردلك ابا الحسن
حج وروى الكشي عن علي بن محمد بن قتيبة عن ابي
حامد احمد بن ابرهيم المراغي قال كتب ابو جعفر محمد بن
احمد بن جعفر القمي العطار وليس له ثالث في الارض في
القرب من الاصل يصفه لصاحب الناحية فيخرج توقيف
على يده وصفت به ابا حامد الى اخره

٧١ محمد بن احمد بن الجنيد ابو علي الكاتب الاسكافي
وجه في اصحابنا ثقة جليل القدر صنف فاكثر وصنف
بعض شيوخنا بذكر انه كان عنده مال للغلاة
وسبقا به وانه وصى به الى جار به فهلك ذلك
وسمعت شيوخنا الثقات يقولون عن انه كان يقول بالقياس حش
يكنى ابا علي وكان جيد التصنيف حسنه الا انه كان
يرى القول بالقياس فمن اجل ذلك كثر ولم يعول
عليها وله كتب كثيرة روى عنه الشيخ ابو عبد الله محمد بن

٧٢

محمد بن النعمان واحمد بن عبدون سنة لم يخرج وذكره
من غير توثيق ويتبغي ان يوثقه كما وثقه النجاشي
العلامة قدس سره

٧٢ محمد بن احمد بن الحرث الذي ذكره شيخنا بعنوان
محمد بن احمد بن محمد بن الحرث

٧٣ محمد بن احمد بن الحسين الزعفراني العسكري يكنى ابا
عبد الرحمن المقرئ نزيل بغداد روى عنه الطبراني
لم يخ

٧٤ محمد بن احمد بن الحسين بن هرون الهندي الكوفي
روى عن ابن عقدة روى عنه ابن نوح لم يخ

٧٥ محمد بن احمد بن حماد المروزي ابو علي المحمودي
روى الكشي عن ابن مسعود قال حدثنا ابو علي المحمودي
قال كتب ابو جعفر الى بعد وفاة ابي قد مضى ابوك
رضي الله عنه وعنك وهو عندنا على حال محمودة
ولن يعدم من تلك الحال وذكر ابو عبد الله
الشاذاني نحوا فوجدت بخطي في كتابه قال سمعت
المحمودي يقول انما لقيت بالجزائر اني وهبت للحسن غلاما
اسمه خير محمد احمر فلقيني بالبصرة وقال وجهني الى الشام
بجارية فكانت عندهم سنين ثم اعتقوها فتزوجها
فاخبرني خان مولاها ولاني وكالة المدينة وامرني بذلك
ولم اعلم احدا وقال الكشي عند ترجمة اسحق بن اسمعيل
وابرهيم بن عبدة حكى بعض الثقات بنيسابور انه

خرج لاسحق بن اسمعيل من ابي محمد توقيع فذكر وفيه
يا اسحق اقرأ كتابنا على البلالي رضي الله عنه فانه الثقة
المامون العارف بما يجب عليه واضرابه على المحمودي
عافاه الله فما احمدنا لطاعته وافا وردت بغداد
فاقراه على الدهقان وكيلنا ونفسنا

٧٦ محمد بن احمد بن خاقان الهندي ابو جعفر الفلاني
المعروف بحمران كوفي معتمد كتب روى احمد بن
محمد بن يحيى عن ابيه عن حمران جش محمد بن احمد بن خاقان الهندي
ابو جعفر الفلاني الملقب حمدان كوفي ضعيف يروي
عن الضعفاء وقال الكشي سالنا ابا النضر محمد بن مسعود
عن محمد بن احمد وهو حمدان الهندي الفلاني فقال
كوفي فقيه ثقة خير وفضل العلامة قدس سره هذه
الرواية عن الكشي عن نصر لامن ابي النضر ولعله محمول
على السهو وان شئت التفصيل فانظر في ترجمة علي بن
عبد الله بن مروان وقال وعندي توقف في روايته
لقول هذين الشيخين وذكرته مرة في باب الموثقين بعنوان
حمدان بن احمد ونقل عن الكشي انه اجتمعت العصابة
على تصحيح ما يصح عنه واقروا له بالفقه في الاخوين و
لم اجد في الكشي عند ذكر جماعة العصابة على تصحيح ما يصح
عنهم وتمره بعنوان محمد بن احمد بن خاقان ولم يوثقه
ونقل عن ابن الغضائري ضعفه ونقل عن الكشي توثيقه

٧٧ محمد بن احمد بن داود بن علي ابو الحسن شيخ هذه

ذكره مرة اخرى في باب من لم ينص ابن الغضائري على ضعفه

الطايفة وقالها وشيخ الشيعة في وقته وفقيههم حكى ابو
عبد الله الحسين بن عبيد الله انه لم ير احدا احفظ منه
ولا افقه ولا اعرف بالحديث وصنف كتبا روى
عنه ابو العباس بن نوح ومحمد بن محمد والحسين بن
عبيد الله جش له كتب روى عنه محمد بن محمد بن النعمان
واحمد بن عبدون ست لم يج

٧٨ محمد بن احمد بن رجاء يكنى ابا عبد الله يعرف بابن
محمد بن رجا

٧٩ محمد بن احمد بن روح ابو احمد الطرسوسي كاتب روى
عنه احمد بن ادريس جش

٨٠ محمد بن احمد الشيخ يكنى ابا عبد الله يعرف بابن
سنبار

٨١ محمد بن احمد بن العباس بن نوح جد ابي العباس
بن نوح روى عنه ابو العباس بن نوح لم يج

٨٢ محمد بن احمد بن عبد الله البصري الملقب بالفخ جليل
وجوه اهل اللغة والادب والحديث كان صحيح المذهب
حسن الاعتقاد وله شعر كثير في اهل البيت يذكر فيه
اسماء الائمة وينفجع على قتلهم حتى سمي الفخ لكثرة روى عنه
ابو عبد الله الحسين بن خالويه وابو القاسم الحسن
بشر بن يحيى جش روى عنه الدقاق لم يج

٨٣ محمد بن احمد بن عبد الله بن قضاعة بن صفوان بن
مهران الجمال مولى بني اسد ابو عبد الله شيخ الطائفة
ثقة فقيه فاضل وكانت له منزلة من السلطان كان

اصلها انه ناظره قاضي الموصل في الامامة بين يدي
ابن حمدان فانتهى القول بينهما الى ان قال للقاضي
بناهلني فوعده الى غد ثم حضر وانبا هلذ وحجا
كفنه في كفنه ثم قام من المجلس وكان القاضي يحضر دار
الامير ابن حمدان في كل يوم فاخر ذلك اليوم ومن غده
فقال الامير اعرفوا خبر القاضي فعاد الرسول فقال
انه منذ قام من موضع المباهلة تحم واتفخ الكف الذي
مد للمباهلة وقد اسود ثم مات من الغد فنشر
لابي عبد الله الصفواني بهذا ذكر عند الملوك
وحظي عندهم وكانت له منزلة وله كتب روى عنه
ابو العباس احمد بن علي بن نوح جش الصفواني كان
خصيصا كثير العلم جيد اللسان وقيل انه كان اديبا
وله كتب املاها من ظهر قلبه روى عنه الشريف
ابو محمد الحسن بن هاشم روى عنه التلعكبري وهو
خاص نزيل بغداد لم يج ونقل ابن داود عن ابن
الغضايري انه ما انكرت منه شيئا الا ما يرويه
عن ابيه عن جده عن الصادق فانه شئ غير معروف
وقد رايت فيه مناكير مكذوبة عليه واظن الكذب
من قبل ابيه وذكره في الباب

٨٤ محمد بن احمد بن عبد الله بن مهران بن خانبه
الكرخي ابو جعفر والد احمد بن عبد الله مكاتب
الى الرضا وهم بيت من اصحابنا كبير

٢ رجل حظي اذا كان ذا حظوة ومنزلة عند الامير وحظي به يحظى

وكان محمد نفسه سليم الركب جش

٨ محمد بن احمد بن عبيد الله بن احمد عنا بني هاشم
روى عنه التلعكبري يكنى ابا الحسن يروي عن
ابي موسى عيسى بن احمد عن ابي محمد صاحب العسكر
معجزات وردت لا بل لم يخ

٨٦ محمد بن احمد العلوي روى عنه احمد بن ادريس لم يخ

٨٧ محمد بن احمد بن علي القتال النيشابوري المعروف
بابن الفارسي ابو علي ذكره ابن داود قال لم يخ
متكلم جليل القدر فقيه عالم زاهد ورع قتله
ابو المحاسن عبيد الرزاق ونيس بنيشابور الملقب
بشهاب الاسلام لعنه الله انتهى ولم اجده في كتب
الرجال نصوصا في الرجال

٨٨ محمد بن احمد بن الفضل بن عمر عنا يخ

٨٩ محمد بن احمد بن يونس بن عبدان مولى كوفي له
كتاب نقيض عنا يخ

٩٠ محمد بن احمد بن محمد ابو جعفر الحريري المعروف بابن
البصري رجل من اصحابنا له روايات له كتاب جش

٩١ محمد بن احمد بن محمد بن الحرث الخطيب الشاشي وهو ابو عون
المعروف بالحارثي وجه من اصحابنا ثقة له كتاب نوادر
علم القرآن كتاب الامامة روى عنه علي بن حاتم

ابن بطة جش محمد بن احمد بن الحرث الخطيب الشاشي لم يخ
وذكره ذمزه راويا عن يخ بعنوان محمد بن احمد بن الحرث
مهملا ومزه راويا عن جش كما نقلناه موثقا

٩٢ محمد بن احمد بن رجاء اليعلي ابو جعفر كوفي لبكر طاة
عربيد ذكره عنه حميد قال حدثنا بكتاب النوادر
وكتاب الطبخ جش محمد بن احمد بن رجاء اليعلي لم يخ

٩٣ محمد بن احمد بن سنان الزاهري يكنى ابا عيسى نزيل
الري يروي عن ابيه عن جده محمد بن سنان روى
عنه ابن نوح وابو الفضل لم يخ وقال ابن داود
عن ابن الغضايري ان نسبه وجده مضطرب

٩٤ محمد بن احمد بن محمد بن سعيد بن عبدة الهمداني
يكنى ابا نعيم كان جليل القدر عظيم الحفظ
روى عنه التلعكبري وكان يروي عن حميد لم يخ

٩٥ محمد بن احمد بن محمد بن عبد الله بن اسمعيل الكاتب
ابو بكر يعرف بابن ابي الثلج وابو الثلج هو عبد الله
بن اسمعيل ثقة عين كثير الحديث له كتب روى عنه
ابو الفضل الشيباني وسلامة بن محمد الارزني جش
محمد بن احمد بن محمد بن عبد الله بن ابي الثلج الكاتب
بغدادي خاصي يكنى ابا بكر سمع منه التلعكبري لم يخ
ثم قال محمد بن احمد بن ابي الثلج روى عنه الدوري
لم ار لفظا انهما واحد وقال في الفهرست محمد بن احمد
بن ابي الثلج الكاتب له كتاب التنزيل في امير المؤمنين و

كتاب البشرى والرقى في صفة الشيعة وفضلهم وذكر
اسمائهم امير المؤمنين في كتاب الله روى عنه الدرك

٩٦ محمد بن احمد بن مخرم المقرى يكنى ابا الحسن يروى عن
هناشم بغدادي روى عنه التلعكبري لم يخ

٩٧ محمد بن احمد بن مطهر بغدادي يروى عن ابي يخ

٩٨ محمد بن احمد المقرى ذكرناه بعنوان ان محمد بن احمد بن
عبد الله

٩٩ محمد بن احمد النطنزي عامي المذهب صنف

١٠٠ محمد بن احمد النيسي ابو المظفر رجل من اصحابنا
اخباري سمع الحديث والاخبار وكتبها وجمع ولعل هذا
هو الذي يسمى بعيد هذا وان كان العلامة قدس
سره ذكره في حق رجلين

١٠١ محمد بن احمد بن نعيم ابو عبد الله الشاذاني يروى عنه
كر يخ وروى الكشي عن آدم بن محمد قال سمعت محمد
بن شاذان بن نعيم يقول جمع عندنا مال الغريم فانفذته
اليه واثبت فيه شيئا من صلب ما الي فقال فورد
من الجواب قد وصل الينا انفذت من خاصة مالك
فيها كذا وكذا تقبل الله منك

١٠٢ محمد بن احمد بن هشام روى عنه علي بن الحسين بن بابويه
لم يخ

١٠٣ محمد بن احمد بن يحيى بن عمران بن عبد الله بن سعد
بن مالك الاشعري القمي ابو جعفر كان ثقة في الحديث

الا ان اصحابنا قالوا كان يروي عن الضعفاء ويعتمد
المراسيل ولا يبالي عمن اخذ وما عليه في نفسه مطعن
شيخ وكان محمد بن موسى الهمذاني وما رواه عن رجل
او يقول بعض اصحابنا او عن محمد بن يحيى العطار ذي او
عن ابي عبد الله الرازي الجاموراني او عن عبد الله
النباري او عن يوسف بن السخت او عن وهب بن
منبه او عن ابي علي النيشابوري او عن ابي يحيى
الواسطي او عن محمد بن علي ابو سمينة او يقول في
حديث او كتاب ولم اروه او عن سهل بن زياد الادمي
او عن محمد بن عيسى بن عبيد باسناد منقطع
او عن احمد بن هلال او محمد بن علي الهمذاني او
عبد الله بن محمد الشامي او عبد الله بن احمد
الرازي او احمد بن الحسين بن سعيد او احمد بن
بشير الرقي او محمد بن مروان او عن موسى بن عمران
او عن محمد بن عبد الله بن مهران او ما ينفرد به
الحسن بن الحسين اللؤلؤي وما يرويه عن جعفر بن
محمد بن مالك او يوسف بن الحرث او عبد الله
بن محمد الدمشقي قال ابو العباس بن نوح وقد
اصاب شيخنا ابو جعفر محمد بن الحسن بن الوليد
في ذلك كله وتبعه ابن بابويه رحمهما الله على
ذلك الا في محمد بن عيسى بن عبيد فلا ادري ما
رابه عليه لانه كان على ظاهر العدالة والثقة ومحمد بن

احمد بن يحيى ذكر منها كتاب نوادر الحكمة وهو كتاب حسن كبير
يعرفه الفقهاء بهذا شيب وقال وشيب فاضل وكان
يقول لهذه الذات بيوت نعطى منها ما نطلبه من دين
فشهوا هذا الكتاب بذلك روى عنه محمد بن
جعفر الرزاز وروى احمد بن محمد بن يحيى عن ابيه
عنه جش وقال الشيخ في الفهرست جليل القدر
كثير الرواية له كتاب نوادر الحكمة وهي تشتمل على
كتب اخبرنا بجميع كتبه ورواياته جماعة عن محمد بن
علي بن الحسين عن ابيه ومحمد بن الحسن عن احمد بن ادريس
ومحمد بن يحيى عن محمد بن احمد بن يحيى وقال محمد بن
علي بن الحسين بن بابويه الاما كان فيها من غلو او تخليط
هو الذي يكون طريقه محمد بن موسى الهمداني او يرويه
عن رجل الى اخره كما قلناه من النجاشي وزاد وقيل
روى عن الهيثم بن عدي او جعفر بن محمد الكوفي
او يقول وجدت في كتاب ولم اروه وفي النجاشي بدل
هذا او يقول في حديث او كتاب ولم اروه وقال
الشيخ في الرجال روى عنه سعد ١٠٣ محمد بن احمد العجلي الكوفي ابو غالب اسند عنه فج
١٠٤ محمد بن ادريس الحظلي يكنى ابا حاتم له كتاب يرويه
عنه عبد الله بن جعفر الحميري ست وروى عنه محمد
بن ابي الصهبان وروى عنه سعد وغيره لم يمج وقال
ابن داود محمد بن ادريس الحظلي الرازي ابو حاتم

لم يخ عامي المذهب

١٠٦ محمد بن ادريس العجلي الحلي كان شيخ الفقهاء بالحلة
منقنا في العلوم كثير التصانيف لكنه اعرض عن اخبارنا
اهل البيت بالكلية ذ وذكره في باب الضعفاء
ولعل ذكره في باب الموثقين اولى لان المشهور عنه
انه لم يعمل بخبر الواحد وهذا لا يستلزم الاعراض
بالكلية والا انتقض بغيره مثل السيد قدس سره
وغيره

١٠٧ محمد بن اسماعيل ابو عمران البكري كوفي ق يخ

١٠٨ محمد بن اسحق شعر من اصحاب الرضا عليه السلام
روى الكشي عن حمدويه قال حدثنا الحسن بن
موسى قال حدثني برد بن اسحق شعر وكان من افاضل
الناس لهذا الامر قال خلصني من اخي محمد وكان مسنونا
وقال قلت له لما طال الكلام بيني وبينه ان كان
صاحبك بالمنزلة التي يقول فاسئله ان يدعو الله
لي حتى ارجع الى قولكم قال قال لي محمد فدخلت على
الرضا فقلت له جعلت فداك ان لي اخا وهو من
مني وهو يقول بجوه ابيك وانا اكبر اما اناظره
فقال الحسن الامام سل صاحبك ان كان بالمنزلة
الذي ذكرت ان يدعو الله لي قال فالتفت ابو الحسن
نحو القبلة فذكرها شاء الله ان يذكر ثم قال اللهم
خذ بسمعه وبصره ومجامع قلبه حتى ترده الى الحق قال

الفهر بالضم
الشوم والمطة والحمص
والبزر وسائر الحبوب التي
تخبز وتطعم قوتا من بصلة
او لفة عظيمة فما بعده
فاق شيئا من
فوق
ق

كان يقول هذا وهو رافع يده اليمنى قال فلما انصرف
بما كان فوالله ما لبث الا يسيرا حتى مات بالحمى
العلامة عن الكشي عند ترجمة محمد وزيد ايضا ان
محمد بن اسحق شعر كان يقول بحبوة الكاظم فدعا له الرضا
حتى قال يا بني والله انه اشبه علينا

١٠٩ محمد بن اسحق بن ابي عثمان البرجمي الكوفي ق ج

١١٠ محمد بن اسحق صاحب المغازي يروي كتب محمد بن اسحق
بن يسار المدني مولى بني تيم عنه اسند عنه بكير
بكر صاحب المغازي وقيل كنيته ابو عبد الله ق
ق ج ثم قال ابو عبد الله المغازي تحمل ويحمل
يحمل ان يكونا واحدا وان كان بعيدا

١١١ محمد بن اسحق المدني صاحب السير والمغازي ق ج قال
الشهيد الثاني رحمه الله في حاشيته على الخلاصة
عند ترجمة عبد السلام بن صالح ان محمد بن اسحق
صاحب السير لم يكن امامي وانما كان مخالطا للعامة
فلهذا التبس امره على بعض الناس انتهى ويحتمل ان
يكون هذا هو المذكور قبل هذا

١١٢ محمد بن اسحق بن خليد البكري الكوفي ق ج

١١٣ محمد بن اسحق بن سرار العدوي القرشي مولى عمر كوفي ق ج

١١٤ محمد بن اسحق صاحب الثقافي كوفي ق ج

١١٥ محمد بن اسحق بن عناب البرجمي كوفي ق ج ويحتمل
ان يكون هذا هو المذكور من قبل بعنوان ابن اسحق بن
ابي عثمان

١١٦ محمد بن اسحق بن عمار بن حيان التغلبي البصري ثقة
عين تم له كتاب روى عنه محمد بن بكر بن خالد الجرجاني
له كتاب روى عنه القاسم بن اسمعيل وصفوان بن
يحيى ست وقال العلامة في حقه قال ابو جعفر بن بابويه
الله واقفي قاله في رجاله من الموقفين وقال ارشاد
المفيد انه من خاصة الكاظم وثقاته واهل الورع و
العلم والفقه من شيعته وممن روى النص على الرضا

١١٧ محمد بن اسحق القمي ق ج ثم قال محمد بن اسحق القمي
روى عنه احمد بن ابي عبد الله لم يحتمل ان يكونا واحدا

١١٨ محمد بن اسحق النديم له كتاب كذا يظهر من اخر الفهرست
عند ترجمة ابي عبد الله الحسني وهو الفهرست لابن النديم
كما يظهر من اخر الفهرست ايضا عند ترجمة ابي الحسين
بن معمر وغيره

١١٩ محمد بن اسد بن عمرو الطائي الكوفي ق ج

١٢٠ محمد بن اسرائيل مولى بني هلال الكوفي ق ج

١٢١ محمد بن اسلم الطبري الجبلي ابو جعفر اصله كوفي ق
كان يتجر الى طبرستان يقال انه كان غاليا فاسد
الحديث ضاله كتاب روى عنه محمد بن علي جش له كتاب
روى عنه محمد بن الحسين بن ابي الخطاب ست محمد بن
اسلم الجبلي قر ج ثم قال محمد بن اسلم الجبلي الطبري
صاثم قال محمد بن اسلم الجبلي روى عنه محمد بن الحسين بن

ابى الخطاب لم والظاهر ان الجميع واحد

١٢٢ محمد بن اسمعيل بكنى ابا الحسن نيشابورى لم ج وقال الكشى عند ترجمة ابى محمد الفضل بن شاذان ذكر ابو الحسن محمد بن اسمعيل البندنيجى النيشابورى ان الفضل بن شاذان نعاه عبد الله بن طاهر من نيشابور الى اخوه وكان محمد بن اسمعيل هذا هو الذى يروى كثيرا فى الكافى عن الفضل بن شاذان النيشابورى لانه يذكره بلا واسطة عنه انتهى احاله والله اعلم

١٢٣ محمد بن اسمعيل بن احمد بن نشيط البرمكى المعروف بصاحب الصوم ابو عبد الله سكن قم ولبس اصله منها ذكر ذلك ابو العباس بن نوح وكان ثقة روى لكتب روى عنه محمد بن جعفر الاسدى غمز فيه وقول النجاشى عندى ارجح صه

١٢٥ محمد بن اسمعيل الازدى كوفى ق تج

١٢٦ محمد بن اسمعيل بن بزيع ابو جعفر مولى المنصور ابى جعفر ولد يكنى منهم حمزة بن بزيع كان من وجها هذه الطايفة وثقاتهم كثير العلم لكتب روى عنه احمد بن محمد بن عيسى ومعوية بن حكيم قال محمد بن عمر الكشى كان محمد بن اسمعيل بن بزيع من رجال ابى الحسن موسى وادرك ابا جعفر الثانى وقال حمدويه عن اشياخه ان محمد بن اسمعيل بن بزيع واحمد بن حمزة كانا فى عداد الوزراء وكان على بن

النعمان وهى كنية محمد بن اسمعيل وقال ابو العباس بن اسمعيل فى نادرة ان محمد بن اسمعيل بن بزيع سمع منصور بن يونس بن عبد الرحمن وهذه الطبقة كلها وقال سالت عنه على بن الحسن فقال ثقة عين حبس محمد بن اسمعيل بن بزيع لم كان فى الحج روى على بن ابرهيم عن ابيه عنه وروى احمد بن محمد ومحمد بن الحسين عنه انتهى والظاهر انهما واحد قال فى الرجال ثقة صحيح كوفى ضاد

محمد بن اسمعيل البلخى دى تج

محمد بن اسمعيل بن جعفر علوى قرتج ثم قال محمد بن اسمعيل بن جعفر بن محمد بن على بن الحسين ق وقال فى الفهرست محمد بن اسمعيل الجعفرى له كتاب روى عنه عبد الله بن احمد بن نهيك ولعل الجميع واحد

محمد بن اسمعيل بن جشم الكاتب له كتاب روى عنه خضر بن ابان جش

محمد بن اسمعيل بن رجاء بن ربيعة الكوفى النوبكى ابو عبد الله اسند عنه ق تج

محمد بن اسمعيل بن سعيد بن عزرة البجلى الكوفى ابو سعيد ق تج

محمد بن اسمعيل الصيمرى فى دى تج

محمد بن اسمعيل بن عبد الرحمن الجعفى الكوفى ق تج

نقل اصحابنا فى الصحاح كما يظهر من النجاشى عند ترجمة عبد الله بن داهر فالظاهر ان محمد بن اسمعيل الذى روى عنه الكلينى غير هذه الثلثة وكذا محمد بن اسمعيل البندنيجى البيشابورى لان من يذكر احوال الفضل بن شاذان بلا واسطة غيره كما نبهنا عليه عند ترجمته وروايته الكشى عن محمد بن اسمعيل البندنيجى البيشابورى عند ترجمة الفضل بن شاذان وروايته عن محمد بن اسمعيل عن الفضل بن شاذان عند ترجمة ابو ذر الغفارى رحمه الله فان ملت حكم بعض الثقة بما قد سبق انه قال ثقة عين ثم قال محمد بن اسمعيل بن بزيع الخ يعارض توثيقه هذا الطريق قلت

ان محمد بن اسمعيل هذا احد هذه الثلثة لانهم المرتقون لا غير فتامل الحكم بصحة هذا الخبر لا يدل على صحة جميع رجاله لانه قد يكون

١٢٧ الحكم بصحة الخبر بسبب

١٢٨ الاجتهاد لامر ما ٣

وصفه فى كتب التزكية

من الكلاباذى بالرازى الصحيح

قال محمد بن اسمعيل الرملى

الرازى صه

ما الشهادة كالاجتهاد اصه

ان محمد بن عيسى العبيدى

١٢٩ ثقة عند جد شيخنا ثم

اجتهد برجوع اكثره ضعيفا

فعند جد ضعيف فاحد

١٣٠ احد فوقيه المشهور كان يسب

القراين فى طرق كان فيه

محمد بن قيس شلاثة الاول

انه ثقة عند جد شيخنا

١٣١ واجتهد احداثه واحد

الضعيف فعند جد شيخنا ضعيف

وليس قول احدها علينا

حجة والحجة محمد بن

١٣٢ اسمعيل الذى يروى عنه

١٣٣ الكلينى بلا واسطة ليس

بهم الثقات عندك

والله اعلم ت ك

ثراه

١٣٤ محمد بن اسمعيل المخزومي المدني ق خ

١٣٥ محمد بن اسمعيل بن ميمون الرعفراني ابو عبد الله ثقة عين روى عن الثقات ولقي اصحاب ابي عبد الله له كتاب نوادر روى عنه عبد الله بن محمد بن خالد جش

١٣٦ محمد بن اسمعيل الهمداني ق خ

١٣٧ محمد بن الاسود التغلبي الكوفي ق خ

١٣٨ محمد بن الاسود بن عمير الطائي الكوفي ق خ

١٣٩ محمد بن اشرس الجعفي الكوفي ق خ

١٤٠ محمد بن الاصبغ الهمداني كوفي ثقة له كتاب نوادر روى عنه احمد بن محمد بن خالد جش وذكره وكيلا وينبغي ان يوثقه كما وثقه النجاشي والعلامة

١٤١ محمد بن اعين الكاتب كوفي ق خ

١٤٢ محمد بن انس بن فضالة الانصاري جلد ده في المدنيين ل خ

١٤٣ محمد بن اورمة ابو جعفر القمي ذكره القميون وغمزوا عليه ورموه بالغلو حتى دس عليه من نقاب له توفي بصيد من اول الليل الى اخره متوفى عنه وجلى جاعة من شيوخ القميين عن ابن الوليد انه قال محمد بن اورمة بطن عليه بالغلو وكل ما كان في كتبه مما وجد في كتب الحسين بن سعيد وغيره نقل بر وما يفرد به فلا نتعمده وقال بعض اصحابنا انه راى توقيعا من ابي الحسن الثالث الى اهل قم في معنى محمد بن اورمة وبرائته مما قذف به وكتبه صحاح الا كتابا ينسب اليه يرجع بنفسه الى باطن فانه تخليط روى عنه احمد بن علي بن النعمان جش لركوب مثل كتب الحسين بن سعيد وفي رواياته تخليط روى عنه الحسين بن الحسن بن ابان ست ضعيف لم يخرج اهل القميون بالغلو وحديثه نقي لا فساد فيه ولم ار شيئا ينسب اليه يضطر بهذا الفعل الا واراه في تفسير الباطن وما يليق بحديثه وواظنها موضوعة عليه وراينا كتابا خرج من ابي الحسن علي بن محمد الى القميين في برائته مما قذف به بعض

١٤٤ محمد بن اياس بن بكير عن ابيه ل خ

١٤٥ محمد بن بجيل واخوه علي ق خ

١٤٦ محمد بن بحر اخو مغلس ضا خ

١٤٧ محمد بن بحر الرهني ابو الحسين الشيباني ساكن نرماشير من اردكرمان قال بعض اصحابنا انه كان في مذهبه ارتفاع وحديثه قريب من السلامة ولا ادري من اين قيل ذلك لركب روى عنه ابو العباس احمد بن العباس بن نوح جش محمد بن بحر الرهني من اهل بجستان وكان من المتكلمين وكان عالما بالاخبار رديها الا انه متهم بالغلو وله نحو من خمسمائة مصنف ورسالة وكتبه موجودة ببلاد خراسان ست محمد بن بحر الرهني يرمى

هذا الذي في الاستبصار في الزيارات حفيته فيه والله اعلم ان بلغ الرجل صاحبه وهو غار غائل فيشد عليه فيقتله كذا في الصحاح منه

بالتفويض لم يحج وضعيف في مذهبه ارتفاع عضر
وذكره العلامة مرة كما ذكره النجاشي ومرة بعنوان
١٤٨ محمد بن بحر الهجري يروي بالتفويض وشبعه ابن داود
١٤٩ محمد بن بدر بن بديل بن ورقاء الخزاعي عداده في الكوفيين
اصله حجازي نزل الكوفة شهد مع علي هو واخوه
عبد الله فلا معه بصفين وهما رسولا رسول الله الى
اهل النهر لم يحج
١٥٠ محمد بن بطام الجعفي مولاهم ق يحج
١٥١ محمد بن بشر بن بشير الاسلمي الكوفي اسند عنه ق يحج
١٥٢ محمد بن بشر الهمداني ابو الحسين السوسنجردي متكلم جيد
الكلام صحيح الاعتقاد كان يقول ابو عبد الله كتب جش و
قال عند ترجمة محمد بن عبد الرحمن بن قبة ابو الحسين السو
سنجردي رحمه الله كان من عيون اصحابنا وصالحهم
المتكلمين وله كتاب في الامامة معروف وكان قد يحج على
قدمه حسين بن حجم وقال الشيخ في الفهرست من علمائنا ابن
سهل النوبختي يعرف بالهمداني وينسب الى الحمدونية
١٥٣ محمد بن بشر واخوه علي ثقتان رواه الحديث كوفيان وسكنا
بغداد له نوادر روى عنا احمد بن محمد بن خالد البرقي
١٥٤ محمد بن بشير غال ملعون قد يحج واورد الكشي روايات
كثيرة تدل على ذمه منها انه قال الرضا كان كذب على
ابي الحسن موسى فاذاقه الله حر الحديد وهذا غير محمد بن

بشر الثقة المذكور قبل هذا كما نبه عليه العلامة في حه
١٥٥ محمد بن بشير الهمداني ق يحج
١٥٦ محمد بن بكير له روايات اخبرنا جماعة عن ابي المفضل
عن حميد عن احمد بن هشام عنه ست
١٥٧ محمد بن بكر الازدي له كتاب رويناه بهذا
الاسناد عن حميد عن ابي اسحق ابراهيم بن سليمان
بن حيان ست ويحتمل ان يكون هذا هو المذكور
قبل هذا والذي يسبح بعيد هذا ان كانا متعددين
١٥٨ محمد بن بكر بن حبان الراسبي ابو عبد الله الكوفي ثقة له كتاب
نوادر روى عنه ابن ثابت وقال حميد مات سنة
ثلاث وستين ومائتين وصلى عليه الحسن بن علي
حش محمد بن بكر بن حبان الراسبي ق يحج وذكره العلامة
مرة كما ذكره النجاشي ومرة بعنوان محمد بن بكران
بن جناح من اصحاب الكاظم ق يحج وذكره كما ذكر الشيخ
في الرجال وبنى على انهما اباه بكر لا بكران ولعله الصواب
١٥٩ محمد بن بكر بن عبد الرحمن ابو عبد الله الارحبي الكوفي ق يحج
١٦٠ محمد بن بكران بن جناح الذي ذكره العلامة في حه ذكرناه
بعنوان محمد بن بكر بن جناح
١٦١ محمد بن بكران بن حمدان المعروف بالنقاش من
اهل قم روى عنه التلعكبري لم يحج
١٦٢ محمد بن بكران بن عمران ابو جعفر الرازي سكن الكوفة
وجاور بمقبرة عمر بن مسكون الى وفاته له كتب حش وذكره

القتلا في صه يعنون احمد بن بدران حيث قال احمد بن بلدان
بزعمه انا ابو جعفر الرازي سكن الكوفة وجاور بمكة عمر
بسكن الى دوانيه وهو عين دمره يعنون احمد بن بدران
كما ذكره القتلا ومن يعنون احمد بن بكران كما ذكره النجاشي
وكانه احد الاولين من تمييز الثامن النجاشي والصواب ما ذكره النجاشي

١٦٣ محمد بن بلال ثقة كر تج

١٦٤ محمد بن بلال المعلم من اصحاب العياشي كر تج

١٦٥ محمد بن بندار بن عاصم الذهلي ابو جعفر الفقيه ثقة عين له
كتب روى عنه الحسين بن محمد بن عامر جش كم تج

١٦٦ محمد بن البهلول كوفي له كتاب روى عنه يحيى بن زكريا
اللؤلؤي جش

١٦٧ محمد بن تمام روى عنه علي بن رباب والحكم بن ايمن في تج

١٦٨ محمد بن تميم التميمي البصري له كتاب عن ابي الحسن في تج
روى عنه الحسن بن علي بن زكريا جش

١٦٩ محمد بن تميم الهمداني تج

١٧٠ محمد بن ثابت له نسخة يرويها غير واحد من اصحابنا روى عنه
بن محمد بن سعيد جش مجهول تم تج

١٧١ محمد بن ثابت بن قيس الشماس الانصاري عداده في
المدينيين كر تج

١٧٢ محمد بن ثابت ذكره ابن عقدة يعنون احمد بن ابي حمزة

١٧٣ محمد بن ثمامة العطار الكوفي الازدي ابو العلاء تج

١٧٤ محمد بن ثوابا كوفي ثقة قليل الحديث له كتاب يرويه

عنه ابراهيم بن سليمان جش

١٧٥ محمد بن جابر البناني اسند عنه في تج

١٧٦ محمد بن جبر بن بهلول الانباري له كتاب روى احمد بن محمد بن
يحيى عن ابيه عن جش

١٧٧ محمد بن جبير بن مطعم بن تج وروى الكشي عن الفضل بن
شاذان انه لم يكن في زمن علي بن الحسين في اول امره الا
خمسة انفس وذكر من جملتهم محمد بن جبير بن مطعم

١٧٨ محمد بن جحادة الفارسي صنا تج

١٧٩ محمد بن الجراح الهمداني الكوفي في تج

١٨٠ محمد بن جرير ابو جعفر الطبري عامي له كتاب روى ابو
اسحق بن ابراهيم بن مخلد عن ابيه عنه جش محمد بن جرير
الطبري ابو جعفر صاحب التاريخ عامي المذهب له كتاب
روى عنه ابن كامل ست

١٨١ محمد بن جرير بن رستم الطبري الاملي ابو جعفر جليل من
اصحابنا كثير العلم حسن الكلام ثقة في الحديث له كتب روى
عنه الحسين بن حمزة الطبري جش محمد بن جرير بن رستم الطبري
الكبير يكنى ابا جعفر دين فاضل وليس هو صاحب
التاريخ فانه عامي المذهب كتب ست لم تج

١٨٢ محمد بن جزك الجمال ثقة روى تج

١٨٣ محمد بن الجعد الاسدي تم تج

١٨٤ محمد بن جعفر بن ابي طالب قليل الرواية روى تج د
ذكرنا بعض حواله عند ترجمة محمد بن ابي بكر وقال ابن داود

انه قتل بكربلا وهو اشتباه محمد بن عبد الله بن جعفر بل ابو قتل بصفين

١٨٥ محمد بن جعفر بن ابي كثير المدائني سند عنه وثق

١٨٦ محمد بن جعفر بن احمد بن بطة المؤدب ابو جعفر الفقيه كان كبير المنزلة بهم كثير الادب والفضل والعلم باهل الحديث ويعلق الاسانيد بالاجازات وفي فهرست ما رواه غلط كثير وقال ابن الوليد كان محمد بن جعفر بن بطة ضعيفا مخلطا فيما يسنده لكتب روى عنه الحسين بن حمزة العلوي الطبري وابو المفضل محمد بن عبد الله بن المطلب الشيباني وذكره في الباب

١٨٧ محمد بن جعفر الاسدي يكنى بعنوان محمد بن جعفر بن محمد بن عون الاسدي

١٨٨ محمد بن جعفر الخزاز ضاج

١٨٩ محمد بن جعفر الرزاز ابو العباس روى عن محمد بن عبد الحميد وايوب بن نوح روى عنه محمد بن يعقوب كتا في كتب الاجازة

١٩٠ محمد بن جعفر العشي ضاج

١٩١ محمد بن جعفر بن عنبسة الاهوازي الحداد يعرف بابن دوبدة مولى بني هاشم يكنى ابا عبد الله مخلط الامر لكتاب الخصال وكتاب الكمال روى عنه ابنه علي بن محمد بن جعفر جش وفي صه دوبدة بالواو المهملة والباء الموحدة المنقطة تحتها نقطتين والذال المعجمة والواو والباء المنقطة تحتها نقطتين وانما هو كما في الهامش بضم الراء والواو والباء المنقطة تحتها نقطتين

١٩٢ محمد بن جعفر الفطي روى كتب الحسين بن سعيد عن عبد السلام بن عبد الوهاب عن الحسن والحسين ابني سعيد روى عنه التلعكبري لم يح

١٩٣ محمد بن جعفر بن محمد ابو الفتح الهمذاني الواوطي المعروف بالمراغي كان وجها في النحو واللغة ببغداد حسن الخط صحيح الرواية فيما نقله وكان بقاعا على الكلام له كتب جش

١٩٤ محمد بن جعفر بن محمد بن جعفر بن الحسن بن جعفر بن الحسن بن علي بن ابي طالب المعروف بابي قيراط روى عنه التلعكبري يكنى ابا الحسن لم يح

هذا هو الذي روى عنه محمد بن يعقوب كما يظهر من الفهارس عند ترجمة محمد بن يعقوب رحمه الله

١٩٥ محمد بن جعفر بن محمد بن عبد الله النحوي ابو بكر المؤدب حسن العلم بالعربية والمعرفة بالحديث له كتاب المواريث لم يستوف في امامة الاثني عشر روى عنه ابو بكر احمد بن عبد الله بن جابان المؤدب جش

١٩٦ محمد بن جعفر بن محمد بن علي بن الحسين عليهما السلام المقيم بداجبرد نحدث بري عن ابيه روى عنه احمد بن الوليد بن برد جش وفخ وقال المفيد في ارشاده كان سخيا شجاعا وكان يصوم يوما ويفطر يوما وبرى راي الزيدية في الخروج بالسيف وخرج على المامون في سنة دمع وبعض دمشا بمكة وابعث عليه الجارود فخرج اليه عيسى الجلودي فقرره حتى اخذه فانفذه الى المامون فلما وصل اليه اكرمه اكراما وادنى مجلسه ووصله واحسن جائزته وكان يصاحبه في خراسان يركب اليه في موكب من بني عمه وكان المامون

يحمل عنه ما لا يحمل السلطان من يقبض ويوفي محمد بن جرير الطبري

١٩٧ محمد بن جعفر بن محمد بن عون الاسدي ابو الحسين الكوفي
ساكن الري يقال له محمد بن ابي عبد الله كان ثقة صحيح الحديث
الا انه روى عن الضعفاء وكان يقول بالجبر والتشبيه
وكان ابوه وجها وكفله احمد بن محمد بن عيسى له كتاب
والاستطاعة روى عنه الحسن بن حمزة واحمد بن حماد
الفرغاني حبس محمد بن جعفر الاسدي بكتبه ابا الحسين لبكاء
الرد على اهل الاستطاعة روى عنه التلعكبري ت
الرازي كان احد الابواب بمدينة السلام في حدود سنة ثلاثين ومائتين صدوق
فضل ابن داود قرأ على ابن نجاشية وقرأ عن الفهرست وقرأ على الراوي

١٩٨ محمد بن جعفر الذي ذكره ابن بسطام يعني ان محمد بن علي بن جعفر

٢٠٠ محمد بن جعفر بن موسى بن قولويه يسمى يعني ان محمد بن قولويه

٢٩٩ محمد بن جعفر القنبي ضا تخ

٢٠٢

٢٠١ محمد بن جمهور يسمى يعني ان محمد بن الحسن بن جمهور

محمد بن جميل بن صالح الاسدي عده صحيح ثقة له كتاب يرويه

٢٠٣ محمد بن جعيل بن عبد الله الطائي الكوفي ق تخ ويجعل ابن
هذا هو الذي يسمى بعبد هذا

٢٠٤ محمد بن جعيل بن عبد الله بن نافع الخثعمي الكوفي ثقة
مع ابيه

٢٠٥ محمد بن جنادة الازدي الكوفي ق تخ

٢٠٦ محمد بن الحرث م تخ

٢٠٧ محمد بن الحباب الجلاب كوفي ق تخ

٢٠٨ محمد بن حبيب البكري الكوفي ق تخ

٢٠٩ محمد بن حبيب الخثعمي الكوفي ق تخ

٢١٠ محمد بن حبيب النصر عداده في الكاتبين قال ابن بطة
في حديثه نظر ل تخ

٢١١ محمد بن الحجاج اللخمي كوفي نزل بغداد ق تخ

٢١٢ محمد بن الحجاج المذكر منكر الحديث ق تخ

٢١٣ محمد بن الحجر بن رابذة الكندي الكوفي الحضرمي ق تخ

٢١٤ محمد الحداد الكوفي صاحب المعلى بن خنيس له كتاب يروي
محمد بن ابي عبيس محمد الحداد الكوفي روى عنه الحكم بن
سليمان ق تخ ويحتمل ان يكون هذا هو المذكور بعد ان
محمد بن جعفر بن عنبسه

٢١٥ محمد بن حرب الهلالي ق تخ امير مكة د لا عبر

٢١٦ محمد بن حسان البكري كوفي ق تخ

٢١٧ محمد بن حسان الرازي ابو عبد الله الزنجي يعرف وينكر
بين بين روى عن الضعفاء كثيرا له كتب روى عنه
محمد بن يحيى واحمد بن ادريس محمد بن حسان الرازي
الزنجي د ق تخ ثم قال محمد بن حسان الرازي يروي
عن الصفواني وغيره له ونقل العلامة في صه بعد نقل
كلام النجاشي عن ابن الغضايري ان محمد بن حسان
الرازي ابو جعفر ضعيف وفي د في موضع الزنجي الزنبي
وهو اشتباه

٢١٨ محمد بن حشان العرزمي يكنى ابا جعفر روى عنه جعفر الكتاب
ابرهيم بن ابي بكر لج ولا يبعد ان يكون هذا الذي
ذكرناه قبل هذا واحدا وان كان الشيخ قدس سره
ذكرهما متعددا

٢١٩ محمد بن حشان البجلي كوفي اسند عنه ق تج

٢٢٠ محمد بن الحسن بن ابي خالد الاشعري الاشعري ضا تج و
يظهر من التهذيب في باب صفة الاذان العبد انه كان
وصي سعد بن سعد الاشعري

٢٢١ محمد بن الحسن بن ابي ساده ابو جعفر مولى الانصار
يعرف بالوشا اصله كوفي سكن هرو وابوه قبله
النبل روى هرو وابوه عن الباقر والصادق وابن
عم محمد بن الحسن معاذ بن مسلم بن ابي ساده وهم اهل
بيت فضل وادب وعلى معاذ ومحمد تفقه الكتاب اعلم
العرب والكتابي والفراء يحكون في
كتبهم كثيرا قال ابو جعفر الرواسي محمد بن الحسن وهم
ثقات لا يطعن عليهم بشئ ولمحمد هذا كتب روى
عنه خلاد بن عيسى حش وفي صه في موضع لكتاب
والفراء اللسان والفراء

٢٢٢ محمد بن الحسن بن ابي يزيد الهمداني المعاذي الكوفي
اسند عنه ق تج

٢٢٣ محمد بن الحسن بن احمد بن الوليد ابو جعفر شيخ
القميين وفقيههم ومتقدمهم ووجههم ويقال انه
نزيل قم وما كان اصله منها ثقة ثقة عين مسكون اليه
لهم كتب روى عنه ابو الحسين علي بن محمد بن ظاهر
مات ابو جعفر محمد بن الحسن بن الوليد سنة ثلث
واربعين وثلثمائة حش محمد بن الحسن بن الوليد الفتى
جليل القدر غادف بالرجال موثوق به له كتب روى عنه
محمد بن علي بن الحسين سن جليل القدر بصير بالفقه
ثقة يروي عن الصفار وسعد روى عنه النجاشي و
ذكر انه لم يلقه لكن ورد عليه اجازة على يد صاحبه
جعفر بن الحسن المؤمن بجميع رواياته اخبرنا عنه ابو الحسين بن
ابي جيد بجميع رواياته لم تج وذكره في باب الموثقين مرتين

٢٢٤ محمد بن الحسن البراني يكنى ابا بكر كان له رواية لم تج

٢٢٥ محمد بن الحسن البرناني روى عنه الكشي لم تج ويحتمل ان
يكون هذا والذي ذكرناه قبل هذا واحدا لان الكشي
روى كثيرا عن محمد بن الحسن البراني كما عند ذكر الواقفة

٢٢٦ محمد بن الحسن البزاز الكوفي ق تج

٢٢٧ محمد بن الحسن بن جمهور العمي البصري له كتب اخبرنا بها بروايتها
كلها الا ما كان فيها من غلو او تخليط اجمعا عن محمد بن
علي بن الحسين عن ابيه عن سعد بن عبد الله عن احمد بن
الحسين بن سعيد عنه روى عنه العركي بن علي ست محمد
بن جمهور ابو عبد الله العمي ضعيف في الحديث فاسد
المذهب ونقل فيما اشباه والله اعلم بما من غلطها
صا وله كتب روى عنه ابنه الحسن بن محمد حش محمد بن

جهمور العمرى بصرى غال فاسد الحديث لا يكتب حديثه ابن الغضائرى

شعر الجليل فيه محمد بن عمر رحمه الله عز وجل عض وذكره وذكر ابنه يعقوب

محمد بن جمهور روى يعقوب بن احمد بن الحسن بن جمهور

٢٢٨ محمد بن الحسن بن حازم يكنى ابا جعفر روى عنه حميد الصولا

كثيرة لم يخ

٢٢٩ محمد بن الحسن بن حمزة الجعفر ابو يعلى خليفة الشيخ ابى

عبد الله بن النعمان والجالس مجلسه متكلم فقيه امامى

جميع ما له كتب مائة وثلث وثلثون كتابا

ودفن فى داره بحش

محمد بن الحسن بن زياد العطار كوفى ثقة روى ابوه عن

الصادق عليه السلام له كتاب روى عنه الحسن بن محمد بحش

وفى اخر سند الحسن بن محمد عن محمد بن زياد وهو يعطى انه

ينسب الى جد وقد ورد فى الاخبار الحسن بن محمد عن محمد بن

زياد كثيرا فلا يبعد ان يكون هو المراد وذكره وثم يعقوب

محمد بن الحسن بن زياد العطار وثم يعقوب احمد بن زياد العطار

حيث قال محمد بن زياد العطار ثقة روى ابوه عن ابى عبد الله

٢٣١ محمد بن الحسن بن زياد اليقطينى الاسدى مولاهم ابو جعفر ثقة

عين صنف له كتاب روى عنه يعقوب بن يزيد بحش

٢٣٢ محمد بن الحسن بن سعيد الذى ذكره العلامة فى مشيخة

يعقوب احمد بن الحسن بن سعيد

٢٣٣ محمد بن الحسن بن همون ابو جعفر بغدادى واقفى غلا

وكان ضعيفا جدا فاسد المذهب واضع للحديث فى

الوقف كتب روى عنه الحسين بن القاسم وسهل بن زياد وابو

الحسين دعاه بن يحيى بن سالمان واحمد بن محمد بن عيسى بن العرزمى

وعبيد الله بن احمد المنادى حش بصرى غال ردى كرخ

واقف ثم غال ضعيف متهافت لا يلتفت اليه ولا الى ما يختصا

وسيأتى ما يناسب هذا البعض

٢٣٤ محمد بن الحسن الصفار ابو جعفر يكنى يعقوب احمد بن الحسن بن فروخ

الصفار

٢٣٥ محمد بن الحسن الصيرفى له كتاب التحريف والتبديل ست وثلث

٢٣٦ محمد بن الحسن الضبى مولاهم العطا الكوفى ابو عبد الله وثلث

٢٣٧ محمد بن الحسن بن عبد الله الجعفر ذكر بعض اصحابنا وغمز عليه

روى عنه البلوى ورجل ضعيف مطعون عليه وذكر

بعض اصحابنا انه راى له رواية وروايها عنه على بن محمد بن الزبير

صاحب الزنج وهذا ايضا مما يضعفه وفى كتبنا كما يضاف اليه

روى عنه عبد الله بن محمد البلوى عن الصادق جش محمد بن

عبد الله الجعفر لا نعرفه الا من جهة على بن محمد صاحب الزنج و

من جهة عبد الله بن محمد البلوى الذى يحمل عليه فساده

فاسد مختل قال العلامة بعد ما نقل هذا الكلام

عن ابن الغضائرى وقال فى كتابه الاخر محمد بن الحسن بن عبد الله

الجعفر روى عنه على بن محمد العبيدلى صاحب الزنج بالبصرة

وروى عنه عمارة بن زيد ايضا وهو منكر الحديث انتهى فعلما

نقلناه ظهر لك ان ما ذكره النجاشى وابن الغضائرى بعد

وذكره وثمرة راويا عن النجاشى كما ذكره وثمرة راويا عن

ابن

ابن الغضايرى يعنوان محمد بن عبد الله الجعفرى وذكره العلا
مرة كما ذكره النجاشى ومرة كما ذكره ابن الغضايرى فتحكم

٢٣٨ محمد بن الحسن بن عبيد الله بن الحسين بن محمد بن الحسن بن محمد بن عبيد الله
بن الحسين بن على بن الحسين بن على بن ابى طالب عليه السلام
الجوانى ساكن املى طبرستان كان فقيها وسمع جدك كتاب

٢٣٩ محمد بن الحسن العطار كذا ذكره ابن النديم فى فهرسته
وتقدم محمد بن الحسن بن زياد العطار ومحمد بن الحسن الصفار
وهو يحتمل احدهما وربما احتملهما

٢٤٠ محمد بن الحسن بن العلاء بن حارثة العجلى فى نسخ وفى بعض
النسخ ابن الحسين

٢٤١ محمد بن الحسن بن على ابو عبد الله الحارث جليل من اصحابنا
عظيم القدر جيد الرواية اصحابنا اليه يرجعون فى كثير من
الرجال وهو من احمد بن محمد بن سعيد

٢٤٢ محمد بن الحسن بن على ابو الشيخ كوفى ثقة عظيم المنزلة فى اصحابنا
له كتب روى محمد بن محمد بن هرون الكندى عن ابى الحسن محمد بن

٢٤٣ محمد بن الحسن بن على بن شاذان ذكر ذلك عن خطه
فاضل جليل القدر ولم اجد فى غيره ذكره

٢٤٤ محمد بن الحسن بن على الطوسى ابو جعفر جليل فى اصحابنا
ثقة عين من ثلاثة شيخنا ابى عبد الله له كتب جيد شيخ الطائفة
ورئيس الامامية عظيم المنزلة ثقة عين صدوق عارف
بالاخبار والرجال والفقه والاصول والكلام والادب
جميع الفضايل نسب اليه صنف فى كل فنون الاسلام وله الجلالة
العظايد فى الاصول والفروع والجامع كالات النفس فى

العلم والعمل وكان تلميذ الشيخ المفيد محمد بن محمد بن النعمان
ولد قدس سره فى شهر رمضان سنة خمس وثمانين وثلثمائة
وقدم العراق فى شهور سنة ثمان واربعمائة وتوفى رحمه الله
عشية ليلة الاثنين الثانى والعشرين من المحرم سنة ستين و
اربعمائة بالمشهد المقدس الغروى على ساكنه السلام ودفن
بداره وقال الحسن بن مهدى السليقى نولبت انا والشيخ ابو
محمد الحسن بن عبد الواحد العين زربى والشيخ ابو
الحسن اللولوى غسله فى تلك الليلة ودفنه وكان
يقول اولا بالوعيد ثم رجع وهاجر الى المشهد المقدس الغروى
خوفا من الفتن التى تجددت بعده واحرقت كتبه وكرسيه
كان يجلس عليه للكلام صه

٢٤٥ محمد بن الحسن بن على بن فضال قال الكشى قال محمد
بن مسعود عبد الله بن بكير وجماعة من الفطحية هم فقهاء اصحابنا ثم
ذكرهم على واحد ومحمد بنو الحسن بن على بن فضال

٢٤٦ محمد بن الحسن بن غاوة المدائنى الكوفى فى نسخ

٢٤٧ محمد بن الحسن بن فروخ الصفار مولى عيسى بن موسى ابو
جعفر الاعرج كان وجها فى اصحابنا القمين ثقة عظيم القدر
راجحا قليل السقط فى الرواية له كتب روى عنه محمد بن الحسن بن
الوليد ومحمد بن يحيى توفى محمد بن الحسن الصفار يوم سنة
نيف وثمانين ومايتين رحمه الله جش محمد بن الحسن الصفار فى له
كتب مثل كتب الحسين بن سعيد وزيادة روى عنه
محمد بن الحسن بن الوليد ومحمد بن يحيى ست كرخ وذكره

دثره راوياعن الشيخ يعنون محمد بن الحسن الصفار مهملا
ومرة راويا عن النجاشي كما ذكره موثقا

٢٤٨ محمد بن الحسن البغوي ويلبس بابن الوليد الاب الطاهر
روى عن جمع شيوخه روى عن سعد وعن الحميري
والاشعريين محمد بن احمد بن يحيى وغيرهم روى عنه
التلعكبري اجازة لم يحج

٢٤٩ محمد بن الحسن بن محبوب دج

٢٥٠ محمد بن الحسن ابو اسطى روى الكشي عن علي بن محمد
القتيبي قال الفضل بن شاذان محمد بن الحسن كان كريما
على ابي جعفر الثاني وان ابا الحسن ابنه نفقه في مرضه

٢٥١ محمد ولكفنه واقام ماتمه عند مونه بن الحسن بن الوليد
تقدم يعنون محمد بن الحسن بن احمد بن الوليد

٢٥٢ محمد بن الحسن بن هرون الكتكي ابا جعفر روى
عنه التلعكبري اجازة لم يحج وفي نسخة ابن الحسين كما ابي

٢٥٣ محمد بن الحسن بن يوسف بن علي بن مطهر الحلي مخ
المحقق ابن طاب قدس سره وجده من وجوه
هذه الطايفة وثقاتها وفقهائها جليل القدر
عظيم المنزلة رفيع الشان عالم في علو قدره وسمو
مرتبته وكثرة علومه اشهر من ان يذكر وعن ان يشهر
قدس سره وروى عن شيخنا الشهيد رضي الله
عنه له كتب جيدة منها الايضاح

٢٥٤ محمد بن الحسن بن ابي الخطاب ابو جعفر الزيات الهمذاني

واسم ابي الخطاب زيد جليل من اصحابنا عظيم القدر ذكر
الزبرقان ثقة عين حسن التصانيف مسكون الى روايته
كتب روى عنه محمد بن الحسن الصفار مات سنة اثنين
وتسعين وما بين حش كوفي ثقة له كتاب اللؤلؤة و
كتاب النوادر ست ثقة دثى كرجح وروى عنه محمد
بن علي بن محبوب كثيرا كما يظهر من كتاب القضاء من
التهذيب وغيره وذكره دثره كما نقلناه ومرة راويا
عن النجاشي يعنون محمد بن ابي الحسين حيث قال محمد بن
ابي الحسين بن ابي الخطاب ابو جعفر الزيات الهمذاني و
اسم ابي الخطاب زيد جليل من اصحابنا عظيم القدر ثقة عين
حسن التصانيف صحيح الرواية انتهى ولم اجد في النجاشي
وغيره الا كما نقلناه ٢

٢٥٥ محمد بن الحسين بن الصعب الصائغ كوفي نزيل في بني
وهل ابو جعفر ضعيف جدا قبل الله عز وجل له كتاب
النابغة وكتاب النوادر روى عنه احمد بن محمد بن
رباح حس محمد بن الحسين الصائغ له نوادر روى عنه
حميد ست لم يحج وفي صدر محمد بن الحسن بغير باء والصواب
ما ذكره النجاشي والشيخ في كابيه

٢٥٧ محمد بن الحسين بن سعيد بن عبد الله بن سعد الطبري
يكنى ابا جعفر خاصي روى عنه التلعكبري لم يحج

٢٥٨ محمد بن حسين بن مرجل ابو الحسن الخزاز الكوفي يعد
من اصحابنا عين واضح ثوابه له كتاب فضايل الشيعة

كتب ذو آخر الايضاح فرغت منه
محرر الحواشي مع زاكم عروف
الدرر المكدرة للمنفوس في الافكار
فذي مجة الحرام سنة ثنين و
سبعماة الهلالية وكتب اضعف
عباد الله مصنف الكتاب
محمد بن الحسن بن يوسف بن علي بن
المطهر رحم الله
له بالحسنى

وكتاب فضائل القرآن اخبرنا الحسين بن عبد الله
عنه بهما حش

٢٥٩ محمد بن الحسين الصانع ذكرناه بعنوان محمد بن
الحسين بن عبد الصانع

٢٦٠ محمد بن الحسين بن عبد العتمد الشهير بها الدبا العطا
الحائري منسوب الى الحائر وهو الحائط الذي كان
امير المؤمنين ومن خواصه والهمذاني لكون اسمه
الدال المهملة فيه من البين جليل القدر عظيم
المنزلة رفيع الشان كثير الحفظ ما وافر كثرة علوم
ووفور فضله وعلو مرتبته احدا في كل فنون
الاسلام كمن كان له فن واحد له كتب يفتخر
جيده منها الكافي الموسوم بالجمل المبين في كتاب
الشيخين

٢٦١ محمد بن الحسين بن عبد العزيز بن دوك
عن محمد بن عيسى الطلي روى عنه
ابن الوليد لم يحج

٢٦٢ محمد بن الحسين بن العلاء بن حاتم العجلي
ق تج وفي بعض النسخ محمد بن الحسن
كما نقلناه

٢٦٣ محمد بن الحسين بن علي بن الحسين بن
علي بن ابي طالب ابو عبد الله اسند
عنه مدني نزل الكوفة ق تج

٢٦٤ محمد بن الحسين بن موسى بن محمد بن موسى
بن ابراهيم بن موسى بن جعفر بن محمد بن علي بن
الحسين بن علي بن ابي طالب ابو الحسن الزينبي
نقيب العلويين ببغداد اخو المرتضى كان
شاعرا مبرزا الركب توفي في السادس
من المحرم سنة ست واربعمائة حش
وامره في الثقة والجلالة اشهر من ان يذكر
رضي الله عنه

٢٦٥ محمد بن الحسين بن هرون الكندي
اللحام الكوفي ابو جعفر روى عنه الكشي
اجازة لم تج وفي نسخة محمد بن الحسن كما
نقلناه

٢٦٦ محمد بن الحسين الاهوازي د تي تج

٢٦٧ محمد بن الحسين بن عبد الرحمن الجعفي كوفي في تج

٢٦٨ محمد بن الحسين الفهري ملعون د تي تج وروى الكشي
عن سعد عن العبيدي عن العسكري لعن الفهري و
الحسن بن محمد بن بابا القمي

٢٦٩ محمد بن حفص بن عمرو ابو جعفر وهو ابن العمري
كان وكيل الناحية وكان اللوبدود عليه كش محمد
بن حفص بن عمرو بن العمري كو تج

٢٧٠ محمد بن حفص بن غياث روى عن
ابيه روى عنه محمد بن الوليد الخزاز وبرو
عن محمد بن الحسن الصفار

+ مات رحمه الله في سنة ثلثين بعد الالفين من الهجرة النبوية

الجهني وسعد الم خ

٢٧١ محمد بن الحكم البكري الكوفي ق خ

٢٧٢ محمد بن حكيم الخثعمي ق م يكنى ابا جعفر له كتاب يروي عن محمد بن حكيم الخثعمي الكوفي ابو جعفر ق خ م

بن حكيم له كتاب روى عنه الحسن بن محبوب ست ثم قال محمد بن حكيم له كتاب روى عنه القاسم بن اسمعيل

٢٧٣ محمد بن حكيم الشاطي واخوه محمد ومرازم وحماد بنو حكيم ق خ

٢٧٤ محمد بن حكيم من اصحاب الكاظم عليه السلام حدثني حميد وغيره قال حدثنا محمد بن عيسى قال حدثنا يونس بن عبد الرحمن عن حماد قال كان ابو الحسن يأمر محمد بن حكيم ان يجالس اهل المدينة في مسجد رسول الله وان يكلمهم ويخاصمهم حتى كانهم في صاحب القبر يكاد اذا انصرف اليه قال له ما قلت لهم وما قالوا لك ويرضى بذلك منه كل ثم روى مثله وكان محمد بن حكيم هذا هو الشاطي المذكور قبل هذا والله اعلم

٢٧٥ محمد بن حماد ابو الاشعث المزني كوفي ق خ

٢٧٦ محمد بن حماد بن زيد الحارثي ابو عبد الله ثقة روى ابو عن الصادق عليه السلام له كتاب روى عنه محمد بن الحسين بن ابي الخطاب جش محمد بن حماد الكوفي له كتاب روى عنه محمد بن علي بن محبوب ست ثم قال محمد بن حماد له روايات روى عنه احمد بن مثم

٢٧٧ محمد بن حماد بن عبد الرحمن الانصاري مولى الباهلي لبلي كوفي ق خ

٢٧٨ محمد بن حماد الهمداني الطائي كوفي ق خ

٢٧٩ محمد بن حمران بن اعين له كتاب روى عنه ابن ابي عمير وابن ابي نجران ست ق خ

٢٨٠ محمد بن حمران مولى بني فهر كوفي ولبس ابن اعين ق خ

٢٨١ محمد بن حمران النهدي ابو جعفر ثقة كوفي الاصل نزل جرجان له كتاب روى عنه علي بن اسباط بن سالم الجش محمد بن حمران النهدي كوفي ابو جعفر بزاز ق خ

٢٨٢ محمد بن حمزة بن ابيض الكوفي ق خ

٢٨٣ محمد بن حمزة بن القاسم ضا خ

٢٨٤ محمد بن حمزة بن اليسع روى عن زكريا بن ادم و روى عنه احمد بن محمد بن عيسى لا اعرفه صه عند نجر ابي جريره وكانه الذي سيجيء في باب الكنى بعنوان ابو طاهر بن حمزة بن اليسع مع توثيقه فلاحظه

٢٨٥ محمد بن حميد العبدي الكوفي ق خ

٢٨٦ محمد بن حميد المذحجي ابو اسمعيل الكوفي اسند عنه ق خ

٢٨٧ محمد بن حنظلة العبدي ابو سلمة الكوفي ق خ

٢٨٨ محمد بن حنظلة الفيسي الكوفي ق خ

٢٨٩ محمد بن الحنفية قد مضى عند ترجمة محمد بن ابي بكر

لعل المذكور في ترجمة محمد بن الحسن الصفار هنا ان يكون هذا هو

٢٩٠ محمد بن حبان البكري الانماطي الكوفي ق خ

٢٩١ محمد بن حبان الكتكي مولاهم كوفي ابو اسمعيل اسند عنه ق خ

٢٩٢ محمد بن خاطب المحمي عداده في الكوفيين د خ

٢٩٣ محمد بن خالد ابو خنبة الضبي بالضم والفتح جميعا ق خ

٢٩٤ محمد بن خالد الاحمسي البجلي كوفي ثقة له كتاب روى عنه ابرهيم بن سليمان خش

٢٩٥ محمد بن خالد الاشعري من مرو ذكره ابو العباس له كتاب نوادر روى عنه احمد بن محمد بن خالد خش

٢٩٦ محمد بن خالد الاصم ذكره النجاشي مهملا

٢٩٧ محمد بن خالد البلخي مولى ابي الحسن ضا خ

٢٩٨ محمد بن خالد الخراعي الكوفي ق خ

٢٩٩ محمد بن خالد الرازي يكنى ابا العباس روى عج خ

٣٠٠ محمد بن خالد بن زياد القرشي مولاهم كوفي ابو العلاء ق خ

٣٠١ محمد بن خالد السري الاودي الكوفي اسند عنه ق خ

٣٠٢ محمد بن خالد بن عبد الرحمن بن علي البرقي ابو عبد الله مولى ابي موسى الاشعري ينسب الى برقرود قرية من سواد الري على واد هناك وله اخوه يعرفون بابي الحسن بن خالد وابي القاسم الفضل بن خالد ولابن الفضل ابن يعرف بعلي بن العلا ابن الفضل بن خالد فقيه وكان ضعيفا في الحديث وكان اديبا حسن المعرفة بالاخبار وعلوم العرب وله كتب روى عنه ابنه احمد بن ابي عبد الله خش له كتاب النوادر روى عنه احمد بن محمد بن علي وابنه احمد بن ابي عبد الله ست ثقة رمى ضا د خ جد يعرف وينكر ويروى عن الضعفاء كثيرا ويعتمد المراسيل عض وقال الكشي قال نصر بن الصباح لم يلق البرقي ابا بصير بينهما القاسم بن حمزة ولا الحسن بن عمار وينبغي ان يكون صفوان قد لقيه وقال العلامة في صه الاعتماد على قول الشيخ ابي جعفر الطوسي من بعد بلده وذكره د في الباب بين

٣٠٣ محمد بن خالد بن عبد الله البجلي القسري الكوفي ولي المدينة ق خ

٣٠٤ محمد بن خالد بن عمر الطيالسي الفهمي ابو عبد الله كان يسكن بالكوفة له كتاب نوادر خش له كتاب روى عنه محمد بن علي بن محبوب ست محمد بن خالد الطيالسي خ ثم قال محمد بن خالد الطيالسي روى عنه علي بن الحسن بن فضال وسعد بن عبد الله ثم قال محمد بن خالد الطيالسي يكنى ابا عبد الله روى عنه جدي كثيرة من الاصول لم

٣٠٥ محمد بن الخضيب الهوازي ضا خ

٣٠٦ محمد بن خلف ابو بكر الرازي متكلم جليل من اصحابنا له كتاب الامامة حس

٣٠٧ محمد بن الخليل ابو جعفر المعروف بالسكاك البغدادي يعرف بالسكاك صاحب هشام بن الحكم وتلميذ احمد عنه له كتب منها كتاب الامامة وكتاب تمام التوحيد وهو

نسخه میں کہ اس کتاب کو ابن زین نے شیخ سے سنا ہے

فيشبه ان قد نقص عليه جش كان سنكلما من اصحاب هشام وخالفه في اشياء والاثبات في اصل الامانة وله كتب ست

٣٠٨ محمد بن خليل بن اسد الشقفي وقيل النخعي كوفي من اصحابنا ثقة يكنى ابا عبد الله له كتاب نوادر روى عنه حميد جش محمد بن الخليل بن راشد روى عنه حميد ست محمد بن الخليل بن راشد روى عنه حميد آ يخ والظاهر انهما واحد وسقط لفظ الواو من اول اسم جد في النجاشي وزاد في الفهرست والرجال

انتهى له نوادر

٣٠٩ محمد بن داود الانصاري كوفي ق يخ

٣١٠ محمد بن داود البكري الكوفي ق يخ

٣١١ محمد بن داود بن سليمان الكاتب يكنى ابا الحسن روى عنه التلعكبري كم يخ

٣١٢ محمد بن داود الهمداني الكوفي ق يخ

٣١٣ محمد بن دينم البجلي كوفي ق يخ

٣١٤ محمد بن دهل بن بحر الاودي الكوفي وقيل الازدي ق يخ

٣١٥ محمد بن راشد البصري ق يخ

٣١٦ محمد بن رافع البجلي الكوفي ق يخ

ذو بنى غلاب بالنون

٣١٧ محمد بن الربيع بن ابي ضلع الاسدي الكوفي ق يخ

وهو مصحف كما في التعاشي ولعله الصواب

٣١٨ محمد بن الربيع بن سويد الشيباني كر يخ

٣١٩ محمد بن ربيعة بن الحرث بن عبد المطلب عداده في المدنيين ل يخ

٣٢٠ محمد بن رجاء الجناحاني يخ

٣٢١ محمد بن رزاد اللبثي المدني ق يخ

٣٢٢ محمد بن رزام ق يخ

٣٢٣ محمد بن رزين بن علي الازدي ق يخ

٣٢٤ محمد بن رستم يروي عن الاصبغ بن نباتة ق يخ

٣٢٥ محمد بن رفاعة النخعي الوهبلي الكوفي ق يخ

٣٢٦ محمد بن الريان بن الصلت الاشعري الفاضل مسائل لابي الحسن العسكري روى عنه عبد الله بن جعفر جش ثقة ذي يخ

٣٢٧ محمد بن زاهد الخزاز له كتاب روى عنه الحسين بن علي اللؤلؤي التعبر ست

٣٢٨ محمد بن زرارة بن اعين الشيباني روى عنه علي بن عقبة ق يخ

٣٢٩ محمد بن زرقان صاحب موسى بن جعفر بن الخباب صاحب جعفر بن محمد وجلالته اشهر وروى احاديث عن موسى بن جعفر روى عنه ابنه احمد بن محمد بن زرقان جش

٣٣٠ محمد بن زكريا بن حبيب البجلي الجريري كوفي ق يخ

٣٣١ محمد بن زكريا بن دينار مولى بني غلاب ابو عبد الله وبنو غلاب قبيلة بالبصرة من بني نضر بن معوية وكان هذا الرجل وجها من وجوه اصحابنا بالبصرة وكان اخباريا واسع العلم وصنف كتبا كثيرة روى عنه ابو الحسن علي بن يحيى بن جعفر وابو علي احمد بن الحسين بن اسحق وعبد الجبار بن شهران ومات محمد بن زكريا سنة ثمان وتسعين ومائتين جش

٣٣٢ محمد بن زهير التغلبي كوفي ق خ

٣٣٣ محمد بن زياد قد مضى بعنوان محمد بن ابي عمير ق خ

٣٣٥ محمد بن زياد الاسبخي الكوفي ابو اسمعيل اسند عنه ق خ

٣٣٤ محمد بن زياد الاسبخي كوفي ابو احمد ق خ

٣٣٦ محمد بن زياد البجلي صاحب السابري كوفي روى عن الحكم بن ايمن ق خ

٣٣٧ محمد بن زياد التميمي عربي كوفي ق خ

٣٣٨ محمد بن زياد النجاد الغزال الكوفي روى عنه محمد بن سنان ق خ

٣٣٩ محمد بن زياد العطار ق خ وفي د نقد روى ابوه عن ابي عبد الله والظاهر عن اشتباه محمد بن الحسن بن زياد العطار كما نقلناه عند ترجمة محمد بن الحسن بن زياد العطار

٣٤٠ محمد بن زياد الهمداني الكوفي ق خ

٣٤١ محمد بن زيد بزي ق خ

٣٤٢ محمد بن زيد الثمالي كوفي ق خ

٣٤٣ محمد بن زيد بن الخطاب قتل انه ولد على عهد النبي ل خ

٣٤٤ محمد بن زيد الوزامي خادم الرضا روى عنه محمد بن حسان خ ش

٣٤٥ محمد بن زيد الشحام روى الكشي عن طاهر بن علي الوشاء عن جعفر بن احمد بن ايوب عن ابي الحسن صالح بن ابي حماد الرازي عن محمد بن الحسين بن ابي الخطاب عن محمد بن سنان عن محمد بن زيد الشحام قال دخلت ابو عبد الله وانا اصلي فارسل الي ودعاني فقال لي من اين انت قلت من موالياك قال فاي موالي قلت من الكوفة قال ممن تعرف من الكوفة قال قلت بشير النبال وشجرة قال وكيف صنعهما البلد قال قلت ما احسن صنيعهما الى قال خير المسلمين من وصل واعان ونفع ما بت ليلة قط والله وفي منازلي حب فيها لبنة قال اي شئ معكم من النفقة قلت عندي ما تا درهم قال ادنها فاتيته بها فزاد في فيها ثلثين درهما ودينارين ثم قال انفق عندك فجئت ونشبت عنده فلما كان من القابلة لم اذهب اليه فارسل الي فدعاني من غده فقال مالك لم تاتني البارحة فقد شققت علي فقلت لم تجئ بي سولك قال فانا رسول نفسي اليك ما دمت معنا في هذه البلدة اي شئ تشتهي من الطعام قلت اللبن قال فاشتري من اجلي شاة لبونا فقلت له علمني دعاء قال اكتب بسم الله الرحمن الرحيم يا من ارجوه لكل خير وامن يعطي عند كل عثرة يا من يعطي الكثير بالقليل ويا من اعطى من سئله فاحسن ويا من اعطى من لم يسئله ومن لم يعرفه صل على محمد واهل بيته واعطني بمسالتي اياك جميع خير الدنيا وجميع خير الاخرة فانه غير منقوص ما اعطيت وزدني من سعة فضلك يا كريم ثم

بيده

يده به فقال يا ذا المن والطول يا ذا الجلال والاكرام يا ذا الثناء والجود ارحم شيبتي من النار ووضع يده على لحيته ولم يرفعها الا وقد امتلأ وجهه كفه دموعا

٣٤٦ محمد بن دينار الطيري صله كوفي ثقة ج

٣٤٧ محمد بن دينار بن علي بن الحسين بن علي بن ابي طالب مدني اسند عنه ق ج

٣٤٨ محمد بن دينار بن عثمان الوابشي كوفي ق ج

٣٤٩ محمد بن سالم ابو سهل الكوفي ق ج

٣٥٠ محمد بن سالم بن ابي سلمة الكندي التجيبي الكاتب وهو كاتب ابيه روى عنه علوية بن مؤنس وذكره مرة بن وقال الشيخ في الفهرست له كتاب روى عنه علي بن محمد بن ابي سعيد وقال ابن الغضائري في حديثه ضعف

٣٥١ محمد بن سالم الازدي الغامري مولاهم كوفي ق ج

٣٥٢ محمد بن سالم بن افلح الانصاري كوفي ق ج

٣٥٣ محمد بن سالم بياع القصب زيدي صدوق كذا ظهر من الكشي

٣٥٤ محمد بن سالم بن شريح الاشجعي الخداء الكوفي ابو يعقوب ويقال له سالم الخداء وسالم بن ابي سالم الاشجعي واصل سالم بن شريح وهو ثقة ق ج

٣٥٥ محمد بن سالم بن عبد الحميد فطحي من اجلة الفقهاء والعدول كوفي كش د ج

٣٥٦ محمد بن سالم بن عبد الرحمن الاشل كوفي ق ج

٣٥٧ محمد بن سالم القمي ضا ج

٣٥٨ محمد بن سالم الطحان مولاهم كوفي في اسناد عنه ق ج

٣٥٩ محمد بن السايب بن بشر ابو النضر الكلبي الكوفي ق ق ج

٣٦٠ محمد بن السايب بن عطية الغامدي الازدي الكوفي ق ج

٣٦١ محمد بن السري الذي ذكره د بعضهم يعنوان محمد بن موسى الشريفي

٣٦٢ محمد بن سعدان الكلابي كوفي ق ج

٣٦٣ محمد بن سعيد من اهل كش يكنى ابا الحسن صالح مستقيم المذهب لم ج

٣٦٤ محمد بن سعيد بن الاسود الاموي الكوفي ق ج

٣٦٥ محمد بن سعيد الرواسي ق ج

٣٦٦ محمد بن سعيد العجلي كوفي ق ج

٣٦٧ محمد بن سعيد الذي ذكره د ذكرناه بعنوان محمد بن ابي سعيد

٣٦٨ محمد بن سعيد بن عاذرة اللبثي الكوفي ق ج

٣٦٩ محمد بن سعيد بن غزوان له كتاب روى عنه ابنه غزوان بن محمد جش

٣٧٠ محمد بن سعيد بن كلثوم الرزيني كان متكلما ذا ج وقال الكشي قال نصر بن الصباح كان محمد بن سعيد بن كلثوم موزيا من اجلة المتكلمين بنيشابور وقال غيره وهم عبد الله بن طاهر على محمد بن سعيد

الشيب پيري دردي ج

بخبيث فحاجه محمد بن سعيد فحلى سبيله قال ابو عبد الله
الجرجاني ان محمد بن سعيد كان خارجيا ثم رجع الى
التشيع بعد ان كان بايع على الخروج واظهار السيف
انتهى والذي يظهر من كلام الكشي رحمه الله ان محمد بن سعيد
بن كلثوم كان خارجيا ثم رجع الى التشيع بعد ان
كان بايع على الخروج واظهار السيف وذكره العلامة
قدس سره في ضعفاء باب الثقات ونقل عن الكشي
في شانه ما نقلناه الا انه قال ابو عبد الله الجرجاني
كان خارجيا ثم رجع الى التشيع بعد ان كان بايع على
الخروج واظهار السيف فكانه لغلط كان في نسخته
من الكشي فانه في قد رايت نسخا متعددة واتفقت على ما
نقلت وكذا نقل ابن داود عن الكشي وان تبع العلامة
قدس سره في باب الكنى

٣٧١ محمد بن سعيد الكندي واخوه معوية معروفان فج

٣٧٢ محمد بن سفيان الهمداني الشاكري الكوفي ق نج

٣٧٣ محمد بن سكين بن عمار النحوي الجمال ثقة روى ابوه عن
الصادق له كتاب روى عنه ابرهيم بن سليمان جش

٣٧٤ محمد بن سلام البكري مولاهم كوفي ق نج

٣٧٥ محمد بن سلامة العزرمي الكوفي ق نج

٣٧٦ محمد بن سلامة الفاضي الهمداني كوفي ق نج

٣٧٧ محمد بن سلمة بن ارنبل ابو جعفر البشكري جليل
من اصحابنا الكوفيين عظيم القدر وجه قاري لغوي

دلويه خرج البادية والتقى العرب واخذ منهم واخذ عنه يعقوب
بن السكيت ومحمد بن عبدة الناسب يقول كثيرا حدثنا
محمد بن سلمة البشكري وهذا بيت بالكوفة فيهم فضل
ونبز ومنهم قوم كانوا في وقتنا هذا الكتب روى عنه
ابرهيم بن عبد الله جش

٣٧٨ محمد بن سلمة البناني الضبي نزل اصلر كوفي ق نج

٣٧٩ محمد بن سلمة بن كهيل بن الحصين الحضرمي اسند عنه ق نج

٣٨٠ محمد بن سليط المدني الانصاري اسند عنه ق نج

٣٨١ محمد بن سليم الازدي الكوفي ق نج

٣٨٢ محمد بن سليمان الاسدي كوفي ق نج

٣٨٣ محمد بن سليمان الاصفهاني ثقة ق له كتاب روى
عنه محمد بن زياد جش

٣٨٤ محمد بن سليمان الجلاب دي نج

٣٨٥ محمد بن سليمان بن الحسن بن الجهم بن بكير بن
اعين ابو طاهر الزراري حسن الطريقة ثقة عين
وله الى مولانا ابي محمد مسائل والجوابات له كتاب روى
عنه ابو غالب احمد بن محمد بن سليمان جش

٣٨٦ محمد بن سليمان بن رجاء الانصاري مولاهم المدني
اسند عنه ق نج

٣٨٧ محمد بن سليمان بن سويد الكلابي الجعفي ابو
عمرو ق نج

٣٨٨ محمد بن سليمان بن طريف الطاهي الذي ذكره

د يسمى بعنوان محمد بن سنان بن طريف

٣٨٩ محمد بن سليمان بن عبد الله الازدي ق خ

٣٩٠ محمد بن سليمان بن عبد الله الاصفهاني الكوفي
والظاهر ان يكون هذا هو المذكور من قبل بعنوان
محمد بن سليمان الاصفهاني ويؤيده توثيق ابن داود

٣٩١ محمد بن سليمان بن عبد الله الديلمي ضعيف
جدا لا يعول عليه في شئ له كتاب روى احمد بن
محمد عن ابيه عنه جش محمد بن سليمان الديلمي له كتاب
روى عنه ابرهيم بن اسحق النهاوندي واحمد بن
ابي عبد الله سته محمد بن سليمان البصري الديلمي ابن بنت الغلو
م ضاخ محمد بن سليمان ان ذكريا الديلمي ابو عبد الله
ضعيف في جده مرتفع في مذهبه لا يلتفت اليه عض و
يحتمل ان يكونوا واحدا وان كان العلامة في صه ذكره
مرة كما ذكره الشيخ في الرجال وتمره كما ذكره النجاشي
واوباعنهم وذكر بعد هذا ان محمد بن سليمان الديلمي
وبويده ان ابن داود ذكره واثبت له ما ذكره النجاشي والشيخ
النصري بالنون ربما يروي بالغلو او باعن رجال الشيخ
ولم اجد في الرجال الا محمد بن سليمان البصري الديلمي كما
نقلناه ونقله هو ايضا

٣٩٢ محمد بن سليمان بن عطية الهمداني ق خ .

٣٩٣ محمد بن سليمان بن عمار ابو عمارة مولى بني هاشم
المكي اسند عنه ق خ

٣٩٤ محمد بن سليمان بن عمار الازدي ق خ

٣٩٥ محمد بن سليمان الكاتب ضاخ

٣٩٦ محمد بن سليمان بن مسلم ابو زنبر ق خ

٣٩٧ محمد بن سماعة العنزي البكري كوفي ق خ

٣٩٨ محمد بن سماعة بن موسى بن رويد بن نشيط الحضرمي
مولى عبد الجبار بن وابل بن حجر ابو عبد الله
والد الحسن وابرهيم وحفيد وجد معلى بن الحسن
وكان ثقة في اصحابنا وجها له كتب روى عنه
احمد بن محمد بن عبد الرحمن ومحمد بن المفضل
بن ابرهيم جش ضاخ وفي صه جد محمد بن الحسن
وفي ذكا في النجاشي

٣٩٩ محمد بن سمعان ابو يحيى الاسلمي مولاهم مدني ق خ

٤٠٠ محمد بن سنان ابو جعفر الزاهري من ولد زاهر مولى
عمرو بن الحمق الخزاعي كان ابو عبد الله بن عياش
يقول حدثنا ابو عيسى محمد بن احمد بن محمد بن
سنان قال هو محمد بن الحسن بن سنان مولى
زاهر نوفي ابو الحسن وهو طفل وكفله جده سنا
فنسب اليه وقال ابو العباس احمد بن محمد بن سعيد
انه روى عن الرضا قال وله مسائل معروفة
وهو رجل ضعيف جدا لا يعول عليه ولا يلتفت
الى ما تفرد به وقد ذكر ابو عمرو في رجاله
قال ابو الحسن علي بن محمد بن قتيبة النيسابوري
قال قال ابو محمد الفضل بن شاذان لا احل لكم

ان رووا احاديث محمد بن سنان وذكر انه وجد
بخط ابي عبد الله الشاذاني اني سمعت العاصمي يقول
ان عبد الله بن محمد بن عيسى الملقب ببنان قال
كنت مع صفوان بن يحيى بالكوفة في منزل اذ دخل علينا
محمد بن سنان فقال صفوان ان هذا ابن سنا
لقد قدم ان يطير غير مرة
فقضاه حتى ثبت معنا وهذا يدل على اضطرابه كان
وزال وقد صنف كتبا روى عنه محمد بن الحسين بن ابي
الخطاب ومات سنة عشرين ومائتين خمس له كتب
قد طعن عليه وضعف لكنه مثل كتب الحسين بن سعيد
على عددها وله كتاب النوادر وجميع ما رواه الاماكان
فيها من تخليط او غلو اخبرنا جماعة عن محمد بن علي بن
الحسين عن ابيه ومحمد بن الحسن
عن سعد بن عبد الله والحميري ومحمد بن يحيى عن محمد بن الحسين و
احمد بن محمد عن محمد بن سنان وروى عنه محمد بن علي
الصيرفي ضعيف مضا خ محمد بن سنان ابو جعفر
الهمداني مولاهم هذا اصح ما قيل فيه ضعيف غال لا يعتد
ذكر محمد وبه بن بصير ان ايوب بن نوح دفع اليه دفترا
فيه احاديث محمد بن سنان فقال ان شئتم ان تكتبوا
ذلك فافعلوا فاني كتبت عن محمد بن سنان ولكن لا
اروي لكم عنه شيئا فانه قال لي مرة كلما حدثتكم
بكر لي سماع ولا رواية انما وجد وذكر الفضل بن
شاذان في بعض كتبه ان من الكذابين المشهورين ابن سنان
ولبس عبيد الله كش ثم ذكر في ثنائه ما يدل على قدح
عظيم وعلى مدح ايضا وذكر انه روى عنه الفضل و
ابوه ويونس ومحمد بن عيسى العبيدي ومحمد بن الحسين بن
ابي الخطاب والحسن والحسين ابنا سعيد الاهوازيان و
ابنا اذينة وايوب بن نوح وغيرهم من العدول
الثقات من اهل العلم وقال المفيد رحمه الله في ارشاده
انه من خاصة الكاظم وثقاته واهل الورع والعلم
والفقه من شيعته وممن روى النص على الرضا
وقال العلامة في حاله والوجه عندي التوقف فيما يرويه

محمد بن سنان بن طريف الطهاني الشيباني واخوه عبد الله ن ج	٤٠١
محمد بن اسكدر روى عن علي بن الحكم لم يخ	٤٠٢
محمد بن سوادة الازدي الكوفي ق يخ	٤٠٣
محمد بن سوقة وثقه النجاشي عند ترجمة اخيه حضر	٤٠٤
محمد بن سويد الاسكدي الكوفي ق يخ	٤٠٥
محمد بن سهل الاسكدي كوفي راوية الكتب بن بندار ق يخ	٤٠٦
محمد بن سهل المزخي الكوفي ق يخ	٤٠٧
محمد بن سهل بن البيع بن عبد الله بن سعد بن مالك	٤٠٨
بن الاوص الاشعري الفقعسي ضا له كتاب روى احمد بن	
محمد بن عيسى عن ابيه عنه يخ له مسائل عن	
الرضا روى عنه احمد بن محمد ست	
محمد بن سهل بن البيع الكوفي ق يخ	٤٠٩
محمد بن سهيل الطائي الكوفي ق يخ	٤١٠ محمد

٤١١ محمد بن شاذان النشابوري من وكلاء الناحية كذا في ربيع الشيعة

٤١٢ محمد بن شبيب المهدي كوفي اخو جعفر بن شبيب جعفر بالبرذون ق ج

٤١٣ محمد بن شجاع المروزي اسند عنه ق ج

٤١٤ محمد بن شريح الحضرمي ابو عبد الله ثقة ق له كتاب روى عنه بكار بن ابي بكر الحضرمي جش محمد بن شريح له كتاب روى عنه ابن سماعة ست وذكره قولويه ثم قال محمد بن شريح له كتاب روى عنه ابن نهيك

٤١٥ محمد بن شعيب ضا ج

٤١٦ محمد بن شعيب ابو جاكني من اصحاب العباسي لم ج

٤١٧ محمد بن شمعون النخاسي ق ج

٤١٨ محمد بن شهاب الجرمي الكوفي ق ج

٤١٩ محمد بن شهاب الزهري عدوين ج وكانه الذي سيجيء بعنوان محمد بن مسلم الزهري وفي د مسلم بن شهاب الزهري احد ائمة الحديث بن ج يكنى ابا بكر ولم اجد ج الا كما نقلناه

٤٢٥ محمد بن شهاب بن دبدا ابو الحسن الباذري كوفي ق ج

٤٢١ محمد بن شهاب بن العلاف العبدي ابو هاشم الكوفي ق ج

٤٢٢ محمد بن صابر الازدي الكوفي ق ج

٤٢٣ محمد بن صالح الارمني كر ج

٤٢٤ محمد بن صالح الحلبي قر ج

٤٢٥ محمد بن صالح الخثعمي كر ج

٤٢٦ محمد بن صالح بن محمد الهمداني وكيل الدهقان كر ج وفي ربيع الشيعة انه كان من وكلاء القائم عليه السلام

٤٢٧ محمد بن صالح بن مسعود الجحافي الكوفي اسند عنه ق ج

٤٢٨ محمد بن صالح بن معوية بن عبد الله بن جعفر الجعفري المدني ق ج

٤٢٩ محمد بن الصامت جش ولم يذكر غير هذا وقال الشيخ في الرجال محمد بن الصامت الجعفي اسند عنه ق

٤٣٠ محمد بن الصباح كوفي ثقة له كتاب روى عنه ابراهيم بن سليمان جش م ج ضعيف قول دانه لم نظر

٤٣١ محمد بن صدقة العنبري البصري ابو جعفر ضا له كتاب عن موسى بن جعفر روى عنه الحسن بن علي بن زكريا جش محمد بن صدقة بصري غال ضا ج وذكره د مره في باب الثقات كما ذكره النجاشي ومره في باب الضعفا كما ذكره الشيخ في الرجال والظاهر انهما واحد

٤٣٢ محمد بن صفوان السلمي الانصاري عداده في المدنيين ل ج

٤٣٣ محمد بن الصلت بن المالك القرشي الكوفي ق ج

٤٣٤ محمد بن صهيب الانصاري عداده في المدنيين ل ج

٤٣٥ محمد بن صهيب كوفي ري ج

٤٣٦ محمد بن صبيح بن ملك الطائي الكوفي ق ج

٤٣٧ محمد بن ضمرة بن مالك ابو مالك النخعي الكوفي ع

اسند عنه ق تج

٤٣٨ محمد بن طارق الطائي الكوفي ق تج

٤٣٩ محمد بن طالب بن عبد العبدي ق تج

٤٤٠ محمد بن طاهر بن حمود من غلمان العباسي له تج

٤٤١ محمد بن طلحة بن عبيد الله بن عثمان بن عمرو بن كعب بن سعد بن تيم بن مرة يكنى ابا القاسم وقيل يكنى ابا اسحاق قتل يوم الجمل في عسكر اهل البصرة ل تج

٤٤٢ محمد بن طلحة بن مصرف الهمداني الكوفي ق تج

٤٤٣ محمد بن طلحة الهمداني اخو عبد الله بن طلحة ق تج

٤٤٤ محمد بن طليب بن غمارة الحنفي الكوفي ق تج

٤٤٥ محمد الطاطري يعني محمد بن عبد الله الطاطري

٤٤٦ محمد بن ظهير ابو عمارة المزني كوفي ق تج

٤٤٧ محمد بن عابد الازدي كوفي ق تج

٤٤٨ محمد بن عباد بن مريع الكناني ق تج

٤٤٩ محمد بن عباد بن عمرو الثقفي الكوفي ق تج

٤٥٠ محمد بن عبادة بن ابي روق عطية بن الحرث الهمداني الكوفي اسند عنه ق تج

٤٥١ محمد بن العباس بن علي بن مروان بن الماهنا ابو عبد الله البزاز المعروف بابن الجحام ثقة ثقة من اصحابنا عين سديد كثير الحديث له كتب جيل روى عنه ا سنا عكبري ست لم تج

٤٥٢ محمد بن العباس بن عيسى ابو عبد الله كان يكنى

غاضرة ثقة روى عن ابيه والحسن بن علي بن ابي حمزة وعبد الله بن جبلة له كتب روى عنه جعد جيل له تج

٤٥٣ محمد بن العباس بن مروان له روايات روى عنه احمد بن مبشم ست

٤٥٤ محمد بن العباس بن الوليد النحوي يكنى بالحسن روى عنه النقاش بري له تج

٤٥٥ محمد بن عبد بن خالد الاسدي الصيداوي مولاهم كوفي ق تج

٤٥٦ محمد بن عبد الجبار وهو ابن ابي الصهبان ثقة ذكره كر تج له روايات روى عنه سعد بن عبد الله والحميري ومحمد بن يحيى واحمد بن ادريس ست روى عن ابن بكير كش

٤٥٧ محمد بن عبد الحميد بن سالم العطار ابو جعفر روى عبد الحميد عن الكاظم وكان ثقة من اصحابنا الكوفيين له كتاب النوادر روى عنه عبد الله بن جعفر جيل له كتاب روى عنه احمد بن ابي عبد الله ست كر تج ثم قال محمد بن الحميد روى عنه ابن الوليد لم ولعلهما واحد لان مثل هذا في كلام الشيخ قد تتره كثيرا كما نقلناه عند ترجمة القاسم بن محمد الجوهري ذكره رجلين مختلفين وقال العلامة في ضمن محمد بن علي بن بابويه الى منصور بن حازم صحيح وبنه محمد بن عبد الحميد

٤٥٨ محمد بن عبد الحميد بن مبة الذى ذكره ديبجى سوا محمد بن عبد الرحمن

٤٥٩ محمد بن عبد ربه الانصارى اجاز الناعكبرى جميع حديثه وكان يروى عن سعد بن عبد الله بن جعفر بن محمد ونظرائهما على بن احمد اسمعيل بن على البيهقى ق

٤٦٠ محمد بن عبد الرحمن بن ابى بكر القرشى التيمى ابو غزارة المكى ق تج

٤٦١ محمد بن عبد الرحمن بن ابى ليلى الانصارى القاضى الكوفى ق تج روى ابن عقدة عن عبد الله بن ابرهيم بن قتيبة عن ابن نمير سئل عن ابن ابى ليلى فقال كان صدوقا مامونا ولكنه ساء حفظه جدا وهذه الروايات من المرجحات صه

٤٦٢ محمد بن عبد الرحمن البزاز الكوفى ق تج

٤٦٣ محمد بن عبد الرحمن الذهلى السهمى البصرى ق تج قال ابن عقدة عن محمد بن احمد بن عبد الله بن زياد الزيات قال حدثنا محمد بن عبد الرحمن بن محمد بن عبد الله العرزمى قال حدثنا محمد بن عبد الرحمن السهمى البصرى وكان من الثقات وهذه الروايات من المرجحات صه

٤٦٤ محمد بن عبد الرحمن العرزمى الكوفى ق تج

٤٦٥ محمد بن عبد الرحمن بن عمر بن اذينة م تج

٤٦٦ محمد بن عبد الرحمن بن مبة الرازى ابو جعفر متكلم عظيم القدر حسن العقيدة قوى فى الكلام كان قديما من المعتزلة وبصر واشتغل له كتب فى الكلام وقد سمع الحديث واخذ عنه ابن بطة جش من متكلمى الامامية وخلفائهم وكان ولا معتزليا ثم انتقل الى القول بالامامة وحسنت بصيرته وله كتب فى الامامة ست وفى ر محمد بن عبد الحميد بن مبة الرازى الى اخره وكانه سهو لانى لم اجد كتب الرجال الا كما نقلناه

٤٦٧ محمد بن عبد الرحمن بن المغيرة بن الحرث بن ابى ذئب المدنى ابو الحرث اسند عنه ثمانى ابن ابى ذئب سنة سبع وخمسين ومائة ق تج

٤٦٨ محمد بن عبد السلم الكوفى ق تج

٤٦٩ محمد بن عبد العزيز الزهرى المدنى اسند عنه ق تج قال ابن عقدة عن عبد الرحمن بن يوسف عن محمد بن اسمعيل البخارى قال محمد بن عبد العزيز الزهرى منكر الحديث صه

٤٧٠ محمد بن عبد العزيز بن زياد البارقى الكوفى ق تج

٤٧١ محمد بن عبد العزيز بن هانى الكاهلى الكوفى ق تج

٤٧٢ محمد بن عبد الله ستين تج

٤٧٣ محمد بن عبد الله الاشعرى ضا تج

٤٧٤ محمد بن عبد الله الاعلم الكوفى ق تج

٤٧٥ محمد بن عبد الله بن جحش الاسدى عداده

في المذنبين ل ج خ

٤٧٠ محمد بن عبد الله بن جعفر بن ابي طالب بن قتل معه بفخ ج

٤٧١ محمد بن عبد الله بن جعفر بن الحسين بن جامع بن مالك الحبر ابو جعفر القرشي كان ثقة وجمع كتاب قضاء الامراء وله مسائل في ابواب الشريعة قال لنا احمد بن الحسين وقد هذه المسائل التي في اصلها وابوها بين السطور وكان له اخوه جعفر والحسين واحمد كلهم كان له مكاتبة ولمحمد كتب روى عنه علي بن حاتم القزويني حبش محمد بن عبد الله بن جعفر الحبري روى عنه احمد بن هرون الفامي وجعفر بن الحسين روى عنهما احمد بن علي بن الحسين بن بابويه لم يخ ثم قال محمد بن عبد الله بن جعفر الحبري روى ابن بابويه ابو جعفر عن احمد بن هرون الفامي عنه لم والظاهر انهما واحد

١٤٧٨ محمد بن عبد الله الجعفري ذكرناه بقولنا محمد بن الحسن بن عبد الله الجعفري

٤٧٩ محمد بن عبد الله الحلاب البصري والفخي م يخ

٤٨٥ محمد بن عبد الله المحلي المراد الكوفي اسند عنه وق يخ

٤٨١ محمد بن عبد الله بن الحسن بن علي بن ابي طالب ابو عبد الله المدني قتل سنة خمس واربعين ومائة بالمدينة وق يخ

٤٨٢ محمد بن عبد الله بن الحسين بن علي بن الحسين المدني وق يخ

٤٨٣ محمد بن عبد الله الحضرمي له كتاب الصلوة روى عنه علي بن عبد الرحمن الكاهلي ست

٤٨٤ محمد بن عبد الله بن رباط البطل وابوه عز الشامي وكان هو وابوه ثقتين له كتاب نوادر روى عنه الحسن بن محبوب حبش

٤٨٥ محمد بن عبد الله روى عنه ابان بن عثمان فلو بثبت معرفته ق يخ

٤٨٦ محمد بن عبد الله بن زرارة ابن اعين قال الشهيد في رحمه الله في حاشيته على الخلاصة عند ترجمة الحسن بن علي بن فضال ان محمد بن عبد الله بن زرارة مجهول وقد قلنا ما يدل على توثيقه عند ترجمة الحسن بن علي بن فضال فلاحظها وروى عنه علي بن الحسن بن فضال كما يظهر من اوائل كتاب النكاح من التهذيب

٤٨٧ محمد بن عبد الله بن زيد الانصاري يكنى ابا الوليد يعد في البتي عداده في المدنيين ل ج خ

٤٨٨ محمد بن عبد الله النجاد الكوفي ق يخ

٤٨٩ محمد بن عبد الله بن سعيد بن حيان بن ابجر الكناني ابو الحسن الكوفي ق يخ

٤٩٠ محمد بن عبد الله بن سلام بن الحرث الخزرجي الانصاري يعد في المدنيين ل ج خ

٤٩١ محمد بن عبد الله بن سوادة الهمداني الخارفي

الكوفي ق ج

٤٩٢ محمد بن عبد الله بن شهاب ابو عباد الكاتب الكوفي اسند عنه ق ج

٤٩٣ محمد بن عبد الله الطاهري مناج

٤٩٤ محمد بن عبد الله الطبار قزن ج ود روى الكشي عن طاهر بن عيسى عن جعفر بن احمد عن السماعي عن محمد بن الحسين عن صفوان بن يحيى عن حمزة بن الطيار عن ابيه محمد قال جئت الى ابي الى جعفر استاذن عليه فلم يأذن لي فاذن لغيري فجئت الى منزلي وانا مغموم فطرحت نفسي على بردي في الدار وذهبت عني النوم فجعلت افكر واقول البرد المرجيه يقول كذا والقدريه يقول كذا والحروريه يقول كذا والمرتديه يقول كذا فيفسد عليهم قولهم فانا افكر فيهذا حتى نادى المنادي فاذا الباب يدق فقلت من هذا فقال رسول لابي جعفر يقول لك ابو جعفر اجب فاخذت ثيابي وصببت معه فدخلت عليه فلما رآني قال يا محمد لا الى المرجيه ولا الى القدريه ولا الى الحروريه ولا الى المرتديه ولكن الينا انما جئتك لكذا وكذا فقلت وقلت به وروى عن محمد ومحمد ابن نصير عن محمد بن عيسى عن علي بن الحكم عن ابان الاحمر عن الطيار قال قلت لابي عبد الله بلغني انك كرهت مناظرة الناس وكرهت الخصوص فقال اما كلام مشلك للناس فلا اكرهه من اذا اطار احسن ان يقع وان وقع يحسن ان يطير فمن كان هكذا فلا انكره كلامه وروى عن محمد بن مسعود عن محمد بن نصير عن محمد بن الحسين عن جعفر بن بشير عن ابي بكير عن حمزة بن الطيار قال سالني ابو عبد الله عن قراءتي القرآن فقلت ما انا بذاك قال لكن ابوك قال وسالني عن الفرايض فقلت وما انا بذاك فقال ولكن ابوك قال ثم قال ان رجلا من قريش كان لي صديقا وكان عالما فاتيا فاجتمع هو وابوك عند ابي جعفر فقال ليفتل كل واحد منكما على صاحبه بسؤال كل واحد منكما صاحبه ففعلا فقال الرجل لابي جعفر قد علمت ما اردت ان تعلمني انك اصحاب مثل هذا قال هو ذاك كيف رايت

٤٩٥ محمد بن عبد الله بن عبد الرحمن بن ابي عقيل الثقفي الكوفي ق ج

٤٩٦ محمد بن عبد الله بن عبيد بن عمير الليثي المكي ق ج

٤٩٧ محمد بن عبد الله بن علاثة الدمشقي اسند عنه ق ج

٤٩٨ محمد بن عبد الله بن علي بن ابي رافع ق ج

٤٩٩ محمد بن عبد الله بن علي بن الحسين بن علي بن ابي طالب الهاشمي المدني اسند عنه ق ج

٥٠٠ محمد بن عبد الله ابن عم الحسين بن ابي العلاء روى ابن عقدة عن الحسن بن علي بن بزيع عن عبد الله

بن محمد المزخرف ابو محمد قال حدثني محمد بن عبد الله ابن عم الحسين بن ابي العلاء وكان خيرا فاضلا

٥٠١ محمد بن عبد الله بن عمرو بن سالم بن لاحق ابو عبد الله الاسدي الاصفهاني نزيل نيسابور روى عنه احمد بن محمد بن عيسى بن الغراد جش

٥٠٢ محمد بن عبد الله بن عيسى الاشعري قمي ضا جخ

٥٠٣ محمد بن عبد الله بن غالب ابو عبد الله الاصفهاني البزاز ثقة في الرواية على مذهب الواقفة له كتاب الرد روى عنه حميد جش

٥٠٤ محمد بن عبد الله الفلاحي اخو دارم مولى بني تميم الكوفي ق جخ

٥٠٥ محمد بن عبد الله بن محمد روى عنه ابن نوح دعا الحجر بن باسناده له جخ

٥٠٦ محمد بن عبد الله بن محمد بن ابي الكرام الجعفري الحسني المكي اسند عنه ق جخ ٢٩٥

٥٠٧ محمد بن عبد الله بن محمد بن عبيد الله بن المهلول بن همام بن المطلب بن هشام بن بحر بن مطر بن حرة الصغير بن هشام بن تمرة بن ذهل بن شيبان ابو المفضل كان ساقرا في طلب الحديث عمره اصله كوفي وكان في اول عمره ثبتا ثم خلط وابى جل اصحابنا بغمزه ويضعفونه له كتب كثيرة منها كتاب مزار الحسين رايت هذا الشيخ وسمعت منه كثيرا ثم توقفت عن الرواية عنه لانه بواسطة بيني وبينه حش محمد بن عبد الله بن المطلب الشيباني ابو المفضل كثير الرواية شيخ الحفظ غمزه ضعفه جماعة من اصحابنا له كتب منها كتاب المزار اخبرنا بجميع رواياته عنه جماعة من اصحابنا عنه محمد بن عبد الله بن المطلب الشيباني ابو المفضل كثير الرواية الا انه ضعيف قوم اخبرنا عنه جماعة عنه ثم قال محمد بن عبد الله بن المطلب الشيباني ابو المفضل وضاع كثير المناكير رايت كتبه وفيها الاسانيد من دون المتون والمتون من دون الاسانيد وارى تركه ما ينفرد به بعض والظاهر ان ما ذكره النجاشي والشيخ في كتابيهما ابن الغضائري واحد كما يظهر من كلامهم وذكره العلامة في صدر ترجمة كما ذكره النجاشي وتبعه كما ذكر الشيخ وابن الغضائري وذكره ثالثا مرات ترجمة في باب الموثقين وتارتين في باب المجروحين ٥٠٨

محمد بن عبد الله بن محمد بن علي بن الحسين بن علي بن ابي طالب المكي اسند عنه ق جخ

٥٠٩ محمد بن عبد الله بن محمد بن عمر بن علي بن ابي طالب ابو جعفر المكي روى عن ابي عبد الله له نسخة روى ابو محمد القاسم بن جعفر عن ابيه عنه جش

٥١٠ محمد بن عبد الله المذاينجي مولى موسى بن جعفر عليه السلام ضا ق جخ

٥١١ محمد بن عبد الله المسلي ومسلية قبيلة من مذحج

كان ثقة قليل الحديث له كتاب نوادر روى عنه جعفر بن

٥١٢ محمد بن عبد الله المسمعي روى عنه محمد بن احمد بن يحيى وروى عن اسمعيل بن يسار واسمعيل بن مهران كذا يظهر من باب تلقين المحتضرين من التهذيب

٥١٣ محمد بن عبد الله بن المطلب الشيباني ذكرناه بعنوان محمد بن عبد الله بن محمد بن عبد الله .

٥١٤ محمد بن عبد الله المكي روى عنه جعفر نوادر ست لم يخ ويحتمل ان يكون هذا هو المسلي المذكور قبل هذا

٥١٥ محمد بن عبد الله بن مملك الاصبهاني اصله جرجاني وسكن اصبهان ابو عبد الله جليل في اصحابنا عظيم القدر والمنزلة كان معتزليا ورجع على يد عبد الرحمن بن احمد بن جبرويه رحمه الله له كتاب جش

٥١٦ محمد بن عبد الله بن مهران الكرخي ابو جعفر قال ضعيف كذاب له كتاب الممدوحين والمذمومين يدل على خبثه وكذبه غض يرمى بالغلو ضعيف جدا ثم قال محمد بن عبد الله بن مهران ضعيف روى عنه محمد بن احمد بن يحيى ونبه النجاشي والشيخ المفيد على ضعفه عند ترجمة محمد بن احمد بن يحيى

٥١٧ محمد بن عبد الله بن نجيح ابو عبد الله الكوفي المعروف بالشهرزجل من اصحابنا قليل الحديث له كتاب روى عن الحسين بن محبوب وسليمان الدهلي روى عنه ابن

ثاب جش

٥١٨ محمد بن عبد الله النوفلي الهذاني دى جخ

٥١٩ محمد بن عبد الله الهاشمي له كتاب يرويه العيون روى عنه محمد بن عبد الله بن هلال جش

٥٢٠ محمد بن عبد المؤمن الموذب موثق له كتاب روى عنه جعفر بن محمد جش

٥٢١ محمد بن عبد الملك بن اعين الشيباني ابو علي ق جخ

٥٢٢ محمد بن عبد الملك الانصاري كوفي نزل بغداد اسند عنه ضعيف ق جخ

٥٢٣ محمد بن عبد الملك الطائي الكوفي ق جخ

٥٢٤ محمد بن عبد الملك بن محمد البناء ابو عبد الله كان معتزليا ثم اظهر الاشعار ولم يكن سأكاله كتاب في التكليف من علم الله انه يكفر وله كتاب المعدد مات سنة تسع عشرة واربعمائة جش وفي صه مات سنة عشرة واربعمائة وكانه سقط من القلم لفظة تسع

٥٢٥ محمد بن عبد الواحد التكري الكوفي ق جخ

٥٢٦ محمد بن عبدة الساباذري (الساباذري) ق جخ

٥٢٧ محمد بن عبيد بن صاعد كوفي واقفي كتبنا باعبد الله روى عن القاسم بن اسمعيل لكتاب روى عنه الحسين بن احمد بن الباس جش

٥٢٨ محمد بن عبيد الكاتب وجه من الكوفيين ثقة عين له كتب روى عنه محمد بن عبد العفيفي الكندي

٥٢٩ محمد بن عبيد الكوفي الخداء ق تج

٥٣٠ محمد بن عبيد بن سدرك الحارثي الكوفي ق تج

٥٣١ محمد بن عبيد بن نظام المكي اسند عن ق تج

٥٣٢ محمد بن عبيد الله ابي القاسم ذكرناه بعنوان محمد بن ابي القاسم

٥٣٣ محمد بن عبيد الله بن ابي رافع روى عنه علي بن القاسم الكندجش

٥٣٤ محمد بن عبيد الله بن ابي سليمان العرزمي الكوفي ق تج

٥٣٥ محمد بن عبيد الله بن احمد بن محمد بن سليمان بن الحسين بن الهيثم بن بكير بن اعين ابو طاهر الوزاري كان ابوه يسمع وهو ابن ابي غالب شيخا لكتب جش وقد نقلنا عند ترجمة احمد بن محمد بن سليمان بعض احواله

٥٣٦ محمد بن عبيد الله الحفيظ العكوي الحسني المدني كان روى عنه الحسين بن الحسن بن موسى جش

٥٣٧ محمد بن عبيد الله الطاهري من اهل الطاهرية ق تج

٥٣٨ محمد بن عبيد الله بن مروان الكوفي ق تج

٥٣٩ محمد بن عبيدة الخداء الكوفي ق تج ويحتمل ان يكون هذا هو المذكور من قبل بعنوان محمد بن عبيد الكوفي الخداء

٥٤٠ محمد بن عبيد الفزاري كوفي ق تج

٥٤١ محمد بن عتبة الزعفلي ق تج

٥٤٢ محمد بن عتبة الشراج مولى بني حنيفة الكوفي ق تج

٥٤٣ محمد بن عثمان اخو حماد قال ابن عقدة عن علي بن الحسن انه ثقة صه

٥٤٤ محمد بن عثمان بن دبيعة بن ابي عبد الرحمن المذحجي مولى ال المنكدر واسم ابي عبد الرحمن مزروخ ودبيعة هو الذي يقال له دبيعة الرأي ق تج

٥٤٥ محمد بن عثمان بن زيد الجهني الكوفي ابو غمارة ق تج

٥٤٦ محمد بن عثمان بن سعيد العمركي يكنى ابا جعفر وابوه يكنى ابا عمرو جميعا وكلاهما من جهة صاحب الزمان ولهما منزلة جليلة عند الطايفة لم تج وقال العلامة في صه كان محمد قد حفر لنفسه قبرا واسواه بالساج فسئل عن ذلك فقال للناس ابسباتهم ثم سئل بعد ذلك فقال انه امرت ان اجمع امري فمات بعد ذلك بشهرين في جمادى الاولى سنة خمس وثلثمائة وقيل انه سنة اربع وثلثمائة وكان يتولى هذا الامر نحوا من خمسين سنة وقال عند موته امرت ان اوصى الى ابي القاسم بن روح واوصيه اليه واوصى ابو القاسم بن روح الى ابي الحسن علي بن محمد السمري فلما حضر السمري الوفاة سئل ان يوصي فقال لله امر هو بالغه والغيبة الثانية هي التي وقعت بعد مضي السمري انتهى ثم اعلم ان الذي يظهر من الكشي ورجال الشيخ وغيرها ان العمري المشهور الوكيل اسمه حفص

حفص بن عمر وهو ابا جعفر المشهور بابن العمركي الذي
وكل الناجية ابنه واسمه محمد بن حفص والذي يظهر
من كلام الشيخ قدس سره هنا وعند ترجمة عثمان
بن سعيد ان العمركي الوكيل ابنه واسمه محمد بن عثمان
ويبعد ان يكونا رجلين مشتركين في هذه الصفات
ولم اجد عثمان بن سعيد في النجاشي والكشي نعم في
رجال الشيخ وفي كتب من تاخر عنه موجود والله
اعلم بحقيقة الامور

المشهور بالوكيل اسمه عثمان بن سعيد وان ابا جعفر المشهور بابن العمركي

٥٤٧ محمد بن عثيم الكوفي اسند عنه ق ج

٥٤٨ محمد بن عجلان الكوفي ق ج

٥٤٩ محمد بن عجلان المدني القرشي ق ج

٥٥٠ محمد بن عذافر بن عيسى الصيرفي المدايني ثقة ق م و
عمر الى ايام الرضا له كتاب مختلف الرواة عنه قال ابن
نوح هو محمد بن عذافر بن عيسى بن افلح الخزاعي الصيرفي
ابوه عذافر كوفي يكنى ابا محمد مولى خزاعة واخوه عمر بن عيسى
روى عنه عمرو بن عثمان جزء له كتاب روى عنه محمد بن
اسمعيل بن بزيع ست محمد بن عذافر بن عثيم الخزاعي
الصيرفي كوفي مولى ق ج ثم قال محمد بن عذافر ابوه
ق ثم قال محمد بن عذافر له كتاب ثقة م ولعل الجميع ولد
كما يظهر من النجاشي

٥٥١ محمد بن عرفة روى الكليني عن علي بن ابرهيم عن محمد بن
عيسى عن محمد بن عرفة قال قال الرضا ويحك يا ابن عرفة
اعملوا لغير رياء ولا لمضعة فانه من عمل لغير الله وكله الله
الى ما عمل ويحك ما عمل احد عملا الا ردّاه الله بيان
خيرا فخيرا وان شرا فشرا

٥٥٢ محمد بن عصام الانماطي كوفي له كتاب روى عنه ابو جعفر محمد
بن احمد بن رجاء البجلي حش

٥٥٣ محمد بن عطية اخو الحسن وجعفر كوفي روى عن الصادق
وهو صغير له كتاب روى عنه ابن ابي عمير حش وهو ابن
تسع عشرة وما ذكره العلامة في صه في باب الضعفاء
عبارة النجاشي بعينها الا انه ذكره في موضع وهو صغير
وهو ضعيف وكذا ذكره د والعلامة ضعيف وهو بناء على
النجاشي وثقه عند ترجمة اخيه الحسن حيث قال الحسن
بن عطية الخياط كوفي مولى ثقة واخواه ابنا محمد و
علي كلهم روى عن الصادق وهو الحسن بن عطية
الدغشي المحاربي ابو ناب ولما وجده العلامة قد سن
سترة عند ذكر اخيه الحسن موثقا ذكره في باب الثقات
ايضا ووثقه

٥٥٤ محمد بن عطية عداده في المجازين روى عن النبي
انه قال من اشراط الساعة ان يخرب العامر وان
يعمر الخراب ل ج

٥٥٥ محمد بن عفية المدني ق ج

٥٥٦ محمد بن عفية مولى ابي جعفر كوفي ق ج

٥٥٧ محمد بن عقيل الكليني من العلماء الذين روى

محمد بن يعقوب عنهم عن سهل بن زياد

٥٥٨ محمد بن علي بن ابرهيم بن محمد الهمداني روى عن ابيه عن جده عن الرضا وروى ابرهيم بن هاشم عن ابرهيم بن محمد الهمداني اخبرنا ابو العباس احمد بن علي بن نوح قال حدثنا ابو القاسم جعفر بن محمد قال حدثنا القاسم بن محمد بن علي بن ابرهيم بن محمد الذي تقدم ذكره وكل الناجية وابوه وكل الناجية وجده علي وكل الناجية وجد ابيه ابرهيم بن محمد وكل قال وكان في دار القاسم بهمذان معه ابو علي دعبل بن علي والعزيز بن زهير وهو احد بني كيغرد وثلاثتهم وكلاء في موضع واحد بهمذان وكانوا يرجعون في هذا الى ابي محمد الحسن بن هرون بن عمران الهمداني وعن دابر بعد دون ومن قبله عن دار ابيه ابي عبد الله هرون وكان ابو عبد الله وابنه ابو محمد وكيلين لمحمد بن علي نوادر روى عنه ابنه القاسم بن محمد جش

٥٥٩ محمد بن علي بن ابرهيم بن موسى ابو جعفر القرشي مولاهم صهري ابن اخت خلاد المقري وهو خلاد بن عيسى وكان يلقب محمد بن علي ابا بهمينة ضعيف جدا فاسد الاعتقاد لا يعتمد في شئ وكان ورد قم وقد اشتهر بالكذب بالكوفة ونزل على احمد بن محمد بن عيسى مدة ثم تشهر بالغلو فتجنب

واخرجه احمد بن محمد بن عيسى عن قم وله فضائح كثيرة روى عنه محمد بن ابي القاسم ماجيلويه وجعفر بن عبد الله المحمدي جش محمد بن علي الصيرفي الكوفي يكنى ابا بهمينة له كتب وقيل انها مثل كتب الحسين بن سعيد ست كوفي كذاب قال وكان شهر امري الانتفاع لا يلتفت اليه ولا الى كتبه حش بعض ذكر الفضل بن شاذان في بعض كتبه الكذابون المشهورون ابو الخطاب وبزيع حائك الكوفة وبنان وبزيغ الصائغ ومحمد بن سنان وابو بهمينة اشتهروا كش

٥٦٠ محمد بن علي بن ابرهيم الهمداني ابو جعفر كان لا بأس به روى عن ابي الحسن وجد بغرائب ومناكير وروى عن الضعفاء كثيرا وعول المراسيل غض محمد بن علي الهمداني الكذاب روى عنه ابو عبد الله الملقب بماجيلويه قال ابن بطة هو ابو بهمينة ست والذي يظهر من الفهرست وكتاب ابن الغضائري والخلاصة وكتاب ابن داود انهما رجلان وابو بهمينة هو المذكور قبل هذا وقال الشيخ في الرجال محمد بن علي الهمداني ضعيف روى عنه محمد بن احمد بن يحيى له ومنه النجاشي والشيخ في الفهرست ومحمد بن عند ترجمة محمد بن احمد بن يحيى

٥٦١ محمد بن علي بن ابي الحسن الحسني العاملي رحمه الله تعالى سيد من اساتذتنا وشيخ من مشايخنا ونفيه من فضلائنا رضي الله عنهم مات عن قريب لانه كان بالشا

ولم يبق لقائي آباءه كتب

٥٦٢ محمد بن علي بن ابي ثعبة الجلبي ابو جعفر وجه اصحابنا
وفقيههم والثقة الذي لا مطعن عليه وهو اخو موسى عبد الله
وعمران وعبد الاعلى لكتاب التفسير روى عنه صفوان وله
كتاب مبوب في الحلال والحرام روى عنه ابن مسكان شيئا كثيرا
هو ثقة روى عنه بوسيلة الفضل بن صالح ست وتسعون روى
ذمرة راويا عن النجاشي وتمرة راويا عن الشيخ

٥٦٣ محمد بن علي بن احمد بن قسام القمي يكنى ابا جعفر روى عن
محمد بن علي ماجيلويه روى عنه ابن نوح لم يخ

٥٦٤ محمد بن علي بن بلال ثقة كر يخ وذكره العلامة في
في باب الثقات ووثقه ثم قال الشيخ في كتاب الغيبة
من المذمومين ابو طاهر محمد بن علي بن بلال فحص في روايته
من الموثقين ثم ذكره في باب الضعفاء ولم يوثقه
نقل عن الشيخ انه من المذمومين وكذا ذكره ذكرين
الا انه ذكر اولا راويا عن يخ انه روى عن العسكري
وذكر ثانيا راويا عن يخ ايضا انه لم ولم اجد في يخ
الا كما نقلناه في ربيع الشيعة انه كان من السفراء الموجودين
في الغيبة الصغرى والابواب المعروفين الذين لا يختلف
الامامية القائلون بامامة الحسن بن علي فيهم

٥٦٥ محمد بن علي البشير من اهل استر كر يخ

٥٦٦ محمد بن علي بن جاك قمي يكنى ابا طاهر ثقة قليل الحديث
ذكر ابو العباس من اهل القرآن فاضل له كتاب الحكمة

ذكر عنه احمد بن محمد الاباذري حش وفي صه في موضع
فتى بتمي وفي ذ كاكي النجاشي ولعله الصواب
محمد بن علي بن جعفر ضا يخ وقال د محمد بن جعفر
ضا يخ ابن عمة انتهى وفيه ما لا يخفى

محمد بن علي بن الحسين بن زيد بن علي بن الحسين بن
علي بن ابي طالب له نسخة يرويها علي بن رضاء
روى عنه جعفر بن محمد الحسني حش

محمد بن علي بن الحسين بن موسى بن بابويه
القمي ابو جعفر نزيل الري شيخنا وفقيهنا ووجه الطائفة
بخراسان وكان ورد بغداد سنة خمس وخمسين وثلثمائة
وسمع من شيوخ الطائفة وهو محدث النور له كتب كثيرة
اخبرنا بجميع كتبه وروايات بعضها على قال لنا محمد بن
الحسن الوليد رحمه الله وقال لي اجاز لي جميع كتبه
ورواياته بتعنا بعد ومات رضي الله عنه بالري سنة احدى
وثمانين وثلثمائة جش كان جليلا حافظا للاحاديث
بصيرا بالرجال ناقدا للاخبار لم ير في القميين مثله في
حفظه وكثرة علمه له نحو من ثلثمائة مصنف اخبرنا بجميع
كتبه ورواياته جماعة من اصحابنا منهم الشيخ ابو عبد
الله محمد بن محمد بن النعمان وابو عبد الله الحسين بن
عبيد الله وابو الحسين جعفر بن الحسن بن حسكة القمي
وابو زكريا محمد بن سليمان الحمراني في كلهم عنه ست عن جعفر
جليل القدر حفظ بصير بالفقه والاخبار والرجال

لمصنف ذكره في هذه الطبقة ثم تخ

محمد بن علي بن حمزة بن الحسن بن عبيد الله بن العباس بن علي بن ابي طالب ابو عبد الله ثقة عين نحي الحديث صحيح الاعتقاد له روايات عن ابي الحسن وابي محمد وانتقل الى مكة وفي داره حصلت ام صاحب الامر بعد وفات الحسن له كتاب ذكره جعفر بن القاسم جش

محمد بن علي بن حبان الجعفي الكوفي اسند عنه تخ

محمد بن علي الدناع كر تخ

محمد بن علي بن الربيع السلمي الكوفي ق تخ

محمد بن علي الشلمغاني ابو جعفر المعروف بابن ابي العزاقر كان مقدما في اصحابنا فحمد الحسد الى القائم الحسين بن روح على ان المذهب الدخول في الملة الردية حتى خرجت فيه توقيعات فاخذه السلطان وقتله وصلبه وله كتب روى عنه ابو المفضل محمد بن عبد الله بن المطلب جش له كتب وروايات وكان متقدما في الغلو ثم تغير وظهر منه مقالات منكرة الى ان اخذه السلطان وقتله وصلبه ببغداد وله من الكتب التي عملها في حال الاستقامة كتاب التكليف اخبرنا به جماعة عن محمد بن علي بن الحسين عن ابيه عنه الا حديثا واحدا منه في باب الشهادات انه يجوز للرجال ان يشهد لاخيه اذا كان لم يشاهد واحد من غير علم ست

محمد بن علي بن شهر اشوب المازندراني رشيد الدين

٥٧٦ محمد بن علي الصابوني ابو نصيبة تقدم بعنوان محمد بن علي بن ابرهيم بن موسى

٥٧٧ محمد بن علي بن عبدك ابو جعفر الجرجاني جليل القدر من اصحابنا متكلم له كتب جش وفي صه في موضع منه متكلم وفي د كما في النجاشي ولعله الصواب ويشعر بعلو ابن عبدك مع بعض احواله

٥٧٨ محمد بن علي بن عيسى الفتوكاني وجها فقيها واميرا عليها من قبل السلطان وكذلك كان ابوه يعرف بالطلحي له مسائل لابي محمد العسكري روى عنه محمد بن احمد بن داود جش له مسائل روى عنه احمد بن زكريا وعنه ويه ست وفيه ابن محمد بن علي الطلحي له مسائل روى عنه احمد بن محمد بن عيسى ولعلها واحد

٥٧٩ محمد بن علي بن الفضل بن عمار بن سكين وكان يلقب بكيتن بسبب اعطائهم له وكان ثقة عينا صحيح الاعتقاد جيد التصنيف له كتب اخبرنا بها مروياته وكتبه ابو العباس احمد بن علي بن نوح وفرات كتاب الكوفة على ابي عبد الله الحسين بن عبيد الله عن جش الكوفي الدقاق يكنى ابا الحسين كثير الرواية له كتب اخبرنا بها مروياته وكتبها

الشريف ابو محمد المحمدي رحمه الله عليه واخبرنا اجازة عن
ابي محمد هارون بن موسى التلعكبري عنه فلم يحج

٥٨٠ محمد بن علي الكاتب كر يحج

٥٨١ محمد بن علي بن بكل الاسترابادي رحمه الله تعالى
في عمره وزاد الله في شرفه متكلم ثقة من ثقات هذه
الطايفة وعبادها وزهادها وحفظ الرجال والرواية
والتفسير يحتفل الابرد عليه كان من قبل من سكان
عتبة العلية المعروفة على ساكنها افضل الصلوة افضلها
من التحيات اكملها واليوم من محاذي بحمد الله الحرم وكلما
لكتب جيده منها كتاب الرجال حسن الترتيب يشتمل على جميع
اسما الرجال يخرج على حروف المعجم قد تلقاه الخواص
من المدح والذم الا شاذا ومنها كتاب باب الاحكام

٥٨٢ محمد بن علي ما جيلويه الفقيه روى محمد بن علي بن الحسين بن بابويه
عنه فلم يحج وذكره محمد بن علي بن بابويه في مشيخته كثيرا
وقال رضي الله عنه وروى عن محمد بن يحيى العطار عن
ابن ابراهيم بن هاشم وغيرهما وقال العلامة في حقه
طريقي محمد بن علي بن بابويه الى منصور بن حازم وغيره
صحيح وفيه محمد بن علي ما جيلويه

٥٨٣ محمد بن علي بن محبوب الاشعري ابو جعفر شيخ القميين
في زمانه ثقة عين فقيه صحيح المذهب كر روى عنه احمد
بن ادريس حش روى عنه محمد بن يحيى العطار فلم يحج

٥٨٤ محمد بن علي بن معمر الكوفي يكنى ابا الحسين صاحب

الصيقي يسمع عند التلعكبري فلم يحج

٥٨٥ محمد بن علي بن مهزيار ثقة ذكي يحج وقال ابن طاوس
في ربيع الشيعة انه من السفراء والابواب المعروفين للائمة
لا يختلف الامامية القايلون بامامة الحسن بن علي فيهم

٥٨٦ محمد بن علي بن بخيح الجعفي مولاهم استذن في حج

٥٨٧ محمد بن علي بن النعمان بن ابي طريفة البجلي مولى الاحول
ابو جعفر كوفي ضخم يلقب مؤمن الطاق وصاحب الطاق
ويلقبه المخالفون شيطان الطاق وعم ابيه المنذر بن
ابي طريف بن قرق وابن عم الحسين بن المنذر بن ابي طريفة
ابنه بن قرق وكان كذا به في طاق المحامل بالكوفة فمن
اليه في النقد فيرد ردا يخرج كما يقول فيقال شيطان
الطاق واتاه الله في العلم وحسن الخاطر فاشتهر
قد نسب اليه اشياء لم يثبت عندنا ولم يكن وكانت له
مع ابي حنيفة حكايات كثيرة فمنها انه قال له يوما انا
ابا جعفر نقول بالرجعة فقال له نعم فقال افرضي من
كيسك هذا خمسمائة دينار فاذا عدتنا وانت رددتها
اليك فقال له في الحال اريد ضمنا يضمن لي انك تعود
انسانا فقال خاف ان تعود قردا فلا امكن فلم يستمر على
ما اخذ منه حبس محمد بن النعمان الاحول من اصحاب
الصادق ع وكان ثقة متكلما حاذقا حاضر الجواب
لكب ست محمد النعمان البجلي الاحول ابو جعفر شاه
الطاق ف حج ثم قال محمد يكنى ابا جعفر الاحول

الملقب بمؤمن الطاق تقدم وذكر الكشي رواياته كثيرة دل
على علو مرتبته وجلالة قدره وذكر انه قال ابو حنيفة
لمؤمن الطاق وقد جاءه اما ملك جعفر بن محمد فقال
ابو جعفر لكن اما ملك من المنظرين الى يوم الوقت المعلوم

٥٨٨ محمد بن علي الهمذاني تقدم له بعنوان احمد بن علي بن رزين
الهمذاني

٥٨٩ محمد بن علي بن يعقوب بن اسحق بن ابي قرة ابو الفتح
الفتاء الكاتب كان ثقة تتلمذ كثيرا وكتب كثيرا الزاهر

٥٩٠ محمد بن عمار بن الاشعث السندصنا خ

٥٩١ محمد بن عمار بن ياسر المخزومي عداده في الكوفيين
كان النبي قد عاده من مرض مرضه ودعا له خ

٥٩٢ محمد بن عمارة بن ذكوان ابو شداد ق خ

٥٩٣ محمد بن عمرو من اصحاب الكاظم وافق صدوقي في رجال
الشيخ محمد بن عمر كابادي

٥٩٤ محمد بن عمرو الجرجاني بغدادي روى عنه البرقي
له خ محمد بن عمر الجرجاني مختلط الاخير قال ابو العباس
بن نوح له كتاب فؤاد وروى عنه احمد بن ابي عبد
الله جش

٥٩٥ محمد بن عمرو بن حزم الانصاري عداده في المدنيين
شهد مع علي ل خ

٥٩٦ محمد بن عمرو الواسطي كوفي ق خ

٥٩٧ محمد بن عمرو بن سعيد الزيات المدائني روى عن

الرضا له روى عنه علي بن السندجش محمد بن عمرو
الزيات له خ

٥٩٨ محمد بن عمرو بن العاص عداده في الشاميين د
كان مع معوية بصفين ل خ

٥٩٩ محمد بن عمرو بن عبد الله بن عمر بن مصعب الزبيري
العوام متكلم حاذق من اصحابنا له كتاب الامامة جش

٦٠٠ محمد بن عمرو بن مهاجر الحضرمي الكوفي ق خ

٦٠١ محمد بن عمرو الفهمي م خ

٦٠٢ محمد بن عمر بن اذينة غلب عليه اسم ابيه مذكور في م
خ وذكرناه بعنوان عمر بن محمد بن عبد الرحمن

٦٠٣ محمد بن عمر الجرجاني تقدم بعنوان محمد بن عمرو
الجرجاني

٦٠٤ محمد بن عمر الوابلي له كتاب الفرائض عن الصادق ع
روى عنه علي بن جعفر الحميري مت

٦٠٥ محمد بن عمر بن سالم سبيعي بعنوان محمد بن عمر بن محمد

٦٠٦ محمد بن عمر بن سويد العجلي الكوفي ق خ

٦٠٧ محمد بن عمر بن عبد العزيز الكشي ابو عمرو وكان ثقة
عينا وروى عن الضعفاء كثيرا وصحب العياشي واخذ عنه
ويخرج عليه وفي داره التي كانت عرفا للشيعة واهل
العلم له كتاب الرجال كبير العلم وبه اغلاط كثيرة اخبرنا
احمد بن علي بن نوح وغيره عن جعفر بن محمد عنه جش ثقة
بصير بالاخبار وبالرجال حسن الاعتقاد له كتاب

جاء عن الثلاثة عشر من غلمان العباسي فقه
بصير بالرجال والاخبار مستقيم المذهب لم يخ

٦٠٨ محمد بن عمر بن عبد الله الضاري العطار الكوفي وهو
ابن ابي حفص اسنده وقيل انه كان بعد الالف جل
ق يخ

٦٠٩ محمد بن عمر بن علي بن ابي طالب عليه السلام الهاشمي
المدني ق يخ وذكره عند ذكر اجداده علي بن الحسين وقال
وقيل ليس له عنه رواية

٦١٠ محمد بن عمر بن علي بن الحسين بن علي بن ابي طالب
الهاشمي المدني اسند عنه ق يخ

٦١١ محمد بن عمر بن محمد بن سالم بن البراء بن سبرة بن سبا
النهمي ابو بكر المعروف بالجعابي الحافظ القاضي كان من
حفاظ الحديث واجلاء اهل العلم له كتاب اخبار ابا بكر
شيخنا ابو عبد الله محمد بن محمد بن النعمان رضي الله عنه
حدث محمد بن عمر بن سلم الجعابي بكنى ابا بكر احد الحفاظ
والنابذين للحالة له كتب روى عنه الدوري واخبرنا
عنه بلا واسطة الشيخ ابو عبد الله واحمد بن عبدون
حدث محمد بن عمر بن سلم البراء بن سبرة بن سبا النهمي
القاضي بكنى ابا بكر المعروف بابن الجعابي الحافظ بغداد
روى عنه الثلاثة واخبرنا
عنه محمد بن محمد بن النعمان ثم قال محمد بن عمر بن
سلام الجعابي زاده كما يظهر من كلامهم هنا وعند ذكر

ابنه عمر بن محمد وقال وبعض اصحابنا توهم سالم الجعابي
بغير الف سلما حتى وقفه هذا الوهم الى ان قال سلم
بغير مهم قبل السين وكانه احرز ان بنوهم مسلما
بالميم واثبت جدة سبا وانما هو با وبتقديم الباء
المشاة تحت انتهى وهو نظر كما لا يخفى

٦١٢ محمد بن عمر بن يزيد بياع الشابري لم له كتاب روى
عنه محمد بن عبد الحميد جش

٦١٣ محمد بن عمران البجلي الكوفي ق يخ

٦١٤ محمد بن عمران المدني ق يخ

٦١٥ محمد بن عمران الهاشمي مولاهم كوفي ق يخ

٦١٦ محمد بن عمر بن ابي العريف الهمداني ق يخ

٦١٧ محمد بن عوام الخلقاني ق كوفي ثقة قليل الحديث له
كتاب النوادر روى عنه علي بن حسان جش

٦١٨ محمد بن عوف الازدي ق يخ

٦١٩ محمد بن عياش بن عروة العامري الكوفي اسند عنه ق يخ

٦٢٠ محمد بن عاصم الناعطي الهمداني كوفي ق يخ

٦٢١ محمد بن عيسى بن عبد الله بن سعد بن مالك
الاشعري ابو علي شيخ القميين ووجه الاشاعرة متقدم
عند السلطان ودخل على الرضا وسمع منه وروى
عن ابي جعفر الثاني له كتاب الخطب روى عنه ابنه احمد بن
محمد جش وصرح الشهيد الثاني رحمه الله في شرح الارشاد
في باب الاطعمة والاشربة بتوثيقه

٢ ابو بكر اخبرنا عنه محمد بن محمد بن النعمان رحمه الله واحمد بن عبدون عنه

٦٢٢ محمد بن عيسى الطالبي روى دعوات الابام التي ذكرها الشيخ ابو عبد الله الطالبي روى عنه محمد بن الحسين بن عبد العزيز ست ويحتمل ان يكون هذا هو المذكور بعنوان احمد

٦٢٣ محمد بن عيسى بن علي بن عيسى بن عبيد بن يقطين بن موسى ع انشد له ابو جعفر جليل في اصحابنا ثقة عين كثير الرواية حسن التصانيف روى عن ابي جعفر الثاني مكاتبة ومشافهة ذكر ابو جعفر ابن بابويه عن ابن الوليد انه قال ما انفرد به محمد بن عيسى من كتب يونس وجدناه لا يعتمد عليه ورايت اصحابنا ينكرون هذا القول ويقولون من مثل ابي جعفر محمد بن عيسى ينكر بغداد فقال ابو عمرو الكشي نصر بن الصباح يقول ان محمد بن عيسى بن عبيد بن يقطين اصغر السن ان برد عن ابن محبوب قال ابو عمرو قال العقيقي كان الفضل بن شاذان يحب العبيدي ويثني عليه ويمدحه ويميل اليه ويقول البس في اقرانه مثله ويحبك هذا الشاء من الفضل رحمه الله لكنه روى عنه الجهري وبعد جش ضعيف استثناه ابو جعفر بن بابويه من رجال نوادر الحكمة وقال لا ارى ما ينفرد به ابن ابي ومثل انه كان يذهب مذهب الغلاة لكنه روى عنه ابن همام ست بوبني ضعيف صادي كر ثم قال ضعيف لم وقال العلامة في صه والاقوى عندي قبول روايته وقال عند ترجمة بكر بن محمد الازدي عند في محمد بن عيسى توقف ونقلنا من الشهيد الثاني وغيره ما يدل على قدحه عند ترجمة زرارة بن اعين

٦٢٤ محمد بن عيسى الكندي في ج

٦٢٥ محمد بن غالب الضبي الهذيل وهو غالب بن الهذيل الكوفي الشاعر واخوه علي رويا عن الصادق ع ج

٦٢٦ محمد بن غالب بن عثمان الهذيلي الشعاري الكوفي في ج

٦٢٧ محمد بن عورك كوفي قليل الحديث له كتاب رواه عنه ابرهيم بن سليمان جش

٦٢٨ محمد بن عياث الشامي في ج

٦٢٩ محمد بن الفتح المعلم من اصحاب العسكري ع ج

٦٣٠ محمد بن فرات الجعفي كوفي ضعيف له كتاب روى عنه عباد بن يعقوب جش محمد بن فراط بن احنف روى عن ابيه عن ابي جعفر وابي عبد الله عليهما السلام ضعيف ابن ضعيف لا يكتب حديثه نقض وروى الكشي احاديث كثيرة تدل على لعنه وكفره

٦٣١ محمد بن فرات الجراحي في ج

٦٣٢ محمد بن الفرج الرخجي له كتاب روى عنه احمد بن هلال جش ثقة رضا دي ج ثم ذكره عند ذكر ابي الرضا محمدا او الظاهر انهما واحد

٦٣٣ محمد بن الفرج الكوفي في ج

٦٣٤ محمد بن فضالة البكري الكوفي في ج

٦٣٥ محمد بن فضالة المذحجي ق خ

٦٣٦ محمد بن الفضل الازدي كوفي ثقة ضا خ

٦٣٧ محمد بن الفضل بن عبيد الله بن ابي رافع ابو عبد الله اسند عنه ق خ

٦٣٨ محمد بن الفضل بن عطية الخراساني اسند عنه ق خ

٦٣٩ محمد بن الفضل الهاشمي المدني ق خ

٦٤٠ محمد بن الفضل بن يزيد الثمالي الكوفي ق خ

٦٤١ محمد بن الفضيل بن عطاء المدني ق خ

٦٤٢ محمد بن الفضيل بن غزوان الضبي مولاهم ابو عبد الرحمن ثقة ق خ

٦٤٣ محمد بن الفضيل بن كثير الصيرفي الازدي ابو جعفر الازرق تم ضا له كتاب ومثل ما روى عنه محمد بن الحسن بن ابي الخطاب حش محمد بن الفضل الازرق له كتاب روى عنه علي بن الحكم ست محمد بن الفضيل بن كثير الازدي كوفي صيرفي ق خ ثم قال محمد بن الفضل الكوفي الازدي ضعيف ثم قال محمد بن الفضل ازدي صيرفي يروي بالغلو له كتاب ولا يبعد ان يكونوا واحدا

٦٤٤ محمد بن فليح السبيعي مولاهم كوفي ق خ

٦٤٥ محمد بن الفيض الغنوي نيم الرباب ق خ

٦٤٦ محمد بن الفيض بن مالك المذابني مولى عمر الخطاب ضا خ

٦٤٧ محمد بن الفيض بن الحمار الكوفي الجعفي ق خ

٦٤٨ محمد بن قابوس النخعي الكوفي ق خ

٦٤٩ محمد بن القاسم الاسدي كوفي ابو ابرهيم ق خ

٦٥٠ محمد بن القاسم بن بشار روى عنه سعد والحميري لم خ

٦٥١ محمد بن القاسم البصري ق خ

٦٥٢ محمد بن القاسم البوشنجي ضا خ

٦٥٣ محمد بن القاسم بن الحسن بن زيد بن الحسن بن علي بن ابي طالب مذ ق خ

٦٥٤ محمد بن القاسم بن حمزة بن موسى العلوي د ق خ

٦٥٥ محمد بن القاسم بن زكريا المحاربي ابو عبد الله الكوفي المعروف بالسوداني ثقة من اصحابنا عمر له كتاب روى عنه ابو الحسين بن بنام حش روى عنه النيلابي لم خ

٦٥٦ محمد بن القاسم بن الفضيل بن بشار النيلابي ثقة هو وابوه وعمه العلا وجده الفضيل روى عن الرضا له كتاب روى احمد بن محمد بن خالد عن ابيه عنه حش ضا خ

٦٥٧ محمد بن القاسم بن المثنى له كتاب روى عنه احمد بن مثنى ست ويحتمل ان يكون هذا والذي سيجيء بعنوان محمد بن المثنى بن القاسم واحدا

٦٥٨ محمد بن القاسم ويقال ابن ابي القاسم المفسر الاسترابادي روى عنه ابو جعفر بن بابويه ضعيف كذاب روى عنه تفسيرا يروي عن رجلين مجهولين احدهما يعرف

والظاهر ان محمد بن الفضيل الذي روى عن ابي الصباح الكناني وروى عن الحسين بن سعيد كثيرا هو هذا لا محمد بن الفضيل بن غزوان الثقة لانه من اصحاب الصادق عليه السلام كما لا يخفى وكيف ما كان فقد ضعف المحقق في نكت النهاية في بحث الماء محمد بن الفضيل الذي روى عن ابي الصباح الكناني منه

يوسف بن محمد بن زياد والاخوعلى بن محمد بن بشار عن
ابيهما عن ابى الحسن الثالث عليه السلام والنقير خشبة
عن سهل الديباجى عن ابيه باحاديث من هذا الكتاب
عض

٥٥٩ محمد بن القاسم النوفلى ق تج

٥٦٠ محمد بن قرعة الكوفى ق تج

٥٦١ محمد بن فولويه قال النجاشى عند ترجمة ابنه جعفر بن
محمد بن جعفر ابنه يلقب مسلمة بن حبابا اصحابنا سعد وقال
عند ترجمة ابنه على بن محمد بن جعفر ابن اباه يلقب قملة
وقال الشيخ فى الرجال محمد بن فولويه الجمال والد ابى
القاسم جعفر بن محمد بن قولويه روى عن سعد بن عبد الله
وعبيد الله كم اسمى واجها سعد على ما بينهم اكثرهم ثقات
كعلى بن الحسين بن بابويه ومحمد بن الحسين بن الوليد
وحمزة بن القاسم ومحمد بن يحيى العطار وغيرهم وكما
قول النجاشى اتر من اجلا اصحابنا سعد يدل على توثيقه

٥٦٢ محمد بن قيس ابو احمد الاسدى ضعيف فرد روى عنه
يحيى بن ذكر الحنفى جش

٥٦٣ محمد بن قيس ابو يوسف الاشعرى اخو ابى موسى
عداده فى الكوفيين ولهما اخ اخر يكنى ابا برده وقيل
ان ابا برده كان ابن ابى موسى واخوه الاخر كان
يكنى ابا عمرو لج

٥٦٤ محمد بن قيس ابو عبد الله البجلى ثقة عين كوفى ن

فوله كتاب القضايا المعروف رواه عنه عاصم بن حميد
الخطا ويوسف بن يعقل وعبيد ابنه جش له كتاب
قضايا امير المؤمنين عليه السلام روى عنه عاصم
بن حميد والاصل روى عنه ابن ابى عمير ست محمد
بن قيس البجلى كوفى اسند عنه صاحب المسائل التى برواية
عنه عاصم بن حميد مات سنة احدى وخمسين ومائة
فى تج وذكر النجاشى قبل ذكر هذا الرجل رجلا اخر
حيث قال محمد بن قيس البجلى له كتاب يرويه كتاب
بن قيس الاسدى والظاهر انهما واحد كما يظهر من الخلاصة
ايضا وقال الشهيد الثانى رحمه الله فى درايته الحديث
كلما كان فيه محمد بن قيس عن ابى جعفر فهو مردود
لاشتراكه بين الثقة والضعيف وفيه نظر لانه ربما
يظهر الحق من الراوى وكروايته يحيى بن زكريا عن محمد
بن قيس ابى احمد الضعيف المذكور من قبل

٥٦٥ محمد بن قيس ابو نصر الاسدى احد بجلى نصر بن قعين وجبر
وجوه العرب بالكوفة وكان حضينا بعمر بن عبد العزيز
ثم بيزيد بن عبد الملك فوق وله كتاب فى قضايا
امير المؤمنين وله كتاب اخر نوادر جش محمد بن قيس ابو
نصر الاسدى الكوفى ثقة ثقة ق تج

٥٦٦ محمد بن قيس الاسدى ابو عبد الله مولى النبى نضر بن قيس
وكان حضينا محمد وحاجش محمد بن قيس الاسدى ابو
عبد الله ق تج

* كذا فيما عندنا من نسخ الخلاصة ومن محمد بن قيس البجلى الفقيه

٦٦٧ محمد بن قيس ابو قلابة الاسدي الكوفي ق خ

٦٦٨ محمد بن قيس الانصاري بن ق خ ويمكن ان يكون هذا مخلدا مع ابي احمد الضعيف وغيره وان كان يظهر من كلام ابن داود انه ابو احمد الضعيف الاعمى

٦٦٩ محمد بن قيس بن مخرمة الزهري عداده في المكيين يقال انه ولد في عهد النبي ﷺ خ

٦٧٠ محمد بن كثير الجعفري الكاتب الكوفي اسند عنه ق خ

٦٧١ محمد بن كثير العبدي الكوفي ق خ

٦٧٢ محمد بن كريب الهمداني الكوفي ق خ

٦٧٣ محمد بن كردوس الكوفي بياع الشابري ق خ

٦٧٤ محمد بن كليب الاسدي الصيداوي ق خ عند حديث ابيه كليب

٦٧٥ محمد بن كليب الاسدي ضا خ

٦٧٦ محمد بن لبيب بن عبد الرحمن الهمداني الشاكري الكوفي ق خ

٦٧٧ محمد بن لوط بن اسحق بن الفضل الهاشمي ق خ

٦٧٨ محمد بن الليث الهمداني المشعاري الكوفي ق خ

٦٧٩ محمد بن مادر التميمي عربي صميم كوفي خص محمد بن مسلم ق ثقة عين له كتاب روى عنه الحسن بن حمدويه جش

٦٨٠ محمد بن مالك بن الاجدع الخعمي ضا خ

٦٨١ محمد بن مالك بن عطية الاحمسي ابو عبد الله الكوفي اسند عنه ق خ

٦٨٢ محمد بن مبشر الحلبي يعرف بفلناه يعرف لجليس بن منشر

٦٨٣ محمد بن المثنى بن القاسم كوفي ثقة له كتاب روى عنه احمد جش

٦٨٤ محمد بن المثنى الازدي الكوفي ق خ وكانا واحدا

٦٨٥ محمد بن مجيب الصانع كوفي نزل بغداد ق خ

٦٨٦ محمد بن محمد ابو المنذر بن محمد ضا خ

٦٨٧ محمد بن محمد بن ابي جعفر بن بابويه الرازي المعروف بقطب الدين رحمه الله وجه من وجوه هذه الطايفة جليل القدر عظيم المنزلة من تلامذة الامام العلامة الحلي قدس سره روى عنه احاديث وروى عنه شيخنا الشهيد رحمه الله لكن منها كتاب الحاكمات وهو دليل واضح وبرهان قاطع على كمال فضله وفوز علو درجته رضي الله عنه وارضاه

٦٨٨ محمد بن محمد بن احمد بن اسحق بن رباط الكوفي البجلي سكن بغداد وعظمت منزلته بها وكان ثقة فقيها صحيح العقيدة له كتاب وكان له رياسة في الكرخ وتقدم الجماعة واضر وخرج الكوفة فجاور الى ان مات هناك جش

٦٨٩ محمد بن محمد بن الاشعث ابو علي الكوفي ثقة من اصحابنا سكن مصر له كتاب الحج روى عنه سهل بن احمد جش يروي نسخة عن موسى بن اسمعيل بن موسى بن جعفر عن ابيه اسمعيل بن موسى عن ابيه موسى بن جعفر له حج

٦٩٠ محمد بن محمد بن الحسن بن هارون الكندي روى عنه

ابن نوح لم يخ

٦٩١ محمد بن محمد بن الحسن الطوسي قدس سره نصير الملة و الدين قدوة المحققين سلطان الحكماء و المتكلمين انتهت رياسة الامامية في زمانه اليه و امره في علو قدره و عظم شانه و سمو مرتبته و تبحره في العلوم العقلية و النقلية و دقة نظره و اصابة رايه و حدة ذهنه و احراز قصب السبق في مضمار التحقيق و التدقيق اشهر من ان يذكر و فوق ما يحوم حوله العبارة و كفاك في ذلك حلة ما لم تحل على الحكماء المتبحرين من لدن آدم الى زماننا رضي الله عنه و ارضاه روى عن ابيه محمد بن الحسن رحمه الله و كان شيخا العلامة المحقق المدقق المحلي قدس سره و روى الكل عنه احاديث و كان اصله من جهرود من توابع ساوه و ان كان في زماننا هذا من توابع قم لعصمات لم يزعجن الزمان مثلها منها شرح الاشارات حقق فيه مذاهب الحكماء على انهم تحقيق و منها تحرير المجسطي فليدرس بحر الفوائد و التذكرة و غيره ذلك من الكتب و الرسائل تولد رحمه الله في سنة سبع و تسعين و خمسمائة و مات رحمه الله في سنة اثنتي و سبعين و ستمائة

٦٩٢ محمد بن محمد بن داود ابو عمرو المزني الكوفي مات سنة اربع و ستين و مائة و له اثنتان و سبعون سنة في حج

٦٩٣ محمد بن محمد بن رباط الكوفي قال حدثنا ابو جعفر محمد بن الحسين بن عبد الله بن سعيد الطبري ببغداد

قال حدثنا علي بن ابراهيم بن عبد الله بن سعيد قال لما توجه موسى بن بغا الى قم فوصفها و طيبة خشنه و عظم بها ما كان فضل باهلها فكتبوا بذلك الى ابي جعفر صاحب العسكر يا لونه الدعاء فكتب اليهم ان ادعوا بهذا الدعاء في وتركم و هو ذكر الدعاء لم يخ و يحتمل ان يكون هذا هو المذكور من قبل بعينه

٦٩٤ محمد بن محمد بن علي ابو الحسين ذكرناه عند ترجمة اخيه احمد بن محمد بن علي

٦٩٥ محمد بن محمد بن النضر بن منصور ابو عمرو السكوني المعروف بابن حرزة رجل من اصحابنا من اهل السر شيخ الطائفة في وقته و فقيه ثقة لركب يخش

٦٩٦ محمد بن محمد بن النعمان بن عبد السلم بن جابر ابو عبد الله استاذنا رضي الله عنه فضله اشهر من ان يوصف في الفقه و الكلام و الرواية و النقه و العلم لركب ما رحمه الله ليلة الجمعة لثلث خلون من شهر رمضان سنة ثلث عشرة و اربعمائة و كان مولده يوم الهادي عشر من ذي القعدة سنة ست و ثلثين و ثلثمائة و صلى عليه الشريف المرتضى ابو القاسم علي بن الحسين بمنزله الاشنان و ضاق على الناس مع كبره و دفن في داره سنين و نقل الى مقابر قريش بالقرب من التبة التي جعفر و قبل مولده سنة ثمان و ثلثين و ثلثمائة

تحسن يكنى ابا عبد الله المعروف بابن المعلم من جلة متكلمى
الامامية انيف وثمانين ومائة وتفقه فى العلم وكان
منقدما فى صناعة الكلام وكان فقيها منقدما مائبه
حسن الخاطر دقيق الفطنة حاضر الجواب له قريب من مائتى
مصنف كبار وصغار ولد سنة ثمان وثلثين وثلثمائة
وتوفى سنة ثلث عشرة واربعمائة وكان يوم وفاته يوما لم ير
اعظم منه من كثرة الناس للصلوة عليه وكثرة البكاء
من المخالف والمؤالف ومعظم هذه الكتب كلها

جليل ثقة لم يخ يلقب بالمفيد وله حكاية فى سبب تسميته
بالمفيد ذكرناها هناك كان ابنا الكبير من اجل مشايخ الشيعة
ورئيسهم واسنادهم وكل من تاخر عنا استفاد منه
فضله اشهر من ان يوصف فى الفقه والكلام والرواية وهو من
اهل زمانه واعلمهم ودفن فى داره سنين ونقل الى
مقابر قريش بالقرب من السيد الامام ابى جعفر الجواد
عند الرجل الى جانب قبر شيخنا الصدوق ابى القاسم
جعفر بن محمد بن قولويه صح

٦٩٧ محمد بن محمد بن يحيى قال النجاشى فى الرجال فى ابى
ابو على العقلى واخوه ابو الحسين اسمه محمد بن محمد بن
يحيى من بنى زيادة معروفان جليلان من اهل
النيشابور له يخ

٦٩٨ محمد بن مدرك النحوى الكوفى اسند عنه فى يخ

٦٩٩ محمد بن المدرك الهمدانى الكوفى اسند عنه فى يخ

٧٠٠ محمد بن مروان بن حكيم السباطى الازدى ثقة روى
ابو عن الصادق وموسى الكاظم عليهما السلام له كتاب
يرويه عنه جماعة منهم محمد بن خالد البرقى وحبش
وفى د محمد بن مروان وهو سهو مع انه ذكر ابا يعقوب
مروان بن حكيم

٧٠١ محمد بن مروان له رواية ات روى عنه ابراهيم بن سليمان

٧٠٢ محمد بن مروان ابو عيسى الوراق الفقيه ذكره فى يخ
يعنى محمد بن هرون ابو عيسى الوراق

٧٠٣ محمد بن مروان الانبارى له كتاب النوادر روى عنه
محمد بن احمد بن يحيى الاشعرى حبش

٧٠٤ محمد بن مروان الجلاب ثقة فى يخ

٧٠٥ محمد بن مروان الخياط المكفوف ثقة قليل الحديث له
كتاب روى عنه على بن اسحق الكوفى اجش

٧٠٦ محمد بن مروان الذهلى البصرى كوفى ابو عبد الله و
يقال ابو يحيى اسند عنه فى يخ محمد بن مروان الذهلى
له كتاب روى عنه ابن بطة عدة

٧٠٧ محمد بن مروان بن زياد الغزال روى عن الحسن بن
محبوب وروى عنه القاسم بن العلاء الهمدانى فى الذى
روى عنه الصفوانى فى يخ

٧٠٨ محمد بن مروان الشعيرى قرأ على كتب محمد بن ولده
احمد فى الكتب وغيره ثم منه محمد بن مروان البصرى
ومحمد بن مروان الكلبى موجودان من غير مدح وذم

٧٠٩ محمد بن مروان بن عثمان المذكر ق خ

٧١٠ محمد بن مزة الكوفي ق خ

٧١١ محمد بن مزيد بن محمود بن ابي الازهر الموشجي النحوي روى عن يعقوب بن يزيد روى عنه ابو الفضل الخ

٧١٢ محمد بن مسافع البكري الكوفي ق خ

٧١٣ محمد بن مساور العنبري الكوفي ق خ

٧١٤ محمد بن مسعود الهمداني الكوفي ق خ

٧١٥ محمد بن مسعود النهمي ق خ

٧١٦ محمد بن مسعود بن سعد ق خ

٧١٧ محمد بن مسعود الطائي كوفي عربي صميم ثقة ق م له كتاب روى عنه عبد الله بن جبلة خش

٧١٨ محمد بن مسعود بن محمد بن عباش السلمي المرمكي ابو الفضل المعروف بالعياشي ثقة صدوق عين من عيون هذه الطايفة وكان يروي عن الضعفاء كثيرا وكان في اول عمره عاميا المذهب وسمع حديث العامة فاكثر منه ثم بصره الله بالحق وكان حديثا سنا سمع اصحاب علي بن الحسن بن فضال وعبد الله بن محمد بن خالد الطيالسي وجماعة من شيوخ الكوفيين والبغداديين والقميين قال ابو عبد الله الحسين بن عبيد الله سمعت القاضي ابا الحسن علي بن محمد قال لنا ابو جعفر الزاهد انفق ابو النضر على العلم والحديث ذكر ابوه ساير ما كان له الف دينار وكان

ذاره كالمبصد بين ناسخ او مقابل او فرار او معلق مملوء من الناس وصنف ابو النضر كتبا روى عنه حميد بن محمد القرقساني خش جليل القدر واسع الاخبار بصير بالرجال مضطلع بها له كتب يزيد على مائتي مصنف روى عنه ابنه جعفر بن محمد بن مسعود ست كثر اهل المشرق علما وفضلا وادبا ونبلا في زمانه كان له مجلس للخاصة ومجلس للعامة لم خ

مضطلع بهذا الامر اى قوى عليه

٧١٩ محمد بن مكان ذكره الكشي وقال هو مجهول ق خ

٧٢٠ محمد بن مسلم الجهني مولاهم كوفي ق خ

٧٢١ محمد بن مسلم بن رياح ابو جعفر الاحول الطحان مولى ثقيف الاحور وجه اصحابنا بالكوفة فقيه ورع صحب ابا جعفر وابا عبد الله عليهما السلام وروى عنهما وكان من اوثق الناس لم كاب روى عنه العلاء بن رزين ومات محمد بن مسلم سنة خمسين ومائة خش طابعي وكان احول قم لم خ وروى عنه حريز بن عبد الله ابنه وقال الكشي حدثني محمد بن قولويه قال حدثني سعد بن عبد الله بن ابي خلف القمي قال حدثنا احمد بن محمد بن عيسى عن عبد الله بن محمد الحجال عن العلاء بن رزين عن عبد الله بن ابي يعفور قال قلت لابي عبد الله عليه السلام انه ليس كل ساعة القاك ولا يمكن القدوم ويجيء الرجل من اصحابنا وباقاني وليس عندي كل ما يابق عنه قال فما يمنعك من محمد بن مسلم الثقفي فانه قد سمع من ابي

رياح بفتح الراء والياء المثناة تحتها نقطة واحدة كذا في خ وفي ا بالباء المثناة تحت منه

فلا

وكان عنده وجها ثم قال حدثني محمد بن نصير قال
حدثنا يعقوب بن يزيد عن محمد بن ابي عمير عن جميل بن
دراج قال سمعت ابا عبد الله يقول بئر الجحيم والجبة
برد بن معاوية العجلي وابو بصير ليث بن البختري المرادي
ومحمد بن مسلم وزرارة اربعة نجباء امناء الله على
حلاله وحرامه لولا هؤلاء انقطعت آثار النبوة واندرست
ثم قال في موضع اخر انتم من احبنا على نصف
من احبنا الى جعفر وابي عبد الله عليهما السلام و
انقاد والهم بالفقه وروى الكشي بعضه رواية كثيرة
تدل على جلالة قدره وعلو مرتبته واورد فيه
ثلثة اخبار ضعيفة السند ومع هذا محمولة على التقية
ودفع الضرر عنه كما قلناه في الضريح عن ابي عبد
الله في الحاشية عند ترجمة زرارة بن اعين

٧٢٢ محمد بن مسلم الزهري المدني تابعي وهو محمد بن مسلم
بن عبيد الله بن عبد الله بن الحرث بن شهاب بن
زهرة بن كلاب ولد سنة اسنين وحمسين وتوفي
سنة اربع وعشرين ومائة وله اثنتان وسبعون
سنة ق خ وكانه هو المذكور بعنوان احمد بن شهاب
الزهري

٧٢٣ محمد بن مسلم العبدي كوفي ق خ

٧٢٤ محمد بن مسلم بن هرمز الطايفي ق خ

٧٢٥ محمد بن مسلم كوفي ثقة له كتاب يرويه علي بن الحسن

الطاطري وعنه جش

٧٢٦ محمد بن مسلم ل خ وذكر بعض اهل العدد ان
اسامة بن زيد

٧٢٧ محمد بن المثنى الحناط الكوفي اسند عنه ق خ

٧٢٨ محمد بن مصادف مولى ابي عبد الله روى عن ابي
بصير غمز وقال العلامة في صه بعد نقل هذه
العبارة عن ابن الغضايري وفي كتاب الرجال نظر
والاولى عندي التوقف فيه

٧٢٩ محمد بن مصبح بن الصباح كوفي ثقة له كتاب يرويه
موسى بن جعفر البغدادي جش محمد بن مصبح روى
عنه موسى بن جعفر النهاوندي لم يخ محمد بن مصبح
له كتاب روى هو موسى بن جعفر البغدادي عن محمد بن مصبح بن الصباح كذا في مشيخة الفقيه

٧٣٠ محمد بن المضارب كوفي يكنى ابا المضارب ق خ
كانه ابن زرارة

٧٣١ محمد بن معروف ابو غسان المذحجي ق خ

٧٣٢ محمد بن المظفر ابو العرف الازدي كان سمع كثيرا
ثم اضطرب عقله له كتاب اخبار الشعراء جش

٧٣٣ محمد بن معاذ بن عمران الربعي كوفي اسند عنه ق خ

٧٣٤ محمد بن معروف الخزاز الهلالي عمر ولقي ابا عبد
الله عليه السلام وروى عنه احاديث رواها
عبد الله بن محمد بن خالد الطيالسي عنه جش

٧٣٥ محمد بن المفضل بن ابرهيم بن قيس بن رماح الاشعري
عربي يكنى ابا جعفر ثقة من اصحابنا الكوفيين ذكره

٧٢٢ روى الشيخ قدس سره في اول ابواب كتاب النكاح من تهذيب عن محمد بن الحسن بن الوليد عن محمد بن عبد الله عن ابن ابي عمير عن هشام بن سالم عن محمد بن مضارب قال قال ابو عبد الله عليه السلام يا محمد عند هذه الجارية تحدث وتصيب منا فاذا خرجت فارددها الينا

ابو العباس له كتب روى عنه احمد بن محمد بن سعيد جش ٧٣٥ نجح

٧٣٦ محمد بن المفضل بن عمر مر نجح

٧٣٧ محمد بن مفلاص الاسدى الكوفى ابو الخطاب ملعون غال يكنى مفلاصا بان ذئب البزاز البزاد ق نجح لعنه الله امره شهير وادى ترك ما يقول اصحابنا حدثنا ابو الحسن فى ايام استقامته عض محمد بن ابى زينب اسمه مفلاص ابو الخطاب البزاد الاجدع الاسدى ويكنى ايضا ابا اسمعيل ويكنى ايضا ابا الطيبات قال حمدويه وابراهيم ابنا نصير قالا حدثنا الحسين بن موسى عن ابرهيم بن عبد الحميد عن عيسى بن ابى منصور قال سمعت ابا عبد الله عليه السلام وذكر ابا الخطاب فقال اللهم العن ابا الخطاب فانه خوفنى بما وفاعدا وعلى فراشى اللهم اذقه حر الحديد كش ثم روى الكشى روايته تدل على كفره ولعنه لعنه الله

٧٣٨ محمد بن مكى بن محمد بن حامد العاملى المعروف بالشهيد قدس الله روحه ونور ضريحه شيخ الطايفه وعلامة وقته صاحب التحقيق والتدقيق من اجلاء هذه الطايفه وثقاتها نقى الكلام جيد التصانيف له كتب كثيرة منها كتاب البيان والدروس والقواعد روى عن الحر المحقق محمد بن الحسن العلامة قدس الله ارواحهما

٧٣٩ محمد بن المنذر بن الزبير ق نجح

٧٤٠ محمد بن منصور الاسعرى مجهول ضاخ

٧٤١ محمد بن منصور الجرجانى ق نجح

٧٤٢ محمد بن منصور بن عامر الطائى الكوفى اسند ق نجح

٧٤٣ محمد بن منصور بن نصير الخزاعى وقال احمد بن منصور ضاخ وذكرناه نعوا احمد بن منصور ابه

٧٤٤ محمد بن منصور بن يونس بن زنج كوفى ثقة له كتاب روى عنه محمد بن الحسين الصائغ لم نجح

٧٤٥ محمد بن المنكدر من رجال العامة الاان له منهلا وموده شديده كش

٧٤٦ محمد بن موسى ابو جعفر لقبه خورا كوفى ثقة له كتاب الصلوة روى عنه حميد جش لم نجح

٧٤٧ محمد بن موسى بن الحسن بن فرات كان يقوى ابا سبا محمد بن نصير النميرى لعنه الله وبعضد كش عند ترجمة محمد بن نصير النميرى وكانه هو المذكور من قبل بعنوان محمد بن فرات الجعفى

٧٤٨ محمد بن موسى الخورجانى روى عن ابى عمرو عثمان بن سعيد روى عنه ابو جعفر محمد بن الاخوة السمانى لم نجح

٧٤٩ محمد بن موسى بن جعفر بن محمد بن على بن الحسين بن على بن ابى طالب من اهل الفضل والصلاح قاله المفيد فى ارشاده

محمد بن موسى السربتى قال كر نجح وفى صه السربتى بالفاء وفى محمد بن السربتى قال

وجد بخط ولد الشهيد رحمه الله استشهد والدى الامام العلامة شمس الدين ابو عبد الله محمد بن مكى شهيد احرقا بعده بالنار يوم الخميس تاسع جمادى الاولى سنة ست وثمانين وسبعمائة بعد سجنه عاما بالقلعة سنة حبس ثمانين وسبعمائة منه

٧٥٠ محمد

٧٥١ محمد بن موسى بن علي ذكرناه بعنوان محمد بن ابي عمير

٧٥٢ محمد بن موسى بن عيسى ابو جعفر الهمداني السمان ضعف الفقهون بالغلو وكان ابن الوليد يقول انه كان يضع الحديث والله اعلم له كتاب ما روى في ايام الاسبوع وكتاب الرد على الغلاة روى احمد بن محمد بن يحيى عن ابيه عنه جش ضعيف يروي عن الضعفاء ويجوز ان يخرج شاهدا نكلم الفقهون فاكثروا واستثنوا من كتابه نوادر الحكمة ما رواه عض

٧٥٣ محمد بن موسى بن فرات دى كر خ وكان هذا هو المذكور من قبل بعنوان محمد بن موسى بن الحسن بن فرات

٧٥٤ محمد بن موسى الكندي كوني ق خ

٧٥٥ محمد بن موسى بن المتوكل ثقة صدوق روى عن عبد الله بن جعفر الحميري روى عنه ابن بابويه له خ

٧٥٦ محمد بن موسى المدني ق خ

٧٥٧ محمد بن موسى بن يعقوب الشامي يكنى ابا الحسن الرازي عنه التلعكبري حديث الفضل لم يسمع منه غيره الخ

٧٥٨ محمد مولى رواس كوفي روى عنه اسحق بن بزيع ق خ

٧٥٩ محمد مولى بني زهرة كوفي روى عنه عبد الله بن المغيرة ق خ

٧٦٠ محمد بن مهاجر وثقه النجاشي والشيخ في الفهرست عند ترجمة ابنه ابراهيم قيل ابن ابي خالد

٧٦١ محمد بن مبشر بن عبد العزيز النصبي بياع الزطي كوفي روى ابوه عن الباقر والصادق عليهما السلام روى هو عن الصادق عليه السلام له كتاب روى عنه محمد بن ابي عمير جش

٧٦٢ محمد بن مبشر بن عبد الله مولى واخوه علي ق خ

٧٦٣ محمد بن مبشره الكندي الكوفي ق خ

٧٦٤ محمد بن مهمون ابو نصير الزعفراني عامي غير انه روى عن ابي عبد الله ع نسخة روى عنه محمد بن عبد الحق جش محمد بن مهمون النهمي الزعفراني اسند عنه يكنى ابا النضر ق خ

٧٦٥ محمد بن مهمون ابي عبد الله مولى بني شيبان ق خ

٧٦٦ محمد بن مهمون الخثعمي كوفي اسند عنه ق خ

٧٦٧ محمد بن مهمون بن عطاء الاسكاف اسند عنه ق خ

٧٦٨ محمد بن مهمون الكندي الكوفي مولاهم ق خ

٧٦٩ محمد بن ناجية الصبيحي الانصاري ق خ

٧٧٠ محمد بن نافع كوفي نقل الجلد نوادر روى عنه حميد جش لم خ

٧٧١ محمد بن نافع الانصاري المدني اسند عنه ق خ

٧٧٢ محمد بن نافع الحميري كوفي ق خ

٧٧٣ محمد بن نصير بن عبد الرحمن البارقي الكوفي ق خ

٧٧٤ محمد بن نصير غال كر خ وذكر العلامة في صه بعد ذكر هذا الرجل ان محمد بن نصير النميري لعنه علي بن

محمد العسكري ثم ذكر ان محمد بن نصير بالنون المضمومة والصاد
المهملة والباء قبل الراء قال ابن الفضا بري قال ابو
محمد بن طلحة بن علي بن عبد الله بن غلا الفرا قال انا
ابو بكر الحجاجي كان محمد بن نصير من افاضل البصرة
علما وكان ضعيفا بدوا والبصريون ينسبون الى
ويخيل ان يكونوا واحدا كما يظهر من كلام ابن داود
٧٧٥ محمد بن نصير من اهل كش ثقة جليل القدر كثير العلم
روى عنه ابو عمرو الكشي لم يخ
٧٧٦ محمد بن النضر بن فراوش الفقيه الجمال ق يخ
٧٧٧ محمد بن نضلة الخزاعي المكي اسند عنه ق يخ
٧٧٨ محمد بن النعمان الازدي الكوفي ق يخ
٧٧٩ محمد بن النعمان البجلي الاحول ذكرناه بعنوان محمد
بن علي بن النعمان
٧٨٠ محمد بن النعمان الحضرمي كوفي ق يخ
٧٨١ محمد بن نعيم الحباط امامي الا انه كان خاطبا بروى عن
العباسي لم يخ
٧٨٢ محمد بن نعيم الشاذاني قد مضى بعنوان محمد بن احمد
بن نعيم الشاذاني
٧٨٣ محمد بن نعيم الضحاك الكوفي واخوه الحسين وعلي ق يخ
الحسين بن نعيم الضحاك مولى بني اسد ثقة واخوه علي
ومحمد رووا عن الصادق عليه السلام جش
٧٨٤ محمد بن نوفل بن غابد الضبي الكوفي ق يخ

٧٨٥ محمد بن واصل بن سليم التميمي المنقري كوفي ق يخ
٧٨٦ محمد بن وايل العنزي كوفي ق يخ
٧٨٧ محمد بن الورد المنقري التميمي كوفي ق يخ
٧٨٨ محمد بن ولاد الانصاري ق يخ
٧٨٩ محمد بن الوليد البجلي الخراز ابو جعفر الكوفي ثقة عين
نقي الحديث ذكره الجماعة طبذا روى عن يونس بن
يعقوب وحماد ومن كان في طبقتهما وعمر حتى اخبره محمد
بن الحسن الصفار وسعد له كتاب نوادر روى عنه
احمد بن محمد بن خالد الجش محمد بن الوليد الخراز
فقيه من اجلة العلماء والفقهاء والعدول كوفي
كش والظاهر انهما واحد كما قال العلامة في صه
٧٩٠ محمد بن الوليد الصيرفي شباب ضعيف صه
وفي د غض ضعيف
٩١ محمد بن الوليد بن عمارة ابو رجا مولى قريش كوفي ق يخ
٧٩٢ محمد بن الوليد بن الوليد العمري ابو الفضل كوفي ق يخ
٧٩٣ محمد بن وهبان بن محمد ابو عبد الله الدبيلي سكن
البصرة ثقة من اصحابنا واضح الرواية قليل التخليط
لكتب جش محمد بن وهبان بن محمد الضبي العربي
بالدبيلي روى عنه الكليني اخبرنا عنه احمد بن
ابرهيم القزويني وكان يروي دعاء ام داود لكل فرض يخ
٧٩٤ محمد بن هرون ضعيف روى عنه محمد بن احمد
بن يحيى لم يخ وبنى النجاشي على ضعفه عند ترجمة
محمد

ذكر النجاشي عند ترجمة داود بن كثير محمد بن الوليد العروف بشباب

محمد بن احمد بن يحيى

٧٩٥ محمد بن هرون ابو عيسى الوراق له كتب جش وفي محمد بن مروان ابو عيسى الوراق لم جش ولم اجد له بخاصتنا الا كما نقلناه

٧٩٦ محمد بن هاشم الطالقاني ق جخ

٧٩٧ محمد بن هاشم القرشي مولاهم كوفي ق جخ

٧٩٨ محمد بن هانئ ابو عبد الملك اللبثي الكوفي ق جخ

٧٩٩ محمد بن هانئ الهمداني ق جخ

٨٠٠ محمد بن هدبل الطائي الكوفي ق جخ

٨٠١ محمد بن هشام الخثعمي روى عن كرام وعلاق بن دزين وغيرهما له كتاب جش

٨٠٢ محمد بن هلال بن ابي هلال المدني ق جخ

٨٠٣ محمد بن هلال الهمداني الجهني الكوفي ق جخ

٨٠٤ محمد بن هام البغدادي يكنى باعلى وهام يكنى ابا بكر جليل القدر ثقة روى عنه التلعكبري كم جخ

محمد بن هام الاسكافي يكنى باعلى جليل القدر ثقة له روايات كثيرة روى عنه ابو المفضل ست محمد بن ابي بكر وهام بن سهيل الكاتب الاسكافي شيخ اصحابنا ومتقدمهم له منزلة عظيمة كثير الحديث قال ابو محمد هرون بن موسى قال ابو علي محمد بن هام قال كتب الي ابو محمد الحسن بن علي العسكري يعرفه انه ماض لاجل مولد ويعرفه ان له حملا وذكر ان يدعو الله فيجعله

وسلامة وان يجعله ذكرا فجعلت من موالهم فوضع على راس الرقعة بخطه يده فدعا الله ذلك فصح الحمل ذكرا قال هرون بن موسى واراني ابو علي بن هام الرقعة والخط وكان محققا من الكتب كتاب الانوار في تاريخ الائمة اخبرنا ابو الحسن احمد بن محمد بن موسى الجراح قال احمد ابو علي بن هام بدجش

٨٠٥ محمد بن هام الفهمي الحنظلي الكوفي ق جخ

٨٠٦ محمد بن هام العبدكاني ابو هاشم الكوفي ق جخ

٨٠٧ محمد الهمداني خادم البيت ل جخ

٨٠٨ محمد بن الهيثم العجلي الفقيه النجاشي عند ترجمة ابن ابنه الحسن بن احمد بن محمد

٨٠٩ محمد بن الهيثم بن عروة التميمي كوفي فقيه روى ابوه عن الصادق له كتاب روى احمد بن محمد بن خالد عن ابيه عنه جش

٨١٥ محمد بن ياسر الكوفي ق جخ

٨١١ محمد بن ياسين بن عمارة الضبي مولاهم كوفي مات سنة احد وسبعين ومائة وله اثنان وستون سنة ق جخ

٨١٢ محمد بن يحيى ابو جعفر العطار القمي شيخ اصحابنا في زمانه ثقة عين كثير الحديث له كتب اخبرني عدة من اصحابنا عن ابن احمد عن ابيه جش روى عنه الكليني في كثير الروايته ق جخ

٨١٣ محمد بن يحيى ابو الحسن الفارسي يروي عن خلف وطبقته الذبا وجمع كثيرا من الاجناد لم يخ

٨١٤ محمد بن يحيى يكنى ابا يحيى المصري دي يخ

٨١٥ محمد بن يحيى الاحمري الكوفي نزل الري ق يخ

٨١٦ محمد بن يحيى الخزاز الكوفي روى عن ابي جعفر الثاني وابي الحسن الثالث عليهما السلام ثقة عين له كتاب نوادر روى عنه يحيى بن زكريا اللؤلؤي جش وظهر من الفهرست عند ترجمة عياش بن ابرهيم ان محمد بن الحسين بن ابي الخطاب روى عنه ايضا

٨١٧ محمد بن يحيى بن دريباب دي يخ

٨١٨ محمد بن يحيى الرضي نقلناه بعنوان ان محمد بن يحيى الخزاز الرضي

٨١٩ محمد بن يحيى بن زياد كر يخ

٨٢٠ محمد بن يحيى بن سليمان الخثعمي ابو مغلس الكوفي ثقة له كتاب روى عنه ابو اسمعيل السراج جش محمد بن يحيى الخثعمي له كتاب روى عنه ابن سماعة وابن ابي عمير ست وقال الشيخ في باب من قامت الوقوف بالمشعر من الاستبصار ان محمد بن يحيى الخثعمي عامي والظاهر هو المذكور وهنا لانه روى عن الصادق عليه السلام ايضا

٨٢١ محمد بن يحيى الصيرفي له كتاب روى عنه ابو عبد الله البرقي ست

٨٢٢ محمد بن يحيى بن طحلا المدني ق يخ

٨٢٣ محمد بن يحيى الصغير المؤدب من غلمان العباسي يخ

٨٢٤ محمد بن يحيى بن عبد الله بن الحسن بن الحسن بن علي بن ابي طالب الهاشمي المدني ق يخ

٨٢٥ محمد بن يحيى الكندي البدكلوذكر ابن يحيى البدكي اسند عنه ق يخ

٨٢٦ محمد بن يحيى المعاذي ضعيف روى عنه محمد بن احمد بن يحيى لم يخ وذكره عند ذكر اصحاب العسكري عليه السلام وبنته الطائي على ضعفه عند ترجمة محمد بن احمد بن يحيى

٨٢٧ محمد بن يحيى المعبثي كوفي ذكره سعد في طبقات الشيعة وقال روى عنه زياد وله كتاب جش

٨٢٨ محمد بن يزداد الوازي كر يخ ثم قال محمد بن يزداد روى عن محمد بن الحسين بن ابي الخطاب لم وقال الكشي سالت ابا النضر محمد بن مسعود عنه فقال لا باس به وروى العلامة في صه عن الكشي عن نصر انه قال لا باس به ولم اجد في الكشي الا كما نقلناه ونقله ابن داود

٨٢٩ محمد بن يزيد مجهول م يخ

٨٣٠ محمد بن يزيد بن ابي زياد الهاشمي الكوفي اسند عنه ق يخ

٨٣١ محمد بن يزيد العطار الكوفي اسند عنه ق يخ

٨٣٢ محمد بن يزيد بن عمر الثقفي كوفي ق يخ

٨٣٣ محمد بن يزيد النهرواني م يخ

٨٣٤ محمد بن البيع بن عبد الله الكوفي ق يخ

٨٣٥ محمد بن يعقوب بن اسحاق ابو جعفر الكليني وكان خاله علان الكليني شيخ اصحابنا في وقته بالري ووجههم وكان

كان اوثق الناس فى الحديث واثبتهم صنف الكتاب الكبير المعروف
بالكافى فى عشرين سنة وله غير كتاب الكافى كتب رويناها
كلها عن جماعة عن شيوخنا محمد بن محمد والحسين بن
عبيد الله واحمد بن على بن نوح عن ابى القاسم جعفر بن
محمد بن قولويه عنه مات رحمه الله ابو جعفر الكلينى ببغداد
سنة تسع وعشرين وثلثمائة سنة تناثر النجوم وصلى عليه
محمد بن جعفر الحسنى ابو قيراط ودفن فى باب الكوفة وقال
ابو جعفر الكلينى كلما كان فى كتابى علا من اصحابنا عن
احمد بن محمد بن عيسى فهم محمد بن يحيى وعلى بن موسى الكمندانى
وداود بن كوره واحمد بن ادريس وعلى بن ابراهيم بن
هاشم جميعهم عارف بالاخبار لكتب منها كتاب الكافى
هو يشتمل على ثلثين كتابا اوله كتاب العقل وفضل العلم
وكتاب التوحيد وكتاب الحجة وكتاب الايمان والكفر وكتاب الدعاء
وكتاب فضل القرآن وكتاب الطهارة والحيض وكتاب الصلوة
كتاب الزكوة كتاب الصوم كتاب الحج كتاب النكاح كتاب الطلاق
كتاب العتق والتدبير والمكاتبة كتاب الايمان والنذور
الكفارات كتاب المعيشة كتاب الشهادات كتاب القضايا
والاحكام كتاب الجنائز كتاب الوفود والصيد كتاب
الصيد والذبائح كتاب الاطعمة والاشربة كتاب الذبائح
والروائح كتاب الزى والتجمل كتاب الجهاد كتاب الوصايا كتاب
الفرائض كتاب الحدود كتاب الديات كتاب الروضة اخر
كتاب الكافى كتاب الرسائل وكتاب الرد على القرامطة وكتاب

نبيرا الروياني اخبرنا جميع رواياته الشيخ ابو عبد الله محمد بن محمد
بن النعمان عن ابى القاسم جعفر بن محمد بن قولويه القمى عن
محمد بن يعقوب بجميع كتبه توفى محمد بن يعقوب سنة ثمان
عشرة وثلثمائة ببغداد ودفن بباب الكوفة فى مقبرتها
قال ابن عبدون رايت فيرقى صراط الطاق وعليه
لوح مكتوب عليه اسمه واسم ابيه ست يكنى باحمد
الاحول دليل الفقر عالم بالاخبار له مصنفات
حسن وكان خاله علان الكلينى الرازى صنف وكتب عليه
الشهيد الثانى رحمه الله حاشية ما هذه عبارته يقدم
الكلينى مخفف اللام المفتوحة وبنائى محمد
احمد بن ابرهيم علان كلاهما وكونهما ابا هما ابرهيم ينفى
قلت الظاهر ان علان هذا هو على بن محمد بن ابرهيم بن
ابان الكلينى المعروف بعلان الذى ذكره النجاشى
ووثقه وهو الذى يروى عنه محمد بن يعقوب
الكلينى رحمه الله كثيرا كما يظهر من الفايدة الثالثة
من الخلاصة

محمد بن يعقوب بن قبل الجلى الدهنى ق نج ٨٣٦

محمد بن ابان البكرى الكوفى العنزى ق نج ٨٣٧

محمد بن يوسف الصنعانى ق ثقة عين له كتاب روى عنه ٨٣٨
حماد بن عيسى جش

محمد بن يوسف الكرمانى روى عن العياشى نج ٨٣٩

محمد بن يوسف بن يعقوب الجعفرى الدين الزاهد من ٨٤٠
اصحاب العياشى نج

٨٤١ محمد بن يونس ثقة م ج ثم قال محمد بن يونس بن عبد
الرحمن يحق الرضا عليه السلام صناد

٨٤٢ محمد بن يونس الكوفي ق ج

١ المحمود بن ابي العوند س البكري الكوفي ق ج

٢ المحمود بن الربيع ل ج

١ المختار بن ابي عبيدة الثقفي روى الكشي عن حمدويه
قال حدثني يعقوب عن ابي عمير عن هشام المشرقي عن بشير
عن ابي جعفر قال لا تسبوا المختار فانه قتل قتلتنا وطلب
بثارنا وتزوج ارامله وقسم المال على العشرة ثم روى
احاديث تدل على مدحه وذكر ايضا احاديث تدل
على ذمه وقال العلامة في صدر رجال ابن عقده ان
الصادق ترحم عليه

٢ المختار بن زياد العبدي بصري ثقة ج

٣ المختار بن غارة الطائي الكوفي ق ج

٤ المختار بن المسيح الثقفي كوفي ق ج

٥ المختار بن هلال بن المختار بن ابي عبيدة روى عن فضيل ٨٣٦
بن يسار الجرجاني روى عنه الصفار ج ٨٣٧

١ مخلد بن ابي خلاد العرني الكوفي ق ج ٨٣٨

٢ مخلد البصري ق ج

٣ مخلد بن عبد الله الكوفي ق ج

٣ مخلد بن عثمان ابو نصر البجلي الكوفي ق ج

١ مخنف بن سليم الازدي عربي كوفي ي ج وفي ذمة من ٨٣٩
خواصه عليه السلام ٨٤٠

١ مدرك بن ادهم الطهوي النخعي الكوفي ق ج

٢ مدرك بن غارة الطائي الكوفي ق ج

١ مراد بن خارجة الانصاري كوفي ق ج

١ مرازم بن حكيم الازدي المدايني مولى ثقة واخواه محمد
بن حكيم وحديد بن حكيم يكنى ابا محمد ق م ومات في
ايام الرضا عليه السلام له كتاب روى عنه علي بن حديد

حش ثقة ق م ج

١ مرداس بن اثيه خارجي لحق بعمو بدي ج

١ المرزبان بن خالد الكوفي ق ج

٢ المرزبان بن عمران بن عبد الله بن سعد الاشعري
الفقيه الكاتب روى عنه صفوان حش وروى الكشي
عن ابرهيم بن محمد بن العباس الخثعمي قال حدثني احمد بن ادريس
قال حدثني الحسين بن احمد بن يحيى بن عمران قال حدثني محمد بن
عيسى عن الحسين بن علي عن المرزبان بن عمران القمي الاشعري
قال قلت لابي الحسن الرضا عليه السلام اسالك عن امر هو
الامر الذي امر شيعتكم انا فقال نعم قلت اسمي مكتوب عندكم
قال نعم

٣ المرزبان بن مسعود وقيل ابن مسروق الكندي
الكوفي ق ج

١ المرقع بن قاسم الاسدي وكان كيسانيا ي ج

مرو بن رباح قيل انه اولا كان يقول بامامة ابي
جعفر عليه السلام ثم قارن هذا القول وخالفه صحيحا
مع عده ببيزه باسوه على ضلاله الكش وفي بعض النسخ

عمر بن رباح وقد تقدم

١ مروان بن اسد الكوفي روى عنه معوية بن وهب ق خ

٢ مروان بن الحكم ك خ

٣ مروان بن عثمان المدني ق خ

٤ مروان بن قيس الدينوري القرشي ك روى عنه علي بن يعقوب بن الحسين الهاشمي حش

٥ مروان بن مسلم كوفي ثقة له كتاب روى عنه علي بن يعقوب الهاشمي حش مروان بن مسلم له كتاب رواه محمد بن ابي حمزة روى عنه الحسن بن علي بن فضال ست وفيه مروان بن موسى كوفي ثقة وكتب عليه الشهيد الثاني رحمه الله حاشية ما لفظه في كتاب ابن داود مروان بن مسلم كوفي ثقة ولم يذكر غيره وفي كتاب النجاشي ابن موسى كما ذكره المصنف هنا ولم اجد في النجاشي الا كما نقلناه وهذه النسخ عندنا اربع

٦ مروان بن يحيى الفزاري الكوفي ق خ

٧ مروان بن يحيى مجهول ضا ج

١ مروك بن عبيد بن سالم ابو حفصة مولى بني عجل وقال بعض اصحابنا مولى عمار بن المبارك العجلي واسم مروك صالح واسم ابي حفصة زياد وقال اصحابنا الفضل نوادره اصل روى عنه احمد بن محمد بن خالد البرقي ج وقال الكشي قال محمد بن مسعود سالت علي بن الحسن عن مروك بن عبيد بن سالم ابي

ابي حفصة فقال ثقة شيخ صدوق

١ مرة بن عمير الطائفي الكوفي ق خ

٢ مرة بن الغمان بن عمرو من بني ذبيان ق خ

١ مرهف بن ابي المرهف موسى بن ابي حبيب الطائفي ق خ

١ مرثد بن زياد الكاهلي الكوفي ق خ

٢ مرثد بن مهلهل البكري الكوفي ق خ

١ مسافر مولى ابي الحسن عليه السلام قال الكشي قال حمدويه وابراهيم قالا حدثنا ابو جعفر محمد بن عيسى قال اخبرني مسافر قال امرني ابو الحسن عليه السلام بخراسان فقال الحق بابي جعفر عليه السلام فانه صاحبك

١ المستعمل بن سعد الاسكاف الكوفي ق خ

١ مستغفر بن عبد الرحمن البارقي الكوفي ق خ

١ المستفر بن عمرو الحنفي الكوفي ق خ

٢ المستنير بن يزيد الجعفي الكوفي ق خ

١ المستورد الفهري ق خ

٢ المستورد بن شهيل النخعي ابو المسهل روى عنه ذكريا المؤمن ق خ

١ المسهل بن عطاء الكوفي ق خ

١ مسروق روى الكشي عن علي بن محمد بن قتيبة عن الفضل بن شاذان انه كان عشارا للجور وان في عمله ذلك بموضع اسفل من واسط على دجلة بقال له الوضاحة وقبره هنا وكان من الزهاد الثمانية

يحتمل ان يكون هذا هو الذي سيجيء بعنوان شعيب بن سعد الاسدي

٢ مسروق بن محمد الكرخي ق ج

٣ مسروق بن موسى كوفي تفرد ولم اجد كتب الرجال والاخبار من هذا الاسم اثرا وكان هذا هو الذي ذكره العلامة في قسم بعنوان مروان بن موسى في بعض النسخ الخالصة مروان بن موسى وذكره مزدوجا ذكر الماخذ يؤيده كما هو من دابه

١ مسطح بن اثاثة بدري ج

١ مسعدة بن جعفر الكوفي ق ج

٢ مسعدة بن الربيع الكوفي ق ج

٣ مسعدة بن زياد الربعي ثقة عين قد كتاب روى عنه هرون بن مسلم جش

٤ مسعدة بن صدقة العبدي يكنى ابا محمد قال ابن نصر وقيل يكنى ابا البرزم لم كتب روى عنه هرون بن مسلم وقال الكشي عند ترجمة محمد بن اسحاق ان مسعدة بن صدقة بتري وقال الشيخ في الرجال قرن غلط

٥ مسعدة بن عامر الازدي ق ج

٦ مسعدة بن عمرو الازدي الكوفي ق ج

٧ مسعدة بن الفرج الربعي له كتاب روى عنه هارون بن مسلم جش

٨ مسعدة بن فرطة الكوفي ق ج

٩ مسعدة بن اليسع له كتاب روى عنه هارون بن مسلم جش سنا البصري ق ج

١ مسعود بن اسطبا الكوفي ق ج

٢ مسعود بن اسلم ق ج

٣ مسعود بن الاسود ق ج

٤ مسعود بن اوس بدري ق ج

٥ مسعود بن الحجاج سبن ج

٦ مسعود بن خراش من خواص علي عليه السلام من معمرة في اخر الباب الاول

٧ مسعود بن سعد ابو سعد الجعفي ق ج

٨ مسعود بن فليح ج

١ مسكين ثقة ق ج

٢ مسكين ابو الحسن الازدي روى عنه علي بن النعمان ق ج

٣ مسكين ابو الحكم بن مسكين كوفي ثقة ذكره سعد له كتاب جش وفي نسخة مسكين بن الحكم وكذا في د

٤ مسكين بن عبد ق ج

٥ مسكين بن عبد الله العمان الكوفي ق ج

٦ مسكين بن مهران قد مضى عند ترجمة اخيه صفوان

١ مسلم بن ابي جبة قال الكشي روى عن صالح بن السندي عن امية بن علي عن مسلم بن ابي جبة قال كنت عند ابي عبد الله عليه السلام في حد منه فلما اردت ان افارقه ودعته وقلت احب ان تزودني قال ائت ابان بن تغلب فانه قد سمع مني حديثا كثيرا فاروى للسمع وروى

٢ مسلم بن ابي سارة قد مضى عند ترجمة محمد بن الحسن بن

ابی ساره

٣ مسلم بن جعفر البجلی الکوفی ق تج

٤ مسلم بن خالد المکی اسند عنه ق تج

٥ مسلم بن رستم الکوفی روی عن ابی الحسن ع وعنه حنان بن سدیر ق تج

٦ مسلم بن زیاد کوفی ق تج

٧ مسلم بن زنباد السعدی تج

٨ مسلم بن سعید البجلی الحبتر ق تج

٩ مسلم بن سوادة الهمدانی کوفی ق تج

١٠ مسلم بن شهاب الزهری الذی ذکره وذکرناه بعنوان محمد بن مسلم بن شهاب الزهری

١١ مسلم بن صدقة الازدی مولاهم کوفی ق تج

١٢ مسلم بن عقیل بن ابی طالب تج

١٣ مسلم بن علی البطین بن تج

١٤ مسلم بن عوسجة بن تج قتل مع علیه السلام بکربلا

١٥ مسلم مولی ابی عبد الله علیه السلام روی الکشی عن محمد بن مسعود عن علی بن الحسن عن محمد بن الولید البجلی عن العباس بن هلال عن ابی الحسن علیه السلام قال ذکر ان مسلم مولی جعفر بن محمد وان جعفرا قال ارجو ان یکون قد وفق الاسم وانه علم القرآن فصیح وقد علمه قال محمد بن الولید کان من اولاد السند ثم روی عن محمد بن مسعود عن عبد الله بن محمد بن خالد عن الوشا عن الرضا علیه السلام مثله

١٦ مسلم مولی الحسن علیه السلام مجهول ستین تج

١ مسلم بن سعید العبدی ابو الازهر الکوفی ق تج

مسمع بن عبد الملک بن مسمع بن مالک بن مسمع ابو سیار الملقب کردین بنخ بکر بن وائل بالبصرة وجهها وسید السامعة وکان وجه من اجنه عامر بن عبد الملک وابیه روی عن الباقر علیه السلام دوابه یسیرة وروی عن الصادق علیه السلام واکثر واختص به وقال ابو عبد الله انی لاعد لک الامر عظیما ابا السیار وروی عن الکاظم علیه السلام له فوادر کثیر جش وقال الکشی ما روی فی مسمع بن مالک روی ابن ابی سیار قال محمد بن مسعود سالت ابا الحسن علی بن الحسن بن فضال عن مسمع کردین ابی سیار فقال هو ابن مالک من اهل البصرة وکان ثقة وقال العلامة فی حقه مسمع بن مالک وقیل ابن عبد الملک وقیل ان الصادق علیه السلام قال له اول ما اراه ما انصفک فقال مسمع فقال ابن من فقال ابن مالک فقال بل انت مسمع بن عبد الملک انتهی وینبغی ان یذکر العلامة قدس سره کلام الکشی وکذا لم یذکره ابن داود

١ المسور بن محرمة الزهری لی کان رسول الله صلی الله علیه وآله یحبه

١ مسهر بن عبد الملک بن سلع الهمدانی الجوانی الکوفی

١ ابو زبدا سند عنه ق تج

ومما ذکره الشیخ فی الفهرست حیث قال کردین بن مسمع بن عبد الملک بن مسمع یکنی ابا سیار روی عنه عبد الله بن عبد الرحمن الاصم انتهی محمول علی الاشتباه بل الصواب کردین مسمع منه

١ المسيب بن حزن لى تخ اوصى الى امير المؤمنين عليه السلام تخ ويظهر من الكشى عند ترجمة سعيد بن المسيب ان حزنا اوصى الى امير المؤمنين عليه السلام

٢ المسيب بن نجبة ى ن تخ وقال الكشى قال الفضل بن شاذان انه من التابعين الكبار ورؤسائهم وزهادهم

١ مثنى بن سعيد الاسكاف الناشرى ثقة من اصحابنا الا انه روى عنه الاجلاح بن هشام ق وروى عن ابى بصير له كتاب الدعاء تشترك فيه هو واخوه الحكم جش له كتاب روى عنه احمد بن محمد بن عيسى ست

١ مصادف بن عقبة الجزرى سند عنه ق تخ

١ مصادف ابو اسمعيل المكى ق تخ

٢ مصادف مولى ابى عبد الله عليه السلام روى عنه ضعيف محض مولى الكاظم عليه السلام ابهم تخ وقال الكشى قال محمد بن مسعود حدثنى احمد بن منصور الخزاعى قال حدثنا احمد بن الفضل الخزاعى عن ابان بن ابى عياش عن على بن عطية عن مصادف قال اشترى ابو الخير عليه السلام ضيعة بالمدينة او قال قرية بالمدينة قال ثم قال لى انما اشتريتها للصبية يعنى ولد مصادف وذلك قبل ان يكون من امر مصادف ما كان

١ مصبح بن الهلقام بن علوان العجلى يكنى ابا محمد روى الاجلاح الكبير ى ق له كتاب روى عنه جعفر بن عبد الله المحمدى جش

١ مصدق بن صدقة المدائنى اخو الخير روى ابوه عن ابى الخير عليه السلام ق تخ وقال الكشى انه فطحى من اجلة العلماء والفقهاء والعدول كوفى وقال العلامة فى صه روى ابن عقدة عن على بن الحزور قال الخير بن صدقة المدائنى اخبرنى ابى واخوه مصدق روى عن الصادق والكاظم عليهما السلام وكانوا ثقات

١ مصعب الحارثى ى تخ

٢ مصعب بن سلام التميمى كوفى ق تخ له كتاب روى عنه محمد بن موسى خورا ست

٣ مصعب بن وردان الاودى الكوفى ق تخ

٤ مصعب بن يزيد الانصارى قال ابو العباس ليس بذاك له كتاب روى عنه على بن الحسن الطويل جش وقال العلامة فى صه بعد نقل كلام النجاشى وقال ابو جعفر بن بابويه انه عامل امير المؤمنين عليه السلام انتهى والظاهر ما ذكره النجاشى غير ما ذكره ابن بابويه كما لا يخفى

١ مصقلة بن اسحق الفزارى الاشعرى ى تخ

٢ مصقلة بن اسمعيل الجعفى كوفى ق تخ

٣ مصقلة بن هبيرة ضرب الى معاوية ى تخ

١ مطر بن ادرك الغنوى الكوفى ق تخ

٢ مطر بن سباع الكوفى ابو شبارق تخ

٣ مطر بن كامل المذحجى الكوفى ق تخ

١ مطلب بن زياد الزهرى الفرخ المدنى ثقة روى

عن جعفر بن محمد عليه السلام نسخة رواه احمد بن محمد بن عيسى
عن ابيه عنه جش له كتاب رواه عنه احمد بن ابي عبد الله
١ مطبع بن الاسود ل جخ
١ مظفر بن احمد الفزويني كجخا بالفوج روى عن ابي الحسين احمد بن فارس
الاسكدري روى عنه صفواني لم جخ
٢ مظفر بن جعفر بن محمد بن عبد الله بن محمد بن عمر بن
علي بن ابي طالب عليه السلام روى عنه النسابة العبيدلي
اجازة كتب العباسي لم جخ
٣ مظفر بن محمد بن احمد ابو الجيش البلخي متكلم مشهور
الامر سمع الحديث فاكثر له كتب كثيرة اخبرنا بكتبه شيخنا
ابو عبد الله محمد بن محمد بن النعمان ومات ابو الجيش
سنة سبع وستين وثلثمائة وقد قرأ على ابي سهل
نوبختي جش مظفر بن محمد الخراساني له كتب في الامامة
وكان عاقلا بالاخبار وكان من علماء الاصل النوبختي
١ معاذ بن الاسود بن قيس الكوفي تابعي ق جخ
٢ معاذ بن ثابت الجوهري له كتاب رواه عنه الحسن بن علي
٧ معاذ بن كثير الكناسي الكوفي ق جخ وفي د شا
المفيد رحمه الله انه من شيوخ اصحاب الصادق عليه
السلام وخاصته وبطانته وفقهائه الصالحين
٨ معاذ بن مسلم الهراء الانصاري النحوي الكوفي هاشد عنه
فر ق جخ وفي د وبعض النسخ الكتبي في موضع الهراء الفراء
وكانه الفراء النحوي المشهور ووثقه النجاشي عند ترجمة
ابن الحسن بن ابي ساره وقال الكشي حمدويه وابراهيم

ابنا نصير قالا حدثنا يعقوب بن يزيد عن ابن ابي عمير عن حسين
معاذ عن ابيه معاذ بن مسلم النحوي عن الصادق
عليه السلام قال قال ملقني انك تقعد في الجامع فتفتي
الناس قال قلت نعم وقد اردت ان اسالك عن ذلك
قبل ان اخرج انك تقعد في المسجد فيجيء الرجل فيسالك
عن الشئ فاذا عرفته بالخلاف لكم اخبرته بما يفعلون و
يجيء الرجل اعرفه بحبكم ومودتكم فاخبره بما جاء عنكم
ويجيء الرجل لا اعرفه ولا ادري من هو فاقول
جاء عن فلان كذا وجاء عن فلان كذا فادخل قولك قولهم
وذكره من غير توثيق وينبغي ان يوثقه كما وثقه
النجاشي والعلامة
١ المعافا بن عمران له كتاب رواه محمد بن عبد الله
بن عامر سك
١ معان بن الاسود بن قيس الكوفي تابعي ق جخ
وفي نسخة معاذ كما نقلناه من قبل
١ معونة بن ابي سفيان ل جخ
٢ معونة بن الحارث صاحب لواء اشتر يوم صفين ق جخ
٣ معونة بن الحكم السلمي ل جخ
٤ معونة بن حكيم بن معوية بن عمار الدهني ثقة جليل
من اصحاب الرضا عليه السلام سمعت شيوخنا يقولون روى
معوية بن حكيم اربعة وعشرين اصلا لم يروها غيره له كتب
روى عنه علي بن الحسن بن فضال الجش له كتب روى عنه

معاذ بن جبل ق جخ
معاذ بن اصبغ ق جخ
معاذ بن عابد العكلي ق جخ
معاذ بن عمرو بن جبل الخزرجي ق جخ

احمد بن ابي عبد الله والصفار وحمدان القلانسي وقال
الكشي محمد بن الوليد الخزاز ومعوية بن حكيم ومصدق
بن صدقة ومحمد بن سالم بن عبد الحميد هولاء كلهم فطحية
وهم من اجلة العلماء والفقهاء والعدول وبعضهم
ادرك الرضاء وكلهم كوفيون وقال الشيخ في الرجال
معوية بن حكيم بن معوية بن عمار الكوفي ذري ثم قال
معوية بن حكيم روى عنه الصفار لم والظاهر انهما واحد وذكره
في باب الموثقين من موثقي حمزة قال انه ثقة وحمزة قال انه
فطحي وحمزة في باب المجروحين وقال انه فطحي وكان معوية
بن حكيم معتمد عنده وهو وهم والصواب انه واحد
كما ذكره العلامة في حه فاحدا وذكر الشيخ اياه حمزة في
باب اصحاب الجواد والهادي عليهما السلام وحمزة في با
من لم لابد ل على تعدده لان مثل هذا كثير في كا
وان شئت التفصيل فانظر في ترجمة القاسم بن محمد الجوهري
من هذا الكتاب

٥ معوية بن سعيد له مسائل عن الرضا عليه السلام
روى عنه محمد بن الحسين بن ابي الخطاب جش معوية بن
سعيد الكندي الكوفي في صا خ

٦ معوية بن سلمة النصري ق خ

٧ معوية بن سوادة الكاتب في خ

٨ معوية بن شريح له كتاب روى احمد بن محمد بن عيسى عن ابن
ابي عمير عنه ست وكانه الذي سيجئ بعنوان معوية بن

معوية بن شريح

٩ معوية بن صالح الانطاكي القلانسي ق خ

١٠ معوية بن صعصعة بن اخي الاحنف ي خ

١٢ معوية بن عثمان له كتاب رواه ايوب بن نوح عن
صفوان بن يحيى عنه جش

١١ معوية بن عبد الله بن عبد الله بن ابي رافع المدني ق خ

١٣ معوية بن العلاء العجلي كوفي في ق خ

١٤ معوية بن عمار بن ابي معوية خباب بن عبد الله الدهني
مولاهم كوفي ودهن من بجيلة وكان وجها من اصحابنا
ومقدما كبير الشان عظيم المحل ثقة وكان ابوه عمار ثقة
في العامة وجها يكنى ابا معوية وابا القاسم وابا الحكم
وكان له من الولد القاسم وحكيم ومحمد روى معوية عن
الصادق والكاظم عليهما السلام ولكتب روى عنه
ابن ابي عمير ومحمد بن سنان ومات معوية سنة خمس و
سبعين ومائة جش له كتب روى عنه صفوان بن يحيى
ست وروى عنه حماد بن عيسى اربع كما يظهر من باب
المياه من التهذيب وقال الكشي عاش مائة وخمسا
وسبعين سنة انتهى وهذا بعيد جدا اذ لم يسمع مثله في
امة محمد صلى الله عليه واله وعلى تقدير وقوعه بعيد
ان يكون في زمان رسول الله وامير المؤمنين عليه
السلام وبا في الائمة عليهم السلام الى الصادق عليه السلام
ولم ينقل منهم اصلا ويمكن ان يكون هذا من اغلاط الكا

الکشی کما قال العلامة وهذا غلط کبیرة ولعل هذا تاریخ
فوته لامدته معیشته کما نقلناه من النجاشی وقال العلامة
فی صه قال علی بن احمد العقیقی لم یکن معویة بن عمار
عند اصحابنا بمستقیم کان ضعیف العقل مامونا فی حدیثه

١٥ معویة بن کلیب بن معویة بن جنادة الازدی
العامکی کوفی ق خ

١٦ معویة بن مسلم المؤذن کوفی ق خ

١٧ معویة بن میسرة بن شریح بن الحرث الکندی القاضی
من ولد عبید الله بن محمد بن عبد الله بن معویة بن
میسرة ابو محمد روی عن ابن ابی الکرام وروی معویة علی الصادق
علیه السلام له کتاب روی عنه ابن ابی عمیر واحمد بن ابی
بشر السراج جش معویة بن میسرة له کتاب روی احمد بن
محمد بن عیسی عن علی بن الحکم عنه ست

١٨ معویة بن وهب البجلی ابو الحسن عربی صمیم ثقة جلیل الطریقة
قیم له کتب روی عنه ابن ابی عمیر جش معویة بن وهب البجلی له
کتاب روی احمد بن محمد عن علی بن الحکم عنه ست

١٩ معویة بن وهب بن جبلة له کتاب روی عنه عبید الله
بن احمد بن نهیک ست

٢٠ معویة بن وهب الثقفی له کتاب روی عنه عبید الله بن احمد بن نهیک ست

٢١ معویة بن وهب المشیخی له کتاب روی عنه عبید الله بن احمد بن نهیک ست

٢٢ معویة بن یحیی ضاخ

١ معتب مولی ابی عبد الله علیه السلام ثقة قدم خ

وقال الکشی حدثنی حمدویه وابراهیم عن محمد بن عبد الحمید
عن یونس بن یعقوب عن عبد العزیز بن نافع انه سمع
ابا عبد الله علیه السلام یقول هم عشرة یعنی موالی النجیرمی
واضلهم معتب وفیهم خابن فاحذروه وهو صغیر
ثم قال حدثنی علی بن محمد قال حدثنی محمد بن احمد عن الحسن
بن الحسین اللؤلؤی عن الحسن بن محبوبا لا اعلم الا عن
اسحق بن عمار عن ابی عبد الله علیه السلام قال موالی
عشرة جزهم معتب وما ینبغی لمعتب الا الفاخر من الثیاب
المفضل بن عمر الجعفی ابو عبد الله لم یقض هو عندی
فی نفسه شیئا ولکن احادیثه کلها مناکیر ولیس یخلص من
حدیثه شیء یجوز ان یعول علیه ولم اجد فی کتب الرجال
اصلا وکانه الذی سیجیء بعنوان المفضل بن عمر ابو عبد
الله الجعفی

معروف بن زیاد الشیبانی مولاهم کوفی ق خ

معروف بن خربوذ المکی بن قیخ ثم قال معروف
بن خربوذ القرشی مولاهم کوفی ق وقال الکشی ذکر ابو
القاسم نصر بن الصباح عن الفضل بن شاذان قال
دخلت علی محمد بن ابی عمیر وهو ساجد فاطال السجود
فلما رفع راسه وذکر له طول سجوده فقال له کیف
رایت جمیل بن دراج ثم کانه دخل علی جمیل بن
دراج فوجده ساجدا فاطال السجود جدا فلما رفع راسه
قال له محمد بن ابی عمیر اطلت السجود فقال کیف رایت

معروف بن خربوذ ثم روى عن جعفر بن معروف قال حدثنا
محمد بن الحسين عن جعفر بن بشير عن ابن بكير عن محمد بن
مروان قال كنت قاعدا عند ابي عبد الله عليه السلام
انا ومعروف بن خربوذ فكان ينشد الشعر وانشده وبكى
واسأله وابو عبد الله عليه السلام يسمع فقال ابو عبد
الله عليه السلام ان رسول الله صلى الله عليه وآله
قال لان يملى جوف الرجل فيحا خير له من ان يملى شعرا
فقال معروف انما يعني بذلك الذي يقول الشعر فقال
ويلك او ويحك قد قال ذلك رسول الله صلى الله
عليه وآله وقال الكشي انه في موضع اخر انه ممن اجمعت
العصابة على تصديقهم من اصحاب ابي جعفر وابي عبد الله
عليه السلام وانقادوا لهم بالفقه فقالوا انهم افقه
الاولين

١ معقل بن عمر الكناني ق ج خ

٢ معقل بن قيس ري ج

٣ معقل بن يسار د ج

١ معلى بن اسد الازدي الكوفي ق ج خ

٢ معلى بن خنيس ابو عبد الله
مولى الصادق جعفر بن محمد عليه السلام ومن قبله
كان مولى بني اسد كوفي بزاز ضعيف جدا لا يعول
عليه له كتاب روى عنه ابو عثمان معلى بن ذبيان
الاحول خش كان اول امره مغيريا ثم دعا الى محمد بن
عبد الله المعروف بالنفس الزكية وفي هذه الطبقة اخذه داود
بن علي فقتله والغلاة يضيفون اليه كثيرا ولا ادري
الا عنهما او على شئ من جلية خبره وروى الكشي
روايات كثيرة تدل على مدحه وانه من اهل الجنة
ثم روى ما يدل على ذمه من جهة تفويضه في الفقه و
من انه اضاع مرة مولاه عليه السلام وقال العلامة
في حقه قال الشيخ الطوسي في كتاب الغيبة بغير اسناد
انه كان من قوام ابي عبد الله عليه السلام وكان
محمودا عنده ومضى على منهاجه وهذا يقتضي وثوقه
بالعدالة

٣ معلى بن راشد النهمي بصري ضعيف غال غض

٣ معلى بن زياد الكوفي ق ج ويمكن ان يكون هذا
والذي يجئ بعنوان معلى بن عثمان واحدا

٥ معلى بن شداد البكري الكوفي ق ج

٦ معلى بن عبد الله ابو المفضل الفضل الكوفي مولى ق ج

٧ معلى بن عثمان ابو عثمان ومثل ابن زياد الاحول الذي
قبله كاب روى عنه محمد بن زياد جش معلى ابو عثمان
الاحول عن معلى بن خنيس كاب روى صفوان عن معلى
ابي عثمان عن معلى بن خنيس

٨ معلى بن عطاء المحاربي الدغشي الكوفي ق ج خ

٩ معلى بن محمد البصري ابو الحسن مضطرب الحديث والمذهب
لكب روى عنه الحسين بن محمد بن عامر جش وكان

الحسن بن محمد بن عامر هو الحسن بن محمد بن عمران الاشعري
الفقيه المذكور في كتب الرجال وهو الحسين بن محمد بن عامر بن عمران الاشعري
كانهما عليه عند ترجمة عبد الله بن عامر بن عمران و
قال الشيخ في الفهرست له كتب روى عنه الحسين بن محمد
بن عامر الاشعري ومحمد بن جمهور وقال في الرجال آخر وقال
ابن الغضائري علي بن محمد البصري ابو محمد يعرف حديثه
وينكر وبروي عن الضعفاء ويجوز ان يخرج شاهدا
١٠ معلى بن موسى الكندي كوفي ثقة عين هو جد الحسن
بن محمد بن سماعة وابرهيم اخوه روى عن الصادق عليه
السلام له كتاب روى عنه ابرهيم بن سليمان خشن له كتاب
روى عنه ابرهيم بن سليمان الخزاز ست
١١ معلى بن هلال ابو سويد الكوفي ق خ
١ معمر بن الحسن البكري ق خ
٢ معمر بن خلاد بن ابي خلاد ابو خلاد البغدادي ثقة
صالح له كتاب الزهد روى عنه محمد بن عيسى بن زياد ش
له كتاب روى عنه احمد بن ابي عبد الله والصفار ز محمد بن
علي بن ب
٣ معمر روى الكشي عن سعد بن عبد الله عن محمد بن خالد
الطيالسي عن عبد الرحمن بن ابي نجران عن ابن سنان عن
ابي عبد الله عليه السلام لعنه وقال لعلانة في قصة
اظنه ابن خثيم فان معمر بن خثيم كان من دعاة زيد و
قال النجاشي عند ترجمة سعد بن خثيم ان سعد بن خثيم ابو
معمر الهلالي ضعيف هو واخوه معمر رويا عن الباقر والصادق

عليهما السلام وكانا من دعاة زيد
٤ معمر بن راشد العقيلي البصري ابو عروة ق خ
٥ معمر بن رشيد كوفي ق خ
٦ معمر بن زايدة فايد الاخنس كوفي ق خ
٧ معمر بن عبد الله ل خ
٨ معمر بن عطاء بن وشيكة الكوفي ق خ
٩ معمر بن عطية الفقيمي الكوفي ق خ
١٥ معمر بن عمارة الجعفي الكوفي ق خ
١١ معمر بن عمر ق خ
١٢ معمر بن عيد الكوفي ق خ
١٣ معمر بن موسى ق خ
١٤ معمر بن مهاجر مولى الانصار كوفي ق خ
١٥ معمر بن يحيى بن سام العجلي كوفي عربي صميم ثقة منقطع
قرن له كتاب يرويه ثعلبة بن ميمون خش وفي الرجال
عند ذكر اصحاب الباقر عليه السلام معمر بن يحيى بن سام
دجاجي كوفي وعند ذكر اصحاب الصادق عليه السلام
معمر بن يحيى بن سام الضبي كوفي وفي نسخة معمر بن يحيى بن
مسافر العجلي كوفي عربي صميم ثقة وكان الجميع واحد
وانه معمر بن يحيى بن سام كما في الاسانيد وكما ذكره
النجاشي والشيخ عند ذكر اصحاب الصادق عليه السلام
والله اعلم
معن بن خالد له كتاب ثقة صحاح

٢ معن بن عبد السلام لكتاب الوفد روى عنه معن بن
خلاد جش لكتاب روى عنه الحسن بن محمد بن سماعة ست
٣ معن بن يزيد تج
١ معيب ل تج
٢ المغيرة بن نوبة الحروري روى الكشي عن جعفر بن احمد قال
حدثني محمد بن ابي عمير عن حماد بن عثمان عن المغيرة بن نوبة الحروري
قال قلت لابي الحسن عليه السلام قد حملت هذا الكتف
الان
في امورك فقال اني حملته ما حملته لابي عليه السلام وفي
ارشاد المفيد رحمه الله انه من خاصة الكاظم عليه السلام
وثقاته واهل الورع والعلم والفقه من شيعته وممن
روى النص على الرضا عليه السلام
٣ المغيرة بن خالد ي تج
٤ المغيرة بن سعيد روى الكشي رواياته كثيرة تدل على لعنه
وروى عن ابا الحسن عليه السلام قال انه كان يكذب على ابي
جعفر عليه السلام فاذاقه الله حر الحديد
٥ المغيرة بن سليمان بن المنقر تج
٦ المغيرة بن شعيب تج
٧ المغيرة بن عبد السلام ابو هبيرة ق تج
٨ المغيرة بن علبة الكوفي ق تج
٩ المغيرة بن مولى ابي عبد الله مدني روى عنه عيسى بن
عبد الله ق تج
١٠ المغيرة بن نوفل بن الحرث بن عبد المطلب ي تج
١١ المفضل بن زياد الخياط الكوفي ق تج
١٢ المفضل بن زيد قر تج

المعز

٣ المفضل بن سعيد الفزاري الكوفي ق تج
٤ + المفضل بن سعيد بن صدقة الحنفي ابو حماد كوفي ق له
نسخة جمعها ابو العباس احمد بن محمد بن سعيد روى
احمد بن محمد بن سعيد عن رجاله عن جش وفي رجال
الشيخ مفضل بن صدقة بن سعيد الحنفي ابو حماد
اسند عنه ق
٥ المفضل بن سويد الاقتر الكوفي ق تج
٦ المفضل بن صالح ابو جهيلة الاسدي النخاس مولاهم
ضعيف كذاب يضع الحديث ق م عض ابو علي مولى بني
اسد بكنى ابي جهيلة ابن مات في حبوة الرضا عليه السلام
ق تج له كتاب روى عنه الحسن بن علي بن فضال ست وبنى
النهائي على ضعفه عند نوجه حاجا بن نزيد
٧ المفضل بن صدقة بن سعيد قد مضى بعنوان المفضل
بن سعيد بن صدقة
٨ المفضل بن عامر اللبثي الكوفي ق تج
٩ المفضل بن غارة الضبي الكوفي ق تج
١٠ المفضل بن عمر ابو عبد الله ويقال ابو محمد الجعفي كوفي
فاسد المذهب مضطرب الرواية لا يعبا به ويقال انه كان
خطابيا وقد ذكرت له مصنفات لا يعول عليها ذكر
عنه الزبيري ومحمد بن سنان جش له وصية برويها روى
عنه ابو شعيب المحاملي ست ضعيف متهافت جزيف القول
خطابي وقد زيد عليه شيء كثير وحمل الغلاة في حديثه

+
١ مغارك بن سويد مولى بني
اسد كوفي ق تج
١ المغيرة بن الاشوع البصري
الكوفي ق تج

حملا عظيما ولا يجوز ان يكذب جبرئيل ثم عض وقال الهندي
رحمه الله في ارشاده انه من شيوخ اصحاب ابي عبد الله
عليه السلام وخاصته وبطانته وثقاته الفقهاء
الصالحين واورد الكشي احاديث تقتضي مدحه
واحاديث تقتضي ذمه والبراءة منه

١١ المفضل بن غياث القرشي كوفي ق ج

١٢ المفضل بن فليس بن رمانة قر ق ج وروى
الكشي عن محمد بن قولويه قال حدثنا محمد بن عيسى عن
ابي احمد وهو ابن ابي عمير عن مفضل بن فليس بن رمانة
قال وكان خبازا ثم روى عن طاهر بن عيسى قال
حدثني جعفر بن احمد قال حدثنا ابو الحسين علي بن
الحسن قال اخبرني العباس بن عامر عن المفضل بن فليس
بن رمانة الاشعري قال دخلت على ابي عبد الله
عليه السلام فشكوت اليه بعض حالي وسالته الدعاء
فقال باجارية هاتي الكيس الذي وصلنا به ابو جعفر فجاءت
بكيس فقال هذا كيس فيه اربعمائة دينار فاستحييت
قال فقلت لا والله جعلت فداك ما اردت هذا
ولكن اردت الدعاء لي فقال لي ولا ادع الدعاء
ولكن لا تخبر الناس بكل ما انت فيه فتهون عليهم
ثم روى عن حمدويه قال حدثنا محمد بن عيسى عن ابن ابي
عمير عن المفضل بن فليس بن رمانة قال وكان خبازا
وقال قلت لابي عبد الله عليه السلام ان اصحابنا

يختلفون في شيء فاقول قولي فيها قول جعفر بن محمد فنقال
بهذا نزل جبرئيل عليه السلام قال ابو احمد لو كان
شاطرا ما اخبرني على هذا الا بحقيقته

١٣ المفضل بن مالك الكوفي ق ج

١٤ المفضل بن محمد الضبي الكوفي نزل البصرة ق ج

١٥ المفضل بن مزيد اخو شعيب الكاتب روى الكشي
عن محمد بن مسعود قال حدثني احمد بن منصور عن احمد
بن الفضل عن محمد بن زياد عن المفضل بن مزيد اخي
شعيب الكاتب قال قال ابو عبد الله عليه السلام
انظروا ما اصبت فعد به على اخوانك فان الله عز
وجل يقول ان الحسنات يذهبن السيئات قال المفضل
كنت خليفة اخي على الديوان قال وقد قلت نرى
مكاني من هؤلاء القوم فما ترى قال لو لم تكن كنت
ثم روى عن محمد بن مسعود قال حدثني جعفر بن احمد
قال حدثنا العمركي عن محمد بن علي وغيره عن ابن ابي
عمير عن المفضل بن مزيد اخي شعيب الكاتب قال
دخل علي ابو عبد الله عليه السلام وقد امرت ان
اخرج لبني هاشم جوائز فلم اعلم الا وهو على راسي و
انا مستفل فوثبت اليه فسالني عما امرهم فاولته الكتاب
فقال ما ارى لاسمعيل فيهم شيئا فقلت هذا الذي
خرج البنا ثم قلت له جعلت فداك قد ترى مكاني من
هؤلاء القوم فقال لي انظر ما اصبت فعد به على اخواني

فان الله عز وعلا يقول ان الحسنات يذهبن السيئات بذهبن السيئات

١٦ المفضل بن مهلهل النهمي السعدي الكوفي ق تج

١٧ المفضل بن يزيد الكوفي ق تج

١ مقاتل بن حيان ق تج

٢ مقاتل بن سليمان بزي قرن ق تج مقاتل بن سليمان البجلي
ونبل البلخي يروي كثيرا وقال العامة في حقه قال البزي
الله غامي

٣ مقاتل بن مقاتل البلخي ضال كذاب روى عنه الحسين
علي بن يوسف خبيث مقاتل بن مقاتل بن بنانا وافق
خبيث اظن اسمه خبيث ضا تج وروى الكشي عن نصر بن الصباح
قال حدثني محمد بن اسحق البصري عن الغالب بن يحيى عن يحيى بن
عمر بن يزيد قال دخلت على الرضا عليه السلام وافاك
فاما منه وكان زميلي في طريقي رجلا يقال له مقاتل بن
مقاتل وكان قد مضى على اما منه بالكوفة فقلت له عجلت
فقال عندي في ذلك برهان وعلم قال الحسين فقلت له ما
عليه السلام قد مضى ابوك فقال اي والله واخي للوالدة
التي منهما رسول الله صلى الله عليه وآله وامير المؤمنين
عليه السلام ثم قال ان الله تبارك وتعالى يقول السابقون
السابقون اولئك المقربون العاوف للامامة حتى يظهر
الامام ثم قال ما فعل صاحبك فقلت من قال الغالب
بن مقاتل المسنون الوجه الطويل اللحية الاقنى الانف قال
اي فاردا نبه ولا ادخل على لكنه من وصدق فاشهد

به قال فانصرفت من عنده الى رحلي فاذا مقاتل راقد فحركته
ثم قلت له ربما زرت عندك لاخبرك بما حباني الله ما انت قوته
تفعل ثم اخبرته بما كان

المقداد بن الاسود الكندي وكان اسم اسعد عمرو البهراني ١
وكان الاسود بن عبد يغوث قد تبناه فنسب اليه يكنى ابا
معبد ثالث الاركان الاربعة ل تي تج وقد ذكرنا الاركان
الاربعة عند ترجمة جندب بن جنادة وروى الكشي عن علي
بن الحكم عن سيف بن عميرة عن ابي بكر الحضرمي قال قال ابو
جعفر عليه السلام اربعة الناس الا ثلثة قلت سلمان وابوذر
والمقداد قلت فعمار قال حباض حبضه ثم رجع قال ان ادرك
الذي هم لبنك ولم يدخل شئ فالمقداد وذكرنا بعض
احواله عند ترجمة عمار بن ياسر

المقدام بن معدي كرب ل تج ١

مضرس ل تج ١

مضرس بن سويد بن نجيح كوفي ق تج ١

مضرس بن صالح الهمداني كوفي ق تج ٢

مضرس بن عبد الرحمن كوفي ق تج ٣

مضط بن عبد الله اخو فاسط سبن تج ٤

مكي بن علي بن سخنوبه فاضل لم تج ١

مموية بن معروف ضعيف روى عنه محمد بن احمد بن ١
يحيى ق تج وبنا النجاشي على ضعفه عند ترجمة محمد بن
احمد بن يحيى

١ منبه بن عبد الله ابو الجوز التميمي صحيح الحديث له كتاب
نوادر روى عنه محمد بن الحسن الصفار جش وقال العلامة
في الفائدة الاولى انه ثقة

١ منخ مولى الحسن عليه السلام قتل معه عليه السلام ابن جخ

١ المنخل بن جميل الاسدي بياع الجمادي ضعيف فاسد
الرواية في الكتاب المنسوب روى عنه محمد بن سنان جش
له كتاب روى عنه احمد بن منهم ست روى عن ابي عبد الله
عليه السلام وابي الحسن عليه السلام كوفي ضعيف فح
مذهبه علو غض

١ مندل بن علي الغنوي واسمه عمرو واخوه سماعة
ثقتان روبا عن الصادق عليه السلام له كتاب روى
عنه الحسن بن محمد بن علي الاودي جش وقال العلامة
في صه قال البرقي امنه عامي

١ مندلف الكوفي روى عنه يونس في جخ

١ مندر بن ابي طريفة البجلي مولاهم كوفي مجهول قر
نخ وهو ابو محمد بن النعمان بن قرة جش عند ترجمة
محمد بن علي بن النعمان

٢ مندر بن خضير بن مكعبر الاسدي عربي صميم روى ابوه
عن الصادق عليه السلام له كتاب روى عنه اسمعيل بن
مهران جش مندر بن خنيس العبدي له كتاب روى عنه صفوان
بن يحيى ست مندر بن جيفر العبدي كوفي في جخ

٣ مندر الزراج مجهول فر جخ

٣ مندر بن سليمان ست بن جخ

٥ مندر بن الصباح النباني الكوفي في جخ

٦ مندر بن محمد بن المندر بن سعيد بن ابي الجهم القرشي
ابو القاسم من ولد قابوس ثقة من اصحابنا من بيت جليل
له كتب روى عنه احمد بن محمد بن سعيد جش وروى الكشي عن محمد بن
مسعود قال حدثنا عبد الله بن محمد بن خالد قال
حدثنا مندر بن قابوس وكان ثقة

١ منصور بن ابي الاسود الليثي كوفي ثقة له كتاب روى
عنه الحسن بن محمد بن علي الاودي جش الخياط في جخ

٢ منصور بن ابي بصير مولى ابي الحسن عليه السلام ثم جخ

٣ منصور بن حازم ابو ايوب البجلي كوفي ثقة عين صدوق
من جلة اصحابنا وفقهائهم في ثم له كتب روى عنه
يونس بن عبد الرحمن ومحمد بن الحسين الطائي جش
له كتاب روى عنه ابن ابي عمير وصفوان ست

٤ منصور بن دينار الاسكاف الكوفي في جخ

٥ منصور بن العباس ابو الحسين الرازي سكن بغداد و
مات بها كان مضطرب الامر له كتاب نوادر كثير روى
عنه احمد بن مابنداذ جش منصور بن العباس كوفي ثم
بغدادي كان داره بباب الكوفة بغداد مدرسي جخ ثم قال
منصور بن العباس روى عنه البرقي لم

٦ منصور بن محمد بن عبد الله الخزاعي وهو الذي يقال
لاخيه سلمة بن محمد اخي منصور ثقتان روبا عن الصادق

عليه السلام له كتاب روى عنه احمد بن المفضل جش له كتاب
روى عنه الحسن بن محمد بن سماعة ست
٧ منصور بن المعتمر ابو عتاب قر في تج
٨ منصور بن الوليد الصيقل الكوفي يكنى ابا احمد قر في تج
٩ منصور بن يونس بزرج ابو يحيى وقيل ابو سعيد كوفي
ثقة قم له كتاب روى عنه عبس جش له كتاب روى عنه
علي بن حديد ومحمد بن اسمعيل بن بزيع وابن ابي عمير ست
منصور بن يونس بزرج له كتاب واقفي في تج والوجه
عندنا التوقف فيما يرويه وقال الكشي حمدويه
قال حدثنا الحسن بن موسى قال حدثني محمد بن الاصبغ عن
ابراهيم عن عثمان بن القاسم قال قال منصور بن يونس
قال لي ابو الحسن عليه السلام ودخلت عليه يوما يا
منصور اما علمت ما احدث في يومي قال فقلت لا
قال صير علينا ابني ووصي والخلف من بعدي فادخل عليه
فهنئه بذلك واعلمه اني امرتك بهذا قال فدخلت عليه
فهنئه بذلك واعلمه ان اباه امرني بذلك قال الحسن
بن موسى ثم جحد النص على الرضا عليه السلام الى
عن الكشي عن حمدويه عن الحسن بن موسى عن محمد بن
الاصبغ عن ابراهيم عن عثمان بن القاسم ولعل الصواب
ان ينقل هذا عن الكشي عن حمدويه عن الحسن بن موسى
١ منقذ بن الصباح الاسدي الكوفي في تج
١ المنكدر بن محمد بن المنكدر التيمي المدني القرشي في تج

١ المنهال بن عمرو الاسدي مولاهم كوفي بن بن وثاب في تج
٢ المنهال بن مغلاط الغاط الكوفي في تج
٣ المنهال بن المهلب الرنبقي الكوفي في تج
١ منير بن عمرو بن الاحدب بن تج
١ منيع بن زياد بن تج
١ مودع بن سويد الاسدي الكوفي في تج
١ موسى بن ابرهيم المروزي ابو عمران له كتاب ذكر انه
سمعه وابو الحسن محبوس عند السندي بن شاهك وهو
معلم ولد السندي بن شاهك روى عنه محمد بن خلف
بن عبد السلام ابو عبد الله جش
٢ موسى ابو الحسن العجلي روى عنه علي بن شجرة قر في تج
٣ موسى بن ابي حليب كوفي له كتاب صغير روى عنه ابرهيم بن تج
٤ موسى ابي عمران يوسف بن سليمان بن داود المكفوف كوفي في تج
٥ موسى بن ابي الغدر بالظاء كوفي في تج
٦ موسى بن ابي موسى الكوفي ذكر عنه محمد بن ايوب بن نجيح
صر بن والحسن بن علي بن زياد عن يحيى بن عبد الحميد
روى عنه موسى بن المتوكل لم تج
العلامة في صه ان المنصور
٧ موسى بن اسمعيل له كتب روى عنه محمد بن الاشعث
جش ست
٨ موسى بن اشيم روى الكشي عن حمدويه بن نصير قال
حدثنا ايوب بن نوح عن حنان بن سدير عن ابي عبد الله
عليه السلام قال اني لافقر على احبتنا اصيبة بعلي بن الحكم
النادر ثم ذكر ابن الاشيم فقال يا بني فبدخل علي هو

صاحبه وحفص بن ميمون ولبا لونى فاخبرهم بالخبر ثم يرجعون
من عندك الى ابى الخطاب فيخبرهم بخلاف قولى فباخذون بقوله
ويدعون قولى ونقل العلامة فى صه هذه الرواية عن الكشى
الا انه لم يذكر بعد ذكر بعجا بالخطاب لفظة الناووعلى
هذا لم اجد معنى صالحا لها

٩ موسى بن اكيل النميرى كوفى ثقة ق له كتاب روى عنه
ابن رباط حش موسى النمرى له كتاب روى عنه الحسن بن محمد
بن سماعة ست

١٠ موسى بن بزيد بالباء الموحدة المنقطة تحتها نقطة كما فى النجاشى
وفى د القاسم بن زيد اخو القاسم ولعله سهو والصواب
كما فى النجاشى والخلاصة

١١ موسى بن بكر بن عبد الله بن سعد الاشعرى الفقيه فى ق
خ وفى بعض النسخ موسى ابو بكر بن عبد الله بن سعد الى آخره
فكانه الذى يجئ بعنوان موسى بن عبد الله الاشعرى الفقيه

١٢ موسى بن بكر الواسطى ق م وعن الرجال له كتاب روى
عنه على بن الحكم حش له كتاب روى عنه ابن بعجر وصفوان
بن يحيى ست اصله كوفى واقفى له كتاب ق م خ وقال الكشى قال
جعفر بن احمد عن خلف بن حماد عن موسى بن بكر الواسطى
قال سمعت ابا الحسن عليه السلام يقول قال ابى عليه السلام
سعد الاشعرى لم يمت حتى برى منه خلفا لقوم بعينه وقد زانى
الله جل وعز من ابى جعلها واشار بيده الى العبد الصالح
عليه السلام ما تقربه عينى ثم قال حمدويه بن نصير

قال حدثنا يعقوب بن يزيد عن محمد بن سنان عن موسى بن
بكر الواسطى قال ارسل الى ابو الحسن عليه السلام فاتيته فقال
لى اما الى اذنبك مصفرا وقال لى لم امرتك باكل اللحم قال فقلت
ما اكلت عجوة منذ امرتنى فقال كيف ما اكلت طبيخا قال
كلكبا فاكلت فارسل الى بعد جمعة فاذا الدم قد عاد فى
وجهى فقال لى نعم ثم قال لى نحنان سعلك فى حوائجنا
فقلت انا عبدك فمرنى بما شئت فوجهنى فى بعض حوائجه الى

١٣ موسى بن جعفر بن ابى كبير المدنى ق خ

١٤ موسى بن جعفر الكندى ابو على من وجوه من قرى فحكما
مرتفعا فى القول ضعيفا فى الحديث له كتاب روى احمد بن
محمد بن يحيى عن ابيه عنه حش

١٥ موسى بن جعفر بن وهب البغدادى ابو الحسن الكاتب روى
روى عنه محمد بن احمد ابى قتادة وعمران بن موسى حش
له كتاب روى عنه محمد بن احمد بن يحيى ست لم خ

١٦ موسى بن جعيد قمى ضا خ

١٧ موسى بن حبيب لم خ

١٨ موسى بن الحسن م خ

١٩ موسى بن الحسن بن عامر بن عمران الفقيه ابو الحسن له
جليل عين صنف ثلثين كتابا روى الجميع عن ابيه عنه حش

٢٠ موسى بن الحسن بن محمد بن العباس بن اسمعيل بن سهل
بن نوبخت ابو الحسن المعروف بابن كبريا وكان حسن المعرفة
بالنجوم وله فيها كلام كثير وكان مقدما عالما وكان

٩ فى صه الكندى بالنون والدال المهملة والسهو بالباء المنقطة تحتها نقطتين والذال المعجمة

مع هذا بدّ من حسن الاعتقاد وله مصنفات في النجوم وكان
ابو الحسن بن كبر يا مع حسن معرفته بعلم النجوم حسن العبادة
والدين جش

٢١ موسى بن حماد الطبالي ذكره ابن نوح وقال ذكره محمد بن
الحسن بن ابي الخطاب في الواقفة وقال وهو موسى بن حماد
الدزاع جش ويقال الدزاع صه

٢٢ موسى الخطار روى عنه علي بن ابي المغيرة فر ق جخ

٢٣ موسى بن داود المنقري د جخ

٢٤ موسى بن داود البعقوبي د ق جخ

٢٥ موسى بن ريحويه ابو عمران الارمني ضعيف له كتاب
اكثره عن عبد الله بن الحكم روى عنه محمد بن حسن الصفار
لكتاب عض لم جخ

٢٦ موسى بن زياد فر ق جخ

٢٧ موسى بن زيد الذي ذكره د ذكرناه بعنوان موسى
بن يزيد

٢٨ موسى بن سابور كوفي له كتاب روى عنه الحسن بن علي
اللؤلؤي جش موسى بن سابور الكوفي ق جخ ثم قال
موسى بن سابور لم

٢٩ موسى بن سالم الاسكاف مولاهم كوفي ق جخ

٣٠ موسى بن سعدان الخياط ضعيف في الحديث كوفي له
كتب كثيرة روى عنه محمد بن الحسن بن ابي الخطاب جش
روى عن ابي الحسن عليه السلام ضعيف في مذهبه
علو عض م جخ

٣١ موسى بن سلمة كوفي له كتاب عن الرضا عليه السلام
روى عنه محمد بن سالم بن عبد الرحمن جش

٣٢ موسى بن سليمان الازدي كوفي ق جخ

٣٣ موسى السراج روى الكشي عن نضر بن الصباح ان له
اجتماعا بابيه يقعون في السيد محمد رسول الله صلى
الله عليه وآله وقد ذكرنا في الحاشية عند ترجمة
الحسن بن علي بن ابي عثمان ان العلماء ايده فوقفوا على
ان عليا عليه السلام هو الله تعالى عن ذلك علوا كبيرا
الى آخره

٣٤ موسى بن صالح الهذلي الكوفي ابو مسعود ق جخ

٣٥ موسى بن طلحة القرشي ذكر ابن الاعرج ذكر ذلك ابو العباس
له نوادر روى البرقي عن احمد بن محمد عن حسن لم جخ

٣٦ موسى بن عامر له كتاب روى عنه الحجري ست لم جخ وممكن
ان يكون هذا هو المذكور بعنوان موسى بن الحسن بن عامر

٣٧ موسى بن عبد السلام تقدم عند ترجمة بكر بن محمد
بن عبد الرحمن

٣٨ موسى بن عبد العزيز مولى بني فقيم بن ثعلبة كوفي ق جخ

٣٩ موسى بن عبد الله الاسدي ق جخ

٤٠ موسى بن عبد الله الاشعري القمي ق جخ

٤١ موسى بن عبد الله بن الحسن بن الحسن بن علي بن ابي
طالب عليه السلام المكي ق جخ

في حاشية كبريا بالباء المثناة تحت بعد الراء وفتح الباء الموحدة بعد الكاف وفي آخرها الف موضع كبريا بالقرب من سوسنة

٤٢ موسى بن عبد الله بن عبد الملك بن هشام د ج خ

٤٣ موسى بن عبيد ابو حنا القيسي الكوفي روى عنه صفوان الجمال ق ج خ

٤٤ **موسى بن عبيد بن نشيط الربذي ق ج خ**

٤٥ موسى بن عطية الازدي الغامدي الكوفي ق ج خ

٤٦ موسى بن عقبة بن ابي عياش المدني تابعي ق ج خ

٤٧ موسى بن العلا الكوفي ق ج خ

٤٨ موسى بن عمارة الجعفي مولاهم كوفي ق ج خ

٤٩ موسى بن عمر بن بزيع مولى المنصور ثقة كوفي له كتاب روى عنه يحيى بن ذكريا الجعفي ثقة د ت ج له كتاب روى عنه عبد الرحمن بن حماد ست

٥٠ موسى بن عمر الحضيني د ت ج

٥١ موسى بن عمر بن يزيد بن ذبيان الضبعي مولاهم ابو علي ولد ابن اخ ثقة علي وبركان يكنى له كتاب الطلاق النوادر وكتاب النوادر روى عنه جش له كتاب روى عنه محمد بن علي بن محبوب ست

٥٢ موسى بن عمران روى عن محمد بن ابي عمير وروى عنه احمد بن محمد بن كذا بظهر من كتب الاصحاب

٥٣ موسى بن عمير الهذلي عامي ق وعن الرجال له كتاب روى عنه عبا د جش موسى بن عمير ابو هرون المكفوف مولى لعبدة بن همبرة كوفي ق ج خ ويحتمل ان يكونا واحدا

٥٤ موسى بن عيسى مخلط له خصال الملوك ب

٥٥ موسى بن القاسم بن معوية بن وهب البجلي ابو عبد الله بلقب المجلي ثقة ثقة جليل واضح الحديث حسن الطريقة له كتب روى عنه احمد بن محمد بن عيسى وعبد الله بن محمد بن عيسى جش له ثلثون كتابا مثل كتب الحسين بن سعيد مستوفاة حسنة وزيادة كتاب الجامع روى عنه الفضل بن عامر واحمد بن محمد ست ثقة صحيح ج

٥٦ موسى بن محمد الاشعري الفقيه المؤدب ساكن شيراز ابن ابن سعد بن عبد الله ثقة من اصحابنا له كتب روى عنه محمد بن عبد الله جش

٥٧ موسى بن محمد الحسني د ج خ

٥٨ موسى بن مرشد الوراق منشا بوذي ج خ

٥٩ موسى بن مطير القرشي الكوفي ق ج خ

٦٠ موسى بن معمر ضا ج خ

٦١ موسى بن مهران ضا ج خ

٦٢ موسى بن نشيط الخثعمي كوفي ق ج خ

٦٣ موسى بن نصير الوابشي الكوفي ق ج خ

٦٤ موسى بن هلال النخعي سند عنه كوفي ق ج خ

٦٥ موسى بن يزيد له كتاب روى عنه صفوان بن يحيى ست والظاهر ان يزيد بالباء الموحدة كما نقلناه من النجاشي

٦٦ موسى بن يقطين ضا ج خ

١ موفق بن ابي المثنى الثقفي كوفي ق ج خ

٢ موفق بن عبد الله الحارثي ق تج

٣ موقف بن مروان ضاج

١ مهاجر بن زياد الاسدي ق تج

٢ مهاجر بن عجلان الازدي كوفي ق تج

٣ مهاجر بن كثير الاسدي الكوفي ق تج

١ مهدي بن صالح الباهلي الكوفي ق تج

٢ مهدي مولى عثمان وكان محمودا وهو الذي بايع امير المؤمنين عليه السلام على البراءة من الاولين ق تج ود وكذا الكشي عن محمد بن مسعود قال حدثنا علي بن الحسن قال حدثنا العباس بن عامر عن ابان بن عثمان عن زرارة عن ابي جعفر عليه السلام ان المهدي مولى عثمان الذي بايع امير المؤمنين عليه السلام ومحمد بن ابي بكر جاء الى ابيه علي ان الامر كان لك اقلوا لابراء من فلان وفلان فبايعه

١ مهران بن ابي نصير م تج ويحتمل ان يكون هذا هو الذي سيجيء بعنوان مهران بن محمد بن ابي نصر

٢ مهران بن زياد الكاهلي الكوفي ق تج

٣ مهران بن محمد بن ابي نصر السكوني له كتاب روى عنه محمد بن ابي عمير خش

١ مهزم بن ابي بردة الاسدي كوفي ابو ابراهيم ق تج

٢ مهزم الاسدي ق م تج وكان ابن ابي بردة الاسدي كما يظهر من النجاشي عند ترجمة ابنه ابو ابراهيم

١ مهند بن سويد الاسدي الكوفي ق تج

١ مياح المدائني ضعيف جدا له كتاب يعرف برسالة مياح وطريقها اضعف منها وهو محمد بن سنان اخبر ورد عن ابي عبد الله عليه السلام ومفضل بن عمر ضعيف جدا غالي المذهب مخ

١ ميثم بن يحيى التمار صاحب امير المؤمنين عليه السلام واحد اصحابه امير المؤمنين عليه السلام اشتهر من ان يذكر حتى ان عبيد الله بن زياد لعنه الله قطع يديه ورجليه ولسانه ليتبرأ من امير المؤمنين عليه السلام ولم يتبرأ وحتى صلبه رضي الله عنه وروى الكشي هذه القصة وغيرها وقال العلامة وروى الغضائري ان ابا جعفر عليه السلام كان يحبه حبا شديدا وانه كان مؤمنا شاكرا يراه صابرا في البلاء

١ ميثم بن ابي البلاد يكنى ابا اسحاق ق تج

٢ ميثم بن عبد العزيز بياع الزطي مات حين هوى الصادق عليه السلام وقبل ميثم بفتح الميم فر ق تج وقال الكشي بن علي الكوفي قال حدثنا الحسن بن ابراهيم الوصلي عن يونس عن حنان وابن مسكان عن ميثم قال دخلنا على ابي جعفر عليه السلام ونحن جماعة فذكروا صلة الرحم والقرابة فقال ابو جعفر عليه السلام يا ميثم انا انه قد حضرت اجلك غير مرة ولا مرتين كل ذلك يوخر الله تعالى بصلتك فراينك وقال العلامة قال العقيقي اثنى عليه الحمد وهو ممن يجاهد في الرجعة انتهى وقوله يجاهد في الرجعة

قال العقيقي الحسن بن عبد العزيز كان ثقة وكان ابوه من اصحاب ابي الحسن

اى يرجع بعد موته حتى مع القائم عليه السلام ويجاهد معه وذكر ابعض اخوانه عند ترجمة عبد الله بن عجلان

٣ مبشر بن عبد الله النحوى روى عنهما وابنه محمد ق ج

١ مبشرة بن حبيب ابو حازم الهمدانى ق ج

٢ مبشرة مولى كنده ق ج

١ مبهون البان الكوفى فرق ج

٢ مبهون بن عبد الله ذكره الكشى مما يدل على تشيعه

٣ مبهون الفداح مولى بنى مخزوم مكى ثق فرق ج وفى د انقطعون

٤ مبهون بن مهران ق ج وفى اخر الباب الاول من الخلاصة انه من خواص على عليه السلام

باب النون

١ ناجية بن ابى عمارة فرق ج وقال الكشى حدثنى حمدويه بن نصير قال حدثنى يعقوب قال سألت على بن الحسن بن فضال عن نجية فقال هو نجية واسم اخو ابيه ناجية بن ابى عمارة الصيداوى قال اخبرنى بعض ولده ان اباعبد الله عليه السلام كان يقول ايخ نجية فنسى هذا الاسم وذكر عن حمدويه بن نصير قال الصيداويون من بنى اسد قال وكان رجل من اصحابنا يقال له نجية الفوارس وليس هو بمعروف وفهم من بعض نسخ سند الفقيه انا ناجية كتبه

١ ناصح البغال الكوفى مولى ثقة فى كتاب روى عنه جعفر بن بشر حش

ذكر الرجال عند ذكر اصحاب الصادق عليه السلام جعفر بن ناجية بن ابى عمارة واتفق صحة ناجية بن عمارة لقد سهو منه

٢ ناصح بن عبد الله ابو عبد الله المحلى ق ج

١ نافع بن عبد ل ق ج

٢ نافع بن هلال البجلى ثقة ق ج

١ نبيسة ل ج

١ النجاشى الشاعر ق ج

١ نجبة بن الحرث ق ج وقال الكشى قال احمد وبه قال محمد بن عيسى نجبة بن الحرث شيخ صادق كوفى صدوق على بن بيطين

١ نجم بن اعين روى العقيقى عن ابيه عن عمران بن ابان عن عبد الله بن بكير عن ابى عبد الله عليه السلام انه يجاهد فى الرجعة صه

٢ نجم بن حطيم وقيل حطيم العجلى الكوفى ابو على ثقة فى جوة ابى الحسن عليه السلام فرق ج

١ نجيح ابو معشر السندى المدنى ق ج

٢ نجيح بن وثاب الغافقى ق روى عنه الحسين النوفلى حش

٣ نجيح بن مسلم الكوفى روى عنه يونس بن يعقوب فرق ج

١ نشاء بن مالك الجهنى ثق ج

١ نشيط بن صالح بن لفافة مولى بنى عجل ثم لفقه كتاب روى احمد بن محمد بن خالد عن ابيه عنه حش نشيط بن صالح بن عبد الله ثم ج

٢ نشيط بن عبد الله بن لفافة كوفى روى عن ابى عبد الله عليه السلام ثم ج ويحتمل ان يكون هذا هو الذى

قبل هذا

١ نصر بن اوس الكوفي ق خ

٢ نصر بن حازم المنقري ذي خ

٣ نصر بن الصباح ابو القاسم البلخي عالي المذهب روى عنه العباس الكتب روى عنه محمد بن عمر بن عبد العزيز الكشي وقال لقي جلة من كان في عصره من المشايخ والعلماء وروى عنهم الا انه قبل كان من الطيارة قال لم يخ قال الكشي

٤ نصر بن طريف البصري ق خ

٥ نصر بن عاصم بن وهب ابو الحسن البخاري من ثقات اصحابنا له كتب روى عنه الحسن بن عبد الله الجش

٦ نصر بن عبد الرحمن ابو الوليد العبدي الكوفي ق خ

٧ نصر بن عبد الرحمن الباهلي الكوفي في سند عنه ق خ

٨ نصر بن فضالة الاسكاف الكوفي ق خ

٩ نصر بن فاوس اللخمي الفاوسي ق م ضعيف وكان ذا منزلة عندهم له كتاب روى عنه مفضل بن ابرهيم والحسن بن نصر جش وقال العلامة في حقه الشيخ في كتاب الغيبة انه كان وكيلا لابي عبد الله عليه السلام عشرين سنة ولم يعلم انه وكل وكان خيرا فاضلا وقال المفيد رحمه الله في ارشاده انه من خاصة الكاظم عليه السلام وثقاته ومن اهل الورع والعلم والفقه من شيعته وممن روى النص على الرضا عليه السلام

١٠ نصر بن كثير الاسكاف الكوفي ق خ

١١ نصر بن مزاحم المنقري العطار ابو المفضل كوفي مستقيم الطريقة صالح الامر غير انه روى عن الضعفاء كثيرا روى عنه يحيى بن زكريا بن شيبان وجعفر بن محمد بن سعيد الاحمسي وابو بصيرة جش له مصنفات وروى عنه محمد بن عيسى بن عبيد ويونس بن علي العطار ست ق خ وذكره ذ في البابين

١٢ نصر بن مغلس ضا خ

١ نصير بن ابي الاشعث ابو الوليد الكوفي ق خ

٢ نصير بن نصير الرواسي كوفي ق خ

١ النضر بن الربيع بن سعد الجعفي الكوفي استشهد ق خ

٢ النضر بن سويد الصيرفي كوفي ثقة صحيح الحديث ينقل الى بغداد له كتاب روى محمد بن عيسى بن عبيد عن ابيه عنه جش له كتاب روى عنه محمد بن عيسى ومحمد بن خالد البرقي والحسن بن سعيد ست له كتاب وهو ثقة م خ

٣ النضر بن عثمان النوافال العنبري مات بمجاورة د

٤ النضر بن عمرو بن نجيح الكوفي ق خ

٥ النضر بن فرواش الخزاعي الكوفي فر ق خ

٦ النضر بن محمد الهمداني ثقة ذي خ

٧ النضر بن مطهر الوابشي كوفي ق خ

٨ النضر بن الورداس الخزاعي كوفي روى عنه العلاء بن رزين ق خ وقال احمل صحيفة فرواش

١ فضلة بن عبيد الله ابو برزة ل خ ثم قال فضل

بن عبد الله يكنى ابا برزة الاسلمى الخراعى عربى مدنى نقل
العلامة فى اخر الباب الاول من رجاله من الاصفهانيين

١ نضير بن زياد النهمى وبقال بالضاد بعد المعجمة وبالصاد بعد المهملة ق خ
٢ نضير بن سالم الكاسى الكوفى ق خ

١ النعمان بن بشير خ وفى ذا النعمان بن بشر لم يخرج له
٢ النعمان بن ثابت ابو حنيفة النعمانى الكوفى ق خ
٣ النعمان بن صهبان الذى قال لامير المؤمنين عليه السلام
يوم الجمل من دخل داره فهو امن يخ وفى ق وفى موضع
صهبان صهبان والعله سهو
٤ النعمان بن عجلان من بنى زريق وكان عاملا على
البحرين وعمان خ وفى صدر زريق بالواو ثم الراى وفى ق
بالعكس
٥ النعمان بن عمار العجلى الكوفى اسند عنه ق خ
٦ النعمان بن عمرو الجعفى الكوفى اسند عنه ق خ
٧ النعمان بن قتادة بن ربعى وكان عاملا على مكة خ
٨ النعمان بن محمد البرسانى كنيته ب
٩ النعمان بن مقرن ل خ

١ نعيم بن دجاجة الاسدى وبقال له نعيم بن حمار يجر خ
٢ نعيم بن عجلان ت بن خ
٣ نعيم القابوسى قال المفيد فى ارشاده فى فصل ممن روى
النص على الرضا عليه السلام انه ما فاضل الكاظم عليه السلام
وثقاته ومن اهل العلم والورع والفقه من شيعته و

ممن روى النص على الرضا عليه السلام

٤ نعيم بن مبره ابو عمرو النحوى الكوفى ق خ

١ نفيع بكنى ابا بكر ل خ

٢ نفيع بن الحرث ابو داود البصرى قال العلامة فى نسخة
قال ابن الغضايرى روى عن ابى برزة نضلة بن عبيد الله
الاسلمى وروى عن ابى جعفر عليه السلام وفى حديثه
مناكير والذى اراه الوقف فى حديثه ويجوز ان يخرج
شاهدا

١ نميلة الهذانى يكنى ابا اسماء بصرى خ
١ النواس بن سمعان ل خ
١ نوح بن ابرهيم الموصلى ق خ
٢ نوح بن ابى مريم ابو عصمة الخراسانى ق خ وظهر
٣ نوح بن نعلب الجريرى القيسى اخو ابان بن نعلب
٤ نوح بن الحرث بن عمرو بن عثمان الخزومى رفع الى
امير المؤمنين عليه السلام دابة المهاجى بن يوم خروجه
الى صفين ت خ فى باب الكنى
٥ نوح بن الحكم ابو الهفطان كوفى ثقة ق له كتاب روى
عنه ابو سعيد خ ش
٦ نوح بن دراج النخعى مولاهم الكوفى القاضى ق خ
وقال الكشى قال محمد بن مسعود سالت ابا جعفر جبلا
بن احمد والكوفى عن نوح بن دراج فقال كان من
الشيعة وكان القاضى بالكوفة فقبل لم دخلت فى

العالم فقال لم ادخل في اعمال مولاي حتى سالت اخي جبلة فلم يرخص لي فلم ادخل المسجد فقال ابن لهازار وقال حمدان كان نوح بن دراج فقالا وكان يكتب الحديث وكان ابوه يقول لنوح اطلب الفضاء لنوح اي يجلب كان ثقة وفضل ابن داود قبل نوح بن دراج نوح بن ذادم حيث قال نوح بن دادم مولاهم الكوفي القاضي ثج انتهى ولم اجد في رجال الشيخ وغيره هذه الصفة لا نوح بن دراج كما نقلناه

نوح بن شعيب البغدادي ذكر الفضل بن شاذان انه كان فقيها عالما صالحا مرضيا وقيل انه نوح بن صالح ذ ثج

نوح بن شعيب الحداد الشاري وجدت باسن كذا بخطه من كتاب الاحتجاج ولم اجد في كتب الرجال ويحتمل ان يكون هذا والذي نقلناه قبل هذا واحدا

نوح بن صالح البغدادي ذكر الكشي عن ابي عبد الله الشاذاني عن الفضل بن شاذان ما يشهد بانه من شيعة اهل البيت وكان فقيها وظهر من الكشي ان نوح بن صالح ونوح بن شعيب البغدادي واحدا يظهر من كلام الشيخ ايضا عند ترجمة نوح بن شعيب البغدادي ويظهر من الخلاصة انهما رجلان ولعلهما واحد

نوح بن الهيثم النخعي الكوفي ثج

نوفل بن عبد الله بن المكنون ثي ثج وفي نسخة نوفل بن عبيد بن الكنود

نوفل بن فروة الاشجعي خارجي ملعون ثي ثج وفي نسخة نوفل بن فرة ولنسبة ابن داود الى الوهم

نوفل بن معوية ل ثج

باب الواو

واثلة بن الاسقع ل ثج قال الكشي قال محمد بن مسعود حدثني ابو علي الحمودي قال حدثني واصل قال الطيب ابا الحسن عليه السلام بالنورة فصددت مخرج الماء من الحمام الى البئر ثم جمعت ذلك الماء وتلك النورة وذلك الشعر فشربته كله انتهى وكان هذا بدل على علو شانه كما قال العلامة في صه

واصل بن سليم المقرئ تابعي ثج

واجل بن حمول ثج

وحشي بن حرب ل ثج

ورد بن زيد الاسدي كوفي قرن ثج

وردان ابو خالد الكابلي الاصغر والكبير اسم كنكر قرن ثج وقال ابن داود وردان ابو خالد الكابلي الاصغر والاكبر كنكر وردان بخط الشيخ ابي جعفر رحمه الله وقال بعض الاصحاب وردان ابو خالد الكابلي ولقبه كنكر والحق الاول وقد تقدم في باب الكاف انتهى وقوله قال بعض الاصحاب كانه زاد منه العلامة فلتراجع وما حكاه عن خط الشيخ موافق لما قاله الشيخ عند ذكر ابي الصلت في علية السلام واما عند ذكر

واصل

صحابا علی بن الحسین علیه السلام فلما ذا قال هناك
کنکر یکنی اباخالد الکابلی وقیل اسمه وردان وروی
الکشی بطریق ضعیف انه من حواری علی بن الحسین علیه
السلام ثم روی ان اباخالد الکابلی خدم محمد بن الحنفیه
دهرا وانه کان یقال انه امام حتی سأله عنه فقال
محمد بن الحنفیه الامام علی بن الحسین علیه السلام علی وعلیك
وعلی کل مسلم فقال الحمد لله الذی لم یمتنی حتی عرفت
اما ج ثم روی بطریق ضعیف رسل عن الصادق علیه
السلام انه قال ارتد الناس بعد قتل الحسین الا
ثلثة وعدة من جلتهم اباخالد الکابلی وقال الشیخ
فی الفهرست ابوخالد القماط الکابلی وقال ابن
عقدة اسمه کنکر روی عنه ابن سماعة ومحمد بن سنان
وزیره بن محمد الاذرعی له کتاب عن الرضا علیه
السلام روی عنه محمد العمی جش

الولید بن ابان الضبی الرازی صا ج
الولید بن ابی اسباط الکوفی ق ج
الولید بن اسحق الکوفی ق ج
الولید بن اسمٰا الکندی مولاهم کوفی ق ج
الولید بن بشیر مجهول ق ج
الولید بن الحارث الکوفی ق ج
الولید بن سعد مولی ابی الحسن علیه السلام ج
الولید بن صبیح ابو العباس کوفی ثقة له کتاب روی

عنه ابنه العباس بن الولید جش
الولید بن عبد العزیز الکوفی ق ج
الولید بن عروة السبائی الجهری قو ق ج
الولید بن العلا الوصافی کوفی عجلی له کتاب روی
عنه ابن ابی عمیر والحسن بن محبوب جش
الولید بن القاسم ق ج
الولید بن مدرك الکوفی ق ج
الولید بن میمون الکوفی ق ج
الولید بن الولید العنزی الکوفی ق ج
الولید بن هشام القیسی القرشی ق ج
الولید بن هشام الجملی الکوفی ق ج
الولید بن هشام المرادی ق ج
وهب بن ابی وهب ق ج
وهب بن الاجدع بن راشد ق ج
وهب بن جمیع مولی اسحق بن عمار روی الکشی عن
محمد بن مسعود قال حدثنی علی بن الحسن بن فضال عن وهب
بن جمیع قال سمعت هذا الاخیر
وهب بن خالد بیطار یعقوبان ووهب بن خالد
وهب بن عبد ربه بن ابی میمونة بن بسام الاسدی
مولی بنی نصر بن قعین اخو شهاب بن عبد ربه و
عبد الخالق ثقة فرق له کتاب روی عنه الحسن بن
محبوب جش وذکره د من غیر توثیق ویلتقی ان بوثقه

ویظهر من الکشی
ایضا عند ترجمة سعید بن
المسیب ان اباخالد الکابلی
اسمه وردان والصحیح کنکر کما
نقلناه عند ترجمة سعید بن
جبیر منه

اقول فی بعض نسخ الفهرست عند ترجمة القاسم بن محمد بن ابی بکر

كما وثقه النجاشي والعلامة

٦ وهب بن عبد الرحمن الكوفي ق ج

٧ وهب بن عبد الله السوائي يكنى ابا جعفر له ج

٨ وهب بن عدي ق ج

٩ وهب بن عمر الاسدي الكاهلي مولاهم تابعي ق ج

١٠ وهب بن محمد البزاز ابو نصر العبقي ثقة عين له كتاب
روى عنه محمد بن علي بن محبوب جش

١١ وهب بن منبه بن كامل النجاشي والشيخ على ضعفه
عند ترجمة محمد بن احمد بن يحيى

١٢ وهب بن وهب بن عبد الله بن رمعة بن الاسود
ابو البختري ق وكان كذابا وله احاديث مع الزيدي
في الكذب قال سعد تزوج ابو عبد الله عليه السلام
بامه له كتب روى عنه الشيخ بن محمد جش
ضعيف وهو على المذهب له كتاب روى عنه
ابراهيم بن هاشم واحمد بن ابي عبد الله وسهل بن
زياد الصفواني ست ابو البختري القاضي كذاب
على الا ان له عن جعفر بن محمد احاديث كلها
لا يوثق بها غض وارد كثيرا ما يدل على كذبه

١ وهيب بن حفص النخاس له كتاب ذكره سعد جش
وكذا نقله ابن داود في كتابه وكتب الشهيد الثاني
رحمه الله عليه حاشية رها هي عبارته الذي ذكره
النجاشي في وهيب بن حفص انه روى عن الصادق

والكاظم عليهما السلام ووقف عليه وكان ثقة
والمصنف رحمه الله ذكر انه لم يرو عن الائمة فخالف
النجاشي في ذلك وخالف في نقله عنه ما ذكره
النجاشي ثم نسبه الى سعد ما ذكر غريب ايضا لان
سعدا ليس من اصحاب الرجال وكان نسبة ما ذكره
النجاشي اليه اولى انتهى وفيه نظر لان النجاشي
ذكر رجلين احدهما هذا وهذا غير الذي روى عن
الصادق والكاظم عليهما السلام كما ستقف عليه هذا

٢ وهيب بن حفص ابو علي الجريري مولى بني اسد ق
م ووقف وكان ثقة وصنف كتابا يرويه عنه الحسن بن سماعة جش

٣ وهيب بن خالد البصري ثقة روى عن ابي عبد الله
عليه السلام نسخة روى عنه ابو سلمة موسى بن اسماعيل
جش وقبل وهب بن خالد بغير ياء ح

باب الهاء

١ هرون بن ابي خالد الكابلي ق ج

٢ هرون بن ابي سلمة مولى بني هاشم ق ج

٣ هرون الجبلي مجهول ق ج

٤ هرون بن ابي الجهم بن ثوبة بن ابي فاختة سعيد بن
جهمان مولاهم هلك في بني ظالم ابن الجهم روى
عن الصادق عليه السلام كوفي ثقة له كتاب روى عنه
محمد بن خالد البرقي جش

٥ هرون بن الحسن بن محبوب وهب مولاهم بزاز عبد

٤ تقدم من النجاشي عند ترجمة
الحسين بن ثوبة ان اسم ابا فاختة سعيد
بن جهمان مولى ام قيس بنت
ابي طالب وعند ترجمة ثوبة بن ابي
فاختة ان اسم سعيد بن جهمان وانه
الصواب بقيه ٥

الله ثقة صدوق روى عن ابيه وعن الرجال الكتاب ج
عنه احمد بن ابي زاهر ومحمد بن ابي القاسم جش ٢ ج و
ذكره ٣ من غير توثيق وينبغي ان يوثقه كما وثقه النجاشي و
العلامة

٤ هرون بن حمزة ابن ابي عمارة ق ج

٥ هرون بن حمزة العنوي البصري كوفي ثقة عين قليل
كتاب روى عنه يزيد بن اسحق شعر جش قر ق ج

٦ هرون بن خارجة الانصاري كوفي ق ج

٧ هرون بن خارجة كوفي ثقة واخوه مراد روى عن
الصادق عليه السلام لكن يخالف الرواة روى عنه
علي بن النعمان جش ق ج

٨ هرون بن زياد الجعفي الكوفي ق ج

٩ هرون بن سعد العجلي الكوفي ق ج زيدي ضعيف كذا
يظهر من الكشي

١٠ هرون بن سليمان الجعفي الكوفي ق ج

١١ هرون بن سليمان العجلي ق ج

١٢ هرون بن صالح الهمداني كوفي ق ج

١٣ هرون بن عبد العزيز ابو علي الاودي العبدي الكاتب مولى
كان وجيها في زمانه مدح النبي وله ابن اسمه علي وكان
حسن التخصيص بمذهبنا وهو جد ابي الحسن علي بن المعز
الكاتب والد الوزير ابي القاسم له كتاب الرد على الواقفة
جش وفي ق في موضع وله ابن اسمه علي وذكر ان اسمه

وهو اشتباه

١٤ هرون بن عمرو البجلي ق ج

١٥ هرون بن عمير بن عبد العزيز بن محمد ابو موسى الهاشمي
صحب الرضا عليه السلام له كتاب روى عنه ابو محمد الفضل بن
محمد بن المسيب الشعراني جش

١٦ هرون بن عمران الهمداني ابو عبد الله وكيل الناحية
جش عند ترجمة محمد بن علي بن ابرهيم بن محمد

١٧ هرون بن عنبر النخعي الكوفي اسند عنه ق ج

١٨ هرون بن عيسى ذكره ابن بطة وقال حدثنا به محمد بن
احمد عن ابيه عن علي بن وهبان عنه وقال روى عن علي عن
الصادق عليه السلام جش وقال الشيخ في الفهرست بعد
ترجمة علي بن وهبان روى عن عمه هرون بن عيسى عن
ابي عبد الله عليه السلام

١٩ هرون بن سلم بن سعدان الكاتب المعروف بالحكاك
نزلها واصله الانبار وكنيته ابا القاسم ثقة وجه وكان
لمذهب الجبر والتشبيه لقي اباجعفر وابا الحسن عليهما السلام
لكتب روى عنه سعد جش له رواية عن رجال ابي عبد
الله عليه السلام ذكر ذلك ابن بطة عن ابي عبد الله محمد
ابي القاسم عنه وفوقه عبد الله بن جعفر الحميري الاصل كوفي
نزل البصرة ثم نزل الى بغداد ومات بها كر ج

٢٠ هرون بن موسى بن احمد بن سعيد بن ابي محمد التلعكبري
من بني شيبان كان وجها في اصحابنا ثقة معتمدا الا ان

٢١

٢٢

ويمكن ان يكون هذا والذي سيجيء بعيد هذا واحدا
سقط

عليه السلام في كتابه المجامع في علوم الدين كنت احضر في ذلك
مع ابيه جعفر والناس يقرؤون عليه حتى جليل القدر عظيم
المنزلة واسع الرواية عديم النظير ثقة روى جميع الاصول و
المصنفات مات في سنة خمس وثمانين ومائتين وله ثمان وسبعون سنة
جماعة من اصحابنا انتهى

٢٣ هرون ١ هرون بن موسى الاعور البصري الفارسي ذكره ابن نجاشي وابن الغضائري
يكنى ابا الحسن روى عنه ابن نوح انتهى

١ هاشم بن ابراهيم العباسي الذي يقال للمتوكل في حاله
كان روى عنه يونس بن عبد الرحمن وقال العلامة في حقه عن ابن الغضائري
ان هاشم بن ابراهيم العباسي صاحب ابو الحسن عليه السلام والطعن
عندك ومذهبه لا في نفسه وقال الكشي هاشم بن ابراهيم
المتوكلي من اصحاب الرضا عليه السلام قال احمد بن هاشم
المتوكلي هو ابن ابراهيم البغدادي فسألته عنه وقلت
له ثقة هو فقال ثقة ثقة وقال رأيته ببغداد ثم
قال عند ترجمة جعفر بن علي بن بقطين ان هشام بن
ابراهيم الخلي المتوكلي احد من اثنى عليه في الحديث ثم روى عن محمد
بن مسعود قال حدثني علي بن محمد قال حدثني محمد بن احمد عن يعقوب
بن يزيد عن رجل من اصحابنا عن صفوان بن يحيى وابن
سنان انهما سمعا ابا الحسن عليه السلام يقول لعن الله العباسي
فانه زيديق وصاحب يونس فانهما يقولان ان ابا الحسن و
الحسين ثم روى عنه قال حدثني علي قال حدثني احمد بن محمد
عبد عن ابي طالب عن معمر بن خلاد قال سمعت الرضا

عليه السلام يقول ان العباسي زيديق وكان ابوه زنديقا ثم
قال قال ابو النضر سألنا الحسين بن اشكيب عن العباسي
هشام بن ابراهيم وقلنا له اكان من ولد العباس قال لا
كان من الشيعة فطلبه فكتب كتب الزيدية وكتب ابا زامانه
العباسي ثم دس الى من يغمزه واختفى واطلع السلطان على
كتبه فقال هذا عباسي فمنه وعلى سبيله

٢ هاشم بن ابي هاشم مجهول قرجني وروى الكشي بطريق يعقوب عن
ابي جعفر عليه السلام لعنه وذكره في الباب ولم اعلم
وجها صالحا لذكره في باب الموثقين

٣ هاشم بن حيان ابو سعيد المكاري في كتاب روى عنه
القاسم بن يعقوب حسن في هذا الباب وقال عند ترجمة
ابنه الحسين ان الحسين بن ابي سعيد هاشم بن حيان المكاري
كان ابوه وجها في الواقفة وكان الحسين ثقة وقال
الشيخ في الرجال هشام بن حيان الكوفي مولى بني عجل
ابو سعيد المكاري ق

٤ هاشم الرماني مجهول قرجني وذكره دمره في باب الموثقين
هكذا وذكره في باب المجروحين بعنوان هشام الرماني
وقال انه مجهول ولم اجد وجها لذكره في باب الموثقين

٥ هاشم بن سعيد الجعفي الكوفي ضعيف عنه ق نجي

٦ هاشم بن عتبة بن ابي وقاص المرقال الاتي برقال في الحرب
نجي وقوله برقال اي لبرع كما في القاموس روى ان امير
المؤمنين عليه السلام اعطاه الراية بصفين وكان يرقل بها

بها وذكره تمرة بعنوان هاشم وتمرة بعنوان هشام والبلد
الاكما هلناه ونقله العلامة في ضه

٧ هاشم بن عتبة البكري ق ج

٨ هاشم بن المشي كوفي ثقة له كتاب روى عنه ابن ابي عمير جش
هاشم بن المشي الخفاف ق ج

٩ هاشم بن المسلم بن حسان عبد الله الصيدلاني
النحوي ابو نصر الكوفي ق ج

١ هانئ بن ايوب الحنفي الكوفي ق ج

٢ هانئ بن النمري ج

٣ هانئ بن هانئ المرادي كان بردد ابو سعيد
عنه ق ج

٤ هانئ بن نيار ابو بردة ل ج

١ هبة الله بن احمد بن محمد الكاتب ابو نصر المعروف بابن برنية
سمع حديثا كثيرا وكان بتعالى الكلام وبحضر مجلس ابي الحسن
بن الشيبة العلوي ويذكر المذهب فحمل له كتابا وذكر ان الائمة
ثلثة عشر مع زيد بن علي بن الحسين عليه السلام واخرج
بخطه في كتاب سليم بن قيس الهلالي ان الائمة اثنا عشر من ولد
امير المؤمنين عليه السلام له كتاب في الامامة وكتاب في اخبار
ابي عمرو وابي جعفر العمريين ورايت ابا العباس بن نوح
فد عول عليه في الحكاية في كتاب اخبار الوكلاء وكان
هذا الرجل كثير الزيارات واخر زيارة حضرها
يوم الغدير سنة اربعة بمشهد امير المؤمنين عليه السلام

جش وذكره في الثابتين
هبيرة ذكرناه عند اخيه شرحبيل ١
هدبل بن صدقة الاسدي كلهم الطحان الكوفي ابو عبد الله ع ١
هرم بن حيان من الزهاد الثمانية وكان مع علي ١
عليه السلام ومن اصحابه كما نقلناه عند اويس القرني
هزيم بن هرير الكوفي ق ج ١
هزيم بن صفيان البجلي الكوفي ق ج ٢
هشام بن ابراهيم العباسي ذكرناه بعنوان هاشم بن ابراهيم ١
هشام بن احمر ق ج ثم قال هشام بن ابراهيم الاحمر ٢
هشام بن الربيد الزبيدي مولاهم الخراز الكوفي ق ج ٣
هشام بن الحرث بن عمرو الخثعمي كوفي اخو عبد الملك ٤
بن عمرو الاحول الخثعمي روى عنه ابن رباط ق ج
هشام بن الحكم ابو محمد مولى كندة كان ينزل بني شيبان ٥
بالكوفة انتقل الى بغداد سنة تسع وتسعين ومائة
وقال انه في هذه السنة مات لدك روى عنه ابن ابي عمير
وروى عن الصادق والكاظم عليهما السلام وكان
ثقة في الروايات حسن التحفظ وبهذا الامر اصل روى
عنه صفوان بن يحيى له من المصنفات كتاب كبير وكتاب
عبد الله عليه السلام جعفر بن محمد وابنه ابا الحسن عليه السلام
ولعنهما روايات كثيرة وروى عنهما في مدائح اهل البيت
وكان ممن فتق الكلام في الامامة وهذب المذهب بالنظر
وكان حاذقا فابتدأ عن الكلام حاضر الجواب سئل يوما

ليس في كتاب سليم بن قيس الهلالي ان الائمة عليهم السلام اثنا عشر من ولد امير المؤمنين عليه السلام بل فيه ان الائمة ثلثة عشر من ولد ابي عبد الله الحسين بن علي صلوات الله عليه وآله مع الائمة الاثني عشر فكانه اشتبه على الناسخ او غيره منه

عن معوية اشهد بدرا قال نعم من ذلك الجانب ست
واورد الكشي وغيره احاديث في ذمه واحاديث في
مدحه وقال العلامة في صدر وبوب روايات في مدحه
واورد خلافها احاديث ذكرنا هما في كتابنا الكبير واجبنا
عنها وهذا الرجل عندي عظيم الشان رفيع المنزلة

٦ **هشام** بن حكيم بن خزام ل تخ

٧ **هشام** بن حيان ذكرناه بعنوان هاشم بن حيان

٨ **هشام** الرماني الذي ذكره ذكرناه بعنوان هشام
الرماني

٩ **هشام** بن سالم الجواليقي مولى بشر بن مروان ابو الحكم
كان من سبي الخورجان ق م ثقة ثقة لكن روى عنه
ابن ابي عمير في الاصل روى عنه صفوان بن يحيى وعلي بن الحكم
ت روى الكشي بطريق ضعيف انه زعم ان الله
عز وجل صورة وان آدم خلق على مثال الرب

١٠ **هشام** بن السري ابو ياسان النهمي مولاهم كوفي
ق تخ ابو ياسان كوفي ق له كتاب روى عنه محمد
بن ابي حمزة جش ولعلهما واحد

١١ **هشام** بن سعد الخاملي المذكر تخ

١٢ **هشام** بن صدقة الربعي الكوفي ق تخ

١٣ **هشام** بن عامر ل تخ

١٤ **هشام** بن عبد الملك الكوفي واخوه ابان
بن عبد الملك ق تخ

١٥ **هشام** بن عبد الذي ذكره ذكرناه بعنوان هاشم بن عتبة

١٦ **هشام** بن عروة بن الزبير العوام القرشي المدني ثقة تخ

١٧ **هشام** بن عمارة المزني الكوفي ق تخ

١٨ **هشام** بن المثنى الرازي ق تخ

١٩ **هشام** بن محمد بن السائب ابو المنذر الكلبي النسابة العالم
بالايام المشهور بالفضل والعلم وكان مختصا بمن
وله الحديث المشهور قال اعلك علة عضه ذئب فخلب
جعفر بن محمد عليه السلام فبقي العلم في كافا وكان
ابو عبد الله عليه السلام يقربه ويدنيه ويبسط له
كثيرا روى عنه محمد بن موسى بن حماد جش

٢٠ **هشام** بن الوليد الغنوي الكوفي ق تخ

١ **هلال** بن ابراهيم ابو الفتح الدلفي الوزان رجل اديب
به سمع الحديث وكان ثقة له كتاب جش

٢ **هلال** بن فاطر ابو ايوب الضرير الكوفي اسند عنه ق تخ

٣ **هلال** بن نافع ق تخ

١ **هلقام** فر تخ

١ **همام** بن عبد الرحمن بن ابي عبد الله مهران البصري ثقة
النجاشي عند ترجمة اسمعيل بن همام وقد تقدمت ترجمة همام
هنا وعند ذكر اسمعيل بدون الهاء

١ **هند** بن الحجاج م تخ وقال العلامة في صه
روى الكشي حديثا بطريقه نظر يشهد بان
له بالكاظم عليه السلام .....

وان شئت وجدت
تلخيص عن هذه الروايات
فانظره حاشية عند ترجمة
زرارة بن اعين

اختصاصا

٢ هند بن عمرو الجملي ي خ

١ هود ابو ايوب الانصاري المدني روى عنه ابان الاحمر وعبد الله الكاهلي في خ

١ هياج بن هياج ت خ

١ هيثم بن ابي مسروق ابو محمد واسم ابي مسروق عبد الله النهدي كوفي قريب الامر لكتاب نوادر روى عنه محمد بن علي بن حمزة وجش لكتاب روى عنه محمد بن الحسن الصفار ت فرخ ثم قال روى عنه سعد بن عبد الله لم وقال الكشي قال حمدويه لابي مسروق ابن يقال له الهيثم سمعت اصحابنا يذكرونهما كلاهما فاضلان وقال العلامة في صه طريق الفقيه الى ثوير بن ابي فاختة صحيح وفيه هيثم بن ابي مسروق

٢ هيثم بن البراء ق خ

٣ هيثم بن حبيب الصيرفي الكوفي اسند عنه ق خ

٤ هيثم بن عبد الجبار الطحان كوفي ق خ

٥ هيثم بن عبد الله ابو كهمس كوفي عربي لكتاب ذكره سعد بن عبد الله في الطبقات جش

٦ هيثم بن عبد الله الرماني كوفي ق ضا لكتاب جش

٧ هيثم بن عبد الله النهدي ذكرناه بعنوان هيثم بن ابي مسروق

٨ هيثم بن عبيد الشيباني ابو كهمس الكوفي اسند عنه ق خ وقال محمد بن علي بن بابويه في باب نوادر الشهادات من الفقيه وقد روى عن ابي كهمس انه قال قلت لابي عبد الله ع

ينبغي ان يذكره الشيخ قدس سره في رجال ابي جعفر الخ لانه ابو جعفر الاول لانه يعد ان يروي الصفار وسعد بن عبد الله من اقرانه بل هو اسن منه واعلى طبقة

في شهادة لرجلين فقال لي كيف اجيز شهادتك وانت تنسب الى ما تنسب اليه فقال ابو كهمس فقلت وما هو فقال الرفض فقال ثم قلت لبعض القوم اخاف الا اكون منهم فاجاز شهادتي وكان هذا وما نقلناه بعنوان هيثم بن عبد الله ابو كهمس واحد

هيثم بن عدي روى عنه محمد بن احمد بن يحيى ق خ وبنى الشيخ في الفهرست عند ترجمة محمد بن احمد بن يحيى على ضعفه ٩

هيثم بن عروة التميمي ثقة كوفي ق له كتاب روى عنه صفوان جش وذكره تمملا وبقوان بوثقه كما وثقه النجاشي والعلامة ١٠

هيثم بن محمد الثمالي كوفي ثقة له كتاب روى عنه ابراهيم بن سليمان جش لكتاب روى عنه ابو اسحاق ابراهيم بن سليمان الخزاز ت ١١

هيثم بن واقد الجزري ق له كتاب يرويه محمد بن سنان جش وقال ابن داود في كش ثقة انتهى ولم اجد توثيقه في الرجال والكشي وغيرهما ١٢

باب الباء

١ باسر خادم الرضا عليه السلام وهو مولى حمزة بن اليسع له مسائل روى عنه البزنطي جش

١ باسين الصيرفي الزيات البصري لقوا بالحجر عليه السلام لما كان بالبصرة وروى عنه وصنف هذا الكتاب المسمى

البه روى عنه محمد بن علي بن عبد جش

١ يحيى بن ابراهيم بن ابي البلاد واسم ابي البلاد يحيى مولى بني عطفان نقه هو وابوه احد القراء كان يتحقق بالمرنا هذا الكتاب روى عنه يحيى بن زكريا اللؤلؤي جش لكتاب روى احمد بن ابي عبد الله عن ابيه عنه ست صاح ثم قال

٢ يحيى بن ابي الاشعث الكندي البصري اسند عنه ق جخ

٣ يحيى بن ابي بكر الوازي الضرير ثقة ي جخ

٤ يحيى بن ابي بكر بن حمرويه الفرويني نوادر روى عنه احمد بن محمد بن خالد جش كم جخ

٥ يحيى بن ابي سليمان ابو البلاد الكوفي مولى عطفان المقرئ ق جخ وقال النجاشي عند ترجمة ابراهيم بن ابي البلاد واسم ابي البلاد يحيى بن سليم ومثل سليمان مولى بني عبد الله بن غطفان وكان ضريرا وكان راوية الشعر ويقول للفرزدق يا هف نفسي على عينيك من رجل وروى عن ابي جعفر وابي عبد الله عليهما السلام

٦ يحيى بن ابي العلا الوازي ق جخ لكتاب روى عنه القاسم بن اسمعيل ست ويحيى عن النجاشي وغيره يحيى بن العلا الوازي

٧ يحيى بن ابي عمران الهمداني ثم الازدي واسم ابي عمران عبد الرحمن روى عنه ابراهيم بن هاشم قال الصدوق في مشيخة الفقيه

٨ يحيى بن ابي القاسم يحيى يعبوان يحيى بن القاسم

٩ يحيى بن احمد بن سعيد شيخنا الامام العلامة

الورع الفقيه كان جامعا لفنون العلوم الادبية و الفقهية والاصولية كان ورع الفضلاء وازهدهم له تصانيف جامعة للفوائد منها كتاب الجامع للشرايع في الفقه وكتاب المدخل الى اصول الفقه وغير ذلك مات في ذي الحجة سنة نيف وسبعين وستمائة قدس الله روحه

١٠ يحيى بن احمد بن قيس بن عنبلان صاح

١١ يحيى بن احمد بن محمد بن عبد الله بن الحسن بن علي بن الحسين بن علي بن ابي طالب عليه السلام ابو محمد كان فقيها عالما ماسكا سكن بغداد ابو صنف كتابا حسنا في فضائل امير المؤمنين عليه السلام

١٢ يحيى بن اسحاق الكوفي ق جخ

١٣ يحيى بن ام الطويل بن جخ وروى الكشي بطريق مرسل عن الصادق عليه السلام انه قال ارتد الناس بعد الحسين بن علي عليه السلام الا ثلثة وعد من جملتهم يحيى بن ام الطويل وروى ايضا انه من حواري علي بن الحسين عليه السلام وذكرنا بعض احواله عند ترجمة سعيد بن جبير

١٤ يحيى بن ابوب البصري اسند عنه ق جخ

١٥ يحيى بن بشير النبال ق جخ

١٦ يحيى بياع الحلل ويقال له الفلاني ق جخ

١٧ يحيى بن يمن الهمداني ق جخ

١٨ يحيى بن الجارود يحيى هو الذي روى ان عثمان قتل بغير رسول الله صلى الله وروى عنه الاعمش وغيره

وكان

وكان مستقيما ای ثج

١٩ يحيى بن جعفر بن محمد قد مضى عند ترجمة ابيه

٢٠ يحيى بن جعد الوشاء ضا ثج

٢١ يحيى بن حبيب روى الكلينى بطريق فيه سهل بن زياد
عن الصادق عليه السلام انه قال من مات فى المدينة
بعثه الله فى الامنين يوم القيمة منهم يحيى بن حبيب وابو
عبيد الحذاء وعبد الرحمن بن الحجاج

٢٢ يحيى بن الحجاج الكرخى بغدادى ثقة واخو خالد
روى عن الصادق عليه السلام له كتاب روى عنه محمد
سليمان جش

٢٣ يحيى بن حسان الكوفى ثج ووصفه فى مشيخة الفقيه
بالازدى

٢٤ يحيى بن الحسن بن جعفر بن عبيد الله بن الحسين بن على
بن ابى طالب عليه السلام ابو الحسين العالم الفاضل الصدوق
ضا صنف كتبا منها كتاب نسب ابى طالب عليه السلام
روى عنه الحسن بن محمد بن يحيى بن الحسن قال حدثنى جدى
له كتاب روى عنه ابن عقدة ست ثم قال يحيى الحسن له كتاب
نسب ابى طالب عليه السلام روى ابو محمد بن اخى طاهر عن
جده يحيى بن الحسن وقال فى الرجال يحيى بن الحسن العلوى
له كتاب نسب ابى طالب روى عنه ابن اخى طاهر له انتهى و
ابن اخى طاهر هو الحسن بن محمد بن يحيى بن الحسن فلعل
الجمع واحد واسم ابيه الحسن

٢٥ يحيى بن الحسين بن زيد بن على بن الحسين وافقهم ثج

٢٦ يحيى الخشكى تقدم مع ابنه عبد الله

٢٧ يحيى بن حماد روى الكشى عن على بن محمد بن القطان
حدثنى ابو عبد الله الشاذانى قال سئل الريان بن الصلت
فقلت له انا محرم وربما احتلمت فاغتسل والبس معى من
الثياب ما استدفئ به الا الثياب المخاط فقال لا عليك هذه
المسئلة الذين معنا فى القافلة عن هذه المسئلة يعنى اباعبد
الله الحجاج ويحيى بن حماد وغيرهما فقلت بل قد سألناهم فقالوا
وجدنا عندهم فقلت لاشئ قال الريان لانه قد حدثت
بهذا اما احد وهم تسلمون الى الفضل والبس عندهم ما بأس
بالحنى يا بنى اذا اصابك ما ذكرت فالبس ثيابا اخر وابك
فان لم تستدف فغير ثيابك المخطوفة ثم قلت كيف اغير
قال الق ثيابك على نفسك واجعل جلبابه من ناحية رأسك
وذيله من ناحية رجليك

يحيى بن خالد روى الكشى بطريق ضعيف عن الرضا عليه السلام
ان يحيى بن خالد سم الكاظم عليه السلام فى ثلثين دينارا
يحيى بن خالد الوابشى الهمدانى الذى ذكره ره يحيى يغوث
يحيى بن خلف

٣٠ يحيى الخزاز الشهرزورى ثج ونقل ره بعنوان يحيى الخزاز
البغوزى راويا عن ثج ووثقه ولم اجد الا كما نقلناه

٣١ يحيى بن خلف الوابشى الهمدانى ثقة ذكره فى كتاب روى
عنه جعفر بن عبد الله المحمدى وذكره ره كما هنا

ومنه يعقوب بن يحيى بن خالد الواسطي الهذلي ووثقه ذاود باعن
النجاشي ولم اجد للنجاشي الا كما نقلناه

٣٢ يحيى بن الزبير الكلبي الكوفي ق تج

٣٣ يحيى بن زياد بن ابراهيم الشيباني ق تج

٣٤ يحيى بن زكريا دوعنه سعد بن عبره ق تج

٣٥ يحيى بن زكريا النرماشيري ابو الحسين كان مضطربا
لركب جش في مذهبه ارتفاعه

٣٦ يحيى بن زكريا بن شيبان ابو عبد الله الكندي العلاف
الشيخ الصدوق لا طعن عليه روى ابو يحيى عن ابي
ابي العلاء ومحمد بن حمران وكليب بن معاوية وصفوان بن يحيى وروى
عنه ابن يحيى كذا لركب روى عنه احمد بن محمد بن سعيد جش

٣٧ يحيى بن زكريا المعروف بالكتبي يكنى ابا القاسم روى
عن الكاظم وقد لقي العبد عليه السلام لم تج

٣٨ يحيى بن زكريا اللؤلؤي لركاب روى عنه ابو
العباس احمد بن جعفر الزاري

٣٩ يحيى بن زيد بن علي بن الحسين بن علي بن ابي طالب
عليه السلام المذحجي قم تج

٤٠ يحيى بن سابور ابو المنذر معروف فقرف تج

٤١ يحيى بن سابور القابدي تج روى توثيقها الصدوق
محمد بن يعقوب الكليني في كتاب المروءة في جد محاسبة النفس
بطريق صحيح الى بديل بن الوليد الخثعمي قال دخل يحيى
بن سابور على ابي عبد الله عليه السلام ليودعه فقال ابو عبد الله عليه السلام اما والله انكم
لعلى الحق وان من خالفكم لعلى غير الحق والله ما
اشاكم في الجنة واذا الاجوان بقر الله باعينكم الى قوله

٤٢ يحيى بن سالم القزاز كوفي زيدي ثقة لكاب روى ابو عبد
الله محمد بن احمد بن ابراهيم بن محمد بن القاسم العلوي الحسيني قال
حدثنا ابو جعفر احمد بن محمد بن القاسم طري بالكوفة
قال حدثنا محمد بن الحسين الخثعمي كذا جش

٤٣ يحيى بن سعيد بن ابان القرشي الكوفي نزل بغداد ق تج

٤٤ يحيى بن سعيد بن فروخ القطان ابو سعيد البصري
ق تج ويحتمل ان يكون هذا هو الذي سيجيء بعنوان
يحيى بن سعيد القطان

٤٥ يحيى بن سعيد بن قيس الانصاري المدني الاعمى السند
عنه يكنى ابا سعيد توفي بالهاشمية سنة ثلث و
اربعين ومائة وكان قاضيها لابي جعفر ق تج
از المنصور
وفي صه في موضع قيس وقيض ولعله سهو

٤٦ يحيى بن سعيد القطان ابو زكريا عاصي تفرد روى
عن الصادق عليه السلام لخ روى عنه محمد بن بشار بندار جش

٤٧ يحيى بن سليم الطائفي ق تج

٤٨ يحيى بن سليمان ق تج

٤٩ يحيى بن سليمان الكاب مناتج

٥٠ يحيى بن سماعة الخياط تم تج

٥١ يحيى صاحب الديلم العالم الشهيد ابن عبد الله الحسن بن

الحسن بن علي بن ابي طالب عليه السلام مد ق خ د وفي رجال الشيخ
يحيى بن عبد الله كما يأتي

٥٢ يحيى بن عبادة المكي ق خ

٥٣ يحيى بن عباس الوراق مجهول صاحب وذكره د في الباب
ولم اجد وجها لذكره في باب الثقات

٥٤ يحيى بن عبد الحميد الحماني ق خ ويروي عنه محمد بن ابو شيبة يحيى بن
عبد الحميد الحماني ق لم يخ ولعلهما واحد وان كان ابن
داود ذكر رجلين

٥٥ يحيى بن عبد الرحمن الارزق كوفي ثقة ق م لكتاب روى
عنه علي بن الحسن بن رباط حش لكتاب روى عنه ابن سماعة
والقاسم بن اسمعيل القرشي ست وبظهر من التهذيب في باب
الخروج الى الصفا وغيره ان صفوان ابن يحيى روى عن يحيى
بن عبد الرحمن الارزق وروى الشيخ قدس سره في التهذيب
في باب الذبح من كتاب الحج حديثا عن موسى بن القاسم عن البجلي
عن صفوان عن يحيى الارزق وروى ابن بابويه في الفقيه هذا
الحديث عن يحيى الارزق ثم قال في مشيخته وكلما كان
في هذا الكتاب عن يحيى الارزق فقد رويته عن فلان
عن فلان عن ابان بن عثمان عن يحيى بن حسان الارزق
ولم يذكر طريقه الى يحيى بن عبد الرحمن الارزق فعلى هذا
يظهر ان صفوان يروي عن يحيى بن حسان الارزق وقابله
مشكل بينهما اللهم الا ان يقال انهما واحد وهذا وان
كان بعيدا بحسب الظاهر لكنه قريب مما لاحظناه في الاسباب

والله اعلم

٥٦ يحيى بن عبد الله البصري م خ ق خ

٥٧ يحيى بن عبد الله بن الحسن بن الحسن بن علي بن ابي طالب المدني

٥٨ يحيى بن عبد الله بن محمد بن عمر بن علي بن ابي طالب الطالبي الكوفي خ ق خ

٥٩ يحيى بن عبد الله بن معوية الكندي الاجلح الجعفي ق خ

٦٠ يحيى بن عبد الملك بن ابي غنية الخزاعي الكوفي في اسناد عنه ق خ

٦١ يحيى بن عتيبة بن سماك البصري ق خ وفي نسخ ابن عيينة

٦٢ يحيى بن العلا البجلي الرازي ابو جعفر نقل صاحب الكتاب روى عنه زكريا بن يحيى حش يحيى بن العلا بن
خالد البجلي كوفي يقال له الرازي ق خ

٦٣ يحيى بن عقبة ابو القاسم كوفي اسند عنه ق خ

٦٤ يحيى العلوي المكي يا محمد من بني زيارة من اهل
نيشابور جليل القدر عظيم الرياسة متكلم حاذق
زاهد ورع له كتب كثيرة وسافر ابوابه الى جعفر بن محمد
لفنون وفوائد عليه ست علوي سيد متكلم فقيه من
اهل نيشابور له كتب كثيرة حش لم يخ وكان هذا هو
المذكور من قبل بعنوان يحيى بن احمد بن محمد

٦٥ يحيى بن علي المنجي الربعي الكوفي ق خ

٦٦ يحيى بن علي الكلبي العلمي ثقة عين ق له كتاب الزهد
روى عنه ابن ابي عمير حش يحيى بن محمد بن علي له كتاب
روى عنه ابن بهلول ست ق ضعيف عض وعندي
في قبول روايته توقف وان كان الارجح القبول صه

٦٧ يحيى بن عمر وضاح

٦٨ يحيى بن عمران بن ابي شعبة الحلبي ق م ثقة ثقة صحيح الحديث
له كتاب روى عنه ابن ابي عمير جش له كتاب يرويه عنه الفضل بن
سويد ست

٦٩ يحيى بن عمران الهمداني بو بنو ضاح

٧٠ يحيى بن عيينة بن اسماء البصري ق تج وفي نسخة ابن
عتبة كما نقلناه

٧١ يحيى بن الفضل النوفلي م تج

٧٢ يحيى بن القاسم ابو بصير الاسدي وقيل ابو محمد ثقة
وجه قف وقيل يحيى بن ابي القاسم واسم ابي القاسم
اسحق وروى عن الكاظم عليه السلام له كتاب يوم وليلة
روى عنه الحسن بن علي بن ابي حمزة ومات ابو بصير سنة
خمسين ومائة جش يحيى بن القاسم يكنى ابا بصير له كتاب
مقاسات الحج رواه علي بن ابي حمزة والحسين بن ابي العلا
ست يحيى بن ابي القاسم يكنى ابا بصير مكفوف واسم ابي
القاسم اسحق فر تج ثم قال يحيى بن القاسم ابو محمد الغنوي
ابي بصير الاسدي مولاهم كوفي تابعي مات سنة خمس و
مائة بعد ابي عبد الله عليه السلام ثم قال عند ذكر
اصحاب الكاظم عليه السلام يحيى بن ابي القاسم يكنى ابا
بصير ثم قال في هذا الباب يحيى بن القاسم الحذاء
واقفي وقال الكشي في ترجمة ابي بصير ليث المرادي قال
محمد بن مسعود سألت علي بن الحسن بن فضال عن ابي

بصير فقال كان اسم يحيى بن ابي القاسم فقال ابو بصير
كان يكنى ابا محمد وكان مولى بني اسد وكان مكفوفا
فسألته هل نبهم بالغلو فقال اما بالغلو فلا ولكن كان مخلطا ثم قال الكشي في ترجمة ابي بصير يحيى بن
القاسم وابو بصير هذا يحيى بن القاسم يكنى ابا محمد
قال محمد بن مسعود سألت علي بن الحسن بن فضال
عن ابي بصير هذا هل كان متهما بالغلو فقال اما
بالغلو فلا ولكن كان مخلطا ثم روى عن حمدويه
قال حدثنا يعقوب بن يزيد عن ابن ابي عمير عن شعيب
العقرقوفي قال قلت لابي عبد الله عليه السلام
ربما احتجنا ان نسأل عن الشئ فممن نسأل قال
عليك بالاسدي يعني ابا بصير ثم روى بطريق ضعيف
عن ابي بصير ما يدل على خلاف الصادق عليه السلام
له الحجة ونقلنا بعض احواله عن الكشي عند ترجمة زرارة
بن اعين وقال العلامة في حقه يحيى بن القاسم الحذاء من
اصحاب الكاظم عليه السلام وكان يكنى ابا بصير وقيل
انه ابو محمد اختلف قول علمائنا فيه قال الشيخ الطوسي
رحمه الله قال انه واقفي وروى الكشي ما يتضمن ذلك الخ
وظهر من كلامه قدس سره ان ابا بصير هو يحيى بن القاسم
الحذاء وهو واقفي وما يظهر من رجال الشيخ عند ذكر
اصحاب الكاظم عليه السلام ومن الكشي ان يحيى بن القاسم
الحذاء ويحيى بن ابي القاسم رجلان حيث ذكرهما و

ويظهر من بعض
الاخبار ان متن الكتاب
يروى عن ابي بصير يحيى بن القاسم
ويظهر ايضا من كتاب الطلاق من الكافي
في باب من طلق ثلثا في طهر
بسنده ان منصور
بن حازم
ايضا روى عنه مشافهة

نسبه يحيى بن ادام الخ انه الى الوقف لا يحيى بن القاسم بالقاسم بصير الاسكاف وقال في الرجال اسم ابي القاسم بحر فليتدبر ثم قال العلامة بعد نقل كلام النوفلي الذي اظنه العمل برواياته وان كان مذهبه فاسدا

يحيى اللحام الكوفي ثقة له كتاب رواه عنه الحسن بن محبوب خ

يحيى بن المبارك ضا يج

يحيى بن محمد دس يخ

يحيى بن محمد بن احمد بن محمد بن عبد الله ذكرناه بعنوان يحيى بن احمد بن محمد

يحيى بن محمد بن سعيد بن دينار الكوفي يكنى ابا السلاق يخ

يحيى بن محمد بن عليم ذكرناه بعنوان يحيى بن عليم

يحيى بن المسافر ابو زكريا الهيثم مولاهم كوفي في يخ

يحيى بن مقسم الكرخي اسند عنه ق يخ

يحيى بن مهران الثوري الكوفي ابو عبد الخالق ق يخ

يحيى بن وثاب قرأ على عبيد بن فضلة كان يقرأ كل يوم ربع القرآن في سبع واربعين سنة ويحيى بن وثاب كان من سنه ما وذكر الاعمش انه كان اذا صلى كان كالطنب احد يخ عند ترجمة عبيد بن فضلة في اصحاب امير المؤمنين

يحيى بن هاشم الكوفي قليل الحديث ثقة له كتاب روى عنه ابراهيم بن سليمان خش

يحيى بن يحيى الحنفي له كتاب روى علي بن الحسن عن اخيه عن ابيه عنه تش له كتاب روى علي بن الحسن بن فضال عن ابراحمد عن ابيه عنه تش يحيى بن يحيى النبيل عامي صا يخ ولا يبعد ان يكونا واحدا

يحيى بن يزيد ابو خالد الكوفي ضا يج ٨٥

يحيى بن يعقوب ابو طالب القاضي خال ابي يعلى ابو القاضي اسند عنه ق يخ ٨٦

يزداد ذ يخ ١

يزيد ابو خالد الاعور ق يخ ١

يزيد ابو خالد القماط مولى بني عجل بن لجيم كوفي ثقة له كتاب روى عنه صفوان جش يزيد يكنى ابا خالد فقط يخ وقال الكشي قال حمدويه واسم ابي خالد القماط يزيد وظهر من الكشي ان ابا خالد القماط ناظر يزيد بامر فاعجب الصادق عليه السلام ذلك وقال الشيخ في الرجال عند ذكر اصحاب الصادق عليه السلام ان خالد بن يزيد يكنى ابا خالد القماط وعلى هذا فيمكن التوفيق بين كلام الشيخ عند ذكر اصحاب الصادق عليه السلام وبين كلامه عند ذكر اصحاب الباقر عليه السلام وكلام الكشي بنوع عناية

يزيد ابو خالد الكناسي ق يخ وذكر العلامة في يخ عن محمد بن سعد الموسوي عن الدارقطني انه بالباء الموحدة وانه شيخ من شيوخ الشيعة روى عن ابي جعفر وابي عبد الله عليهما السلام والشيخ الطوسي رحمه الله ذكره في رجاله في باب اصحاب ٣

٨٢ ابن يحيى قرأ الشيخ عند ذكر اصحاب الصادق عليه السلام ان خالد بن يزيد يكنى ابا خالد على ان يزيد يكنى ابا خالد منه

٨٣

٨٤

٧٣ وليته مولد يحيى بن ابي القاسم بصير الاسكاف قبض وفات الى الظاهر بعد ثلث وثلثين سنة كما يظهر من كلام النجاشي وكلام الشيخ في الرجال كما نقلنا سابقا فالامات ابو بصير سنة خمسين ومائة ويحيى في الطبقة الثانية ان الكاظم مات في سنة ثلث وثمانين ومائة سنه

٧٤ سنه احمله

٧٥ قال العلامة في حقه قال يحيى بن احمد العقيقي كيس بن القاسم الاسدي مولاهم ولد كمذنا

٧٦ رأى الدنيا تمام ثلثين سنة ابو سنه عليه السلام على عتبة وقال انظر ما ترى قال ارى كوة في البيت وقد ارايها ابو كوكب سنه قبض سنه

٧٧

٤ يزيد بن الاصقع بن فليح ق

٥ يزيد بن اسحق بن ابي النحل العنزي ابو اسحق يلقب بثعرة الكاب
روى الجمري عنه عن ابيه عن جش الكاب روى عنه محمد بن
الحسن ست وروى الكشي عن حمدويه عن الحسن بن موسى
عن يزيد بن اسحق انه كان يقول بحجوه الكاظم عليه السلام
فدعا الرضا عليه السلام فرجع وقال العلامة في حه روى
الكشي عن حمدويه عن الحسن بن موسى عن يزيد بن اسحق
انه كان من ادفع الناس لهذا الامر وان اخاه محمدا كان
يقول بحجوه الكاظم عليه السلام فدعا الرضا عليه السلام
حتى قال بالحوائط هي وفيه نظر وان شئت التفصيل فانظر
في ترجمة اخيه محمد بن اسحق بعد وحكم العلامة في حه بصحة
طريق الفضل الى هرون بن حمزة وفيه يزيد بن اسحق بعد
وكذا حكم الشهيد الثاني في الدراية بوثيقه وانا لم
اجد في كتب الرجال ما يدل على توثيقه وكان مشتركا
بما روى العلامة عن الكشي وفيه ما ترى

٦ يزيد البزاز يكنى ابا خالد مولى الحكم بن ابي الصلت الثقفي
ق ق ج

٧ يزيد بن ثبيط بن ج

٨ يزيد بن جبلة ق ج

٩ يزيد بن الحسن قال ابن نوح اخبرنا الحسين بن علي
قال حدثنا احمد بن زياد قال سمعت منه نوادر جش

١٠ يزيد بن الحصين المشرقي ق ج

١١ يزيد بن حماد الانباري السلمي ابو يعقوب الكاتب ثقة يعد في
الشيخ عند اصحاب الرضا عليه السلام حيث قال يعقوب
بن يزيد الكاتب وابوه ثقتان

١٢ يزيد بن خليفة الحارثي له كتاب روى عنه محمد بن ابي
حمزة جش يزيد بن خليفة الحارثي الحلواني عربي ولاء من
بني الحرث لكنه من بني نامر اخوه الحرث وعدادهم فيهم وفي
ق م ج وروى الكشي بطريق مرسل عن الصادق عليه
السلام انه قال له من انت فقال من بلحارث بن كعب
وذكره في الباب ولم يقل انه كان واقفيا وكأنه
لم يطلع عليه

١٣ يزيد بن زياد كوفي فر ج

١٤ يزيد بن سليط الزبدي ق ج حديثه طويل كثير ولا
المفيد في ارشاده انه خاصة الكاظم عليه السلام وثقاة
واهل الورع والعلم والفقه من شيعته ومن روى
النص على الرضا عليه السلام

١٥ يزيد الصائغ قال الكشي ذكر الفضل بن شاذان في
بعض كتبه الكذابون المشهورون ابو الخطاب ويونس بن
ظبيان ويزيد الصائغ ومحمد بن سنان وابو سمينة
اسمهم

١٦ يزيد بن طهمة ق ج

١٧ يزيد بن عبد الملك النوفلي ق ج

١٨ يزيد بن عمر ضا ج

يزيد بن فرقد البهكي ق خ

يزيد بن قيس الارحبي كان عاملا على الري وهمذان واصبهان خ

يزيد بن محمد النشابوذكر خ

يزيد بن محمد الثقفي له كتاب روى عنه ابراهيم بن البلخاني

يزيد بن معوية ابن عم عبد الله بن الطفيل ي خ

يزيد بن نويرة مثل يوم النهروان الذي قال رسول الله صلى الله عليه وآله من جاوز هذا النل فله الجنة فقال الرسول صلى الله عليه وآله ما بيني وبين الجنة الا النل فقال رسول الله صلى الله عليه وآله نعم فمضى سبقه حتى جاوزه ثم قال ابن عم له انا جاوزت فلي مثل ما لابن عمي فقال رسول الله صلى الله عليه وآله نعم فمضى حتى جاوزه ثم اقبل يختصمان في قبل قتلا فقال لهما رسول الله صلى الله عليه وآله البئر كافكلاكما فلا سنوجب الجنة ي خ

يسير الدلهان ذكرناه بعنوان بشير بالباء الموحدة والشين المعجمة

يعقوب بن ابراهيم ابو ابراهيم الانصاري ق خ

يعقوب الاحمر روى عنه ابن مسكان ق خ وكانه الذي سيجيء بعنوان يعقوب بن سالم الاحمر

يعقوب بن اسحق البرقي ذكر خ وكانه الذي سيجيء بعنوان يعقوب بن اسحق السكيت ابو يوسف كان مقدما عند ابي جعفر الثاني وابي الحسن عليه السلام وكانا يخصانه

وسبب قتله انه كان معلى للمعتز والمؤيد ابن المتوكل وكان ذات يوم حاضرا عند المستعين اذا قبلا فقال له المستعين يا يزيد ايتها احب البكرة والعشي فقال الله الحسن والعين فقال الله ان فتيا غلام عن بابك خير منها وسنا واسبها فقال المستعين سلوا لسانه منه فقاه فسقوه فمات رضي الله عنه

ولد عن ابي جعفر عليه السلام رواية ومسائل وقتله المتوكل لاجل التشيع وامره مشهور وكان وجيها في علم العربية واللغة ثقة مصدقا لا يطعن عليه وله كتب منها كتاب الصالح المنطق وروى عنه ثعلب جيد

يعقوب بن الباس وثقه النجاشي عند ترجمة اخيه عمرو بن الباس وذكره بعد يعقوب بن نعيم وغيره ونقدمه اولى كما هو من دابه

يعقوب بن جعفر بن محمد م خ

يعقوب بن داود كان يروي راي الزيدية كذا في عيون اخبار الرضا عليه السلام

يعقوب بن سالم الاحمر اخو سليط بن سالم ثقة من اصحاب ابي عبد الله عليه السلام له كتاب روى عنه علي بن اسباط حسن يعقوب بن سالم الاحمر الكوفي ق خ ثم قال يعقوب بن سالم اخو سليط العليم السراج ق

يعقوب السراج كوفي ثقة له كتاب روى عنه الحسن بن محبوب يعقوب السراج له كتاب روى عنه الحسن بن محبوب ست من شيوخ اصحاب الصادق عليه السلام وخاصته وبطانته وثقاته الفقهاء الصالحين قاله المفيد رحمه الله في ارشاده يعقوب السراج كوفي وله رواية عن الصادق عليه السلام ضعيف عض والاقرب عندي قبول روايته وفي عدة ابن يعقوب بن السراج واما في الاجازة كما في النجاشي والفهرست

يعقوب بن سعيد الكندي ضاج

١١ يعقوب بن شيبة حدث عن العامة عن ابنه صنف مسند امير المؤمنين عليه السلام ورواه مع مسانيد جماعة من الصحابة وصنف مسند عمار بن ياسر روى عنه ابو بكر محمد بن احمد بن يعقوب بن شيبة جش عا في المذهب كتاب في تفضيل الحسن والحسين عليهما السلام وله كتاب مسند امير المؤمنين عليه السلام وقضاياه ست

١٢ يعقوب بن سعيد الاردني بياع الطعام فج

١٣ يعقوب بن سليم بن يحيى الحمار مولى بني اسد ابو محمد ثقة ق ذكره ابن سعيد وابن نوح له كتاب روى عنه ابن ابي عمير جش له كتاب روى عنه الحسن بن سماعة ست فرق ثم جخ

١٤ يعقوب بن عبد الله بن جندب ضا جخ

١٥ يعقوب بن هشيم ابو يوسف ق روى عنه ابان كما يظهر من بابا يظهر المياه من المهذب

١٦ يعقوب بن عذافر روى عنه يونس بن يعقوب ق جخ

١٧ يعقوب بن الفضل بن يعقوب الهاشمي ق ثم جخ روى عنه نوح الحسين بن سعيد بن الفضل

١٨ يعقوب بن فليس البجلي الدهني ابو خالد والد يونس بن يعقوب ق جخ وقال عند ذكر اصحاب الباقر عليه السلام يعقوب بن يونس بن يعقوب بن فليس والد يونس بن يعقوب انتهى والصواب يعقوب بن فليس كما نقلناه اولا كما يظهر من النجاشي وغيره عند ترجمة يونس بن يعقوب

١٩ يعقوب بن منقوش ذي كر جخ

٢٠ يعقوب بن نعيم بن فرقاذ الكاتب ابو يوسف كان جليلا في اصحابنا ثقة في الحديث صنا وصنف كتابا في الامامة روى عنه ابو نعيم ضمرة بن عصام جش

٢١ يعقوب بن يزيد بن حماد الانباري السلمي ابو يوسف من كتاب المنثور وانتقل الى بغداد وكان قد صدوقا له كتب روى عنه سعد والحميري ست ثقة صا ذي جخ

٢٢ يعقوب بن يقطين ثقة صا جخ

٢٣ يعقوب بن يونس والد يونس بن يعقوب ق جخ وذكرنا عند ترجمة يعقوب بن فليس ان يعقوب بن يونس هو الصواب يعقوب بن فليس

١ يعلى بن امية لج

٢ يعلى بن الحرث المحاربي الكوفي ق جخ

٣ يعلى بن حسان الواسطي له دوابات روى عنه محمد بن الحسن الصفار ست لم جخ

١ يقطين والد علي بن يقطين ذكر محمد بن يعقوب الكليني رحمه الله بطريق حسن عن علي بن يقطين انه قال قلت لابي الحسن موسى عليه اني قد اشفقت من دعوة ابي عبد الله عليه السلام على يقطين وما ولد فقال عليه السلام يا ابا الحسن اذهبت حيث ذهبت انما المؤمن في صلب الكافر بمنزلة الحصاة في اللبن يعلى الماء فيعلو اللبن ولا يضر الحصاة شيئا

١ يوسف بن ابراهيم ابو داود ق جخ

٢ يوسف بن ابى القاسم ق خ

٣ يوسف البزاز ابو يعقوب ق خ

٤ يوسف بن ثابت بن ابى سعد ابو امية كوفى ثقة ق
له كتاب يرويه ثعلبة بن ميمون خ ش

٥ يوسف بن الحرث بنرى يكنى ابا يعقوب ق خ وفى الكنى
ابو نصر بن يوسف بن الحرث بنرى فتدبر

٦ يوسف بن الحرث بنه النخاعى والشيخ فى الفهرست على
ضعفه عند ترجمة محمد بن احمد بن يحيى

٧ يوسف بن حماد ويقال ابو يعقوب كوفى ضعيف كذا ش

٨ يوسف بن النضر ابو يعقوب بصرى كوفى خ ثم قال يوسف
بن النضر روى عن محمد بن جمهور العمى كذا فى نسخة محمد بن احمد بن
يحيى كم وقال ابن الغضائرى بصرى ضعيف جدا ينفرد بالغرائب
استثناه القميون من نوادر الحكمة انتهى وبنه النخاعى
والشيخ فى الفهرست على ضعفه عند ترجمة محمد بن
احمد بن يحيى

٩ يوسف بن عبد الرحمن الكناسى الكوفى ق خ

١٠ يوسف بن عبد الجليل كوفى ثقة قليل الحديث يقول
القميون ان له كتابا وعندان الكتاب لمحمد بن قولويه روى
عنه محمد بن خالد البرقى فى جش له كتاب روى عنه محمد بن على بن محبوب

١١ يوسف بن على القطان الذى ذكره الشيخ يحيى بن سعيد
يونس بن على القطان

١٢ يوسف بن على بن مطهر الحلى والد العلامة قدس سره
كان مدرسا عظيم الشان كذا قال د

١٣ يوسف بن غار ثقة صدوق احد نوابغه وكتب
المفيد تهين وكان العلامة قدس سره اخذ هذا الكلام
من كلام النخاعى عند ترجمة اسحق بن غار واخذ ابن داود
من صحيفة ابن المطهر كما هو من دابه وفى اخذ الكل
من هذا الكلام نظر وهذا هى عبارة النخاعى اسحق بن
غار بن حيان مولى بنى تغلب ابو يعقوب الصيرفى شيخ من اصحابنا
ثقة واخوته يونس ويوسف واسمعيل وهو يكنى ابا محمد وهو اكبر
من البقية

١٤ يوسف بن محمد روى عنه محمد بن احمد بن يحيى بكذا ق خ

١٥ يوسف بن يعقوب واقفى م ج يوسف بن يعقوب
الجعفى ق وروى عن جابر ضعيف جدا نقل القول بخصوصه
قال ابو جعفر بن بابويه فى سند الفقيه يوسف بن يعقوب
اخو يونس بن يعقوب وكانا فطحيين وقال النخاعى يوسف
بن يعقوب الجعفى كوفى ضعيف ق وعن جابر له كتاب روى
عنه زكريا بن يحيى وبنه النخاعى ابنه على ضعفه عند ترجمة
جابر بن يزيد والظاهر ما ذكره الشيخ وابن بابويه و
ابن الغضائرى والنخاعى واحد وان كان العلامة فى
صه ذكر رجلين

١ يونس بن ابى اسحق السبيعى ق خ وذكر النخاعى عند
ترجمة ثوير بن ابى فاخته ما يدل على ان عامى مذهب

٢ يونس بن ابى يعفور روى عنه يونس بن يعقوب واسم ابى

يعفور فيلين يعفور من بني اشيم كوفي فرق خ

٣ يونس بن يعمر من غال خطابي كوفي بضع الحديث خ ض

٤ يونس بن خالد ابو المنهال قرخ

٥ يونس بن خباب مجهول قرق خ

٦ يونس بن رباط البجلي مولاهم كوفي ثقة كان يروي عنه احمد بن محمد بن خالد البرقي قال حدثني يونس بن رباط واحمد اخوه الحسن والحسين وعلي ويونس كلهم اصحاب ابي عبد الله عليه السلام ولهم اولاد كثيرة من جملة المحدثين كش

٧ يونس بن الصباح ذكره دراوردي عن الكشي وقال انه ممدوح ولم اجده في الكشي وغيره

٨ يونس بن ظبيان مولى ضعيف جدا لا يلتفت الى ما ينفرد به كل كتبه تخليط روى عنه ذبيان بن حكيم الاودي خ ل كان روى عنه محمد بن موسى خواست كوفي غال وضاع للحديث ولا يلتفت الى ما تفرد به وروى الكشي وغيره ذباته كثيرة تدل على كفره

٩ يونس بن عبد الرحمن مولى علي بن يقطين بن موسى مولى بني اسد ابو محمد كان وجها في اصحابنا منقطعا اليه عظيم المنزلة وان في ايام هشام بن عبد الملك وراى جعفر بن محمد عليه السلام بين الصفا والمروة ولم يرو عنه وروى عن الكاظم عليه السلام وكان الرضا عليه السلام يثني عليه في العلم والفقه وكان ممن بذل له على الوقف اموالا جزيلا وامتنع من اخذه وثبت على الحق وقد ورد في يونس بن عبد الرحمن رحمه الله مدح وذم وقال شيخنا ابو عبد الله محمد بن محمد بن النعمان في كتابه مصابيح النور اخبرني الشيخ الصدوق ابو القاسم جعفر بن محمد بن قولويه رحمه الله قال حدثنا علي بن الحسين بن بابويه قال حدثنا عبد الله بن جعفر الحميري قال قال لنا ابو هاشم داود بن القاسم الجعفري رحمه الله عرضت على ابي محمد صاحب العسكر عليه السلام كتاب يوم وليلة ليونس فقال لي تصنيف من فقال تصنيف يونس مولى آل يقطين فقال اعطاه الله بكل حرف نورا يوم القيمة ومدائح يونس كثيرة ليس هذا موضعها وانما ذكرنا هذا لئلا يخلو احد من بعض حضوره رحمه الله وكانت له تصانيف كثيرة روى عنه محمد بن علي بن محبوب له كتب كثيرة اكثر من ثلاثين وقيل انها مثل كتب الحسين بن سعيد وزيادة روى عنه اسمعيل بن مرار ووضاح بن السنكد ومحمد بن عيسى بن عبيد ست طعن عليه القميون وهو عندنا ثقة مر ضاحك وقال الكشي حدثني علي بن محمد القمي قال حدثني الفضل بن شاذان قال حدثني عبد العزيز بن المهتدي وكان خير قمي رايته وكان وكيل الرضا عليه السلام وخاصته قال سالت الرضا عليه السلام فقلت اني لا القاك كل وقت فعمن اخذ معالم ديني فقال خذ عن يونس بن عبد الرحمن وقال علي بن محمد القميي قال حدثني الفضل بن شاذان قال حدثني محمد بن الحسن الواسطي

وجعفر بن علي ومحمد بن يونس ان الرضا عليه السلام خص ابن
الجنيد ثلثة مرات وقال الكشي في موضع اخر اجمعت العصابة
على تصحيح ما يصح عنه والاقرار له بالفقه ثم ذكر الكشي
نحوا من عشرين حديثا تدل على مدحه وجلالة قدره
وعلو منزلته واورد الكشي ايضا في ذمه نحوا من عشرة
احاديث كلها ضعيفة السند وبعضها مشتمل على
فحش وسفه والائمة عليهم السلام مبرأون منزهون
عن ذلك ولعل منشأها الحسد لعلو مرتبته وجلالة
قدره رضي الله عنه وما ذكره دراويا عن الكشي انه
فطحي كانه سهو لاني لم اجد في كتب الرجال خصوصا الكشي
انه كان فطحيا وكان هذا من صفات يونس بن يعقوب
كما ذكره في القسم الاول وقال فطحي وسنها في الضعفا
ولم يذكره في الضعفاء

١٠ يونس بن عبد الله فطحي روى عن الكاظم عليه السلام
في تعظيمه والترحم والشهادة له بحسن الخاتمة ما ينافي
ذلك ذ

١١ يونس بن علي العطار روى عنه حميد بن زياد كتاب
ابي حمزة الثمالي وغير ذلك من الاصول لم ج وربما
احتمل العطار تصحيف القطان الاتي

١٢ يونس بن علي القطان ابو عبد الله كان ينزل الكوفة
ظاهر جبان قريب الامر له كتاب المزار روى عنه حميد جش
وفي ذ يوسف بن علي القطان ابو عبد الله الى اخره

ولعله سهو

١٣ يونس بن عمار الصيرفي الثعلبي كوفي ق ج

١٤ يونس بن فليح ذكرناه بعنوان يونس بن ابي يعفور

١٥ يونس بن المبرة ق ج

١٦ يونس بن يزيد بن مهران ق ج

١٧ يونس بن يعقوب بن قيس ابو علي الجلاب البجلي الدهن
الخضر يا بي عبد الله وابي الحسن عليهما السلام وكان
يتوكل لابي الحسن عليه السلام ومات في المدينة في ايام
الرضا عليه السلام فتولى امره وكان خطيبا عندهم موثقا
وكان قد قال لابي عبد الله فوجه له كتاب الحج روى عنه
الحسن بن رضا الخمر لكتاب روى عنه ابن بابويه صحت
ثقة قوم صالح ج وقال ابن بابويه رحمه الله في مشيخة
الفقيه يوسف بن يعقوب اخو يونس بن يعقوب و
كانا فطحيين وقال الكشي حدثني حمدويه وذكره عن بعض اصحابنا
ان يونس بن يعقوب فطحي كوفي مات بالمدينة وكفنه
الرضا عليه السلام وانما سمي فطحيا لان عبد الله بن
جعفر كان افطح الراس وقد قيل انه افطح الرجلين وقيل
انهم نسبوا الى رجل يقال له عبد الله بن فطيح وذكر الكشي
ايضا حديثا حسنا يدل على حسن عقيدته وقال العلامة
في صه والذي اعتمد عليه قبول روايته

باب الكنى

ابو ابراهيم كنية محمد بن القاسم الاسدي ويعقوب بن ابراهيم

وطهر بن ابي بردة

ابو اجيهم اسمه عمرو بن مخمن

ابو احمد كنية محمد بن ابي عمرو وعبد العزيز بن يحيى وعمر بن الربيع وعمرو بن حريث وفائد بن حبيب ومحسن بن احمد ومحمد بن روح ومحمد بن زياد الاشعثي ومحمد بن سليمان بن داود وسليمان بن جعفر وعلي بن حيان وفي الاول اشهر

ابو الاحوص اسمه داود بن اسد

ابو ادريس كنية لمليبد بن سليمان وعبد الرحمن بن بلد

ابو الاكرا البصلي تخ

ابو الارطاة اسمه مجالد بن ارطاة

ابو الازرم اسمه ابان بن نادم

ابو الازهر اسمه زفر بن النعمان

ابو اسامة اسمه زيد بن محمد بن بويس

ابو اسحق كنية لابراهيم بن هاشم وابراهيم بن ابي حفص وثعلبة بن بهون وحاتم بن الحسن وابراهيم بن اسحق وابراهيم بن الحكم وابراهيم بن دعاء الكبير وابراهيم بن سليمان وابراهيم بن صالح وابراهيم بن عمر البهلاني وابراهيم بن محمد بن ابي يحيى وابراهيم بن محمد بن شام وابراهيم بن محمد بن معدان وابراهيم بن همزاد وبن بدين اسحق وعليس بن ابراهيم وفي الاول اشهر ثم في الثالث

ابو اسمعيل كنية لاسحق بن جندب وبكر بن الاشعث وحماد بن زيد وثابت بن بشر بح ومهير بن ابي البلاد ومحمد بن عبد ومحمد بن حيان ومحمد بن زياد الاشعثي ومحمد بن سالم بن بشر بح ومحمد بن مقلاص وعمرو بن غانم وكثير بن فاروند

ابو الاسود كنية لحميد بن عبد الرحمن وظالم بن ظالم وعمر بن محمد بن زيد وحبيب بن حضر ومحمد بن الاسود وخالد بن الاسود وعمرو بن غياث واحمد بن علوية كما في النجاشي عند ترجمة ابراهيم بن محمد بن سعيد وانما في الفهرست عند ترجمة ابراهيم هذا ابن الاسود كما في الرجال عند ترجمة احمد بن علوية

ابو الاشعث اسمه محمد بن حماد المزني

ابو الاشهب اسمه جعفر بن الحرث

ابو الاكراد اسمه علي بن ميمون

ابو امامة له صحبة وكان معاوية يضع عليه الحرس اذا صهر الى علي عليه السلام تخ

ابو امية كنية لانس بن مالك وبوصف بن ثابت

ابو ايوب كنية لابراهيم بن عيسى وخالد بن زيد وسليمان بن داود المنقري ومنصور بن حازم وهلال بن مقلاص وفي الاول اشهر

ابو بحر كنية لاحنف بن قيس وادرع ابن حابر

ابو بحيى اسمه عبد الله النجاشي

ابو البختري كنية لوهب بن وهب بن سعد بن عمر وفي الاول اشهر

ابو بلال الاشعر مقل لكتاب روى عنه ابراهيم حرش
لكتاب روى عنه ابراهيم بن سليمان الخراز نسب

ابو تراب اسمه حماد بن صالح

ابو تمام اسمه حبيب بن اوس

ابو ثابت اسمه ايمن بن يعلى

ابو الجارود اسمه زياد بن المنذر

ابو جبل وافقي م ج

ابو جحاف اسمه داود بن ابي عوف ويسمى عند نجيح
ابي حيان

ابو حفص اسمه وهب بن عبد الله

ابو جرير كنية لزكريا بن ادريس وزكريا بن عبد الحميد
ويظهر من كتاب الروضة من الكافي في حديث نوح ع
ان ابا جرير كنية لمحمد بن عبيد الله ابهر

ابو الجعد اسمه احمد بن غالب

ابو جعفر وافقي م ج

ابو جعفر كنية لاحمد بن محمد بن عيسى بن عبد الله ومحمد بن
علي بن الحسين بن موسى بن بابويه ومحمد بن الحسن بن علي
الطوسي ومحمد بن يعقوب الكليني واحمد بن محمد بن خالد البرقي
ومحمد بن اسمعيل بن بزيع ومحمد بن الحسن الصفار ومحمد بن
الحسن بن ابي الخطاب واحمد بن ابي ظاهر واحمد بن ابي بشر
واحمد بن جعفر بن محمد واحمد بن الحسين بن سعيد
احمد بن الحسين بن عبد الملك واحمد بن القاسم واحمد بن

ابو بردة اسمه هانئ بن بشار او نيار

ابو بريد لم يذكر اسمه كوفي لكتاب يروي عنه منهم محمد
بن سنان جش له كتاب روى عنه محمد بن علي بن عبد

ابو برزة اسمه نضلة بن عبيد الله

ابو بشر كنية لاسماء بن محمد واحمد بن ابراهيم بن معلى
واحمد بن محمد ومسعدة بن صدقة

ابو بصير كنية ليحيى بن القاسم وليث بن البختري ومثل
كنيتهما ابو محمد وعبد الله بن محمد الاسدي ويوسف بن الحرث
وفي الاولين اشتهر

ابو بكر الفقيه زاهد من اصحاب العياشي لم ج

ابو بكر بن ابي شيبة لكتاب روى عنه احمد بن منيع ست

ابو بكر بن علي بن ابي طالب عليه السلام قتل مع اخيه
الحسن عليه السلام بكر بالاسين ج وابو بكر كنية ايضا
لعبد الله بن محمد الحشر وعباد بن صهيب وعمر بن محمد بن
سالم وفطر بن خليفة ومحمد بن ابراهيم بن يوسف ومحمد بن
احمد بن محمد بن عبد الله ومحمد بن اسحق بن بشار ومحمد بن
جعفر بن محمد بن عبد الله ومحمد بن خلف ومحمد بن
عمر بن محمد ومحمد بن القاسم البغدادي واحمد بن عبد الله
بن احمد واحمد بن محمد السري وداود بن ابي هند وثابت
واحمد بن بشر وفي الرابع اشتهر

ابو البلاد اسمه يحيى بن ابي سليمان

الحسين بن عمرو احمد بن عبد الله بن مهران واحمد بن محمد بن ابي نصر البزنطي واحمد بن محمد بن زياد واحمد بن هلال و احمد بن بحر بن حكيم وحمدان بن المعافا وعبدين ماهان ومحمد بن احمد بن ابي قتادة ومحمد بن احمد بن بشير ومحمد بن احمد بن خاقان ومحمد بن احمد بن عبد الله بن مهران و محمد بن سلم ومحمد بن اورمة ومحمد بن سنان ومحمد بن جرير رستم الاملي ومحمد بن جرير صاحب التاريخ ومحمد بن جعفر بن احمد ومحمد بن حسان الرازي ومحمد بن الحسن بن ابي سارة ومحمد بن الحسن بن زياد المشمي ومحمد بن الحسن بن شمون ومحمد بن الحسن بن مرزوق ومحمد بن الحسين بن حفص ومحمد بن الحسين بن سعيد ومحمد بن حفص بن عمرو ومحمد بن حكيم ومحمد بن حمران ومحمد بن الخليل البغدادي ومحمد بن سلمة بن ارنبل ومحمد بن سنان الزاهري ومحمد بن صدقة ومحمد بن عبد الله بن جعفر ومحمد بن عبد الله بن محمد ومحمد بن عبد الله بن مهران ومحمد بن عبد الحميد ومحمد بن عبد الرحمن بن قرة ومحمد بن عثمان بن سعيد ومحمد بن علي بن ابي شعبة ومحمد بن علي بن ابراهيم بن موسى ومحمد بن علي الشلمغاني ومحمد بن علي بن معبد ومحمد بن علي بن محبوب ومحمد بن علي بن النعمان ومحمد بن عيسى بن عبيد ومحمد بن فضيل بن كثير ومحمد بن مسلم بن رياح ومحمد بن المفضل ومحمد بن موسى خوراو ومحمد بن موسى بن عيسى ومحمد بن الوليد الخراز ويحيى بن العلا

ابو جميلة اسمه المفضل بن صالح

ابو حماده اسمه الحسين بن المختار

ابو حمدان بن عبد عمرو الذي عفر الجمل حتى حج

ابو الجوزا اسمه منبه بن عبد الله

ابو الجوشا صاحب ابا امير المؤمنين عليه السلام

يوم خرج من الكوفة الى صفين حتى حج

ابو حمام اسمه ثوير بن ابي فاخته

ابو الجلس اسمه مظفر بن محمد

ابو حاتم اسمه محمد بن ادريس الخطلي

ابو الحرث اسمه كثير بن كليم

ابو حازم اسمه مغيرة بن حبيب

ابو حامد كنية لاحمد بن ابراهيم المراغي وسلمان بن عبد الله وفي الاول اشهر

ابو حبيب البناجي لكنانة روى عنه ابن مسكان حس وفي

شيخ الفقيه ابو حبيب بن ناجية روى عنه المشترك الحاء والدال وفي بعض نسخ ابي حبيب ناجية ويحتمل ان يكون ما نقلناه من الحواشي وما نقلناه من شيخ الفقيه واحدا

ابو حبيش اسمه نبهم بن عمرو

ابو الحجاج اسمه عبيد الله بن صالح

ابو حذيفة اسمه اسحق بن بشر

ابو الحر اسمه ابراهيم بن بلال

ابو حسان كنية لجميل بن زياد وموسى بن عبيد

احمد بن محمد بن احمد بن نجار ومحمد بن احمد بن نجار ومحمد بن احمد بن محمد بن نجيح ومحمد بن نجيح

ابو الحسن بن الحسين بن ابي الاموار نقد دى يخ
ابو الحسن المذابنى عالم المذهب كثير التصانيف في البرامكة
كاتب الخزانة لامير المؤمنين عليه السلام ست وكانه هو المذكور
بعنوان علي بن محمد المذابنى وابو الحسن كنيته لعبد العزيز
بن عبد الله وعلي بن ابي حمزة البطائني وعلي بن ابي صالح
علي بن ابي سهل وعلي بن ابي قرة وعلي بن محمد بن ابي القاسم
وعلي بن ابراهيم بن محمد وعلي بن ابراهيم بن هاشم وعلي بن
احمد بن الحسين وعلي بن احمد بن علي وعلي بن اسحق بن
عبد الله وعلي بن اسمعيل بن شعيب وعلي بن احمد بن بشر
علي بن اسباط وعلي بن بلال البغدادي وعلي بن بلال
ابن ابي معوية وعلي بن جعفر الهمداني وعلي بن جعفر بن محمد
علي بن حسان الواسطي وعلي بن الحسن بن محمد وعلي بن الحسين
بن رباط وعلي بن الحسين بن علي بن فضال وعلي بن الحسن بن الجهم
وعلي بن الحسين بن علي المسعودي وعلي بن الحسين بن علي
الطبري وعلي بن الحسين بن موسى بن بابويه وعلي بن الحكم بن
الزبير وعلي بن خلبد وعلي بن رئاب وعلي بن سعيد بن
زرام وعلي بن سليمان بن الحسن وعلي بن سيف وعلي بن محمد
وعلي بن عبد الله بن محمد وعلي بن عبد الله العطار
وعلي بن عبد الله بن غالب وعلي بن عبد الرحمن وعلي بن
عقبة وعلي بن عمر الاعرج وعلي بن كردين وعلي بن الفضل
وعلي بن محمد بن ابراهيم بن بابان وعلي بن محمد بن جعفر وعلي
بن محمد بن شيران وعلي بن محمد بن سيرة وعلي بن محمد بن

علي بن عبد الله وعلي بن علي بن عبد الله بن علي وعلي بن علي بن عمران وعلي بن محمد وعلي بن محمد

علي بن سعد وعلي بن محمد بن علي بن عمر وعلي بن محمد بن زرارة
وعلي بن محمد بن الهيثم وعلي بن محمد الكرخي وعلي بن محمد
بن يوسف وعلي بن منصور وعلي بن مهزيار وعلي بن
مهدي وعلي بن مهون وعلي بن النعمان وعلي بن هاشم و
علي بن بطين ومحمد بن ابراهيم بن يوسف ومحمد بن احمد
بن محمد ومحمد بن احمد بن داود ومحمد بن احمد بن عبد الله
الطائي ومحمد بن احمد الزاهد ومحمد بن احمد بن مخرم ومحمد
بن جعفر بن محمد بن جعفر ومحمد بن الحسين بن مفرجله ومحمد بن
الحسين بن موسى ومحمد بن داود بن سليمان ومحمد بن عبد
الله بن سعيد ومحمد بن موسى بن يعقوب ومحمد بن سعيد
الكندي ومحمد بن يحيى الفارسي ومعلى بن محمد ومعوية
بن وهب البجلي وموسى بن جعفر بن وهب وموسى بن الحسن بن
عامر وموسى بن الحسن بن محمد ونصر بن عامر ونصر بن
يحيى واحمد بن محمد بن ابي الغراب واحمد بن محمد بن داود واحمد
بن محمد بن علي بن نصر واحمد بن محمد بن عمران واحمد بن محمد
بن عيسى القمي واحمد بن النضر وثوير بن غادة وجلبة بن
عاصم وحمدويه بن نصير وحمران بن اعين وحمزة بن زياد
والعباس بن علي وحنظلة بن زكريا وذارم بن قبيصة وزرارة
بن اعين وسعدان بن مسلم وسلا بن محمد وسيف بن سليمان
ابو الحسن بن هلال ثقة دى يخ وابو الحسين كنيته
لعلي بن محمد بن جعفر وعلي بن احمد بن محمد بن ابي جيد
علي بن وصيف وكليب بن معوية ومالك بن عطية و

محمد

عبد الله وعلي بن علي بن
العباس وعلي بن محمد بن
محمد بن عمران

محمد بن بحر ومحمد بن بشر الحدوني ومحمد بن جعفر بن عون ومحمد
بن العباس بن الوليد ومحمد بن علي بن الفضل ومحمد بن
علي بن معمر ومنصور بن العباس وعثمان بن زياد و
يحيى بن الحسن ويحيى بن زكريا اللرماباذي ومحمد بن محمد بن
يحيى واحمد بن الحسن بن علي بن فضال واحمد بن الحسين بن
عبيد الله واحمد بن داود بن علي واحمد بن محمد بن علي وحمد
بن صبيح واسحق بن الحسن وادم بن المتوكل وايوب بن نوح
وبطام بن سابور ورجاء بن يحيى وزيد بن علي عليه
السلام وسعيد بن ابي الجهم

ابو الحصين بن الحصين الحصني ثقة ذ ج والحسين بن
كنيته ابو نصر بن عبد الله وزحر بن زياد

ابو حفص كنيته عمر بن ابان وعمر بن عنكثة وعمر بن هرون
وعمر الرماني وعمير بن حفص وعمير بن سعيد

ابو الحكم كنيته هشام بن سالم وعثار بن البيع

ابو الحكيم كنيته عتبة بن حكيم وزيد بن عبد الله ودينار
الازدي

ابو حماد كنيته ربيع بن عاصم وزريق بن دينار والفضل
بن سعيد

ابو الحمراء خادم رسول الله صلى الله عليه وآله الذي خ

ابو حمزان اسمه موسى بن ابراهيم

ابو حمزة كنيته انس بن مالك وثابت بن دينار

ابو حميد اسمه عمرو بن قيس

ابو حنش الازدي ج خ

ابو حنيفة كنيته النعمان بن ثابت

ابو حيان وابو الحجاف قال ابن عقدة انهما اثنان

ابو حيون له كتاب الملاحم روى عنه احمد بن ابي عبد الله

ابو خبيب اسمه طارق بن شهاب

ابو خالد الزبالي من اصل زبالة ج خ ثم قال وهذا اصح

ايضا ان ابا خالد الزبال مجهول والاشبه ان يكونا واحدا

وفي الكافي في مولد ابي الحسن موسى عليه السلام ما يدل على
حسن عقيدته ومحبته

ابو خالد السجستاني في صحاح وقال الكشي حمدويه وابراهيم
قالا حدثنا محمد بن عثمان قال حدثنا ابو خالد السجستاني انه
لما مضى ابو الحسن عليه السلام ووقف عليه ثم نظر في بحوره فرفع
انه قد ما ينقطع على موته وخالف اصحابه

ابو خالد القماط اسمه يزيد

ابو خالد الكابلي اسمه وردان وابو خالد الكابلي ايضا اسمه
بن سلمان والحرث بن قيس بن خالد وداود بن الهيثم و
عمرو بن خالد ويحيى بن يزيد ويعقوب بن قيس ومحمد بن
حماد بن يزيد الاسود

ابو خداش اسمه عبد الله بن خداش

ابو خديج اسمه خيثمة بن الرجل

ابو خديجة بكر كنيته سالم بن سلمة وسالم بن مكرم

ابو الخزرج كنيته الحسين بن الزبرقان وطلحة بن زيد

ويظهر من كتاب نجم بن يزيد بن عبد الرحمن بن
سمرة ان ابا خالد القماط اسمه يزيد

ابو الخطاب كنية محمد بن مقلاص وزاشل النهرى وزحرين
النعمان وفى الاول اشهر
ابو خلاد كنية سليمان بن خلاد وعمرو بن حريث والحكم بن الحكيم وغيرهم
ابو حلف العبدى روى عنه على بن الحسين بن ابو بزعن ابى جعفر
الحسن بن على عليه السلام كرخ
ابو الخليل اسمه يزيد بن الخليل
ابو خيثمة اسمه زهير بن معوية
ابو الخير كنية سلامة بن روح وصالح بن ابى حماد
ابو داود كنية سليمان بن سفيان المسترق ويوسف بن
ابراهيم وسليمان بن عمرو ينفع بن الحرث وسليمان بن
عبد الرحمن وسليمان بن هرون وفى الاول اشهر
ابو الدرداء اسمه عويمر
ابو دلف اسمه محمد بن المظفر
ابو ذر اسمه جندب بن جنادة وقد يطلق على احمد بن الحسن بن
اسباط ابنه
ابو راشد المنطيبى رى كرخ
ابو رافع اسمه ابراهيم
ابو الربيع الاقطع الهلالى اسمه سليمان بن خالد
ابو الربيع الشامى اسمه خليد بن اوفى وقد يطلق ابو الربيع
على اشعث بن سعد ابنه
ابو رجاء اسمه محمد بن الوليد بن غارة
ابو الرضا اسمه عبد الله بن يحيى الحضرمى
ابو رفاعة اسمه الحجاج بن رفاعة

ابو رطمة الانصارى رى كرخ
ابو روق اسمه عطية بن الحرث
ابو روح الانصارى ع قال احمد العلوى العقيقى ربيعة
الامرضة وابو روح كنية ابى طالب بن حوشب
ابو زبير المكى روى عن جابر بن عبد الله الانصارى وروى
عنه معوية بن عمار وفضيل بن غزوان كذا يظهر من الكشى عند
ترجمة جابر بن عبد الله الانصارى
ابو زكريا الاعور ثقة روى عنه على بن رباط رى كرخ وابو
زكريا كنية يحيى بن سعيد القطان ويحيى بن المساور
ابو زينبة اسمه محمد بن سليمان بن مسلم
ابو زياد كنية الحرث بن الربيع وزحر بن مالك
ابو زيد المكى مجهول ضاع وابو زيد كنية ايضا لثابت بن زيد
وسعيد بن حكيم وغارة بن زيد وبكر بن عمرو وسهر بن عبد الملك
ابو سارة رى كرخ
ابو ساسان كنية الحسين بن المنذر وهشام الرى
ابو سالم اسمه طالب بن هرون
ابو سجاح الانصارى ضاع وفى بعض النسخ ابو شجاع
ابو سخيلة رى كرخ وفى اخر الباب الاول من الخلاصة انه
من المجهولين
ابو سرحة اسمه حذيفة بن اسيد

ابو سعد اسمه ثابت بن يزيد

ابو سعيد الادمي اسمه سهل بن زياد

ابو سعيد الخدري اسمه سعد بن مالك

ابو سعيد الخراساني في جهول الصاغ

ابو سعيد القماط اسمه خالد بن سعيد بطلوعي مع الحج

ابو سعيد المكاري اسمه هاشم بن حيان وابو سعيد كنية

ابي لاباذان بن نغلب وعفيصا وثابت بن عبد الله و

احمر بن جوي وحفص بن عبد الرحمن وثمامة بن عمرو وجعفر

بن احمد بن ايوب والحسن بن علي بن زكريا وحمدان

بن سليمان وزائم بن المعلى وربيع بن ابي مدراك وعيسى

بن سعيد ويحيى بن سعيد بن فيروز ويحيى بن سعيد بن

فروخ وعبيد الله بن الوليد وعبيد بن كثير وعثمان بن

خالد ومحمد بن اباذان بن نغلب ومحمد بن اسمعيل بن

سعيد والمسيب بن حزن ومنصور بن يونس

ابو الفتاح اسمه ابراهيم ويطلق على اسحق بن عبد الله

ابو الفتاح البجلي وهو اول قتيل قتل يوم صفين من

اصحاب امير المؤمنين عليه السلام ي ج

ابو السفن ي ج

ابو سكينة كوفي د ج

ابو سلمة كنية لمحمد بن حنظلة وخالد بن سلمة وعلي بن

محمد وغيلان بن عثمان وسالم بن مكرم

ابو سليط اسمه سهل بن عمرو

ابو سليمان كنية لمحمد بن طلحة بن عبيد الله وجعفر بن

ابي عثمان وحماد بن حبيب وحماد بن خليفة وداود

بن عبد الرحمن وداود بن كثير وداود بن كوذة وداود

بن نافذ وداود بن نصير وداود بن يحيى

ابو سمرة بن ذويب من اصحاب امير المؤمنين عليه السلام

وخرج على مقدمته يوم خروجه الى صفين ي ج

ابو السمهري روى الكشي ان ابا جعفر الثاني عليه السلام

ابو سمينة اسمه محمد بن علي بن ابراهيم بن موسى

ابو سنان الانصاري ي ج وفي اخوالباب الاول عن

انه من الاصفياء

ابو سيار كنية المنع بن عبد الملك ومطر بن شاد

وفي الاول اشهر

ابو شاكر اسمه عبد الاعلى بن زيد

ابو شبرمة اسمه عبد الله بن شبرمة

ابو شبل كنية لاحمد بن عبد العزيز وعبد الله بن سعيد

الاسكوبحيى بن محمد بن سعيد وفي الثاني اشهر

ابو شجاع اسمه فارس بن سليمان

ابو شداخ ذكر احمد بن الحسين رحمه الله انه وقع اليه

كتاب في الامامة موقع عليه بخط الاصل كتاب ابي شداخ

في الامامة يكون نحو امن جزئين ودفعه وانه اراده

لابيه فلم يعرف الرجل خبره

ابو شعيبة الحلبي وثقه النجاشي عند ترجمة ابن ابنه عبيد

الله بن علي

ابو شعيب كنية الحماد بن شعيب وصالح بن خالد المحاملي

وفي الاخوات

ابو شمر بن ابرهة بن الصباح الحجري وكان من العمال

الشام ومعه رجال من اهل الشام لحرب امير المؤمنين

يوم صفين تي تج

ابو شيبة الفزاري قرتج

ابو صادق كنية الحرمي من اصحاب امير المؤمنين عليه

السلام صه وابو صادق في كنية ابضا ربيعة بن ناجد

سليم بن قيس وكيسان بن كليب

ابو صالح كنية الجهالان واحمد بن عبد الملك وخليف

بن حماد

ابو صامت قرق تج

ابو الصباح الكناني اسمه ابراهيم بن نعيم

ابو الصباح مولى السلام لركتاب روى عنه القاسم

بن اسمعيل القرشي وابن ابي عمير ست وابو الصباح

كنية للحكم بن عمير ابضه

ابو الصحاري الكوفي قرتج

ابو صدقة اسمه بشر بن مسلم

ابو الصفر الكوفي قرتج

ابو الصفرة اسمه ظالم بن سراق

ابو صفوان اسمه عمر بن عبد الله

ابو الصلاح اسمه نفي بن بجم الحلبي

ابو الصلت اسمه عبد السلام بن صالح

ابو الصهبان اسمه عبد الجبار ابيه محمد بن عبد الجبار

ابو صهيب اسمه حكيم بن صهيب

ابو الضبار من اصحاب زيد رضي الله عنه

ابو ضمرة الليثي اسمه انس بن عياض

ابو طارق اسمه كثير بن طارق

ابو طالب الانباري اسمه عبد الله بن ابي زيد

ابو طالب الازدي البصري الشعراني لركتاب بروى محمد

بن خالد البرقي وقال اصحابنا الا نعرف هذا الرجل الا من

جهته يعني المطلب الشعراني لركتاب ست

ابو طالب القلي اسمه عبد الله بن الصلت وابو طالب

ابنه كنية الحسن بن جعفر وعلي بن عبد الله ومحمد بن الحسن

بن يوسف ويحيى بن يعقوب

ابو طاهر البرقي اخو احمد بن محمد قرتج

ابو طاهر بن حمزة بن اليسع الاشعري ثقة قرتج ابو طاهر

بن حمزة بن اليسع اخو احمد روى عن الرضا عليه السلام في

روى عن ابي الحسن الثالث عليه السلام نهم روى عنه

احمد بن محمد بن عيسى وكان اسمه محمد بن حمزة فغلط

في باب الميم وابو طاهر كنية ابضه لعبد الواحد بن عمرو محمد

بن ابي يونس ومحمد بن سليمان بن الحسن ومحمد بن عبيد

الله بن احمد الزراري ومحمد بن علي بن حماد

روى ابو طاهر عن الرضا كما نقلنا عنه ترجمة اخيه احمد بن حمزة

ابو الطفيل اسمه عامر بن واثلة

ابو طوالة اسمه عبد الله بن عبد الرحمن الانصاري

ابو الطيب الرازي من حملة المتكلمين وله كتب كثيرة في الامامة وكان استاذ ابي محمد العلوي وكان رجلا ست وابو الطيبة لعبد الغفار بن عبد الله ابو

ابو الطيبان اسمه محمد بن مفلاص

ابو ظبيان اسمه الحصين بن جندب

ابو عاصم كنية لخصفين بن عاصم والضحاك بن محمد ويحيى بن عبد الحميد وغالب بن عبد الله

ابو عامر كنية لاخي سعيد بن جناح الازدي الذي روى النجاشي عند ترجمة اخيه سعيد بن جناح واسمعيل بن محمد الحميري وبريد بن اسمعيل وزارة بن اطيفر وكعب بن سلامة وخضر بن عمارة وعبد الاعلى بن كثير

ابو عايذ اسمه غازة بن السري

ابو العباس البقباق اسمه الفضل بن عبد الملك

ابو العباس صاحب غالب بن مروان له كتاب روى عنه محمد بن خالد البرقي ست وفي النجاشي روى احمد بن ابي عبد الله عن ابيه عنه

ابو العباس الطرناني قال نصر بن الصباح انه من الغلاة الكبار الملعونين ووقف على بن محمد العسكري عليه السلام كثر وفي صه الطبرناني بالباء الموحدة ثم الراء وابو العباس كنية ابيها عبد الله بن ابي عبد الله محمد بن عبد الله بن ابراهيم و

عبد الله بن جعفر وعبد الله بن احمد بن نهيك ومحمد بن خالد الرازي واحمد بن علي بن ابراهيم واحمد بن محمد الدينوري وزيد بن الزبرقان واحمد بن اصفهبد واحمد بن الحسن الاشعثي واحمد بن علي بن احمد النجاشي واحمد بن علي بن الحسن و احمد بن علي الرازي والوليد بن صبيح ومحمد بن جعفر الرزاز واحمد بن محمد بن سعيد المشهور بابن عقدة واحمد بن علي بن العباس المشهور بابن نوح وفي الاخير المشهر

ابو عبد الرحمن الاجرح له كتاب روى عنه القاسم بن اسمعيل القرشي ست ق خ

ابو عبد الرحمن من خواص امير المؤمنين عليه السلام

ابو عبد الرحمن العرزمي له كتاب روى عنه احمد بن ابي عبد الله ست لم خ

ابو عبد الرحمن الكندي المعروف بناه زنبر قال ابو الصباح انه كان من الغلاة الكبار الملعونين في وقف على بن محمد العسكري عليه السلام كش

ابو عبد الرحمن المسعودي له كتاب روى عنه ابو جعفر محمد بن موسى موذا ست لم خ وابو عبد الرحمن كنية ابي محمد بن الحسن الزعفراني ومحمد بن فضيل بن غزوان واسمعيل بن علي وبلال بن الحارث وعبد الله بن زياد واحمد بن شعيب وايوب بن عطية وطاوس بن كيسان

ابو عبد الله البجلي من اصحاب امير المؤمنين عليه السلام

ابو عبد الله البرقي اسمه محمد بن خالد بن عبد الرحمن

ابو عبد الله البقال من اصحاب العباسي لم يخ

ابو عبد الله الجاموراني الرازي اسمه محمد بن احمد

ابو عبد الله الجدلي اسمه عبيد بن عبد

ابو عبد الله الجرجاني كان خارجيا ثم رجع الى التشيع بعد ان كان تابع على الخروج واظهار السيف صدر منه نظر وان شئت الفضيل فلاحظ ترجمة محمد بن سعيد بن كلثوم واسم ابي عبد الله الجرجاني فتح بن يزيد

ابو عبد الله الحسني له كتب منها كتاب اخبار المحدثين ذكره محمد بن اسحق النديم ست

ابو عبد الله بن الخمر الشيخ الصالح روى عن الحسين بن احمد بن المغيرة وذكره النجاشي كما يظهر من النجاشي عند ترجمة الحسين بن احمد بن المغيرة

ابو عبد الله السباري اسمه احمد بن محمد بن سباري

ابو عبد الله الشاذاني اسمه محمد بن احمد بن نعيم

ابو عبد الله الصفواني اسمه محمد بن احمد بن عبد الله بن قضاعة

ابو عبد الله العاصمي اسمه احمد بن محمد بن احمد بن طلحة

ابو عبد الله الغزال كتاب روى عنه ابن ابي عمير ست

ابو عبد الله المغازلي غال دي يخ ويحتمل ان يكون اسمه محمد بن اسحق صاحب المغازي

ابو عبد الله المكاري دي يخ

ابو عبد الله هرون وجل كما يظهر من النجاشي محمد بن

محمد بن علي بن ابراهيم بن محمد وفي صدر ابو عبد الله بن هرون وجل ولعل لفظ ابن زائد كما يظهر من النجاشي وان كان في بعض النسخ النجاشي ابنه موجود وابو عبد الله كنية ابن هلال بن عبد الرحمن وابان بن عثمن واحمد بن ابراهيم بن ابي زانع واحمد بن الحسن الخزاز واحمد بن الحسن بن علي بن فضال واحمد بن الحسين بن سعيد بن عثمان واحمد بن صبيح واحمد بن عبد الواحد واحمد بن عبدوس واحمد بن محمد بن الحسن واحمد بن محمد الاملي واحمد بن محمد بن عبد الله واحمد بن محمد بن مسلم واحمد بن محمد بن يحيى الفارسي وادريس بن يزيد وارقم بن ابي الارقم واسود بن سريز بن واسود بن كريب وبسام بن عبد الله وبلال بن رباح وجبلة بن يزيد وجعفر بن احمد بن يوسف وجعفر بن احمد بن وهلك وجعفر بن زياد وجعفر بن عبد الله طاهر المدني وجعفر بن مالك وجعفر بن محمد بن جعفر وجعفر بن محمد بن سماعة وجعفر بن محمد بن مالك وجعفر بن محمد الدوريستي وجعفر بن هرون وجنيد بن عبد الله وسالم بن عطية وهرون بن عمران وحبش بن مبشر وحجر بن زايدة وحذيفة بن اليمان وحويز بن عبد الله والحسن بن صالح بن حي والحسين بن محمد الاسناني والحسين بن ابي سعيد هاشم والحسين بن احمد بن ادريس والحسين بن احمد بن شيبان والحسين بن احمد بن المغيرة والحسين بن احمد

النمري والحسين بن الحسن الجشمي والحسين بن زيد الحسين بن
سيف والحسين بن سليمان والحسين بن شاذويه
والحسين بن عبيد الله الغضائري والحسين بن عبد الله
السعدي والحسين بن علي بن الحسين بن بابويه والحسين بن
علي بن الحسين بن علي بن ابي طالب عليه السلام والحسين بن
علي المصري والحسين بن علي بن سفيان والحسين بن علي
الخزاز والحسين بن القاسم والحسين بن محمد بن علي الاودي
والحسين بن محمد بن الفرزدق والحسين بن محمد بن
عمران والحسين بن محمد بن جعفر والحسين بن الجنيد
والحكم بن مسكين والحسين بن سالم وخالد بن نجيح
داود بن سعيد وزكريا بن مالك وزكريا بن محمد
وسعيد بن عبد الرحمن وسفيان بن سعيد وسلمان
الفارسي ومحمد بن محمد بن النعمان ويحيى بن زكريا
بن شيبان وعبد المؤمن بن القاسم وعمرو بن سمرة ومحمد
بن ابي القاسم ومحمد بن ابراهيم بن جعفر ومحمد بن احمد
بن عبد الله ومحمد بن اسمعيل بن احمد وغورك بن ابي
الحصين وغيلان بن جامع وناصح بن عبد الله و
محمد بن اسمعيل بن رجا ومحمد بن اسمعيل بن مهمون
ومحمد بن بكر بن عبد الرحمن ومحمد بن بكر بن حماد و محمد
بن جعفر بن عنبسة ومحمد بن حسان الرازي ومحمد بن الحسن الضبي
ومحمد بن الحسن بن احمد بن الوليد ومحمد بن الحسن بن حازم و
محمد بن الحسن بن معمود ومحمد بن الحسن بن علي ومحمد بن الحسين بن

علي ومحمد بن حماد بن زيد ومحمد بن خالد بن عمرو
محمد الجليل بن اسد ومحمد بن زكريا بن دينار ومحمد بن
سليمان بن زكريا ومحمد بن سفاعر بن موسى ومحمد
بن شاذان ومحمد بن شريح ومحمد بن طلحة ابو محمد ومحمد
بن عباس بن عيسى ومحمد بن العباس بن علي ومحمد بن عبيد
الله بن صاعد ومحمد بن عبد الله بن غالب ومحمد بن
عبد الله بن الحسن ومحمد بن عبد الله بن عمرو ومحمد بن عبد
الله بن مملك ومحمد بن عبد الله بن نجيح ومحمد بن عبد
الملك ومحمد بن علي بن حمزة ومحمد بن القاسم بن زكريا
ومحمد بن قيس البجلي ومحمد بن قيس الاسدي ومحمد بن مالك
بن عبيد ومفضل بن عمر وموسى بن القاسم ويونس بن علي
ابو عبيدة الحذاء اسمه زياد بن عيسى وابو عبيدة كنية
ايضا لسليمان بن نصر

ابو عبيد كنية ليحيى بن مهران وجبير بن الاخوص

ابو عتاب كنية لزياد بن مسلم وعبد الله بن بسطام

ابو عثمان كنية لعلي بن عثمان وبكر بن محمد بن حبيب

وعمرو بن جميع

ابو علي اسمه عثمان بن زيد

ابو عروة اسمه معمر بن راشد

ابو عزة نحو

ابو عصام ذكر حميد بن زياد قال سمعت من ابي حفص
محمد بن الحسين بن حازم نوادر ابي عصام حسن وهو ت

ابن عصام

ابو عصمة اسمه نوح بن ابي مريم

ابو العلا كنية لخالد بن طهمان ومحمد بن اسلم وعمر
بن ثمامة العطار ومحمد بن خالد بن ذباد وجابر بن
شمير والحرث بن زياد وحماد بن زاشد وحبان بن
عبد الرحمن وعبد الرحمن بن ناصح وعبد الكريم بن سعد

ابو علي الاشعري اسمه احمد بن ادريس وقد يطلق على
محمد بن عيسى بن عبد الله الاشعري ايضا

ابو علي الجرجاني الكوفي ق خ

ابو علي الذي حدث عنه الحسين بن المخارق ق خ

ابو علي الحراني له كتاب روى عنه احمد بن ابي عبد الله
ت له كتاب روى عنه احمد بن محمد بن خالد عن ابيه

ابو علي بن زاشد كان وكيلا لمقام الحسين بن عبد
صه وذكرناه عند ترجمة علي بن الحسين بن عبد ربه

ابو علي بن زاشد كان وكيلا لمقام علي بن الحسين بن عبد ربه
وان شئت التفصيل فانظرها

ابو علي الطبرسي اسمه الفضل بن الحسن

ابو علي العلوي واخوه ابو الحسين اسمه محمد بن محمد
بن يحيى من بني زيادة معروفان جليلان من اهل
نيشابور لم خ

ابو علي الحمودي اسمه محمد بن احمد بن حماد

ابو علي النيشابوري لم خ وبنته النيشابورية والشيخ الفقيه
على صغره عند ترجمة محمد بن احمد بن يحيى

ابو علي بن همام اسمه محمد بن همام البغدادي وابو علي
كنية لاحمد بن اسحق واحمد بن اسمعيل بن عبد الله
واحمد بن جعفر بن سفيان واحمد بن الحسن الرازي
واحمد بن علي الرازي واحمد بن علي بن مهدي واحمد بن
محمد بن احمد واحمد بن محمد بن ابي نصر البزنطي واحمد بن
محمد بن جعفر واحمد بن محمد بن عمار واسباط بن سالم
وابراهيم بن الحسين واسمعيل بن علي الخزاعي وبطام بن
علي وجميل بن دراج وجميل بن عباس والحرث بن
ابي جعفر والحجاج بن فاتك وحديد بن حكيم والحسن بن
خالد والحسن بن زاشد والحسن بن علي بن ابي عقيل والحسين
بن العباس والحسن بن محبوب والحسن بن محمد القطان والحسين
بن محمد النهاوندي والحسن بن محمد بن احمد والحسين بن
ابي العلاء والحكم بن ايمن وسعيد بن علي والريان بن
الصلت وزرارة بن اعين وهرون بن عبد الغرير
ويونس بن يعقوب وعبد الله بن بكير وعبد الله
بن غالب وعبيد الله بن الحسين وعبيد الله بن علي
بن ابي شعبة وعمرو بن عثمان وعمرو بن الهاشم والفضل
بن شاذان ومحمد بن احمد بن الجنيد ومحمد بن احمد بن علي
ومحمد بن عبد الملك بن اعين ومحمد بن محمد بن الاشعث
وموسى بن جعفر الكندي وموسى بن عمر بن بزيع
نجم بن حطيم ووهب بن حفص

ابو عمار كنية لسعد بن حمد والحسين بن سلمة

ابو عمارة كنية لفليح بن يعقوب ومحمد بن حمر ومحمد بن سليمان
بن عمار وحمزة من حمد في داود بن سليمان وسليمان
بن عمرو ومحمد بن ظهير ومحمد بن عثمان بن زنباذ جعفر بن
عمارة وحمزة بن عبد المطلب وزاهر بن الاسود

ابو عمران كنية لموسى بن زنجويه ومحمد بن اسامة
ابو عمرة الانصاري اسمه ثعلبة بن عمرو
ابو عمرة الفارسي اسمه زاذان

ابو عمرو العمري اسمه عثمان بن سعيد

ابو عمرو الكشي اسمه محمد بن عمر بن عبد العزيز وابو عمرو
ابيض كنية لعاصم بن حفص وعبد الله بن دكين وعبد
الرحمن بن الاسود وعثمان بن عيسى ومحمد بن سليمان بن
سويد ومحمد بن محمد بن النضر ونعيم بن ميسرة وجويرية بن
عبد الله ودينار الاسدي وسعيد بن الحسن وسعيد
بن يحيى

ابو عمر كنية لبرد بن ابي زياد وبلال بن رباح واحمد
بن علي القاساني وعبد الله بن سعيد بن حيان

ابو العميس اسمه عتبة بن عبد الله

ابو عوف اسمه احمد بن ابي عوف

ابو عون الابرش روى الكشي بطريق ضعيف ما يدل
على ذمه

ابو عياش اسمه عفيف بن معوية

ابو عيسى كنية لعبيد الله بن الفضل ومحمد بن احمد بن
عمد ومحمد بن هرون الوراق ودبيس بن عبد

ابو عيينة روى عن الصادق عليه السلام وروى
عنه جعفر بن بشير كذا يظهر من مبحث البئر من التهذيب

ابو غالب الزراري اسمه احمد بن محمد بن سليمان

ابو غرة حج ونقلناه بعنوان المحرم

ابو غسان الدهلي اسمه حميد بن زاشد

ابو غسان النهدي له كتاب روى عنه ابن مهدي

وابو غسان كنية ابي محمد بن سعد ومحمد بن مطرف

ابو الغمر روى الكشي عند ترجمة جعفر بن واقد عن محمد
بن فولويه والحسين بن الحسن بن بندار قال احدثنا سعد
بن عبد الله قال حدثني ابراهيم بن مهزيار ومحمد بن عيسى
بن عبيد عن علي بن مهزيار قال سمعت ابا جعفر عليه
السلام يلعن ابا الغمر .

ابو غياث كنية لداود بن حبيب وسعد بن طالب

ابو فاختة مولى ابي هاشم حج من حواطر امير المؤمنين عليه
السلام قاله العلامة واخو الباب الاقل من صه وكان اسمه
سعيد بن جمان كما يظهر من النجاشي عند ترجمة هرون بن الجهم

ابو الفتح كنية لمحمد بن جعفر بن محمد وهلال بن ابراهيم

ابو الفتوح الرازي اسمه الحسين بن علي بن محمد

ابو فراس اسمه الفرزدق

ابو الفرج الاصفهاني صاحب المذهب له كتاب اخبار ابي
احمد بن عبيدون بجميع رواياته ورد وعن الدوري

وابو الفرج كنية ابي محمد بن ابي عمران وعثمان بن ابي زياد و

وكان اسم ابراهيم بن عبيد

مظفر بن احمد القروينى

ابو فضال اسمه ثابت البنانى

ابو الفضايل اسمه احمد بن موسى بن جعفر

ابو الفضل الخياط اسمه سالم

ابو الفضل الخراسانى روى الكبى عن محمد بن مسعود عن حمدان بن احمد القلانسى عن معوية بن حكيم عن ابى الفضل الخراسانى وكان له انقطاع الى ابى الحسن عليه السلام وكان بخالط القراء ثم انقطع الى ابى جعفر عليه السلام

ابو الفضل الصابونى له كتب كثيرة روى عنه ابو على ابن همام بن احمد وابو محمد الحسن بن محمد الخزاعى يعرف بابن ابى العقاق واسمه محمد بن احمد بن ابراهيم بن سليم وابو الفضل كنية ابى عاصم بن حميد والعباس بن عامر والعباس بن الفضل والعباس بن موسى والعباس بن معروف والعباس بن هشام وعبد الرحمن بن ابى نجران وعمار بن موسى وقيس بن كلثم ومحمد بن احمد بن ابراهيم وادريس بن زياد وادريس بن الفضل وجعفر بن المعروف المعروف بندى وخالد بن سدير وسدير بن حكيم وسلم بن الخطاب

ابو القاسم اسمه عبد الله بن عمران مأجيلويه كما يظهر من ترجمة على بن ابى القاسم وكنية لعونة بن عمار وجعفر بن محمد بن قولويه وجعفر بن الحسن المحمودى وبريد بن معوية العجلى وعمر بن على بن على وجعفر بن محمد بن اشنى وجعفر بن محمد الاشعرى والحسن بن محمد بن الحسن والحسين بن على بن الحسين وحميد بن زياد وجعد بن شعيب وسعد بن عبد الله وسعيد بن جعفر وهرون بن مسلم ويحيى بن زكريا واسمه سهل الواسطى الذى وثقه النجاشى عند ترجمة عبيد الله بن زيد وعبد الله بن احمد بن عامر وعبد الله بن طاهر وعبد الرحمن بن ابى حماد وجابر بن يزيد وعبد العزيز بن يحيى وعبد العزيز بن اسحق وعبد العظيم بن عبد الله وعبد الواحد بن عبد الله وعلى بن احمد الكوفى وعلى بن الحسن بن الفاسم وعلى بن الحسين بن موسى وعلى بن محمد بن عيص وعيص بن القاسم وفضل بن شاذان ومحمد بن طلحة والمنذر بن محمد ونضر بن الصباح ويحيى بن عقبة

ابو قتادة الانصارى اسمه الحرث بن ربعى

ابو قتادة القمى اسمه على بن محمد بن حفص

ابو قدامة مكنية محمد بن قيس الاسدى وحجية بن جوين

ابو قرة السلمى تج

ابو قراط اسمه محمد بن جعفر بن محمد بن حفص

ابو قيس مولى قريش تج

ابو كثير كنية لعبد الوهاب النهاوندى والمسمون بزيد

ابو الكنود الوابلى تج

ابو كهمس كنية هيثم بن عبد الله والقاسم بن عبد الله بن عبد السبيانى

ابو لبابة كنية البشير بن عبد المنذر ورفاعة بن عبد المنذر

ابو لبيد المهرى تج

ابو لبلى اصحاب امير المؤمنين عليه من الاصفياء صه
ابو مالك الاشعرى لج خ وابو مالك كنيته لهيعة الحضرمى
ومحمد بن صخر
ابو المعلون فى ج
ابو ماوية بن وهب بن الاجدع من المجهولين من اصحابنا
امير المؤمنين عليه السلام صه فى احوال الباب الاول
ابو المثنى اسمه محمد بن الحسن بن عمر
ابو مجعدا سمه ثابت بن يزيد
ابو المحلم كوفى ثقة قم ج
ابو المجلد اسمه عبد الله بن شريك
ابو محمد الانصارى من اصحاب الرضا عليه السلام قال
الكشى قال نضر بن الصباح ابو محمد الانصارى الذى
يروى عنه محمد بن عيسى العبيدى وعبد الله بن ابراهيم جعفرى
لا اعرفه فى باب ان المؤمن لا يكره على فضل وجده من الكافى
ابو على الاشعرى عن محمد بن عبد الجبار عن ابى محمد
الانصارى قال وكان خيرا
ابو محمد التفليسى اسمه الحسن وقد طعنوا على شريف بن سابق
ابو محمد الجمال الكاتب روى احمد بن ابى عبد الله عن
ابيه عنه واسمه عبد الله بن محمد الاسدى
ابو محمد بن خلاد الكرخى عامى صه وابو محمد كنية ابن
للعباس بن عيسى والحسن بن ابى عبد الله محمد وعبد الله
بن ابى يعفور وعبد الله بن ابراهيم بن ابى عمرو وعبد الله
بن ابراهيم بن محمد وعبد الله بن جبلة وعبد الله بن الحسن بن
الحسن عليه السلام وعبد الله بن الحسين بن سعيد وعبد
الله بن الحسين بن محمد وعبد الله بن عامر وعبد الله بن
العلا وعبد الله بن الفضل بن عبد الله وعبد الله بن
محمد البلوى وعبد الله بن محمد بن عبد الله وعبد الله
بن مسكان وعبد الله المعيرة وعبد الله بن وضاح و
عبد الله بن هرون وعبد الله بن يحيى وعبيد الله بن
محمد بن عائذ وعبد الرحمن بن الحسن وعبد الرحمن بن ابى
حماد وعبد الرحمن بن احمد بن نهيك وعبد الرحمن بن
احمد بن يحيى وعبد الرحمن بن محمد بن ابى هاشم وعبد
الرحمن بن محمد بن عبيد الله وعبد الرحمن بن هلقام وعبد
الوهاب الماذرائى وعلى بن حمزة وعمرو بن حريث وعمران
بن سليمان وعمران بن مسكان والعمركى بن على وعباث
بن ابراهيم والفضل بن شاذان والفضل بن عثمان والقاسم
بن اسمعيل والقاسم بن الحسن والقاسم بن عروة والقاسم
بن الفضيل وقتيبة بن محمد وكليب بن معاوية وليث بن البختري
ويحيى بن القاسم ومحمد بن عبد الله ابن عم الحسين بن ابى
العلا ومرازم بن حكيم ومسعدة بن صدقة ومصبح بن
هلقام والمعلى بن محمد ومعوية بن ميسرة ومفضل بن
عمر ومنصور بن الوليد ومروان بن موسى وهشام بن
الحكم ويحيى العلوى ويونس بن عبد الرحمن وابراهيم بن عبد
الرحمن واسمعيل بن محمد بن اسمعيل واسمعيل بن مهران

واشعث بن قيس وامية بن علي وبشير الازدي وبكر
بن جناح وبكر بن محمد بن عبد الرحمن وثابت بن محمد وجابر
بن يزيد وجبريل بن احمد وجعفر بن بشير وجعفر بن الحسين
بن علي وجعفر بن سليمان وجعفر بن علي بن سهل وجعفر بن
محمد بن جذب وجعفر بن معروف وجعفر بن وداع وجميل
بن دراج وجعفر بن يحيى بن العلا وحذيفة بن منصور و
الحسن بن ابي قتادة علي والحسن بن احمد بن محمد والحسن بن
راشد والحسن الرونديي والحسن بن ظريف والحسن بن
علي بن ابي عقيل والحسن بن علي الجمال والحسن بن علي
الهمداني والحسن بن علي الزينوني والحسن بن علي بن احمد
الحسن بن علي الخابد وعبيد بن امي والحسن بن علي بن عبيد
الله والحسن بن علي بن ابي حمزة البطائني والحسن بن علي بن
زياد والحسن بن علي بن فضال والحسن بن علي بن الحسن
والحسن بن علي بن ابي عثمان والحسن بن علوان والحسن بن
العباس والحسن بن علوية والحسن بن محمد بن جمهور والحسن بن
محمد بن يحيى والحسن بن محمد بن الفضل والحسن بن محمد بن الجعد
والحسن بن محمد بن سفاعة والحسن بن موسى والحسين بن سعيد و
حفص المؤذن ورفيع بن عبد الرحمن والحكم بن عتيبة و
الحكم بن مسكين والحكم بن هشام وحماد بن عيسى و
حميد بن محمد والربرقان البصري وزرعة بن محمد وزيد بن
وسعيد بن جبير وسعيد بن المسيب وسالم بن عبد الله و
عبد الله بن سعيد وسفيان بن مصعب وسكين بن عبد

وسليمان بن جعفر وسليمان بن عبد الله الديلمي وسليمان
بن مهران وسماعة بن مهران وسهل بن احمد وسهل
بن حنيف وسهل بن زياد وبه وصالح بن علي وصباح بن
يحيى وصفوان بن مهران وصفوان بن يحيى وطاهر بن
علي وهيثم بن المسروق ويحيى بن احمد بن محمد ويعقوب
بن شعيب

ابو مخلد الخباط اسمه مجهول ثقة ج

ابو مخلد المراج له كتاب روى عنه القاسم بن اسمعيل
القرشي ست له كتاب روى عنه ابن ابي عمير خ ش

ابو مخنف اسمه لوط بن يحيى

ابو مروان اسمه عمرو بن عبد البصري

ابو مرهف ق ج خ

ابو مريم ق ج خ

ابو مريم الانصاري اسمه عبد الغفار بن القاسم وابو مريم
كنية ابي بكر بن حبيب

ابو المستهل كنية كعب بن زيد وسلمة الكوفي المنشد
بن نهيك وعباد بن ابي العطارد ويونس بن خالد

ابو مسروق اسمه عبد الله وابنه الهيثم قال احمد وبه
نصف اصحابنا بذكرونهما كلاهما فاضلان كش وقد ذكرهما

ابو مسلم اسمه اهبان بن صفي

ابو مسور اسمه فضيل بن دينار

ابو مصعب الزبيدي ثقة م ج

احمد بن الفاكرد
الحسن بن جعفر بن
الحسن والحسن بن
الهيثم والحسن بن حمزة
والحسن بن

ابو المطهر اسمه عطيه بن نجيح

ابو المظفر كنية لعبد الكريم بن احمد ومحمد بن احمد الفقيه

ابو معاذ النضري تي خ وابو معاذ كنية ايضا لابوب بن علاق وعبدان بن محمد واسماعيل بن عباد وعبد الواحد الوازي

ابو معوية اسمه معوية بن عمار

ابو معبد كنية لوبد بن وبيه والمقداد بن عمرو

ابو المعتمر اسمه حامد بن عمير

ابو معشر المذكر كتب ذكره عند اسمه محمد جش

ابو معمر كنية لاسمعيل بن كثير وسعيد بن خثيم

ابو المغراء اسمه حميد بن المثنى

ابو المغيره الوبيد الكوفي والد علي

ابو المفضل الشيباني اسمه محمد بن عبد الله بن محمد بن عبد الله وابو المفضل كنية ايضا لنضر بن حرام وقيس بن رمانه

ابو مقاتل اسمه صالح الدبلي

ابو المقدام اسمه ثابت بن هرمز

ابو ملك م خ

ابو المنذر كنية لجارود بن المنذر وابي بن كعب بن قيس وحضير بن الحكم وزهير بن محمد وهشام بن محمد وعجي بن سابق

ابو منصور الصرام من جلة المتكلمين من اهل نيشابور وكان وعظ بها وكان رئيسا مقدما اورد له ت ث وابو منصور كنية ايضا للحسن بن يوسف العلاء مذكور وظفر بن حمدون

ابو موسى البناء روى الكشي عن حمدويه وابراهيم ابني نصير عن محمد بن عيسى عن ابن ابي عمير عن هشام بن الحكم قال دخل ابو موسى البناء على ابي عبد الله عليه السلام ومعه من اصحابنا فقال لهم ابو عبد الله عليه السلام احفظوا بهذا الشيخ قال فذهب على وجهه في طريق مكة فقال من فرح فلم ير بعد ذلك وابو موسى كنية ايضا لعمر بن يزيد بن ذبيان وعبد الله بن قيس وعلي بن احمد وعلي بن المستفاد وعلي بن مهران وهرون بن عمر

ابو ناب اسمه الحسن بن عطيه

ابو ناشره اسمه سفاعة بن مهران

ابو نجران ابو عبد الرحمن بن ابي نجران وجد في كتاب ابي عبد الله محمد بن نعيم الشاذاني بخطه حدثني جعفر بن محمد المذابني عن موسى بن القاسم البجلي عن حنان بن سدير عن ابي نجران قال قلت لابي عبد الله اني ارابه يجيكم الاتيه بشرب هذا النبيذ فالحنان و ابو نجران هو الذي يشرب النبيذ غيره كنى عن نفسه قال فقال ابو عبد الله عليه السلام فهل كان بكر قال قلت اي والله فداك انه بكر قال قرء الصلوة قال قلت ربما قال للجارية صلي انا طهر فربما قال له

نعم فلقد صليت ثلث غداة وربما قال للجارية قدامه
الباردة العمة فيقول لا والله ما صليت ولقد
اغطاك وجهد نابك فامسك ابو عبد الله عليه
السلام يده على جبهته طويلا ثم نحى يده ثم قال قال
بزكه فان ذلك به قدم فان له قدما ثابتا بمودتنا
اهل البيت عليه السلام كش

ابو نصر بن يوسف بن الحرث بزى كش وابو نصر كنيته
لاحمد بن يحيى واحمد بن يعقوب ووهب بن محمد وهبه
الله احمد وفتيبة بن على ومحمد بن قيس الاسدى ومحمد بن
ميمون ومخلد بن شداد

ابو نضرة العبدى تج

ابو النضر اسمه محمد بن المسعود العياشى

ابو النعمان اسمه الحرث بن حضيرة

ابو نعيم كنية لاحمد بن عبد الله ودبعى بن عبد الله
ومحمد بن احمد بن محمد بن سعيد وفى الاول اشهر

ابو نوح الكلاعى تج

ابو وائل اسمه عمرة بن الزبير

ابو الورد تى تج

ابو الورد قو تج وروى محمد بن يعقوب الكلينى قدس
سره بطريق صحيح الى سلمة بن محرز عن ابى عبد الله انه
قال يا ابا الورد اما انكم فتجبون اى عن الحج مغفورا
لكم واما غيركم فمحفوظون فى اهاليهم واموالهم

ابو الوفا المرادى روى عنه على بن بحر وروى
عن سدير كما يظهر من يعقوب بن يزيد المحضى بن ابى عمير

ابو ولاد اسمه حفص بن سالم

ابو الوليد كنية لاسمعيل بن كثير النكرى وبشر
بن جعفر والحسن بن زياد الصيقل وزريح بن محمد
المثنى بن داشد ويضر بن عبد الرحمن ويضير بن
ابجر الاشعث

ابو وهب اسمه الحرث بن غصين

ابو هرون شيخ من اصحابنا ابى جعفر عليه السلام حدث
جعفر بن محمد قال حدثنى على بن الحسن بن على بن فضال
قال حدثنى عبد الرحمن بن ابى نجران قال حدثنى ابو هرون
قال كنت ساكنا دار الحسن بن الحسين فلما علم بقطعا
الى ابى جعفر وابى عبد الله عليه السلام اخرجنى من
داره قال فمر بى ابو عبد الله عليه السلام فقال لى
ابا هرون بلغنى ان هذا اخرجك من داره قال قلت
نعم جعلت فداك قال بلغنى انك كنت تكثر فيها تلاوة
كتاب الله تعالى والدار اذا تلى فيها كتاب الله كان لها
نور ساطع فى السماء تعرف من بين الدور كش

ابو هرون المكفوف له كتاب روى عنه عيسى بن
هشام ست وقال الكشى حدث الحسين بن الحسن بن
بندار القمى قال حدث سعد بن عبد الله بن ابى خلف
قال حدثنا احمد بن محمد بن عيسى عن يعقوب بن يزيد

ومحمد بن عيسى بن عبيد عن محمد بن ابي عمير قال قلت
لبعض اصحابنا قال قلت لابي عبد الله عليه السلام
نعم ابو هارون المكفوف اتاك فقلت له ان كنت تريد
القديم فذلك لا يدركه احد وان كنت تريد الذي
خلق ورزق فذلك محمد بن علي فقال كذب علي عليه
لعنة الله والله ما من خالق الا الله عز وجل وحده
لا شريك له وعلى الله ان يدنينا الموت ولكنه
لا يهلك هو الله خالق الخلق بارئ البرية

ابو هاشم الجعفري اسمه داود بن القاسم وابو هاشم
كنية ابيه لجعفر بن محمد الاعلوي

ابو هبيرة اسمه المغيرة بن عبد السلام

ابو الهذيل كنية لسيف بن عبد الرحمن وغالب
بن الهذيل

ابو همام اسمه قزعة وسيجيء ابو ابي همام اسمه ومنه يعرف
ابو هبيرة الميزان قال العقيقي نوح عليه ابو عبد
الله عليه السلام وقيل له انه كان يشرب النبيذ فقال
ابغض علي الله ان يعفو لمحب علي على شرب النبيذ و
الخمر صه

ابو هلال الذي حدث عنه يعقوب بن سالم قزعة

ابو هشام اسمه اسمعيل بن هشام

ابو همدان اسمه القاسم بن سهران

ابو الهيثم بن التيهان روى الكشي عن الفضل
شاذان انه من السابقين الذين رجعوا الى امير
المؤمنين عليه السلام وابو الهيثم كنية اليفع الله
بن عبد الرحمن

ابو يحيى الجرجاني اسمه احمد بن داود بن سعيد

ابو يحيى الموصلي اسمه زكريا كوكب الدم

ابو يحيى الواسطي اسمه سهيل بن زياد وابو يحيى كنية
ايضا لابراهيم بن ابي البلاد وعمر بن نعيم وفليح بن
سليمان وليث بن كيسان ومحمد بن يحيى المصبحي
ويحيى بن عقد وحبيب بن ابي ثابت وحكيم بن سعد
وذكر ابن سوادة وعبد الرحمن بن عثمان و
علي بن زيد ومنصور بن يونس وسلمة بن كهيل

ابو يزيد اسمه خالد بن يزيد

ابو اليسر بن عمرو الانصاري وهو الذي لما
نزل قوله تعالى يا ايها الذين امنوا اتقوا الله و
ذروا ما بقي من الربا ان كنتم مؤمنين قال وددنا
فلما تركت فلكم رؤس اموالكم قال رضينا فلما
تركت وان كان ذو عسرة فنظرة الى ميسرة قال
فانظرنا فلما تركت وان تصدقوا خير لكم ان كنتم
تعلمون قال تصدقنا حتى حج واسم كعب بن عمرو

ابو اليسع اسمه عيسى بن السري

ابو يعقوب الاسكاف اسمه يوسف بن الصيد الكوفي قزعة

ابو يعقوب الجعفي له كتاب روى عنه احمد بن محمد بن عيسى

ابو یعقوب المقری روی الکشی عند ترجمة زید بن
علی علیه السلام عن محمد بن مسعود قال حدثنا ابو عبد الله
الشاذانی وکتب به الی قال حدثنا الفضل بن احمد
ابی قال حدثنا ابو یعقوب المقری وکان من کبار
الزیدیة بالحدیث وفی صدره روی الکشی عن ابی عبد الله
الشاذانی الی اخره وکان سقط اسم محمد بن مسعود
وابو یعقوب کنیة ابیه لاحمد بن العباس واسحق بن
بزید واسحق بن حریز واسحق بن عبد العزیز و
اسحق بن عمار واسمعیل بن مهران وشعیب بن
یعقوب ویزید بن حماد

ابو یعلی کنیة لحمزة بن عبد المطلب وحمزة بن القاسم
وحمزة بن یعلی وسلار بن عبد العزیز ومحمد بن الحسن
بن حمزة

ابو الیقظان کنیة لنوح بن الحکم وعمار بن ابی
الاحوص وعمار بن یاسر وعمار بن موسی

ابو یوسف کنیة لیعقوب بن اسحق ویعقوب بن
یزید ویعقوب بن عیثم ویعقوب بن نعیم

فصل فیما صدر بابن

ابن ابی الباس اسمه زید بن محمد بن جعفر

ابن ابی اویس لکتاب روی عنه محمد بن ایوب
الحسین بن علی بن زیاد ست

ابن ابی بردة اسمه ابراهیم بن مهزم

ابن ابی البلج اسمه محمد بن احمد بن محمد بن عبد الله

ابن ابی جهم اسمه جهم بن ابی جهم

ابن ابی جید اسمه علی بن احمد بن محمد بن جید

ابن ابی حماد اسمه صالح بن ابی حماد

ابن ابی ذارم اسمه احمد بن محمد بن السری

ابن ابی الذئب اسمه محمد بن عبد الرحمن

ابن ابی الزوفاء روی الکشی ان ابا جعفر الثانی علیه
السلام لعنه

ابن ابی سعید المکاری یحیی عند ابن الزاج

ابن ابی الصلت اسمه احمد بن محمد بن موسی

ابن ابی الصهبان اسمه محمد بن عبد الجبار

ابن ابی العزاقر اسمه محمد بن علی السلمانی

ابن ابی عقیل اسمه الحسن بن علی بن ابی عقیل

ابن ابی عمیر اسمه محمد بن ابی عمیر

ابن ابی لیلی اسمه ابراهیم بن خالد

ابن ابی نجران اسمه عبد الرحمن

ابن ابی نصر اسمه احمد بن محمد بن ابی نصر

ابن ابی هراسة اسمه لکتاب الایمان والکفر والتوبة
وتقدم احمد بن نصر بن سعید المعروف بابن ابی
هراسة وابراهیم بن دعلج الشیبانی المعروف بابن
ابی هراسة

ابن ابی یعفور اسمه عبد الله

ابن اخت ابي بصير يحيى بن القاسم اسمه شعيب بن يعقوب

ابن اخت ابي سهل اسمه الحسن بن موسى

ابن اخت ابي مالك الحضرمي اسمه الحسن بن محمد الحضرمي

ابن اخت خالد المقرىء اسمه محمد بن علي بن ابراهيم بن موسى

ابن اخت سليمان بن خالد الاحمر عرض بن القاسم و اخوه الربيع

ابن اخت صفوان بن يحيى اسمه ابان بن محمد المعروف بسابق

وقد يطلق على سعد اخي فارس ايضا

ابن اخت علي بن مهزيار اسمه الفضل بن عثمان

ابن اخي ابي الحسن علي بن عاصم اسمه احمد بن محمد بن احمد بن طلحة

ابن اخي خالد اسمه حكم بن حكيم كذا يظهر من الفقيه

ابن اخي خيثمة واسمعيل اسمه بطلم بن الحصين

ابن اخي ذبيان اسمه احمد بن يحيى

ابن اخي طاهر اسمه الحسن بن محمد بن يحيى

ابن اخي عبد الملك بن عمرو اسمه هشام بن الحرث

ابن اخي فضيل لعله اسمه الحسن بن اخي فضيل بن يسار كما يظهر من الكافي في باب ما ينقض الوضوء حيث روى ابن ابي عمير عن الحسن بن اخي فضيل عن فضيل عن ابي عبد الله عليه السلام ومن كتاب الكاهلي حيث روى ابان ابن ابي عمير عن ابن اخي فضيل بن يسار

ابن اخي محمد اسمه الحسن بن محمد

ابن ادريس اسمه محمد بن ادريس

ابن ادينة اسمه عمر بن محمد بن عبد الرحمن بن ادينة

ابن الاسود اسمه احمد بن علويه

ابن اشيم اسمه موسى بن اشيم وقد يطلق على محمد بن اشيم ومالك بن اشيم وعلي بن احمد بن اشيم والحسن بن اشيم ويظهر ذلك من حديث كراهة السواك من التهذيب

ابن الامام اسمه محمد بن ابراهيم بن محمد

ابن بابا الفضل اسمه الحسن بن محمد بن بابا وسنذكره بعنوان ابن بابا كما صححه ابن داود

ابن بابويه اسمه محمد بن علي بن الحسين بن موسى بن بابويه وقد يطلق على اخيه الحسين وعلى ابيه علي بن الحسين ايضا

ابن البراج اسمه عبد العزيز بن نحرير

ابن البصري اسمه محمد بن احمد بن محمد

ابن بطة اسمه محمد بن جعفر بن احمد

ابن بقاح اسمه الحسن بن علي بن بقاح

ابن بكير اسمه عبد الله بن بكير

ابن بنت ابي حمزة الثمالي اسمه الحسين بن حمزة

ابن بنت احمد بن محمد البرقي اسمه علي بن محمد بن ابي القاسم

ابن بنت الباس الناصر في اسمه الحسن بن علي بن زياد

ابن بنت زياد الشعام اسمه القاسم بن ربيع

ابن بنت سعد بن عبد الله اسمه موسى بن محمد

ابن جبلة اسمه عبد الله

ابى البشر اسمه عمر بن محمد بن سليم

ابن جمهور اسمه محمد بن الحسن بن جمهور ويجعل ابن بطلان

على ابنه الحسن بن محمد بن جمهور ايضاً

ابن الجنيد اسمه ابن محمد بن عمران

ابن الجنيد اسمه محمد بن احمد بن جنيد

ابن الحاشر اسمه احمد بن عبد الواحد

ابن الحجام اسمه محمد بن العباس بن على

ابن حمدون الكاتب اسمه احمد بن ابراهيم

ابن خالويه اسمه على بن محمد بن بوصنف

ابن خانبه اسمه احمد بن عبد الله بن مهران

ابن خرفه اسمه محمد بن محمد بن الخضر

ابن داود الفقى اسمه محمد بن احمد بن داود وقد يطلق

على احمد بن داود

ابن داود الحلى اسمه الحسن بن على بن داود

ابن راشد اسمه الحسن بن راشد

ابن رباط اسمه على بن الحسن بن رباط وقد يطلق

على الحسن والحسين وبوسن بنى رباط ايضاً

ابن الرضا اسمه عيسى بن جعفر بن على

ابن روبداه اسمه محمد بن جعفر بن عنبسر وقد يطلق على

على بن محمد بن جعفر ايضاً

ابن الزبير اسمه على بن محمد بن الزبير

ابن زنبيب اسمه محمد بن ابراهيم بن جعفر

ابن السراج وابن ابى سعيد المكارى وعلى بن ابى حمزه

كانوا من اهل الضلال ضد وكان ابن السراج احمد

ابى بشر السراج واسم ابن ابى سعيد الحسين بن ابى سعيد

ابن السكيت اسمه يعقوب بن اسحق

ابن سماعه اسمه الحسن بن محمد بن سماعه

ابن سنان قد يطلق على محمد بن وقد يطلق على

عبد الله بن سنان

ابن الشاذ كونى اسمه سليمان بن داود المنقرى

ابن شهراشوب اسمه محمد بن على بن شهراشوب

ابن طاووس اسمه احمد بن موسى بن جعفر وقد يطلق

على اخيه على بن موسى بن جعفر وعلى ابن عبد الكريم

بن احمد ايضاً

ابن طبلل اسمه على بن الحسن بن القاسم

ابن الطحان اسمه حمزه بن الطحان

ابن الطحانى اسمه احمد بن العباس

ابن عبدك من اهل جرجان اظنه يكنى ابا محمد محمد

بن على العبدكى من كبار المتكلمين فى الامامه له مصانيف

كثيره وكان يذهب الى الوعيد ست وقد مضى بعنوان

محمد بن على بن عبدك مع بعض احواله

ابن عبدوس اسمه احمد بن عبدوس

ابن عبدون اسمه احمد بن عبد الواحد

ابن عجلان كان اسمه محمد بن عجلان

ابن

ابن العرزمي بجملان يكون اسمه عبد الرحمن بن محمد بن
عبد الله العرزمي وعلي بن ابي منصور العرزمي
ابن عصام له نوادر ذكرته جملة وفي النجاشي
ابو عصام كما نقلناه
ابن عقده اسمه احمد بن محمد بن سعيد
ابن عم الحسين بن ابي العلاء اسمه محمد بن عبد الله
ابن الغراب اسمه علي بن عبد العزيز
ابن الغضائري اسمه احمد بن الحسين بن عبيد الله
ابن الفارسي اسمه محمد بن احمد بن علي
ابن فضال اسمه علي بن الحسن بن علي بن فضال وقد
يطلق على احمد بن الحسن بن علي بن فضال ومحمد
الحسن بن علي بن فضال والحسن بن علي بن فضال
ومن بين الثلاثة في الاخير اشهر
ابن فيه اسمه محمد بن عبد الرحمن بن فيه
ابن الفداح اسمه عبد الله بن ميمون
ابن مبرا اسمه عبد الوهاب النهاوندي
ابن قياما اسمه الحسين بن قياما
ابن كاوه اسمه حبيب بن ذاشد
ابن كبريا اسمه موسى بن الحسن بن محمد
ابن كثير اسمه عبد الوهاب النهاوندي
ابن المبارك اسمه يحيى بن المبارك
ابن منويه اسمه علي بن محمد بن علي

ابن محبوب اسمه الحسن بن محبوب
ابن مسكان اسمه عبد الله بن مسكان ولم يجمع
اسم ابنهم مسكان مثل عمران بن مسكان ومحمد بن
مسكان والحسين بن مسكان وصفوان بن مسكان
الا اظن اجملان يطلق ابن مسكان الاعلى عبد الله
بن مسكان
ابن المعلم اسمه محمد بن محمد بن النعمان
ابن المغيره اسمه عبد الله بن المغيره
ابن مملك الاصفهاني يكنى ابا عبد الله على ما اظن
من متكلمي الامامية له كتب ست وكان اسمه محمد بن عبد
الله بن مملك
ابن مشاجع اسمه الحسين بن مشاجع
ابن النديم اسمه محمد بن اسحق النديم كذا بخطه من
الفهرست عند ترجمة ابي خالد بن عمرو ابي عبد الله
الحسني
ابن نوح اسمه احمد بن علي بن العباس
ابن نهيك اسمه عبد الله بن احمد بن نهيك وابنه
عبد الرحمن
ابن وضاح له كتاب المغيبر ست
ابن الوليد اسمه محمد بن الحسن بن احمد بن الوليد
ويجمل ان يطلق على ابنه احمد بن محمد وعلى محمد بن
الوليد الخزاز ابنه

ابو هما م اسمه اسمعيل بن همام وقد يطلق على محمد بن قسم ابن يايا الفقيه اسمه الحسن بن محمد

باب الالقاب والنسب

الاحمري اسمه ابراهيم بن اسحق

الاحول اسمه محمد بن علي بن النعمان

اخو ادم اسمه ايوب بن الحر

اخو دارم اسمه محمد بن عبد الله العقلابي

اخو طرمال اسمه ابراهيم بن جبل

اخو عذافر اسمه عمر بن عيسى

اخو فارس اسمه طاهر بن حاتم

اخو منصور اسمه سلمة بن محمد

استونه اسمه احمد بن محمد الدينوري

الاسدي اسمه محمد بن جعفر الاسدي وقد يطلق على عبد الله بن محمد الاسدي ويحيى بن القاسم الاسدي وغيرهما

الاصم اسمه عبد الله بن عبد الرحمن الاصم

الاطروش اسمه الحسن بن علي بن الحسن

الانصاري اسمه عبد الغفار بن القاسم

الاعمش اسمه سليمان بن مهران وقد يطلق على اسمعيل بن عبد الله ايضا

الافرق اسمه عمر بن خالد

البرذون اسمه جعفر بن شبيب

البرقي اسمه محمد بن خالد ويقال لابنه احمد بن محمد بن خالد ويحتمل ان يطلق على الحسن بن خالد ومحمد بن ابي القاسم وعلي بن محمد بن ابي القاسم

البرمكي اسمه محمد بن اسمعيل بن احمد بن زرج لقب لمحمد المكنى بابي صالح كما يظهر من ترجمة علي بن ابي صالح ولقب ليونس كما يظهر من ترجمة عيسى بن يونس ومنصور بن يونس

+ بندار هو ابو القاسم عبد الله بن عمران مما يلي

البيزنطي اسمه احمد بن محمد بن ابي نصر ويمكن ان يطلق على القاسم بن الحسين ايضا

البوفري اسمه الحسين بن علي بن سفيان وقد يطلق على احمد بن جعفر بن سفيان والحسن بن علي بن زكريا وموسى بن ابراهيم يظهر ذلك من اخر باب الجنايات من التهذيب

البطل اسمه عبد الله بن القاسم

البغدادي اسمه الفضل بن عبد الملك

البلالي يظهر من الكشاة تقدمه ومن يحتمل ان يكون اسمه محمد بن علي بن بلال او علي بن بلال او محمد بن بلال

البلوي اسمه عبد الله بن محمد

بنان اسمه عبد الله بن محمد بن عيسى

+ البوفكي اسمه المعمر بن علي

الثعلبي اسمه هرون بن موسى
التمار اسمه سالم وكان سالم ابن ابي حفصة
الثمالي اسمه ثابت بن دينار
ثوابا اسمه محمد
الجاموراني اسمه محمد بن احمد
الجرمي اسمه علي بن الحسن الطاهر
الجعابي اسمه محمد بن عمر بن محمد
الجعفري اسمه داود بن القاسم وكثيرا يطلق على
سليمان بن جعفر ابنه
جعفه اسمه اسمعيل بن عبد الرحمن
الجلودي اسمه عبد العزيز بن يحيى
الجوزاني اسمه علي بن ابراهيم بن محمد وقد يطلق
على ابنه احمد بن علي بن ابراهيم
الحارثي اسمه محمد بن احمد بن محمد بن الحرث
الحجال اسمه عبد الله بن محمد الاسدي ويحمل ان
يطلق على الحسن بن علي الفيتي واحمد بن سليمان ابنه
الحدادي اسمه علي بن محمد بن جعفر
الحصيني اسمه اسحق بن ابراهيم وقد يطلق على ابنه محمد
بن ابراهيم ابنه
حفيه اسمه اسمعيل بن عبد الرحمن
الحلبي يطلق على محمد بن علي بن ابي شعبة وعلى ابنه
عبد الله وعمران وعبد الاعلى وعلى ابيهم على ابي
شعبة واحمد بن عمر بن ابي شعبة وابيه عمر بن ابي
شعبة واحمد بن عمران وفي الاقوام في الثاني
الحماني لكتاب المناقب روى عنه احمد بن هشيم
وكان اسمه يحيى بن عبد الحميد الحماني
الحمذوني اسمه محمد بن بشر
الحميد لقب لمحمد بن عبد الحميد كما يظهر من الكشي
عند ترجمة محمد بن ابي زينب
الحميري لقب لعبد الله بن جعفر ومحمد بن عبد الله
بن جعفر والحسين بن عبد الله بن جعفر وجعفر بن
عبد الله بن جعفر واحمد بن عبد الله بن جعفر واحمد
بن علي واسمعيل بن علي السيد الشاعر وفي الاقوام
في الاخير اشهر
الخثعمي لقب لابراهيم بن محمد بن العباس وهاشم
بن ابراهيم
الخديجي الاكبر اسمه علي بن عبد المنعم والاصغر اسمه
علي بن عبد الله بن محمد
الخشاب اسمه الحسن بن موسى
الخلقاني اسمه عبد الكريم بن هلال
الخليجي اسمه احمد بن عبدوس
خوز محمد بن موسى
الخيري لكتاب روى عنه محمد بن اسمعيل بن بزيع
الدبيلي اسمه محمد بن وهبان

دحمان اسمه عبد الرحمن بن احمد بن نهيك

دندان اسمه احمد بن الحسين بن سعيد

الدوري اسمه احمد بن عبد الله بن احمد وقد يطلق على جعفر بن علي بن سهل ايضا

الدهقان اسمه عروة بن يحيى وقد يطلق على عبد الله بن عبد الله ايضا ويحتمل ان يطلق على ابراهيم الدهقان ومحمد بن صالح بن محمد الهمذاني ايضا

دبيا جر اسمه محمد بن جعفر بن محمد بن علي

الذراع اسمه موسى بن حماد

ذو الدمعة اسمه الحسين بن زيد

الذهلي اسمه محمد بن بذاد ويقال لمحمد بن راشد ايضا

الرازي يظهر من الكشي انه كان وكيلا وكان اسمه احمد بن اسحق الرازي

الرباطي اسمه علي بن الحسن بن رباط

الرزاز اسمه محمد بن جعفر ابو العباس

الرفاعي اسمه محمد بن ابراهيم

الرواسي اسمه محمد بن الحسن بن ابي ساره

الزام اسمه سعد بن ابي خلف

الزبيريون في اصحابنا ثلثة عبد الله بن عبد الرحمن الزبير وعبد الله بن عمرو بن عبد الله الزبير كما قال النجاشي عند ترجمة عبد الله بن عبد الرحمن الزبير

رحل اسمه عمر بن عبد العزيز

الزراري اسمه محمد بن سليمان بن الحسن بن ابراهيم ابو طاهر الزراري وقد يطلق على احمد بن محمد بن سليمان ومحمد بن عبد الله بن احمد ايضا

زرقان اسمه محمد بن ادم

الزهري اسمه محمد بن شهاب ويحتمل ان يطلق على محمد بن عبد العزيز ومحمد بن قيس بن مخرمة ومسلم بن مخرمة ومطلب بن زياد وابراهيم بن سعد وسعد بن ابراهيم وعبد الله بن ابوب ايضا

الشاباطي اسمه عمرو بن سعيد المدائني وقد يطلق على عمار بن موسى

سجاده اسمه الحسن بن علي بن ابي عثمان

السكاك اسمه اسمعيل بن عبد الرحمن

السكري ملعون ضده ويقدم مع جماعة

السكوني اسمه اسمعيل بن ابي زياد مسلم ويحتمل ان يطلق على اسمعيل بن مهران والحسن بن الحسين والحسن بن محمد بن الحسين بن عبد الله بن حمران والحسين بن مهران ومحبوب بن حسان ومحمد بن محمد بن النعمان ومهران بن محمد

سمكة اسمه احمد بن اسمعيل

السمين اسمه عبد الحميد بن ابي العلا

سندل اسمه عمر بن قيس

الشاري اسمه احمد بن محمد بن سيار

شاذان اسمه خالد بن سفيان

الشاذاني اسمه محمد بن احمد بن نعيم

الشاكوني اسمه سليمان بن داود المنقري

الشافعي اسمه محمد بن ابراهيم بن يوسف

الشامي كان من اهل الري وكان من وكلاء الناحية

عليه السلام كذا في ربيع الشيعة

شاه ريس قال نصر بن الصباح انه من الغلاة

الكبار الملعونين في وقف علي بن محمد العسكري عليه السلام

كتبنا ونقلناه بعنوان ابي عبد الرحمن

شاه الطالقاني اسمه محمد بن علي بن النعمان

شباب اسمه محمد بن الوليد

الشجاعي اسمه علي بن الشجاع كما يظهر من الكشي و

يحتمل ان يطلق على الحسن بن الطيب ايضا ويظهر من

النجاشي عند ترجمة محمد بن ابراهيم بن جعفر انه يطلق

على محمد بن علي ايضا

الشحام اسمه زيد بن محمد

شخير اسمه محمد بن عبد الله بن بخيح

الشعبي اسمه عامر بن شرحبيل

شعر اسمه يزيد بن اسيخ وقد يطلق على اخيه محمد بن اسيخ ايضا

الشعراني اسمه ابو طالب الازدي

الشعري كان اسمه ابراهيم كما يظهر من باب نوادر

الكتب الى العبلة من الكافي ويطلق على المفضل بن

ابي زياد ايضا

شفا اسمه علي بن عمران

شقران اسمه احمد بن علي الفمي

شلقان اسمه عيسى بن ابي منصور

شناب اسمه محمد بن الوليد

الصابوني اسمه محمد بن احمد بن ابراهيم

صاحب الصوم اسمه محمد بن اسمعيل بن بزيع

صاحب الطالقان اسمه محمد بن علي بن النعمان

الصرام كان وعد باستعذاب ترجمة ابي الطيب و

قد مضى بعنوان ابي منصور مع بعض احواله

الصفار اسمه محمد بن الحسن بن فروخ ويحتمل ان

يطلق على الحسن بن محمد بن احمد والحسين بن شاذويه ايضا

الصفواني اسمه محمد بن عبد الله بن مهران

الصولي اسمه احمد بن محمد بن جعفر

الطاطري اسمه علي بن الحسن بن محمد وقال العلامة في

حقه ويقال الطاطري عن يوسف بن ابراهيم

الطبرسي اسمه الفضل بن الحسن

الطبري اسمه محمد بن جرير بن رستم الامامي و

هو خاص ثقة ويطلق على محمد بن جرير العامي ايضا

الطبالسي اسمه عبد الله بن محمد بن خالد يحمل
ان يطلق على الحسن بن محمد بن خالد ايضا
العاصمي اسمه احمد بن محمد بن احمد بن طلحة
ويطلق على عيسى بن جعفر بن عاصم كما يظهر من
الكشي ومن الخلاصة عند ترجمة ابن بند
العامري اسمه الحسين بن عثمان بن شريك
العباسي اسمه هاشم بن ابراهيم
العبيدي اسمه محمد بن عيسى
العرزمي اسمه عبد الرحمن بن محمد وقد يطلق على
عيسى بن ابي منصور ومحمد بن عبد الله بن ابي
سليمان ايضا
العفيفي اسمه علي بن احمد
علان لقب لعلي بن محمد بن ابراهيم بن ابان الكاتب و
احمد بن ابراهيم الكاتبي ومحمد بن ابراهيم الكاتبي
العمركي يقدم بعنوان العمر كي بن علي
العمري اسمه عثمان بن سعيد ويطلق على حفص بن
عمر ايضا
العباسي اسمه محمد بن مسعود بن محمد
الغضائري اسمه الحسين بن عبيد الله بن ابراهيم
الغفاري اسمه عبد الله بن ابراهيم بن ابي عمير
الفهري اسمه محمد بن الحسين
القاضي اسمه عبد العزيز بن محرز

القتيبي اسمه علي بن محمد بن قتيبة
القداح اسمه عبد الله بن ميمون
القطعي اسمه الحسين بن محمد بن الفرزدق
القلانسي اسمه محمد بن احمد بن خاقان ويقال
القلانسي الحسين بن المختار وغيره ايضا
قنبره اسمه اسمعيل بن محمد
كاسولا اسمه القاسم بن محمد القمي
الكاهلي اسمه عبد الله بن يحيى ويحتمل ان يطلق
على اخيه اسحق بن يحيى واحمد بن يزيد واسحق بن بشر
وجعفر بن عبد الرحمن وجعفر بن ماذون ويزيد بن
زياد ووهب بن عمر وايضا
الكلبي يطلق على الحسن بن علوان واخيه الحسين بن
علوان وروى سماعة بن مهران في باب يفصل
به بين دعوى المحق والمبطل من الكافي بعد ذكر
حديث طويل ان كلبي النسابة لم يزل يدين الله
ويحج اهل البيت حتى مات انتهى وكان الكلبي هذا
هو الحسن
الكنتجي اسمه يحيى بن زكريا
كوام اسمه عبد الكريم بن عمرو
كزدين اسمه سمع بن عبد الملك
الكشي اسمه محمد بن عمر بن عبد العزيز
الكلبني اسمه محمد بن يعقوب ويحتمل ان يطلق

على على بن محمد بن ابراهيم واحمد بن ابراهيم ومحمد بن
ابراهيم ومحمد بن عقيلا ابنه

الكتابي اسمه ابراهيم بن نعيم

الكوزي اسمه عاصم بن سليمان

اللاحجي اسمه محمد بن عبد الله بن سالم

اللؤلؤي اسمه الحسن بن الحسين ويحتمل ان بطلق
على يحيى بن زكريا اللؤلؤي ابنه

ماجيلويه هو ابو القاسم بن عبد الله بن عمران
كما بظهر من خبر عند نوجه ابنه على بن ابي القاسم وبطلق
على ابنه محمد بن ابي القاسم وعلى ابن ابنه محمد بن على
ماجيلويه ابنه ويحتمل ان بطلق على على بن ابي القاسم ابنه

المازني اسمه بكر بن محمد بن حبيب

مؤمن الطاق اسمه محمد بن على بن النعمان

المجلي اسمه موسى بن القاسم

المحمودي اسمه محمد بن احمد بن حماد

المحزومي اسمه المغيرة بن نوبه

المذاري اسمه ابراهيم بن محمد بن معروف

المراغي اسمه محمد بن جعفر بن محمد

المزخوف اسمه عبد الله بن محمد الاسدي

المسعودي اسمه على بن الحسين بن على وبطلق
على القاسم بن معن ابنه

المسلي كان اسمه محمد بن عبد الله وبطلق على ابنه
محمد بن عمران ويحتمل ان بطلق على اسمعيل بن على
وجرا الكوفي وخباب الكوفي وخلاد بن عامر ابنه

مسلمة اسمه محمد بن جعفر بن موسى وفي بعض النسخ
حملة كما باتي

المسمعي اسمه عبد الله بن عبد الرحمن الاصم ويحتمل
ان بطلق على محمد بن عبد الله المسمعي ومسمع بن عبد
الملك بن مسمع ابنه

المشرقي اسمه هاشم بن ابراهيم العباس

المفجع اسمه محمد بن احمد بن عبد الله

المفيد اسمه محمد بن محمد بن النعمان

المكاري اسمه هاشم بن حيان ويحتمل ان بطلق
على على بن سعيد والحسين بن ابي سعيد ابنه

حملة اسمه محمد بن جعفر بن موسى

المنقري اسمه سليمان بن داود

المنخل اسمه على بن حسان الواسطي

المهش اسمه احمد بن الحسن بن اسمعيل وبطلق على عمه
بن اسمعيل بن شعيب ابنه

الميموني اسمه على بن عبد الله بن عمران

النائب اسمه حماد بن عثمان

النجاشي اسمه احمد بن على بن احمد

النخعي اسمه ايوب بن نوح ويحتمل غيره صهر ابراهيم
بن ابي بكر وخضر بن عمرو النخع

النوفلي اسمه الحسين بن يزيد ويحتمل ان يطلق على
الحسن بن محمد بن سهل وعبد الله بن الفضل بن
عبد الله وعلي بن محمد وبحمد بن القاسم ويحيى بن
الفضل ويزيد بن عبد الملك واحمد بن محمد
موسى يظهر ذلك من ترجمة عيسى بن مهران
النهدي اسمه محمد بن احمد بن خاقان وقد يقال الهيثم
بن ابي مسروق ابو نصر
النهيكي اسمه عبد الله بن محمد النهيكي
الوشا اسمه الحسن بن علي بن زياد ويحتمل ان يطلق
على جعفر بن بشير وزياد بن الحسن وزياد بن الهيثم ابو
الوصافي اسمه عبيد الله بن الوليد وقد يطلق على ابنه
عبد الله وابيه الوليد بن العلاء ابو
اليعقوبي اسمه داود بن علي الهاشمي وقد يطلق على
جعفر بن داود وموسى بن داود ابو

باب النساء

اسماء بنت ابي بكر لج
اسماء بنت عميس لج
اخت عمر لج
اخت مبشر رويا الكشي ابدل على عدمها
ام الاسود بنت اخي عائشة قال علي بن احمد العقيقي
وهي التي اخذت زيارة ضه
ام البراء وقيل هي جابر الوالبية بن ج

ام حبيبة لج
ام حزام بنت طلحان لج
ام الحسن بنت عبد الله بن محمد بن علي بن الحسين عليه السلام ق ج
ام الحصين لج
ام حكيم بنت عمرو بن سفيان ق ج
ام خالد بنت خالد بن سعيد العاص لج
ام رومان لج
ام سعيد الاحمسية ام ولد لجعفر بن ابي طالب ق ج
ام سلمة زوجة النبي صلى الله عليه وآله لج
ام سليط لج
ام سليم لج
ام شريك لج
ام عطية لج
ام العلاء لج
ام عيسى بنت عبد الله ق ج
ام الفضل اسمها لبابة لج
ام قيس بنت محصن لج
ام كلثوم بنت عقبة لج
ام مبشر لج
ام هانئ بنت ابي طالب اسمها فاختة لج
ام هشام بنت حارثة لج
جوهر جارية ابي عبد الله عليه السلام ق ج

جويره بنت الحرث لج

حبابه الوالبيه فر ج وروى الكشي ما يدل على مدحها

حزامه بنت وهب لج

حفصه لج

حماده بنت دجا الخف ابي عبيده الحذاء واسمه دجا عليه السلام بن زياد ف ج وقيل بنت الحسن كما نقلنا عند ترجمة زياد بن عيسى

خديجه بنت محمد بن علي بن الحسين عليه السلام فر ج

خنساء بنت خزام لج

خوله بنت تامر وقيل هي خوله بنت قيس لج

خوله بنت حكيم لج

الرباب امراة داود بن كثير الرقي ق ج

رهم ام احمد بن الحسين وهو احمد بن داود البغدادي ق ج

زينب بنت ابي سلمه لج

زينب امراة ابن مسعود لج

زينب بنت جحش لج

زينب بنت محمد بن يحيى ق ج

سالمه مولاة ابي عبد الله عليه السلام ق ج

سبيعه الاسلميه بنت الحارث لج

سعيده وهي اخت محمد بن ابي عمير ق ج

سعيده مولاة جعفر عليه السلام روى الكشي عن محمد بن مسعود عن علي بن الحسن عن محمد بن الوليد عن العباس بن هلال عن ابي الحسن الرضا عليه السلام ذكر ان سعيده مولاة جعفر كانت من اهل الفضل كانت تعلم كلمات سمعت من الشاذ في علة السلم وانه كان عندها وصية رسول الله صلى الله عليه واله وان جعفرا عليه السلام قال لها اسال الله الذي عرفنك في الدنيا ان يزوجنك في الجنة

سوده بنت زمعه لج

صفيه بنت حيي لج

صفيه بنت شيبه لج

عايشه لج

عاتكه بنت علي بن الحسين لما كان روى عنه زياد بن اعين حتش

عمره بنت نفيل ي ج

غنيمه بنت الازدي الكوفي ق ج

فاطمه بنت حبابه الوالبيه ستين ج

فاطمه بنت قيس لج

فاطمه بنت هرون بن موسى بن الفرات روى عنها التلعكبري قال سمعت جدتي موسى بن الفرات يقول حدثتني محمد بن ابي عمير بكتاب عبيد الله بن علي الحلبي لم اسمع منها غير هذا الكتاب لم ج

فضه ابنة زيد ق ج

كلثم الكوفيه روى عنها عبد الرحمن الشعيري وهو ابو عبد الرحمن احمد بن داود البغدادي ي ج

لعل الصواب زياد بن رجاء كما يظهر من النجاشي عند ترجمة زياد بن عيسى منه

كلثوم بنت سليم روت عن الرضا عليه السلام كما يأتي
عنها محمد بن اسمعيل بن بزيع حش وذكرها ابن داود
في باب الرجال قال كلثوم بن سليم وقف على الرضا
عليه السلام انتهى وفيه ما لا يخفى
مغيره مولاه ابي عبد الله في خ
منه نقلت عند سعيه
ميمونة ل خ
نضره الاذربيه روت ان علبا عليه السلام قال ما
رمدت عيني ند نقل رسول الله صلى الله عليه وآله في
عيني تي خ
الخاتمة تشتمل على فوائد
الاولى اذا ورد في الرواية عن ابي جعفر عليه السلام
فالظاهر منه الباقر عليه السلام وعن ابي جعفر الثاني
عليه السلام فهو الجواد عليه السلام وقد يطلق ويراد
منه الجواد فالمتبادر من الرجال وكلما ورد عن ابي
عبد الله عليه السلام فهو الصادق عليه السلام وكذا
كلما ورد عن ابي ابراهيم عليه السلام فالظاهر انه الكاظم
عليه السلام وعن ابي الحسن الثاني فهو الرضا عليه السلام
او الهادي عليه السلام فالمتبادر من الرجال
وكلما ورد عن احدهما فهو الباقر او الصادق عليهما السلام
وكلما ورد عن ابي ابراهيم او العبد الصالح او عبد الله
او عن العبد فهو الكاظم عليه السلام وقد يطلق العبد

والقائم هو القائم عليه السلام المكاتبة محمد بن عبد الله بن جعفر الحميري حميرة

٢ كذا صح بزيادة الكسي عن محمد ابن عبد الجبار عن ابراهيم بن ابي البلاد عن ابي الحسن ع

٣ وعن ابي الحسن الثالث فهو الهادي وقد يطلق ويراد منه الرضا ع

يراد منه القائم عليه السلام كما يظهر من باب حدوث الحسين
عليه السلام وفضل كربلا من التهذيب حيث قال محمد بن
عبد الله بن جعفر الحميري كتب الي الفقيه عليه السلام وقد
يطلق الفقيه ويراد منه العسكري عليه السلام كما صرح به
في التهذيب في باب صلوة المضطر وكلما ورد عن الرجل
فالظاهر انه العسكري عليه السلام وكلما ورد عن صاحب
الناحية فالظاهر انه القائم عليه السلام
الفائدة الثانية تشتمل على اسامي الائمة عليهم السلام
وتاريخ ولادتهم ووفوتهم ومدة عمرهم
محمد بن عبد الله بن عبد المطلب بن هاشم صلى الله
عليه وآله كنيته ابو القاسم ولد بمكة يوم الجمعة السابع
عشر من ربيع الاول عام الفيل وبعث يوم السابع
العشرين من رجب له اربعون سنة وقبض بالمدينة
مسموما يوم الاثنين لليلتين بقيتا من صفر سنة عشرة
من الهجرة وله ثلث وستون سنة امه آمنة بنت وهب
بن عبد مناف وبنته فاطمة عليها السلام ولدت بعد
المبعث بخمس سنين وقبضت بعد ابيها بستة اشهر يوم
علي بن ابي طالب بن عبد المطلب بن هاشم امير المؤمنين
عليه السلام كنيته ابو الحسن ولد بمكة في نفس الكعبة
يوم الجمعة لثلث عشرة ليلة خلت من رجب بعد عام الفيل
بثلثين سنة وقبض عليه السلام قتيلا بالكوفة ليلة
الجمعة لتسع ليال بقين من شهر رمضان سنة اربعين

من الهجرة ولد بها سنة ثلث وستون سنة وامه فاطمة
بنت اسد بن هاشم

الحسن بن علي بن ابي طالب عليه السلام كنيته ابو
محمد ولد بالمدينة في شهر رمضان سنة اثنين من
الهجرة وقبض بالمدينة مسموما في صفر سنة تسع
واربعين من الهجرة ولسبع واربعون سنة امه
فاطمة بنت رسول الله صلى الله عليه وآله

الحسين بن علي بن ابي طالب عليه السلام
كنيته ابو عبد الله ولد بالمدينة اخر شهر ربيع
الاول سنة ثلث من الهجرة وقبض بكربلا من ارض
العراق قتيلا يوم الاثنين وقيل يوم الجمعة وقيل
السبت عاشر المحرم قبل الزوال سنة احدى و
ستين من الهجرة وله ثمان وخمسون سنة امه
فاطمة سيدة نساء العالمين

علي بن الحسين زين العابدين عليه السلام
كنيته ابو محمد ولد بالمدينة سنة ثلث وثلثين من
الهجرة وقبض بسنة خمس وتسعين وله سبع و
ستون سنة امه شاه زنان بنت يزدجرد بن كسرى

محمد بن علي بن الحسين الباقر عليه السلام كنيته
ابو جعفر ولد بالمدينة سنة سبع وخمسين من
الهجرة وقبض بالمدينة سنة اربع عشرة ومائة وله
سبع وستون سنة امه ام عبد الله بنت الحسن بن

علي بن ابي طالب عليه السلام

جعفر بن محمد الصادق عليه السلام كنيته ابو
عبد الله ولد بالمدينة سنة ثلث وثمانين من
الهجرة وقبض بالمدينة في شوال سنة ثمان و
اربعين ومائة وله خمس وستون سنة امه ام فروة
بنت القاسم بن محمد بن ابي بكر

موسى بن جعفر الكاظم عليه السلام كنيته ابو
محمد ويكنى ابا ابراهيم وابا علي وابا الحسن ولد بالابواء
سنة ثمان وعشرين ومائة من الهجرة وقبض مسموما
ببغداد في حبس السندي بن شاهك لست بقين من
رجب سنة ثلث وثمانين ومائة وله خمس وخمسون
سنة امه ام ولد يقال لها حميدة البربرية

علي بن موسى بن جعفر الرضا عليه السلام كنيته
ابو القاسم ويكنى ابا الحسن ولد بالمدينة سنة ثمان
واربعين ومائة من الهجرة وقبض بطوس من ناحية سناباد
من اراضي خراسان في سنة ثلث ومائتين وله
خمس وخمسون سنة امه ام ولد يقال لها التميلية

محمد بن علي بن موسى الجواد كنيته ابو جعفر عليه
السلام ولد بالمدينة في شهر رمضان سنة خمس و
تسعين ومائة من الهجرة وقبض ببغداد في اخر
ذي القعدة سنة عشرين ومائتين وله خمس وعشرون
سنة امه ام ولد يقال لها الخيزران

قال ابن طاوس رحمه الله في ربيع الشفعة انه ولد به بالمدينة يوم الثلثاء وقيل يوم الخميس ثالث عشرين منه شعبان وقيل لخمس خلون منه سنة اربع من الهجرة ولم يكن بينه وبين اخيه الحسن عليه السلام الا اثنا عشر شهرا وستة اشهر انتهى وهذا مناف لقوله عند ذكر الحسن عليه السلام انه ولد بالمدينة ليلة النصف من شهر رمضان سنة ثلث من الهجرة منه

في تاريخ النقاري انه ولد يوم الجمعة منتصف شهر جمادي الاخر منه رحمه الله

وقال الشهيد رحمه الله في كتاب المزار من الدروس بنت يزدجرد بن كسرى بالبرذيز وقتيل سنة يزدجرد منه طاب ثراه

في تاريخ النقاري انه ولد يوم الجمعة غرة شهر رجب المرجب منه

في تاريخ النقاري رحمه الله ولد يوم الجمعة احدى عشر من شهر ذي القعدة الحرام منه

في تاريخ النقاري انه ولد ليلة الجمعة الخامس عشر من رمضان المبارك منه طاب ثراه

وفي ارشاد المفيد يقال لها شاه بانويه منه

علي بن محمد بن موسى الهادي عليه السلام كنيته ابو الحسن
ولد بالمدينة منتصف ذي الحجة سنة اثنتي عشرة ومائتين
من الهجرة ومضى بسر من راى في رجب سنة اربع و
خمسين ومائتين وله احدى واربعون سنة وتسعة
اشهر اتم ولد يقال لها سمانه

الحسن بن علي بن محمد بن علي بن موسى العسكري
عليه السلام كنيته ابو محمد ولد بالمدينة في ربيع الآخر سنة
اثنين وثلثين ومائتين ومضى بسر من راى في ثمان
خلون من ربيع الاول سنة ستين ومائتين وله
ثمان وعشرون سنة اتم ولد يقال لها حديث
محمد بن الحسن المهدي الهادي القائم عليه افضل
الصلوات واكملها ولد يوم الجمعة لثمان خلون من
شعبان سنة ست وخمسين ومائتين وامه ريحانة و
يقال لها نرجس ويقال لها صيقل ويقال لها سوسن
وكنيته عثمان بن سعيد العمري ابو عمرو وهو اول من
نصبه العسكري عليه السلام ثم نص ابو عمرو على ابنه
ابي جعفر محمد بن عثمان ونص ابو جعفر الامام العسكري
عليه السلام فلما حضرت ابا جعفر محمد بن عثمان
الوفاة واشتدت حاله حضر عنده جماعة من وجوه
الشيعة منهم ابو علي بن همام وابو عبد الله بن محمد
الكاتب وابو عبد الله الياطاني وابو سهل اسمعيل بن
علي النوبختي وابو عبد الله بن ابو جيا وغيرهم من وجوه

الاكابر فقالوا له ان حدث امر فمن يكون مكانك
فقال لهم هذا ابو القاسم الحسين بن روح بن ابي
بحر النوبختي القائم مقامي والسفير بيني وبين صاحب
الامر والوكيل والثقة الامين فارجعوا في اموركم
اليه وعولوا عليه في مهماتكم فبذلك امرت وقد
بلغت ثم اوصى ابو القاسم بن روح الى ابي الحسن علي بن محمد
السمري فلما حضرته الوفاة سئل ان يوصي فقال
لله امر هو بالغه وقمات رحمه الله سنة تسع وعشرين
وثلثمائة وكل ما في هذه الفائدة نقلناه من كتاب
تحرير الفقه والخلاصة

الفائدة الثالثة قال العلامة في صدر ذكر الشيخ
وغيره في كبار الاخبار سعد بن عبد الله عن ابي جعفر
والمراد بابي جعفر هنا احمد بن محمد بن عيسى ويرد
ايضا في بعض الاخبار الحسن بن محبوب عن ابي الهاشم
والمراد به معوية بن عمار وقال الشيخ الصدوق
محمد بن يعقوب الكليني في كتابه الكافي في اخبار كثيرة
عدة من اصحابنا عن احمد بن محمد بن عيسى قال والمراد
بقولي عدة من اصحابنا احمد بن يحيى وعلي بن موسى
الكمندا في وداود بن كورة واحمد بن ادريس و
علي بن ابراهيم بن هاشم قال وكل ما ذكرته في
كتابي المشار اليه عدة من اصحابنا عن سهل بن زياد
فهم علي بن محمد بن علان ومحمد بن ابي عبد الله و

في اوائل كتاب النيف
من الخلاف بتقصيد وهذه
العدة الذين روى عن احمد
محمد بن خالد وفيه محمد بن
يحيى عن محمد بن جعفر
ايضا

محمد بن الحسن ومحمد بن عقيل الكليني ثم قال النجاشي
قدس سره قد يغلط جماعة في الاسناد من ابراهيم
بن هاشم الى حماد بن عيسى فيقولون حماد بن
عثمان وهو غلط فان ابراهيم بن هاشم لم يلق
حماد بن عثمان بل هو حماد بن عيسى

الفائدة الرابعة اعلم ان الشيخ الطوسي قدس سره
ذكر احاديث كثيرة في كتابي التهذيب والاستبصار عن
رجال لم يلق فعامتهم وانما روى عنهم بوسائط
وحذفها في الكتابين ثم ذكر في اخرها طريقه الى كل
رجل رجل مما ذكره في الكتابين ثم قال وقد اوردت
جملا من الطرق الى هذه المصنفات والاصول
وقد ذكرناها نحن مستوفى في كتاب فهرست
الشيعة وطريق الشيخ رحمه الله في التهذيب و
الاستبصار الى هو لاء واحد فالطريق صحيح ان كان
جميع رجاله ثقات امامية وحسن ان كان الجميع امامية
ممدوحا او بعضه امامية ممدوحا وبعضه ثقة
امامية وقوي ان كان جميع رجاله ثقات مع فساد
مذاهب الكل او البعض او بعضه ممدوحا امامية
وبعضه ثقة غير امامي وضعيف ان كان جميع رجاله
او بعض رجاله ضعيفا او مهملا وانما اردت ان
اذكر طريقه الى كل رجل رجل على سبيل الاجمال
على ترتيب حروف المعجم مما ذكره في اخر الكتابين ومما
لم يذكره فيهما بل ذكره في الفهرست وكذا فعل الشيخ
ابو جعفر محمد بن بابويه رحمه الله في الفقيه فذكر
طريقه ايضا الى كل رجل رجل على سبيل الاجمال
ثم الكنى ثم عنوان الاخبار

فطريقنا الى الشيخ الطوسي قدس سره الى ابراهيم بن
اسحق صحيح والى ابراهيم بن هاشم صحيح وكذا الى
احمد بن ادريس والى احمد بن الحسن بن علي بن فضال
صحيح والى احمد بن داود القمي صحيح وكذا الى
احمد بن محمد بن ابي نصر البزنطي مما اخذه من كتاب
الجامع واما الى نوادره فطريقه اليه ضعيف والى
احمد بن محمد بن خالد صحيح والى احمد بن محمد بن
سعيد ضعيف والى احمد بن محمد بن عيسى صحيح كما قال
في الفهرست اخبرنا الجميع كتبه وروايته عدة من اصحابنا
منهم الشيخ المفيد رحمه الله عن احمد بن محمد بن الحسن
بن الوليد عن ابيه عن محمد بن الحسن الصفار وسعد
جميعا عن احمد بن محمد بن عيسى ولا بأس بما رواه
احمد بن محمد بن الحسن بن الوليد على ما نقدم بوجهه
لان الظاهر انه من مشايخ الاجازة ثم لم احد الكتب
المنسوبة الى احمد بن محمد بن عيسى مشتملا على مسائل
الفقه الا كتاب النوادر وكتاب المنهي وطريق الشيخ
رحمه الله في التهذيب والاستبصار الى النوادر
صحيح فاذا وجد في التهذيب او الاستبصار حكم في

غريبا بالمغة فالظاهر فيه الضعف والى اسحق بن عمار صحيح والى
اسمعيل بن ابي زياد السكوني ضعيف والى ايوب بن نوح
صحيح وكذا الى جعفر بن محمد بن قولويه وكذا الى حريز بن
عبد الله وكذا الى الحسن بن سعيد وكذا الى الحسن بن محبوب
كما قال في الفهرست اخبرنا بجميع كتبه ورواياته عدة من
اصحابنا عن ابي جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه
عن ابيه عن سعد بن عبد الله عن هشيم بن ابي مسروق
ومعوية بن حكيم واحمد بن محمد بن عيسى عن الحسن بن محبوب
وفي العدة شيخنا المفيد رحمه الله كما يظهر من الفهرست سعد
نوجه محمد بن علي بن الحسين بن بابويه وغيره وما ذكره
العلامة في صحة من ان طريقه الى الحسن بن محبوب حسن والظاهر
انهم اخذوا من كتبه ومصنفاته صحيح كان مشافهة ما
ذكره الشيخ في اخر التهذيب والاستبصار حيث قال
من جملة ما ذكرته عن الحسن بن محبوب طاب ثراه بهذه
الاسانيد عن علي بن ابراهيم عن ابيه عن الحسن بن محبوب
ثم قال فما ذكرته عن الحسن بن محبوب في هذه من كتبه ومصنفاته
فهذا اخبرني به الشيخ ابو عبد الله محمد بن محمد بن النعمان
والحسين بن عبيد الله واحمد بن عبدون عن ابي الحسن احمد
بن محمد بن الوليد عن ابيه عن محمد بن الحسن الصفار عن ابي
بن محمد بن معوية بن حكيم وهشيم بن ابي مسروق عن الحسن بن
محبوب وعلى ما نقلنا طريق الشيخ اليه صحيح مطلقا والى
الحسن بن محمد بن سماعة قوي والى الحسين بن سعيد
صحيح وكذا الى الحسين بن سفيان البزوفري وكذا الى الحسين بن
محمد والى حفص بن البختري ضعيف وكذا الى حماد بن عيسى
والى حمد بن زياد صحيح والى زيد النرسي ضعيف والى
سعد بن عبد الله صحيح والى سلمة بن الخطاب ضعيف
والى سهل بن زياد صحيح وكذا الى صفوان بن يحيى
الكتب التي ذكرها ابن النديم ويظهر من الفهرست ان
الشيخ رحمه الله يروي هذه الكتب فكل ما نقل الشيخ عن صفوان
فالطريق اليه صحيح وكذا الى عاصم بن حميد والى العباس
بن معروف ضعيف والى عبد الله بن مسكان صحيح و
الى عبيد الله بن ابي زياد احمد الابناري حسن لان فيه
احمد بن عبدون وقال العلامة طريقه اليه صحيح والى
علي بن ابراهيم بن هاشم صحيح والى علي بن اسباط ضعيف
والى علي بن جعفر صحيح والى علي بن حاتم القزويني ضعيف
وكذا الى علي بن الحسن بن فضال وكذا الى علي بن الحسن
الطاطري والى علي بن الحسين بن بابويه صحيح وكذا
الى علي بن مهزيار والى عمار الساباطي قوي والى عمرو بن
سعيد ضعيف والى الفضل بن شاذان حسن وما
ذكره العلامة وابن داود من ان طريق الشيخ اليه صحيح
موقوف على ثبوت علي بن محمد بن قتيبة وعلى ثبوت
محمد بن اسمعيل الذي يروي عنه الكليني بلا واسطة
والى محمد بن ابي عمير حسن والى محمد بن سنان ضعيف والفهري صحيح
وكذا الى محمد بن احمد بن يحيى الاشعري وكذا الى محمد بن

اسمعيل الذي يروي عنه الكليني بلا واسطة والظاهر انه البوشنجي
كما ذكرنا في الحاشية عند ترجمة محمد بن اسمعيل بن بزيع
والى محمد بن الحسن الصفار صحيح وكذا الى محمد بن الحسن
الوليد والى محمد بن الحسن بن ابي الخطاب ضعيف وكذا
الى محمد بن عبد الجبار والى محمد بن علي بن بابويه صحيح
والى محمد بن علي الجليني ضعيف والى محمد بن علي بن الفضل
صحيح وكذا الى محمد بن علي بن محبوب وكذا الى محمد بن
عيسى البقطيني والى محمد بن مسعود العياشي ضعيف
والى محمد بن يحيى العطار صحيح وكذا الى محمد بن يعقوب الكليني
والى مسمع بن عبد الملك ضعيف والى معوية بن عمار
صحيح والى المفضل بن صالح ضعيف والى موسى بن جعفر
البغدادي صحيح وكذا الى موسى بن القاسم بن معوية
وكذا الى النضر بن سويد والى هرون بن مسلم ضعيف
كذا الى يعقوب بن يزيد والى يونس بن عبد الرحمن صحيح

وطريق الشيخ محمد بن علي بن بابويه

في كتاب من لا يحضره الفقيه الى ابان بن تغلب ضعيف
الى ابان بن عثمان الاحمر صحيح وكذا الى ابراهيم بن ابي البلاد
وكذا الى ابراهيم بن ابي زياد الكرخي وكذا الى ابراهيم بن
ابي محمود والى ابراهيم بن ابي يحيى المدني قوي والى ابراهيم بن
سفيان ضعيف والى ابراهيم بن عبد الحميد حسن والى
ابراهيم بن عمر اليماني صحيح والى ابراهيم بن محمد الثقفي ضعيف
والى ابراهيم بن محمد الهمداني حسن والى ابراهيم بن مهزيار

صحيح ابراهيم بن محمد الثقفي ضعيف

صحيح والى ابراهيم بن هاشم صحيح وكذا الى احمد بن ابي عبد
الله وكذا الى احمد بن الحسن الميثمي وكذا الى حماد بن عثمان
على ما قالوا والى احمد بن محمد بن ابي نصر البزنطي صحيح والى
احمد بن محمد بن سعيد الهمداني ضعيف والى احمد بن
محمد بن عيسى الاشعري صحيح وكذا الى احمد بن محمد بن مطهر
وكذا الى احمد بن هلال والى ادريس بن زياد حسن كذا
في ح والى ادريس بن عبد الله بن سعد الاشعري الغ
صحيح والى ادريس بن هلال ضعيف والى اسحق بن عمار
صحيح والى اسحق بن يزيد ضعيف وكذا الى اسماء بنت عميس
في زرعة الشمر وكذا الى اسمعيل بن ابي فديك والى اسمعيل بن
جابر صحيح على قول والى اسمعيل الجعفي وهو اسمعيل بن
عبد الرحمن صحيح كذا في ح والى اسمعيل بن رياح صحيح
كذا في ح والى اسمعيل بن علية صحيح او حسن على اختلاف
النسخ والى اسمعيل بن الفضل الهاشمي ضعيف وكذا الى
اسمعيل بن الفضل من ذكر الحفوف عن علي بن الحسين
عليه السلام وكذا الى اسمعيل بن مسلم السكوني وكذا
الى اسمعيل بن مهران من كلام فاطمة عليها السلام وكذا
الى اصبغ بن نباتة وكذا الى امية بن عمرو عن اسمعيل بن مسلم
الشعيري وكذا الى انس بن محمد في وصية النبي صلى الله عليه
واله لامير المؤمنين عليه السلام وكذا الى ايوب بن نوح عن
والى ايوب بن الحر الجعفي صحيح على قول والى ايوب بن نوح

فيه الحسين بن احمد بن ابان ولم اجد توثيقه وكتب الرجال خالية عنه وانما يظهر من مشيخة الاجازة قدس سره ينقل من كتاب الحسين بن سعيد فلا يضر جهالته على تقدير جهالته

فيه الحسن بن علي الوشاء ولم اجد توثيقه وكتب الرجال انما ذكر النجاشي في ترجمة اخيه الحسين انهما كانا من وجوه الطائفة

فيه محمد بن علي ماجيلويه ومحمد بن خالد البرقي ولم اجد توثيق الاول في كتب الرجال وفي الثاني قول.

صحیح وکذا الی بحر السقاء وهو بحر بن کثیر والی بزیع المؤذن
ضعیف وکذا الی بشار بن بشار وکذا الی بشیر النبال
کذا الی بکار بن کردم والی بکر بن صالح الرازی حسن
والی بکر بن محمد الازدی صحیح والی بکر بن احمد حسن والی
ثعلبة بن میمون صحیح والی ثویر بن ابی فاختة حسن بل صحیح
بن ابی صرمة وقال العلامة فی صحة طریقه الیه صحیح والی
جابر بن اسمعیل ضعیف وکذا الی جابر بن عبد الله الا
نصاری بفضیل بن عمر وقال العلامة انه توقف فی طریقه
الی جابر بن عبد الله الانصاری ولم اجد وجها لتوقفه
له وکذا الی جابر بن یزید وکذا الی جراح المدائنی والی
جعفر بن بشیر صحیح والی جعفر بن عثمان ضعیف والی
جعفر بن القاسم صحیح علی قول والی جعفر بن محمد بن ثوبر
حسن والی جعفر بن ناجیة صحیح کذا فی صحة والی جمیل بن
دراج صحیح والی جویریة بن مسهر فی ورد العصر علی
علیه السلام ضعیف وکذا الی جهم بن بحر جهم وکذا الی
الحارث بیاع الانماط والی الحرث بن المغیرة النصری صحیح
کذا فی صحة والی حسین بن علی الجعفی قوی بحمد الولید الحذاء
وفی صحة طریقه الیه صحیح والی حلبسة بن صخر ضعیف
الی حمزة بن عبد الله صحیح فی غیر الوکوء وفی الزکوة حسن بابراهیم
بن هاشم والی الحسن بن جهم حسن کذا فی صحة والی الحسن بن
راشد ضعیف وکذا الی الحسن بن زیاد الصیقل بی
الولید والی الحسن بن السری صحیح کذا فی صحة والی الحسن بن

علی بن ابی حمزة البطائنی ضعیف والی الحسن بن علی بن
فضال صحیح والی الحسن بن علی الکوفی ضعیف والی الحسن
بن علی بن النعمان صحیح وکذا الی الحسن بن علی الوشا
والی الحسن بن فاذان ضعیف والی الحسن بن محبوب
صحیح والی الحسن بن هرون قوی والی الحسن بن ابی
العلا ضعیف والی الحسین بن حماد الکوفی قوی
والی الحسین بن زید صحیح کذا فی صحة والی الحسین
سالم ضعیف والی الحسین بن محمد الفرس حسن کذا فی
والی الحسین بن المختار صحیح وکذا الی الحفص بن البختری
الحفص بن سالم وکنیته ابو ولاد ذکره قوی احمد
بعنوان ابی ولاد وفی طریقه الیه ضعیف بسهل بن الیسع
والی الحفص بن غیاث صحیح علی قول وفی صحة انه صحیح
کذا الی الحکم بن حکیم والی حماد بن عثمان صحیح والی
بن عمرو فی وصیة النبی صلی الله علیه وآله لابی امامة
علیه السلام ضعیف والی حماد بن عیسی صحیح والی حماد
النواء ضعیف وکذا الی حمدان بن الحسین والی حمدان
الدبوانی حسن والی حمزة بن حمران بن اعین صحیح
کذا الی حنان بن سدیر علی قول والی خالد بن ابی العلا
الخفاف صحیح کذا فی النسخ ولعله غلط بل الصواب خالد الذی
العلا الخفاف کما فی کتب الرجال والی خالد بن داود ضعیف
والی خالد بن نجیح صحیح وکذا الی داود بن ابی یزید والی
داود بن سعن ضعیف والی داود بن ابی زید صحیح علی قول

فیه محمد بن عیسی جاریه
ومحمد بن خالد البرقی
منه

فیه محمد بن عیسی العبیدی منه

والى داود بن الحصين ضعيف وكذا الى داود الزرقي
وهو داود بن كثير والى داود بن سرحان صحيح و
كذا الى داود العطار على قول والى دريد بن ابي دريد
صحيح والى ذريح المحاربي حسن والى ربعي بن عبد الله
صحيح وكذا الى رفاعة بن موسى والى روح بن عبد الرحيم
ضعيف وكذا الى روح بن زنباع والى الريان بن الصلت
حسن والى زرارة بن اعين صحيح وكذا الى زعرة بن
محمد الحضرمي وكذا الى زكريا بن آدم والى زكريا النقاش
وهو زكريا بن مالك ضعيف وكذا الى الزهري وعلة من
سلم بن شهاب والى زياد بن سوقة صحيح وكذا الى
زياد بن مروان الفزاري والى زيد الشحام ابي اسامة ضعيف
وكذا الى زيد بن علي بن الحسين عليه السلام وكذا الى
سدير الصيرفي وكذا الى سعد بن ظريف والى سعد
عبد الله صحيح وكذا الى سعدان بن مسلم واسم عبد
الرحمن والى سعيد بن عبد الله وقيل سعيد بن عبد
الرحمن الاعرج قوي والى سعيد النقاش ضعيف وكذا
الى سعيد بن يسار والى سلمة بن تمام صاحب امير المؤمنين
عليه السلام في موضعه بياض في النسخ والى سلمة بن الخطاب
صحيح وكذا الى سليمان بن جعفر الجعفري وكذا الى سليمان
بن خفير والى سماعة بن مهران قوي عثمان بن عيسى في
حديثه والى سويد القلا صحيح والى سهل بن اليسع
حسن والى سيف التمار ضعيف وكذا الى سيف بن عميرة

وكذا الى شعيب بن واقد والى شهاب بن عبد ربه صحيح
وكذا الى صالح بن الحكم والى صالح بن عقبة ضعيف
والى الصباح بن سيابة صحيح والى صفوان بن مهران
صحيح كذا في حد والى صفوان بن يحيى حسن والى طلحة بن
زيد صحيح والى عاصم بن حميد حسن والى عامر بن جذاعة
ضعيف والى عامر بن نعيم حسن بابراهيم بن هاشم وفي
حد انه صحيح فلو قال حسن كان حسنا والى عابد الاعمى
صحيح والى العباس بن عامر ضعيف والى العباس بن معروف
صحيح والى العباس بن هلال ضعيف وكذا الى عبد
الاعلى مولى آل سام بخالد بن ماهك وفي حد انه صحيح و
الى عبد الحميد الازدي ضعيف وكذا الى عبد الحميد
غواض محمد بن احمد بن عمران بن موسى وفي حد له صحيح و
الى عبد الرحمن بن ابي عبد الله صحيح وكذا الى عبد الرحمن
بن ابي نجران وكذا الى عبد الرحمن بن الحجاج على الظاهر
والى عبد الرحمن بن كثير ضعيف لعلي بن حسان وفي
الهاشمي وان كان وصفه بالواسطي كما يظهر من كتب
الرجال لرواية عن عمه عبد الرحمن بن كثير وصحح
العلامة في حد بان هذا سهو من قلم الشيخ ابن بابويه
او الناسخ والى عبد الرحيم القصير ضعيف والى عبد الصمد
بن بشير صحيح والى عبد العظيم بن عبد الله الحسني صحيح
والى عبد الكريم بن عتبة قوي والى عبد الكريم بن عمرو
صحيح وكذا الى عبد الله بن ابي يعفور على الظاهر والى عبد

الله بن بكير قوي والى عبد الله بن جبلة صحيح وكذا الى عبد
الله بن جعفر الحميري والى عبد الله بن جبلة حسن كذا في
صدره والى عبد الله بن الحكم ضعيف وكذا الى عبد الله
بن حماد الانصاري والى عبد الله بن سليمان صحيح
وكذا الى عبد الله بن سنان والى عبد الله بن طلحة
ضعيف وكذا الى عبد الله بن القاسم وكذا الى عبد
الله بن لطيف وكذا الى عبد الله بن محمد وهو ابو بكر
الحضرمي عبيد الله بن عبد الرحمن الاصم وفي صدره
صحيح وكذا سهو والى عبد الله بن محمد الجعفي صحيح وكذا
الى عبد الله بن مسكان والى عبد الله بن المغيرة حسن
وكذا الى عبد الله بن ميمون القداح والى عبد الله
بن يحيى الكاهلي صحيح والى عبد المؤمن بن القاسم ضعيف
والى عبد المؤمن بن عابس وكنيته ابو طريف صحيح كذا
في صدره والى عبد الملك بن عبد الهاشمي قوي والى
عبد الملك بن عمر وضعيف والى عبد الواحد بن محمد بن
عبدوس الاواسطة والى عبيد بن زرارة ضعيف وكذا
الى عبيد الله المرادي والى عبيد الله بن علي الحلبي صحيح و
الى عبيد الله بن الوليد الوصافي قوي كذا في صدره والى
عثمان بن زياد ضعيف وكذا الى علي بن السائب والى
العلاء بن رزين صحيح وكذا الى العلاء بن سيابة على ما
قالوا والى علي بن ابي حمزة صحيح على نقد بعض وثيق محمد بن
علي بن ماجيلويه وكذا الى علي بن احمد بن اشيم والى علي بن

حسن كذا في صدره والى علي بن اسباط صحيح وكذا الى علي
بن اسمعيل الميثمي والى علي بن بحر ضعيف والى علي بن
بلال الاخير كذا في سنده والى علي بن جعفر صحيح وكذا الى
علي بن حسان الواسطي وكذا الى علي بن الحكم وكذا الى
علي بن رياب والى علي الزيات حسن كذا في صدره والى علي
بن سويد صحيح والى علي بن عبد العزيز ضعيف والى
علي بن عطية صحيح على احتمال لان فيه علي بن حسان
فان كان الواسطي فالطريق صحيح وان كان الهاشمي
فالطريق ضعيف والى علي بن غراب ضعيف والى علي
بن الفضل الواسطي حسن والى علي بن محمد الجعفي ضعيف
والى علي بن محمد النوفلي صحيح على نقد بعض وثيق محمد بن علي
ماجيلويه ومحمد بن خالد البرقي والى علي بن مطر ضعيف والى
علي بن مهزيار صحيح وما قال العلامة في صدر من ان طريقه
البرقي قوي محمول على السهو لان طريقه البرقي محمد بن الحسن بن
الوليد عن محمد بن الحسن الصفار عن العباس بن معروف
وهم ثقات والى علي بن مهزيار صحيح على قول والى علي بن
النعمان صحيح وكذا الى علي بن بقطين وكذا الى عمار بن
مروان والى عمار بن موسى الساباطي قوي والى عمرو بن
ابي المقدام ضعيف وكذا الى عمرو بن جميع وكذا الى عمرو بن
خالد والى عمرو بن سعيد الساباطي قوي وفي بعض النسخ
الفقيه عمرو بن موسى الساباطي كما نقله العلامة في صدره
ولعله محمول على السهو لان محمد بن علي بن بابويه روى

عن عمرو بن موسى الساباطي اصلا واما جده فكان الرجل
مظلما والى عمرو بن شمر ضعيف وكذا الى عمر بن ابي نباتة
والى عمر بن ابي شعبة صحيح على نقد بعض شيوخ محمد بن علي
ماجيلويه والى عمر بن اذينة صحيح والى عمر بن حنظلة
والى عمر بن قيس الماصر ضعيف والى عمر بن يزيد صحيح
كذا الى عمران الحلبي وكذا الى علي بن ابي منصور وكنيته
ابو صالح والى عيسى بن اعين ضعيف والى عيسى بن
عبد الله الهاشمي وهو عيسى بن عبد الله بن علي بن
عمر بن علي بن الحسين بن علي بن ابي طالب عليه السلام صحيح
كذا في صه وفي طريقه اليه محمد بن عبد الله وهو مشترك
بين الموثقين والممدوحين والمجروحين والى عيسى بن
يونس ضعيف والى الفيض بن القاسم صحيح وكذا الى غياث
بن ابراهيم وكذا الى فضالة بن ايوب والى الفضل
ابي فروة ضعيف وكذا الى الفضل بن شاذان من
العلل التي ذكرها عن الرضا عليه السلام والى الفضل
بن عبد الملك البقباق صحيح وكذا الى فضيل بن عثمان
على قول والى فضيل بن يسار ضعيف وكذا الى
القاسم بن بريد والى القاسم بن سليمان صحيح على قول
والى القاسم بن عروة صحيح وكذا الى القاسم بن يحيى وكذا
الكاهلي وتقدم بعنوان عبد الله بن يحيى ايضا وقد
كرر وبه الهدى في حسنا بابراهيم بن هاشم وفي صه انه
صحيح والى كليب الاسدي صحيح على قول والى مالك بن

اعين الجهني وهو ليس من آل سنين ضعيف وكذا
الى مناذر العفروني والى المثنى بن عبد السلام
قوي والى محمد بن ابي عمير صحيح وكذا الى محمد بن احمد
بن يحيى الاشعري وكذا الى محمد بن سالم والى محمد بن اسمعيل
البرمكي ضعيف والى محمد بن اسمعيل بن بزيع صحيح و
كذا الى محمد بن يحيل بن قبل بتوثيق هشيم بن ابي مسروق
والاخنس والى محمد بن جعفر الاسدي كنيته ابو الحسين
ضعيف والى محمد بن حسان صحيح وكذا الى محمد بن
الحسن الصفار وكذا الى محمد بن الحسين بن ابي الخطاب وكذا
الى محمد بن حكيم وكذا الى محمد الحلبي وكذا الى محمد بن
حمران وكذا الى محمد بن خالد البرقي والى محمد بن خالد
البجلي القسري ضعيف والى محمد بن سنان حسن الا فيما
فيما كتب الرضا عليه السلام في جواب مسائله ضعيف والى
محمد بن سهل بن البحر الاشعري صحيح وكذا الى محمد بن
عبد الجبار وهو محمد بن ابي الصهبان والى محمد بن عبد
الله بن مهران ضعيف والى محمد بن عثمان العمري صحيح
وكذا الى محمد بن عذافر وكذا الى محمد بن علي بن محبوب
والى محمد بن عمرو بن ابي المقدام ضعيف والى محمد بن
عمران صحيح على نقد بعض شيوخ محمد بن علي ماجيلويه
ومحمد بن خالد البرقي والى محمد بن عيسى بن عبيد صحيح
والى محمد بن الهيثم لبهم ضعيف وكذا الى محمد بن الفضل
ويجعل الاتحاد والى محمد بن القاسم الاسترابادي

وكذا عمر بن يزيد الثقة المذكور في سند
رواية ابن اخيه بن عمر بن يزيد عنه
كما يظهر من العذيرة منه

فيه تعاريف احمد بن موسى ومحمد بن احمد
الذي روى ابن بنا براهيم بن احمد
عن محمد بن ابي عبد الله عن محمد بن
اسمعيل البرمكي واجتماعهم في رتبة
الصدوق منه

عن

لا واسطة والى محمد بن القاسم عن الفضيل ضعيف والى محمد
بن قتيبة حسن وكانه البجلي الثقة لرواية عاصم بن حميد
عنه والى محمد بن مسعود العياشي ضعيف وكذا
محمد بن مسلم الثقفي وكذا الى محمد بن منصور والى محمد
بن النعمان حسن كذا في ضه والى محمد بن الوليد
الكرماني في حسر والى محمد بن يحيى الخثعمي ضعيف وكذا
الى محمد بن يعقوب الكليني الا انه روى عن محمد بن يحيى العطار
الكليني وعلي بن احمد بن موسى ومحمد بن احمد السناني
رضي الله عنهم عن محمد بن يعقوب الكليني ولعل
اجتماعهم يؤيد الصدوق والى مزاحم بن حكيم في
كذا في ضه والى مروان بن مسلم ضعيف والى مصادف
صحيح والى مصعب بن يزيد ضعيف والى معوية بن
حكيم صحيح والى معوية بن شريح صحيح كذا في ضه والى
معوية بن عمار صحيح وكذا الى معوية بن ميسر بن شريح
القاضي ويحتمل ان يكون هذا ومعوية بن شريح
المذكور قبل هذا واحدا والى معوية بن وهب اجي
القاسم البجلي صحيح كذا في ضه والى معروف بن خربوذ
صحيح لانه روى عن ابيه علي بن الحسين بن بابويه
عن سعد بن عبد الله عن احمد بن محمد بن عيسى عن
الحسن بن محبوب عن مالك بن عطية عن معروف بن
خربوذ وفي ضه ان طريقه الى الحسن والى المعلى بن خنيس
ضعيف بالمعروف وهو عبد الله بن عبد الرحمن الاصم

وفي ضه انه صحيح والى المعلى بن محمد البصري صحيح والى
معمر بن خلاد حسن والى معمر بن يحيى صحيح والى المفضل
بن عمر ضعيف والى منيب بن جبر حسن والى منصور
بن حازم صحيح كذا في ضه والى منصور الصيقل ضعيف
والى منصور بن يونس صحيح وكذا الى منهال القصاب
والى موسى بن عمر بن بزيع كذا في ضه والى موسى
بن القاسم البجلي صحيح وكذا الى المثنى احمد بن الحسن كما
تقدم والى ميمون بن مهران ضعيف والى النضر
بن سويد صحيح على قول محمد بن عيسى بن عبيد وفي اكثر
النسخ محمد بن موسى بن عبيد ولعله سهو وبوبه على
العلامة من ان طريقه اليه صحيح لان محمد بن موسى
بن عبيد ليس في كتب الرجال اصلا وروايته محمد بن عيسى
بن عبيد عن النضر كثيرا ثابتة اخر والى النعمان الرازي
ضعيف وكذا الى النعمان بن سعد والى الوصافي عبيد الله
بن الوليد كما قلناه عند اسم عبيد الله بن الوليد والى
الوليد بن صبيح نوى والى وهب بن وهب صحيح والى
وهيب بن حفص ضعيف وكذا الى هرون بن حمزة
بن بزيع بن اسحق شعر وفي ضه انه ضعيف وكان بعضهم يقول
قلناه عند نجم بن بزيع بن اسحق شعر والى هرون بن
خارجة ضعيف والى هاشم الخياط صحيح لان في طريقه اليه
محمد بن الحسن بن الوليد عن محمد بن الحسن الصفار عن ابراهيم
بن هاشم واحمد بن اسحق بن سعد عن هاشم الخياط

سعد بن زياد صحيح وكذا الى سعد بن حمزة والاصح بن ما اللضعيف والى

وقال العلامة في صه طريقه البه حسن فلو قال صحيح كان
والى هشام بن ابراهيم حسن كذا في صه والى هشام بن
صحيح وكذا الى هشام بن سالم والى ياسر خادم الرضا
عليه السلام حسن بابراهيم بن هاشم وفي صه انه صحيح و
الى ياسين الضرير صحيح على قول والى يحيى بن ابي العلا
صحيح على الظاهر والى يحيى بن ابي عمران حسن كذا في صه و
والى يحيى الازرق وهو يحيى بن حسان حسن كذا في صه و
الى يحيى بن عباد ضعيف وكذا الى يحيى بن عبد الله
والى يعقوب بن شعيب صحيح وكذا الى يعقوب بن يقطين كذا
الى يعقوب بن يزيد والى يوسف بن ابراهيم ضعيف
كذا الى يوسف بن يعقوب اخي يونس والى يونس بن
عمار صحيح والى يونس بن يعقوب ضعيف

وما اورد بالكنى

قال في الاغر الخاسر حسن والى ابي ايوب الخزاز صحيح والى ابي
بصير مكانه يحيى بن القاسم لرواية علي بن حمزة عنه ضعيف
كذا الى ابي بكر الحضرمي كما نقلناه عند اسم عبد الله بن محمد
وفي صه انه صحيح والى ابي مالك ضعيف وكذا الى ابي الجارود
زياد بن المنذر والى ابي جرير بن زياد بن حسن والى ابي
جميلة المفضل بن صالح صحيح وكذا الى ابي الجوزاء المنبه
بن عبد الله والى ابي حبيب بن ناجية قوي والى ابي الحسن الثالث
صحيح والى ابي حمزة الثمالي ضعيف لان في طريقه البرقي محمد بن
الفضيل وهو مشترك بين الثقة والمهمل والضعيف وفي

صه انه قوي والى ابي خديجة سالم بن مكرم ضعيف و
كذا الى ابي الربيع الشامي والى ابي ذكريا الاعور صحيح على
قول والى ابي سعيد الخدري من وصية النبي صلى الله عليه
واله لعلي عليه السلام اولها يا علي اذا دخلت العرس
بيتك ضعيف والى ابي عبد الله الخزاباي في حسن والى ابي
عبد الله الفراء صحيح على قول والى ابي الحكم ضعيف والى
مريم الانصاري صحيح وان كان في طريقه ابان بن عثمان
وهو فطحي لكن الكشي قال ان العصابة اجمعت على تصحيح ما
يصح عنه كذا في صه وقد اجدنا في كتب الرجال حتى في الخلاصة
انه فطحي ثم ذكر الكشي ان ابان بن عثمان ناووسيا
نقله العلامة ايضا عند ترجمته والى ابي المغراء حميد بن المثنى
قوي والى ابي النضر ضعيف والى ابي الورد صحيح والى ابي الدر
كما قلناه عند اسم حفص بن سالم والى ابي هاشم الحكم
ضعيف والى ابي هام اسمعيل بن هام صحيح

طرق اخبار تعتوا زيال الاحبار

فكلما كان فيه جماعة يقرب من الهوس فالطريق اليه ضعيف
وكذا ما كان فيه من سليمان بن داود عليه السلام وكذا
ما كان فيه من خبر بلال وثواب المؤذنين وما كان فيه
منقبة من قضايا امير المؤمنين عليه السلام فالطريق
اليه حسن وما كان فيه من وصية امير المؤمنين عليه السلام
لابنه محمد بن الحنفية عن مراسيل حماد بن عيسى حسن
الطريق اليه بابراهيم بن هاشم

الفائدة الخامسة

اعلم ان الشيخ الطوسي قدس سره صرح في اخر التهذيب والاستبصار بان هذه الاحاديث التي نقلناها من هذه الكتب الجماعة اخذت من كتبهم واصولهم والظاهر ان هذه الكتب والاصول كانت عندنا معروفة كالكافي والتهذيب وغيرهما عندنا في زماننا هذا كما صرح به الشيخ محمد بن علي بن بابويه رضي الله عنه في اول كتاب من لا يحضره الفقيه فعلى هذا لو قال قائل بصحة هذه الاحاديث كلها وان كان الطريق الى هذه الكتب والاصول ضعيفا اذا كان مصنفوها هذه الكتب والاصول ومن فوقهم من الرجال الى المعصوم ثقات لم يكن مجازفا

الفائدة السادسة

لنا طرق متعددة الى الشيخ الاعظم والامام الاقدم قدوة المحدثين الشيخ محمد بن يعقوب الكليني رضي الله عنه والى الشيخ الاجل الامام شيخ الاسلام ومفتي الانام الشيخ ابي جعفر الطوسي قدس سره والى شيخه وشيخ الطائفة الشيخ المفيد رحمه الله والى الشيخ الصدوق فقيه اهل البيت الشيخ ابي جعفر بن بابويه القمي رضي الله عنه والى الشيخين السعيدين ابي عمر والكشي واحمد بن العباس النجاشي والى شيخ الاجلاء وعميد الفقهاء الاعلام الامام العلامة جمال الدين ابي منصور الحسن بن يوسف المطهر الحلي قدس سره والى غيرهم من المشايخ العظام قدس الله ارواحهم ونحن نثبت هنا هذا طريقا واحدا فانه ينتهي الى الشيخ الصدوق محمد بن يعقوب الكليني قدس سره فانا نروي جميع رواياته ومصنفاته عن استادي ومن اليه في العلوم استادي الامام العلامة مولانا ومولى الانام عبد الله بن الحسين بن احمد بن محمد بن طحال المازندراني عن الشيخ الاجل الصالح نعمة الله بن احمد بن محمد بن خاتون العاملي عن شيخ الاسلام والمسلمين قدوة المحققين علي بن عبد العالي والفقيه الصالح ابي العباس احمد بن فهد قدس الله روحهما وقد ضربهما عن الشيخ الاكمل الافضل شمس الدين محمد بن خاتون رضي الله عنه عن الشيخ الاجل جمال الدين احمد بن كلماجي عن العفيف عن الشيخ رضي الدين جعفر بن الحسام عن السيد الاجل الحسن بن ابي البركات الشهير بابن نجم الدين عن الامام العلامة السعيد الشهيد محمد بن مكي عن شيخ الامامية الاعلمين الشيخ فخر الدين والسيد عميد الدين عن شيخهما وشيخ الاسلام وعميد الفقهاء الاعلام الامام العلامة الشيخ جمال الدين الحسن بن يوسف بن المطهر الحلي عن والده الامام سديد الدين يوسف بن المطهر الحلي عن شيخه الامام نجيب الدين بن نما الحلي عن الشيخ الاجل الاوحد شمس الدين محمد بن ادريس عن عزيز بن مسافر العبادي عن الناس بن هشام الحابري عن ابي علي المفيد عن والده الشيخ ابي جعفر الطوسي عن شيخه وشيخ الطائفة محمد بن محمد بن النعمان المشهور بالمفيد عن شيخه ابي القاسم جعفر بن محمد بن قولويه القمي عن محمد

بن یعقوب الکلینی قدس سره وبهذا الاسناد عن الشیخ
المفید عن الشیخ ابی جعفر محمد بن علی بن بابویه القمی
وبهذا الاسناد عن الشیخ ابی جعفر الطوسی عن الشیخ ابی
عبدالله محمد بن محمد بن النعمان المفید وبهذا الاسناد
عن ابی علی المفید عن والده الشیخ الطوسی وبهذا الاسناد
عن الشیخ ابی جعفر الطوسی عن جماعة من اصحابنا عن ابی
محمد هرون بن موسی التلعکبری عن ابی عمرو الکشی
وبهذا الاسناد عن الشیخ العلامة الحسن بن یوسف بن
المطهر الحلی باسناده عن احمد بن العباس النجاشی وبهذا
الاسناد عن الشیخین الاجلین الشیخ فخر الدین والسید
عمید الدین عن الشیخ الامام العلامة جمال الدین الحسن بن
یوسف بن المطهر الحلی والحمد لله وصلی

بخط مؤلف در ترتیب کتاب دیده شد

ابن رباعی را

میر محمد مؤمن استرابادی در محل شنیدن
خبر فوت سبد کان استادی بل استاد البشر
میرزا ابراهیم گفته واز ابن رباعی الم وحزن
او مفهوم میشود جز اکه الا میشه سبد کان استاد
تعریف صحبتها او میکرد ومیگفت بگو فی مرد
بگجائی تعلقی بمیر ساتیدیم ودر دودی
میان ما اودی بمیر سید پس مذکور این بیت
گفت که

خوبی چنان کرد تا رخ خوب تو دیده ایم
در هر سر محله ترا دیده ایم

رباعی ابنیست

میسوزد دل که یار جانی نفته
امسا به عیش وشادمانی نفته
فرخ سمنی خلیل وعلامه جلیل
یعنی همدان همدانی نفته

DUE DATE

OFFIC. FEB 13 1987

201-6503

Printed
in USA

13240820
COLUMBIA UNIVERSITY LIBRARIES
011324082O
BUTLER STACKS

893.796
T125

1962

COLUMBIA LIBRARIES OFFSITE
CU58837043
893.796 T125 Naqd al-Rijal.